



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

اصلاح نظام تعرفه ای در بخش کشاورزی

پروژه شماره ۲۵

مرداد ماه ۱۳۹۱





اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

شناسنامه تولید:

- عنوان پروژه: اصلاح نظام تعرفه ای در بخش کشاورزی
- مجری پروژه : دکتر فاطمه پاسبان
- همکاران اصلی : مهندس لیلا صادق زاده - مهندس شیما کریمی
- ناظر علمی پروژه :مهندس سید محمد حسین شریعتمدار
- مدیریت پروژه :مرکز مطالعات و بررسیهای اقتصادی اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران
- با تشکر از راهنمایی های دکتر سید محمود حسینی و مهندس احمد دوست حسینی
- امورا جرایبی : سارا محمدی
- طرح جلد : لیلا عروجی
- چاپ : واحد آموزش و انتشارات اتاق بازرگانی و صنایع و معادن تهران
- ناظر فنی : حسن آقایی زاده

پیشگفتار

اهمیت بخش کشاورزی در تامین امنیت غذایی و همچنین نیازهای بسیاری از صنایع، ایجاد اشتغال و کسب درآمدهای ارزی و استقلال ملی ایجاب می کند که توسعه پایدار آن در تمامی برنامه های کشور مورد توجه خاص قرار بگیرد. در این میان نقش سیاست های تعرفه ای از اهمیت ویژه ای برخوردار است سیاست هایی که با راهبردهای جایگزینی واردات، امنیت غذایی و خودکفائی در محصولات استراتژیک و برون گرا و توسعه صادرات مطرح شده اند.

در ایران عمده‌تأ این سیاست ها نیز تحت تاثیر درآمدهای نفتی واقع گردیده اند و کمتر بر مزیت های نسبی و رقابتی محصولات و توسعه پایدار بخش مورد توجه قرار گرفته است و تغییرات پیاپی سیاست ها در ایران هم بر عدم کارایی آنها افزوده است.

پژوهش انجام شده با استفاده از اسناد و مدارک موجود و دیدگاه صاحب نظران به این مساله مهم پرداخته که روندهای تاریخی نظام تعرفه ای و تحولات آن در ایران چگونه بوده است و با توجه به چالش ها و فرصت ها چه راهبردهایی برای اصلاح نظام تعرفه ای در بخش کشاورزی باید مد نظر قرار بگیرد. که این راهبردها در چهارچوب «اهداف، معیارها و ساختار نظام تعرفه ای تدوین و ارائه گردیده اند.»

اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران با فراهم کردن شرایط انجام این تحقیق، کوشش نموده است سندی معتبر برای فعالان و دست اندرکاران حوزه سیاست گذاری این بخش فراهم نماید تا در سال تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی راهنمای تصمیم گیریها و اقدامات اجرایی آنها باشد.

ضمن تشکر از مجری محترم طرح سرکار خانم دکتر پاسبان و جناب آقای مهندس شریعتمداد ناظر علمی پروژه، از عموم صاحب نظران درخواست می گردد که با ارائه نقدها و نظرات سودمند خود نواقص این گزارش را یادآور شوند و در تکمیل آن سهیم گردند.

دکتر یحیی آل اسحاق

رئیس

فهرست مطالب

۱-۱- طرح مساله	۱۵
۱-۲- ضرورت تحقیق	۱۸
۱-۳- اهداف تحقیق	۲۲
۱-۴- سوالات تحقیق	۲۲
۱-۵- مفاهیم و تعاریف	۲۳
۱-۶- دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با تعرفه	۲۷
۱-۷- سازمان تجارت جهانی و تعرفه	۴۲
۱-۸- مروری اجمالی بر مطالعات داخلی و خارجی تعرفه	۵۱
۱-۹- روش تحقیق	۵۹
۲-۱- شاخصهای بازرگانی جهانی بخش کشاورزی	۶۶
۲-۲- شاخصهای بازرگانی بخش کشاورزی ایران	۷۲
۲-۳- بررسی وضعیت تعرفه محصولات کشاورزی در برخی از کشورهای جهان	۸۴
۳-۱- تعریف تعرفه و مرجع تصمیم‌گیری آن در ایران	۱۱۶
۳-۲- تاریخچه سیر تحول قوانین و مقررات و سیاست‌های بازرگانی خارجی ایران	۱۱۸
۳-۳- مروری بر سیاست‌های تجاری و نظام تعرفه ای در برنامه‌های توسعه اقتصادی	۱۲۳
۳-۳-۱- سیاستهای تجاری در برنامه‌های توسعه کشور، استراتژی تجاری برنامه اول توسعه اقتصادی (۶۸-۱۳۷۲)	
۱۲۳	
۳-۳-۲- استراتژی تجاری برنامه دوم توسعه اقتصادی (۷۴-۱۳۷۸)	۱۲۳
۳-۳-۳- استراتژی تجاری برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۹-۱۳۸۲)	۱۳۶
۳-۳-۴- استراتژی تجاری برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۸۸)	۱۳۹
۳-۳-۵- استراتژی تجاری برنامه پنجم توسعه اقتصادی (۹۵-۱۳۹۰)	۱۴۳
۳-۳-۶- بررسی احکام قانونی نرخ تعرفه در برنامه‌های توسعه کشور	۱۴۶
۳-۴- سیاستهای تجاری و نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در برنامه‌های توسعه کشور	۱۵۰
۳-۵- ساختار تجارت خارجی بخش کشاورزی کشور با نگاهی به سازمان تجارت جهانی	۱۶۴
۳-۶- چالش‌ها و تنگناهای سیاستهای تجاری و تعرفه‌های کشورهای آسیای شرقی و بخش کشاورزی	۱۶۷
۳-۷- بررسی نتایج هم‌اندیشی با خبرگان در خصوص ارزیابی نظام تعرفه بخش کشاورزی	۱۷۴
۳-۷-۱- مولفه‌های کمک‌کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه	۱۷۵
۳-۷-۲- مولفه‌های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی	۱۷۸
۳-۷-۳- مولفه‌های مربوط به شکل‌گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی	۱۸۰
۳-۷-۴- روند تاریخی نظام تعرفه‌ای کلان و بخش کشاورزی در ایران	۱۹۴

- ۲-۴- مشکلات وموانع نظام تعرفه فعلی بخش کشاورزی..... ۲۰۳
- ۳-۴- نظام تعرفه‌ای محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته..... ۲۱۱
- ۴-۴- راهکارهایی درخصوص کاهش مشکلات وموانع نظام تعرفه محصولات کشاورزی..... ۲۱۳
- منابع و مأخذ..... ۲۲۳

فهرست جداول

- جدول ۱-۱: رشد حجم صادرات و تولید کالا در جهان طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ (درصد)..... ۱۶
- جدول ۲-۱: سهم کالاهای کشاورزی از کل تجارت جهانی و کالاهای اولیه بر حسب مناطق در سال ۲۰۰۷ (درصد)..... ۱۷
- جدول ۳-۱: تولید ناخالص داخلی کشور و سهم بخش کشاورزی از آن به قیمت ثابت ۷۶ (میلیارد ریال)..... ۱۹
- جدول ۴-۱: توزیع نسبی شاغلان ده ساله و بیشتر در بخشهای عمده اقتصادی کشور (درصد)..... ۲۰
- جدول ۵-۱: اشتغالزایی بخش کشاورزی طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵..... ۲۱
- جدول ۶-۱: ویژگیهای مثبت و منفی تعرفه نسبت به سایر روشهای حمایتی..... ۲۶
- جدول ۷-۱: استراتژی تجاری، رشد تولید ناخالص ملی در ۱۰ کشور منتخب..... ۳۹
- جدول ۸-۱: راهبردهای تجاری و بازرگانی کشور در برنامه‌های توسعه..... ۴۱
- جدول ۹-۱: تعهدات اصلی موافقت نامه کشاورزی دور اروگوئه..... ۴۸
- جدول ۱۰-۱: تاثیر وضع تعرفه بر گندمکاران سه گروه کشورها..... ۵۲
- جدول ۱۱-۱: سهم تعرفه غیر ارزشی در نظام تعرفه ای کشاورزی کشورهای مختلف..... ۶۲
- جدول ۱-۲: سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (درصد)..... ۶۸
- جدول ۲-۲: سهم صادرات فرآورده های اولیه کشاورزی از کل صادرات کالاها..... ۶۹
- جدول ۳-۲: سهم واردات فرآورده های اولیه کشاورزی از کل واردات کالاها..... ۶۹
- جدول ۴-۲: سهم خطوط تعرفه در تمامی محصولات در تجارت بین الملل..... ۷۰
- جدول ۵-۲: سهم خطوط تعرفه در فرآورده های اولیه در تجارت بین الملل..... ۷۱
- جدول ۶-۲: ارزش واردات کالای کشاورزی (میلیون دلار)..... ۷۳
- جدول ۷-۲: نسبت واردات به ارزش افزوده بخش کشاورزی، سهم وادرات کالای کشاورزی از کل واردات کشور (درصد)..... ۷۶
- جدول ۸-۲: واردات محصولات کشاورزی (میلیارد ریال) و سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای و کالای سرمایه ای کشور (درصد)..... ۸۰
- جدول ۹-۲: تراز تجاری بخش کشاورزی (میلیون دلار)..... ۸۳
- جدول ۱۰-۲: متوسط و میانه تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی بر حسب گروه بندی کالاها و مناطق (درصد)..... ۸۹
- جدول ۱۱-۲: میانگین ساده تعرفه نهایی وضع شده (simple average final bound)..... ۹۴
- جدول ۱۲-۲: ردیف های تعرفه و ارزش واردات بخش کشاورزی در کشورهای مورد بررسی..... ۹۶
- جدول ۱۳-۲: عوارض گمرکی نهایی وضع شده (final bound duties) - متوسط عوارض گمرکی..... ۹۸
- جدول ۱۴-۲: عوارض گمرکی کاربردی دول کامله الوداد (MFN applied duties) - متوسط عوارض گمرکی..... ۱۰۰
- جدول ۱۵-۲: واردات - معاف از عوارض گمرکی (درصد)..... ۱۰۲
- جدول ۱۶-۲: ابزارهای تعرفه ای مورد استفاده در کشورهای پیشرفته..... ۱۰۴

- جدول ۲-۱۷: میانگین تعرفه ایران در مقایسه با کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۰ ۱۱۱
- جدول ۲-۱۸: ویژگی های نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای مورد مطالعه ۱۱۴
- جدول ۳-۱: قوانین مربوط به صادرات و واردات در ایران ۱۳۵۷-۱۳۰۹ ۱۲۰
- جدول ۳-۲: مقایسه احکام قانونی بخش بازرگانی برنامه های اول تا چهارم توسعه در حوزه نظام تعرفه ای ۱۴۷
- جدول ۳-۳: روند دوازده ساله تعرفه به تفکیک فصول مختلف ۱۶۱
- جدول ۳-۴: درآمدهای گروه نفت در یک دوره دوازده ساله به قیمت پایه سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال) ۱۶۲
- جدول ۳-۵: پراکنش تعرفه ها در گروه های مختلف کالایی در ایران و اتحادیه اروپا ۱۷۳
- جدول ۳-۶: مولفه های کمک کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه ۱۷۶
- جدول ۳-۷: امتیازدهی و اولویت بندی مولفه های کمک کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه ۱۷۷
- جدول ۳-۸: مولفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی ۱۷۸
- جدول ۳-۹: امتیازدهی و اولویت بندی مولفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی ۱۷۹
- جدول ۳-۱۰: مولفه های مربوط به شکل گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی ۱۸۱
- جدول ۳-۱۱: امتیازدهی و اولویت بندی مولفه های مربوط به شکل گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی ۱۸۲
- جدول ۳-۱۲: راهبردهای تجاری و بازرگانی کشور در برنامه های توسعه ۱۸۷
- جدول ۳-۱۳: مقایسه احکام قانونی بخش بازرگانی برنامه های اول تا چهارم توسعه در حوزه نظام تعرفه ای ۱۸۸
- جدول ۴-۱: راهبردهای تجاری و بازرگانی کشور در برنامه های توسعه ۱۹۵
- جدول ۴-۲: مقایسه احکام قانونی بخش بازرگانی برنامه های اول تا چهارم توسعه در حوزه نظام تعرفه ای ۱۹۶
- جدول ۴-۳: ویژگی های نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای مورد مطالعه ۲۱۳

فهرست نمودار

- نمودار ۱-۱: سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶..... ۲۰
- نمودار ۱-۲: سهم بخش کشاورزی از اشتغال کشور طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵..... ۲۱
- نمودار ۱-۲: مقایسه حجم کالاهای وارداتی بخش کشاورزی سالهای (۸۶-۱۳۷۰)..... ۸۱
- نمودار ۲-۲: متوسط تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی برحسب مناطق (درصد)..... ۸۶
- نمودار ۲-۳: متوسط تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی برحسب گروه‌بندی کالاها (درصد)..... ۸۸
- نمودار ۲-۴: متوسط تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی برحسب گروه‌بندی کالاها و مناطق (درصد)..... ۹۱
- نمودار ۲-۵: توزیع فراوانی نسبی تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی برحسب مناطق (درصد)..... ۹۲
- نمودار ۲-۶: نرخ تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی و غیرکشاورزی مورد بررسی (درصد)..... ۹۵
- نمودار ۱-۳: روند تغییرات میانگین تعرفه در بخش کشاورزی و تغییرات درآمد نفت کشور (درصد)..... ۱۶۳
- نمودار ۲-۳: روند تغییرات میانگین تعرفه در بخش کشاورزی و تغییرات واردات کشاورزی کشور (درصد)..... ۱۶۳

فهرست اشکال

- شکل ۱-۱: فرآیند علمی انجام تحقیق..... ۵۹
- شکل ۱-۲: اجزای مدل مفهومی تحقیق..... ۶۰
- شکل ۱-۳: متوسط تعرفه بخش کشاورزی در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی..... ۸۵
- شکل ۱-۴: مشکلات و نارسایی‌های نظام فعلی تعرفه بخش کشاورزی..... ۱۸۴
- شکل ۲-۱: مشکلات و نارسایی‌های نظام فعلی تعرفه بخش کشاورزی..... ۲۱۰
- شکل ۲-۲: شمای کلی از سازوکارهای تدوین سیاست تعرفه‌ای در چارچوب استراتژی توسعه بخش کشاورزی..... ۲۱۸
- شکل ۳-۴: راهکارهای کاهش مشکلات نظام فعلی تعرفه بخش کشاورزی..... ۲۲۱



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بخش اول

کلیات تحقیق

مقدمه

در چند دهه گذشته در عرصه جهانی، توجه به گسترش روابط تجاری بین‌المللی با توجه به منافع ناشی از تجارت آزاد (به لحاظ نظری) که عاملی در جهت تخصیص بهینه منابع و توسعه افق‌های جدید برای تولید کالاها و خدمات براساس مزیت‌های نسبی کشورها، موضوعات مهم قابل بحث در تجارت بین‌الملل بوده است. به طوری که در دهه ۱۹۸۰ بخش وسیعی از تغییرات و تحولات در سیاست‌های تجاری کشورهای در حال توسعه به وقوع پیوسته و تعداد زیادی از این کشورها به سیاست آزادسازی تجاری روی آورده و آن را به عنوان عاملی اصلی و مهم در استراتژی‌های جدید توسعه خود لحاظ نمودند. آزادی تجاری یادرجه پیوستن هر کشوری به اقتصاد جهانی طی زمان مقوله‌ای است که مورد توجه اقتصاددانان، برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران کشورهای مختلف جهان می‌باشد. برخی از اقتصاددانان و سیاست‌گذاران بر این باورند که باز بودن تجارت (محدودیت تجاری کمتر) باعث عملکرد اقتصادی بهتر و رشد سریعتر می‌گردد. از سوی دیگر گروهی از اقتصاددانان به تاثیر مثبت سیاست تجاری آزادتر بر رشد اقتصادی تردید دارند و بر این باورند که نتایج مطالعات تجربی موجود با تنگنای‌های روش شناختی و با توجه به تصریح مدل، انتخاب نمونه و دوره زمانی ثابت ندارد و بنابراین نتایج آنها در بهترین و بدترین حالت گمراه کننده می‌باشد. مطالعات تجربی فراوانی از دیدگاه نخست حمایت می‌کند. نهادهای بین‌المللی همانند صندوق بین‌المللی پول، بانک جهانی و سازمان همکاری اقتصادی و توسعه اقتصادی به کشورهای عضو این باور را توصیه می‌کنند که آزادسازی تجاری بر رشد اقتصاد تاثیر مثبت دارد (Greenaway, 2002). با اینکه مطالعات و پژوهش‌های متعددی در خصوص رابطه آزادسازی تجاری و رشد اقتصادی و صادرات وجود دارد اما مطالعات اندکی به رابطه میان آزادسازی تجاری و بخش کشاورزی پرداخته است. مطالعات انجام شده در این خصوص نتایج متفاوتی را نشان می‌دهد به طوری که آزادسازی تجاری در کشورهای توسعه یافته به نفع بخش کشاورزی بوده است. مطالعات دیگر نشان می‌دهد در میان کشورهای با درآمد متوسط نظیر برزیل، آرژانتین، استرالیا، نیوزیلند، کانادا، آمریکای لاتین و کارائیب آزاد سازی به نفع بخش کشاورزی بوده و در کشورهای با درآمد کم در حال توسعه این منافع بسیار کم می‌باشد (Marron, 2006).

با وجود عدم اطمینان قطعی در خصوص آزادسازی تجاری و تاثیر آن بر رشد اقتصادی و زیربخش‌های آن براساس زمان مورد بررسی و ساختار اقتصادی هر کشور، در حال حاضر نیز موضوع پیوستن کشورها به معاهدات تجاری بین‌المللی از جمله سازمان تجارت جهانی (WTO) در میان صاحب نظران و سیاست‌گذاران به صورت جدی تر دنبال می‌شود به طوری که طی دهه اخیر پذیرش اکثر کشورها به خصوص کشورهای در حال توسعه جهت عضویت در سازمان تجارت جهانی مطرح شده و در حال حاضر ۱۵۳ کشور جهان در سازمان تجارت جهانی عضو می‌باشند. گسترش حجم و روابط تجاری در سطح بین‌المللی، فعالیتهای اقتصادی و روش سیاست گذاری اکثر کشورها را تحت تاثیر قرار داده و این امر سبب شده هر کشوری نسبت به حفظ و افزایش جایگاه و سهم بین‌المللی خود در بازار جهانی تلاشهای جدی متناسب با امکانات و قابلیت‌های تجاری را بکار بندد. در این فرآیند تنها الحاق به سازمان تجارت جهانی به معنای بهره‌مند شدن از مزایای تجارت جهانی نیست بلکه مهمتر از آن بسترسازی مناسب برای گسترش رقابت و ایجاد مزیت رقابتی در بازار خارجی و کاهش هزینه‌های تولید از جمله اقداماتی ضروری و اساسی برای دستیابی به منافع حاصل از تجارت جهانی است.

مطالعات جهانی نشان می‌دهد که عضویت کشورها در سازمان تجارت جهانی، بدون استفاده منطقی از مزایای اقتصادی و بستر سازی مناسب برای آزادسازی تجاری، موجب گشودن درها بر روی کالاهای خارجی شده و احتمالاً آسیب‌های اقتصادی بر فعالیتهای تولیدی را به همراه خواهد داشت. لذا یکی از قدمهای اساسی برای کاستن از خسارتهای احتمالی و افزایش منافع ناشی از عضویت قبل از پیوستن به سازمان تجارت جهانی، شناخت الزامات و سیاستهای مناسب و به عبارتی بسترسازی برای دستیابی به تجارت آزاد در صحنه تجارت جهانی است. در این راستا بخشی از بسترسازی تجارت آزاد (الزامات پیوستن به سازمان تجارت جهانی) در خصوص سیاستهای تجاری و از جمله تعرفه و نرخ آن می‌باشد. به عبارتی دیگر شناسایی نقاط قوت و ضعف سیاستهای تجاری و اصلاح آن با توجه به قوانین سازمان تجاری جهانی در یک دوره زمانی مشخص، جهت دستیابی به منافع حاصل از تجارت و کاهش زیانهای احتمالی آن می‌باشد. هدف از اصلاح سیاستهای تجاری در بازرگانی خارجی کشور به منظور فراهم آوردن فضای رقابتی برای بخش‌های مختلف اقتصادی، از جمله بخش کشاورزی است. در همین راستا این تحقیق به دنبال بررسی وضعیت نظام تعرفه‌ای ایران و جهان و شناخت نقاط قوت و ضعف نظام موجود کشور در جهت ارائه راهکارهایی برای بهبود نظام موجود تعرفه‌ای در جهت دستیابی به منافع بیشتر از تجارت جهانی و توسعه تولید و صادرات بخش کشاورزی می‌باشد. هدف این فصل ارائه کلیاتی در مورد مساله تحقیق، ضرورت و اهداف تحقیق و در نهایت روش تحقیق طرح است تا در ابتدای شروع تحقیق چارچوب کاری آن مشخص شده و ادامه کار بر اساس آن پایه گذاری شود.

۱-۱-۱- طرح مساله

موضوع واردات و ترکیب کالاهای وارداتی و تاثیر آن بر توازن پرداخت ها و تولید داخلی یکی از مباحث مورد مذاقه کارشناسان بوده و از این رو بر مدیریت واردات تاکید می‌گردد. توسعه تولید و تقویت ظرفیتهای اقتصادی و افزایش سرمایه‌گذاری و همچنین تنوع بخشی به درآمدهای ارزی، نیازمند مدیریت و برنامه‌ریزی مناسب برای واردات می‌باشد. افزایش توان رقابتی در بازارهای بین المللی و پایداری آن نیازمند انتخاب سیاستهای تجاری و استراتژی مناسب صادراتی و وارداتی بر حسب فعالیتهای اقتصادی است.

اهمیت مساله تجارت خارجی و پایداری آن را می‌توان در آمار و ارقام آن جستجو نمود. آمار و اطلاعات جهانی نشان می‌دهد که حجم صادرات کالا طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ در حدود ۵/۵ درصد رشد داشته که این نرخ رشد در مقایسه با نرخ رشد تولید جهانی کالا و تولید ناخالص داخلی (GDP) جهان طی همین دوره که در حدود ۳ درصد بوده، بیشتر می‌باشد. این ارقام نشان می‌دهد که گرچه در سال ۲۰۰۷ نسبت به سال ۲۰۰۶ رشد صادرات جهانی کالاها تقلیل یافته اما نسبت به رشد تولید کالا و تولید ناخالص داخلی در حدود ۲/۲ درصد رشد بیشتری داشته است. در همین دوره مشاهده می‌گردد که رشد صادرات کالاهای کشاورزی در حدود ۴ درصد و رشد تولیدات کشاورزی در حدود ۲/۵ درصد می‌باشد که نشان دهنده افزایش ۱/۵ درصد رشد صادرات نسبت به رشد تولید کشاورزی است (جدول ۱-۱).

همچنین ارقام جدول حاکی از رشد صادرات و تولید جهانی کالاهای کشاورزی بعد از تولیدات صنعتی طی دوره ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۷ بوده که اهمیت تولید و تجارت کالاهای کشاورزی را در بازار جهانی نشان می‌دهد. با مشاهده

ارقام این مساله مطرح می گردد که سیاستهای تجاری مناسب (خصوصا تعرفه) در بخش مدیریت واردات محصولات مختلف تولیدی در جهت توانمندسازی تولید چه می تواند باشد تا بتوان هم امنیت غذایی کشور را دنبال نمود و هم در بازار جهانی حضور فعال داشت.

جدول ۱-۱: رشد حجم صادرات و تولید کالا در جهان طی دوره ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۷ (درصد)

شرح	کالا	دوره ۲۰۰۰-۷	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷
صادرات جهانی کالاها	کل صادرات	۵/۵	۶/۵	۸/۵	۶/۰
	کالاها و تولیدات کشاورزی	۴/۰	۶/۰	۶/۰	۴/۵
	ساخت و تولیدات معدنی	۳/۵	۳/۵	۳/۵	۳/۰
	تولیدات صنعتی	۶/۵	۷/۵	۱۰/۰	۷/۵
تولید جهانی کالا	کل تولیدات	۳/۰	۳/۰	۳/۰	۴/۰
	کالاها و تولیدات کشاورزی	۲/۵	۲/۰	۱/۵	۲/۵
	ساخت و تولیدات معدنی	۱/۵	۱/۵	۱/۰	۰/۰
	تولیدات صنعتی	۳/۰	۴/۰	۴/۰	۵/۰
Gdp جهان		۳/۰	۳/۰	۳/۵	۳/۵

Source: WTO, International Trade Statistics, 2008

از سوی دیگر ارقام منتشر شده در گزارش سازمان تجارت جهانی حاکی از آن است که سهم صادرات و واردات جهانی کالاها و کشاورزی بر حسب مناطق جغرافیایی با هم متفاوت می باشد به طوری که در سال ۲۰۰۷ بیشترین سهم بخش کشاورزی از صادرات کل کالاها مربوط به آمریکای جنوبی و مرکزی با ۲۵/۱ درصد و بیشترین سهم بخش کشاورزی از کل واردات مربوط به آفریقا به ۱۴ درصد می باشد. در مود کالاها و اولیه بیشترین سهم بخش کشاورزی از کل صادرات کالاها و اولیه مربوط به اروپا با ۴۶/۲ درصد و سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه مربوط به کشورهای مستقل مشترک منافع (CIS) با ۴۹/۶ است (جدول ۱-۲).

جدول ۱-۲: سهم کالاهای کشاورزی از کل تجارت جهانی و کالاهای اولیه بر حسب مناطق در سال ۲۰۰۷ (درصد)

شرح	منطقه	صادرات	واردات
سهم از کل کالاها	جهان	۸/۳	۸/۳
	آمریکای شمالی	۹/۶	۶/۰
	آمریکای جنوبی و مرکزی	۲۵/۱	۸/۷
	اروپا	۹/۰	۹/۲
	کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS)	۷/۶	۱۰/۹
	آفریقا	۸/۱	۱۴/۰
	خاورمیانه	۲/۵	۱۰/۲
	آسیا	۵/۶	۷/۴
سهم از کالاهای اولیه	جهان	۲۹/۸	۲۹/۸
	آمریکای شمالی	۴۰/۸	۲۳/۹
	آمریکای جنوبی و مرکزی	۳۷/۹	۳۱/۳
	اروپا	۴۶/۲	۳۵/۲
	کشورهای مستقل مشترک المنافع (CIS)	۱۰/۳	۴۹/۶
	آفریقا	۱۰/۴	۴۷/۵
	خاورمیانه	۳/۳	۴۷/۸
	آسیا	۳۵/۱	۲۱/۸

Source: WTO, International Trade Statistics, 2008

با توجه به ارقام آورده شده ملاحظه می‌گردد بر حسب مناطق مختلف جغرافیایی حجم تجارت (صادرات و واردات) متفاوت می‌باشد که طبیعتاً مدیریت مناسب صادرات و واردات محصولات در طول زمان نیازمند تدوین سیاستهای تجاری و تشویقی مناسب و مطلوب در هر منطقه و کشور و با توجه به بازار جهانی و رقبا می‌باشد. در ایران نیز به منظور افزایش تولید، استقلال اقتصادی و امنیت غذایی، سیاستهای مختلفی در بخش تولید و تجارت در نظر گرفته شده است. بخش کشاورزی به دلیل نقش آن در تولید، صادرات، درآمد ارزی و امنیت غذایی همواره مورد توجه بوده است. این بخش در سال ۱۳۸۶ در حدود ۱۴/۳ ارزش افزوده کشور را به خود اختصاص داده است. (بانک مرکزی ایران، ترازنامه سال ۱۳۸۷). همچنین مقایسه واردات کشاورزی با کل واردات غیر نفتی کشور نشان می‌دهد که واردات کشاورزی از نظر مقداری در سال ۱۳۸۸ حدود ۳۵ درصد کل واردات ۵۱/۹ میلیون تنی کشور و از حیث ارزشی حدود ۱۵/۳ درصد کل واردات غیر نفتی ۵۵/۲ میلیارد دلاری کشور را تشکیل داده است. این مقدار در سال ۱۳۸۹ از نظر مقداری به ۳۲ درصد کل واردات ۴۵/۳ میلیون تنی و از حیث ارزشی به حدود ۱۴ درصد

۶۴/۴ میلیارد دلاری کل واردات غیر نفتی کشور رسیده است. از سوی دیگر آمار مقایسه ای صادرات کالاهای کشاورزی در سال ۱۳۸۹ نسبت به دوره ما قبل خود یعنی سال ۱۳۸۸ نشان می دهد که مجموع صادرات کالاهای خام در ۴ بخش دام و طیور، شیلات و محصولات زراعی و باغی از رشد قابل توجهی از نظر وزنی و از نظر ارزشی برخوردار بوده اند. به طوری که میزان صادرات محصولات خام از حیث وزنی با ۵۷ هزارتن افزایش ۳۳ درصد نسبت به دوره پیش از خود افزایش نشان داد و در همین مدت با بیش از ۷۰۰ میلیون دلار و با ۲۰ درصد رشد در ارزش صادرات محصولات خام میزان ارزش صادرات این نوع محصولات را از ۳/۱۶ میلیارد دلار تا حد ۳/۷۹ میلیارد دلار افزایش داد (موسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۹۰). مشاهده می گردد که بخش کشاورزی سهمی از واردات و صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده و از این رو مطالعه سیاستهای مناسب مرتبط با تجارت خارجی بخش کشاورزی را ضروری می سازد.

از دیدگاه کلی با توجه به روند جهانی تولید، صادرات و واردات کشاورزی از یک سو و نقش بخش کشاورزی در اقتصاد کشور از سوی دیگر، لزوم توجه عمیق تر به مساله تولید و واردات کشاورزی و تمرکز بر روی سیاستهای تاثیرگذار بر آن بیش از پیش احساس می شود. در این خصوص نظام تعرفه ای می تواند نقش مهمی در حمایت از تولید و مدیریت واردات داشته باشد. حال سؤال اساسی این است که موانع و چالش های نظام تعرفه ای موجود کدامند؟ راهکارهای بهبود نظام فعلی چیست؟ این تحقیق درصدد بررسی نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی و مقایسه آن با نظامهای تعرفه ای سایر کشور ها و پیشنهاد برای اصلاح نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی است.

۲-۱- ضرورت تحقیق

بهترین دلیل و ضرورت چنین تحقیقی یک بررسی و تحلیل خلاصه شده از نقش بخش کشاورزی در اقتصاد ملی و روند تعرفه ها در این بخش است. همان طور که اطلاعات جدول ۱-۳ نشان می دهد طی دوره ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶ روند تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی از رقم ۵۸۹۲ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۲۶۷۶۷۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ بالغ گشته که طی دوره میانگین درصد تغییرات آن در حدود ۲۴/۴ درصد است. ارقام ارزش افزوده به قیمت ثابت سال ۷۶ نشان دهنده آن است که طی دوره مورد بررسی ارزش افزوده بخش کشاورزی از ۲۹۹۲۶ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۸ به ۶۵۰۶۲۰ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ بالغ شده که در حدود ۴/۵ درصد میانگین درصد تغییرات آن طی دوره می باشد. این ارقام نشان از روند رو به رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی است. اطلاعات نشان می دهد که درصد تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت طی سالهای مورد بررسی مثبت (به جز سال ۱۳۷۸ و ۱۳۸۰) بوده و این خود حاکی از نبود نوسانات شدید در مسیر حرکت این شاخص در طول ۲۰ سال بوده است. بیشترین تغییرات ارزش افزوده بخش کشاورزی به قیمت ثابت مربوط به سال ۱۳۶۹ با ۱۱ درصد تغییر مثبت می باشد.

جدول ۱-۳: تولید ناخالص داخلی کشور و سهم بخش کشاورزی از آن به قیمت ثابت ۷۶ (میلیارد ریال)

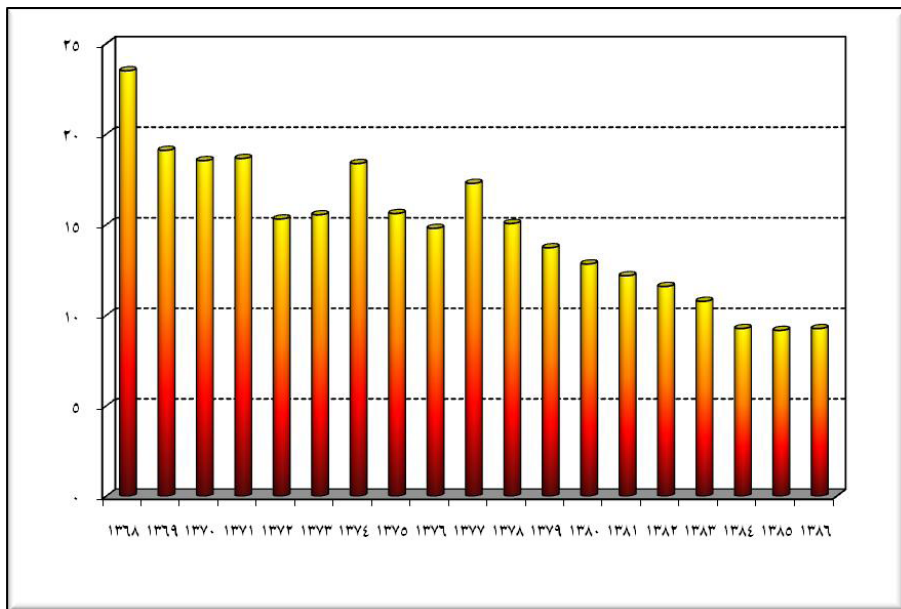
سال	برنامه	ارزش افزوده بخش کشاورزی		درصد نفی‌رات		سهم ارزش افزوده کشاورزی به کل کشور (درصد)		درصد نفی‌رات	
		جاری	ثابت	جاری	ثابت	جاری	ثابت	جاری	ثابت
۱۳۶۸	برنامه اول	۵۸۹۲۶۸	۲۹۹۲۶۴۲	۲۵۸۹	۴۳۴	۲۳۵۰	۱۵۶۳	۱۴۰	-۱۴۸
۱۳۶۹		۶۵۹۱۳۴	۳۳۲۲۶۹۴	۱۱۸۶	۱۱۰۳	۱۹۱۰	۱۵۲۰	-۱۸۷۰	-۲۷۱
۱۳۷۰		۸۹۷۶۶۱	۳۵۰۹۳۹۷	۳۶۱۹	۵۶۲	۱۸۵۴	۱۴۳۲	-۲۹۶	-۵۸۰
۱۳۷۱		۱۲۰۳۳۴۲	۲۸۷۰۳۶۵	۳۴۰۵	۱۰۲۹	۱۸۶۶	۱۵۱۹	-۶۵	-۶۰۵
۱۳۷۲		۱۵۳۳۰۹۰	۳۹۰۷۶۶۶	۲۷۴۰	۰۹۶	۱۵۳۱	۱۵۱۱	-۱۷۹۳	-۰۵۱
۱۳۷۳	میانگین	۲۰۴۸۱۵۶	۳۹۹۰۱۷۰	۳۳۶۰	۲۱۱	۱۵۵۴	۱۵۳۵	۱۵۱	۱۶۱
۱۳۷۴		۱۱۵۵۱۰۹	۳۵۹۸۸۲۲	۲۸۱۷	۵۷۲	۱۸۴۴	۱۵۱۳	-۶۰۱	-۰۴۷
۱۳۷۵		۳۴۵۷۴۵۲	۴۱۳۸۱۳۳	۶۸۸۱	۳۷۱	۱۸۲۷	۱۵۴۷	۱۸۲۰	-۰۷۴
۱۳۷۶		۳۸۸۶۸۲۰	۴۲۷۴۱۶۵	۳۲۹	۱۲۴۲	۱۵۶۱	۱۵۰۶	-۱۵۰۳	-۲۶۳
۱۳۷۷		۴۳۱۶۲۱۹	۴۳۱۶۲۰	۱۱۰۵	۰۹۸	۱۴۷۹	۱۴۷۹	-۵۲۴	-۱۷۷
۱۳۷۸	برنامه دوم	۵۶۷۵۰۷۷	۴۷۷۲۲۴۸	۳۱۴۸	۱۰۵۷	۱۷۲۷	۱۵۹۰	۱۶۷۷	۷۴۸
۱۳۷۹		۶۵۴۲۰۶۸	۴۴۲۳۷۵۷	۱۵۲۸	-۷۳۰	۱۵۰۶	۱۵۵۱	-۱۲۸۲	-۸۷۶
۱۳۸۰		۴۷۷۵۵۲۷	۴۳۸۴۹۰۴	۲۷۸۱	۲۲۵	۱۶۲۲	۱۵۱۵	۰۳۸	-۰۹۹
۱۳۸۱		۷۹۱۲۰۸۹	۴۵۷۷۴۲۱	۲۰۹۴	۳۴۷	۱۳۲۲	۱۴۳۰	-۸۸۷	-۱۴۲
۱۳۸۲		۸۵۳۲۸۱۰	۴۴۷۳۸۳۴	۷۷۳	-۲۲۶	۱۲۸۳	۱۴۵۳	-۶۵۵	-۵۲۷
۱۳۸۳	برنامه سوم	۱۱۱۲۷۶۱۲	۵۰۸۰۴۵۵	۳۰۵۵	۱۳۵۶	۱۲۱۸	۱۴۲۰	-۵۰۵	-۴۹۵
۱۳۸۴		۱۲۰۲۲۵۶۸	۵۳۳۱۹۶۴	۱۷۰۳	۴۹۵	۱۱۵۹	۱۳۸۳	-۴۸۶	-۲۶۶
۱۳۸۵		۱۵۶۶۹۷۰۸	۵۳۴۸۷۸۰	۲۰۳۳	۰۳۲	۱۰۷۶	۱۳۰۳	-۷۰۸	-۵۷۵
۱۳۸۶		۱۱۲۵۱۱۵۸	۴۹۶۲۴۹۱	۱۹۳۲	۴۰۱	۱۲۲۲	۱۳۷۸	-۶۴۸	-۲۰۵
۱۳۸۷		۱۷۱۸۱۰۶۰	۵۸۳۸۸۷۴	۹۶۵	۹۱۶	۹۲۶	۱۳۳۰	-۱۳۹۴	۲۰۸
۱۳۸۸	برنامه چهارم	۲۰۷۰۳۶۹۲	۶۱۱۳۴۰۶	۲۰۵۰	۴۷۰	۹۱۶	۱۳۰۶	-۱۱۳	-۱۷۹
۱۳۸۹		۲۶۷۶۷۹۱۶	۶۵۰۶۲۱۹	۲۹۲۹	۶۴۳	۹۲۶	۱۳۰۴	۱۱۲	-۰۲۲
۱۳۹۰		۲۱۵۵۰۸۸۹	۶۱۵۲۸۳۳	۱۹۸۱	۶۷۶	۹۲۳	۱۳۱۳	-۶۶۵	-۰۰۲
۱۳۹۱		۲۹۸۵۱	۴۵۶۷۸	۲۴۴۲	۴۵۲	۱۴۷۶	۱۴۴۷	-۴۲۴	-۰۹۴
۱۳۹۲									

ماخذ: بانک مرکزی ایران، حسابهای ملی، نماگرهای اقتصادی و گزارش تحولات اقتصاد ایران در بخش واقعی.

سهم بخش کشاورزی از ارزش افزوده کل کشور به قیمت جاری از ۲۳/۵ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۹/۳ درصد در سال ۱۳۸۶ بالغ گشته که در حدود ۴/۲- درصد در طول دوره میانگین درصد تغییر آن بوده که روند منفی داشته است. سهم بخش کشاورزی از ارزش افزوده کل کشور به قیمت ثابت نیز از رقم ۱۵/۶ درصد در سال ۱۳۶۸ به ۱۳ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده که میانگین درصد تغییرات سالیانه آن در حدود ۰/۹- درصد است. همان طور که ارقام نشان می‌دهد سهم بخش کشاورزی از ارزش افزوده کل کشور در برنامه اول و دوم بیشتر از سایر برنامه ها بوده است. گرچه طی دوره روند سهم بخش کشاورزی از ارزش افزوده کل کشور منفی بوده اما هنوز بیش از ۱۳ درصد تولید ناخالص داخلی به قیمت ثابت وابسته به بخش کشاورزی و فعالیتهای آن می‌باشد. این موضوع جدا از فعالیتهای غیرمستقیمی است که بخش کشاورزی در سایر بخشهای اقتصادی یعنی صنعت و خدمات ایجاد می‌کند (مانند صنایع فرآوری، خدمات بازرگانی و حمل و نقل مرتبط با بخش کشاورزی، خدمات دامپزشکی و غیره) که در صورت در نظر گرفتن این فعالیتها اهمیت بخش کشاورزی در اقتصاد ملی چند برابری شود.

نمودار ۱-۱: سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی به قیمت جاری

طی سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۸۶



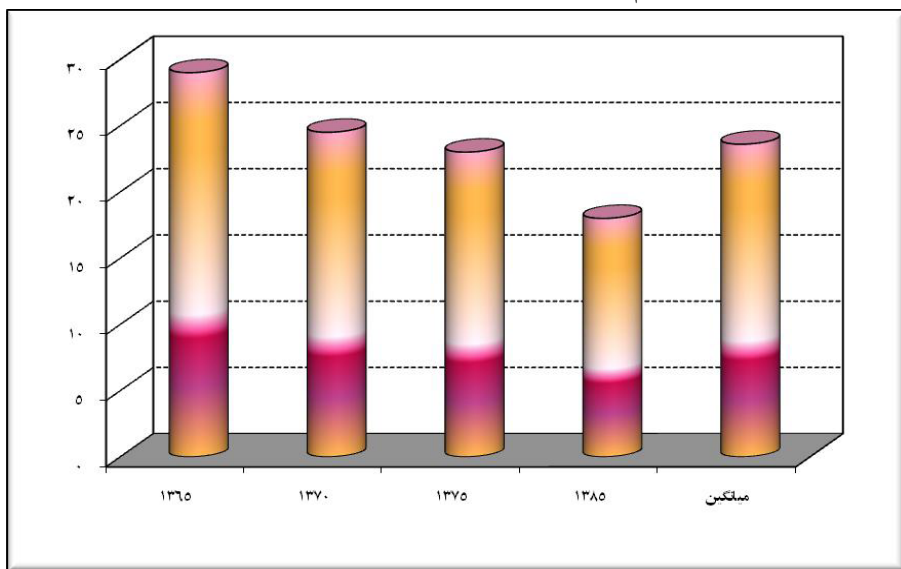
بخش کشاورزی از دیدگاه اشتغالزایی نیز در اقتصاد ملی دارای اهمیت می‌باشد. ارقام و آمار اشتغال بخش کشاورزی حکایت از این واقعیت دارد که این بخش هنوز سهم قابل توجهی در اشتغال کشور را داراست به طوری که ارقام جدول ۴-۱ نشان می‌دهد در سال ۱۳۸۵، ۱۸ درصد اشتغال کشور مربوط به بخش کشاورزی است. لازم به ذکر است که میانگین سهم اشتغال بخش کشاورزی طی دوره مورد بررسی در حدود ۲۳/۶ درصد بوده است. بخش کشاورزی بعد از بخش خدمات و صنعت نقش مهمی در اشتغال کشور داراست. از این رو در شرایط کنونی جامعه که کاهش بحران بیکاری و افزایش فرصت‌های شغلی یکی از دغدغه‌های مهم سیاست‌گذاران و برنامه‌های توسعه‌ای، بخش کشاورزی در این راستا می‌تواند سهم مهمی داشته باشد.

جدول ۴-۱: توزیع نسبی شاغلان ده ساله و بیشتر در بخش‌های عمده اقتصادی کشور (درصد)

سال	کشاورزی	صنعت	خدمات
۱۳۶۵	۲۹.۰	۲۵.۳	۴۲.۵
۱۳۷۰	۲۴.۵	۲۷.۶	۴۳.۶
۱۳۷۵	۲۳.۰	۳۰.۷	۴۴.۵
۱۳۸۵	۱۸.۰	۳۱.۷	۴۷.۹
میانگین	۲۳.۶	۲۸.۸	۴۴.۶

ماخذ: مرکز آمار ایران، سالنامه آماری کشور، سال ۱۳۸۵.

نمودار ۱-۲: سهم بخش کشاورزی از اشتغال کشور طی سالهای ۱۳۶۵ تا ۱۳۸۵



از سوی دیگر اطلاعات جدول ۱-۵ نشان می‌دهد که طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵ در حدود ۳۲۹ هزار نفر شاغل به بخش کشاورزی افزوده شده است که نرخ اشتغال‌زایی بخش کشاورزی در این دوره در حدود ۵/۶ درصد است. به عبارتی در حدود ۵/۶ درصد اشتغال اضافه شده به کشور طی دوره سهم بخش کشاورزی بوده است. آمار و ارقام حاکی از اهمیت بخش کشاورزی از بعد اشتغال‌زایی در اقتصاد ملی است.

جدول ۱-۵: اشتغال‌زایی بخش کشاورزی طی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۵

سال	اشتغال کل کشور	اشتغال بخش کشاورزی
۱۳۷۵	۱۴۵۷۱۵۷۲	۳۳۵۷۲۶۳
۱۳۸۵	۲۰۴۷۶۳۴۴	۳۶۸۶۷۴۷
اشتغال اضافه شده طی دوره	۵۹۰۴۷۷۲	۳۲۹۴۸۴
سهم بخش کشاورزی از اشتغال ایجاد شده	۵۶	

ماخذ: مرکز آمار ایران، سرشماری نفوس و مسکن سال ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ و محاسبات تحقیق.

همچنین بررسی تعرفه های بخش کشاورزی طی سالهای ۱۳۶۱ تا ۱۳۸۷ دستخوش تغییرات متفاوتی بوده است به طوری که در ابتدای دوره و بین سالهای ۱۳۶۱-۶۵ میانگین ساده تعرفه ها روند صعودی داشته است و میانگین ساده تعرفه ها که در سال ۱۳۶۱، ۳۱/۶ درصد بوده که یکی از دلایل آن عدم استفاده از حقوق گمرکی در جداول تعرفه های این سال است که در سال ۱۳۶۵ به ۹۸/۷۶ رسیده است. بین سالهای ۱۳۶۵-۷۱ میانگین ساده تعرفه ها تقریباً ثابت بوده است. میانگین ساده تعرفه ها در دو سال ابتدای این دوره (۱۳۶۵ تا ۱۳۷۱) ۹۸/۷۶ درصد بوده است و در ۴ سال بعدی به خاطر عدم تغییر جداول تعرفه ای ۹۹/۴۴ درصد بوده است. در سال ۱۳۷۲ به خاطر حذف حقوق گمرکی از اجزاء تعرفه ها و تغییر مبنای محاسبه نرخ ارز میانگین ساده تعرفه ها به سطح بسیار پایین ۲۵/۰۴

درصد کاهش یافت. بین سالهای ۱۳۷۲-۷۷ میانگین ساده تعرفه ها از روند افزایشی آرامی برخوردار بوده است. در سال ۱۳۷۸ به یکباره میانگین اسمی تعرفه ها افزایش زیادی یافته است و افزایش ناگهانی در سالهای ۱۳۷۹ و ۱۳۸۰ نیز تکرار شده است. به طوری که نسبت به دوره قبلی (۱۳۷۲-۷۷) نزدیک به صد درصد میانگین تعرفه ها افزایش یافته است. میانگین وزنی تعرفه ها از روندی مشابه میانگین ساده تعرفه ها برخوردارند و در تمامی سالها میانگین های وزنی با شکاف نسبتاً زیادی پایین تر از میانگین های ساده تعرفه قرار دارند که غیر مؤثر بودن تعرفه های وضع شده و سطح بالای میانگین های ساده به صورت غیر ضرور را نشان می دهد. تغییرات نظام تعرفه بخش کشاورزی این نکته را به ذهن متبادر می سازد که روند تحول و تغییر آن در طول زمان بر اساس اهداف تعیین نرخ تعرفه (مهمترین اهداف حمایت از تولید و تنظیم بازار داخلی) بوده است یا نه. بررسی این نکته با توجه به اینکه بخش کشاورزی از لحاظ اقتصادی دارای اهمیت بوده ضروری است که در این گزارش به آن پرداخته می شود. از این رو لازمست ابتدا بررسی و تحلیل خلاصه شده ای از وضعیت سیاستها و روند تعرفه های بخش کشاورزی در گذشته ارائه شود. در ضمن با بررسی تجارب سایر کشورها و نظام تعرفه ای آنان می توان کاستی ها و نواقص نظام موجود کشور را شناسایی نمود و با توجه به تحلیل وضعیت موجود نظام تعرفه ای کشور، راهکارهای مناسبی برای بهبود نظام فعلی ارائه نمود.

۳-۱- اهداف تحقیق

هدف اصلی تحقیق شناخت نظام فعلی تعرفه ای بخش کشاورزی است. اهداف فرعی نیز عبارتند از:

- ۱- بررسی تحولات نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸
- ۲- بررسی و تحلیل نارسایی های نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۸
- ۳- بررسی نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته (از نظر نرخ تعرفه بخش کشاورزی)
- ۴- ارائه پیشنهادات جهت اصلاح نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی

۴-۱- سوالات تحقیق

سؤال اصلی این تحقیق عبارتست از: نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی چه ویژگیهایی دارد؟ سوالات فرعی

نیز عبارتند از:

- ۱- روند تاریخی نظام تعرفه ای واردات (کلان و بخش کشاورزی) در کشور چگونه بوده است؟
- ۲- موانع و چالش های نظام تعرفه ای موجود کدامند؟
- ۳- نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته چگونه است؟ (نرخ تعرفه)
- ۴- راهکارهای مناسب برای اصلاح نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی چیست؟

۱-۵- مفاهیم و تعاریف

تعریف تعرفه

تعرفه (حقوق گمرکی) عبارت است از مالیات و عوارضی که دولت به دلایل حمایتی و مالی، یا ترکیبی از این دو در هنگام عبور کالاهای خارجی از مرزهای کشور اخذ می‌گردد. بدیهی است که تعرفه‌های گمرکی (هر نوع که باشند) قیمت کالاهای وارداتی را افزایش می‌دهند. ناحیه‌ی گمرکی ناحیه‌ای جغرافیایی است که در آن کالاها بدون آن که مشمول حقوق گمرکی و تعرفه باشند، آزادانه جابه‌جا شوند. عموماً، و نه لزوماً، با مرز کشور تطبیق پیدا می‌کند. اگر ناحیه‌ی گمرکی بیشتر از نواحی کشوری باشد، اتحادیه گمرکی نام دارد. اصولاً اهمیت اقتصادی ناحیه گمرکی به جابه‌جایی کالاها در داخل این ناحیه بدون آن‌که به آن‌ها تعرفه یا حقوق گمرکی تعلق گیرد، می‌باشد (پورمقیم، ۱۳۷۰).

به عبارت دیگر تعرفه گمرکی عبارتست از فهرست منظم و مرتب کلیه اقسام عوارض گمرکی که بنا به تصمیم مراجع قانونی بر کلیه کالاهای وارداتی کشور و یا برخی از آنها در یک زمان تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر تعرفه عبارتست از مالیاتی که بر نقل و انتقال کالاها و خدمات از مرزهای یک کشور یا منطقه وضع می‌شود. تعرفه‌ها از قدیمی‌ترین ابزارهای دخالت دولت در تجارت آزاد محسوب می‌شود.

تعرفه‌ها دو نقش عمده دارند: (۱) یا وسیله‌ای جهت افزایش درآمدهای دولت هستند و (۲) یا ابزاری برای حمایت از تولیدات داخلی در مقابل رقابت خارجی است. گاهی اوقات تعرفه‌ها نقش حمایت از تراز پرداختها را با کاهش واردات ایفا می‌کنند.

تعریف عوارض گمرکی

عوارض گمرکی وجوهی است که گمرک بنا بر قوانین مصوب از کالاهای وارداتی دریافت می‌کند. عوارض گمرکی درصدی از ارزش یا مبلغی متناسب با وزن محصول است که از واردکنندگان دریافت می‌شود. عوارض گمرکی لزوماً از همه محصولات دریافت نمی‌شود و محصولات خاصی را شامل شده که هنگام تصویب مجلس تعیین می‌شود. هم اکنون نیز کلیه عوارض گمرکی ایران طبق قانون تجمیع عوارض در حقوق گمرکی تجمیع شده و تنها از برخی کالاها مابه‌التفاوت گمرکی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان دریافت می‌شود (فریادرس، ۱۳۸۳).

انواع تعرفه

تعرفه‌ها را می‌توان به صورت زیر طبقه بندی نمود (گیلانپور، ۱۳۸۷):

الف) تعرفه‌های سهمیه‌ای: مقدار مالیات دریافتی متناسب با مقدار واردات تعیین می‌گردد.

ب) تعرفه‌های غیرسهمیه‌ای: مقدار مالیات اخذ شده مستقل از مقدار واردات تعیین می‌گردد و شامل تعرفه‌های ذیل می‌باشد:

۱- تعرفه ارزشی^۱ که درصدی از ارزش کالاهای وارداتی به عنوان تعرفه تعیین و اخذ می گردد. ۲- تعرفه غیر ارزشی^۲ شامل تعرفه ثابت^۳، مرکب^۴، مخلوط^۵ و فنی^۶ است. در تعرفه ثابت صرف نظر از ارزش کالا مبلغ معینی به عنوان تعرفه تعیین و اخذ می گردد. دلایل استفاده از تعرفه ثابت عبارتند از:

- ✱ توانایی بیشتر تعرفه برای حمایت در شرایط کاهش شدید قیمت‌ها در بازارهای بین‌المللی.
- ✱ شفافیت کمتر این سیستم تعرفه‌ای که می‌تواند پوششی برای نرخ‌های بالای حمایت باشد.
- ✱ برای اعمال آن نیازی به اطلاع از ارزش کالای وارداتی نیست.

در تعرفه مرکب یک تعرفه ارزشی به یک تعرفه ثابت افزوده یا کم می شود. در تعرفه مخلوط به جای ترکیب عطفی تعرفه‌های ارزشی و ثابت ترکیبی فصلی این دو تعرفه به نحوی که سطح معینی از حمایت را در هر شرایط تضمین می نماید. در تعرفه فنی میان تعرفه بر حسب محتویات کالای فرآوری شده مانند حجم یک نهاده، تعیین می‌گردد.

بخش قابل توجهی از تعرفه‌ها، تعرفه ثابت هستند. بخش کشاورزی تقریباً تنها بخشی است که هنوز از تعرفه ثابت استفاده می‌کند. به عنوان نمونه حدود ۴۴ درصد از نرخهای تعرفه‌ای کشاورزی در ایالات متحده امریکا و اتحادیه اروپا، تعرفه ثابت هستند. به طور کلی ۶/۶ درصد از نرخهای تعرفه‌ای کشورهای عضو سازمان جهانی تجارت تعرفه غیرارزشی است. این در حالی است که این نسبت به خصوص کالاهای کشاورزی و صنعتی به ترتیب ۱۹ و ۴ درصد می‌باشد که خود مؤید گستردگی کاربرد تعرفه‌های غیرارزشی در بخش کشاورزی است. نکته جالب تر آن است که کشورهای توسعه یافته بزرگترین استفاده‌کنندگان از این تعرفه‌ها هستند. در بین کالاهای کشاورزی استفاده از این سیستم در مورد کالاهای فصول ۲ (محصولات گوشتی)، ۴ (محصولات لبنی)، ۱۷ (شکر)، ۱۸ (کاکائو)، ۱۹ (فرآورده‌های غلات) و ۲۲ (نوشابه‌ها) مرسوم تر است.

بسیاری از کشورها از تعرفه‌های غیرارزشی در بخش کشاورزی خود استفاده می‌کنند که به ترتیب بزرگترین استفاده‌کنندگان از تعرفه‌های غیر ارزشی اتحادیه اروپا، ایالات متحده، ژاپن و کانادا هستند. بر اساس اطلاعات موجود تعرفه‌های ثابت و مرکب از کاربرد بیشتری برخوردارند. البته میزان استفاده از این تعرفه‌ها در همه محصولات کشاورزی یکسان نیست.

نوع دیگر سیستم تعرفه‌ای مرسوم در بخش کشاورزی سهمیه تعرفه‌ای^۷ است. سهمیه تعرفه ای هر ارزش یا مقدار از پیش تعیین شده مجاز برای صادرات یا واردات کالای معین طی یک دوره مشخص، با تخفیف در حقوق گمرکی است که پس از سپری شدن این دوره، هر مقدار اضافی از این کالاها را می‌توان با پرداخت حقوق گمرکی معمول، وارد یا صادر کرد. در این سیستم به دلیل این که کشور اعمال‌کننده تعرفه قادر به تأمین تمامی نیازهای خود از طریق تولید داخلی نیست و در عین حال قصد دارد از تولیدکنندگان محصول موردنظر حمایت نماید، تعرفه اندکی

1 -Ad-Valorem

2 -Non- Ad-Valorem

3 -Specific

4 -Compound

5 -Mixed

6 -Technical

7 - Tariff Quota

را بر واردات مقدار معینی از کالا اعمال می‌نماید و واردات بیشتر از این حد تعیین شده مشمول تعرفه بالاتر خواهد شد. به تعرفه اندک اعمال شده تعرفه در حد سهمیه^۱ گفته می‌شود و به تعرفه بالای اعمال شده تعرفه بیش از حد سهمیه^۲ اطلاق می‌گردد.

نوعی دیگر از تعرفه ها ، تعرفه فصلی^۳ است. از تعرفه فصلی موقعی استفاده می‌شود که توازن عرضه و تقاضا به طور معنی داری در فصول مختلف سال تغییر نماید. بنابراین تعرفه فصلی نوعی از تعرفه گمرکی است که در مقاطع مختلف زمانی با نرخ متفاوتی وضع می‌شود. این تعرفه اغلب بر محصولات کشاورزی و در زمان برداشت محصول در کشور وضع کننده تعرفه دارای بالاترین نرخ می‌باشد. با این حال شمول تعرفه فصلی صرفاً به محصولات کشاورزی اختصاص نداشته و می‌تواند حوزه نسبتاً وسیعتری نظیر آب، و برق و غیره نیز به دلیل تغییرات فصلی در تقاضا و عرضه را در بر بگیرد. ماهیت شکل گیری و فلسفه وجودی تعرفه فصلی عمدتاً بر کاهش نوسان قیمتها و ضرورت تنظیم بازار استوار است.

مطالعه سابقه تعرفه فصلی از منظر سازمان جهانی تجارت نشان می‌دهد که ماهیت و کارکرد تعرفه فصلی به سبب شفافیت، قابل پیش بینی بودن و اثر درآمدی، مشابه تعرفه گمرکی است و لذا در دسته بندی موضوعی، در زمره تعرفه گمرکی قرار می‌گیرد. همچنین، مطابق تعرفه های تثبیت شده و کاربردی از منظر سازمان جهانی تجارت، بالاترین تعرفه فصلی اعمال شده در دوره زمانی برداشت را می‌توان همان تعرفه های تثبیت شده^۴ دانست و در خارج از دوره برداشت نیز تعرفه فصلی استفاده شده را همان تعرفه کاربردی تلقی نمود (USDA, 2001).

انواع نرخهای تعرفه

انواع نرخهای تعرفه به شرح زیر می‌باشد :

نرخهای عمومی: نرخهایی است که به وسیله قوانین تجاری هر کشور وضع می‌شود.

نرخهای دولت کامله الوداد : در موافقتنامه های دول کامله الوداد مزایایی از جمله تخفیف در حقوق گمرکی و هر گونه مالیاتی که از کالاهای کشورهای دیگر دریافت می‌شود بین طرفین متعاهدین موضوع مبادله کالا برقرار می‌شود.

نرخهای محدود شده به وسیله گات: شامل نرخهای جداول الحاقی به گات است.

ویژگیهای تعرفه نسبت به سایر روشهای حمایتی

تعرفه نسبت به سایر ابزارهای حمایتی دارای جنبه های مثبت و منفی است که به طور خلاصه در جدول ۱-۶ آمده است. اینکه این ابزار سیاستی مناسب است یا نه نیازمند تحلیل هزینه فایده آن نسبت به سایر روشهای حمایتی است.

1 - In-Quata Tariff

2 - Over-Quata Tariff

3 - Seasonal Tariff

4 - Tariff Binding

جدول ۱-۶: ویژگیهای مثبت و منفی تعرفه نسبت به سایر روشهای حمایتی

مثبت	منفی
تامین درآمد برای دولت از طریق وضع نرخ تعرفه (نوعی مالیات) بر اساس نوع کالا	قیمت نسبی کالاها را دچار اختلال می کند
حمایت از تولید داخلی	اثر تعرفه بر تراز پرداختها و تحدید واردات قطعی نیست
قدرت انتخاب نوع واردات	تعرفه برای محدود کردن واردات مصرفی تجملی کفایت نمی کند
هزینه های اجرایی کمتر	حساس بودن سایر کشورها نسبت به وضع تعرفه
	مشکلات تصمیم گیری در تغییر نرخ تعرفه

ماخذ: رحیمی، عباس و دیگران، سیاستهای حمایتی با تاکید بر سیاستهای بازرگانی، ص ۷۰ تا ۷۲

کالاهای کشاورزی (کدهای HS)

بخش کشاورزی بر اساس نظام هماهنگ تعرفه ای شامل ۲۴ فصل می باشد که عبارتند از: فصل (۱) حیوانات زنده، فصل (۲) گوشت و احشای خوراکی، فصل (۳) ماهی ها، قشرداران، صدفداران و سایر آبزیان فاقد ستون فقرات، فصل (۴) شیر و محصولات لبنی، تخم پرندگان، عسل طبیعی، محصولات خوراکی که منشأ حیوانی دارند و در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد، فصل (۵) سایر محصولات حیوانی که در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد، فصل (۶) نباتات زنده و محصولات گلکاری، فصل (۷) سبزی ها و نباتات، ریشه و غده های زیرخاکی خوراکی، فصل (۸) میوه های خوراکی، پوست مرکبات یا پوست خربزه، فصل (۹) قهوه، چای، ماته و ادویه، فصل (۱۰) غلات، فصل (۱۱) محصولات صنعت آردسازی، مالت، نشاسته و فکول، اینولین و گلو تن گندم، فصل (۱۲) دانه و میوه های روغن دار، دانه و بذرمیوه های گوناگون، نباتات صنعتی یا دارویی، کاه و نواله، فصل (۱۳) انگم ها، رزین ها و سایر شیرها و عصاره های نباتی، فصل (۱۴) مواد قابل بافت، سایر محصولات نباتی که در جای دیگر گفته نشده و مشمول شماره دیگر تعرفه نشده باشد، فصل (۱۵) چربی ها و روغن های حیوانی و نباتی یا فرآورده های حاصل از تفکیک آن ها، چربی های خوراکی آماده، موم های حیوانی یا نباتی، فصل (۱۶) فرآورده های گوشت، ماهی، قشرداران، صدفداران یا سایر آبزیان فاقد ستون فقرات، فصل (۱۷) قند و شکر و شیرینی، فصل (۱۸) کاکائو و فرآورده های آن، فصل (۱۹) فرآورده های غلات، آرد، نشاسته، فکول یا شیر و نان های شیرینی، فصل (۲۰) فرآورده هایی از سبزی ها، میوه ها یا از سایر اجزای نباتات، فصل (۲۱) فرآورده های خوراکی گوناگون، فصل (۲۲) نوشابه ها، آبگونه های الکلی و سرکه ها، فصل (۲۳) آخال و تفاله صنایع خوراک سازی، خوراکی های آماده برای حیوانات و فصل (۲۴) توتون و تنباکو.

خصیصه ها و ویژگیهای نظام تعرفه ای

نظام هماهنگ^۱ یک فهرست کالایی بین المللی ارائه شده توسط شورای همکاری گمرکی که براساس کدهای شش رقمی تنظیم گردیده و به تمامی کشورهای شرکت کننده امکان می دهد که کالاهای مورد مبادله را بر مبنایی مشترک طبقه بندی کنند. فراتر از این کدهای شش رقمی، کشورها آزادند که برای تعرفه ها و بسیاری مقاصد دیگر، از ارقام متمایز کننده خود استفاده کنند.

تجارت بین‌الملل شامل اقلام بسیار زیادی است و تعداد آن‌ها نیز با افزایش محصولات جدید روزبه روز افزایش می‌یابد. جهت اداری تعرفه نوعی طبقه‌بندی یا فهرست گمرکی^۱ ضروری است. اکثر کشورها دو نوع لیست یا فهرست گمرکی دارند. لیست کالاهای مشمول تعرفه و لیست کالاهای آزاد و غیرمشمول تعرفه‌های گمرکی. طبقه‌بندی در لیست کالاهای مشمول تعرفه ممکن است به صورت زیر باشد:

۱- بر اساس حروف الفبا

۲- بر اساس مقدار تعرفه

۳- برحسب کالا

هرکدام از این طبقه‌بندی‌ها مزایا و معایبی دارند. طبقه‌بندی برحسب حروف الفبا یا برحسب مقدار تعرفه ساده می‌باشد. ولی ارتباط دادن آن‌ها به کالای خاص یا گروهی از کالاها مشکل است. طبقه‌بندی برحسب کالا منطقی‌تر و در سیستم‌های تعرفه‌ای جدید به کار گرفته می‌شود. این روش طبقه‌بندی ممکن است بر اساس مواد فیزیکی محصول ساخته شده، مصارف نهایی کالا و یا مراحل تولید کالا باشد.

برای هر کالای مشمول تعرفه، فهرست تعرفه گمرکی ممکن است یک، دو یا سه ستون داشته باشد. بر اساس تعداد متفاوت تعرفه‌های گمرکی بر هر کالا در فهرست گمرکی گفته می‌شود یک کشور دارای یک سیستم یک ستونه، یا دو ستونه یا سه ستونه است. وقتی حقوق گمرکی به وسیله قانون برقرار گردید، آن را مستقل^۲ و اگر نتیجه بستن موافقت‌نامه باشد، آن را قراردادی^۳ می‌نامند.

در ادبیات تئوری عمومی، نظام به مجموعه‌ای از اجزای به هم وابسته گفته می‌شود که در راه نیل به هدف‌های معینی هماهنگ‌اند (چارلزوست ۱۳۶۹، مدنی، ۱۳۷۳). با توجه به این تعریف، منظور تحقیق از نظام تعرفه‌ای عبارتست از: تعریف نرخ تعرفه و نحوه فرایند تعیین نرخ تعرفه و تغییر آن، قوانین و مقررات مربوط به آن، نقش دولت و نهادهای مردم‌مدار در تعیین آن، مراجع تصمیم‌گیری و الزامات جهانی و سازمانهای بین‌المللی.

۱-۶- دیدگاه‌ها و نظریه‌های مرتبط با تعرفه (چرایی وجودی و علل وضع آن)

امروزه اقتصاددانان با توجه به نقش مداخله‌گر دولت در عملکرد کلی اقتصاد، با این پرسش روبرو هستند که آیا تجارت بدون دخالت دولت منجر به رشد اقتصادی می‌شود؟ حتی شواهد قوی مبنی بر رابطه مثبت قوی میان تجارت آزاد و رشد اقتصادی نیز نتوانسته است تمامی شبهات را برطرف نموده و به سؤال مزبور جواب قانع‌کننده‌ای بدهد. علت وجود چنین شبهاتی، نقض فرضیه‌های میان رابطه‌ی میان تجارت و استراتژی تجاری، با رشد اقتصادی است به طوری که در این ارتباط رشد اقتصادی همواره شکننده بوده است (Jong-wha, 1992). همچنین بسیاری از پیش‌بینی‌های مرتبط با تجارت آزاد و رشد اقتصادی مبهم است. تعرفه‌ها بسته به این‌که چه بخشی از اقتصاد را مورد حمایت قرار دهند، ممکن است باعث کاهش یا افزایش رشد اقتصادی شوند. در واقع، تئوری‌های اقتصاد بین‌الملل در این مورد کاملاً روشن و قاطع نیستند. به طوری‌که شواهد تجربی مبنی بر ارتباط میان سیاست‌های تجاری و رشد

1 - Customs nomenclature

2 - Autonomous

3 - Conventional

اقتصادی پایدار، بسته به نوع صنعت و کشور، متفاوت و مبهم‌اند و مطالعات مقطعی نیز شواهدی قوی از اثرات مقیاس اقتصادی حاصل از تجارت را روی رشد اقتصادی نشان نمی‌دهند (Havylyshyn, 1990).

از سوی دیگر تئوری کلاسیک‌ها و نئوکلاسیک‌ها در ادبیات اقتصاد بین‌الملل خاطرنشان می‌سازد که اختلالات تجاری که از سیاست‌های اقتصادی دولت نشأت می‌گیرند، نرخ رشد اقتصادی و درآمد سرانه را در فرایند یک دوره‌ی انتقالی بلندمدت از مسیر اصلی خویش خارج ساخته و منحرف می‌نماید. همچنین در ادبیات مزبور اثرات اختلالات تجاری بر نرخ رشد اقتصادی، به میزان آزادی تجارت که توسط سهم واردات در تولید ناخالص داخلی نشان داده می‌شود، بستگی دارد. در نتیجه سیاست‌های اقتصادی که به اختلالات تجاری دامن می‌زنند، برای کشورهای با منابع و امکانات تولیدی کم‌تر، در مقایسه کشورهای با منابع و امکانات تولیدی فراوان‌تر، به مراتب زیان‌بارتر است. اقتصاددانان نئوکلاسیک در مطالعات خود نشان می‌دهند که حتی اختلالات کوچک تجاری که دولت بر سر راه معاملات و مبادلات بین‌المللی ایجاد می‌کند، می‌تواند به طور اساسی باعث کاهش بهره‌وری سرمایه و در نتیجه، کاهش رشد اقتصادی در یک دوره‌ی نسبتاً بلندمدت انتقالی گردد. همچنین اختلالات تجاری که توسط دولت‌ها و سیاست‌های اقتصادی دولت از قبیل تعرفه‌ها و کنترل نرخ ارز به وجود می‌آیند، نرخ رشد اقتصادی را در کشورهایی که نیاز فراوانی به واردات دارند، به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش می‌دهند (Lee, 1992). اقتصاددانان نئوکلاسیک معتقدند که وضع تعرفه و استفاده از سیاست‌های حمایتی از طرف کشور کوچک، باعث افزایش قیمت کالاهای وارداتی، کاهش مصرف داخلی، افزایش تولید ناکارای داخلی (رقابت‌پذیری کم)، کاهش واردات، ایجاد درآمدهای جدید برای دولت، توزیع درآمد و ایجاد عدم کارایی اقتصادی (به دلیل هزینه‌های حمایت) می‌شود. از سوی دیگر، وضع تعرفه از سوی کشور بزرگ از سویی باعث کاهش حجم تجارت می‌شود، درحالی‌که رابطه‌ی مبادله، به سود کشور تمام می‌شود. کاهش حجم تجارت به کاهش درآمد واقعی و رفاه منجر شده و بهبود رابطه‌ی مبادله، موجب افزایش درآمد واقعی و رفاه خواهد شد. تأثیر خالص این دو بر رفاه و رشد اقتصادی، تعیین‌کننده‌ی افزایش، کاهش و یا ثبات ماندن رفاه و رشد اقتصادی کشور بزرگ خواهد بود. ولی به دلیل ثابت بودن رابطه‌ی مبادله و کاهش حجم تجارت در کشور کوچک، وضع تعرفه، همیشه به کاهش رفاه و متعاقباً کاهش رشد اقتصادی منجر می‌شود (رحیمی بروجردی، ۱۳۸۳).

در مقابل طرفداران دخالت دولت در تجارت، طرفداران تجارت آزاد معتقدند که تجارت آزاد موجب افزایش درآمد واقعی و رفاه برای کلیه‌ی کشورهای درگیر تجارت می‌شود که این امر نیز منجر به «تقسیم کار» در سطح بین‌المللی خواهد شد و متعاقباً تولید کالاها را افزایش خواهد داد. برخی از دلایل تجارت آزاد به طور خلاصه به قرار زیرند:

الف) بدیهی است که «تجارت معمولاً سودمند است»، «تجارت تأمین‌کننده‌ی کارایی است» و اثر آموزشی به همراه دارد: تجارت آزاد دربرگیرنده‌ی اثر آموزشی است، زیرا به دلیل روبرو شدن با رقابت خارجی، تولیدکنندگان داخلی به اتخاذ تازه‌ترین پیشرفت‌های فناوری ترغیب می‌شوند، که در نتیجه تکنیک‌های پیچیده‌تری در فرایند تولیدی مورد استفاده قرار خواهند گرفت و در نتیجه تولیدکنندگان همیشه خود را به‌نگام نگه داشته و مصرف‌کنندگان از زندگی و رفاه بالاتری برخوردار می‌شوند. به علاوه، کالاهای وارداتی معمولاً واردکننده‌ی عقاید، روش‌ها و فرهنگ‌های

جدیدی هستند که این امر، از یک طرف ملت‌ها را به هم نزدیک‌تر نموده و از سوی دیگر باعث کاهش اختلافات سیاسی و تشابه عقاید میان ملت‌ها می‌گردد.

ب) دلایل اجتماعی تجارت آزاد: این دلایل را می‌توان به قرار زیر خلاصه نمود:

۱- دولت‌های دموکراتیک راستگو، از سیاست‌های حمایتی که معمولاً به خاطر اهداف سیاسی-طبقه‌ای و ایدئولوژیک اعمال می‌شوند، حمایت نمی‌کنند و در مقابل از «تجارت آزاد» استفاده می‌نمایند. دولت‌هایی که به طور دموکراتیک از طرف مردم انتخاب شده‌اند، به جای برآورده ساختن نیازهای یک طبقه ذینفع در جامعه، از تجارت آزاد که رفاه کل جامعه را در بر می‌گیرد، حمایت می‌کنند.

۲- تجارت آزاد موجب می‌شود که وحدت سیاسی، منافع ملی و واقع‌گرایی اقتصادی دست به دست هم جلو بروند و رابطه میان آن‌ها را محکم می‌سازد و اجازه نمی‌دهد که منافع گروه‌های مختلف جامعه در برابر یکدیگر قرار بگیرد.

۳- امروزه کشورها نمی‌توانند تنها با یکدیگر روابط سیاسی داشته باشند بلکه روابط اقتصادی میان کشورها علاوه بر این که بر روابط سیاسی‌شان تأثیر فراوانی می‌گذارد، از بروز جنگ‌های احتمالی نیز (اگر کشورها مشتریان خوبی برای هم باشند) به شدت جلوگیری می‌نماید. روابط تجاری میان کشورها موجب ارتقاء روابط صمیمانه سیاسی میان آن‌ها می‌شود و به صلح و امنیت بین‌المللی کمک بسیار خواهد کرد.

ج) دلایل اقتصادی تجارت آزاد: این دلایل عبارتند از:

۱- تجارت بین‌الملل برای کشورهایی که در تولیدشان از عوامل داخلی استفاده‌ی بسیار می‌برند، یا به دلیل به وجود آمدن شکاف تکنولوژیکی، سیکل تولیدی، مقیاس اقتصادی، منابع طبیعی، سرمایه‌های انسانی و غیره در تولید کالایی «مزیت نسبی» کسب می‌نمایند این فرصت را ایجاد می‌کند که «تخصص» کسب نماید و در نتیجه تجارت بین‌الملل کشور را به سوی صادرات کالاهایی رهنمون می‌سازد که تولیدشان برای کشور نسبت به کشورهای دیگر بدیع، نو و ارزان تمام می‌شود و برعکس واردات کالاهایی که خصوصیات فوق را نداشته باشند، بوجود می‌آید. پس تجارت سطح مصرف و درآمد واقعی کشور را افزایش می‌دهد و منجر به افزایش سطح رفاه می‌شود.

۲- تجارت بین‌الملل برای آن دسته از کشورهایی که بازارهای محدودی دارند و با هزینه‌ی تولیدی بالایی روبرو هستند، مقیاس اقتصادی به وجود می‌آورد. بدین صورت که تجارت بین‌الملل به کشورهای فوق این امکان را می‌دهد که از بازارهای خارجی استفاده کنند و این امر تولید و صادراتشان را افزایش داده و هزینه‌ی تولیدی آن‌ها را از طریق مقیاس اقتصادی (افزایش تولید و کاهش هزینه تمام شده) کاهش می‌دهد.

۳- از آنجایی که افزایش تجارت به افزایش درآمد ملی منجر می‌شود، تقاضا برای کالاها و خدمات نیز افزایش می‌یابد، که این امر به پدیدار شدن اثرات فزاینده در کل سیستم اقتصادی منجر می‌شود. افزایش در درآمد و تقاضا برای کالاها و خدمات به افزایش سطح پس‌اندازها، سرمایه‌گذاری‌ها و اشتغال می‌انجامد. در نتیجه‌ی افزایش سطح سرمایه‌گذاری‌ها، از طریق انباشت و افزایش در سطح اشتغال، نه تنها منجر به تحریک رشد و توسعه اقتصادی می‌گردد، بلکه می‌تواند به رشد و توسعه پایدار کمک نماید.

۴- تجارت آزاد بین‌الملل این امکان را به کشور می‌دهد که وارداتش را از کالاهای سرمایه‌ای، مواد خام و داده‌های تولیدی دیگر، که برای فرایند تولیدی ضروری هستند و منجر به افزایش ظرفیت‌های عرضه‌ی اقتصاد می‌شوند،

افزایش دهد. واردات تکنولوژی، دانش فنی و خدمات حاصل از آن‌ها از سوی کشورهای صنعتی به کشورهای رو به رشد از مزایای دیگر تجارت آزاد است که به تحریک رشد اقتصادی کشورهای درحال توسعه منجر می‌شود.

۵- تجارت بین‌الملل می‌تواند تولید داخلی را از طریق رقابت در کالاهای قابل تجارت برانگیزد و در نتیجه کیفیت کالاهای مزبور را بهبود و قیمت‌هایشان را کاهش دهد. ایجاد رقابت در کالاهای قابل تجارت همچنین به افزایش کارایی کالاهای منجر می‌شود و تولیدکنندگان را مجبور می‌کند که استاندارد کالاهایشان را با سطح استاندارد کالاهای خارجی با کیفیت بالا همسان کنند (Keesing, 1979).

۶- تجارت آزاد ابزار مهمی برای حرکت بین‌المللی سرمایه (در کنار انتقال استعدادهای مدیریتی، تخصص، مهارت، کارآفرینی اقتصادی، دانش فنی و...) از کشورهای توسعه یافته به کشورهای درحال توسعه است. بدین ترتیب هر قدر حجم تجارت بین‌الملل بیشتر باشد، حجم سرمایه‌های خارجی برای کشور درگیر تجارت نیز افزایش خواهد یافت.

۷- تجارت آزاد می‌تواند به مثابه بهترین سیاست ضدانحصار قلمداد شود و برای ابقا و حفاظت از رقابت بازارهای اقتصادی تضمین خوبی است (Haberler, 1995).

بر اساس تفکر و ایده تجارت آزاد و دخالت دولت در تجارت دو استراتژی تجاری جانشینی واردات و توسعه صادرات مطرح گردید. سیاست جانشینی واردات عمدتاً در دو دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ به وجود آمد. دلیل عمده آن از یک سو کاهش تقاضای جهانی برای مواد اولیه و خام و اساسی و کسری رو به افزایش تراز پرداختها و از سوی دیگر این اعتقاد که این سیاست باعث صنعتی شدن کشورها می‌شود، بوده است که به طور وسیعی از طرف مجامع مالی بین‌المللی مانند بانک جهانی با اعطای وام‌های بلند مدت مورد تأکید قرار می‌گرفت. پس از پایان جنگ جهانی دوم بسیاری از کشورهای در حال توسعه امروزی از بند استعمار رها شدند برای استقلال بیشتر و رهایی از وابستگی کشورهای پیشرفته این سیاست را بدون طرحی آگاهانه پذیرفته و در پیش گرفتند. نظرات مکتب ناسیونالیسم اقتصادی و یا تاریخی به رهبری فردریک لیست (۱۷۸۹-۱۸۹۹) در تضاد با نظریه برتری نسبی، پشتیبانی از سیاست تجارت آزاد را فقط به نفع کشورهایی می‌داند که به لحاظ صنعتی در مرتبه بالاتری هستند. این مکتب صلاح نمی‌داند کشورهایی که هنوز به طور کامل صنعتی نشده‌اند، درهای کشور خود را بر روی کالاهای صنعتی بگشایند. وی در مراحل اولیه توسعه، تجارت آزاد را می‌پذیرد تا اینکه کشورهای توسعه یافته وسیله‌ای برای رهایی از عقب ماندگی شده و همزمان پیشرفتهایی در کشاورزی حاصل شود. در مرحله دوم توسعه با استفاده از محدودیتهایی تجاری و گمرکی و حمایت از صنایع نوزاد، شرایطی ایجاد شود تا صنایع گوناگون داخلی توسعه یابند، و بالاخره در مرحله سوم که کشور با اتخاذ سیاستهای حمایتی به درجه مالی ثروت و قدرت رسید، مجدداً سیاست تجارت آزاد پیش گرفته شود تا بخشهای داخلی و بازرگانی خود را پویا نمایند. به لحاظ تاریخی این مکتب اولین و طراح و مبدع حمایتگرایی^۱ بوده است.

از دیگر پیشگامان این نظریه، اقتصاددانان مشهوری همانند پریش، نرکس و میردال را می‌توان نام برد. این سه اقتصاددان، جهت‌گیری جایگزینی واردات را در فرآیند توسعه اقتصادی کشورهای جهان سوم توصیه کردند. ایده اصلی این نظریه، بر این اصل استوار بود که در حال حاضر نظریه کلاسیک‌ها در خصوص برتریهای نسبی، هیچ مناسبتی با شرایط موجود در کشورهای در حال توسعه ندارد، چون بر پایه سابقه تاریخی، رابطه مبادلات بازرگانی

بین کشورهای در حال توسعه و کشورهای صنعتی به گونه‌ای است که این کشورها همواره مبادرت به صدور مواد اولیه و ارزان قیمت می‌نمایند، لیکن مجبور به خرید کالاهای ساخته شده صنعتی به قیمت گران هستند. این اندیشمندان اعتقاد داشتند که ادامه این روند شکاف میان جهان فقیر و جهان غنی را بیشتر خواهد کرد.

پربیش بر این عقیده بود که پیروی از سیاست تجارت آزاد و اجازه سرمایه‌گذاری‌های خارجی پیامدی جز عقب ماندگی کشورهای آمریکای لاتین را نخواهد داشت. او در گزارشی که در سال ۱۹۵۰ از طرف سازمان ملل متحد انتشار منتشر کرد کشورهای جهان سوم را به بستن تعرفه و پیروی از سیاست جایگزینی واردات تشویق نمود. پربیش نظریه سستی مزیت نسبی را زیر سوال برد و معتقد بود که کشورهای جهان سوم قادر نیستند با رشد تولید و صادرات مواد اولیه، به توسعه اقتصادی دست یابند و برای این ادعا، چند دلیل را مطرح کرده است که عبارتند از:

- افزایش بهره‌وری تولیدات صنعتی در کشورهای پیشرفته باقی می‌ماند در حالی که افزایش بهره‌وری تولیدات کشاورزی به دلیل کاهش قیمت محصولات کشاورزی به خارج انتقال می‌یابد.
- کشش درآمدی تقاضا برای محصولات صنعتی، بزرگتر از محصولات کشاورزی است، بنابراین با افزایش درآمد جهانی تقاضا برای تولیدات صنعتی نسبت به محصولات کشاورزی با افزایش بیشتری مواجه می‌شوند.

راگنار نرکس اقتصاددان مشهور آمریکایی، کاهش قیمت محصولات کشورهای در حال توسعه مانند مس و محصولات کشاورزی را دلیلی برای ادعای خود عنوان نمود. او اعتقاد داشت که نوسانات دائمی قیمت‌های محصولات یاد شده، در بلندمدت نمی‌تواند ثبات اقتصادی را برای آن کشورها به ارمغان آورد و بر این اساس، توسعه بازار داخلی محصولات صنعتی را روش مناسبتری از صادرات به شیوه فوق می‌دانست.

میردال، با تأکید بر بحث کشش تقاضا سعی داشت که این راهبرد را توجیه نماید. وی عنوان کرد که چون کشش تقاضا برای مواد اولیه در بازار جهانی کم است و از این رهگذر کشورهای جهان سوم با خطر کاهش صادرات و افزایش بدهیهای بین‌المللی مواجه هستند، بهتر آن است که کشورهای جهان سوم کالاهای مورد نیاز خود را در داخل تهیه کرده و از این طریق گامهای اولیه صنعتی شدن را بردارند.

به لحاظ نظری و تاریخی بحث راهبرد جایگزینی واردات در پاسخگویی به نارساییهای اصل برتریهای نسبی کلاسیک‌ها مطرح شد و هدف عمده آن تغییر تخصیص منابع به شیوه‌ای است که افزایش تولیدات صنعتی، جوابگوی نیازهای داخلی بوده و کاهش نیازهای وارداتی را در پی داشته باشد.

طرفداران سیاست جانشینی واردات برای اثبات ادعای خود در دفاع از سیاستهای حمایتی تجاری استدلالهایی عنوان می‌کنند که به طور فهرست وار می‌توان آنها را به صورت زیر طبقه بندی کرد:

الف - تخریب رابطه مبادله: رابطه مبادله بازرگانی میان کشورهای روبه توسعه و کشورهای صنعتی به گونه‌ای است که کشورهای جهان سوم - که صادر کننده مواد اولیه هستند به دلایل متعدد از جمله بهبود بهره‌وری در عوامل تولید و پیشرفت فن آوری و استفاده از مواد اولیه مصنوعی همواره با کاهش قیمت فرآورده‌های صادراتی خود مواجه هستند، لیکن کشورهای صنعتی با بهره‌گیری از همین عوامل، بهره‌وری عوامل تولید و فن آوری، با صادرات کالاهای صنعتی به قیمتهای بالاتر، توانسته‌اند بخش عظیمی از منافع تجارت آزاد را به خود اختصاص دهند. به عبارت دیگر قبول تجارت آزاد جهانی به دلیل تخریب رابطه مبادله، به زیان کشورهای در حال توسعه

صادر کننده مواد اولیه، به مفهوم ارزان فروختن مواد اولیه گران قیمت است که این رابطه هرچه زودتر باید بهبودیابد.

ب- افزایش نسبت پس انداز: یکی از منابع اصلی تمرکز سرمایه، افزایش نرخ سرمایه گذاری ها از محل وجوه پس انداز شده داخلی است. می توان حجم پس اندازهای داخلی را از طریق محدود کردن و یا حتی ممنوع کردن ورود کالاهای مصرفی خارجی افزایش داد و از عواید صرفه جویی شده برای واردات کالاهای سرمایه ای سود جست، اما چنین پدیده ای معمولاً در تجارت آزاد رخ نمی دهد.

پ- جلب و جذب سرمایه خارجی: سیاستهای حمایتی می تواند به مثابه یک عامل انباشت سرمایه از طریق جذب و جلب سرمایه های خارجی در کشورهای در حال توسعه عمل می کند. یکی از راههای نفوذ شرکتهای خارجی به بازار کشورهای رو به توسعه که سیاستهای حمایتی را بر تولیدات داخلی اعمال نموده اند، ساخت کارخانه های تولید کالاهای مورد نظر در قلمرو جغرافیایی کشورهای مزبور است. در این حالت شرکتهای خارجی نه تنها سدهای گمرکی را می شکنند، بلکه با اعمال سیاستهای حمایتی توسط کشور میزبان، از رقابت با دیگر شرکتهای خارجی به هزینه میزبان رهایی می یابند. البته عدم مدیریت صحیح سرمایه گذاریهای خارجی علاوه بر انحصار فن آوری پیشرفته می تواند وابستگی های شدیدی را موجب شده و بحران پیامدهای اجتماعی- سیاسی به همراه داشته باشد.

ت- حمایت از صنایع نوزاد: یکی از استدلالهای موجود، اعمال سیاستهای حمایتی به منظور حمایت و پشتیبانی از صنایع نوزاد داخلی در برابر رقابت با صنایع جا افتاده خارجی به شمار می رود. اصولاً برخی از کشورهای در حال توسعه، دارای تواناییهای بالقوه در تولید محصولات صنعتی هستند و بدون حمایت نمی توانند به موجودیت خود در برابر صنایع مشابه خارجی ادامه بدهند، اما با گذشت زمان قادر خواهند بود با غلبه بر مشکلات خود هزینه های تولید را از طریق افزایش بازدهی کاهش دهند، بنابراین از صنایع نوزاد داخلی در برابر صنایع مشابه خارجی طی برنامه ای معین و شفاف (حسابگری و تعیین دقیق میزان حمایت و آثار مستقیم و غیر مستقیم آن) و فقط برای یک دوره بررسی شده حمایت کرد، تا به مراحل بلوغ و پختگی برسند. به عبارت دیگر محاسبه طول دوره های که یک صنعت نوزاد می تواند خود را بر مرز مزیت های نسبی در مقایسه با کشورهای رقیب برساند، مهمترین معضل مدیریت راهبردی در کشورهای در حال توسعه است.

ث- صرفه های خارجی: اصولاً ساخت و توسعه هر صنعت جدید، منفعی به شکل صرفه های خارجی در پی دارد. صرفه های خارجی معمولاً به صرفه های خارجی فن آورانه و مالی طبقه بندی می شوند. صرفه های نوع نخست، بنگاهها را از طریق ایجاد تغییرات در تابع تولید آنها تحت تاثیر قرار می دهد. صرفه های خارجی مالی هنگامی که سود یک تولید کننده در نتیجه فعالیت تولید کنندگان دیگر متاثر می شود، ایجاد می شوند. با گسترش ظرفیت یک صنعت و در نتیجه سرمایه گذاریهای اضافی، قیمت فرآورده های آن سقوط می کند و قیمت عوامل تولید مورد استفاده آن افزایش می یابد. به این ترتیب کاهش قیمت فرآورده به سود مشتریان و افزایش قیمت عوامل تولید به سود عرضه کنندگان این عوامل خواهد بود. هنگامی که نفعی به شکل سود، عاید بنگاههای تولیدی شود، این صرفه ها به شکل صرفه های خارجی مالی خواهد بود.

ج- تعادل در تراز پرداختها: یکی از اهداف اصولی سیاست بازرگانی کشورهای در حال توسعه، جلوگیری از کسری تراز پرداختهای خارجی است. تقاضای فزاینده داخلی برای مواد غذایی، یکی از علل افزایش واردات در این

کشورهاست. در نتیجه رشد جمعیت و انتقال محوریت توسعه اقتصادی از بخش کشاورزی به بخش صنعت، مهاجرت‌های بی رویه از روستاها به شهرها، تنگناهای زیر بنایی به وجود می‌آید. این کشورها علاوه بر واردات مواد غذایی همه ساله اقدام به واردات مقادیر قابل توجهی از دیگر کالاهای مصرفی نیز می‌کنند که یا اصلاً در داخل تولید نمی‌شوند و یا تولید آنها پاسخگوی تقاضای داخلی نیست. این پدیده در مورد واردات کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای نیز مصداق دارد. از این رو اعمال سیاست جایگزینی واردات، یکی از راههای غلبه بر مشکل کسری تراز پرداختها عنوان می‌شود. اما از سوی دیگر کشورهای رو به توسعه در مراحل نخستین توسعه صنعتی از طریق سیاست جایگزینی واردات، نیازمند واردات مقادیر زیادی از کالاهای سرمایه‌ای، مواد اولیه جدید، قطعات یدکی و ماشین‌آلات هستند که این امر در صورت بی ثبات بودن درآمد صادراتی، ممکن است مشکل کسری تراز پرداختها را تشدید کند.

ج- توزیع عوامل: این بحث است که در کشورهای رو به توسعه میان هزینه خصوصی و هزینه عمومی یا هزینه اجتماعی تولید کالا، تمایز وجود دارد. منوی لسکو این تمایز را در نظریه حمایتی خود به خوبی تبیین کرده است. به موجب این نظریه وجود بیکاری یا بیکاری پنهان در بخش کشاورزی سبب می‌شود که هزینه خصوصی تولید کالای کشاورزی تا حد فاحشی کاهش یابد و همین کاهش هزینه خصوصی است که مبنای محاسبه برتری نسبی در تولید فرآورده‌های کشاورزی قرار می‌گیرد و صدور کالاهای کشاورزی و وارد کردن کالاهای ساخته شده صنعتی را موجه و ممکن می‌سازد و لیکن این هزینه خصوصی تولید به هیچ وجه نشان دهنده هزینه اجتماعی تولید کالای کشاورزی نیست. در صنعت به لحاظ بالا بودن سطح مزد، هزینه خصوصی تولید بیشتر است (که خود به وجود قوانین و مقرراتی بر می‌گردد). بر مبنای همین ملاحظه، منوی لسکو اتخاذ سیاست حمایتی شدید را توصیه می‌کند تا بر اثر آن صنایع تولید کننده کالاهای مورد نیاز کشور، توسعه پیدا کنند و کارگر بیکار بخش کشاورزی به بخش صنعت که در آنجا بازده کار وی بیشتر است منتقل شود، بنابراین انتقال کارگر از کشاورزی به صنعت به افزایش تولید منجر می‌شود و همین موضوع، اساس نظریه مزیت نسبی را نفی می‌کند. در مورد عامل سرمایه هم می‌توان استدلال مشابهی را انجام داد. با این توضیح که در بازار سرمایه وضع کاملاً عکس بازار کار است. یعنی هزینه‌های خصوصی (هزینه‌های سرمایه‌ای) در صنعت از هزینه‌های عمومی کمتر و در کشاورزی از آن بیشتر است و هر جا که هزینه‌های عمومی بیشتر از هزینه‌های خصوصی (البته سرمایه‌ای) باشد مزایای ناشی از برتری نسبی منتفی خواهد شد. این استدلال کیندل برگراست.

اگرچه استدلالهای فوق می‌تواند بسیار قانع کننده باشد و منافع زیادی برای کشورهای در حال توسعه ایجاد کند، ولی در بسیاری از موارد در عمل، نتایج مطلوبی عاید نشده است. سیاستهای حمایتی نقش بسیار مهمی در توسعه جهان سوم بازی می‌کند، هم به دلایل اقتصادی و هم به دلایل غیر اقتصادی ولی در واقع این ابزار سیاست اقتصادی است که باید آگاهانه به کار گرفته شود و ابزاری جادویی نیست که بدون توجه به اثرات کوتاه مدت و بلند مدت آن مورد استفاده قرار گیرد.

حمایتگرایی مهمترین اهرم در جانشینی واردات است. حمایتگرایی را معمولاً از طریق بستن تعرفه، محدودیتهای مقداری و یا با ابزارهایی اعمال می‌کنند که به افزایش قیمت کالاهای وارداتی و کاهش قدرت رقابت آن با تولیدات داخلی بینجامد. بدیهی است چنانچه کالای وارداتی به دلایلی نظیر کیفیت، دوام، ظاهر خارجی و حمایتهای پس از

فروش، جانشین داخلی نداشته باشد مقدار واردات آن در اثر تعرفه، تا حدودی کاهش یافته و قیمت آن بیشتر افزایش پیدا می کند، در اینجاست که حمایت کاملاً به زیان مصرف کنندگان آن تمام خواهد شد و به تولید داخلی نیز چندان کمکی نخواهد کرد. یک مشکل مهم همواره این است که دولتها از سیاست تعرفه معمولاً هدفهای متعددی را تعقیب می کنند که گاه با یکدیگر سازگاری ندارند، بنابراین اگر تعرفه، دولت را به یک هدف نزدیک کند، از هدف دیگر دور می سازد که این البته اشکال سیاستگذاری است و به تعرفه بر نمی گردد. به عنوان نمونه اگر سیاست جانشینی واردات به عنوان مسیر صنعتی شدن و توسعه اقتصادی کشور انتخاب شود، در این صورت سیاست وارداتی و نظام تعرفه گمرکی بنا به اقتضای تولید داخلی حرکت کند به طوری که اگر فعال شدن صنایع داخلی کاهش تعرفه را ایجاب کند، این کاهش انجام خواهد شد، اما اگر در این فاصله هدف موازنه پرداختها نیز مد نظر باشد و برای تحقق آن نیز باید از تعرفه استفاده شود در این صورت زمانی که ممکن است کاهش تعرفه به نفع عملکرد اقتصاد داخلی باشد وضع تراز پرداختها را بدتر کند.

در مقابل سیاست جانشینی واردات، توسعه صادرات یا جانشینی صادرات، نظر به خارج دارد و چنانچه رشد اقتصادی تحت تاثیر صادرات به دست آمده باشد رشد متکی بر صادرات است. توسعه صادرات معرف گرایش به آزادی در تجارت بین الملل است. در عمل این استراتژی برای کشورهایی که با فقر منابع یا بازار کوچک داخلی هستند و نمی توانند به توسعه اقتصادی از طریق صادرات منابع اولیه و جایگزینی واردات امید داشته باشند مناسب است. توسعه صادرات معمولاً توسعه صادرات غیر سستی و کارخانه ای است. ابزارهای سیاست تشویق صادرات عبارتند از: سیاستهای ارزی (کاهش ارزش پول)، آزادسازی تجارت، ایجاد منطقه (ناحیه) تجارت آزاد، اتحادیه گمرکی، بازار مشترک، اتحادیه اقتصادی، روشهای مالی حمایت از صادرات، سرمایه گذاری خارجی، مزیت نسبی به عنوان مهمترین ابزار و بازارها مهمترین مکانیزم عمل تشویق صادرات و به عنوان بهترین راهنما برای بخش خصوصی عمل می کنند که چه کالایی را برای بازار داخلی و چه کالایی را برای بازار خارجی تولید کنند و دولت نباید دخالتی در این امر داشته باشد.

با توجه به نظریات و سیاستهای بازرگانی مطرح شده توسط اقتصاددانان و بکارگیری آن در عمل، آمار و اطلاعات نشان می دهد که از اواسط دهه ۱۹۵۰، دوره رشد چشمگیر در تجارت جهانی و گشایش اقتصادها^۱ آغاز گردید. مطابق داده های آماری، از سال ۱۹۶۵، تجارت جهانی در تمامی سالها - بجز معدود سالهای که با افت ادواری^۲ مواجه شده بودند- با سرعت بیشتری نسبت به درآمد جهانی رشد نمود به نحوی که رشد تجارت در این دوره به دو برابر رشد درآمد رسید. این رشد سریع، بازتاب چند عامل از جمله کاهش موانع و محدودیت های تجاری است.^۳

در کشورهای صنعتی طی دهه ۱۹۳۰، سطح بالایی از حمایت ها تجربه شد ولی پس از تأسیس موافقت نامه گات سطح آنها رو به کاهش گذاشت و این روند تحت ادوار متوالی مذاکرات گات تداوم یافت. فرآیند اصلاح تنها به کاهش تعرفه ها محدود نگردید و در دهه ۱۹۵۰، یک مؤلفه مهم آزادسازی یعنی، لغو محدودیت های مقداری^۴ صورت

1 - Openness of economies

2 - Cyclical sownturns

3 - Ng & Yeats ۱۹۹۹; Deardorff, ۲۰۰۰

4 - Quantitative Restrictions (QR)

پذیرفت. فرآیند آزادسازی همواره و مداوم نبود و با نوساناتی همراه بود. به طور مثال طی دهه ۱۹۵۰، در نتیجه مستثنی شدن بخش کشاورزی و ایجاد امکان تداوم برنامه‌های قیمتی حمایت داخلی، کشاورزی از نظام چندجانبه^۱ تجاری به طور مؤثر کنار گذاشته شد. بدین ترتیب طی دهه ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰، در صادرات پوشاک و منسوجات به دلیل وجود نظام سهمیه‌ها^۲ تبعیض میان کشورها تمام اصول اساسی گات را نقض کرد. هنگامی که تعرفه‌ها کاهش یافت، نقش محدودکننده انواع حمایت‌های غیرتعرفه‌ای، اعم از محدودیت‌های داوطلبانه صادرات^۳ و اقدامات ضد قیمت‌شکنی^۴، افزایش یافت. اما برای کالاهای صنعتی که در قانون فرآیند آزادسازی تجاری گات قرار داشتند، کاهش حمایت تعرفه‌ای چشمگیر بود.

کشورهای در حال توسعه طیفی از اقدامات سیاستی را برای اجرای سیاست‌های تجاری استفاده کردند. موانع تعرفه‌ای همانند موانع غیرتعرفه‌ای (موانعی نظیر سهمیه‌ها و مجوزها) در همه جا اعمال می‌شد. محدودیت‌های ارزی غالباً مالیات‌های اضافی بر تجارت تحمیل می‌نمود.^۵ مطالعات کروگر^۶ گویای آن است که تحت رژیم‌های تجاری جانشینی واردات^۷، سهمیه‌های وارداتی^۸ غالباً رانت‌های سهمیه‌ای ایجاد کرده که سهم بزرگی از تولید ناخالص داخلی را تشکیل داده است. غالباً چنین سهمیه‌ها و مجوزهایی به گونه‌ای تخصیص یافته بود که انگیزه‌های قوی برای استفاده از منابع حقیقی جوایز رانت فراهم و به اتلاف توأم با اسراف منابع کمیاب منجر می‌گردید.^۹ این سیاست‌ها انگیزه‌های قوی برای فساد ایجاد نموده بود و تبعات منفی بر کیفیت نهادی توسعه داشت.^{۱۰} اثرات حمایتی تعرفه‌ها، سهمیه‌ها و مجوزها در این کشورها غالباً با اختلال در بازارهای ارز تقویت می‌شد. در ساده‌ترین و شفاف‌ترین شکل، محدودیت ارزی بر حساب جاری متضمن ارزش بیش از حد نرخ ارز رسمی^{۱۱} است که به

1 - Multilateral System

2 - System of quotas

3 - Voluntary Export Restraints (VERs)

4 - Antidumping Measures

۵- استفاده وسیع از موانع غیرتعرفه‌ای در کشورهای در حال توسعه مشکلات جدی و ویژه‌ای را در اجرای سیاست‌های تجاری در کل فراهم آورد. وقتی اقدامات غیرتعرفه‌ای نظیر سهمیه‌ها یا مجوزها برای تحدید تجارت بکار گرفته شد، این اقدامات اهمیت یافت، اهمیت سیاست‌های تجاری در طول زمان در پاسخ به حجم تجارت مجاز، انتقال عرضه و تقاضای کالاهای تولید شده در داخل و تغییر در قیمت‌های بین‌المللی، تغییر می‌یافت. حدود معیارهای حمایتی مثلاً سهمیه‌ها (یا مالیات‌ها، مثل کنترل صادرات) از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان داخلی غیرقابل مشاهده است. مگر اینکه بازاری برای این سهمیه‌ها موجود باشد و دریافت‌کنندگان چنین سهمیه‌هایی نوعاً برای جلوگیری از ایجاد چنین بازارهایی سخت مقاومت کنند؛ چرا که آگاهی از میزان منافع آنها از دریافت سهمیه‌ها، به فشار روی لغو آنها منجر می‌شود.

6 - Krueger, 1980

7 - Import Substitution Regimes

8 - Import Quotas

9 - Bhagwati

10 - World Bank, 2000

11 - Overvalued Official exchange rate

موازات نرخ ارز بازار ثانویه^۱ دیده می شود و در این بازار، قیمت داخلی نرخ ارز تعیین و ارز کمیاب بین مصارف مختلف تخصیص می یابد.^۲

با وجود رژیم های ارزی و تجاری تحریف شده که ویژگی اغلب کشورهای در حال توسعه تا قبل از دهه ۱۹۸۰ است، مشکل می توان دانست که چه اصلاحات سیاستی بهبوددهنده رفاه هستند. با این وجود، تحولات سیاستی که شفافیت را افزایش داده و تحریفات بین بنگاه ها را یک دست می سازد، بهبوددهنده رفاه هستند. برای نمونه جایگزینی تخصیص ارزی، با رویکرد بازار موازی عموماً بهبوددهنده رفاه^۳ و استقبال از سرمایه گذاری خارجی بدون کاستن از از موانع، کاهنده رفاه می تواند باشد.^۴ همچنین سیاست هایی که الزامات عملکرد صادراتی را روی سرمایه گذاری خارجی اعمال نموده اند، بهبوددهنده بهینه دوم رفاه هستند.^۵

جاذبیت سیاسی سیاست های جانشینی واردات برای کشورهای در حال توسعه قبل از دور اروگوئه (۱۹۹۴-۱۹۸۶) با نظام تجاری چند جانبه تضادی نداشت. کشورهای مذکور، در این زمان، عموماً نظریه جانشینی واردات را تجویز می کردند و بر تلاش هایشان در گات روی کسب بهبودهای برگشت ناپذیر به منظور دسترسی به بازارهای کشورهای صنعتی تحت عنوان «رفتار ویژه»^۶ تمرکز داشتند.^۷ در سایه این تجربه، کشورهای در حال توسعه شروع به به تعدیل سیاست هایشان به سمت رژیم های تجاری بازتر نمودند. این تغییر وضعیت در دور اروگوئه نمایان گردید به نحوی که کشورهای در حال توسعه ابتدا در «بازی اصلی»^۸ امتیازات^۹ دسترسی به بازار در حال تحول شروع به ایفای ایفای نقش کردند. این کشورها تمایل داشتند تعرفه ها را بر ۱۰۰ درصد واردات کشاورزی و بالغ بر ۶۰ درصد واردات محصولات صنعتی تثبیت^{۱۰} کنند.^{۱۱} به علاوه، آنها موافقت کردند که از حقوق مالکیت فکری در قبال لغو سهمیه ها در منسوجات و پوشاک و پیگیری ضوابط محدودکننده حمایت از کشاورزی حمایت نمایند.

براساس گزارش بانک جهانی تحت عنوان «چشم اندازهای اقتصادی جهان در سال ۲۰۰۱»، میانگین نرخ تعرفه در کشورهای در حال توسعه از ۳۰ درصد در ابتدای دهه ۱۹۸۰ به حدود ۱۵ درصد در اواخر دهه ۱۹۹۰، یعنی به

1 - Secondary market exchange rate

۲ - در جاهایی که بازارهای موازی (ثانویه) قانونی هستند - مثلاً در چین بعد از اوایل دهه ۱۹۸۰ (Martin, 1993a) و یا نیجریه در سال های اخیر - وسعت (اندازه) محدودیت تجاری ایجاد شده توسط این سیاست ها قابل مشاهده و بسیار چشمگیر است.

3 - Dervis, de Melo & Robinson, 1981

4 - Brecher & Diaz - Alejan - dro, 1977

5 - Rodrik, 1987

6- Special and differential treatment

۷ - این سیاست، برای کشورهایی که دسترسی ترجیحی به بازارها جهت بهبود رابطه مبادله داشتند، نوعی کمک محسوب می شد و با این حال، این سیاست تبعات اقتصادی منفی داشت. با این حال، گروه اندکی از کشورهای در حال توسعه در شرق آسیا از راهبرد جایگزینی واردات تبعیت نکردند، بلکه سیاست های مکمل تشویق صادرات را به عنوان بخشی از مسیر توسعه معطوف به صادرات بکار گرفتند. تا پایان دهه ۱۹۹۰، عملکرد اقتصادهایی نظیر هنگ کنگ، کره جنوبی و تایوان (چین) جلب توجه نمود.

8 - Maingame

9 - Concessions

10 - bind Grand bargain

11 - Abreu, 1996

۱۲ - التزام به تعهد به مفهوم افزایش نیافتن تعرفه ها بالاتر از سطح مشخص ثبت شده در جدول امتیازات WTO.

نصف کاهش یافته است.^۱ کاهش مطلق در نرخ تعرفه‌های کشورهای در حال توسعه بسیار بیشتر از کشورهای صنعتی بوده است. نکته با اهمیت آن است که کاهش سطوح بالاتر تعرفه نسبت به کاهش‌های متناظر در سطوح پایین‌تر، احتمالاً منافع رفاهی بیشتری در پی دارد.^۲ در این دوره، پراکنش نرخ‌های تعرفه کاهش یافته است.^۳ در واقع کاهش تعرفه‌ها بازتابی از جایگزینی موانع غیرتعرفه‌ای به جای تعرفه‌ها است. علاوه بر کاهش تعرفه‌ها، پوشش موانع غیرتعرفه‌ای شامل انحصارات مؤسسات تجاری دولتی^۴ نیز کاهش چشمگیری یافته بود.

استفاده از معیارهای غیرتعرفه‌ای طی دو دهه ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ رشد یافت اما برخی مطالعات نشان می‌دهند که استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای در سال‌های اخیر کاهش یافته است اما همچنان این معیارها مانع از تجارت در بخش‌های معینی هستند. طبق بررسی انجام شده توسط سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD)^۵، استفاده از موانع غیرتعرفه‌ای توسط کشورهای صنعتی طی سال‌های ۹۶-۱۹۸۹ به‌خصوص از سال ۱۹۹۵ به سبب تعرفه‌ای کردن موانع غیرتعرفه‌ای کشاورزی کاهش یافته است و روند نزولی در استفاده از معیارهای غیرتعرفه‌ای بویژه معیارهای اصلی را تأیید می‌کند. بر اساس این تحقیق جدید، برای کشورهای شورای همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (APEC)^۶ بین سال‌های ۹۸-۱۹۹۵، استفاده از معیارهای غیرتعرفه‌ای به نصف رسید و نتایج مقدماتی از یک نظرسنجی، گویای آن است که معیارهای غیرتعرفه‌ای نظیر موانع فنی تجارت، مقررات قرنطینه‌ای و اقدامات تجاری دولتی، مهم‌ترین موانع به حساب می‌آیند. در سال ۱۹۹۵، به ابقای فرصت‌های دسترسی به واردات جاری محصولات تعرفه‌ای، به عنوان بخشی از سیاست تعرفه‌ای کردن، اعضای سازمان تجارت جهانی (WTO) فرصت‌های دسترسی جاری را تضمین نمود و حداقل دسترسی نیز به میزان ۳ درصد مصرف دوره پایه فراهم آمد و به طور تصاعدی تا ۵ درصد میزان مصرف بسط یافت.

تجربه کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه در یک جمع بندی کلی حکایت از این واقعیت دارد که به استثنای تعداد بسیار محدود کشورهای کوچک جهان، اکثر قریب به اتفاق کشورها در فرآیند رشد و توسعه اقتصادی خود ابتدا از استراتژی جایگزین واردات^۷ استفاده کرده و به مرور زمان به استراتژی توسعه صادرات^۸ و برون‌گرایی گرای روی آورده‌اند. زمان و دوره استفاده از استراتژی جایگزینی واردات در کشورهای مختلف متفاوت بوده است. همچنین این کشورها سعی می‌کنند تا امتیازاتی را از کشورهای پیشرفته کسب نمایند. استراتژی جانشینی واردات از جاذبه سیاسی بیشتری برخوردار است، اما به لحاظ عملکرد اقتصادی چنین نیست هرچند تجربه برخی از کشورها در اتخاذ این سیاست طی دوره‌های خاص موفقیت‌آمیز بوده است. در طول دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ استراتژی جایگزینی واردات توسط کشورهای زیادی از قبیل آرژانتین، برزیل و مکزیک اتخاذ گردید. این سیاست، واردات کالاهای کارخانه ای را محدود و بازار داخلی را برای فعالیت تولیدکنندگان داخلی آماده ساخت. از فواید سیاست جایگزینی

1- World Bank ,2001

2 - Martin ,1997

3 - Anderson,1995

4 - State Trading Enterprises (STEs)

5 - Organization for Economic cooperation and Development

6 - Asia-Pacific economic Co-operation Council

7 -Import substitution

8 -Export promotion

واردات برای کشورهای آرژانتین و برزیل فراهم شدن شرایطی بود که این کشورها طی آن توانستند تغییراتی در ساختار و ماهیت تجاری خود به وجود آورند و از به عنوان نمونه نسبت واردات به کل تجارت را کاهش دهند. لازم به ذکر است که روش جایگزینی واردات، روش ساده‌ای برای صنعتی شدن نیست زیرا وابستگی کشورهای درحال توسعه به محصولات کشورهای صنعتی خارجی زیاد است و محصولات مذکور نهاده‌های مناسبی برای صنایع داخلی این کشورها هستند. بعلاوه، هزینه سیاست جایگزینی واردات به دلیل خارج ساختن صنایع داخلی از عرصه رقابت بین‌المللی زیاد است.

به دلیل مشکلاتی که اتخاذ سیاست جایگزینی واردات ایجاد می‌نمود، کشورهای درحال توسعه به مرور نسبت به پیامدهای این سیاست بدبین گردیدند و این امر موجب شد تا این کشور به سیاست تشویق صادرات که یک استراتژی صنعتی شدن هم محسوب می‌شود روی آورده‌اند. در مقایسه با سیاست جایگزینی واردات، تشویق صادرات سیاستی در جهت توسعه بازار است چرا که تأکید بیشتری بر محرک‌های قیمتی و اصل رقابت جهت تخصیص منابع دارد. کشورهای در حال توسعه سعی می‌کنند تا صناعی را که در آن مزیت نسبی دارند تشخیص دهند و در جهت توسعه صادرات آن کالاها اقدام نمایند. در جدول ۱-۷ استراتژی تجاری رشد صادرات و رشد تولید ناخالص ملی ده کشور منتخب برای دوره‌های مختلف نشان داده شده است. نکته مهم و قابل توجه آن است که کشورهای مختلف، تحت شرایط و فضای داخلی و بین‌المللی متفاوت از استراتژی‌های مختلفی استفاده کرده‌اند. تجربه استراتژی جایگزین واردات در کشورهای صنعتی که از شرایط داخلی و بین‌المللی بهتری برخوردار بوده‌اند، مثبت و در کشورهای در حال توسعه که تقریباً به تقلید از کشورهای صنعتی دست به انتخاب آن زده‌اند، منفی ارزیابی می‌شود. به عنوان نمونه همانگونه که آمار و اطلاعات مندرج در جدول ۱-۷ نشان می‌دهد کشور برزیل طی دوره، ۶۰-۱۹۹۵ و ۶۵-۱۹۶۰ که از سیاست جایگزین واردات استفاده کرده است با کاهش نرخ رشد اقتصادی از ۶/۹ درصد به ۴/۲ درصد روپرو بوده است. این کشور که طی دوره ۷۰-۱۹۶۵ و ۷۶-۱۹۷۰ از استراتژی توسعه صادرات استفاده کرده است، با افزایش نرخ رشد اقتصادی از ۷/۶ درصد به ۱۰/۶ درصد مواجه بوده است. در مورد سایر کشورها نیز چنانچه مشاهده می‌شود، در هر بازه زمانی که تشویق صادرات اعمال گردیده، رشد اقتصادی بالاتری حاصل شده است. قابل ذکر است که به کارگیری استراتژی جایگزینی واردات معتدل نیز نتایج بهتری از استراتژی جایگزینی واردات محض داشته است. تجربه کشورهای اندونزی، تایلند و تونس که در جدول ۱-۷ آمده است نیز مؤید همین واقعیت است.

جدول ۱-۷: استراتژی تجاری، رشد صادرات و رشد تولید ناخالص ملی در ۱۰ کشور منتخب

کشور	دوره زمانی	استراتژی تجاری	نرخ رشد متوسط سالانه	
			درآمد های صادراتی	تولید ناخالص ملی واقعی
برزیل	۱۹۵۵-۱۹۶۰ ۱۹۶۰-۱۹۶۵ ۱۹۶۵-۱۹۷۰ ۱۹۷۰-۱۹۷۶	I.S° I.S E.P°° E.P	-۲/۳ ۴/۶ ۲۸/۲ ۲۴/۳	۶/۹ ۴/۲ ۷/۶ ۱۰/۶
شیلی	۱۹۶۰-۱۹۷۰	I.S	۹/۷	۴/۳
کلمبیا	۱۹۵۵-۱۹۶۰ ۱۹۶۰-۱۹۶۵ ۱۹۷۰-۱۹۷۶	I.S I.S E.P	-۲/۸ -۱/۹ ۱۶/۹	۴/۶ ۱/۹ ۶/۵
اندونزی	۱۹۶۰-۱۹۷۲	M.I.S°°°	۱۸/۹	۶/۸
ساحل عاج	۱۹۶۰-۱۹۷۲	E.P	۱۱/۲	۷/۸
کره جنوبی	۱۹۵۳-۱۹۶۰ ۱۹۶۰-۱۹۷۰ ۱۹۷۰-۱۹۷۶	I.S E.P E.P	-۶/۱ ۴۰/۲ ۴۳/۹	۵/۲ ۸/۵ ۱۰/۳
پاکستان	۱۹۵۳-۱۹۶۰ ۱۹۶۰-۱۹۷۰	I.S I.S	-۱/۵ ۶/۲	۴/۵ ۶/۸
تایلند	۱۹۶۰-۱۹۷۰ ۱۹۷۰-۱۹۷۶	M.I.S M.I.S	۵/۵ ۲۶/۲	۸/۳ ۶/۵
تونس	۱۹۶۰-۱۹۷۰ ۱۹۷۰-۱۹۷۶	I.S M.I.S	۶/۸ ۲۳/۴	۴/۶ ۹/۴
اروگونه	۱۹۵۵-۱۹۷۰	I.S	۱/۶	-۰/۷

* I.S: Import Substitution **E.P: Export promotion ***M.I.S: Modern Import Substitution

تجربه کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که ابزارهای سیاستی متعدد و متفاوتی برای مدیریت و نظارت بر عملکرد بخش‌های تجاری اقتصاد در اختیار داشته و مورد استفاده قرار داده‌اند. مشوق‌های متعدد، یارانه‌های پنهان و آشکار برای تشویق صادرات، کنترل واردات از طریق موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای، تشویق سرمایه‌گذاری خارجی، محدودیت ورود و خروج وجوه و موارد دیگر از جمله این اقدامات و ابزارها است. کشورهای در حال توسعه، به ویژه کشورهای حوزه آسیا و اقیانوسیه، از اواسط دهه ۱۹۸۰ به آزادسازی تجاری جهت کارا نمودن تجارت خارجی خود روی آورده‌اند. برای انجام این منظور عمدتاً به اصلاح و کاهش موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای روی آورده‌اند. در تأیید آنچه گفته شد، به عنوان مثال در اندونزی بیش از ۹۵ درصد اقلام تعرفه‌ای محدودیت مقداری ندارند. متوسط نرخ‌های تعرفه در مالزی کمتر از ۱۰ درصد و در کره جنوبی کمتر از ۸ درصد است. تایلند در سال ۱۹۹۷ نرخ فزاینده تعرفه را به سه نرخ استاندارد ۱۰۰ و ۲۰ درصد تقلیل داده است. چین متوسط نرخ تعرفه را از ۲۳ درصد به ۱۷ درصد کاهش داده و فرآیند آزادسازی تجاری را در چارچوب توصیه‌های سازمان‌های شورای همکاری اقتصادی آسیا - اقیانوسیه (APEC)، سازمان تجارت جهانی (WTO) و اتحادیه کشورهای جنوب شرقی آسیا (ASEAN)^۱ آغاز نموده است. اکثر کشورهای آسیای جنوبی روند آزادسازی تجاری را بعد سال ۱۹۹۱ تسریع نموده‌اند. هند حداکثر نرخ تعرفه واردات را از ۱۵۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۰ درصد در سال ۱۹۹۶ کاهش داد و تحریم واردات بسیاری از کالاها را حذف نمود. پاکستان حداکثر تعرفه را از ۹۰ درصد در سال ۱۹۹۱ به ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش داد، بنگلادش نیز حداکثر نرخ تعرفه را که در سال ۱۹۹۰ بیش از ۱۰۰ درصد بود به ۴۵ درصد در سال ۱۹۹۷ کاهش داده است.

جمهوری‌های آسیای مرکزی نیز آزادسازی تجاری و برخی اصلاحات اساسی را انجام داده‌اند. ارمنستان در دسامبر ۱۹۹۵ ساختار تعرفه‌ای با ۵ کالای تحریم شده را به سیستمی مشتمل بر تحریم دو کالا با نرخ‌های ۰ و ۱۰ درصد تغییر داد. در قزاقستان تا ژانویه ۱۹۹۷ نرخ متوسط عوارض گمرکی به ۱۲ درصد کاهش یافته بود. قرقیزستان تعرفه واردات بر کالاهای خارج از کشورهای مستقل مشترک‌المنافع به نرخ واحد ۱۰ درصد وضع می‌کند. تاجیکستان نیز اخیراً ساختار تعرفه وارداتی خود را با نرخ‌هایی از صفر تا ۲۵ درصد مرتب نموده است. به این ترتیب علی‌رغم توصیه‌هایی که برخی از سازمان‌های بین‌المللی نظیر بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول می‌نمایند، مشکلات و نگرانی‌هایی در مورد آزادسازی تجاری در قالب استراتژیهای مختلف بازرگانی به شرح زیر مطرح است:

- ۱- آزادسازی تجاری با دیگر اهداف سیاستی مهمتر، به ویژه اهداف سیاستی مربوط به تراز پرداخت‌ها و کسری مالی دولت در تضاد است. لذا به منظور برخورداری از منافع اصلاح تجاری و آزادسازی باید تمهیداتی اندیشیده شود که اولاً به کسری مزمن تراز پرداخت‌ها منجر نشود و ثانیاً از نظر مالی دولت کسری بودجه پیدا ننماید.
- ۲- زمینه‌های نیرومندی برای این اعتقاد وجود ندارد که آزادسازی تجاری کارایی اقتصادی و رشد صادرات را افزایش دهد و اینکه حمایت از فعالیت‌های مربوط به جانشینی واردات (به ویژه صنایع نوپا) در گسترش رشد اقتصادی بیشتر، اثربخش باشد به علاوه شرایط جهانی ممکن است اجازه افزایش صادرات و درآمدهای صادراتی را به کشورهای در حال انجام اصلاحات ندهد. در این خصوص برخی کشورها تجربه ناموفقی از آزادسازی تجاری داشته‌اند که بعدها مجبور به بازگشت و عقب‌گرد از سیاست‌ها اصلاح تجاری شدند.
- ۳- ممکن است تعدیلات آزادسازی واردات در ساختار تولید، موجب بیکاری شود و کاهش ارزش پول ممکن است نرخ تورم را افزایش دهد.
- ۴- وجود گروه‌های دارای منافع مسلم بر ضد اصلاحات تجاری و عدم اعتقاد کافی آنها به مزایای اصلاحات، ممکن است توأماً جهت تضعیف تعهد برای اصلاحات ترکیب شده و مشکلاتی را برای اجرای آن بوجود آورند. آن گروه از تجار، تولیدکنندگان، کارگران و مستخدمین دولت که در پشت دیوارهای بلند حمایت تجاری به فعالیت و تولید مشغول هستند، با حذف تعرفه و محدودیت‌های مقداری واردات مخالفت خواهند کرد. میزان و شدت مخالفت با لغو محدودیت‌های تجاری ممکن است به مراتب از شدت مخالفت با کاهش مخارج یا افزایش مالیات بیشتر باشد. چنانچه گروه‌های فشار از نظر سیاسی به اندازه کافی قدرتمند باشند و جلوی کاهش برخی از حمایت‌ها را بگیرند، سایر گروه‌هایی که با لغو حمایت‌های تجاری منافعشان به خطر می‌افتد نیز شروع به فعالیت خواهند کرد. در نتیجه، مردم نسبت به قابلیت اجرای برنامه اصلاحات بدبین خواهند شد.
- ۵- عدم وجود ظرفیت اجرایی کافی ناشی از تنگناهای اداری و نهادی ممکن است به ایجاد موانعی بر سر راه اجرای اصلاحات بیانجامد. لذا برای روبرو نشدن با این مشکل باید به تقویت نهادهای عمومی نیز توجه کافی مبذول شود.
- ۶- تضادهای موجود بین اصلاح سیاستی و اهداف مربوط به ثبات اقتصادی، آزادسازی را در بعضی از مواقع کند و یا معکوس می‌نماید.
- ۷- تأخیر در واکنش عرضه و تولید، نسبت به اصلاح سیاستی و به دلیل کاهش منافع آشکار، اشتیاق برای اصلاح را محدود می‌کند.

۸- مشکل سیاسی نیز به عنوان یکی دیگر از مشکلات مهم اصلاحات تجاری است. دوره اجرای طولانی و حمایت کردن از افرادی که تحت تأثیر معکوس قرار می‌گیرند. منجر به معکوس شدن و شکنندگی فرآیند اصلاحات خواهد شد.

۹- مشکل دیگر ناشی از نرخ ارز است. از بین بردن موانع تجاری به تدریج موجب افزایش واردات خواهد شد. هرچند از این طریق نهاده‌ها با سهولت بیشتری در دسترس قرار می‌گیرد و تکنولوژی بهبود می‌یابد، ولی افزایش مطلوب در صادرات نمی‌تواند بلافاصله صورت گیرد، حتی اگر کاهش ارزش واقعی پول نیز پذیرفته شده باشد.

به دلیل مشکلات و نگرانی‌هایی که در فوق مطرح گردیدند و برخی مسائل و مشکلات دیگر، برای اصلاحات تجاری جامع، باید شرایط خاصی فراهم گردد تا اصلاحات تجاری به خوبی انجام شده و مشکلات کمتری را در حین اجراء و پس از آن به وجود آورد.

در ایران نیز همگام با تحولات سیاستها و نظریات تجاری در سطح بین الملل، سیاستهای متفاوتی در برنامه های توسعه در نظر گرفته شده است. مطابق با سیاستها و راهبردهای تجاری برنامه‌های توسعه به منظور دستیابی به اهداف آن ابزارهای سیاستی آن نیز متغیر بوده که در طول زمان تغییرات اساسی نموده است. به طور کلی می‌توان راهبردها، سیاست‌ها و خط‌مشی‌های تجاری در برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در قالب پنج راهبرد جانشینی واردات، سیاست درهای باز، تشویق صادرات همراه با محدودیت وارداتی، راهبرد برون‌گرا و توسعه صادرات خلاصه کرد. برنامه های اول و دوم توسعه قبل از انقلاب فاقد راهبرد تجاری خاصی بودند. راهبردهای برنامه های سوم و چهارم توسعه به نگرش جانشینی واردات شباهت دارند و برنامه پنجم توسعه که مصادف با افزایش درآمدهای نفتی بود، اولین برنامه در راستای گشایش دروازه‌های اقتصادی کشور تلقی می‌شود. پس از پیروزی انقلاب سه برنامه توسعه تدوین و به اجرا گذاشته شد ند، که بر اساس متن برنامه ها، راهبرد تجاری حاکم بر صادرات و واردات، تشویق صادرات و محدودیت واردات بوده است و در برنامه چهارم توسعه نیز راهبرد توسعه صادرات و تسهیل تجارت خارجی کشور مد نظر قرار گرفته است.

جدول ۸-۱: راهبردهای تجاری و بازرگانی کشور در برنامه‌های توسعه

برنامه	دوره زمانی	راهبردهای تجاری
برنامه‌های قبل از انقلاب	۱۳۵۶-۱۳۲۸	
برنامه اول	۱۳۳۴-۱۳۲۸	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه دوم	۱۳۴۱-۱۳۳۵	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه سوم	۱۳۴۶-۱۳۴۲	جانشینی واردات
برنامه چهارم	۱۳۵۱-۱۳۴۷	جانشینی واردات
برنامه پنجم	۱۳۵۶-۱۳۵۲	سیاست درهای باز
برنامه‌های بعد از انقلاب	۱۳۸۸-۱۳۵۷	
دوره پیروزی انقلاب و جنگ	۱۳۶۷-۱۳۵۷	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه اول	۱۳۷۲-۱۳۸۸	تشویق صادرات همراه با محدودیت وارداتی
برنامه دوم	۱۳۷۸-۱۳۷۴	گرایش به راهبرد برون‌گرا*
برنامه سوم	۱۳۸۳-۱۳۷۹	گرایش به راهبرد برون‌گرا (جهش صادراتی)
برنامه چهارم	۱۳۸۸-۱۳۸۴	راهبرد توسعه صادرات و برون‌گرا (تعامل فعال با اقتصاد جهانی)

ماخذ: برگرفته از متن برنامه‌های توسعه و مه‌ار، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵
* برگرفته از متن برنامه‌های توسعه به نقل از متوسلی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷

با توجه به تحولات سیاستهای تجاری در ایران، مسائل و مشکلات اقتصاد تک محصولی وابسته به نفت، شرایط داخلی اقتصاد و فضای اقتصاد جهانی، تجارت خارجی کشور را با سؤالات فراوانی مواجه نمود. یکی از مهم‌ترین سؤالات آن بود که در شرایطی که اقتصاد جهانی به سمت آزادسازی تجارت خارجی و جهانی شدن اقتصاد حرکت می‌نماید، اقتصاد ایران از چه سیاست تجاری (خصوصاً تعرفه) بهتر است استفاده گردد.

۷-۱- سازمان تجارت جهانی و تعرفه (روندها و الزامات)

بررسی سازمان تجارت جهانی و تحولات آن شناخت شرایطی است که برای تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در صورت پیوستن به این سازمان برای ایران، الزامی است و از این رو لازمست این الزامات را در تغییر و تحول نظام موجود تعرفه بخش کشاورزی در نظر گرفته شود. از این رو در این بخش به اجمال به تاریخچه این سازمان و الزامات آن در خصوص تعرفه اشاره می‌گردد.

جنگ جهانی اول اروپا را با نابسامانی‌های عظیم اقتصادی از قبیل کسری موازنه پرداخت‌ها، تورم، کاهش شدید ارزش پول، اختلال در مبادلات بازرگانی و بیکاری گسترده مواجه نمود و سبب شد که دولت‌های اروپایی و همچنین آمریکا به اتخاذ سیاست‌های حمایتی شدید جهت حمایت از صنایع داخلی و اقدامات تلافی جویانه در قبال شرکای تجاری خود متوسل شوند.

پس از جنگ جهانی اول، نخستین گردهمایی بین‌المللی به منظور مذاکره درباره مسایل مربوط به تولید و تجارت در سال ۱۹۲۷ زیر نظر جامعه ملل در شهر ژنو برگزار شد. در این کنفرانس نمایندگان حدود ۵۰ کشور حضور داشتند و هدف دولت‌های بزرگ آن بود که تضادها و اختلافات بوجودآورنده جنگ جهانی اول را حتی المقدور از طریق همزیستی سیاسی و نیز اتخاذ سیاست‌های لیبرالی و توسعه همکاری متقابل در زمینه‌های اقتصادی از میان بردارند.

در آن هنگام، با گذشت حدود ۱۰ سال از خاتمه جنگ جهانی اول اروپا توانسته بود با ترمیم خرابیها بر عواقب ناگوار جنگ تا حد زیادی فائق آید. از سوی دیگر، افزایش تولیدات صنعتی و امکانات بالقوه مبادلات تجاری نیز یک آینده روشن اقتصادی را نوید می‌داد. ولی در عین حال، اعمال سیاست‌های حمایتی از طرف دولت‌ها و وجود محدودیت‌های متعدد در مبادلات بین‌المللی در عمل موانعی در راه شکوفایی تجارت ایجاد کرده بود. در چنین شرایطی، مذاکرات و توصیه‌های کنفرانس ژنو بر این مبنا قرار گرفت که موانع تجاری باید مرتفع شود و دولت‌ها با تعدیل سیاست‌های حمایتی و گرایش به اصول لیبرالیسم اقتصادی، راه را برای رعایت شرط «دولت کامله الوداد»^۱ در مورد یکدیگر هموار سازند. اما اعلامیه پایانی اجلاس ژنو، پیش از آنکه بازتابی از اراده و خواست واقعی شرکت‌کنندگان باشد، تمهیدی جهت حفظ ظاهر امور بود. در نتیجه، آرزوهایی که برای آزادی تجاری مطرح گردیده بود جامه عمل نپوشید و دولت‌های شرکت کننده در کنفرانس به جای حرکت در یک مسیر هماهنگ، هریک در پی حمایت از منافع خود برآمدند و چندی بعد نیز ضربه هولناک بحران بزرگ ۱۹۲۹ تمام امیدها را به یأس تبدیل کرد.

اقتصاد آمریکا طی دهه ۱۹۲۰ شاهد موفقیت قابل توجهی بود اما بخش کشاورزی این کشور در این دوره با شرایط نامطلوبی مواجه گردید. از این رو کنگره آمریکا به منظور کمک به این بخش و حمایت از آن در مقابل رقابت خارجی، خواهان افزایش بیشتر عوارض بر واردات محصولات کشاورزی شد. اما طرفداران بخش کشاورزی

در کنگره جهت کسب حمایت کلیه نمایندگان مجبور بودند با افزایش تعرفه‌ها بر واردات بسیاری از محصولات صنعتی نیز موافقت نمایند و در واقع، تعرفه‌هایی که قرار بود تنها به منظور حمایت از بخش کشاورزی افزایش یابد، طبق قانون تعرفه‌ای اسموت-هاولی^۱ نزدیک به ۸۰۰ قلم کالای کشاورزی و صنعتی را شامل گردید، بطوری که متوسط نرخ تعرفه‌های گمرکی از ۳۸/۵ درصد بین سال‌های ۱۹۲۲-۲۹ به ۵۲/۸ درصد بین سال‌های ۱۹۳۰-۳۳ بالغ شد.

اقدام آمریکا در مورد افزایش تعرفه‌ها بر واردات، عکس‌العمل دیگر کشورها بویژه کشورهای اروپایی را به دنبال داشت. انگلستان نیز که بعد از آمریکا دومین صادرکننده بزرگ جهان به شمار میرفت، در سال ۱۹۳۱ پایه پولی طلا را ترک کرد و با تصویب قانون عوارض وارداتی در سال ۱۹۳۲ به حدود یک قرن تجارت آزاد پایان داد. این تحولات که با بحران بزرگ در اوایل دهه ۱۹۳۰ مقارن گردید، تجارت جهانی را به شدت متأثر گرداند، به طوری که ارزش صادرات آمریکا از ۵/۴ میلیارد دلار در سال ۱۹۲۹ به ۱/۶ میلیارد دلار در سال ۱۹۳۲ کاهش یافت و حجم تجارت جهانی کالاهای ساخته شده در این سال حدود ۴۰ درصد تنزل پیدا کرد.

در سال ۱۹۳۲، مفهوم جدیدی از نقش آمریکا در جهان شروع به شکل‌گیری نمود و آن اینکه آمریکا باید ابتکار غلبه بر سیاست‌های حمایتی را در دست گیرد. مبنای نظری این اعتقاد آن بود که حذف موانع تجاری، ابزار اصلی جلوگیری از رکود در تجارت بین‌المللی، دستیابی به ثبات و موفقیت در اقتصاد جهان و نیز کاهش تنش‌های سیاسی خواهد بود. در نتیجه این تفکر، قانون تجاری دیگری به نام قانون موافقت‌نامه‌های تجاری متقابل^۲ در سال ۱۹۳۴ در کنگره آمریکا به تصویب رسید. در این قانون به رئیس‌جمهور آمریکا اختیار داده می‌شد که برای مدت سه سال^۳، در خصوص کاهش تدریجی عوارض گمرکی تا ۵۰ درصد اقدام به عقد موافقت‌نامه‌های تجاری با کشورهای مختلف نماید. تا سال ۱۹۴۷ آمریکا موفق گردید بر اساس اصل دولت کامله الوداد (که در قانون فوق پیش‌بینی شده بود) با ۲۹ کشور جهان موافقت‌نامه تجاری دوجانبه منعقد نماید که در نتیجه متوسط نرخ تعرفه‌های گمرکی طی این مدت از ۴۸ درصد به ۲۵ درصد کاهش یافت. اگرچه تأثیر این توافقات بر تعرفه‌ها چندان زیاد نبود، اما اقدام مهم برای ایجاد چارچوب مذاکراتی بود که کاهش بیشتر تعرفه‌ها در آینده منجر گردید.

خرابی‌های ناشی از جنگ جهانی دوم، قدرت اقتصادی و تولیدی کشورها را به شدت تقلیل داد و ترکیب و جهت مبادلات بازرگانی را دچار تغییرات وسیعی نمود. کشورهای صنعتی غرب در صدد برآمدند که حتی قبل از پایان جنگ اقداماتی را جهت پایه‌گذاری یک نظام مالی، پولی و تجاری جهت تأمین نیازهای دوران پس از جنگ به عمل آورند. یکی از اهداف منشور آتلانتیک (اوت ۱۹۴۱) و موافقت‌نامه وام-اجاره^۴ (فوریه ۱۹۴۲) ایجاد یک نظام تجاری جهانی بر مبنای اصل عدم تبعیض و مبادله آزاد کالا و خدمات بود، چراکه به منافع تجارت آزاد و کاهش تعرفه‌ها طی سال‌های قبل پی برده بودند. طبیعتاً ابتکار عمل و هدایت این اقدامات در دست چند کشور غربی و به ویژه آمریکا بود که هم بزرگ‌ترین قدرت اقتصادی و تجاری جهان به شمار می‌رفت و هم این که در زمان جنگ

1 - Smoot- Hauley

2 - Reciprocal Trade Agreements Act (RTAA)

۳- این اختیار که ابتدا برای مدت سه سال بود، تا سال ۱۹۶۲ که قانون گسترش تجارت به تصویب رسید، دائماً تمدید می‌گردید.

4 - Lend - Lease Agreements

کمترین صدمات را متحمل شده بود. در سال ۱۹۴۴ (قبل از پایان جنگ)، به دعوت رئیس جمهور وقت آمریکا (روزولت) کنفرانسی با شرکت نمایندگان ۴۴ کشور در برتن وودز^۱ تشکیل گردید و طی آن موافقت نامه تأسیس صندوق بین‌المللی پول و همچنین بانک بین‌المللی ترمیم و توسعه امضا شد.

در راستای این فعالیت‌ها، پس از پایان جنگ ضرورت تأسیس یک نهاد بازرگانی جهانی جهت انتظام بخشیدن به مبادلات آزاد و از میان برداشتن محدودیت‌ها و امتیازات و کاهش حقوق گمرکی احساس گردید و به تدریج حرکت‌هایی در این جهت آغاز شد. متعاقب این تحولات، در دسامبر ۱۹۴۵ دولت آمریکا پیشنهاد نمود کنفرانسی مرکب از نمایندگان کشورها جهت بررسی مسایل مربوط به منع محدودیت‌های کمی، کاهش حقوق گمرکی و به طور کلی تأسیس یک سازمان تجارت بین‌المللی^۲ تشکیل شود. دولت انگلیس به ازای وام ۳۷۵۰ میلیون دلاری که از آمریکا دریافت داشته بود، متعهد شده بود که ۱) از ۱۵ ژوئیه ۱۹۴۷ مجدداً قابلیت تبدیل استرلینگ را احیا نماید، ۲) اقداماتی در جهت رفع تبعیضات در تجارت خارجی خود به عمل آورد و ۳) در جهت تأسیس چنین سازمانی همکاری نماید.

کنفرانس پیشنهادی آمریکا سرانجام بین ۱۸ اکتبر تا ۲۶ نوامبر ۱۹۴۶ در لندن برگزار گردید، لکن به سبب مخالفت کشورهای شرکت کننده، بدون دستیابی به هیچ نتیجه‌ای پایان یافت. چندی بعد در شورای اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل متحد^۳ نیز اندیشه تشکیل کنفرانسی درباره تجارت بین‌الملل بوجود آمد و کمیته‌ای مرکب از نمایندگان کشورهای آمریکا، کانادا، انگلستان، فرانسه و کشورهای بنلوکس (بلژیک، هلند و لوکزامبورگ) مأمور تدارکات مقدمات آن شد. کنفرانس هاوانا از ۲۱ نوامبر ۱۹۴۷ تا ۲۴ مارس ۱۹۴۸ با حضور نمایندگان ۵۶ کشور تشکیل شد. در این کنفرانس بسیاری از کشورها از جمله کشورهای در حال توسعه با منشور سازمان تجارت بین‌المللی به مخالفت برخاستند و در نتیجه بحث و تبادل نظر تعداد زیادی پیشنهاد به منشور اضافه گردید. یکی از بخش‌های منشور تجارت جهانی، یک قرارداد ۳۴ ماده‌ای بود که در ۳۰ اکتبر ۱۹۴۷ بین ۲۳ کشور که عمدتاً کشورهای پیشرفته صنعتی بودند امضا گردید. این قرارداد همان موافقت نامه عمومی تعرفه و تجارت یا گات^۴ می‌باشد.

در کنفرانس هاوانا، در نهایت پس از ۵ ماه مذاکره کشورهای شرکت کننده در مورد طرح منشور به توافق رسیدند و طرح مذکور از طرف ۵۳ هیأت نمایندگی به امضا رسید^۵. منشور هاوانا پیمان جامعی بود که علاوه بر موضوع مبادلات بازرگانی، مسایلی چون توسعه اقتصادی، اشتغال کامل، بازرگانی دولتی و فعالیت کارتل‌ها را نیز در بر می‌گرفت. علاوه بر این یکی از خواسته‌های مهم این منشور تأسیس یک سازمان جهانی جهت انتظام بخشیدن به تجارت بین‌المللی بود. از ۵۳ دولتی که منشور را امضا کرده بودند تنها دو کشور استرالیا و لیبریا توانستند آن را از تصویب پارلمان خود بگذرانند، زیرا کشورهای در حال توسعه منشور را در جهت منافع کشورهای صنعتی می‌-

1 - Bretton Woods

2 - International Trade Organization (ITO)

3 - Economic and Social Council (ECOSOC)

4 - General Agreement on Tariffs and Trade (GATT)

۵ - نماینده دائم ایران در سازمان ملل متحد نیز در این کنفرانس حضور داشت. ایران با امضای منشور هاوانا رسماً به عضویت ناظر در گات درآمد که تا پایان سال ۱۹۹۳ ادامه داشت.

دانستند و بالعکس جهان پیشرفته نیز آن را به سود جهان سوم می‌پنداشت. حتی آمریکا نیز که خود از مبتکران منشور تجارت جهانی بود، نتوانست آن را از تصویب کنگره بگذراند.

بدین ترتیب منشور هاوانا راه به جایی نبرد و طرح تشکیل سازمان تجارت بین‌المللی که مهم‌ترین پیشنهاد آن بود در پندارها ماند و هرگز صورت واقعیت نیافت. اما گات که به عنوان یک قرارداد موقتی در فصل ۴ منشور هاوانا منظور شده بود به عنوان تنها یادگار این کوشش‌ها به موجودیت خود ادامه داد.

سازمان تجارت جهانی در سال ۱۹۹۵ برای گسترش تجارت بین‌المللی به وجود آمد و جانشین گات شد. سازمان تجارت جهانی یک سازمان بین‌المللی است؛ که قوانین جهانی تجارت را تنظیم و اختلافات بین اعضا را حل و فصل می‌کند. با گسترش روند جهانی شدن، ضرورت کشورها برای فراهم‌آوری زمینه‌های رشد تجارت و توسعه اقتصاد بیشتر شده و پیوستن کشورها به سازمان تجارت جهانی از ضرورت‌های مبرم در روند جهانی شدن بحساب می‌آید.

اعضای سازمان تجارت جهانی کشورهایی هستند که موافقت‌نامه‌های این سازمان را امضا کرده‌اند. مقر سازمان تجارت جهانی در ژنو سویس قرار دارد. مهم‌ترین هدف سازمان کمک به جریان آزاد تجارت از طریق بر داشتن موانع تا حدی است که عوارض دیگری در قبال نداشته باشد و در این راستا با درک قوانین بصورت شفاف و قابل پیش‌بینی به اشخاص، سازمان‌ها و دولتها اطمینان داده می‌شود که این قوانین شفاف و قابل پیش‌بینی، تحت تاثیر تغییرات ناگهانی در نخواهد آمد بر این اساس کشورهای عضو حق ندارند با شرکای تجارتی با تبعیض رفتار نمایند یعنی زمانی که کشوری تعرفه وارداتی خود را کاهش دهد و یا عوارض گمرکی برای محصول یکی از کشورها کم شود باید همان برخورد با تمام کشورهای عضو این سازمان عملی گردد که این اصل بنام اصل دولت کامله الوداد نامیده می‌شود و در سازمان تجارت جهانی از اهمیت قابل توجهی برخوردار است. همچنین کاهش تعرفه گمرکی و حذف یارانه از شروط اصلی عضویت در این سازمان است. برای کشوری که به عضویت سازمان تجارت جهانی پذیرفته شود، اقدامات زیر از سیاستهای اجرایی مهمی است که باید مد نظر داشته باشد:

- (۱) آزادسازی تجارت خارجی: شامل برداشتن موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای یا کاهش آنهاست. همچنین وضع موانع تجاری غیرتعرفه‌ای، غیرقانونی می‌باشد. البته برای کشورهای درحال توسعه در این زمینه استثناء قائل شده‌اند.
- (۲) آزادسازی قیمت کالاها و خدمات: حذف یارانه‌ها و کمک‌های دولتی که به تولید کالا و خدمات داده می‌شود برای تحقق این مورد می‌باشد. بخشی از یارانه‌ها مثل یارانه‌های تحقیق و توسعه، یارانه‌های خصوصی‌سازی و یارانه کالاهای مصرفی، یارانه سبز محسوب شده و کشورهای عضو ملزم به حذف آنها نمی‌باشند.
- (۳) آزادسازی نرخ ارز: شامل حذف ارایه هرگونه ارز یارانه‌دار می‌باشد.
- (۴) آزادسازی نرخ بهره

- (۵) لغو انحصارات دولتی و خصوصی در تولید و قیمت‌گذاری کالاها و خدمات
- (۶) جریان آزاد اطلاعات: شامل در اختیار گذاشتن اطلاعات و مقررات و قوانین تصویبی توسط کشور عضو به سایر اعضا می‌باشد.

- (۷) تخصیص بهینه منابع به وسیله بازار

ازجمله مزایای عضویت در سازمان تجارت جهانی می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

- * هر عضو سازمان تجارت جهانی به راحتی می تواند وارد بازار کشوری شود که رسماً عضو این سازمان است.
 - * هر نوع محدودیتی که برای کالاهایی در یک کشور در نظر گرفته شود، همان محدودیت برای کشور دیگر عضو، خود به خود منظور می گردد.
 - * دسترسی مداوم به بازارهای عضو سازمان تجارت جهانی با عوارض گمرکی مطمئن و تثبیت شده.
 - * تسهیلات تجاری با کشورهای عضو بدون اینکه با تک تک آنها قرارداد دوجانبه منعقد شود، فراهم می گردد.
- اهداف سازمان تجارت جهانی به شرح ذیل می باشد:

- (۱) ارتقای سطح زندگی
 - (۲) تامین اشتغال کامل در کشورهای عضو
 - (۳) توسعه تولید و تجارت و بهره وری بهینه از منابع جهانی
 - (۴) دستیابی به توسعه پایدار با بهره برداری بهینه از منابع
 - (۵) حفظ محیط زیست
 - (۶) افزایش سهم کشورهای درحال توسعه و کمتر توسعه یافته از رشد تجارت بین الملل
- این سازمان همچنین برای دستیابی به اهداف تعیین شده، اصولی را تدوین کرده است که کشورهای عضو می بایست به این اصول پایبند باشند و در صورت پایبند نبودن، مجازاتی علیه این کشورها اعمال می شود. مهم ترین این اصول عبارت اند از:
- (۱) اصل عدم تبعیض واصل دولت کامله الوداد: طبق این اصل، اگر کشوری امتیاز بازرگانی یا تعرفه ای را در مورد یکی از کشورهای عضو اعمال نماید، این امتیاز یا تعرفه می بایست در مورد تمام شرکای تجاری عضو سازمان تجارت جهانی تعمیم یابد. البته این اصل یک استثنا نیز دارد که به همگرایی های اقتصادی مانند اتحادیه های گمرکی بین چند کشور مربوط می شود. این استثنا بدین معناست که سازمان تجارت جهانی، سایر پیمان های تجاری (مانند اتحادیه اروپا یا نفتا) را نیز به رسمیت می شناسد.
 - (۲) استفاده از محدودیت های غیرتعرفه ای در تجارت همچون سهمیه بندی و صدور پروانه واردات ممنوع است و کشورها تنها با استفاده از وضع تعرفه های گمرکی مجازند از صنایع داخلی حمایت نمایند. هیچ یک از اعضا حق ندارند جز تعرفه های گمرکی و مالیات ها، محدودیت های دیگری را در واردات و یا صادرات کالاها به وجود آورند. این محدودیت ها شامل کلیه محدودیت ها از قبیل سهمیه بندی واردات و صادرات و الزام به اخذ مجوز و سیاست های نرخ ارز و غیره می گردد. اصل آزاد سازی تجاری از طریق رفع تدریجی موانع غیرتعرفه ای و تبدیل آن به تعرفه ها، تثبیت سقف تعرفه ها و تعهد به کاهش تدریجی سطح تعرفه ها صورت می گیرد.
 - (۳) کاهش و تثبیت تعرفه های گمرکی و حذف موانع تجاری و غیر تجاری مگر در مورد محصولات کشاورزی که با مشکل در پرداخت موجه هستند. هر کشوری که عضو سازمان تجارت جهانی می شود علاوه بر الحاق به موافقت نامه های چند جانبه سازمان، وارد مذاکرات دو یا چند جانبه با دیگر اعضا می گردد و تعرفه های خود را کاهش می دهد. حداکثر میزان تعرفه در جدول تعرفه های کشور وارد می شود و حق ندارد بیش از آن تعرفه ای اخذ نماید. کشورها متعهد می گردند بتدریج تعرفه ها را کاهش دهند.

۴) امکان برقراری سیستم تعرفه‌های ترجیحی برای برخی محصولات کشورهای در حال توسعه جهت تسهیل رقابت با محصولات تولیدی کشورهای صنعتی

۵) ممنوعیت اقدامات و اعمال دامپینگ و فروش زیر قیمت توسط کشورهای عضو، این اصل برای ایجاد زمینه‌ای برای رقابت کاراً با حذف موانع مختل‌کننده تجارت همچون یارانه‌های غیر مجاز، فروش زیر قیمت کالا و موارد آسیب‌زننده به تولید و تجارت کشورهاست. ارائه راه‌حلی در مقابل تجارت غیر عادلانه نیز از طریق ابزارهای دفاعی همچون وضع عوارض جبرانی یا اقدام ضد قیمت شکنی (ضددامپینگ) یا اعمال حفاظت‌ها صورت می‌گیرد.

۶) ممنوعیت وضع مالیات بر کالاهای وارداتی بیش از مالیات بر کالاهای ساخت داخل، لازم است کشورها در مورد کالاهای داخلی و وارداتی رفتار کاملاً یکسانی داشته باشند.

۷) انجام مشورت در مورد سیاست‌های بازرگانی با دیگر اعضا و حل و فصل اختلافات ناشی از روابط تجاری از طریق مذاکره. کلیه قوانین و مقررات و تصمیمات قضایی و دستورالعمل‌های اداری که به وسیله هر یک از کشورها برقرار شده است و به نحوی در فروش، توزیع و حمل و نقل و بیمه و انبارداری و مونتاژ کالاها تاثیر داشته باشد باید شفاف شود.

توافقات میان اعضای سازمان تجارت جهانی در خصوص تجارت کالاهای کشاورزی را می‌توان به طور خلاصه به شرح زیر برشمرد:

۱- مقرر شد کلیه موانع غیر تعرفه‌ای (NTTS) به معادل تعرفه مستقیم تبدیل شود و سقف معلوم و محدودی بر روی تعرفه‌ها گذاشته شود.

۲- مقرر شد نرخ تعرفه و معادل تعرفه در کشورهای پیشرفته به میزان ۳۶ درصد ظرف مدت ۶ سال کاهش یابد و این نرخ به میزان ۲۴ درصد طی ۱۰ سال برای کشورهای در حال توسعه تقلیل داده شود.

۳- مقرر شد نرخ یارانه صادرات در کشورهای صادرکننده به میزان ۳۶ درصد طی مدت ۶ سال کاهش یابد و کل حجم صادراتی یارانه دار نیز به میزان ۲۱ درصد طی همین مدت کاهش یابد.

۴- مقرر شد سیاست‌های حمایت داخلی از جمله یارانه‌ها محدود گردد، به طوری که کل حجم پولی این حمایت‌ها به میزان ۲۰ درصد برای کشورهای توسعه یافته و ۱۳/۳ درصد برای کشورهای در حال توسعه کاسته شود.

تعهدات کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در بخش کشاورزی به طور کلی در قالب ۴ مقوله خلاصه می‌شود (WTO, 2010):

الف) تعهدات مربوط به دسترسی به بازار، ب) تعهدات مربوط به کاهش حمایت داخلی، ج) تعهدات مربوط به کاهش یارانه‌های صادراتی، و د) تعهدات مربوط به رعایت مفاد موافقت‌نامه بهداشتی و بهداشت نباتی.

همان طور که ملاحظه می‌گردد موافقت‌نامه‌های فوق و اجرای تعهدات مذکور می‌تواند دارای اثرات مهمی بر چگونگی توسعه بخش کشاورزی کشورهای عضو و غیرعضو داشته باشد. به طوری که اجرای مقررات فوق، قیمت کالاهای کشاورزی و نهاده‌ها را تغییر داده و موجب برهم زدن روابط قیمتی بین محصولات صادراتی و غیر صادراتی از یک سو و نهاده‌های یارانه دار و بدون یارانه از سوی دیگر خواهد شد. حذف تدریجی یارانه‌ها موجب تغییر قیمت نسبی نهاده‌ها و نحوه و میزان مصرف آن‌ها خواهد شد و ضمن تأثیر بر فرایند تولید و درآمد صاحبان و

عرضه کنندگان آن، اثرات اجتماعی و اقتصادی قابل توجه و درعین حال ناشناخته‌ای برجای خواهد گذاشت. مقررات جدید سازمان تجارت جهانی، جهت مخارج حمایتی دولت به بخش کشاورزی را از پرداخت مستقیم یارانه به سرمایه‌گذاری بیشتر در امور زیربنایی سوق خواهد داد که این خود بر توسعه بخش و روابط بین بخشی مؤثر خواهد بود (سلامی، ۱۳۷۹). از سوی دیگر مقررات توافق نامه های بخش کشاورزی در خصوص تعرفه، نیازمند اصلاح ساختار نظام تعرفه ای بخش کشاورزی در راستای دستیابی به این مقررات از یک سو و توسعه بخش کشاورزی از سوی دیگر می‌باشد. از این رو توجه به اصول و ضوابط سازمان تجارت جهانی از دیدگاه مهندسی مجدد نظام تعرفه‌ای بخش کشاورزی بایستی مورد توجه قرار گرفته شود. از آنجایی که ایران خواهان پیوستن به سازمان تجارت جهانی است لذا بسترسازی مناسب برای این منظور در بخشهای اقتصادی از جمله کشاورزی قبل از پیوستن ضروری است که یکی از این موارد نظام تعرفه ای می‌باشد. چگونگی در نظر گرفتن این الزامات در ساختار مطلوب یکی از اهداف این تحقیق می باشد.

جدول ۱-۹: تعهدات اصلی موافقت نامه کشاورزی دور اروگوئه

شرح		توافق در مورد کشورهای		حداکثر مهلت اجرا در کشورهای		دوره پایه
حذف موانع غیر تعرفه‌ای و تبدیل آنها به تعرفه		توسعه یافته	در حال توسعه	توسعه یافته	در حال توسعه	-
کاهش تعرفه‌ها		حذف کامل و تبدیل به تعرفه	حذف کامل و تبدیل به تعرفه	در ابتدای دوره	در ابتدای دوره	-
کاهش حمایت داخلی غیرمعام		۳۶٪	۲۴٪	۶ سال	۱۰ سال	-
یارانه‌های صادراتی	کاهش مخارج	۲۰٪	۱۳٪	۶ سال	۱۰ سال	۸۸-۸۶
	کاهش مقادیر صادرات	۳۶٪	۲۴٪	۶ سال	۱۰ سال	۸۸-۸۶
	یارانه‌ای	۲۱٪	۱۴٪	۶ سال	۱۰ سال	۹۰-۸۶

ماخذ: سازمان جهانی تجارت، ص ۲۱۳.

قبل از جنگ جهانی اول تعداد محدودی موانع غیر تعرفه‌ای برای کشاورزی وجود داشت که بیشتر آنها ممنوعیت‌های ورودی بودند. در دهه‌های ۱۹۲۰ و ۱۹۳۰ تعدادی از معیارهای حمایتی شامل، سهمیه‌ها، مجوزها، کنترل‌های ارزی، یارانه‌های صادراتی، ترتیبات دوجانبه، تجارت دولتی و قوانین محدود کننده فنی و بهداشتی در عرصه تجارت کشاورزی پدیدار گردید. تعرفه‌ها نیز در این دوره افزایش یافتند. میزان حمایت از کشاورزی بعد از جنگ جهانی دوم باز هم افزایش یافت. در خلال دور اول مذاکرات گات (GATT) در ژنو (۱۹۷۴) بر کاهش تعرفه‌ها تاکید شد اما موانع غیر تعرفه‌ای مورد توجه قرار نگرفتند. در مجموع می‌توان گفت که در ۵ دوره اول مذاکرات گات دقت بسیار کمی به بخش کشاورزی معطوف شد. در خلال دوره ششم مذاکرات معروف به مذاکرات دور کندی (۶۷-۱۹۶۲) موانع غیر تعرفه‌ای به دنبال کاهش تعرفه‌ها افزایش یافتند. در این دوره موانع غیر تعرفه‌ای به عنوان موانع اصلی محدودیت تجاری شناخته شدند. این دوره اولین دوره‌ای است که کشاورزی مورد توجه قرار گرفت.

قبل از شروع دور کندی گروه مذاکراتی آمریکا پیشنهاد تبدیل همه موانع غیر تعرفه‌ای به تعرفه را ارائه کرد. اما این پیشنهاد هرگز در پروپوزال آمریکا گنجانده نشد چرا که به خاطر ناسازگاری با قوانین مالیاتی (گمرکی) جامعه

مشترک اروپا غیر قابل انجام ارزیابی شد. همچنین در این دوره سازکار مذاکراتی کشور با کشور و محصول به محصول تغییر کرد و روش مذاکراتی از رویکرد دو جانبه^۱ به چند جانبه تغییر کرد^۲ که منشاء موفقیت‌های بسیاری شد در دور هفتم مذاکرات معروف به مذاکرات دور توکیو (۷۹-۱۹۷۳) تکنیک سراسری^۳ تعقیب شد. در این دوره بر روی فرمول کاهش تعرفه‌ها مباحثات زیادی صورت گرفت. جامعه مشترک اروپا پیشنهاد کرد که به جای کاهش خطی تعرفه‌ها که در دور کندی پیشنهاد شد بهتر است از یک فرمول غیر خطی همگن^۴ استفاده شود به این صورت که فرمول در بردارنده کاهش کمی در تعرفه‌های پایین و کاهش بیشتر در تعرفه‌های بالا باشد. آمریکا کاهش بیشتر اما یکسان در کلیه تعرفه‌ها را پیشنهاد کرد. در این دور کوشش طاق فرسایي توسط مذاکره کنندگان صورت گرفت تا در نهایت بعد از دو سال فرمول معروف سوئیس برای کاهش تعرفه‌ها پذیرفته شد. این دور از دوره‌های پیش برجسته‌تر و مورد توجه بیشتر است چرا که در این دوره مذاکره کنندگان به ارتباط نزدیک بین سیاست‌های تجاری و داخلی کشورها پی بردند این آگاهی باعث شد که در دوره‌های بعدی مذاکرات (دوراروگوئه) بر روی کاهش حمایت‌ها در بخش کشاورزی تاکید شود. همچنین در این دور از مذاکرات روش مذاکراتی بخشی ایجاد شد. در نهایت در مذاکرات دور اروگوئه که طولانی‌تری و در عین حال موفق‌ترین دور مذاکرات در خصوص کشاورزی است و بیشتر موفقیت خود را مدیون توافق بر سر حذف و تبدیل موانع غیرتعرفه‌ای به تعرفه‌ای است مذاکره کنندگان توافق کردند که تعرفه‌های خود را برای بخش‌ها و محصولات مختلف محدود کنند و حداقل ۱۵ درصد تعرفه‌های خود را کاهش دهند. کشورهای توسعه یافته تعهد کردند که به طور متوسط کاهش ۳۶ درصدی در طول ۶ سال در تعرفه‌های کشاورزی خود ایجاد کنند و کشورهای در حال توسعه نیز متعهد شدند که در طول ۱۰ سال سطح تعرفه‌های کشاورزی خود را بطور متوسط ۲۴ درصد کاهش دهند. کشورهای کمتر توسعه یافته تعهد کاهش ۱۰ درصدی را عهده‌دار نشدند.

همچنین کشورها متعهد شدند برای تضمین حداقل دسترسی به بازار ۳ درصد مصرف داخلی خود را به واردات اختصاص دهند که این امر عمدتاً تحت رژیم تعرفه سهمیه‌ای و با تخصیص تعرفه‌های صفر یا بسیار پایین به واردات داخل سهمیه‌ای و ارائه جداولی به WTO صورت پذیرفت.

به طور کلی کشورها متعهد می‌شوند که تعرفه‌ها را به شرح زیر کاهش دهند (هیلی، ۱۳۷۹):

✱ برای کشورهای توسعه یافته به میزان میانگین غیر وزنی ۳۶ درصد، در ضمن این کشورها موظف اند که طی یک دوره شش ساله اجرا، هر دسته از تعرفه‌ها را حداقل ۱۵ درصد کاهش دهند.

✱ برای کشورهای در حال توسعه به ترتیب ۲۴ درصد و ۱۰ درصد، دوره اجرا نیز به ده سال افزایش می‌یابد.

✱ کشورهای دارای کمترین سطح توسعه یافتگی، هیچ نوع تعهدی برای کاهش تعرفه‌ها ندارند.

این ارقام در سند شیوه‌ها قید شده است، در حالی که نرخ تعرفه‌های تعیین شده برای هر کالا و در نتیجه، حداقل کاهش‌هایی که تعرفه‌ها باید مشمول آن شوند، در جدول‌های زمانی کشورها- که به لحاظ حقوقی الزام

1 -Bilateral

2 -Multilateral

3 -Across the -board

4-Harmonization formula

آوردند- آمده است. در پایان دوره اجرا، تمامی تعرفه ها در همان سطوح نهایی ثابت می ماند و نمی توان آنها را بیش از این افزایش داد، مگر در شرایط ویژه.

با این حال، این قاعده دارای استثنائاتی است که در چارچوب مقررات مربوط به حفاظت ویژه، به اجرا در می آیند. این مقررات اجازه می دهند که کشورها، در شرایطی که قیمتهای وارداتی فوق العاده کم است یا واردات به صورت ناگهانی افزایش می یابد، بر برخی کالاهای خاص، تعرفه بیشتری وضع کنند. اثر کاهشهای مورد توافق در دور اروگوئه، تا حدی به علت سطح زیاد نرخ پایه عوارض و اصلاحاتی که از دوره پایه به بعد در سیاستهای تجاری انجام شده است، کاهش خواهد یافت. با وجود این، ممکن است شیوه کاهش نرخ پایه نیز باعث کاهش بیشتر این تاثیر شود.

تعهد کاهش سطح کلی تعرفه ها به میزان ۲۴ درصد (که در مورد کشورهای توسعه یافته ۳۶ درصد است) براساس میانگین غیر وزنی تمامی تعرفه ها استوار است. به بیان دیگر، تا آنجا که به کاهش تعرفه ها مربوط می شود، در مورد کالاهایی که حجم تولید و تجارتشان به طرز نامتناسبی زیاد است، وزن بندی بیشتری اعمال نمی شود.

به علاوه، در مقایسه با کاهش تعرفه های کم، وزن بیشتری بر کاهش تعرفه های زیاد حمل نمی شود. برای مثال، تا آنجا که به تعهدات جهانی کاهش تعرفه ها مربوط می شود، اگر کالایی فرعی فقط به اندازه یک درصد مشمول نرخ پایه عوارض شود و کالای عمده دیگری، دارای عوارض ۲۰۰ درصدی باشد، کاهش ۱۰۰ درصدی تعرفه ها در مورد این دو کالا، به یک نتیجه واحد ختم می شود.

تعهدات دسترسی به بازار، بر حسب تعهدات مربوط به سهمیه معین تعرفه ها، دسترسی مطمئنی را به بازارها فراهم می آورد، کاهش تعرفه های موجود می تواند باعث بهبود فرصتهای دسترسی شود. در ضمن، فرایند تعرفه بندی به الزام آور شدن تمامی تعرفه های کشاورزی منجر می گردد. تعهداتی که کشورهای در حال توسعه در زمینه دسترسی به بازار بر عهده گرفته اند، سه موضوع را آشکار می کنند که نیازمند توجه خاصی است:

نخست آنکه، در فرایند تعرفه بندی، عملاً نباید هیچ مانعی غیر تعرفه ای تاثیر گذار بر تجارت کشاورزی باقی بماند و این فرایند باید برای تاجران و سیاستگذاران کشاورزی، شفافیت بیشتری داشته باشد. دوم آنکه، فرایند تعرفه بندی، به وضع تعدادی از تعرفه های بسیار بالا در میان کشورهای در حال توسعه انجامیده است. در برخی موارد، این تعرفه ها صرفاً نمایانگر کاهشهای حداقل هستند. محصولات تحت تاثیر، مشابه همان محصولات کشورهای توسعه یافته است (یعنی غلات، دانه های روغنی، گوشت و فرآورده های لبنی)، به علاوه، این محصولات، برخی فرآورده های گرمسیری چون قهوه، چای و ادویه جات را نیز شامل می شود. محصولات یاد شده، مشمول «تعرفه های حداکثری» هستند که به کشورهای در حال توسعه اعطا شده است. این تعرفه های حداکثر، در کل تعرفه هایی هستند که از تعرفه های پیشین اما غیر کرانه ای، که مشمول اصل دولت کامله الوداد بودند، بیشترند (البته صرف نظر از تاثیرات موانع غیر تعرفه ای). سوم آنکه، تعهدات مربوط به سهمیه تعرفه ها، دارای اهمیت خاصی است. بیشترین تعهدات در مورد غلات و سپس در مورد روغن نباتی و سبزیجات اعمال می شود. در موارد بسیاری، سهمیه تعرفه ها صرفاً ابزاری برای تبدیل محدودیتهای صادراتی داوطلبانه بوده است، به این صورت که سهمیه ها به همان کشورها اختصاص می یابد. این امر در ابتدا تاثیر چشمگیری بر جای نمی گذارد، زیرا صادر کننده وارد همان ساختار قیمت می شود و این ساختار، همان رانت های سهمیه ای را در اختیار می گذارد. منافع حاصل از سهمیه تعرفه ها به این

صورت است که بر طبق شرایط ذکر شده در موافقتنامه، این سهمیه‌ها کاهش نمی یابند و امنیت بیشتری را در ارتباط با بازار برای کشورهای ذینفع فراهم می آورند. آخرین نکته قابل ذکر این است که بسیاری از محدودیتهای صادراتی داوطلبانه، به صورت تعهدات مربوط به دسترسی جاری، در جدولهای زمانی کشورها قید شده است.

کشورها می توانند در یک مقیاس متغیر تعرفه ها که رابطه ای معکوس با سطح قیمت واردات دارد، استفاده کنند. این مقیاس، به ویژه برای کشورهای در حال توسعه، که برای دست یافتن به این نوع انعطاف پذیری، سطح بالایی را برای تعرفه ها در نظر می گیرند، امکان پذیر است. تا زمانی که سطوح مختلف اتخاذ شده در این مقیاس متغیر، از نرخ تعرفه های تعیین شده در جدول زمانی کشورها بیشتر نباشد، این اقدام با اصول و مقررات سازمان تجارت جهانی همخوان است. برای دستیابی به این امر می توان از سیاست نوار قیمت استفاده کرد. به موجب این سیاست، تنها وقتی که قیمت واردات از نوار میان قیمتهای حداقل و حداکثر خارج می شود، تعرفه ها تغییر می کنند. مادام که نوار قیمت بیش از حد باریک نشده باشد، نشانه های قیمت جهانی هنوز قابل رویت هستند، بنابراین قیمتهای داخلی همچنان در راستای قیمتهای جهانی قرار می گیرد.

۱-۸- مروری اجمالی بر مطالعات داخلی و خارجی تعرفه

به طور کلی بیان می گردد که وضع تعرفه منجر به تخصیص درآمد از مصرف کنندگان به تولیدکنندگان و دولت می شود. در نگرش عمومی، تعرفه ها منجر به انتقال تقاضا از محصولات خارجی به محصولات داخلی شده و لذا تولید کنندگان داخلی را به افزایش تولید تشویق می کنند. در حقیقت، وضع تعرفه ها، تولید داخلی و اشتغال را، با پذیرش هزینه زیانهای رفاهی مصرف کنندگان و قیمتهای بالاتر، افزایش می دهد. بر اساس نظریه استاندارد (ستی) تجارت بین الملل، کاهش تعرفه ها در یک کشور کوچک موجب افزایش رفاه ملی می شود (مهرآرا و برخورداری، ۱۳۸۶).

تعرفه ها، هزینه ای را بر همه کالاهایی که از مرز عبور می کنند، تحمیل می کنند و بنابراین قیمتهای این کالاها در درون کشور افزایش می یابد. بالارفتن قیمت بر میزان عرضه تاثیر می گذارد، چرا که کشاورزان با افزایش محصول پاسخ می دهند؛ و از طرفی بر تقاضا تاثیر می گذارد، چرا که مشتریان کمتر خرید می کنند. همچنین اثرات تعرفه بر بازار محلی می تواند به بازارهای جهانی منتقل شود چرا که ترکیب اثرات عرضه بیشتر و تقاضای کمتر، واردات را کاهش می دهد. اگر کشوری که تعرفه وضع می کند، یک وارد کننده بزرگ باشد، قیمتهای جهانی ممکن است کاهش یابد. جدول ۱-۱۰ نشان می دهد که تعرفه چگونه بر دیگر بخشهای اقتصاد کشاورزی در سه دسته از کشورها تاثیر می گذارد: کشوری که تعرفه وضع می کند، کشور صادر کننده و کشور وارد کننده محصولات کشاورزی. اثرات وضع تعرفه بر مصرف کنندگان نهایی، کشاورزان، صنعت فرآوری، درآمد دولت و سود خالص در این سه دسته کشورها نشان داده شده است (USDA, 2001). همانگونه که اطلاعات جدول نشان می دهد، سود خالص کشوری که تعرفه وضع می کند، کاهش می یابد. این کاهش ناشی از دو دلیل می باشد: اول اینکه بالا رفتن قیمت داخلی منجر به جذب منابع به کشت گندم می شود به جای اینکه در سایر فعالیتهای کشاورزی و یا غیر کشاورزی به کار گرفته شود که ممکن بود در آن صورت ارزش بیشتری تولید کند. برای مثال، سرمایه و نیروی کار مورد استفاده در تولید گندم اضافه ممکن است در جای دیگر مانند تولید محصولات دیگر یا فناوری ارتباطات بیشتر

مثمر ثمر باشد. دوم اینکه قیمت بالاتر برای گندم، قدرت انتخاب مشتری را کم می کند و درآمد واقعی کمتر می شود. تعرفه ها علاوه بر اینکه موجب افزایش قیمت در کشورهای وضع کننده تعرفه می شوند، قیمت های بازار جهانی را نیز می توانند کم کنند. تولیدکنندگان در سایر کشورها از پایین رفتن قیمت ها رنج می برند. بنابراین با این وجود که تعرفه در یک کشور ممکن است از کشاورزان گندمکار داخلی حمایت کند، اما به گندمکاران کشورهای دیگر آسیب می زند. افزایش قیمت برای مصرف کننده، به صنایعی که از محصولات استفاده می کنند، به طور مثال صنایعی که از گندم در تولید ماکارونی استفاده می کنند، نمی توانند ماکارونی خود را با قیمت ارزان به بازارهای خارجی عرضه کنند، بنابراین قدرت رقابت خود را از دست می دهند.

جدول ۱-۱: تاثیر وضع تعرفه بر گندمکاران سه گروه کشورها

شرح	اثر تعرفه بر		
	کشور وضع کننده تعرفه (با قیمت های محلی بالاتر)	کشورهای صادرکننده (قیمت جهانی بالاتر)	کشورهای واردکننده (قیمت جهانی پایین تر)
گندمکاران	+	-	-
صنعت فرآوری (نان، ماکارانی)	-	+	+
مصرف کنندگان (نان، ماکارونی)	-	+	+
درآمد دولت از تعرفه	+		
سود خالص	-	-	+

Source: USDA, 2001

صادرات کشاورزی در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، از طریق تعرفه های بالا کنترل می شود. این در حالی است که اقتصادهای با درآمد بالا^۱ به حمایت داخلی^۲ از کشاورزان روی می آورند. این مساله به صادر کنندگان کشورهای در حال توسعه آسیب می زند، چرا که باعث افزایش تولید داخلی کشورهای توسعه یافته، کاهش قیمت های جهانی، تشدید میزان افت و خیز قیمت های جهانی به ضرر کشورهای در حال توسعه و کاهش فرصت رقابت در واردات برای این کشورها می شود. اما از سوی دیگر تعرفه های بالاتر ممکن است موجب شود که وارد کنندگان محصولات کشاورزی در کشورهای در حال توسعه به خاطر دسترسی به کالاهای یارانه دار با قیمت پایین تر سود ببرند (World Bank, 2007).

مطالعات متعددی در خصوص آثار اقتصادی آزاد سازی تجاری بر کشورهای مختلف صورت گرفته است. برنو^۳ (۱۹۹۷) اعتقاد دارد که آزاد سازی تجاری (کاهش موانع تعرفه ای)، کارایی تخصیصی را در بلندمدت بهبود بخشیده و رشد اقتصادی را از طریق ایجاد محیط رقابتی و کاهش هزینه مصرف کنندگان افزایش می دهد؛ هر چند که آزاد سازی تجاری در کوتاه مدت می تواند به دلیل کاهش حمایت از برخی فعالیتهای اقتصادی منجر به توزیع هزینه های عدم حمایت بین آنان و منفی شدن موازنه تراز پرداختها شود (مهرآرا و برخورداری، ۱۳۸۶).

آگین و مونتل^۴ (۱۹۹۶) بحث می کنند که آزادسازی تجاری در ابتدا ممکن است منجر به کاهش اشتغال، ستانده و منفی شدن موازنه پرداختها شود ولی چنین سیاستی نمی تواند به طور فزاینده چنین آثاری به دنبال داشته باشد. به

1 -High-income economies

2 -Domestic support

3 -Burno

4 -Agion & Montiel

عبارت دیگر آزاد سازی تجاری در نهایت موجب افزایش اشتغال، ستانده و بهبود موازنه پرداختها می شود. ساچز و وارنر^۱ با تجزیه و تحلیل بخشی نشان دادند که آثار آزاد سازی تجاری بر رشد اقتصادی یک کشور بستگی به ساختار اقتصادی آن دارد (مهرآرا و برخورداری، ۱۳۸۶).

کونیک و پینستراپ (۲۰۰۷)^۲ به بررسی تاثیر آزادسازی تجارت کشاورزی بر کشورهای کمتر توسعه یافته (LDCs^۳) پرداختند. به نظر این نویسندگان، وضع تعرفه در کشورهای کمتر توسعه یافته برای حفاظت از کشاورزی، نوعی سیاست ضد دامپینگ به شمار می آید. اما در واقع تعرفه ممکن است فراتر از سیاستهای ضد دامپینگ باشد. در حال حاضر تعرفه ای که کشورهای کمتر توسعه یافته (LDCs) بر واردات وضع می کنند، بسیار پایین است و یک سوال کلی که مطرح می شود این است که آیا افزایش تعرفه ها در کشورهای کمتر توسعه یافته باعث حرکت بخش کشاورزی در این کشورها می شود؟ تعرفه های ضد دامپینگ ممکن است برای کشورهای کمتر توسعه یافته جهت حمایت از بخش کشاورزی در مقابل واردات کالاهای با قیمت پایین مناسب باشد؛ اما اگر این کشورها بخواهند برای مقابله با دامپینگ تعرفه را بیشتر بالا ببرند، باید سیاستهای دیگری مانند سرمایه گذاری در بازارهای محلی، بخش زیربنایی، تحقیق، تکنولوژی و سایر کالاهای عمومی را افزایش دهند. سیاستها نیز باید در جهت توسعه روستایی و کشاورزی تغییر یابد. بدون وجود چنین سیاستهایی، افزایش تعرفه واردات محصولات کشاورزی در کشورهای کمتر توسعه یافته می تواند به شدت به مشتریان کم درآمد آسیب بزند، رشد اقتصادی را به شدت کاهش داده و موجب افزایش بهره وری در بخش غیر کشاورزی شود.

اصلاحات سیاست تجاری کشاورزی، مشکلاتی را برای کشورهای در حال توسعه به وجود آورده است. این کشورها باید هزینه های زیادی را برای بهبود عملکرد بازار کشاورزی بپردازند. از جمله اصلاحاتی در اسناد مالکیت زمین به منظور امنیت حقوق مالکیت، اصلاح نهادهای قانونگذار برای اجباری کردن وضع قرارداد، اصلاحاتی در بدنه دولت و فراهم سازی زیرساختها و توجه بیشتر به گروههای آسیب پذیر لازم است. بعلاوه، بهبود وضعیت آموزش رسمی و غیررسمی در فراهم سازی تخصص برای توسعه طیف وسیعی از فعالیتهای اقتصادی برای کمک به فرایند تعدیل ساختاری لازم است (World Bank, 2007). علاوه بر حمایت های مستقیم (مانند تعرفه) از محصولات کشاورزی که جهت از حمایت تولید کننده انجام می شود، دولتها سیاستهای دیگری را برای منفعت رسانی به بخش کشاورزی و تولیدکنندگان کشاورزی اتخاذ کرده اند. بخشی از سیاستها شامل حمایت عمومی مانند تحقیق و توسعه، آموزش رسمی و غیررسمی در بخش کشاورزی و بازاریابی و بهبود وضعیت می باشد (The United States Congressional Budget Office, 2005).

کشورهایی که با کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای سعی در آزادسازی تجارت در بخش کشاورزی دارند، بایستی برای تنظیم صادرات و واردات، اقداماتی را در جنبه های استانداردهای غذایی و بهداشتی و حمایت از بخش کشاورزی (بدون وضع تعرفه و موانع غیر تعرفه ای) انجام دهند. برای پاسخ به چالش هایی که در نتیجه وضع استاندارد ها برای صادرات مواد غذایی به وجود می آید، کشورهای مختلف، راهکارهای متفاوتی را استفاده کرده اند

1 - Sachs & Warner

2 - Koning and Pinstrup-Andersen

3 - Least Developed Countries

یکی از این راهکارها، ایجاد نظام آموزش و بازدید برای کشاورزان خرده پا و کسب و کارهای کوچک و متوسط در بخش کشاورزی می باشد. این نظام می تواند توسط انجمن ها و دیگر گروه ها و شبکه های منطقه ای کشورهای کوچک تشکیل شود (World Bank, 2010). آزاد سازی تجاری به معنای عدم حمایت از بخش کشاورزی نیست. کشورهایی که به حذف و یا کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای می پردازد، اقدامات دیگری را جهت حمایت بخش کشاورزی خود انجام می دهد. به طور مثال، میزان حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) از طریق سه ابزار اندازه گیری می شود. اول حمایت از قیمت بازار است که عبارت است از تفاوت بین قیمت های داخلی و بین المللی که از طریق موانع مرزی مانند تعرفه ها و محدودیتهای کمی ایجاد می شود. این ابزار که اثر موانع مرزی را بر قیمت های محصولات داخلی می سنجد، به معنای حفاظت مرزی است. موانع مرزی ابزار مهمی برای حفاظت بوده و حدود ۷۰ درصد از کل حفاظت را در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) تشکیل می دهند. دومین ابزار، حمایت مستقیم^۱ از کشاورزی است که از طریق دادن یارانه های تولید به کشاورزان انجام می شود. سومین ابزار، حمایت عمومی^۲ است که از طریق تحقیق، آموزش، حمایت بازاری و زیرساخت ها انجام می شود. علاوه بر این، برخی کشورها یارانه هایی به مصرف کننده می دهند. یارانه ها معمولاً بر تولید تاثیر نمی گذارند و بنابراین جزء ابزارهای حمایت از تولیدکنندگان به شمار نمی آیند. بانک جهانی پیشنهاد می دهد که کشورهای در حال توسعه باید همه سیاست های تجاری خود را در یک برنامه رفاه اجتماعی جهانی بگنجانند که شامل آموزش مجدد شغلی و موارد مشابه می باشد. این برنامه می تواند برای کمک به کشاورزان خرده پا مناسب باشد و با سیاست های سازمان تجارت جهانی (WTO) همراست باشد (World Bank, 2010).

در حال حاضر مشکل عمده اقتصادی - سیاسی سازمان تجارت جهانی (WTO)، ایجاد انگیزه در کشورها برای آزادسازی تجاری کشاورزی می باشد. بیشتر کشورهای در حال توسعه مخالف آزادسازی بیشتر در محیطی هستند که حمایت های گسترده از کشورهای صنعتی به عمل می آید. تجربه نشان داده است که اثر تجزیه بازار^۳ ناشی از سیاست های یارانه ای کشورهای صنعتی، نتایج و منافع آزادسازی را برای کشورهای در حال توسعه کمرنگ ساخته است. در برخی موارد ثابت شده است که آزادسازی تجاری در کشورها از نظر سیاسی ناپایدار بوده است، چرا که کشاورزان در معرض تغییرات بطنی یا شدید قیمتها در اثر واردات کالاهای یارانه دار قرار می گیرند. بنابراین به منظور ایجاد مزایای مستقیم در کشورهای در حال توسعه صادر کننده محصولات کشاورزی، کاهش اساسی حمایت های کشاورزی از سوی کشورهای صنعتی لازم است. چنین اقدامی به کشورهای در حال توسعه اجازه می دهد که به اصلاحات داخلی پرداخته و در تجارت خارجی سود ببرند (World Bank, 2007).

سرنی واسان و جها (۲۰۰۱)^۴ به بررسی رابطه آزادسازی تجاری و پایداری قیمت های داخلی در مورد محصولات برنج و گندم در هند پرداختند. یافته های این مطالعه نشان می دهد که آزادسازی تجارت خارجی توسط هند باعث کاهش تغییرات قیمت ها در داخل کشور شد، هرچند قیمت های داخلی تغییر پذیر و آسیب پذیر بودند. همچنین

1- Direct support

2- General support

3- Market segmenting

4- Srinivasan and Jha

آزادسازی موجب شد که قیمت های جهانی نیز پایداری بیشتری پیدا کنند. لیکن تاثیر تجارت آزاد بر سطح رفاه مردم، بستگی به فاصله بین قیمت مرزی و قیمت منطقه مورد مطالعه داشته است. نوعی رابطه U شکل بین تغییرات قیمت ها و تفاوت بین قیمت های داخلی و مرزی مشاهده شد که نشان می دهد این تفاوت در سطح خاصی کنترل می شود. یافته ها نشان دهنده واهی بودن ترس عمومی از اینکه آزادسازی تجارت منجر به بی ثباتی قیمت ها می شوند، می باشد.

بنگلادش با هدف رشد تولید ناخالص داخلی در کشور، آزادسازی نظام تجاری خود را از سال ۱۹۹۲ آغاز کرد. لیکن بر خلاف دوره طولانی که از آزادسازی می گذرد، نرخ رشد واردات این کشور بیشتر از نرخ رشد صادرات آن است. این امر موجب نقصان مرادات تجاری بنگلادش شده است. نتایج مطالعه مونجورول و یوسپ^۱ (۲۰۱۰) نیز تایید گر این واقعیت است. این مطالعه نشان داد که آزادسازی تجاری که از طریق کاهش نرخ تعرفه های واردات انجام شده است، پایداری کلی واردات^۲ را در کوتاه مدت به طور معنی داری افزایش می دهد اما این افزایش در بلندمدت معنی دار نبوده است. از آنجا که افزایش واردات موجب افزایش درآمد می شود، گزینه افزایش تعرفه واردات مناسب نیست. بنابراین محققان پیشنهاد داده اند که برای کنترل واردات در سطح معینی، باید سیاستهای تشویق مصرف محصولات داخلی، سرمایه گذاری و تولید داخلی وجود داشته باشد.

رابطه شهر- روستا جایگاه مهمی در بحثهای سیاستی در کشور اتیوپی دارد. از این جهت در مطالعه گلان^۳ (۲۰۰۲) اثر آزادسازی تجاری بر روابط شهر و روستا در اتیوپی بررسی شد. نتیجه این تحقیق نشان داد که اثرات آزادسازی تجاری بر مناطق روستایی بستگی به سطح دستمزد نیروی کار در مناطق شهری دارد. اگر دستمزد نیروی کار شهری ثابت بماند، آزادسازی تجاری و کاهش تعرفه ها، به خاطر نابرابری های عمده در مناطق شهری، اثر منفی بر رشد اقتصادی کلی خواهد گذاشت. اما اگر دستمزدها منعطف باشد، تولید داخلی در هر دو مناطق روستایی و شهری افزایش پیدا خواهد کرد. لذا ارتباط و هماهنگی بین شرایط شهر و روستا تاثیر زیادی بر رشد خواهد داشت. این تحلیل نشان می دهد که موفقیت در زمینه آزادسازی تجاری تا حد زیادی بستگی به این دارد که چقدر بین سیاستهای شهر و روستا هماهنگی وجود دارد. به عبارت دیگر کاهش تعرفه ها به تنهایی منجر به بهبود اقتصاد کشور نمی شود.

مانول و اسپاتارانو^۴ (۲۰۱۰) با بررسی داده های مربوط به ۱۳۱ کشور توسعه یافته و در حال توسعه به بررسی رابطه بین آزادسازی تعرفه ها و درآمد پرداختند. نتیجه این مطالعه نشان داد که نرخ های کمتر تعرفه موجب درآمد سرانه بیشتر برای کشورها می شود. متغیرهای جغرافیایی و سازمانی نیز در این رابطه تاثیر دارند. نتیجه مطالعه فرناندس^۵ (۲۰۰۵) نشان داد که تعرفه ها از نظر آماری اثر منفی معنی دار بر بهره وری کلی (TFP)^۶ دارد. به این معنی که تعرفه های بیشتر، باعث کاهش بهره وری و تعرفه کمتر موجب افزایش بهره وری می شود. اثر منفی تعرفه

1- Monjurul Hoque and Yusop

2 -Aggregate import sustainability

3 -Gelan

4 - Manole V. and M. Spatareanu

5-Fernandes

6 -Total factor productivity

بر صنایع کمتر رقابتی بیشتر است. سانتوز^۱ (۲۰۰۲) به بررسی نقش کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بر واردات ۲۲ کشور در حال توسعه پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که حذف این موانع اثر قابل توجهی بر واردات کشورها، بویژه کشورهایی که قبلاً به میزان زیاد و یا خیلی زیاد مرزهای خود را در مقابل واردات حفاظت می کرده اند^۲، داشته است. در این کشورها، آزادسازی تجاری، واردات را به طور متوسط ۱۴۵٪ افزایش داده است. در کشورهایی که میزان حمایت "کم و متوسط" بوده است، واردات در اثر آزادسازی تجاری به طور متوسط ۱۹ درصد افزایش داشته است. علاوه بر آزادسازی تجاری، واردات هر کشور تحت تاثیر دو متغیر درآمد داخلی و قیمت نسبی^۳ کالاها بوده است. از سوی دیگر درآمد و انعطاف قیمتها^۴ در اثر آزادسازی تجاری افزایش یافته است. جین^۵ (۲۰۰۶) JIN به مطالعات اثرات آزادسازی بر رشد اقتصادی و تورم در اقتصاد کره جنوبی پرداخت. یکی از مهم ترین اثرات آزادسازی، کاهش سرمایه گذاری داخلی می باشد. از سوی دیگر با کاهش تعرفه ها، قیمت کالاهای وارداتی کاهش می یابد. لذا این محقق اعتقاد دارد که اگر بازارهای مالی به اندازه کافی برای رقابت با سرمایه گذاران خارجی آماده نباشند، اقتصاد داخلی با آزادسازی تجاری آسیب خواهد دید.

جان بالینگال (۲۰۰۱) در مقاله خود به بررسی پنج منطقه آزاد تجاری اقیانوسیه و اثرات آن بر کشاورزی نیوزیلند پرداخته است. در این مقاله با استفاده از مدل تعادل عمومی به اثرات توافقات پنج منطقه آزاد تجاری میان نیوزیلند، استرالیا، سنگاپور، شیلی و آمریکا با استفاده از مدل CGE به بررسی آثار این توافقات بر بخش کشاورزی نیوزیلند پرداخته است. به عبارتی دیگر مقاله به دنبال بررسی آثار آزادسازی تجاری و کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای بر بخش کشاورزی نیوزیلند می باشد. نتایج نشان می دهد که برخی بخشهای اقتصادی از این موضوع سود می برند که یکی از آنها بخش کشاورزی است.

وانگ (۲۰۰۳) در مقاله خود به بررسی اثر الحاق چین به سازمان تجارت جهانی بر الگوهای تجارت پرداخته است. او با استفاده از مدل CGE نشان داده است که بیشتر منافع حاصل از الحاق به WTO به خود چین برمی گردد اما در مورد بقیه جهان، خصوصاً کشورهای توسعه یافته و اقتصادهای صنعتی جدید آسیایی و همچنین کشورهای کمتر توسعه یافته از این الحاق نیز بهره مند می شوند. اما در مورد کشورهای در حال توسعه مشابه با ساختار چین ممکن است با رقابت بیشتر در صادرات کاربر مواجه شده و بنابراین با قیمتهای کمتر برای کالاهایشان مواجه شوند.

بلاک (۲۰۰۱) در مقاله خود به بررسی آزاد سازی تجاری بر کشاورزی اوگاندا پرداخته است. او با استفاده از مدل CGE به بررسی این اثرات پرداخته است. نتایج نشان می دهد که اثر آزادسازی چند جانبه بر کشورهای با درآمد پایین از قبیل اوگاندا اثر خفیفی دارد هر چند که اثر مثبت است و آن اثر ناشی از قیمت کالاهای صادراتی کشاورزی می باشد. از سوی دیگر نتایج نشان می دهد که منافع حاصل از این آزادسازی بیشتر به مناطق شهری تخصیص می یابد اما روستائیان فقیر نیز از این منافع سود می برند.

1 - Santos-Paulino

2 - Highly or very highly protected countries

3 - Relative price

4 - Price elasticity

5 - JIN

بایوتستا (۲۰۰۰) به بررسی اصلاحات تجاری و کشاورزی در زیمباوه پرداخته است. او با استفاده از مدل *CGE* متمرکز بر بخش کشاورزی و ماتریس حسابداری به ارزیابی سیاستهای تجاری، تعدیل درآمدهای مالیاتی و بازار ذرت غیرکنترلی پرداخته است. نتایج او نشان می‌دهد که اصلاح موثر سیاستهای تجاری همراه با اصلاحات مالی با هدفگذاری کاهش فقر می‌تواند در رشد کلی بخش و برابری تاثیرگذار باشد.

حسن ابراهیمی‌یزدی (۱۳۷۷) در پایان نامه خود به بررسی تاثیر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صادرات فرش پرداخته است. در این تحقیق بررسی شده است که کاهش موانع تجاری و تعرفه‌ای چه تاثیری بر صادرات فرش دارد. در این راستا با تهیه پرسشنامه و تکمیل آن از طریق صادرکنندگان فرش به بررسی تغییر موانع تجاری و تعرفه‌ها بر میزان صادرات با استفاده از اقتصادسنجی پرداخته شده است. نتایج نشان می‌دهد که در صورت بازاریابی و رفع مشکلات صادرات داخلی از جمله قوانین و مقررات، عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صادرات فرش تاثیر مثبت دارد.

رامین ذوالجناحی اسکویی (۱۳۸۲) در پایان نامه خود به بررسی آثار و تبعات اقتصادی و اجتماعی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی با تاکید بر کاهش تعرفه‌ها با استفاده از مدل تعادل عمومی قابل محاسبه پرداخته است. با استفاده از ماتریس حسابداری اجتماعی و مدل *CGE* اثر کاهش تعرفه‌ها را بر سطوح تولید، اشتغال، ارزش افزوده، سهم پرداختی به عوامل، توزیع درآمد، قیمت نسبی کالاهای صادراتی، سطح درآمدی دولت، میزان سرمایه گذاری و کسری بودجه دولت مورد بررسی قرار داده است. برخی از نتایج به شرح زیر می‌باشد:

- ۱- با کاهش تعرفه‌ها، قیمت کالاهای کشاورزی وارداتی افزایش می‌یابد.
 - ۲- با ورود به تجارت جهانی قیمت کالاهای داخلی کشاورزی افزایش می‌یابد.
 - ۳- با کاهش تعرفه تولید کالاهای کشاورزی افزایش خواهد یافت.
 - ۴- کاهش نرخ تعرفه باعث کاهش بیشتر در درآمد خانوارهای روستایی می‌شود.
 - ۵- با ورود به سازمان جهانی تجارت صادرات کالاهای کشاورزی افزایش می‌یابد.
- خسرو پیرایی و بیت الله اکبری (۱۳۸۴) در مقاله‌ای تحت عنوان اثر کاهش یارانه بخش کشاورزی (زراعت) و تغییر در نرخ مالیات بر کار، تولید بخشی و رفاه خانوار شهری و روستایی در ایران بر اساس روش شبیه سازی تعادل عمومی محاسباتی و ماتریس حسابداری سال ۱۳۷۵ پرداخته‌اند. نتایج نشان می‌دهد که کاهش در یارانه کشاورزی بر کلیه بخشها اثر منفی ایجاد می‌کند و بیشترین اثر منفی بر محصولات کشاورزی است.
- علیرضا کرباسی و مهدی پیروی (۱۳۸۷) در مقاله‌ای به بررسی تاثیر آزادسازی تجاری بر کشاورزی ایران بر اساس روش الگوهای هم جمعی و *ARDL* طی دوره زمانی ۱۳۵۰ تا ۱۳۸۳ پرداخته‌اند. نتایج بدست آمده نشان از وجود رابطه‌ی بلند مدت و هم جمعی میان متغیرهای تشکیل سرمایه ثابت ناخالص و صادرات بخش کشاورزی با ارزش افزوده این بخش داشته است. در این میان تاثیرات متغیر آزادی تجاری به عنوان یک متغیر جدید در کنار سایر متغیرها، بر روی ارزش افزوده‌ی بخش کشاورزی معنی دار بوده و ضریب مربوط به آن برابر ۰/۸۲ بدست آمد. بر اساس یافته‌های این مطالعه، متغیر صادرات با ضریب ۰/۸۲ بیشترین تاثیر را روی متغیر ارزش افزوده کشاورزی داشته است.

سیدکمیل طیبی و مصری نژاد شیرین (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به آزادسازی تجاری بخش کشاورزی و کاربرد مدل‌های تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE) مطالعه خانوارهای ایرانی پرداخته‌اند. به طور کلی فرایند آزادسازی تجاری، کسب منافع ناشی از توسعه مبادلات بین المللی است. ابزار اصلی آزادسازی، حذف موانع غیرتعرفه‌ای، حذف یا کاهش تدریجی تعرفه‌ها و در نهایت رسیدن به مرحله حذف یارانه‌های صادراتی است. یکی از اهداف مطالعات آزادسازی تجاری، بررسی اثرات آن بر توزیع درآمد و رفاه خانوارها است. این مقاله اثرات آزادسازی تجاری در بخش کشاورزی ایران و بر رفاه خانوارهای روستایی ایرانی را از طریق یک مدل تعادل عمومی قابل محاسبه CGE بررسی می‌کند. به طور کلی، در این روش با اعمال سیاست‌های مختلف آزادسازی میزان واکنش برخی از متغیرهای اقتصادی مانند متغیرهای خرد (رفاه و درآمد خانوارها) مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. نتایج ناشی از آزادسازی تجاری از طریق برآورد و محاسبه مدل تعادل عمومی بر درآمد خانوارهای شهری و روستایی نشان می‌دهد که تعدیل تعرفه‌های وارداتی (کاهش تدریجی تعرفه‌ها) در راستای آزادسازی تجاری بخش کشاورزی ضمن بهبود رفاه خانوارها آثار مثبتی بر سطح درآمد و مصرف آنها دارد.

محمد بخشوده و منصور زیبایی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای به آزادسازی تجاری کشاورزی و کاهش فقر: تجزیه و تحلیل بین کشوری پرداخته‌اند. در این مقاله با توجه به کیفیت زیرساخت‌های عمومی، اثرهای آزادی تجاری در کل اقتصاد و در بخش کشاورزی بر آزادی اقتصادی و درآمد و فقر بررسی شد. با استفاده از آخرین داده‌های مربوط به بیش از ۲۰۰ کشور در سطح جهان، توابع درآمد، فقر و آزادی اقتصادی برآورد شد. بر اساس یافته‌های این پژوهش، آزادسازی تجاری اثر مثبتی بر سطوح درآمد دارد و همراه با اثر ناشی از کیفیت زیرساخت‌ها باعث کاهش فقر می‌شود. افزون بر این، فقر به گونه مستقیم و غیر مستقیم تحت تاثیر کیفیت قوانین، مقررات و زیرساخت‌هاست.

رجب جلالوند (۱۳۷۸) در پایان نامه خود به ارزیابی اثرات الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر بخش کشاورزی، پرداخته است. او با اقتصادسنجی (تحلیل‌های رگرسیونی) نشان داده است که با الحاق به سازمان تجارت جهانی میزان تولید و قیمت غلات داخلی افزایش خواهند یافت.

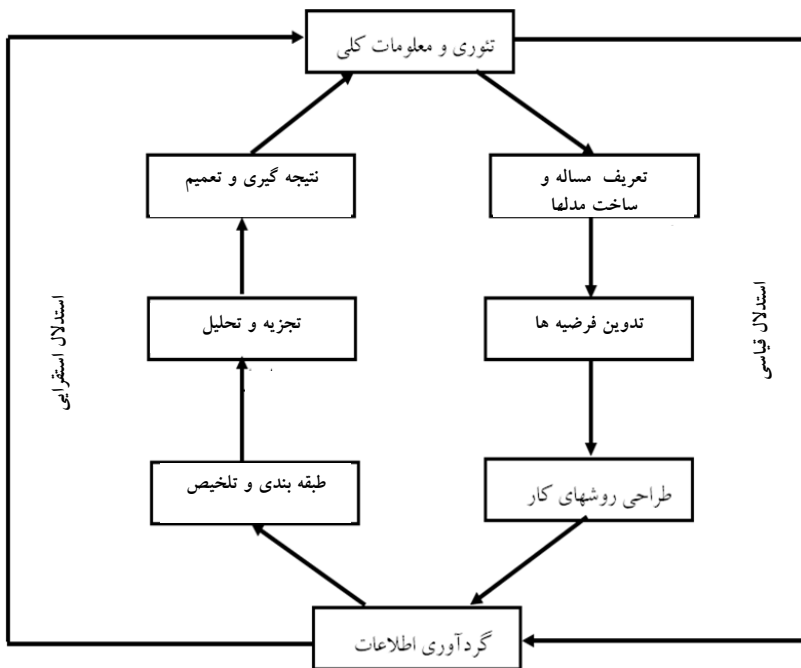
همان طور که ملاحظه می‌شود در خصوص تاثیر گذاری تعرفه‌ها (افزایش / کاهش) بر متغیرهای اقتصادی و بخش کشاورزی بر حسب کشور و ساختار اقتصادی آن و زمان و موضوع مورد بررسی متفاوت می‌باشد. از سوی دیگر تغییر در ساختار نظام تعرفه‌ای نیز در کشورهای مختلف اثرات متفاوتی داشته است که توجه به تفاوتها را در سیاستگذاریهای تجاری گویا می‌نماید.

همان طور که مطالعات مختلف در کشورهای جهان نشان می‌دهد اثرات تعرفه و آزادسازی تجاری بر حسب ساختار اقتصادی کشورها، زمان اجرا، میزان نرخ تعرفه و تغییر آن و سیاستهای حمایتی دیگر (همانند تحقیق و توسعه، آموزش و ...) بر متغیرهای اقتصادی کشورهای متفاوت است. لذا لازمست در هنگام اصلاح سیاستهای تجاری، با توجه به این موارد بسته سیاستی مناسب جهت دستیابی به اهداف اقتصادی مورد نظر تدوین گردد.

۹-۱- روش تحقیق (روش شناسی، بازه زمانی تحقیق، داده های مورد استفاده)

موضوعات مرتبط با حوزه های سیاستهای تجاری به دلیل ماهیت قراردادی بودن آن و وابستگی به شرایط و اوضاع اقتصادی همواره دستخوش تغییرات می باشد. در چنین فضایی انعطاف پذیری برنامه های سیاستی تنها راه موفقیت اهداف آن خواهد بود. با توجه به این ویژگی روش تحقیق و مدل مفهومی آن تعریف می گردد.

همانطور که در شکل (۱-۱) نشان داده شده است، در این تحقیق ابتدا با مطالعات کتابخانه ای و بررسی اسناد و مدارک در خصوص نظام تعرفه ای کشور و کشورهای منتخب و با روش استدلال قیاسی تحلیل و ارزیابی شده و سپس با روش استدلال استقرایی و بوسیله نظرسنجی از خبرگان آشنا با موضوع تحقیق (نظام تعرفه بخش کشاورزی)، نظرات آنان گردآوری و از طریق روش های آماری تحلیل می گردد. سپس با عنایت به عوامل شناسایی شده در اثرگذاری بیشتر ابزار سیاستی تعرفه بر تولید و الزامات خاص بخش کشاورزی، راهکارهای مناسب برای مهندسی مجدد نظام تعرفه ای بخش کشاورزی ارائه خواهد شد.



شکل ۱-۱: فرآیند علمی انجام تحقیق

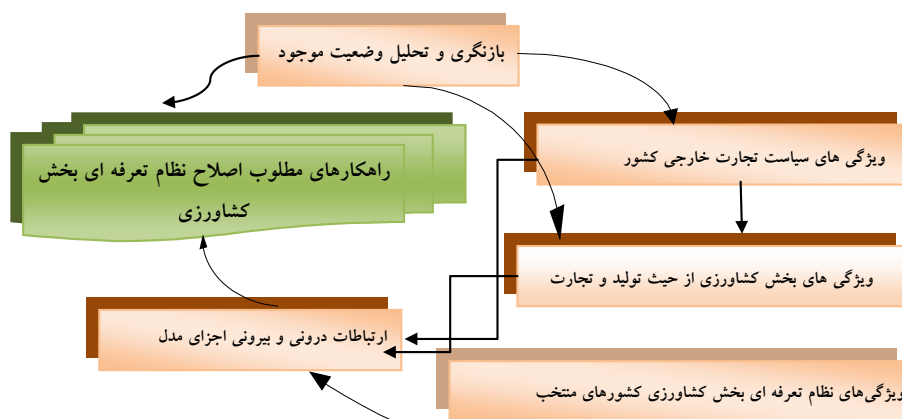
با توجه به فرآیند علمی تحقیق، اطلاعات مورد نظر از روشهای زیر جمع آوری می شود :

- کتابخانه ای : با مراجعه به اسناد و مدارک موجود و اینترنت و بر اساس سوالات و اهداف تحقیق، آمار و اطلاعات مورد نظر جمع آوری می شود. اطلاعات آماری برای دوره بعد از انقلاب جمع آوری و تحلیل شده است.
- روش دلفی : در این روش با طراحی پرسشنامه نظام تعرفه ای موجود و راهکارهای پیشنهادی مورد بررسی و تحلیل قرار می گیرد. اساس روش دلفی بر جمع آوری نظرات کلیه کارشناسان کلیدی استوار است. در این تحقیق ابتدا مولفه های نظام تعرفه طراحی و سپس در اختیار خبرگان قرار گرفته و پس از دریافت نظرات خبرگان پرسشنامه نهایی جهت تکمیل در اختیار کارشناسان قرار می گیرد.

اجزای اصلی طراحی شده در الگوی مفهومی تحقیق عبارت است از:

- ویژگی ها و اصول کلی حاکم بر تجارت خارجی و سیاستهای مرتبط با آن
- ویژگی ها و اصول کلی حاکم بر بخش کشاورزی و نقش آن در توسعه ملی
- بازننگری و تحلیل وضعیت موجود
- ویژگی ها و اصول کلی حاکم بر نظام تعرفه ای بخش کشاورزی کشورهای منتخب
- ارتباطات درونی و بیرونی اجزای الگو

هر یک از اجزای فوق با توجه به اهداف و سوالات تحقیق طراحی شده اند تا در نهایت بتوانند پاسخگوی ارائه پیشنهادات مطلوب جهت اصلاح ساختار نظام تعرفه ای بخش کشاورزی ایران باشند. اجزای اصلی الگوی مذکور در شکل ۱-۲ نشان داده شده است.



شکل ۱-۲: اجزای مدل مفهومی تحقیق

به منظور بررسی نظام تعرفه‌ای بخش کشاورزی لازمست معیارها و شاخص‌هایی که به منظور ارزیابی و بررسی نظام موجود مورد استفاده قرار می‌گیرد شناسایی گردد. شاخص‌ها متغیرهایی هستند که نشان می‌دهند که سیستم در عمل چگونه خصوصیتی دارد. شاخص‌ها ممکن است کمی باشند یا کیفی. با توجه به موضوع تحقیق شاخص‌های بررسی نظام تعرفه‌ای کشور را می‌توان به شرح ذیل گروه‌بندی نمود:

محور اول: تفاوت و پراکندگی نرخ تعرفه‌های محصولات کشاورزی

محور دوم: سالانه و فصلی بودن نرخ تعرفه‌های محصولات کشاورزی

محور سوم: حمایت از تولیدات داخلی بخش کشاورزی

محور چهارم: تنظیم بازار و مصرف‌کننده داخلی

محور پنجم: امنیت غذایی

محور ششم: قوانین و مقررات تجاری و بازرگانی

محور هفتم: الحاق به سازمان تجارت جهانی

محور هشتم: ساختار تصمیم‌سازی و تصمیم‌گیری نظام تعرفه‌ای بخش کشاورزی

محور نهم: چگونگی تعیین نرخ تعرفه گمرکی محصولات بخش کشاورزی

محور دهم: رقابت بازار محصولات کشاورزی و قیمت آن

محور یازدهم: ساختار نظارت و ارزیابی نظام تعرفه موجود و اصلاح آن

شاخص‌های بررسی نظام تعرفه‌ای محصولات کشاورزی کشور بر اساس یازده محور فوق طراحی و بر اساس آن اطلاعات مورد نظر (اسناد منتشر شده و آمارهای رسمی و پرسشنامه) برای تحلیل جمع‌آوری می‌گردد.

جمع‌بندی فصل

در این فصل به طور اجمال به تعاریف مفاهیم پایه‌ای تعرفه، نظرات اقتصاددانان در خصوص مداخله و عدم مداخله دولت در تجارت و سازمان تجارت جهانی و الزامات آن در مورد تعرفه‌ها بحث گردید. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در بخش کشاورزی بیشتر تعرفه‌های غیرارزشی کاربرد دارند. باید توجه داشت که تأمین سطح بالاتری از حمایت در کنار غیرشفاف‌سازی نظام تعرفه‌ای

مهم‌ترین دلایل استفاده از تعرفه‌های غیرارزشی است. به طور کلی ۶/۶ درصد خطوط تعرفه‌ای در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی تعرفه غیرارزشی هستند. این در حالی است که این نسبت در کالاهای کشاورزی و صنعتی به ترتیب ۱۹ و ۴ درصد می‌باشد که خود موید گسترده‌ی کاربرد تعرفه‌های غیرارزشی در بخش کشاورزی است. نکته جالب‌تر آن است که کشورهای توسعه‌یافته به مراتب بیش از کشورهای درحال توسعه از این گونه تعرفه‌ها استفاده می‌کنند. اتحادیه اروپا بزرگترین استفاده‌کننده از تعرفه‌های غیرارزشی است. البته واضح است که کاربرد این تعرفه‌ها در تمامی کشورهای عضو این اتحادیه یکسان نیست به نحوی که نروژ با غیرارزشی کردن ۵۴ درصد تعرفه‌های کشاورزی خود، بزرگترین استفاده‌کننده از تعرفه‌های غیرارزشی در دنیاست. پس از اتحادیه اروپا، ایالات متحده آمریکا بزرگترین استفاده‌کننده از تعرفه‌های غیرارزشی است (جدول ۱-۱۱). در میان تعرفه‌های غیرارزشی تعرفه ثابت، سهمیه‌ای، مرکب و فصلی از کاربرد بیشتری برخوردارند.

جدول ۱- ۱۱: سهم تعرفه غیرارزشی در نظام تعرفه ای کشاورزی کشورهای مختلف

نام کشور	سهم	نام کشور	سهم
کانادا	۲۶	روسیه	۳۳
اتحادیه اروپا	۴۵	بلغارستان	۱۳,۵
ایالات متحده	۴۳	افریقای جنوبی	۲۵
ژاپن	۱۵	ترکیه	۶

مأخذ: IDB به نقل از گیلانپور ۱۳۸۴

در خصوص آزادسازی تجاری و دستیابی به نتایج مطلوب لازمست به نکات ذیل توجه خاصی گردد:

- ۱ - آزادسازی تجاری با دیگر اهداف سیاستی مهمتر، به ویژه اهداف سیاستی مربوط به تراز پرداختها و کسری مالی دولت در تضاد است. لذا به منظور برخورداری از منافع اصلاح تجاری و آزادسازی باید تمهیداتی اندیشیده شود که اولاً به کسری مزمن تراز پرداختها منجر نشود و ثانیاً از نظر مالی دولت کسری بودجه پیدا ننماید.
- ۲ - زمینه‌های نیرومندی برای این اعتقاد وجود ندارد که آزادسازی تجاری کارایی اقتصادی و رشد صادرات را افزایش دهد و اینکه حمایت از فعالیت‌های مربوط به جانشینی واردات (به ویژه صنایع نوپا) در گسترش رشد اقتصادی بیشتر، اثربخش باشد به علاوه شرایط جهانی ممکن است اجازه افزایش صادرات و درآمدهای صادراتی را به کشورهای در حال انجام اصلاحات ندهد. در این خصوص برخی کشورها تجربه ناموفقی از آزادسازی تجاری داشته‌اند که بعدها مجبور به بازگشت و عقب‌گرد از سیاست‌ها اصلاح تجاری شدند.
- ۳ - ممکن است تعدیلات آزادسازی واردات در ساختار تولید، موجب بیکاری شود و کاهش ارزش پول ممکن است نرخ تورم را افزایش دهد.
- ۴ - وجود گروه‌های دارای منافع مسلم بر ضد اصلاحات تجاری و عدم اعتقاد کافی آنها به مزایای اصلاحات، ممکن است توأماً جهت تضعیف تعهد برای اصلاحات ترکیب شده و مشکلاتی را برای اجرای آن بوجود آورند. آن گروه از تجار، تولیدکنندگان، کارگران و مستخدمین دولت که در پشت دیوارهای بلند حمایت تجاری به فعالیت و تولید مشغول هستند، با حذف تعرفه و محدودیت‌های مقداری واردات مخالفت خواهند کرد. میزان و شدت مخالفت با لغو محدودیت‌های تجاری ممکن است به مراتب از شدت مخالفت با کاهش مخارج یا افزایش مالیات بیشتر باشد. چنانچه گروه‌های فشار از نظر سیاسی به اندازه کافی قدرتمند باشند و جلوی کاهش برخی از حمایت‌ها را بگیرند، سایر گروه‌هایی که با لغو حمایت‌های تجاری منافعی به خطر می‌افتد نیز شروع به فعالیت خواهند کرد. در نتیجه، مردم نسبت به قابلیت اجرای برنامه اصلاحات بدبین خواهند شد.
- ۵ - عدم وجود ظرفیت اجرایی کافی ناشی از تنگناهای اداری و نهادی ممکن است به ایجاد موانعی بر سر راه اجرای اصلاحات بیانجامد. لذا برای روبرو نشدن با این مشکل باید به تقویت نهادهای عمومی نیز توجه کافی مبذول شود.
- ۶ - تضادهای موجود بین اصلاح سیاستی و اهداف مربوط به ثبات اقتصادی، آزادسازی را در بعضی از مواقع کند و یا معکوس می‌نماید.

۷- تأخیر در واکنش عرضه و تولید، نسبت به اصلاح سیاستی و به دلیل کاهش منافع آشکار، اشتیاق برای اصلاح را محدود می‌کند.

۸- مشکل سیاسی نیز به عنوان یکی دیگر از مشکلات مهم اصلاحات تجاری است. دوره اجرای طولانی و حمایت کردن از افرادی که تحت تأثیر معکوس قرار می‌گیرند. منجر به معکوس شدن و شکنندگی فرآیند اصلاحات خواهد شد.

۹- مشکل دیگر ناشی از نرخ ارز است. از بین بردن موانع تجاری به تدریج موجب افزایش واردات خواهد شد. هرچند از این طریق نهاده‌ها با سهولت بیشتری در دسترس قرار می‌گیرد و تکنولوژی بهبود می‌یابد، ولی افزایش مطلوب در صادرات نمی‌تواند بلافاصله صورت گیرد، حتی اگر کاهش ارزش واقعی پول نیز پذیرفته شده باشد. به دلیل مشکلات و نگرانی‌هایی که در فوق ذکر شد و برخی مسائل و مشکلات دیگر، برای اصلاحات تجاری جامع، باید شرایط خاصی فراهم گردد تا اصلاحات تجاری به خوبی انجام شده و مشکلات کمتری را در حین اجراء و پس از آن به وجود آورد.

از سوی دیگر مطالعات نشان می‌دهد که آزاد سازی تجاری به معنای عدم حمایت از بخش کشاورزی نیست. کشورهای که به حذف و یا کاهش موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای می‌پردازد، اقدامات دیگری را جهت حمایت بخش کشاورزی خود انجام می‌دهد. به طور مثال، میزان حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) از طریق سه ابزار اندازه گیری می‌شود. اول حمایت از قیمت بازار است که عبارت است از تفاوت بین قیمت‌های داخلی و بین المللی که از طریق موانع مرزی مانند تعرفه ها و محدودیتهای کمی ایجاد می‌شود. این ابزار که اثر موانع مرزی را بر قیمت‌های محصولات داخلی می‌سنجد، به معنی حفاظت مرزی است. موانع مرزی ابزار مهمی برای حفاظت بوده و حدود ۷۰ درصد از کل حفاظت را در کشورهای سازمان همکاری و توسعه اقتصادی (OECD) تشکیل می‌دهند. دومین ابزار، حمایت مستقیم از کشاورزی است که از طریق دادن یارانه‌های تولید به کشاورزان انجام می‌شود. سومین ابزار، حمایت عمومی است که از طریق تحقیق، آموزش، حمایت بازاری و زیرساخت‌ها انجام می‌شود. علاوه بر این، برخی کشورها یارانه‌هایی به مصرف‌کننده می‌دهند. یارانه‌ها معمولاً بر تولید تاثیر نمی‌گذارند و بنابراین جزء ابزارهای حمایت از تولیدکنندگان به شمار نمی‌آیند. بانک جهانی پیشنهاد می‌دهد که کشورهای در حال توسعه باید همه سیاست‌های تجاری خود را در یک برنامه رفاه اجتماعی جهانی بگنجانند که شامل آموزش مجدد شغلی و موارد مشابه می‌باشد. این برنامه می‌تواند برای کمک به کشاورزان خرده پا مناسب باشد و با سیاست‌های سازمان تجارت جهانی منطبق باشد.

همان طور که مطالعات مختلف در کشورهای جهان نشان می‌دهد اثرات تعرفه و آزادسازی تجاری بر حسب ساختار اقتصادی کشورها، زمان اجرا، میزان نرخ تعرفه و تغییر آن و سیاست‌های حمایتی دیگر (همانند تحقیق و توسعه، آموزش و ...) بر متغیرهای اقتصادی کشورهای متفاوت است. لذا لازمست در هنگام اصلاح سیاست‌های تجاری، با توجه به این موارد بسته سیاستی مناسب جهت دستیابی به اهداف اقتصادی مورد نظر تدوین گردد.



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بخش دوم

بررسی نظام تعرفه محصولات کشاورزی جهان و ایران (کشورهای منتخب)

مقدمه

رشد جمعیت به ویژه در کشورهای در حال توسعه از یک سو و فقر غذایی در بخش‌هایی از کشورهای جهان از سوی دیگر موجب شده تا موضوع دسترسی کافی به غذا، همچنان در دستور کار سیاست‌گذاران اقتصادی-اجتماعی جهان باقی بماند. با توجه به اتکاء ایران به درآمدهای نفتی و نوسانات فراوان این درآمدها؛ که اقتصاد ایران را به شدت آسیب‌پذیر کرده و خواهد کرد؛ باید به بخش‌های دیگر اقتصاد، توجه جدی بشود. بخش کشاورزی به علت تولید و عرضه مواد غذایی مورد نیاز مردم و دارا بودن عناصر دخیل در فرهنگ و سنت جوامع، دارای اهمیت ویژه‌ای است، از این رو توسعه و بهبود بخش کشاورزی به ویژه در کشورهایی که جمعیت زیادی در آن مشغول به فعالیت هستند، در جهت اشتغالزایی، کاهش فقر، افزایش سطح سلامت و غیره بسیار موثر است. لازمه شکل‌گیری یک بخش قوی در درازمدت، اتخاذ سیاست‌های مناسب است و این سیاست‌ها بدون شناسایی و تشخیص عوامل موثر و مهم نمی‌تواند علمی شود. در این میان آنچه که به نظر می‌رسد دارای تأثیر زیادی در بهبود بخش کشاورزی داشته باشد، آزاد سازی تجارت است. واردات کالاهای کشاورزی می‌تواند مکملی برای تولیدات داخلی باشد و دامنه انتخاب مصرف کنندگان را افزایش دهد. صادرات تولیدات داخلی نیز بازارهای جدیدی را برای عرضه کنندگان محصولات فراهم آورده و سرانجام منجر به ایجاد اشتغال و درآمدزایی می‌شود. البته شایان توجه است که موفقیت کشورها در بهره‌مندی از منافع آزادسازی و جهانی شدن در گرو ساختار اقتصادی، قوانین و مقررات حاکم بر اوضاع کشور و توانایی آن در عرصه بازارهای بین‌المللی و مشارکت فعال در زمینه تجارت خواهد بود. در صورتی که دولت‌ها با توجه به شرایط حاکم بر بخش کشاورزی تصمیمات و سیاست‌های درستی را اتخاذ کنند در اینصورت واردات و صادرات موجب بهبود بخش کشاورزی خواهد شد. در این میان سیاست‌های تجاری و خصوصاً تعرفه می‌تواند در پیشبرد اهداف توسعه بخش کشاورزی نقش موثری داشته باشد. از این رو بررسی سیاست‌های تجاری و خصوصاً تعرفه کشورهای مختلف جهان می‌تواند درسهایی جهت چگونگی اصلاح ساختار فعلی نظام تعرفه ای کشور داشته که هدف اصلی این تحقیق می‌باشد.

با توجه به این مهم به اجمال در این فصل به آمار تجارت کشاورزی در جهان و ایران پرداخته و در مرحله بعدی به تجربیات جهانی در خصوص نظام تعرفه بخش کشاورزی (نرخ تعرفه، نوع آن و تغییرات در طول زمان) اشاره می‌گردد تا ضمن ارائه تصویری از وضعیت موجود، اطلاعات لازم برای تحلیل‌های بعدی فراهم گردد. بر اساس اطلاعات منتشر شده در سایت سازمان تجارت، ۲۳ کشور جهان (از دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته) انتخاب و اطلاعات مربوط به تعرفه بخش کشاورزی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

۲-۱- شاخصهای بازرگانی جهانی بخش کشاورزی

بر اساس اطلاعات منتشر شده بانک جهانی وضعیت تولید بخش کشاورزی، صادرات و واردات فرآورده های اولیه آن و میزان تعرفه در جداول ۱-۲ تا ۵-۲ آمده است. اطلاعات آماری بر حسب سال ۲۰۰۹ طبقه بندی و رتبه بندی شده است. به طوری که بیست کشور مهم جهان بر حسب اطلاعات سال ۲۰۰۹ بر حسب شاخص مورد بررسی مشخص شده و سپس اطلاعات سالهای قبل این کشورها جهت بررسی روند تغییرات آن در طول زمان آورده شده است. مهمترین نکات برجسته این اطلاعات عبارتست از:

۱- بیشترین سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۰۹ مربوط به آفریقای مرکزی با ۵۵/۵ درصد و بیستمین کشور جهان، مغولستان دارای ۲۳/۵ درصد بوده که در این میان نرخ رشد کشور آفریقای جنوبی ۰/۵ درصد و مغولستان ۲۱ درصد است که رشد فزاینده داشته و سهم بخش کشاورزی در اقتصاد ملی افزایش یافته است. در میان

بیست کشور مهم جهان از دیدگاه جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ملی طی دوره مورد بررسی روند نزولی سهم بخش کشاورزی در برخی کشورها نمایان است (مانند افغانستان و سودان) اما روند نزولی کاهنده ای مشاهده می شود. مشاهده می گردد که بخش کشاورزی از جایگاه مهمی در اقتصاد ملی کشورها برخوردار است (جدول ۲-۱).

۲- بیشترین سهم صادرات فرآورده های اولیه بخش کشاورزی از کل صادرات کالاها در سال ۲۰۰۹ مربوط به گواتمالا با ۶۰/۵ درصد و بیستمین کشور جهان، کوبا دارای ۳/۹ درصد بوده که در این میان نرخ رشد کشور گواتمالا ۰/۲ درصد و کوبا ۲ درصد است که رشد مثبتی داشته و سهم صادرات فرآورده های اولیه بخش کشاورزی در تجارت خارجی افزایش یافته است. در این میان ملاحظه می گردد جایگاه ایران در رتبه ۱۳ جهان با ۵/۵ درصد سهم بوده که طی دوره دارای نرخ رشد منفی ۶/۸- درصد بوده است و سهم فرآورده های کشاورزی کشور کاهش نشان می دهد. در میان بیست کشور مهم جهان از دیدگاه جایگاه صادرات فرآورده های اولیه در تجارت طی دوره مورد بررسی روند نزولی سهم بخش کشاورزی در برخی کشورها نمایان است (مانند ایسلند و هائیتی). مشاهده می گردد که صادرات فرآورده های اولیه از جایگاه مهمی در تجارت ملی کشورها برخوردار است (جدول ۲-۲).

۳- بیشترین سهم واردات فرآورده های اولیه بخش کشاورزی از کل واردات کالاها در سال ۲۰۰۹ مربوط به پاکستان با ۴/۳ درصد و بیستمین کشور جهان، سنت وینسنت دارای ۱/۸ درصد بوده که در این میان نرخ رشد کشور پاکستان ۲/۹ درصد و سنت وینسنت ۳/۵- درصد است که رشد مثبت و منفی داشته و سهم واردات فرآورده های اولیه بخش کشاورزی در تجارت خارجی افزایش و کاهش یافته است در میان بیست کشور مهم جهان از دیدگاه جایگاه واردات فرآورده های اولیه در تجارت طی دوره مورد بررسی روند نزولی سهم بخش کشاورزی در برخی کشورها نمایان است (مانند مراکش و ایتالیا). (جدول ۲-۳).

۴- بیشترین سهم خطوط تعرفه تجاری کل محصولات در سال ۲۰۰۹ مربوط به گامبیا با ۹۰/۹ درصد و بیستمین کشور جهان، آذربایجان دارای ۵۱ درصد بوده که در این میان نرخ رشد کشور گامبیا ۰/۳ درصد و آذربایجان ۵۱ درصد است که رشد مثبت داشته و نشان از افزایش خطوط تعرفه است. در این میان ایران دارای رتبه هفتم جهان با ۵۶/۶ درصد است که نرخ رشد سالیانه منفی ۱/۷- درصدی داشته است. در میان بیست کشور مهم جهان از دیدگاه جایگاه خطوط تعرفه تجاری کل محصولات طی دوره مورد بررسی روند نزولی در برخی کشورها نمایان است (مانند پاکستان و نیجریه). (جدول ۲-۴).

جدول ۲-۱: سهم ارزش افزوده بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی (درصد)

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	نرخ رشد	حداقل	حداکثر	میانگین
آفریقای مرکزی	۵۳.۱	۵۴.۳	۵۴.۳	۵۹.۷	۵۵.۳	۵۴.۴	۵۵	۵۳.۹	۵۲.۹	۵۵.۵	۰.۵	۵۲.۹	۵۹.۷	۵۴.۹
سیرالئون	۵۸.۴	۴۷.۱	۴۷.۸	۴۶.۷	۴۴.۹	۵۱.۶	۵۱.۱	۴۹.۹	۵۰.۲	۵۱.۴	-۱.۴	۴۴.۹	۵۸.۴	۴۹.۹
اتیوپی	۴۹.۹	۴۷.۷	۴۳.۵	۴۱.۹	۴۴.۲	۴۶.۷	۴۷.۹	۴۶.۲	۴۳.۸	۵۰.۷	۰.۲	۴۱.۹	۵۰.۷	۴۶.۲
کوموروس	۴۸.۶	۵۰	۵۰.۲	۵۰.۵	۵۰.۹	۵۱	۴۵.۲	۴۵.۳	۴۵.۸	۴۵.۲	-۰.۸	۴۵.۲	۵۱	۴۸.۳
کنگو	۵۰	۵۹.۷	۵۱	۵۱	۴۷.۳	۴۵.۵	۴۵.۷	۴۲.۵	۴۰.۲	۴۲.۹	-۱.۷	۴۰.۲	۵۹.۷	۴۷.۶
جزایر سلیمان	۳۴.۷	۲۴	۳۱	۳۹.۹	۳۷.۷	۳۴.۵	۳۵.۷	۴۴.۳	۴۱.۲	۳۸.۹	۱.۳	۲۴	۴۴.۳	۳۶.۲
رواندا	۳۷.۲	۳۷.۳	۳۵.۵	۳۸.۵	۳۸.۸	۳۸.۷	۳۸.۶	۳۵.۶	۳۷.۴	۳۸.۷	۰.۵	۳۵.۵	۳۸.۸	۳۷.۶
مالاوی	۳۹.۵	۳۸.۸	۳۷.۷	۳۷.۶	۳۶.۸	۳۲.۹	۳۴.۲	۳۴.۳	۳۴.۳	۳۵.۹	۴.۷	۳۲.۹	۳۹.۵	۳۶.۲
پاپوآ گینه نو	۳۵.۸	۳۶.۳	۴۰	۴۰.۱	۳۷.۸	۳۸.۶	۳۵.۹	۳۶	۳۳.۶	۳۵.۹	-۱.۸	۳۳.۶	۴۰.۱	۳۷
کامبوج	۳۷.۸	۳۶.۲	۳۲.۹	۳۳.۶	۳۱.۲	۳۲.۴	۳۱.۷	۳۱.۹	۳۴.۹	۳۵.۳	-۰.۸	۳۱.۲	۳۷.۸	۳۳.۸
نیال	۴۰.۸	۳۹.۵	۳۸.۶	۳۷.۵	۳۷.۲	۳۶.۳	۳۴.۶	۳۳.۵	۳۲.۷	۳۳.۸	-۲.۱	۳۳.۵	۴۰.۸	۳۶.۶
افغانستان			۴۵.۲	۴۶	۴۱.۶	۳۹.۵	۳۲.۶	۳۴.۵	۲۸.۵	۳۲.۵	-۴.۶	۲۸.۵	۴۶	۳۷.۵
غنا	۳۹.۴	۳۹.۳	۳۹.۲	۴۰.۲	۴۱.۵	۴۰.۹	۳۰.۴	۲۹	۳۱	۳۱.۷	-۲.۴	۲۹	۴۱.۵	۳۶.۳
موزامبیک	۲۴	۲۲.۵	۲۷.۸	۲۸	۲۷.۴	۲۷	۲۷.۹	۲۷.۷	۳۰.۵	۳۱.۵	۳	۲۲.۵	۳۱.۵	۲۷.۴
سودان	۴۱.۷	۴۲.۸	۴۲.۱	۳۸.۸	۳۵.۲	۳۲	۳۰.۱	۲۸.۱	۲۶.۲	۲۹.۷	-۳.۷	۲۶.۲	۴۲.۸	۳۴.۷
جمهوری کریباتی	۲۲.۵	۲۲.۶	۲۴.۴	۲۶.۱	۲۷.۳	۲۵.۶	۲۶	۲۷.۳	۲۷.۶	۲۸.۶	۲.۷	۲۴.۵	۲۸.۶	۲۵.۸
گامبیا	۳۵.۸	۳۶.۳	۲۷.۶	۳۱.۱	۳۳.۷	۳۲.۱	۳۰.۳	۲۸.۷	۲۸.۵	۲۷.۵	-۲.۹	۲۷.۵	۳۶.۳	۳۱.۱
اوگاندا	۲۹.۴	۲۹.۷	۲۴.۹	۲۶.۱	۲۲.۹	۲۶.۷	۲۵.۶	۲۳.۶	۲۲.۷	۲۴.۷	-۱.۹	۲۲.۷	۲۹.۷	۲۵.۶
ساحل عاج	۲۴.۲	۲۴.۷	۲۵.۷	۲۵.۶	۲۳.۲	۲۲.۸	۲۲.۹	۲۳.۹	۲۵	۲۴.۴	۰.۱	۲۲.۸	۲۵.۷	۲۴.۲
ماداگاسکار	۲۹.۲	۲۷.۹	۳۱.۷	۲۹.۲	۲۸.۸	۲۸.۳	۲۷.۵	۲۶.۲	۲۵.۲	۲۳.۹	-۲.۲	۲۳.۹	۳۱.۷	۲۷.۸
مغولستان	۳۲.۷	۲۹.۳	۲۴.۲	۲۳.۵	۲۵.۴	۲۴.۷	۲۱.۹	۲۳	۲۱.۱	۲۳.۵	-۳.۶	۲۱.۱	۳۲.۷	۲۴.۹
میانگین	۳۸.۲	۳۷.۳	۳۶.۹	۳۷.۷	۳۶.۶	۳۶.۳	۳۴.۸	۳۴.۵	۳۴	۳۵.۳	-۰.۹	۳۴	۳۸.۲	۳۶.۲

Source : world bank,2010

۵- بیشترین سهم خطوط تعرفه تجاری فرآورده‌های اولیه در سال ۲۰۰۸ مربوط به مالدیو با ۸۸/۳ درصد و بیستمین کشور جهان، بلیز دارای ۴۹ درصد بوده که در این میان نرخ رشد کشور مالدیو ۱۵/۶ درصد و بلیز ۲/۰ درصد است که رشد مثبت داشته و نشان از افزایش خطوط تعرفه است. در این میان ایران دارای رتبه ۱۸ جهان با ۵۰/۱ درصد است که نرخ رشد سالانه ۲/۷ درصدی داشته است. در میان بیست کشور مهم جهان از دیدگاه جایگاه خطوط تعرفه تجاری فرآورده‌های اولیه طی دوره مورد بررسی روند نزولی در برخی کشورها نمایان است (مانند گینه و گابون). (جدول ۲-۵).

به طور کلی اطلاعات نشان می‌دهد که جایگاه بخش کشاورزی در تولید ملی و تجارت خارجی با اهمیت است. از سوی دیگر ابزار تعرفه ای به عنوان ابزار حمایتی در کشورهای مهم جهان در طول سالهای مورد بررسی بکار گرفته شده است.

جدول ۲-۲: سهم صادرات فرآورده های اولیه کشاورزی از کل صادرات کالاها

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	رشد	حداقل	حداکثر	میانگین
گواتمالا	۵۹.۲	۶۰.۴	۶۱.۹	۷۳	۷۵.۹	۷۵.۴				۶۰.۵	۰.۲	۵۹.۲	۷۵.۹	۶۶.۶
گینه	۱۲.۵	۹.۹	۱۲.۴		۱۵.۷	۸.۲	۱۴.۸	۱۱.۸	۱۹.۸	۲۳.۱	۷	۸.۲	۲۳.۱	۱۴.۳
گینه بیسائو	۱۸.۷	۲۳.۲	۱۵	۲۵.۹	۱۲.۲	۱۵.۳	۱۷.۳	۲۰.۴	۱۴.۱	۱۱.۹	-۴.۹	۱۱.۹	۲۵.۹	۱۷.۴
گویان	۱۴.۳	۱۲.۶	۱۳.۳	۱۲.۴	۱۱.۷	۱۰.۷	۱۰.۹	۱۰	۸.۸	۹.۹	-۴	۸.۸	۱۴.۳	۱۱.۵
هائیتی	۲۹.۵	۲۴.۹	۲۳.۹	۲۵.۵	۱۹.۴	۱۵.۹	۱۴.۲	۱۴.۴	۹.۴	۹.۹	-۱۱.۴	۹.۴	۲۹.۵	۱۸.۷
هندوراس	۱۳.۴	۱۳.۲	۱۱.۱	۱۳	۱۴.۸	۱۵.۹	۱۰.۸	۹.۴	۹.۳	۹.۸	-۳.۴	۹.۳	۱۵.۹	۱۲.۱
هنگ کنگ، چین	۹.۴	۱۰.۹	۱۲.۸	۱۰.۸	۸.۴	۷.۵	۸.۱	۹.۲	۷.۸	۸.۵	-۱.۱	۷.۵	۱۲.۸	۹.۳
مجارستان									۵	۷.۶	۵۰.۲	۵	۷.۶	۶.۳
ایسلند				۱۰	۱۱.۵	۹.۸	۸.۳	۸.۲	۶.۸	۶.۲	-۷.۷	۶.۲	۱۱.۵	۸.۷
هندوستان	۳.۹	۴.۸	۵.۷	۴.۲	۶.۷	۷.۸	۱۰.۲	۷.۴	۶.۱	۶.۱	۵	۳.۹	۱۰.۲	۶.۳
اندونزی	۱۴	۱۱.۲	۸.۴	۹.۱	۹	۸.۳	۸	۸.۹	۸.۷	۵.۷	-۹.۵	۵.۷	۱۴	۹.۱
ایران	۱۰.۳	۱۰.۳	۹.۶	۸.۴	۷.۶	۶.۱	۴.۸	۵.۵	۵.۹	۵.۵	-۶.۸	۴.۸	۱۰.۳	۷.۴
عراق	۳	۳.۹	۳.۹	۳.۶	۳.۲	۶.۹	۴.۴	۳.۴	۲.۸	۵.۲	۶.۲	۲.۸	۶.۹	۴
ایرلند	۷.۶	۰.۸	۱.۵	۰.۶	۱.۲	۴.۲	۶.۵	۶.۴	۵.۸	۴.۸	-۴.۹	۰.۶	۷.۶	۳.۹
اسرائیل	۳.۶	۳.۶	۴.۳	۵	۵	۵.۱	۶.۴	۶.۳	۶.۴	۴.۵	۲.۵	۳.۶	۶.۴	۵
ایتالیا	۱۴.۲	۱۳.۷	۲۳.۲	۱۷.۴	۱۲.۵	۸.۵	۱۰.۴	۶.۶	۳.۵	۴.۴	-۱۲.۲	۳.۵	۲۳.۲	۱۱.۴
جامائیکا	۴	۵.۸	۶.۶	۵.۷	۵.۳	۴.۴	۴.۱	۳.۷	۳.۷	۴.۴	۱.۲	۳.۷	۶.۶	۴.۷
ژاپن	۹.۲	۸.۱	۸.۱	۸.۲	۶.۹	۶	۵.۱	۵.۶	۴.۴	۴.۳	-۸.۱	۴.۳	۹.۲	۶.۶
اردن	۶.۳	۵.۹	۶.۲	۶.۳	۶	۵.۲	۵.۵	۵.۳	۴.۳	۴.۲	-۴.۵	۴.۲	۶.۳	۵.۵
قزاقستان	۴.۷	۴.۸	۴.۸	۴.۵	۴.۲	۴	۳.۹	۴.۱	۳.۷	۴.۱	-۱.۵	۳.۷	۴.۸	۴.۳
کنیا	۳.۳	۳.۱	۳.۶	۴.۷	۴.۸	۴.۵	۵.۳	۴.۸	۴.۸	۳.۹	۲	۳.۱	۵.۳	۴.۳
میانگین	۱۲.۷	۱۲.۲	۱۲.۴	۱۳.۱	۱۲.۱	۱۱.۵	۸.۴	۸	۷.۱	۹.۷	-۲.۹	۷.۱	۱۳.۱	۱۰.۷

Source : world bank, 2010

جدول ۲-۳: سهم واردات فرآورده های اولیه کشاورزی از کل واردات کالاها

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	رشد	حداقل	حداکثر	میانگین
پاکستان	۳.۳	۴.۴	۴.۸	۵	۵.۹	۴.۳	۳.۶	۵	۴.۹	۴.۳	۲.۹	۳.۳	۵.۹	۴.۶
چین	۴.۸	۴.۶	۴.۳	۴	۳.۹	۴	۳.۸	۳.۶	۳.۴	۳.۴	-۳.۹	۳.۴	۴.۸	۴
جزایر فارو	۱.۹	۲.۸	۲.۶	۲.۵	۳.۲	۲.۳	۳.۱	۲.۳	۱.۹	۳.۱	۵.۶	۱.۹	۳.۲	۲.۵
اسلوونی	۳.۶	۳.۲	۳.۱	۳	۲.۸	۲.۶	۲.۵	۲.۹	۲.۶	۲.۹	-۲.۶	۲.۵	۳.۶	۲.۹
اندونزی	۷.۲	۷.۵	۵.۸	۴.۶	۳.۵	۳.۴	۳.۵	۳	۲.۸	۲.۸	-۹.۹	۲.۸	۷.۵	۴.۷
بوتان					۰.۶				۲.۲	۲.۶	۴۵.۵	۰.۶	۲.۶	۱.۸
ترکیه	۳.۷	۳.۹	۴.۱	۳.۷	۳.۱	۲.۸	۲.۷	۲.۸	۲.۲	۲.۴	-۴.۶	۲.۲	۴.۲	۳.۲
اتریش	۲.۶	۲.۴	۲.۴	۲.۴	۲.۲	۲.۲	۲.۳	۲.۲	۲.۱	۲.۲	-۲.۱	۲.۱	۲.۶	۲.۳
ساموآ		۱.۴	۱.۴	۱.۵	۱.۷	۲.۱	۱.۸	۲.۲	۱.۸	۲.۲	۵.۵	۱.۴	۲.۲	۱.۸
مراکش	۳.۱	۳.۲	۳.۳	۳	۲.۸	۲.۹	۲.۶	۲.۱	۲.۱	۲.۱	-۴	۲.۱	۳.۳	۲.۸
اروگوئه	۲.۶	۳.۲	۴.۳	۴.۸	۴	۳.۱	۲.۹	۲.۷	۲	۲.۱	-۳.۵	۲	۴.۸	۳.۲
تونس	۳.۱	۲.۹	۲.۹	۲.۸	۲.۸	۲.۶	۲.۳	۲.۲	۱.۹	۲	-۲.۴	۱.۹	۳.۱	۲.۵

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	۲۰۰۹	نرخ رشد	حداقل	حداکثر	میانگین
ایتالیا	۴.۱	۳.۷	۳.۵	۳.۲	۲.۸	۲.۷	۲.۵	۲.۴	۲.۱	۲	-۷.۷	۲	۴.۱	۲.۹
استونی	۳.۳	۳.۱	۲.۹	۳.۱	۳.۳	۳.۲	۲.۵	۲.۹	۲	۲	-۵.۴	۲	۳.۳	۲.۸
دانمارک	۲.۷	۲.۶	۲.۵	۲.۷	۲.۵	۲.۲	۲.۳	۲.۲	۱.۹	۲	-۳.۲	۱.۹	۲.۷	۲.۴
مالزی	۱.۳	۱.۳	۱.۲	۱.۱	۱.۲	۱.۲	۱.۳	۱.۵	۱.۶	۲	۴.۲	۱.۱	۲	۱.۴
نپال	۳.۸				۴.۶					۲	-۷.۱	۲	۴.۶	۳.۵
باربادوس	۲.۳	۲.۳	۲.۶	۱.۹	۲.۲	۱.۹	۲	۲.۶	۱.۷	۱.۹	-۱.۹	۱.۷	۲.۶	۲.۲
پاهاما	۲.۷	۲.۱	۲	۲	۲.۴	۲.۳	۲.۴	۲.۳	۱.۸	۱.۸	-۴.۱	۱.۸	۲.۷	۲.۲
فنلاند	۲.۳	۲.۷	۲.۸	۲.۷	۲.۶	۲.۷	۲.۴	۲.۷	۲.۸	۱.۸	-۲.۵	۱.۸	۲.۸	۲.۶
سنت وینسنت	۲.۴	۲.۳	۲.۹	۲	۲.۹	۲.۴	۲.۳	۲.۳	۲.۱	۱.۸	-۳.۵	۱.۸	۲.۹	۲.۳
میانگین	۳.۲	۳.۱	۳.۱	۳.۱	۳	۲.۶	۲.۶	۲.۷	۲.۳	۲.۳	-۳.۴	۲.۳	۳.۲	۲.۸

Source : world bank,2010

جدول ۲-۴: سهم خطوط تعرفه در تمامی محصولات در تجارت بین الملل

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	نرخ رشد	حداقل	حداکثر	میانگین
گامبیا								۹۰.۷	۹۰.۹	۰.۳	۹۰.۷	۹۰.۹	۹۰.۸
مالدیو	۶۴.۶	۶۴.۵	۶۵.۶	۷۰.۹	۷۱.۴	۷۲.۳	۷۲.۳		۸۷	۳.۸	۶۴.۵	۸۷	۷۱.۱
برمودا		۶۲.۷				۶۲.۴		۶۶.۵	۶۶.۷	۰.۹	۶۲.۴	۶۶.۷	۶۴.۵
وانواتا			۴۴.۲				۴۵	۶۴.۸	۶۵	۶.۶	۴۴.۲	۶۵	۵۴.۸
الجزیره	۵۰	۴۱.۳	۳۹.۷		۳۰.۸	۴۰	۳۹.۴	۶۰.۶	۲.۸	۳۹.۴	۶۰.۶	۴۴.۵	۴۴.۵
گینه					۵۸.۶			۵۷.۷		-۰.۵	۵۷.۷	۵۸.۶	۵۸.۱
جمهوری اسلامی ایران	۶۵			۳۷.۴	۴۳.۴			۵۴.۸	۵۶.۶	-۱.۷	۳۷.۴	۶۵	۵۱.۴
اتیوپی		۵۲.۳	۵۲.۹				۵۷.۴		۵۶	۱	۵۲.۳	۵۷.۴	۵۴.۶
روآندلا		۱۴.۴		۱۴.۲		۵۲.۲	۵۲.۷		۵۲.۹	۲۰.۴	۱۴.۲	۵۲.۹	۳۶.۹
گابون		۵۶.۹	۵۳.۸			۶۱.۳		۵۱.۷	۵۲.۱	-۱.۲	۵۱.۷	۶۱.۳	۵۵.۱
پاکستان	۵۷.۵	۵۴.۲	۵۲.۷	۵۰.۷	۴۲.۶	۴۲.۲	۵۲.۷	۵۱.۱	۵۱.۱	-۱.۷	۴۲.۶	۵۷.۵	۵۰.۶
بنین	۵۳.۵	۵۳	۵۶.۵	۵۶.۱	۵۷.۶	۵۳.۴	۵۳.۳	۵۰.۶	۵۰.۶	-۰.۸	۵۰.۶	۵۷.۶	۵۴.۲
سنگال	۵۳	۵۲.۴	۵۰.۹	۵۳.۸	۵۳.۸	۵۱.۳	۵۱.۲	۵۰.۶	۵۰.۶	-۰.۷	۵۰.۶	۵۳.۸	۵۲.۱
گینه بیسائو		۵۲.۲	۵۴	۵۶.۲	۵۵.۸	۵۵.۳	۵۰.۱	۵۵.۲	۵۰.۳	-۰.۵	۵۰.۱	۵۶.۲	۵۳.۶
زامبیا		۳۵.۱	۳۳.۷		۳۴.۵			۴۹.۷	۴۹.۷	۵.۹	۳۳.۷	۴۹.۷	۳۸.۲
نیجر	۵۵.۵	۵۴.۴	۵۴.۵	۵۴.۶	۵۶.۳	۴۸.۵	۵۱.۱	۴۹.۳		-۱.۷	۴۸.۵	۵۶.۳	۵۳
توگو	۵۲.۸	۵۱.۵	۵۷.۶	۵۷.۷	۵۵.۳	۵۲.۳	۵۴.۷	۴۸.۹		-۱.۱	۴۸.۹	۵۷.۷	۵۳.۸
ساحل عاج	۴۹.۲	۴۸.۹	۵۰.۷	۵۰.۸	۵۰.۹	۴۹.۹	۵۰	۴۸.۶		-۰.۲	۴۸.۶	۵۰.۹	۴۹.۹
مالی	۴۹.۳	۵۰.۵	۵۱	۵۱.۱	۵۰	۴۴.۲	۴۷.۲	۴۸.۴		-۰.۳	۴۴.۲	۵۱.۱	۴۹
آنتیگوا و باربودا	۵۲.۷	۴۱.۸	۴۰.۸	۴۶.۲			۳۹.۷	۲۷.۹	۴۸.۳	-۱.۱	۳۹.۷	۵۲.۷	۴۵.۳
آذربایجان		۴				۰.۱		۴۷.۹	۴۷.۴	۵۱.۲	۰.۱	۴۷.۹	۲۴.۹
میانگین	۶۰.۸	۵۱	۴۷.۳	۴۷.۹	۵۴.۵	۵۰.۲	۵۰	۵۲.۹	۵۶.۶	-۰.۹	۴۷.۳	۶۰.۸	۵۲.۶

Indicator: Share of tariff lines with international peaks, primary products (%)

Indicator: Share of tariff lines with international peaks, all products (%)

جدول ۲-۵: سهم خطوط تعرفه در فرآورده های اولیه در تجارت بین الملل

کشور	۲۰۰۰	۲۰۰۱	۲۰۰۲	۲۰۰۳	۲۰۰۴	۲۰۰۵	۲۰۰۶	۲۰۰۷	۲۰۰۸	نرخ رشد	حداقل	حداکثر	میانگین
مالدیو	۲۷.۸	۲۷.۷	۲۶.۷	۱۹.۶	۱۷.۱	۲۰.۱	۲۰.۱		۸۸.۳	۱۵.۶	۱۷.۱	۸۸.۳	۳۰.۹
گامبیا								۸۲.۴	۸۱.۴	-۱.۱	۸۱.۴	۸۲.۴	۸۱.۹
وانواتو			۳۹.۶				۴۳.۸	۶۴.۷	۶۷.۶	۹.۳	۳۹.۶	۶۷.۶	۵۳.۹
غنا	۷۱.۶				۶۸.۵			۶۷.۶	۶۷.۶	-۰.۷	۶۷.۶	۷۱.۶	۶۸.۸
آذربایجان			۱۵.۹			۰		۶۸.۳	۶۶.۳	۲.۹	۰	۶۸.۳	۳۷.۶
اتیوپی		۶۲.۳	۶۲.۹				۵۱.۷		۶۰.۱	-۰.۵	۵۱.۷	۶۲.۹	۵۹.۲
الجزیره	۴۲.۹	۴۲.۶	۴۱		۴۰.۳	۴۰.۷		۴۰	۵۹.۱	۴.۷	۴۰	۵۹.۱	۴۳.۸
گابون	۶۸.۵	۶۹.۴				۷۲.۵		۶۰.۶	۵۸.۹	-۲.۱	۵۸.۹	۷۲.۵	۶۶
گینه						۶۶.۶			۵۸.۶	-۴.۲	۵۸.۶	۶۶.۶	۶۲.۶
ساحل عاج	۵۰.۸	۵۰.۸	۵۷.۸	۵۸.۶	۵۹.۵	۵۵.۸	۶۳.۸	۵۶.۶	۱.۵	۵۰.۸	۶۳.۸	۵۶.۷	۵۶.۷
ماداگاسکار	۱.۱					۴۹.۲	۵۶.۳	۵۶.۸	۵۶.۴	۷۶.۳	۱.۱	۵۶.۸	۴۳.۹
گینه بیسائو	۵۱.۳	۵۳	۶۱.۱	۵۹.۶	۶۰.۱	۵۲.۵	۶۵	۵۶.۱	۱.۳	۵۱.۳	۶۵	۵۸.۲	۵۸.۲
بنین	۴۷.۵	۴۷	۵۶.۲	۵۵.۶	۵۷	۴۷.۳	۵۳.۶	۵۲.۸	۱.۵	۴۷	۵۷	۵۲.۱	۵۲.۱
سنگال	۵۲	۵۰.۶	۵۳.۵	۵۵.۵	۵۷.۱	۵۱.۵	۵۹.۶	۵۱.۴	-۰.۲	۵۰.۶	۵۹.۶	۵۳.۹	۵۳.۹
ترینیداد و توباگو	۴۶.۵	۴۷.۶	۴۹				۴۴.۹	۵۳.۷	۵۱.۴	۱.۴	۴۴.۹	۵۳.۷	۴۸.۸
گویان	۵۰.۸	۵۰.۳	۵۲.۳	۵۲.۱			۴۵.۹		۵۱.۱	۰.۱	۴۵.۹	۵۲.۳	۵۰.۴
مراکش	۹۳.۶	۹۲.۵	۹۰.۶	۸۷.۸	۵۴.۹	۴۸.۴	۵۱.۶	۵۰.۸	-۷.۳	۴۸.۴	۹۳.۶	۷۱.۳	۷۱.۳
آنتیگوا و باربودا	۵۶.۱	۵۰.۳	۵۰.۱	۵۱.۳			۴۳.۲	۴۸.۶	۵۰.۷	-۱.۲	۴۳.۲	۵۶.۱	۵۰.۱
جمهوری اسلامی ایران	۴۰.۵				۲۶.۵	۲۴.۴		۲۵.۲	۵۰.۱	۲.۷	۲۴.۴	۵۰.۱	۳۷.۳
پاپوا گینه نو			۴۷.۶	۴۷.۸	۴۷.۹	۴۷.۸	۳۶.۲	۴۹.۲	۴۹.۲	۰.۶	۳۶.۲	۴۹.۲	۴۶.۵
بلیز		۴۸.۳	۵۵.۵	۵۴.۴			۴۴.۸	۴۹	۴۹	۰.۲	۴۴.۸	۵۵.۵	۵۰.۲
میانگین	۵۶.۷	۴۹.۴	۵۰.۱	۵۰.۵	۴۸.۶	۴۸.۸	۴۵.۵	۵۷.۶	۵۸.۷	۰.۴	۴۵.۵	۵۸.۷	۵۱.۸

Indicator: Share of tariff lines with international peaks, all products (%)

Description: Share of tariff lines with international peaks is the share of lines in the tariff schedule with tariff rates that exceed 15 percent. It provides an indication of how selectively tariffs are applied.

Source: World Bank staff estimates using the World Integrated Trade Solution system, based on data from United Nations Conference on Trade and Development's Trade Analysis and Information System (TRAINS) database.

Catalog Source: World Development Indicators

۲-۲- شاخصهای بازرگانی بخش کشاورزی ایران

ارزش واردات کالای کشاورزی^۱

ارزش واردات کالای کشاورزی از ۱۰۲۰ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ به ۵۴۱۰ میلیون دلار در سال ۱۳۸۶ بالغ شده که طی این دوره در حدود ۵/۲ درصد نرخ رشد سالانه داشته که نشاندهنده روند صعودی این متغیر است. بیشترین مقدار ارزش واردات کالای کشاورزی مربوط به سال ۱۳۸۶ با ۵۴۱۰ میلیون دلار و کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۵۳ با ۱۰۲۰ میلیون دلار می باشد. میانگین ارزش واردات کالای کشاورزی طی دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۶ در حدود ۲۶۳۵ میلیون دلار بوده که این رقم در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) ۱۵۸۳ میلیون دلار، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۲۶۱۲ میلیون دلار، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۲۳۸۹ میلیون دلار، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) ۲۸۵۵ میلیون دلار، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۲۶۸۱ میلیون دلار و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۴۵۱۷ میلیون دلار می باشد. همانطور که ملاحظه می گردد بیشترین میانگین ارزش واردات کالای کشاورزی در دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی و کمترین مقدار آن مربوط به دوره قبل از انقلاب است. از سوی دیگر درصد تغییرات ارزش واردات کالای کشاورزی نشان می دهد بیشترین تغییرات مثبت مربوط به سال ۱۳۶۶ با ۱۵۸ درصد و بیشترین تغییرات منفی مربوط به سال ۱۳۵۹ با ۶۱- درصد می باشد. همان طور که ملاحظه می گردد در ۱۳ سال درصد تغییرات ارزش واردات کالای کشاورزی منفی بوده است که حاکی از این است که مسیر حرکت این شاخص در طول ۳۳ سال با نوسانات همراه بوده است. میانگین درصد تغییرات در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) ۱۶ درصد، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۱۱ درصد، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۳- درصد، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) ۳ درصد، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۲۷ درصد و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۱۳ درصد می باشد. ارزش واردات کالای کشاورزی از سال ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ از ۲۶۵۰ میلیون دلار به ۵۴۱۰ میلیون دلار رسیده که نرخ رشد سالانه ۱۹/۵ درصد را نشان می دهد.

۱- ارزش واردات کالای کشاورزی مربوط به واردات گمرکی و غیر گمرکی است.

جدول ۲-۶: ارزش واردات کالای کشاورزی (میلیون دلار)

سال	برنامه	ارزش واردات بخش کشاورزی	درصد تغییرات
۱۳۵۳	قبل از انقلاب	۱۰۲۰۰	-
۱۳۵۴		۲۰۸۵۰	۱۰۴۴
۱۳۵۵		۱۶۱۴۰	-۲۲۶
۱۳۵۶		۱۹۹۵۰	۲۳۶
۱۳۵۷		۱۲۰۲۰	-۳۹۷
میانگین		۱۵۸۳۲	۱۶۴
۱۳۵۸	انقلاب و جنگ تحمیلی	۱۹۲۵۰	۲۱۶
۱۳۵۹		۲۲۷۶۰	۱۸۲
۱۳۶۰		۲۸۸۰۵	۲۶۶
۱۳۶۱		۲۹۷۲۲	۳۲
۱۳۶۲		۳۴۳۱۴	۱۵۴
۱۳۶۳		۳۳۲۶۵	-۳۱
۱۳۶۴		۲۲۱۲۶	-۳۳۵
۱۳۶۵		۱۵۴۹۷	-۳۰۰
۱۳۶۶		۴۰۰۱۸	۱۵۸۲
۱۳۶۷		۱۵۴۸۸	-۶۱۳
میانگین		۲۶۱۲۵	۱۱۵
۱۳۶۸	برنامه اول	۳۳۴۹۵	۲۸۲
۱۳۶۹		۲۱۴۹۰	-۳۵۸
۱۳۷۰		۲۴۵۹۲	۱۴۴
۱۳۷۱		۲۳۱۲۲	-۶۰
۱۳۷۲		۲۲۴۶۷	-۲۸
۱۳۷۳		۱۸۱۹۱	-۱۹۰
میانگین		۲۳۸۹۳	-۳۵
۱۳۷۴	برنامه دوم	۲۹۰۵۸	۲۱۶
۱۳۷۵		۳۴۰۹۳	۱۷۳
۱۳۷۶		۲۹۸۲۲	-۱۲۵
۱۳۷۷		۲۳۴۲۹	-۴۱۴
۱۳۷۸		۲۶۳۳۰	۱۲۴
میانگین		۲۸۵۴۶	۳۵
۱۳۷۹	برنامه سوم	۲۶۰۰۷	-۸۹
۱۳۸۰		۲۶۷۷۲	۲۹
۱۳۸۱		۲۳۷۱۰	-۱۱۴
۱۳۸۲		۲۶۵۰۴	۱۱۸
۱۳۸۳		۳۱۰۶۸	۱۷۲
میانگین		۲۶۸۱۲	۲۳
۱۳۸۴	برنامه چهارم	۳۲۳۹۰	۲۰۸
۱۳۸۵		۴۹۰۱۷	۵۱۳
۱۳۸۶		۵۴۱۰۱	۱۰۴
میانگین		۴۵۱۶۹	۲۷۵
میانگین کل		۲۶۳۵۵	۱۳۰

ماخذ: بانک مرکزی، ترازنامه، سالهای مختلف و محاسبات تحقیق.

نرخ رشد سالانه ارزش واردات کالای کشاورزی در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) و ادامه این روند در سالهای آتی نشان از افزایش بی رویه واردات است که در صورتی که با کاهش حمایت از تولید داخلی همراه شود، انگیزه تولید کاهش می یابد و وابستگی امنیت غذایی کشور به واردات بیشتر از تولید داخلی می گردد. از سوی دیگر با جایگزینی واردات به جای تولید داخلی و کاهش تولید داخلی علاوه به مخاطره افتادن امنیت غذایی کشور امنیت درآمدی تولیدکنندگان نیز به مخاطره می افتد و چه بسا منجر می شود تا کشاورزان شغل خود را برای کسب درآمد رها کرده به این ترتیب علاوه بر افزایش میزان بیکاران و هجوم آنها به شهرها که به دنبال خود بسیاری پیامدهای منفی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی را به دنبال دارد و باعث دور شدن کشور از هدف خود یعنی خودکفایی در تولید محصولات کشاورزی شده و وابستگی بیشتر به محصولات وارداتی را به همراه خواهد داشت و در نهایت امنیت غذایی کشور به سیاستها و تصمیمات بازار جهانی متصل شده که این تهدیدی جدی جهت تامین غذای افراد جامعه می باشد. با توجه به تنوع آب و هوایی و قابلیت تولید انواع محصولات در ایران بنابراین مناسب است تا دولت تدابیری بیاندیشد تا با افزایش کارایی و عملکرد تولیدات بخش کشاورزی تولیدات این بخش افزایش یابد و با وضع مقرراتی از جمله منطقی کردن تعرفه موثر بر واردات نهاده های تولید بخش کشاورزی به کاهش هزینه تولید و کاهش قیمت محصولات این بخش کمک کرده و همچنین با حمایت های موثر به گونه ای که نرخ مبادله همواره به نفع تولید کننده داخلی باشد که در نتیجه با گذشت زمان و جز در مورد محصولات خاص خودکفایی نسبی حاصل گردد.

سهم کالای کشاورزی از واردات کشور

به منظور بررسی سهم بخش کشاورزی از واردات کشور از شاخص سهم کالای کشاورزی از واردات کشور^۱ استفاده می شود. این شاخص نشان می دهد که به ازاء یک میلیون دلار واردات مربوط به کل کشور چند میلیون دلار آن مربوط به بخش کشاورزی است. سهم کالای کشاورزی از واردات کشور از ۱۱ درصد در سال ۱۳۵۳ به ۹/۳ درصد در سال ۱۳۸۶ بالغ شده که طی این دوره در حدود ۰/۵ درصد نرخ رشد سالانه داشته که نشان دهنده روند نزولی خفیف این متغیر است. بیشترین میزان سهم کالای کشاورزی از واردات کشور مربوط به سال ۱۳۶۶ با ۳۰ درصد و کمترین میزان مربوط به سال ۱۳۸۳ با ۸ درصد می باشد. میانگین سهم کالای کشاورزی از واردات کشور طی دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۶ حدود ۱۵ درصد بوده که این رقم در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) ۱۰/۸ درصد، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۱۸ درصد، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۱۴ درصد، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) ۲۰ درصد، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۱۲ درصد و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۹ درصد می باشد. همانطور که ملاحظه می گردد بیشترین میانگین سهم کالای کشاورزی از واردات کشور در دوره انقلاب و جنگ تحمیلی و کمترین میزان آن مربوط به دوره برنامه چهارم است. از سوی دیگر درصد تغییرات سهم کالای کشاورزی از واردات کشور نشان می دهد بیشترین تغییرات مثبت مربوط به سال ۱۳۶۶ با ۱۳۱ درصد و بیشترین تغییرات منفی مربوط به سال ۱۳۶۹ با ۵۳- درصد می باشد. همان طور که ملاحظه می گردد در ۱۷ سال درصد تغییرات سهم کالای کشاورزی از واردات کشور منفی بوده است و این خود حاکی از نوسانات شدید در مسیر حرکت این شاخص در طول ۳۳ سال بوده است. میانگین درصد تغییرات در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) ۳- درصد، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۱۸

۱- جهت محاسبه این شاخص مقادیر مربوط به ارزش واردات کالای کشاورزی (گمرکی و غیر گمرکی) بر کل ارزش واردات کشور (گمرکی و غیر گمرکی) قسمت شده و حاصل در ۱۰۰ ضرب میشود.

درصد، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۷ درصد، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) ۱۰ درصد، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۱۶- درصد و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۶ درصد می باشد. طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶، سهم کالای کشاورزی از واردات کشور از ۸/۹۷ درصد به ۹/۳ درصد رسیده که نرخ رشد سالانه ۰/۹ درصدی را نشان می دهد. نرخ رشد سالانه سهم واردات کالای کشاورزی در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) نشان از روند صعودی اما خفیف سهم واردات کالای کشاورزی از کل واردات کشور دارد در صورت ادامه روند آن در سالهای آتی از آنجایی که واردات بخش کشاورزی یکی از مولفه هایی است که بر تولید این بخش موثر است، می تواند تهدیدی بر امنیت غذایی و درآمدی تولید کنندگان باشد.

نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی^۱

نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی نشان می دهد که تولید در بخش کشاورزی به چه میزان به واردات وابسته می باشد. افزایش این شاخص نشان از درجه وابستگی تولید بخش کشاورزی به واردات است. اطلاعات نشان می دهد که مقدار این شاخص از سال ۱۳۵۳ تا سال ۱۳۸۶ از ۲۳ درصد به ۱۹ درصد بالغ شده که طی این دوره در حدود ۰/۶- درصد نرخ رشد سالانه داشته و نشان دهنده روند نزولی این متغیر است. بیشترین و کمترین مقدار این شاخص به ترتیب مربوط به سال ۱۳۵۴ با ۴۳ درصد و سال ۱۳۶۷ با ۲/۳ درصد می باشد. میانگین نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی طی دوره ۳۳ ساله در حدود ۱۴ درصد بوده است که این رقم در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) ۲۸ درصد، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۱۱ درصد، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۷ درصد، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) ۱۱ درصد، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۱۲ درصد و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۱۹ درصد می باشد. همانطور که ملاحظه می گردد بیشترین میانگین نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی در دوره قبل از انقلاب و کمترین مقدار آن مربوط به برنامه اول توسعه است. از سوی دیگر درصد تغییرات نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی نشان می دهد بیشترین تغییرات مثبت مربوط به سال ۱۳۷۲ با ۱۳۷۵ درصد و بیشترین مقدار منفی مربوط به سال ۱۳۶۷ با ۶۵- درصد می باشد. همان طور که ملاحظه می گردد در ۲۰ سال از ۳۳ سال، درصد تغییرات نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی منفی بوده است و این خود حاکی از این مطلب است که طی سالها با نوسانات شدید همراه بوده است به این معنی که سهم آن در برخی سالها افزایش و در برخی دیگر کاهش می یابد و به این ترتیب ثبات و پایداری در تغییرات این شاخص وجود ندارد. میانگین درصد تغییرات در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۶ تا ۱۳۵۷) ۴ درصد، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۹- درصد، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۲۴ درصد، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) ۱۳- درصد، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۳۲ درصد و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۵ درصد می باشد. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی از ۱۷ درصد به ۱۹ درصد بالغ گشته که نرخ رشد سالانه ۲/۸ درصد را نشان می دهد. روند صعودی این شاخص طی سالهای ۱۳۸۲ تا ۱۳۸۶ نشان از افزایش واردات کالای کشاورزی نسبت به ارزش افزوده این بخش است که ناشی از افزایش

۱- جهت محاسبه این شاخص مقادیر ارزش واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده این بخش قسمت شده و نتیجه در ۱۰۰ ضرب میشود.

واردات بخش کشاورزی بوده است. با توجه به اینکه واردات به نوعی جایگزین تولیدات داخلی می‌شود در نتیجه تقاضا برای محصولات کشاورزی تولید داخل را کاهش می‌دهد. از آنجایی که ارزش افزوده ایجاد شده در این بخش نوعی انگیزه و اطمینان درآمدی برای تولید کنندگان ایجاد می‌کند در نتیجه افزایش نسبت واردات کالای کشاورزی به ارزش افزوده بخش کشاورزی از طریق کاهش انگیزه تولید در کشاورزان به کاهش تولید و تهدید امنیت غذایی کشور منجر می‌گردد.

جدول ۲-۷: نسبت واردات به ارزش افزوده بخش کشاورزی، سهم واردات کالای کشاورزی از کل واردات

کشور (درصد)

سال	برنامه	نسبت واردات به ارزش افزوده بخش کشاورزی	درصد تغییرات	سهم واردات بخش کشاورزی از واردات کل کشور	درصد تغییرات
۱۳۵۳	قبل از انقلاب	۲۲.۹	-	۱۰.۹۷	-
۱۳۵۴		۴۳.۱	۸۸.۱	۱۳.۵۷	۲۲.۷
۱۳۵۵		۲۶.۲	-۳۹.۲	۹.۸۷	-۲۷.۲
۱۳۵۶		۳۱.۵	۲۰.۱	۱۰.۸۵	۹.۸
۱۳۵۷		۱۴.۹	-۵۲.۸	۸.۶۶	-۲۰.۱
میانگین		۲۷.۷	۴.۱	۱۰.۷۹	-۳.۴
۱۳۵۸	انقلاب و جنگ تحمیلی	۱۷.۹	۲۰.۳	۱۹.۲۱	۱۲۱.۷
۱۳۵۹		۱۵.۵	-۱۳.۴	۱۶.۹۳	-۱۱.۹
۱۳۶۰		۱۴.۷	-۴.۸	۱۸.۵۷	۹.۶
۱۳۶۱		۱۳.۲	-۱۰.۷	۲۰.۷۲	۱۱.۶
۱۳۶۲		۱۴.۱	۷.۴	۱۶.۶۵	-۱۹.۶
۱۳۶۳		۱۱.۷	-۱۷.۰	۲۲.۹۵	۳۷.۸
۱۳۶۴		۷.۲	-۳۸.۸	۱۶.۱۳	-۲۹.۷
۱۳۶۵		۳.۶	-۴۹.۸	۱۳.۱۰	-۱۸.۷
۱۳۶۶		۶.۵	۸۰.۴	۳۰.۲۳	۱۳۰.۷
۱۳۶۷		۲.۳	-۶۵.۰	۱۴.۶۰	-۵۱.۷
میانگین		۱۰.۷	-۹.۱	۱۸.۹۱	۱۸.۰
۱۳۶۸	برنامه اول	۴.۱	۸۰.۱	۲۴.۹۱	۷۰.۶
۱۳۶۹		۲.۲	-۴۵.۸	۱۱.۷۲	-۵۲.۹
۱۳۷۰		۱.۸	-۱۶.۷	۹.۷۶	-۱۶.۷
۱۳۷۱		۱.۳	-۳۱.۹	۹.۹۳	۱.۸
۱۳۷۲		۱۸.۶	۱۳۷۵.۰	۱۱.۶۵	۱۷.۳
۱۳۷۳		۱۵.۵	-۱۶.۴	۱۴.۴۲	۲۳.۸
میانگین		۷.۳	۲۲۴.۱	۱۳.۷۳	۷.۳
۱۳۷۴	برنامه دوم	۱۴.۷	-۵.۴	۲۲.۷۵	۵۷.۸
۱۳۷۵		۱۵.۴	۴.۵	۲۲.۷۵	۰.۰
۱۳۷۶		۱۲.۱	-۲۱.۱	۲۱.۱۲	-۷.۲
۱۳۷۷		۷.۲	-۴۰.۳	۱۶.۴۰	-۲۲.۳
۱۳۷۸		۷.۱	-۲.۴	۱۹.۶۰	۱۹.۵
میانگین		۱۱.۳	-۱۳.۰	۲۰.۵۲	۹.۶
۱۳۷۹	برنامه سوم	۵.۸	-۱۷.۸	۱۷.۲۴	-۱۲.۰
۱۳۸۰		۵.۵	-۵.۰	۱۴.۷۷	-۱۴.۳
۱۳۸۱		۱۴.۷	۱۶۷.۲	۱۰.۷۶	-۲۷.۱
۱۳۸۲		۱۶.۷	۱۳.۳	۸.۹۷	-۱۶.۷
۱۳۸۳		۱۷.۱	۲.۴	۸.۱۳	-۹.۳
میانگین		۱۲.۰	۳۲.۰	۱۱.۹۷	-۱۵.۹

سال	برنامه	نسبت واردات به ارزش افزوده بخش کشاورزی	درصد تغییرات	سهم واردات بخش کشاورزی از واردات کل کشور	درصد تغییرات
۱۳۸۴	برنامه چهارم	۱۶.۹	-۱.۱	۷.۵۲	-۷.۶
۱۳۸۵		۲۱.۷	۲۸.۵	۹.۸۰	۳۰.۴
۱۳۸۶		۱۸.۸	-۱۳.۶	۹.۲۹	-۵.۲
میانگین		۱۹.۱	۴.۶	۸.۸۷	۵.۹
میانگین کل		۱۳.۶	۴۱.۸	۱۵.۱۳	۵.۹

ماخذ: بانک مرکزی، ترازنامه، سالهای مختلف و محاسبات تحقیق.

سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای کشور^۱

جهت بررسی روند حجم مواد اولیه و کالای واسطه ای وارداتی کشور که به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد از شاخص سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای کشور استفاده می‌شود. اطلاعات نشان می‌دهد سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای کشور از ۱/۹۶ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۴/۱ درصد در سال ۱۳۸۶ رسیده که نرخ رشد سالانه ۴/۸ درصدی داشته و روند صعودی را نشان می‌دهد بطوری که میانگین سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای کشور طی دوره، ۳/۱ درصد بوده است. مشاهده می‌گردد حداکثر سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای کشور در سال ۱۳۸۵ با ۴/۶ درصد و حداقل آن در سال ۱۳۸۱ با ۲ درصد بوده است. در سالهای اخیر (۱۳۸۲-۱۳۸۷) سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای کشور نرخ رشد سالانه ۳/۳ درصدی و میانگین ۴ درصدی را نشان داده است. از جمله عوامل مورد نیاز تولید نیروی کار و سرمایه می‌باشد. موجودی سرمایه از طریق انباشت سرمایه‌گذاری ها تامین می‌شود. سرمایه‌گذاری نیز به چند نوع انجام می‌شود که عبارت از: سرمایه‌گذاری در ساختمان، مواد اولیه و واسطه ای و ابزار و ماشین آلات (کالای سرمایه‌ای) است. روند صعودی و نسبتاً خفیف سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای کشور در سالهای اخیر و با توجه به نقش و اهمیت مواد اولیه و واسطه ای مورد نیاز در تولیدات هر بخش از جمله بخش کشاورزی، بنابراین در صورت ادامه این روند در سالهای آتی احتمالاً مسیر تولید محصولات کشاورزی به واسطه تامین سرمایه موجود رو به افزایش خواهد رفت به این ترتیب جهت ادامه این روند لازم است تا دولت از طریق اجرای برنامه‌های تحقیقاتی و اجرایی حجم و نوع مواد اولیه و کالای واسطه ای مورد نیاز تولیدات بخش کشاورزی را شناسایی کرده و به این ترتیب به با واردات به اندازه و مناسب مواد اولیه و کالای واسطه ای این بخش کشور را به سمت دستیابی به هدف خود کفایی در تولید محصولات کشاورزی و تامین امنیت غذایی هدایت کند.

سهم بخش کشاورزی از واردات کالای سرمایه‌ای کشور^۲

جهت بررسی روند حجم کالای سرمایه‌ای وارداتی کشور که به بخش کشاورزی تعلق می‌گیرد از شاخص سهم بخش کشاورزی از واردات کالای سرمایه‌ای کشور استفاده می‌شود. اطلاعات نشان می‌دهد سهم بخش کشاورزی از

۱- جهت محاسبه این شاخص واردات گمرکی مواد اولیه و کالای واسطه ای بخش کشاورزی بر کل واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای گمرکی کشور قسمت شده و حاصل در ۱۰۰ ضرب می‌شود.

۲- جهت محاسبه این شاخص واردات گمرکی کالای سرمایه‌ای بخش کشاورزی بر کل واردات کالای سرمایه‌ای گمرکی کشور قسمت شده و حاصل در ۱۰۰ ضرب می‌شود.

واردات کالای سرمایه‌ای کشور از سال ۱۳۸۱ تا سال ۱۳۸۶، از ۱/۵ درصد به ۶/۱ درصد بالغ گشته که نرخ رشد سالانه ۳۱/۶ درصدی و روند صعودی را نشان می‌دهد بطوری که میانگین سهم بخش کشاورزی از واردات کالای سرمایه‌ای کشور طی دوره، ۲/۸ درصد بوده است. مشاهده می‌گردد حداکثر سهم بخش کشاورزی از واردات کالای سرمایه‌ای کشور در سال ۱۳۸۶ ۶/۱ درصد و حداقل آن در سال ۱۳۸۳ با ۱/۳ درصد بوده است. در سالهای اخیر (۱۳۸۲-۱۳۸۷) سهم بخش کشاورزی از واردات کالای سرمایه‌ای کشور نرخ رشد سالانه ۳۲/۵ درصدی و میانگین ۳/۱ درصدی را نشان داده است. علی‌رغم روند صعودی سهم بخش کشاورزی در واردات کالای سرمایه‌ای در سالهای اخیر و با توجه به نقش و اهمیت آن در افزایش تولیدات و همچنین مکمل بودن مواد اولیه، کالای سرمایه‌ای و واسطه‌ای در فرآیند تولید این بخش، با این وجود عدم تناسب واردات کالای سرمایه‌ای با کالای واسطه‌ای و مواد اولیه (روند صعودی نسبتاً خفیف: ۳/۳ درصد سهم از واردات مواد اولیه و کالای واسطه‌ای در مقابل ۳۲/۵ درصد سهم از کالای سرمایه‌ای) منجر به کاهش اثرگذاری کالای سرمایه‌ای در افزایش تولیدات محصولات کشاورزی گردد. بنابراین ادامه روند نامتوازن واردات مواد اولیه، کالای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در بخش کشاورزی در سالهای آتی، نمی‌تواند در بهبود وضعیت این بخش و افزایش تولیدات و در نتیجه تضمین امنیت غذایی کشور نقش پررنگی داشته باشد. به این ترتیب شایسته است تا دولت تدابیری بیاندیشد که با شناسایی کالاهای مورد نیاز این بخش به واردات متناسب و موثر مواد اولیه، کالاهای سرمایه‌ای و واسطه‌ای کمک کرده و در نهایت واردات متناسب و به اندازه این کالاهای از طریق افزایش سطح تولیدات، تامین امنیت غذایی کشور را تضمین و ما را به هدف خودکفایی در تولید محصولات نزدیک نماید.

بررسی واردات محصولات کشاورزی^۱

در این بخش به بررسی حجم و روند محصولات کشاورزی وارداتی در کشور پرداخته شده است. واردات گندم از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۶ از ۳۴/۴ میلیارد ریال به ۳۴/۱ میلیارد ریال رسیده و رشد سالانه ۰/۰۵- درصدی با روند نزولی را نشان می‌دهد. میانگین واردات گندم در طول دوره ۱۶ ساله ۴۰۶/۳ میلیارد ریال بوده و بیشترین و کمترین مقدار خود را به ترتیب در سال ۱۳۷۶ با ۱۹۴۴ میلیارد ریال و سال ۱۳۸۴ با ۱۴/۱ میلیارد ریال تجربه کرده است. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) واردات گندم نرخ رشد سالانه ۲۶/۸- درصدی و میانگین ۷۶/۵ میلیارد ریال داشته است. به این ترتیب ملاحظه می‌شود که در سالهای اخیر روند واردات گندم نزولی بوده است که ادامه کاهش واردات با توجه به روند نزولی تولید این محصول (۱/۵- درصد) گزارش تولید و عملکرد گندم طی سالهای ۸۶-۱۳۸۲ می‌تواند منجر به تهدید امنیت غذایی کشور گردد. به این ترتیب شایسته است دولت در کنار ادامه روند کاهشی واردات گندم بوسیله شناسایی موانع و مشکلات موجود بر سر راه تولید این محصول به عنوان عمده‌ترین غله در تامین غذای مردم جامعه، وابستگی تامین غذایی آحاد مردم جامعه به بازارهای بین‌المللی را کاهش و موجبات خودکفایی در تولید گندم را فراهم آورد.

واردات برنج از سال ۱۳۷۰ تا سال ۱۳۸۶ از ۱۶/۱ میلیارد ریال به ۴۲۹/۲ میلیارد ریال رسیده و رشد سالانه ۲۲/۷ درصدی با روند صعودی را نشان می‌دهد. میانگین واردات برنج در طول دوره ۱۶ ساله ۲۴۴ میلیارد ریال بوده و بیشترین و کمترین مقدار خود را به ترتیب در سال ۱۳۷۴ با ۷۸۷/۵ میلیارد ریال و سال ۱۳۷۰ با ۱۶/۱ میلیارد ریال تجربه کرده است. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) واردات برنج نرخ رشد سالانه ۱۴/۲ درصدی و میانگین ۳۵۷/۵ میلیارد

۱- در این قسمت تنها محصولاتی آورده شده است که اطلاعات آنها بصورت کامل در دسترس بوده است.

ریال داشته است. روند صعودی واردات برنج در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) نشان از وابستگی هر چه بیشتر کشور به بازارهای بین المللی می باشد. ادامه این روند در سالهای آتی علی رغم وجود شرایط اقلیمی و طبیعی مناسب کشور جهت تولید برنج، منجر به کاهش تقاضای داخلی محصول و در نتیجه کاهش انگیزه کشاورزان جهت تولید برنج گشته و در نهایت امنیت غذایی کشور به سیاستهای کشورهای عرضه کننده برنج وابسته شده و با توجه به نقش برنج در سبد غذایی خانوار ایرانی، تامین امنیت غذایی کشور سخت خواهد گردید.

واردات جو از ۱/۷ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۶۹/۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده و رشد سالانه ۲۶ درصدی با روند صعودی را نشان می دهد. میانگین واردات جو در طول دوره ۱۶ ساله ۶۲ میلیارد ریال بوده و بیشترین و کمترین مقدار خود را به ترتیب در سال ۱۳۷۹ با ۲۸۱ میلیارد ریال و سال ۱۳۷۱ با ۱/۲ میلیارد ریال تجربه کرده است. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) واردات جو نرخ رشد سالانه ۱۸/۴ درصدی و میانگین ۹۷ میلیارد ریال داشته است. واردات قند و شکر از ۲۵ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۴۲۹ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده و رشد سالانه ۱۹/۴ درصدی با روند صعودی را نشان می دهد. میانگین واردات قند و شکر در طول دوره ۱۶ ساله ۲۴۱ میلیارد ریال بوده و بیشترین و کمترین مقدار خود را به ترتیب در سال ۱۳۸۵ با ۱۰۱۷/۵ میلیارد ریال و سال ۱۳۷۰ با ۲۵ میلیارد ریال تجربه کرده است. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) واردات قند و شکر نرخ رشد سالانه ۶۴ درصدی و میانگین ۳۴۹ میلیارد ریال داشته است.

واردات چای از ۷/۸ میلیارد ریال در سال ۱۳۷۰ به ۱۱۳ میلیارد ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده و رشد سالانه ۱۸/۲ درصدی با روند صعودی را نشان می دهد. میانگین واردات چای در طول دوره ۱۶ ساله ۳۴ میلیارد ریال بوده و بیشترین و کمترین مقدار خود را به ترتیب در سال ۱۳۸۶ با ۱۱۳ میلیارد ریال و سال ۱۳۸۲ با ۰/۰۰۲ میلیارد ریال تجربه کرده است. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) واردات چای نرخ رشد سالانه ۱۴۴۲ درصدی و میانگین ۶۴ میلیارد ریال داشته است. به این ترتیب ملاحظه می شود که روند واردات جو، قند و شکر و چای طی سالهای اخیر صعودی بوده که ادامه این روند در سالهای آتی منجر به وابستگی بیشتر کشور به بازارهای بین المللی و همچنین از طریق کاهش تقاضای داخل برای این محصول و کاهش انگیزه تولید در کشاورزان، تولید این محصولات هر سال نسبت به سال دیگر کاهش یافته و به این ترتیب امنیت غذایی کشور تهدید خواهد شد.

طی سالهای ۱۳۷۰ تا ۱۳۸۶، بطور میانگین گندم با ۴۰۶ میلیارد ریال بیشترین میزان واردات را داشته و بعد از آن برنج، قند و شکر، جو و چای به ترتیب با ۲۴۴ میلیارد ریال، ۲۴۱ میلیارد ریال، ۶۲ میلیارد ریال و ۳۴ میلیارد ریال در مقام های بعدی بیشترین واردات محصولات بوده اند این در حالی است که طی سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) بطور میانگین گندم با ۷۶/۵ میلیارد ریال واردات در مقام چهارم بعد از برنج با ۳۵۷ میلیارد ریال، قند و شکر با ۳۴۹ میلیارد ریال و جو با ۹۷ میلیارد ریال بوده است و چای با ۶۴ میلیارد ریال کمترین میزان واردات را طی دوره مورد بررسی بطور میانگین داشته است.

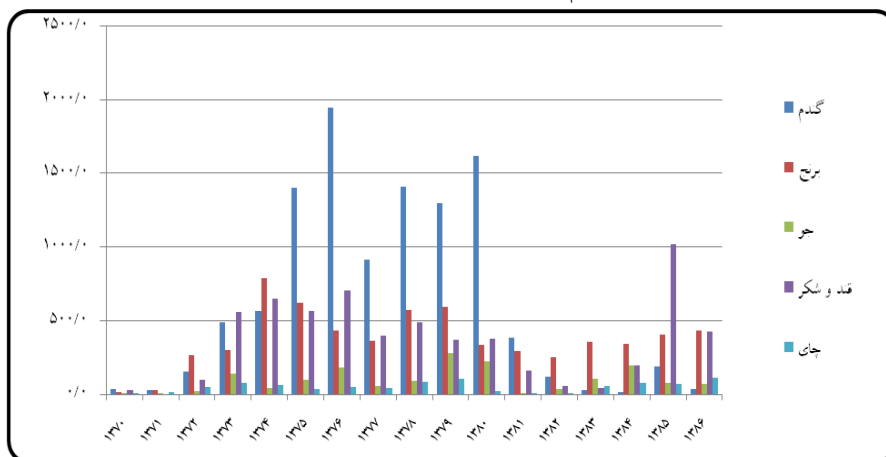
جدول ۲-۸: واردات محصولات کشاورزی (میلیارد ریال) و سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و

کالای واسطه ای و کالای سرمایه ای کشور (درصد)

سال	گندم	برنج	جو	قند و شکر	چای	سهم بخش کشاورزی از واردات مواد اولیه و کالای واسطه ای	سهم بخش کشاورزی از واردات کالای سرمایه ای
۱۳۷۰	۳۴.۴	۱۶.۱	۱.۷	۲۵.۲	۷.۸	-	-
۱۳۷۱	۳۷.۸	۲۷.۷	۱.۲	-	۱۵.۲	-	-
۱۳۷۲	۱۵۰.۲	۲۶۳.۴	۲۱.۸	۹۴.۹	۴۸.۶	-	-
۱۳۷۳	۴۸۸.۳	۳۰۰.۵	۱۳۷.۹	۵۶۰.۹	۷۷.۹	-	-
۱۳۷۴	۵۶۲.۸	۷۸۷.۵	۴۳.۱	۶۵۲.۰	۶۰.۷	-	-
۱۳۷۵	۱۴۰۳.۲	۶۳۰.۸	۱۰۰.۲	۵۶۶.۵	۳۶.۰	۱.۹۶	-
۱۳۷۶	۱۹۴۴.۲	۴۳۱.۰	۱۸۲.۱	۷۰۶.۳	۴۸.۴	۲.۴۷	-
۱۳۷۷	۹۱۱.۵	۳۶۰.۹	۵۳.۴	۳۹۸.۲	۴۲.۱	۲.۱۹	-
۱۳۷۸	۱۴۰۶.۳	۵۷۱.۷	۹۴.۰	۴۸۸.۳	۸۶.۳	۲.۸۳	-
۱۳۷۹	۱۲۹۷.۰	۵۹۵.۲	۲۸۱.۳	۳۶۸.۳	۱۰۵.۵	۲.۸۹	-
۱۳۸۰	۱۶۲۱.۳	۳۳۳.۷	۲۲۵.۳	۳۷۹.۶	۱۹.۴	۲.۳۵	-
۱۳۸۱	۳۸۰.۴	۲۹۲.۰	۲.۷	۱۵۸.۱	۰.۰۳۳	۱.۸۸	۱.۵۳
۱۳۸۲	۱۱۹.۲	۲۵۲.۳	۳۵.۴	۵۹.۱	۰.۰۰۲	۳.۵۷	۱.۹۶
۱۳۸۳	۲۴.۸	۳۵۶.۱	۱۰۶.۵	۴۰.۹	۵۷.۵	۴.۴۸	۱.۳۴
۱۳۸۴	۱۴.۱	۳۴۵.۳	۱۹۶.۹	۱۹۷.۴	۷۸.۲	۳.۲۸	۲.۰۷
۱۳۸۵	۱۹۰.۱	۴۰۴.۵	۷۷.۵	۱۰۱۷.۵	۷۱.۵	۴.۵۷	۳.۹۰
۱۳۸۶	۳۴.۱	۴۲۹.۲	۶۹.۵	۴۲۸.۹	۱۱۳.۰	۴.۰۶	۶.۰۵
میانگین ۸۶-۱۳۸۲	۷۶۵	۳۵۷.۵	۹۷.۲	۳۴۸.۷	۶۴.۰	۳.۹۹	۳.۰۷
میانگین کل	۴۰۶.۳	۲۴۳.۶	۶۲.۳	۲۴۰.۸	۳۴.۰	۳.۱۲	۲.۸۱

ماخذ: بانک مرکزی، ترازنامه، سالهای مختلف و محاسبات تحقیق.

نمودار ۲-۱: مقایسه حجم کالاهای وارداتی بخش کشاورزی سالهای (۱۳۷۰-۸۶)



تراز بازرگانی بخش کشاورزی

جهت بررسی ارزیابی نتیجه مبادلات بازرگانی (به این معنی که تجارت خارجی کشور به نفع صادرات بوده و یا واردات) از تراز بازرگانی^۱ استفاده میشود. تراز بازرگانی کشاورزی از ۶۳۵ میلیون دلار در سال ۱۳۵۳ به ۱۹۲۸ میلیون دلار در سال ۱۳۸۶ بالغ شده که طی این دوره در حدود ۳/۴ درصد نرخ رشد سالانه داشته که نشاندهنده روند صعودی این متغیر است. بیشترین مقدار تراز بازرگانی کشاورزی مربوط به سال ۱۳۶۲ با ۳۱۱۳ میلیون دلار و کمترین مقدار مربوط به سال ۱۳۷۰ با ۵۲۲ میلیون دلار می باشد. میانگین تراز بازرگانی کشاورزی طی دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۶ در حدود ۱۳۳۳ میلیون دلار بوده که این رقم در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) ۱۱۹۸ میلیون دلار، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۲۰۷۰ میلیون دلار، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۴۴۹ میلیون دلار، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) منفی ۱۳۱۷ میلیون دلار، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۹۷۱ میلیون دلار و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۱۵۰۴ میلیون دلار می باشد. بیشترین میانگین تراز بازرگانی کشاورزی در دوره برنامه انقلاب و کمترین میزان آن مربوط به دوره برنامه اول توسعه است. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) تراز بازرگانی بخش کشاورزی از ۵۷۵ میلیون دلار به ۱۹۲۸ میلیون دلار رسیده و نرخ رشد سالانه ۲۶/۱ درصد را داشته است. همانطور که اطلاعات نشان می دهند در سالهای اخیر روند افزایش واردات نسبت به صادرات با سرعت بیشتری دنبال شده است. همینطور در ۳۱ سال از ۳۳ سال (۸۶-۱۳۵۳) تراز تجاری مثبت بوده و این بدان معنی است که در اکثر سالها مقدار واردات بیشتر از صادرات محصولات کشاورزی بوده که بین دو رقم ۳۱۱۳ میلیون دلار و ۵۲۲ میلیون دلار نوسان کرده و روند رو به رشدی را داشته است. به این ترتیب می توان گفت که افزایش واردات به معنی وابستگی بیشتر کشور در تامین امنیت غذایی به بازارهای بین المللی بوده است همچنین کاهش صادرات در مقابل واردات نشان می دهد که کشور بیشتر از آنکه عرضه کننده محصولات کشاورزی باشد، تقاضا کننده این محصولات می باشد. بنابراین در صورتیکه در سالهای آتی سیاستهای بین المللی در

۱- جهت محاسبه این شاخص مقادیر ارزش صادرات از واردات بخش کشاورزی کسر میشود.

جهت کاهش عرضه محصولات کشاورزی به بازارهای جهانی تغییر یابد، بیم تهدید امنیت غذایی خواهد رفت پس شایسته است دولت تدابیری را بیاندیشد که با افزایش کمی و کیفی محصولات داخلی، میزان واردات (جز در مورد خاص) کاهش یافته و صادرات افزایش یابد و کشور به خودکفایی نسبی رسیده و بنابراین امنیت غذایی مردم جامعه تامین شود.

درجه باز بودن تجاری بخش کشاورزی^۱

جهت بررسی میزان آزادی تجاری در بخش کشاورزی از شاخص باز بودن تجاری استفاده میشود بزرگ بودن این شاخص نشان می‌دهد که قوانین گمرکی کشور جهت تسهیل واردات و صادرات محصولات کشاورزی بوده است. درجه باز بودن تجاری بخش کشاورزی از ۰/۲۴ در سال ۱۳۵۳ به ۰/۲۴ در سال ۱۳۸۶ بالغ شده که طی این دوره رشدی نشان نمی‌دهد. بیشترین میزان درجه باز بودن تجاری بخش کشاورزی مربوط به سال ۱۳۵۴ با ۰/۳۹ و کمترین میزان مربوط به سال ۱۳۷۱ با ۰/۰۲ می باشد. میانگین درجه باز بودن تجاری بخش کشاورزی طی دوره ۱۳۵۳ تا ۱۳۸۶ در حدود ۰/۱۵ بوده که این رقم در دوره قبل از انقلاب (سالهای ۱۳۵۳ تا ۱۳۵۷) ۰/۲۶، دوره بعد از انقلاب و جنگ تحمیلی (سالهای ۱۳۵۸ تا ۱۳۶۷) ۰/۱، دوره برنامه اول توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۶۸ تا ۱۳۷۳) ۰/۱۳، دوره برنامه دوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۴ تا ۱۳۷۸) ۰/۱۳، دوره برنامه سوم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۷۹ تا ۱۳۸۳) ۰/۱۵ و دوره برنامه چهارم توسعه اقتصادی (سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۶) ۰/۲۴ می باشد. در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) درجه باز بودن تجاری از ۰/۲۳ به ۰/۲۴ رسید که نرخ رشد سالانه ۱/۱ درصد و روند صعودی را نشان میدهد. روند صعودی درجه باز بودن تجاری جاری و واقعی در سالهای اخیر (۸۶-۱۳۸۲) نشان می‌دهد که قواعد و قوانین گمرکی در جهت تسهیل واردات و صادرات بخش کشاورزی بوده است و توانسته بر افزایش واردات و صادرات نیز تاثیرگذار باشد. اما از آنجایی که عمده تجارت خارجی کشور در بخش کشاورزی به صورت واردات می‌باشد بالا رفتن درجه باز بودن تجاری در این بخش منجر به جایگزینی تولیدات داخلی توسط واردات شده و در صورتی که با عدم حمایت دولت از تولید این بخش همراه شود منجر به کاهش تولید محصولات کشاورزی و در نهایت به خطر افتادن امنیت غذایی کشور می‌شود.

^۱ - جهت محاسبه این شاخص مجموع صادرات کالای سستی و کشاورزی و واردات کالای کشاورزی بر میزان تولیدات بخش کشاورزی قسمت شده است.

جدول ۲-۹: تراز تجاری بخش کشاورزی (میلیون دلار) و باز بودن تجاری بخش کشاورزی

سال	برنامه	درجه باز بودن تجاری بخش کشاورزی	تراز بازرگانی بخش کشاورزی
۱۳۵۳	قبل از انقلاب	۰.۲۴	۶۳۴.۴
۱۳۵۴		۰.۳۹	۱۶۷۱.۳
۱۳۵۵		۰.۲۳	۱۲۳۶.۹
۱۳۵۶		۰.۲۸	۱۶۱۶۶
۱۳۵۷		۰.۱۵	۸۳۳.۱
میانگین		۰.۲۶	۱۱۹۸.۵
۱۳۵۸	انقلاب و جنگ تحمیلی	۰.۱۹	۱۲۰۰.۲
۱۳۵۹		۰.۱۶	۱۶۷۴.۳
۱۳۶۰		۰.۱۳	۲۵۵۹.۲
۱۳۶۱		۰.۱۱	۲۷۱۶.۹
۱۳۶۲		۰.۱۱	۳۱۱۳.۳
۱۳۶۳		۰.۱۰	۳۰۳۱.۵
۱۳۶۴		۰.۰۷	۱۸۴۱.۶
۱۳۶۵		۰.۰۴	۷۶۹.۰
۱۳۶۶		۰.۰۶	۳۰۱۱.۱
۱۳۶۷		۰.۰۳	۷۷۸.۵
میانگین		۰.۱۰	۲۰۶۹.۶
۱۳۶۸	برنامه اول	۰.۰۴	۲۴۵۵.۱
۱۳۶۹		۰.۰۳	۱۱۱۰.۶
۱۳۷۰		۰.۰۳	۵۲۱.۸
۱۳۷۱		۰.۰۲	۳۱۶.۶
۱۳۷۲		۰.۳۱	-۲۶۹.۴
۱۳۷۳		۰.۳۳	-۱۴۳۹.۵
میانگین		۰.۱۳	۴۴۹.۲
۱۳۷۴	برنامه دوم	۰.۱۹	۱۰۰۴.۸
۱۳۷۵		۰.۱۷	۱۷۶۳.۵
۱۳۷۶		۰.۱۳	۱۷۳۱.۵
۱۳۷۷		۰.۰۹	۹۳۰.۶
۱۳۷۸		۰.۰۸	۱۱۵۵.۰
میانگین		۰.۱۳	۱۳۱۷.۱
۱۳۷۹	برنامه سوم	۰.۰۷	۱۱۳۴.۹
۱۳۸۰		۰.۰۷	۱۰۷۴.۰
۱۳۸۱		۰.۱۹	۸۵۷.۰
۱۳۸۲		۰.۲۳	۵۷۵.۴
۱۳۸۳		۰.۲۱	۱۲۱۴.۸
میانگین		۰.۱۵	۹۷۱.۲
۱۳۸۴	برنامه چهارم	۰.۲۳	۶۹۴.۰
۱۳۸۵		۰.۲۷	۱۸۸۹.۷
۱۳۸۶		۰.۲۴	۱۹۲۸.۱
میانگین		۰.۲۴	۱۵۰۳.۹
میانگین کل		۰.۱۵	۱۳۳۳.۴

ماخذ: بانک مرکزی، ترازنامه، سالهای مختلف و محاسبات تحقیق.

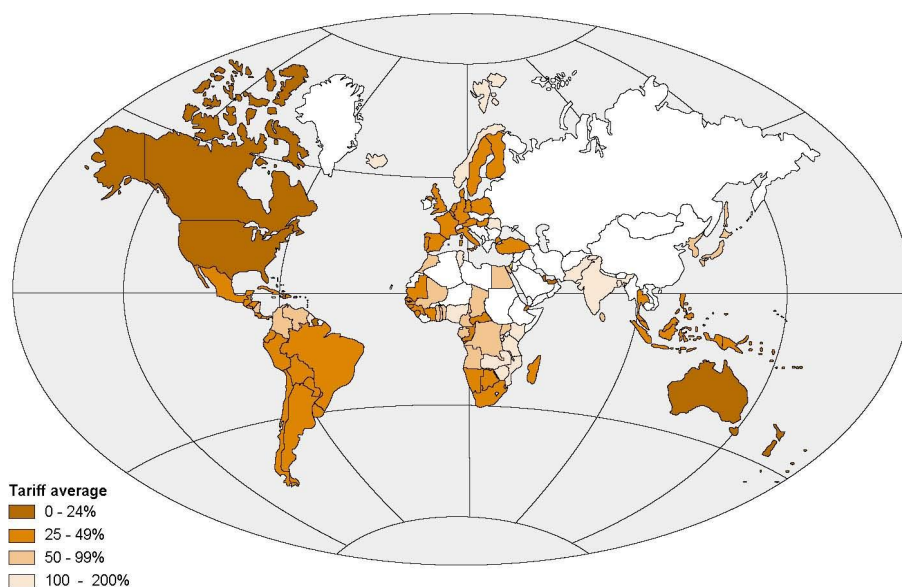
۳-۲- بررسی وضعیت تعرفه محصولات کشاورزی در برخی از کشورهای جهان

نرخ تعرفه و نوع تعرفه

بر مبنای مطالعه‌ی گیسون و همکاران (۲۰۰۱) متوسط تعرفه‌های کشاورزی در میان کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی در شکل ۱-۲ نشان داده شده است. همان طور که مشاهده می‌گردد میزان حمایت کشورها از بخش کشاورزی به وسیله ابزار حمایتی تعرفه متفاوت است و در کشورهای پیشرفته نرخ تعرفه‌های کمتر از کشورهای درحال توسعه می‌باشد. این واقعیت که نرخ تعرفه بر حسب کشورها و شرایط اقتصادی و درجه توسعه یافتگی متفاوت است کاملاً قابل درک از این شکل می‌باشد.

همان طور که نمودار ۱-۲ نشان می‌دهد متوسط تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی حدود ۶۳ درصد می‌باشد که دامنه آن بین ۲۳ درصد (آمریکای شمالی) و ۱۳۱ درصد (کشورهای اروپایی غیر عضو اتحادیه) در نوسان می‌باشد. ملاحظه می‌گردد که تعرفه‌های بیشتر از میانگین مربوط به کشورهای اروپایی غیر عضو اتحادیه (۱۳۱ درصد)، جنوب آسیا (۱۱۶ درصد)، کشورهای جنوب صحرای آفریقا (۱۰۱ درصد)، جزایر دریای کارائیب (۹۴ درصد) و شمال آفریقا (۷۸ درصد) می‌باشد. تعرفه‌های بالا عمده‌تاً به کشورهای در حال توسعه آفریقا، آسیای جنوب شرقی و حوزه اقیانوس آرام تعلق دارد و دامنه متوسط تعرفه در این مناطق بین ۷۱ تا ۱۱۳ درصد است. این در حالی است که متوسط تعرفه کشورهای توسعه یافته کمتر از ۶۳ درصد است. متوسط تعرفه کانادا ۲۴ درصد، اروپا ۳۰ درصد، ژاپن ۳۳ درصد، مکزیک ۴۳ درصد و آمریکا ۱۲ درصد است.^۱ ارقام نشان می‌دهد که پراکندگی تعرفه‌ها از نظر میزان بر حسب مناطق با هم تفاوت‌های عمده‌ای دارند به طوری که کشورهای در حال توسعه بیشتر از ابزار تعرفه‌ای برای حمایت از بخش کشاورزی استفاده نموده در حالی که کشورهای پیشرفته از دیگر ابزارهای حمایتی سود می‌برند.

۱- نرخهای ارائه شده، متوسط نرخهای تثبیت شده هستند.

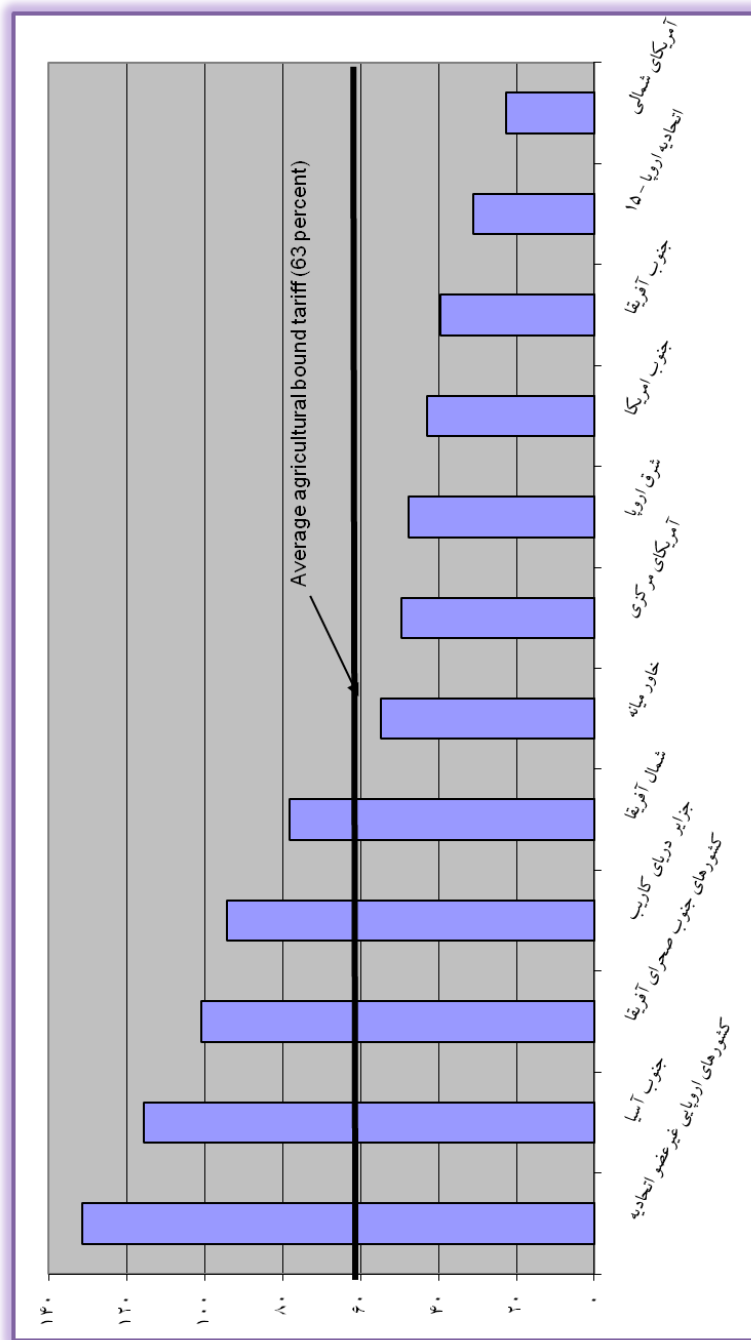


¹Tariffs are bound MFN rates based on final URAA implementation.

Source: Paul Gibson, John Wainio, Daniel Whitley, and Mary Bohman, " Profiles of Tariffs in Global Agricultural Markets", Agricultural Economic Report No. (aer796) 44 pp, January 2001

شکل ۲-۱: متوسط تعرفه بخش کشاورزی در کشورهای عضو سازمان تجارت جهانی

نمودار ۲-۲: متوسط تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی بر حسب مناطق (درصد)



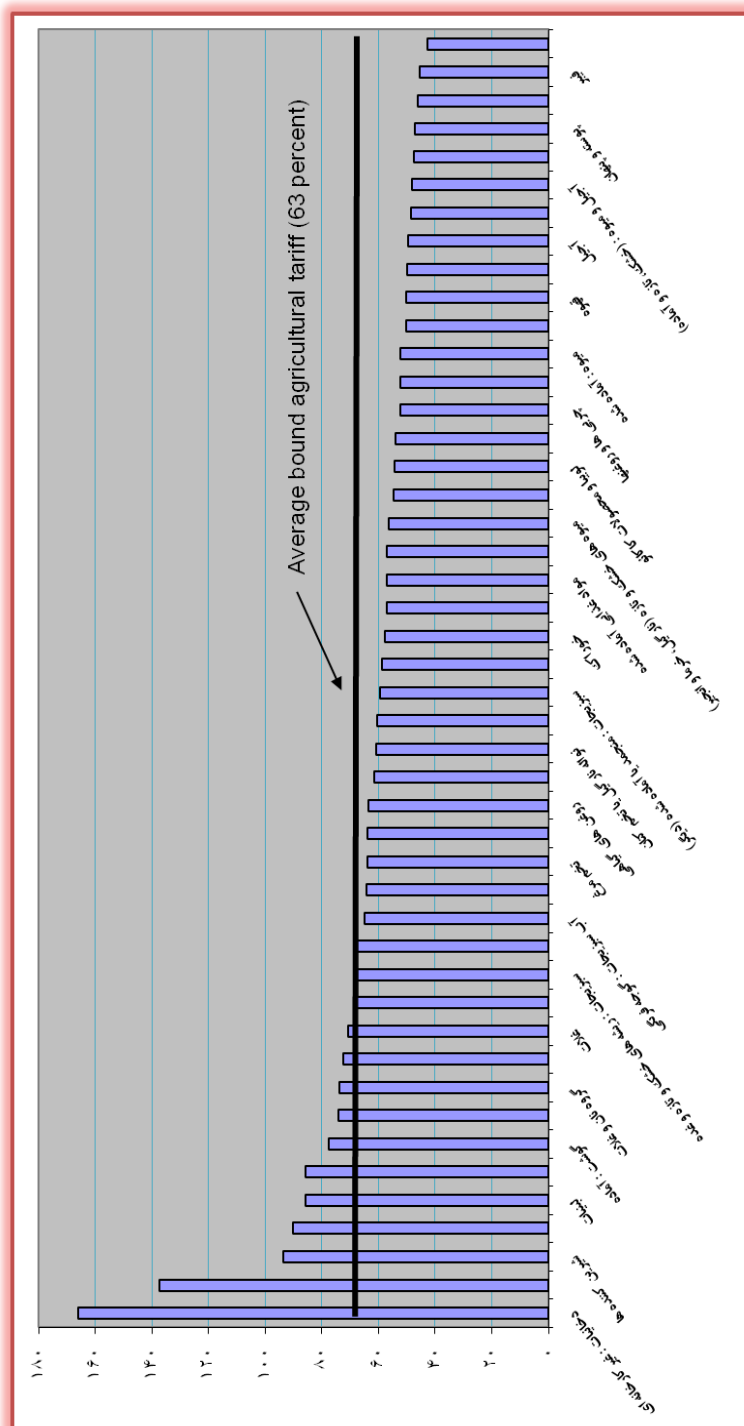
Source: Paul Gibson, John Wainio, Daniel Whitley, and Mary Bohman, "Profiles of Tariffs in Global Agricultural Markets", Agricultural Economic Report No. (aer796) 44 pp. January 2001

از سوی دیگر اطلاعات میزان تعرفه بر حسب گروه بندی کالاها نشان می دهد که نرخ تعرفه بر حسب نوع کالا نیز متفاوت می باشد به طوری که دامنه تغییرات بین ۱۶۶ درصد (دخانیات غیرکارخانه ای) و ۴۲/۹ درصد (باغبانی *Horticulture's live*) می باشد. همچنین نرخ تعرفه بر حسب کالاها نشان می دهد که محصولات کشاورزی مانند گوشت و لبنیات و سبزیجات که از درجه فساد پذیری بالاتری نسبت به کالاهای دیگر برخوردار است نرخهای بالاتری را دارند. در میان ۴۶ گروه کالای کشاورزی بر اساس تقسیم بندی گیسون میانگین تعرفه ها بین ۵۰ تا ۹۴ درصد است. متوسط تعرفه ۱۸ گروه شامل توتون و تنباکو، لبنیات، تولیدات گوشتی، شکر، ریشه ها، گروههای مختلفی از سبزیجات، غلات و ... فراتر از متوسط تعرفه کل محصولات (۶۳ درصد) است. تعرفه بقیه گروهها پایین تر از ۶۳ درصد است و گروههایی مانند قهوه، برخی گروههای میوه جات، ادویه جات و ... پایین ترین سطح تعرفه را دارند (متوسط ۵۰ درصد) که در نوع خود سطح بالایی از حمایت را نشان می دهد.

اطلاعات جدول ۲-۱۰ و نمودار ۲-۲ نشان می دهد که متوسط نرخ تعرفه بر حسب مناطق و کالاها نیز متفاوت است به طوری که بیشترین نرخ تعرفه مربوط به چغندر قند برای اتحادیه اروپاست. دامنه نرخ حداکثر بر حسب کالاها در مناطق مختلف بین ۹۱ درصد (باغبانی: زنده و کارائیب) و چغندر قند (۳۴۹ درصد و اتحادیه اروپا) در نوسان می باشد. به عبارتی تفاوت نرخ تعرفه هم در مناطق و هم در میان کالاها قابل مشاهده است.

نمودار ۲-۴ به طور نمونه شهادی برای تفاوت توزیع تعرفه بر حسب کشور و منطقه می باشد. همان طور که ملاحظه می گردد در کشور آمریکا در حدود ۲۶/۱ درصد کالاهای بخش کشاورزی، در اتحادیه اروپا ۲۳/۵ درصد و ژاپن ۲۳/۳ درصد معاف از تعرفه و عواض می باشد. از سوی دیگر در حدود ۶۴/۶ درصد کالاهای کشاورزی آمریکا، ۴۸/۳ درصد اتحادیه اروپا و ۶۰/۵ درصد ژاپن دارای تعرفه کمتر از ۳۰ درصد می باشند. اعداد نشان دهنده پراکندگی نرخ های تعرفه می باشد. به عبارت دیگر در آمریکا حدود ۹۰/۷ درصد، اتحادیه اروپا ۷۱/۷ درصد و ژاپن ۸۳/۷ درصد کالاهای کشاورزی کمتر از ۳۰ درصد نرخ تعرفه و معاف از تعرفه می باشد. از سوی دیگر مشاهده می گردد که در کشورهای پیشرفته نرخ تعرفه به عنوان یکی از ابزارهای حمایتی بخش محسوب می گردد.

نمودار ۲-۳: متوسط تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی بر حسب گروه بندی کالاها (درصد)

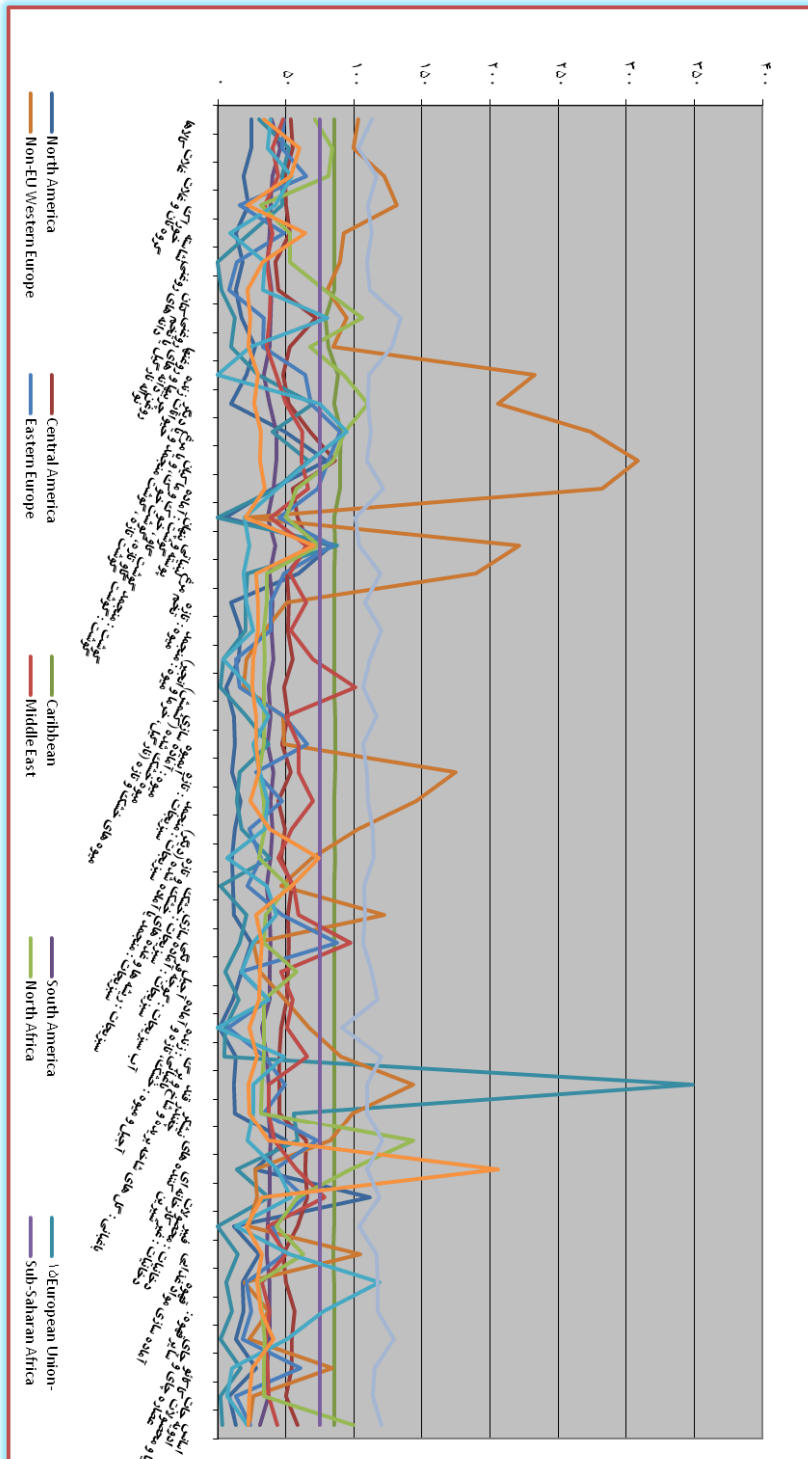


[illegible]

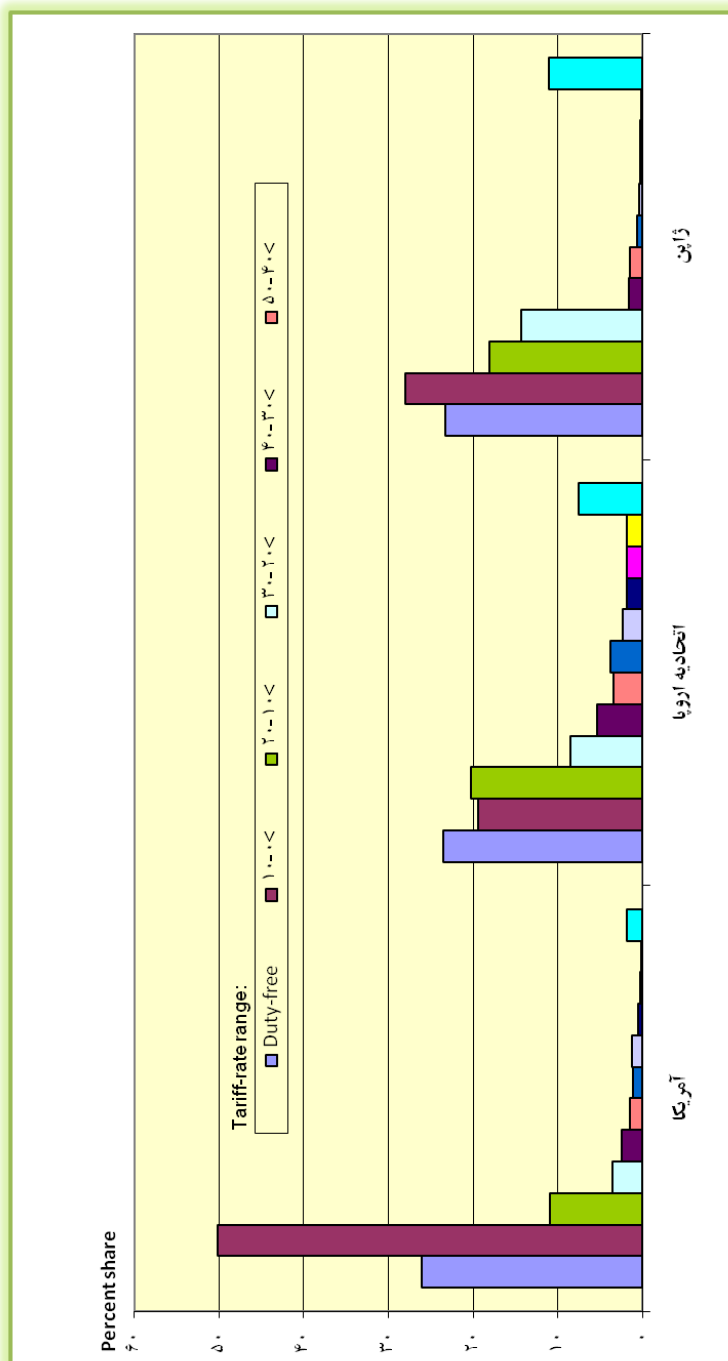
کشور	آسیا جنوب آسیا		ایالات متحده آمریکا		آفریقای جنوبی		صحرای آفریقا		آمریکای شمالی		خلیج فارس		اروپای شرقی		کشورهای غیرعضو اتحادیه اروپا		اتحادیه اروپا		آمریکای جنوبی		کارائیب		آمریکای مرکزی		آمریکای شمالی		
	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	درصد	
آسیا	۱۰۰	۱۱۱	۱۹	۲۴	۳۷	۳۷	۸۰	۷۵	۳۴	۳۴	۴۷	۷۰	۱۹	۴۷	۵۱	۱۲۶	۱۵	۱۴	۳۹	۱۰۰	۸۶	۴۵	۱۰	۱۷	۱۷	سیرربات: منجمد	
آسیا	۱۰۰	۱۱۴	۲۷	۳۸	۳۷	۳۴	۸۰	۷۵	۳۴	۳۵	۵۵	۵۵	۹	۳۳	۵۰	۱۰۳	۱۲	۱۸	۴۰	۱۰۰	۸۶	۴۰	۵۰	۱۰	۱۳	سیرربات: منجمد یا آلوده شده (دیگر)	
آسیا	۱۰۰	۱۱۵	۲۵	۷۴	۰	۷	۸۰	۷۵	۳۴	۳۱	۲۴	۱۹	۹	۳۲	۴۵	۷۰	۱۶	۳۸	۳۹	۱۰۰	۸۷	۴۰	۳	۱۱	۱۱	سیرربات: ریشه ها و غده های خشک و تازه	
آسیا	۱۰۰	۱۰۸	۲۵	۵۴	۳۶	۳۶	۸۰	۷۵	۳۴	۵۲	۵۶	۵۶	۱۸	۲۲	۲۷	۴۷	۰	۲	۳۰	۱۰۰	۸۶	۴۵	۳	۱۱	۱۱	سیرربات: خشک	
آسیا	۱۰۰	۱۰۹	۲۴	۲۸	۴۳	۴۳	۸۰	۷۵	۳۴	۳۵	۳۹	۵۹	۱۹	۴۷	۵۰	۱۱۳	۱۴	۲۱	۳۸	۱۰۰	۸۶	۴۰	۵۱	۸	۱۲	سیرربات: آلوده سازی	
آسیا	۱۰۰	۱۰۷	۳۰	۳۲	۲۶	۲۶	۸۰	۷۵	۳۴	۳۴	۶۸	۶۸	۲۶	۸۸	۲۲	۲۶	۱۶	۱۶	۳۹	۱۰۰	۸۶	۵۰	۵۲	۲۵	۲۵	آب سیرربات: گوجه فرنگی	
آسیا	۱۰۰	۱۱۳	۳۱	۳۱	۰	۱۸	۸۰	۷۵	۳۴	۵۸	۴۷	۴۷	۸	۱۷	۱۰	۳۱	۴	۵	۳۵	۱۰۰	۸۶	۴۰	۴	۱۸	۱۸	آسیل	
آسیا	۱۰۰	۱۱۷	۲۵	۳۰	۳۷	۳۸	۸۰	۷۵	۳۴	۳۸	۵۵	۵۵	۱۰	۳۷	۳۲	۴۹	۱۷	۱۶	۳۸	۱۰۰	۸۶	۴۰	۵۱	۶	۱۱	آسیل و میوه: خشک، تازه و آلوده	
آسیا	۱۰۰	۹۱	۲۵	۲۳	۰	۰	۸۰	۷۵	۳۴	۳۴	۵۱	۵۱	۲	۸	۱۷	۶۷	۷	۵	۳۰	۱۰۰	۸۶	۴۰	۳۷	۱	۱	پاشایی: زندگی	
آسیا	۱۰۰	۱۲۰	۳۰	۲۹	۴۹	۴۹	۸۰	۷۵	۳۴	۳۴	۶۶	۶۶	۱۷	۳۴	۴۵	۹۱	۳	۵	۳۵	۱۰۰	۸۶	۴۵	۷	۱۳	۷	پاشایی: گل های شاد برید و شاخ و برگ	
آسیا	۱۰۰	۱۱۰	۱۸	۲۲	۲۶	۲۶	۸۰	۷۵	۳۴	۳۳	۳۳	۳۸	۳۰	۴۹	۴۸	۱۴۴	۳۴	۳۹	۳۸	۱۰۰	۸۶	۳۸	۰	۱۲	۱۲	چندر دند	
آسیا	۱۰۰	۱۱۰	۲۵	۲۴	۲۶	۲۶	۸۰	۷۵	۳۲	۳۲	۲۳	۳۸	۱۵	۳۴	۴۵	۹۹	۵۶	۵۶	۳۸	۱۰۰	۸۶	۳۸	۴۵	۱	۱۲	۱	نیشکر
آسیا	۱۰۰	۱۲۱	۳۰	۳۸	۲۲	۲۲	۸۰	۷۵	۱۶۸	۱۴۳	۱۵	۴۲	۶۰	۷۳	۵۰	۸۲	۵۷	۵۹	۳۹	۱۰۰	۸۶	۶۰	۹۵	۱۰	۵۰	۵۰	شیرین کننده های
آسیا	۱۰۰	۱۱۰	۴۰	۲۰	۴۴	۴۴	۸۰	۷۵	۵۵	۹۸	۴۵	۵۸	۵۱	۴۲	۳۰	۲۹	۳۴	۳۸	۳۸	۱۰۰	۸۶	۷۴	۵	۲۸	۲۸	۵	دخانیات: غیر کارخانه ای
آسیا	۱۰۰	۱۱۹	۳۰	۳۲	۵۴	۵۴	۸۰	۷۵	۳۵	۵۹	۷۹	۷۹	۵۵	۶۴	۲۳	۲۹	۳۴	۳۸	۳۸	۱۰۰	۸۶	۷۴	۶۶	۱۳	۱۱۲	۱۱۲	دخانیات: محصولات
آسیا	۱۰۰	۱۰۴	۱۰	۲۱	۹	۱۳	۸۰	۷۵	۳۴	۴۳	۳۷	۳۷	۲	۴۰	۳	۲۳	۰	۰	۳۵	۱۰۰	۸۶	۴۵	۵۹	۳	۱۲	۱۲	فیبر
آسیا	۱۰۰	۱۱۷	۲۳	۳۳	۳۷	۵۴	۸۰	۷۵	۳۴	۶۳	۴۵	۵۰	۳۰	۴۸	۴۷	۱۰۵	۱۳	۱۵	۳۶	۱۰۰	۸۵	۴۰	۱۱	۳۰	۳۰	۳۰	آلوده سازی مواد غذایی
آسیا	۱۰۰	۱۱۸	۳۰	۲۹	۱۱۹	۱۱۹	۸۰	۷۵	۳۴	۳۰	۱۵	۳۳	۱۳	۲۲	۹	۲۰	۸	۶	۳۵	۱۰۰	۸۶	۴۰	۵۰	۰	۱۸	۱۸	قهوه
آسیا	۱۰۰	۱۱۸	۲۸	۳۲	۷۸	۷۸	۸۰	۷۵	۳۴	۳۳	۳۹	۳۹	۱۸	۲۵	۲۲	۳۷	۱۲	۱۰	۳۵	۱۰۰	۸۶	۴۵	۵۷	۱	۱۹	۱۹	سایر غوشت:
آسیا	۱۵۰	۱۳۰	۳۰	۴۱	۵۱	۵۱	۸۰	۷۵	۳۴	۳۵	۲۵	۲۵	۲۵	۱۹	۵	۲۳	۰	۲	۳۵	۱۰۰	۸۶	۴۵	۵۴	۰	۱۴	۱۴	عصاره چای و چای
آسیا	۱۰۰	۱۱۵	۲۵	۲۵	۱۷	۱۰	۸۰	۷۵	۳۴	۳۴	۳۷	۳۷	۱۳	۶۱	۴۱	۸۴	۱۵	۱۷	۳۶	۱۰۰	۸۶	۴۵	۵۵	۱۸	۲۸	۲۸	لوبیا و محصولات کارخانه
آسیا	۱۰۰	۱۱۴	۲۰	۲۴	۰	۷	۸۰	۷۵	۳۴	۳۴	۲۱	۲۱	۹	۱۴	۴۰	۲۶	۰	۲	۳۵	۱۰۰	۸۶	۴۰	۲	۸	۸	۸	آذوقه چار
آسیا	۱۰۰	۱۲۰	۱۶	۲۲	۲۲	۲۲	۸۰	۷۵	۱۰۰	۱۰۰	۲۵	۲۵	۹	۲۴	۳	۲۳	۳	۳	۴۱	۱۰۰	۸۶	۶۰	۵۹	۴	۱۱	۱۱	اسانس

/http://www.ers.usda.gov/db/wto

نمودار ۲-۴: متوسط تعرفه تهیت شده بخش کشاورزی بر حسب گروه بندی کالاها و مناطق (درصد)



نمودار ۲-۵: توزیع فراوانی نسبی تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی بر حسب مناطق (درصد)



Source: Paul Gibson, John Wainio, Daniel Whitley, and Mary Bohman, "Profiles of Tariffs in Global Agricultural Markets", Agricultural Economic Report No. (aer/96) 44 pp, January 2001

بر اساس اطلاعات منتشر شده سایت سازمان تجارت جهانی، ۲۳ کشور جهان (از دو گروه کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته) انتخاب و اطلاعات مربوط به تعرفه بخش کشاورزی و غیر کشاورزی استخراج و بدست آمده است. میانگین ساده تعرفه نهایی تثبیت شده^۱ میان کشورهای مورد بررسی در بخش غیرکشاورزی از رشد بیشتری از بخش کشاورزی برخوردار بوده است. در این میان در سال ۲۰۱۰ در بخش کشاورزی بیشترین تعرفه مربوط به نروژ با ۱۳۰/۹ درصد و کمترین مربوط به استرالیا با ۳/۴ درصد و در بخش غیرکشاورزی بیشترین مربوط به کنیا با ۵۵/۱ درصد و کمترین مربوط به ژاپن با ۳/۵ درصد است. ملاحظه می گردد که اولاً با اینکه روند رشد تعرفه در بخش غیر کشاورزی بیشتر بوده اما میزان تعرفه در بخش کشاورزی بیشتر از بخش غیرکشاورزی است (به جز کشور استرالیا). ثانیاً سطح تعرفه در کشورهای پیشرفته به مراتب خیلی کمتر از کشورهای در حال توسعه است (جدول ۲-۱۱ و نمودار ۲-۵). حمایت از طریق ابزار تعرفه ای در بخش کشاورزی معمول تر از غیر کشاورزی است و میزان حمایت بر اساس نرخ تعرفه در کشورهای مختلف متفاوت است به طوری که بیشترین تفاوت در کشور نروژ با ۱۲۷/۷ درصد نرخ تعرفه ملاحظه می گردد.

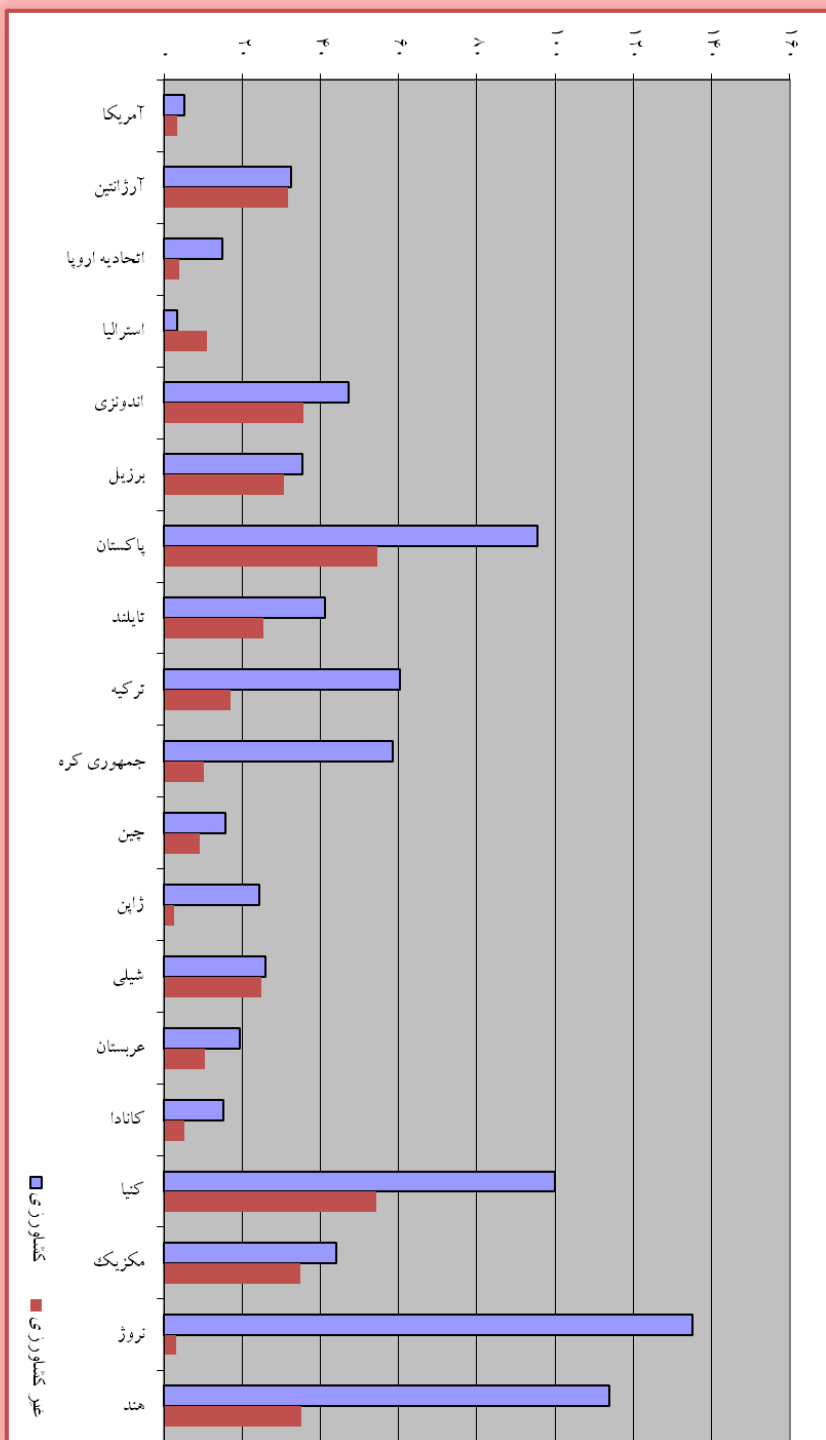
از سوی دیگر مشاهده می گردد که ردیف های تعرفه و ارزش واردات بخش کشاورزی در کشورهای مورد بررسی به طور متوسط در میان کشورهای مورد مطالعه به ترتیب اهمیت در گروههای ۵۰-۲۵ با ۲۶/۳ درصد، ۱۰۰-۵۰ با ۱۷/۲ درصد و ۲۵-۱۵ با ۱۳/۷ درصد نرخ تعرفه قرار می گیرد. ملاحظه می گردد که ردیف های تعرفه بیشتر در گروه بندی متوسط به بالا قرار گرفته اند. مقایسه کشورهای پیشرفته و در حال توسعه نشان می دهد که توزیع تعرفه در کشورهای پیشرفته در طبقات پایین تعرفه و در حال توسعه در طبقات بالای تعرفه است (جدول ۲-۱۲).

جدول ۲-۱۱: میانگین ساده تعرفه نهایی تثبیت شده (simple average final bound)

کشور	زمان عضویت در WTO	کشاورزی				نرخ رشد	میانگین	غیر کشاورزی				نرخ رشد	میانگین
		۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰			۲۰۰۶	۲۰۰۸	۲۰۰۹	۲۰۱۰		
آمریکا	۱۹۹۵	۵.۲	۵	۴.۸	۵.۲	۰.۰	۵.۱	۳.۳	۳.۳	۳.۳	۳.۳	۰.۰	۳.۳
آرژانتین	۱۹۹۵	۳۲.۶	۳۲.۶	۳۲.۶	۳۲.۴	-۰.۲	۳۲.۵	۳۱.۸	۳۱.۸	۳۱.۸	۳۱.۸	۰.۰	۳۱.۸
آذربایجان	۱۹۹۵												
اتحادیه اروپا	۱۹۹۵	۱۵.۴	۱۵.۱	۱۵.۹	۱۳.۵	-۳.۲	۱۵.۰	۳.۹	۳.۹	۳.۹	۳.۹	۰.۰	۳.۹
استرالیا	۱۹۹۵	۳.۴	۳.۳	۳.۳	۳.۴	۰.۰	۳.۴	۱۱	۱۱	۱۱	۱۱	۰.۰	۱۱.۰
اندونزی	۱۹۹۵	۴۷	۴۷	۴۷	۴۷.۱	۰.۱	۴۷.۱	۳۵.۶	۳۵.۶	۳۵.۶	۳۵.۵	-۰.۱	۳۵.۶
ایران													
برزیل	۱۹۹۵	۳۵.۵	۳۵.۵	۳۵.۵	۳۵.۴	-۰.۱	۳۵.۵	۳۰.۸	۳۰.۸	۳۰.۷	۳۰.۷	-۰.۱	۳۰.۸
پاکستان	۱۹۹۵	۹۵.۶	۹۵.۶	۹۵.۶	۹۵.۶	۰.۰	۹۵.۶	۵۴.۶	۵۴.۶	۵۴.۶	۵۴.۶	۰.۰	۵۴.۶
تایلند	۱۹۹۵	۴۰.۷	۴۰.۲	۴۲.۷	۴۰.۶	-۰.۱	۴۱.۱	۲۵.۵	۲۵.۵	۲۵.۶	۲۵.۵	۰.۰	۲۵.۵
ترکیه	۱۹۹۵	۶۰.۱	۶۰.۱	۶۰.۱	۶۰.۸	۰.۳	۶۰.۳	۱۷	۱۶.۹	۱۶.۹	۱۷	۰.۰	۱۷.۰
جمهوری کوه	۱۹۹۵	۵۹.۳	۵۹.۳	۵۹.۳	۵۶.۱	-۱.۴	۵۸.۵	۱۰.۱	۱۰.۲	۱۰.۲	۱۰.۲	۰.۲	۱۰.۲
چین	۲۰۰۱	۱۵.۸	۱۵.۸	۱۵.۸	۱۵.۷	-۰.۲	۱۵.۸	۹.۱	۹.۱	۹.۱	۹.۲	۰.۳	۹.۱
ژاپن	۱۹۹۵	۲۸.۴	۲۲.۷	۲۴	۲۲.۲	-۶.۰	۲۴.۳	۲.۷	۲.۴	۲.۵	۲.۵	-۱.۹	۲.۵
شیلی	۱۹۹۵	۲.۶	۲.۶	۲.۶	۲.۶	۰.۰	۲.۶.۰	۲.۵	۲.۵	۲.۵	۲.۵	۰.۰	۲.۵.۰
عربستان	۲۰۰۵	۲۱.۴	۲۰	۲۰.۷	۱۵.۹	-۷.۲	۱۹.۵	۱۰.۵	۱۰.۵	۱۰.۵	۱۰.۵	۰.۰	۱۰.۵
کانادا	۱۹۹۵	۱۶.۹	۱۴.۵	۱۴.۵	۱۵.۴	-۲.۳	۱۵.۳	۵.۳	۵.۳	۵.۳	۵.۳	۰.۰	۵.۳
کنیا	۱۹۹۵	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰	۰.۰	۱۰۰.۰	۵۴.۱	۵۴.۱	۵۴.۱	۵۵.۱	۰.۵	۵۴.۴
مکزیک	۱۹۹۵	۴۴.۷	۴۴.۱	۴۴.۲	۴۴.۲	۰.۳	۴۴.۱	۳۴.۹	۳۴.۹	۳۴.۹	۳۴.۹	۰.۰	۳۴.۹
نروژ	۱۹۹۵	۱۳۷.۶	۱۳۵.۸	۱۳۶.۳	۱۳۰.۹	-۱.۲	۱۳۵.۲	۳.۱	۳.۱	۳.۲	۳.۲	۰.۸	۳.۲
هند	۱۹۹۵	۱۱۴.۲	۱۱۴.۲	۱۱۴.۲	۱۱۳.۱	-۰.۲	۱۱۳.۹	۳۴.۹	۳۶.۲	۳۴.۷	۳۴.۴	-۰.۴	۳۵.۱
حداکثر													
حداقل													
میانگین		۴۷.۳	۴۶.۷	۴۷.۰	۴۶.۰	-۰.۷	۴۶.۷	۲۱.۲	۲۱.۳	۲۱.۲	۲۱.۲	۰.۰	۲۱.۲

SOURCE : world tariff profiles 2006 -2010 ، www.WTO.com

نمودار ۲-۶: نرخ تعرفه تثبیت شده بخش کشاورزی و غیر کشاورزی بر حسب کشورهای مورد بررسی (درصد)



جدول ۲-۱۲: ردیف های تعرفه و ارزش واردات بخش کشاورزی در کشورهای مورد بررسی

کشور	ردیف های تعرفه و ارزش واردات (درصد)								معاف از عوارض گمرکی
	NAV(درصد)	۱۰۰٪	۵۰-۱۰۰	۲۵-۵۰	۱۵-۲۵	۱۰-۱۵	۵-۱۰	۰-۵	
آمریکا	۴۰	۰.۷	۰.۵	۱.۷	۳.۲	۴.۳	۱۲.۹	۴۱.۵	۳۲.۹
آرژانتین	۰	۰	۰	۸۸.۴	۶.۷	۰.۴	۰.۴	۳.۹	۰.۱
آذربایجان									
اتحادیه اروپا	۳۲	۰.۹	۵	۱۰.۲	۱۱.۱	۱۲.۷	۱۵.۶	۹.۹	۳۲.۵
استرالیا	۱.۶	۰	۰	۰.۳	۲.۳	۳.۹	۱۶.۸	۴۴.۷	۳۰.۸
اندونزی	۰	۳.۲	۸.۷	۸۷.۵	۰	۰	۰.۶	۰	۰
ایران									
برزیل	۰	۰	۱۳.۷	۷۵	۷	۱.۱	۰.۴	۰	۲.۷
پاکستان	۰.۱	۱.۸	۹۰.۳	۰.۵	۰.۱	۰.۳	۰	۳.۳	۰
تایلند	۴۴.۲	۴.۳	۱۱.۹	۷۳.۱	۲.۱	۱.۹	۳.۷	۱.۱	۲
ترکیه	۰	۱۸.۳	۲۲.۹	۲۴.۷	۲۱.۱	۵.۸	۳.۸	۳.۳	۰
جمهوری کره	۵.۲	۸.۱	۱۰.۲	۳۱.۷	۲۳.۱	۸.۹	۹.۱	۵.۶	۲.۲
چین	۰	۰	۲.۳	۷	۲۶.۲	۲۵.۷	۲۵.۸	۷	۶
ژاپن	۱۵.۱	۴.۸	۲.۱	۶.۲	۱۰.۹	۷.۹	۱۵.۸	۱.۸	۳۴.۲
شیلی	۰	۰	۰.۶	۹.۴	۹۰.۱	۰	۰	۰	۰
عربستان سعودی	۸.۷	۱.۳	۰	۰.۱	۳.۶	۵۱.۶	۳۲.۵	۴.۱	۰.۱
قزاقستان									
کانادا	۱۹.۲	۴.۵	۱.۳	۱.۸	۲	۷.۱	۱۹.۶	۱۵.۴	۴.۸
کنیا	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
مکزیک	۶.۹	۵.۷	۲	۷۳.۷	۱۳.۷	۰	۴.۶	۰.۱	۰.۴
نروژ	۴۱.۵	۳.۲	۱.۷	۰.۸	۰.۸	۱.۳	۱.۱	۲۱.۴	۲۹
هند	۰.۳	۳۵	۵۴.۱	۷.۲	۲.۲	۰.۳	۱.۲	۰	۰
حداکثر	۴۴.۲	۳۵	۱۰۰	۸۸.۴	۹۰.۱	۵۱.۶	۳۲.۵	۴۴.۷	۴.۸
حداقل	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰
میانگین	۱۱.۳	۴.۸	۱۷.۲	۲۶.۳	۱۱.۹	۷.۰	۸.۶	۹.۴	۱۱.۶

SOURCE : world tariff profiles 2010 • www.WTO.com

متوسط عوارض گمرکی نهایی تثبیت شده بر حسب گروه بندی کالاها نشان می دهد که میانگین این تعرفه در میان کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ در مورد محصولات حیوانی و لبنی ۵۹/۳ درصد، میوه، سبزیجات و نباتات ۸۲/۱ درصد، قهوه و چای ۱۴۳/۲ درصد، غلات و فرآورده های آن ۱۵۸/۷، دانه های روغنی، چربی و روغن ۱۴۰/۴ درصد، قند، شیرینی و شکر ۱۵۲/۲ درصد، نوشیدنی و دخانیات ۱۴۷/۶ درصد، پنبه ۱۴۲/۲ درصد، ماهی و فرآورده های آن ۱۳۱/۲ درصد و سایر محصولات کشاورزی ۱۲۶/۴ درصد است. ملاحظه می گردد که غلات و فرآورده های آن دارای بیشترین متوسط عوارض گمرکی نهایی وضع شده می باشند. ارقام نرخ رشد در میان کشورهای مورد مطالعه نشان می دهد که طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ روند متوسط عوارض گمرکی بر حسب گروه بندی کالاها بیشتر کاهش یافته و در بیشتر مواقع نرخهای تعرفه ثابت باقی مانده است. از سوی دیگر اطلاعات بر حسب کشورهای نشان می دهد که حداقل و حداکثر تعرفه نهایی وضع شده در مورد محصولات گروه بندی متفاوت می باشد و بر حسب شرایط و مقتضیات کشورها متفاوت است به طوری که حداقل تعرفه ها در کشور آمریکا و حداکثر در کشور نروژ مشاهده می گردد (جدول ۲-۱۳).

عوارض گمرکی نهایی تثبیت شده^۱ (final bound duties) - متوسط عوارض گمرکی بر حسب گروه بندی کالاها نشان می دهد که میانگین این تعرفه در میان کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ در مورد محصولات حیوانی و لبنی ۵۹/۳ درصد، میوه، سبزیجات و نباتات ۸۲/۱ درصد، قهوه و چای ۱۴۳/۲ درصد، غلات و فرآورده های آن ۱۵۸/۷، دانه های روغنی، چربی و روغنها ۱۴۰/۴ درصد، قند، شیرینی و شکر ۱۵۲/۲ درصد، نوشیدنی و دخانیات ۱۴۷/۶ درصد، پنبه ۱۴۲/۲ درصد، ماهی و فرآورده های آن ۱۳۱/۲ درصد و سایر محصولات کشاورزی ۱۲۶/۴ درصد است. ملاحظه می گردد که غلات و فرآورده های آن دارای بیشترین متوسط عوارض گمرکی نهایی وضع شده می باشند. ارقام نرخ رشد در میان کشورهای مورد مطالعه نشان می دهد که طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ روند متوسط عوارض گمرکی بر حسب گروه بندی کالاها بیشتر کاهشی بوده و در بیشتر مواقع نرخهای تعرفه ثابت باقی مانده است. از سوی دیگر اطلاعات بر حسب کشورهای نشان می دهد که حداقل و حداکثر تعرفه نهایی وضع شده در مورد محصولات گروه بندی کالاها نشان می دهد که میانگین این تعرفه در میان کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ در مورد محصولات حیوانی ۲۶/۷ درصد، محصولات لبنی ۳۹/۴ درصد، میوه، سبزیجات و نباتات ۱۰۳/۸ درصد، قهوه و چای ۱۰۴/۵ درصد، غلات و فرآورده های آن ۱۱۱، دانه های روغنی، چربی و روغنها ۹۸/۶ درصد، قند، شیرینی و شکر ۱۰۸/۵ درصد، نوشیدنی و دخانیات ۱۱۴/۱۲ درصد، پنبه ۹۲/۳ درصد، ماهی و فرآورده های آن ۹۸ درصد و سایر محصولات کشاورزی ۹۶/۱ درصد است. ملاحظه می گردد که نوشیدنی و دخانیات دارای بیشترین متوسط عوارض گمرکی نهایی وضع شده می باشند. ارقام نرخ رشد در میان کشورهای مورد مطالعه نشان می دهد که طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ روند متوسط عوارض گمرکی بر حسب گروه بندی کالاها بیشتر کاهشی بوده و در بیشتر مواقع نرخهای تعرفه ثابت باقی مانده است. از سوی دیگر اطلاعات بر حسب کشورهای نشان می دهد که حداقل و حداکثر تعرفه نهایی وضع شده در مورد محصولات گروه بندی متفاوت می باشد و بر حسب شرایط و مقتضیات کشورها متفاوت است (جدول ۲-۱۴).

واردات - معاف از عوارض گمرکی (درصد) بر حسب گروه بندی کالاها نشان می دهد که میانگین معافیت از عوارض در میان کشورهای مورد مطالعه در سال ۲۰۱۰ در مورد محصولات حیوانی ۲۷/۵ درصد، محصولات لبنی ۶/۵ درصد، میوه، سبزیجات و نباتات ۱۰۸/۵ درصد، قهوه و چای ۱۱۲/۵ درصد، غلات و فرآورده های آن ۱۰۶/۹ درصد، دانه های روغنی، چربی و روغنها ۱۲۰/۳ درصد، قند، شیرینی و شکر ۹۹/۳ درصد، نوشیدنی و دخانیات ۱۰۳/۱ درصد، پنبه ۱۴۳/۸ درصد، ماهی و فرآورده های آن ۱۰۹/۸ درصد و سایر محصولات کشاورزی ۱۲۱/۴ درصد است. ملاحظه می گردد که چربی و روغنها دارای بیشترین معافیت و محصولات لبنی کمترین معافیت را داراست. ارقام نرخ رشد در میان کشورهای مورد مطالعه نشان می دهد که طی دوره ۲۰۰۶ تا ۲۰۱۰ روند معافیت عوارض بر حسب گروه بندی کالاها بیشتر کاهشی بوده است. از سوی دیگر اطلاعات بر حسب کشورهای نشان می دهد که حداقل و حداکثر معافیت وضع شده در مورد محصولات گروه بندی متفاوت می باشد و بر حسب شرایط و مقتضیات کشورها متفاوت است (جدول ۲-۱۵).

1 -Final bound duties

2 -MFN applied duties

جدول ۲-۱۳: عوارض گمرکی نهایی تثبیت شده (final bound duties) - متوسط عوارض گمرکی

کشور	کشاورزی											
	دانه های روغن ، چربی ها و روغن ها		غلات و فرآورده های آن		قهوه ، چای		نباتات ، سبزیجات ، میوه		محصولات لبنی		محصولات حیوانی	
	نرخ رشد	۲۰۱۰	نرخ رشد	۲۰۱۰	نرخ رشد	۲۰۱۰	نرخ رشد	۲۰۱۰	نرخ رشد	۲۰۱۰	نرخ رشد	۲۰۱۰
آمریکا	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
آرژانتین	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
اتریش	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
اگراییان	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
اتحادیه اروپا	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
استرالیا	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
اندونزی	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
ایران	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
ایزول	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
پاکستان	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
تایلند	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
ترکیه	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
جمهوری کره	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
چین	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
ژاپن	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
شیلی	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
عربستان سعودی	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
فرواقسان	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
کالادا	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
کنیا	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
لبنان	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
مکزیک	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
نروژ	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
هند	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
حداکثر	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
حدالین	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰
میانگین	۰۰	۲۰۰	-۱۳	۲۰۰	-۵	۲۰۰	۲۰	۲۰۰	-۱۲	۲۰۰	۲۰	۲۰۰

کشاورزی

[illegible]

جدول ۲-۱۵: معاف از عوارض گمرکی (درصد)

[illegible]

از سوی دیگر ابزارهای تعرفه ای متنوعی در عرصه جهانی مخصوصاً توسط کشورهای پیشرفته به ویژه در تجارت محصولات کشاورزی به کار گرفته می شوند. استفاده از این ابزارها توسط کشورهای پیشرفته در مقابل صادرات محصولات کشاورزی که عمده‌تأ دارای ارزش کمتری هستند تبعیض آشکار بر علیه این کشورها است. ضرورت استفاده از این ابزارها به خصوصیات مختلف آنها و طبیعت تولید کشاورزی بر می گردد. جدول (۲-۱۶) چگونگی استفاده از این ابزارها ارائه شده است.

جدول ۲-۱۶: ابزارهای تعرفه ای مورد استفاده در کشورهای پیشرفته

نام کشور	تعداد تعرفه غیر ارزشی					تعداد تعرفه سهمیه ای در کشاورزی	سهم تعرفه سهمیه ای
	ثابت	مربک	مخلوط	سایر	جمع		
اتحادیه	۵۹۸	۲۴۰	۵۱	۸۸	۹۷۷	۴۵	۲۸
آمریکا	۶۲۱	۱۱۱	۰	۱۶	۷۴۸	۴۳	۲۴
ژاپن	۱۷۸	۵۶	۴۶	۱۶	۲۹۶	۱۶	۲۱
کانادا	۱۳۹	۵۱	۱۶۱	۱۵	۳۶۶	۲۶	۲۲

گیلپور، ا. (۱۳۸۲) چگونگی استفاده از تعرفه برای حمایت از بخش کشاورزی. مجموعه مقالات نخستین همایش کشاورزی و توسعه ملی، جلد ۳: کشاورزی و جهانی شدن اقتصاد، تهران موسسه پژوهشهای برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، چاپ اول.

همانگونه که آمار نشان می دهند استفاده از تعرفه های غیر ارزشی به طور عمده مخصوص مناطق توسعه یافته و عمدتاً برای محصولات کشاورزی است. از جمله دلایل استفاده از این ابزارهای پیشرفته توسط کشورهای پیشرفته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه می توان به قدرت حمایتی موثر تر تعرفه های غیر ارزشی نسبت به ارزشی در مقابل تولیدات کم ارزش کشورهای در حال توسعه و پیچیدگی و ظرافت این ابزارها در اشاره نمود. این ابزارها قادرند ضمن حمایت موثر از تولیدات امکان حمایت متوازن در طول سال، جهت دهی واردات به سمت کالاهای دارای کیفیت و ایجاد رفاه متعادل برای مصرف کننده و تولید کننده را به همراه داشته باشند. که در بحث خصوصیات ابزارهای تعرفه ای به طور مفصل به ویژگیهای این ابزارها پرداخته می شود.

اطلاعات نشان می دهد که نزدیک به ۴۴ درصد خطوط تعرفه کشاورزی در آمریکا و اتحادیه اروپا تعرفه غیر ارزشی است و کانادا و ژاپن نیز به ترتیب ۲۶ و ۱۶ درصد از تعرفه های بخش کشاورزی را به ابزارهای غیر ارزشی اختصاص داده اند. به طور کلی کشورهای آمریکا، کانادا، ژاپن و اتحادیه اروپا همانگونه نزدیک به ۳۰ درصد خطوط تعرفه کشاورزی خود از تعرفه غیر ارزشی استفاده می کنند. این در حالی است که در کمتر از ۵ درصد کالاهای صنعتی خود از تعرفه غیر ارزشی استفاده می کنند.

به طور کلی بررسی نرخ تعرفه و نوع تعرفه محصولات کشاورزی در کشورهای مختلف نشان می دهد که :

۱- ابزارهای متنوع تعرفه ای در رژیم تعرفه ای کشورهای مختلف به کار گرفته می شود. با توجه به ویژگی فصلی بودن تولیدات کشاورزی و احتمال عدم تکافوی تولید داخل برخی محصولات نسبت به تقاضا، بکارگیری ابزارهای متنوع تعرفه ای می تواند پاسخگوی آن باشد.

۲- درجه و اندازه حمایت تعرفه ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی متفاوت است به طوری که

در کشورهای OECD حمایت تعرفه ای بالایی از لبنیات (۱۶ درصد)، غلات (۷۸ درصد)، تولیدات حیوانی (۸۲ درصد)، شکر و ریشه ها (۶۲ درصد) به عمل می آورند. به عبارتی دیگر میزان حمایت از محصولات کشاورزی از طریق ابزار تعرفه ای بر حسب اهمیت تولیدی کالاهای مختلف بخش کشاورزی متفاوت است.

۳- از سوی دیگر اطلاعات نشان می دهد علاوه بر اینکه میزان حمایت تعرفه ای بر حسب اهمیت تولیدی محصولات کشاورزی متفاوت بوده بر حسب کشورها نیز متفاوت است. به عبارتی هر کشوری بر حسب اهمیتی که هر محصول کشاورزی در تولید بخش داشته نرخ تعرفه و میزان حمایت تعرفه ای متفاوت اعمال می نماید.

۴- اطلاعات نشان می دهد که در کشورهای مختلف به خاطر حمایت تعرفه ای بالا از کالاهای حساس و استراتژیک، پراکندگی تعرفه ها در این کشورها بالا است. به طوری که نرخ تعرفه در مورد کالاهای حساس و پراهمیت از نظر تولیدی بالا و در مورد بقیه محصولات پایین است.

۵- شاخص تعداد طبقات تعرفه ای که افزایش آنها نشان دهنده عدم همسانی و درجه تفاوت در تعرفه های مورد استفاده در کالاهای مختلف است.

۶- سازمان جهانی تجارت تاکید زیادی بر استفاده از تعرفه ارزشی به عنوان یکی از معیارهای شفافیت رژیم تجاری کشورها دارد.

۷- استفاده از تعرفه های غیر ارزشی به طور عمده مخصوص مناطق توسعه یافته و عمدتاً برای محصولات کشاورزی است. از جمله دلایل استفاده از این ابزارهای پیشرفته توسط کشورهای پیشرفته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه می توان به قدرت حمایتی موثر تر تعرفه های غیر ارزشی نسبت به ارزشی در مقابل تولیدات کم ارزش کشورهای در حال توسعه و پیچیدگی و ظرافت این ابزارها در اشاره نمود. این ابزارها قادرند ضمن حمایت موثر از تولیدات امکان حمایت متوازن در طول سال، جهت دهی واردات به سمت کالاهای دارای کیفیت و ایجاد رفاه متعادل برای مصرف کننده و تولید کننده را به همراه داشته باشند.

سیستم تعیین تعرفه و تغییرات نرخ تعرفه

در این بخش به بررسی چرایی و چگونگی تغییرات نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در طول زمان در برخی از کشورهای جهان پرداخته شده است.

امارات متحده عربی

این کشور دارای سیستم تجارت آزاد و مبادله آزاد تجاری است. امارات یکی از اعضای شورای همکاری خلیج فارس (GCC) است این شورا تلاش کرده است تا نرخ تعرفه خارجی مشترکی را برای خود داشته باشد. امارات از سال ۱۹۹۴ تصمیم گرفت تا عوارض کالاهای وارداتی خود را از یک درصد به چهار درصد افزایش دهد اما با وجود این هنوز بیش از ۷۵ درصد از کالاهای وارداتی این کشور از عوارض معاف است. هر یک از واحدهای اجرایی اماراتی، مسئول گمرک خود است اما تعرفه ها و سیاستهای کلی از طریق کمیته ملی تعیین می شود و فقط شرکتهایی که دارای مجوز تجارت هستند می توانند درگیر این کار شوند. مدارک مورد نیاز، بر اساس استانداردهای بین المللی است و اسناد غیر متداول، در گمرک با مشکل تاخیر مواجه خواهند بود. میان تجار برای تسهیلات بندری، امارات، که نرخ پایینی دارند و یا جایزه ای را برای ارائه خدمات خود تعیین نموده اند، رقابت وجود دارد هیچگونه عوارضی بر روی صادرات وجود ندارد. به دلایل امنیتی و مسایل مذهبی، محدودیتهای مختلفی برای واردات الکل، تنباکو، سلاح گرم و محصولات گوشت خوک وجود دارد. هیچ گونه عوارض بر محصولات غذایی وضع نشده است. بیشترین عوارض برای اکثر کالاها ۴ درصد است و برای الکل و تنباکو ۱۰۰ درصد عوارض وضع شده است. بیشتر اقلام ضروری شامل مواد غذایی و دارویی از هر گونه عوارض معاف

هستند. در حال حاضر ده منطقه آزاد تجاری برای امارات وجود دارد که در آنجا تعرفه‌های امارات پایین است و برای بسیاری از کالاها وضع نمی‌شود.

ژاپن

در ژاپن یک نظام پیچیده مرکب از عوارض ثابت و متغیر، قیمت‌های داخلی را در سطحی به مراتب بالاتر از قیمت‌های جهانی قرار داده است. حمایت برای تمام کالاهای عمده در ژاپن تا حد زیادی از طریق قیمت‌های مدیریت شده به وسیله تعرفه و محدود سازی واردات، اعمال می‌گردد برای مثال در سال ۸۶-۱۹۸۵ قیمت شکر خام در ژاپن هشت برابر قیمت جهانی این کالا و قیمت برنج و گندم بیش از شش برابر قیمت جهانی این کالاها در دوره مورد بحث بوده است. حمایت‌های مرزی در سالهای اخیر کاهش یافته است. ولی این حمایتها در مورد برنج، لبنیات، گندم، جو و شکر هنوز در سطح بسیار بالایی قرار دارد. برعکس، حمایت در بخش گوشت گاو در ژاپن از ۷۰ درصد به ۶۰ درصد در سال ۱۹۹۲ و به ۵۰ درصد در سال ۱۹۹۳ کاهش یافته است به علاوه این کشور متعهد شده است که تا سال ۱۹۹۵ تعرفه ارزشی گوشت گاو را تا حد ۳۸/۵ درصد کاهش دهد، به هر حال معادلهای تعرفه‌ای پس از دور اروگوئه برای شیر، شکر و گندم بازدارنده است. در ادامه مذاکرات دور اروگوئه برخی از تعرفه‌ها به طور باورنکردنی بالا باقی ماند:

✱ شکر (عوارضی بین ۳۵/۳ و ۱۰۶/۲ ین برای هر کیلو)

✱ شیرینی‌های شکلاتی (نرخ تعرفه ۱۰ درصد)

✱ پنیر و محصولات لبنی (بین ۲۲/۴ و ۴۰ درصد)

✱ بیسکویت شکلاتی (نرخ تعرفه بین ۱۸ و ۲۰/۴ درصد)

✱ مربا (نرخ تعرفه بین ۱۲ و ۳۴ درصد)

✱ ماهی دودی (نرخ تعرفه ۱۵ درصد)

ژاپن با جریان گذاشتن یک سیستم سهمیه بندی تعرفه‌ای به طور جداگانه، محدودیتهایی را بر واردات چرم و یا پوستهای چرمی اعمال می‌کند. مقادیر کم وارداتی اقلام فوق و مدیریت سیستم سهمیه تعرفه‌ای صنایع رقیب اروپایی را که عمده صادره کنندگان این محصولات می‌باشند، از فرصتهای تجاری مشروع محروم می‌کند. در مورد محصولات کشاورزی و فرآورده‌های شیلاتی، ژاپن سالهاست که سیستم محدودیت مقداری بر واردات این نوع کالاها (به خصوص ماهی و محصولات شیلاتی خاص) را اعمال می‌نماید و برخی مواقع حدود ۲۰ درصد واردات آن محصولات را برگشت داده است.

اتحادیه اروپا

میانگین نرخ تعرفه این اتحادیه طی سالهای اخیر (۹۹-۱۹۹۶) به طور متوسط برابر ۶/۱ درصد بوده است. طی مذاکرات دور اروگوئه اتحادیه اروپا اصلاحات در سیاست مشترک کشاورزی خود را از طریق کاهش سطح قیمتی و در عوض ارایه پرداختهای درآمدی جبرانی مستقیم آغاز کرده بود. این اصلاحات همراه با افزایش قیمت‌های جهانی به کاهش نرخ حمایت مرزی برای بسیاری از کالاها از زمان دور پایه (۸۸-۱۹۸۶) منجر شد. نرخهای مورد توافق برای تعرفه‌های تثبیتی در دور اروگوئه زمینه را برای معکوس سازی این روند فراهم می‌سازد. اتحادیه اروپا برای تعرفه های غلات به شکل حداکثر قیمت با پرداخت عوارض^۱ که با قیمت مداخله مرتبط است تعهد اضافی دیگری را تقبل نمود بدین معنا که برای غلات عمده قیمت وارداتی با پرداخت عوارض نباید از یک قیمت مداخله داخلی به اضافه ۵۵ درصد و برای برنج شلتوک نباید

بیشتر از قیمت مداخله به اضافه ۸۰ تا ۸۸ درصد باشد. به نظر می‌رسد رقم ۵۵ درصد و ۸۸-۸۰ درصد به ترتیب اضافه بها^۱ بین قیمت آستانه و قیمت‌های مداخله در اصلاحات سیاست مشترک کشاورزی برای غلات عمده و برنج می‌باشد.^۲ بنابراین چنین مقرراتی اتحادیه اروپا را مجاز می‌کند که تعرفه‌ها را در سطح لازم و مقتضی برای دفاع و حمایت از قیمت‌های آستانه که قبلاً در اصلاحات سیاست مشترک کشاورزی تعیین شد مشخص نماید. به شرط آنکه عوارض اخذ شده از میزان تعرفه تثبیتی فراتر نرود. در عمل این ترتیبات می‌توانند همانند عوارض متغیر یا یک قیمت حداقل کارکرد داشته باشد. تعرفه واقعی وارداتی وضع شده به میزان اختلاف بین اضافه بهای داخلی و قیمت جهانی CIF خواهد بود. بنابراین در دوره‌هایی که قیمت‌ها پایین باشند، اتحادیه اروپا احتمالاً تعرفه‌های بالا را اخذ خواهد کرد تا از این رهگذر ترجیح اتحادیه را در سطحی که متجاوز از نرخ تثبیت تعرفه‌ای نباشد حفظ نماید. اگر قیمت‌های جهانی بالا باشد احتمالاً در عمل رژیم تجارت خارجی اتحادیه اروپا از آنجا که در اصلاحات سیاست مشترک کشاورزی می‌تواند مصداق داشته باشد، متفاوت نخواهد بود. به عبارت دیگر زمانی که قیمت‌های جهانی بالا باشند اتحادیه اروپا تعرفه پایین‌تری را با هدف عدم تجاوز از تعهدات مربوط به حداکثر قیمت با پرداخت عوارض و به منظور حفظ سطح قیمت‌های آستانه قبلاً مشخص شده در سیاست‌های اصلاحات سیاست مشترک کشاورزی وضع خواهد نمود. تعیین تعرفه واقعی بر غلات به هر حال، برای هر محموله مجزا خواهد بود و این نحوه عمل با رژیم قبل از دور اروگوئه که در آن عوارض بر اساس تفاوت بین قیمت آستانه و قیمت جهانی تعیین شده و نسبت به کل واردات، بدون توجه به قیمت واقعی کالای حمل شده اعمال می‌شد متفاوت است. بر طبق تعهدات در گات، تعرفه واقعی بر اساس قیمت هر محموله غلات محاسبه می‌شود تا تضمین شود که قیمت با پرداخت عوارض برای هر محموله از ۱۵۵ درصد قیمت مداخله تجاوز ننماید.

ترکیه

ترکیه دارای یکی از آزادترین نظام‌های تجاری می‌باشد که شاخص MFN محدودیت تجاری از طریق تعرفه (TTRI^۳) آن ۱/۵ درصد می‌باشد. از بین ۱۲۵ کشور، ترکیه از لحاظ داشتن کمترین محدودیت‌های تجاری در مقام پنجم قرار دارد. (World Trade Indicators, 2009).

ترکیه در زمینه محصولات کشاورزی، بیشتر محافظ^۴ است. شاخص TTRI محصولات کشاورزی ترکیه ۲۱/۸ درصد است، که بیشتر از دو برابر متوسط منطقه (۱۰ درصد) می‌باشد. فاصله سیاست تجاری^۵ دولت که از طریق بررسی تفاوت بین تعرفه تعیین شده^۶ و تعرفه عملی^۷ محاسبه می‌شود، ۱۵ درصد در سال ۲۰۰۸ بوده است که نسبت به متوسط منطقه (۲/۷ درصد) بالاتر بوده است. در طول سالهای ۲۰۰۸-۱۹۹۵ طبق گزارش WTO، ترکیه در بین ۱۳۷ سرمایه‌گذار، دهمین سرمایه‌گذار بزرگ در زمینه فعالیت‌های ضد دامپینگ بوده است (World Trade Indicators, 2009).

ترکیه از نظر شاخص تعهد GATS^۸ در بین ۱۴۸ کشور، رتبه ۵۸ را به خود اختصاص داده است. متوسط تعرفه ساده عملی^۹ که از سوی سایر کشورهای دنیا به ترکیه تعلق گرفته است، ۹/۸ درصد بوده است. متوسط تعرفه ای که به

1 -Mark -Up

2 - European union, general features of trade policy, ITC,2001

3 -Tariff Trade Restrictiveness Index

4 -Protective

5 -Trade policy space

6- Bounded tariff

7 -Applied tariff

8- GATS commitment Index

9- Simple average applied tariff

صادرات محصولات کشاورزی تعلق گرفته است، ۶/۱ درصد و متوسط تعرفه صادرات محصولات غیر کشاورزی ۲/۱ درصد بوده است (همان منبع).

ترکیه حمایت تعرفه‌های بالایی را برای بیشتر محصولات غذایی و کشاورزی برقرار نموده و اخیراً تعرفه‌ها را برای لوبیا و دانه‌های روغنی افزایش داده است تا به این ترتیب واردات را کاهش و مصرف تولید داخل را ترغیب نماید. در مقابل کشور ترکیه از بخش کشاورزی و صنایع غذایی خود به شدت حمایت می‌کند. به طوری که حتی در سالهای اخیر تعرفه‌های وارداتی محصولاتی نظیر غلات و دانه‌های روغنی را به میزان قابل ملاحظه‌ای افزایش داده است تا ضمن محدود کردن واردات این اقلام مصرف داخلی را به سمت تولیدات داخلی سوق دهد. ترکیه از سال ۱۹۹۶ به بعد تعرفه‌های مورد عمل برای آرد گندم (از ۳ به ۵۵ درصد) ذرت (از ۳ به ۶۰ درصد) انواع میوه (از ۴۵ به ۱۲۰ درصد) سورگوم (از ۳ به ۶۰ درصد) جو (از ۳ به ۸۵ درصد) و دانه آفتابگردان را از (۳ به ۲۹ درصد) افزایش داده است.^۱

هندوستان

در نتیجه اصلاحی که در سال ۱۹۹۱ آغاز شد تعرفه‌های هندوستان تا حدود ۳۳۵ درصد کاهش یافت با این وجود عوارض اضافی متغیر و عوارض ویژه مشخصاً به وسیله دولت بر کالاهای وارداتی وضع می‌شود که در مقایسه با مقررات غیر تبعیضانه WTO و تعهدات تعرفه‌ای دور اروگوئه مشکلات را افزایش می‌دهد. بر اساس بودجه سال مالی ۲۰۰۱-۲۰۰۰ نرخ تعرفه برای حقوق گمرکی پایه BCD (Basic custom duty) تا سقف ۳۵ درصد کاهش داده شد و پنج نوع تعرفه گمرکی موجود به ۴ نوع تعرفه کاهش داده شد (۳۵، ۲۵، ۱۵ و ۵ درصد) با وجود این تعرفه‌های خیلی بالا هنوز وجود دارد. مثلاً تعرفه سبزیجات تازه و انواع روغن‌ها تعرفه‌ای متجاوز از ۱۰۰ درصد دارند.^۲ دیگر دریافتها که عوارض اضافی ویژه نامگذاری شده‌اند، با نرخ ۴ درصد و بر پایه مجموع: عوارض گمرکی پایه + جریمه + عوارض گمرکی متقابل (countervailing duties) بر روی برخی از کالاهای وارداتی وضع می‌شود. برنامه ریزان کشور هند، سیاست اقتصادی این کشور را یک سیاست مختلط^۳ می‌دانند. نظام تعرفه ای هند از نوعی سیستم حمایتی^۴ بهره می‌گیرد. متوسط تعرفه در هند، بالاتر از سایر کشورهای در حال توسعه است و بخش مهمی از درآمدهای دولت را تشکیل می‌دهد. تا انتهای دهه ۱۹۸۰، سهم تعرفه‌ها در درآمد دولت به ۳۴/۸ درصد رسید. سیاست صادرات هند، ترکیبی از کنترل و یارانه برای محصولات مختلف بنا به وضعیت بازار داخلی می‌باشد. بیشتر کالاهایی که صادراتشان ممنوع شده است، محصولات کشاورزی می‌باشند. ایده اصلی این استراتژی، تامین غذای کافی برای مردم می‌باشد.

نرخ تعرفه در هند قبل از ۱۹۹۰، بیش از ۲۰۰ درصد بود که کاهش یافت؛ به نحوی که در انتهای دهه ۱۹۹۰ به ۴۵ درصد رسید. لیکن این نرخ نیز در مقایسه با سایر کشورهای در حال توسعه که متوسط نرخ تعرفه آنها بین ۵ تا ۱۵ درصد است، خیلی زیاد است (Oschinsky, 2005).

1- Turkey ; General features of trade policy , ITC, 2001

2 - India: General features of trade policy, ITC, 2001.

3- Mixed economy

4- Protectionism

برزیل

برزیل یکی از فعالان عمده در اقتصاد جهان می باشد. این کشور با ۱۸۰ میلیون نفر جمعیت و منابع طبیعی عظیم، یکی از ده بزرگترین اقتصادهای دنیا را تشکیل می دهد. تنها کشورهایی که در دنیا بیشتر از برزیل زمین زراعی دارند چین، استرالیا و آمریکا هستند. بخش کشاورزی نقش زیادی در اقتصاد برزیل دارد و محصولات کشاورزی، تقریباً ۳۰ درصد از صادرات این کشور را تشکیل می دهد (World Trade Indicators, 2009).

در طول ۱۵ سال گذشته (۱۵ سال قبل از نشر این مقاله در ۲۰۰۵)، اقتصاد برزیل پذیرای اصلاحات اساسی بوده است که منجر به پایداری محیط سرمایه گذاری و تحریک رشد کشاورزی شده است. پایداری اقتصاد کلان در برزیل، در نیمه دهه ۱۹۹۰ در زمانی حاصل شد که دولت تورم را تحت کنترل درآورد. اصلاحات ساختاری شامل خصوصی سازی کسب و کارهای دولتی، آزادسازی بازارهای داخلی^۱ و تاسیس اتحادیه مرکسور^۲ با دیگر کشورهای آمریکای جنوبی بود. تغییرات سیاسی این دوره شامل کاهش تعرفه های بالا و حذف موانع غیرتعرفه ای تجارت بود (همان منبع).

بخش کشاورزی هم در این اصلاحات شرکت می کرد و هم از آنها سود می برد. در کل دهه ۱۹۹۰، هزینه های دولت که برای حمایت از قیمتها و دادن سوبسید در بخش کشاورزی صرف می شد، کاهش یافت؛ بازار گندم، نیشکر و قهوه آزاد شد؛ تجارت نه فقط در بخش واردات، بلکه در بخش صادرات نیز از طریق حذف گواهی صادرات، سهمیه ها و عوارض آزاد شد. به طور کلی بخش کشاورزی از تغییر پارادایم توسعه سود برد، چرا که تبعیض بر علیه بخش که در حمایت های دولت از بخش صنعت پنهان بود از بین رفت و جو سرمایه گذاری در بخش کشاورزی پایداری تر شد (همان منبع).

در گذشته برزیل تعرفه های بالا را برای حمایت از تولیدات داخلی وضع می کرد. اما با کنار گذاشتن این سیاستها، بخش کشاورزی به رشد سریعی دست یافت. این رشد ناشی از افزایش بهره وری و قیمت کمتر محصولات وارداتی بخش کشاورزی بوده است. متوسط تعرفه محصولات کشاورزی در برزیل ۱۰ درصد و حداکثر تعرفه تخصیص یافته، ۵۵ درصد می باشد و کل خطوط تعرفه ۹۵۹ می باشد (Jales et al., 2006).

1 -Deregulation of domestic markets

2 Mercosur customs union

پاکستان

در طول دهه ۱۹۸۰، حرکتی از حمایت^۱ به سمت آزادسازی تجاری آغاز شد. اما وابستگی دولتها به تعرفه به عنوان منبع درآمد باعث شد که پیشرفت فرایند آزادسازی کمتر باشد. از سوی دیگر ساختار سیاستهای تجاری نیز در بسیاری از کشورها از جمله کشور پاکستان به خاطر تجارتهای غیرقانونی کالاهای مصرفی بسیار پیچیده می باشد. وجود این تجارتهای غیر قانونی بستگی به میزان درآمد حاصله برای عوامل قاچاق دارد. هر چه سطح تعرفه کالاها بالاتر باشد، میزان درآمد حاصل از تجارت غیرقانونی بیشتر است. آزادسازی تجاری از این جهت برای پاکستان اهمیت دارد که می تواند ابزاری برای کاهش تجارتهای غیرقانونی باشد (Lahiri et al., 2000).

فاصله سیاست تجاری^۲ که از طریق بررسی تفاوت بین تعرفه تعیین شده^۳ و تعرفه عملی محاسبه می شود، ۳۰/۳ درصد می باشد. در انتهای سال ۲۰۰۸، زمانی که رشد اقتصادی کاهش پیدا کرد، تمایلات ضد آزادسازی دوباره آغاز شد، به نحوی که دولت تعرفه ۱۷ محصول شامل فلزات، قطعات الکترونیکی، مواد شیمیایی، غذا و آشامیدنی ها را افزایش داد. پاکستان مانند بیشتر کشورهای در حال توسعه بر تعرفه بالا و تعیین سهمیه واردات برای تنظیم روابط تجاری تاکید داشت. محدودیت های کمی^۴ بخش تجارت در اواسط دهه ۱۹۸۰ کاهش یافتند. اما پیشرفت در زمینه کاهش تعرفه در پاکستان، تنها از انتهای دهه ۱۹۸۰ شروع شد. برنامه کاهش تعرفه ها در ۳ فاز آغاز شد و موجب شد که میزان تعرفه از ۹۲ درصد در سال ۱۹۹۴-۱۹۹۳ به ۳۵ درصد در سال ۱۹۹۷-۱۹۹۶ برسد (World Trade Indicators, 2009). اما کاهش تعرفه بیش از این به صلاح نبود، زیرا از یک سو اثرات منفی بر علایق گروه های خاصی می گذاشت و از سوی دیگر از درآمد دولت ناشی از تعرفه می کاست. (World Trade Indicators, 2009).

ایران در مقایسه با برخی کشورهای منتخب

همان طور که ارقام جدول ۲-۱۷ نشان می دهد میانگین ساده تعرفه های ایران در مقایسه با کشورهای منتخب به میزان قابل ملاحظه ای بیشتر است. در زمینه میانگین ساده تعرفه های کالاهای صنعتی نیز ایران سقف تعرفه به مراتب بالاتری را تجربه کرده است. از بین کشورهای منتخب در زمینه تعرفه محصولات کشاورزی تنها مصر با ۴/۶۶ درصد و ترکیه با ۷/۴۶ درصد میانگین تعرفه ای بالاتری نسبت به ایران دارند. کشور عربستان با وجود اینکه اخیراً به عضویت سازمان جهانی تجارت درآمده است اما سقف تعرفه های خود را به میزان زیادی کاهش داده است. در مقابل ترکیه و مصر با وجود اینکه جزء اعضا اولیه سازمان جهانی تجارت محسوب می شوند، اما کاهش چندانی در تعرفه کالاهای کشاورزی خود نداده اند. در مجموع به نظر می رسد هر چه کشورها دیرتر به عضویت در سازمان جهانی تجارت درآمده اند تعهدات بیشتری را در زمینه کاهش تعرفه ها پذیرفته اند.

از جمله معضلاتی که در شرایط کنونی فضای تجارت از منظر واردات را متاثر نموده، بوروکراسی گسترده و فضای غیر شفاف برای واردات کالا به کشور است. تعداد اسناد لازم برای واردات، زمان لازم برای واردات و هزینه واردات از این جمله اند.

1- protectionism

2- Trad policy

3 -Bound tariff

4 -Quantitative restrictions

جدول ۲-۱۷: میانگین تعرفه ایران در مقایسه با کشورهای منتخب طی دوره ۲۰۰۸-۲۰۰۰

نام کشور	سال عضویت در WTO	میانگین ساده تعرفه	میانگین ساده تعرفه کالای کشاورزی	میانگین ساده تعرفه کالاهای صنعتی
آلمان	۱۹۹۵	۲,۵	۱,۵	۸,۳
مالزی	۱۹۹۵	۴,۸	۷,۱۱	۷,۹
فرانسه	۱۹۹۵	۵,۲	۱,۵	۳,۸
عربستان	۲۰۰۵	۵	۷,۶	۴,۷
مصر	۱۹۹۵	۱۶,۷	۴,۶۶	۹,۲
ترکیه	۱۹۹۵	۱۰	۷,۴۶	۴,۸
ایران	عضو ناظر	۲۶,۲	۲۸,۹	۲۵,۸

SOURCE : world tariff profiles 2008 ، www.WTO.com

به طور کلی بررسی چرایی و چگونگی تغییر نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در کشورهای مختلف نشان می دهد که :

- ۱- مهمترین نکته در بررسی نظام تعرفه کشورهای مختلف ، استفاده از تعرفه به عنوان ابزار حمایتی (حمایت از تولید داخل) می باشد . با توجه به این نگرش، در طول زمان نرخ تعرفه به منظور حمایت از تولید داخلی تغییر یافته است که این تغییرات بر حسب نوع محصول و درجه اهمیت آن از نظر حمایتی متفاوت بوده است . هر کشوری به دلیل مدیریت واردات و حمایت از تولید داخلی از ابزار تعرفه ای مناسب (فارغ از الحاق به سازمان تجارت جهانی) بهره می گیرد.
- ۲- نکته دیگر اینکه تغییر و تحول در نرخ تعرفه و ابزارهای تعرفه ای بر اساس یک برنامه تدوین شده کوتاه مدت و بلند مدت بخش کشاورزی بوده است . به عبارتی نرخ تعرفه ابزار سیاستی برای دستیابی به اهداف برنامه های توسعه بخش کشاورزی بوده و هماهنگ با آن تغییر و تحول یافته است .
- ۳- ابزارهای متنوع تعرفه ای در رژیم تعرفه ای کشورهای مختلف به کار گرفته می شود. با توجه به شرایط اقتصاد داخلی و جهانی (خصوصاً قیمتهای جهانی) نوع ابزارهای تعرفه ای در طول زمان تغییر یافته است.
- ۴- درجه و اندازه حمایت تعرفه ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی و کشورهای مختلف متفاوت است. به عبارتی دیگر میزان حمایت از محصولات کشاورزی از طریق ابزار تعرفه ای بر حسب اهمیت تولیدی کالاهای مختلف بخش کشاورزی و امنیت غذایی متفاوت است .
- ۵- از سوی دیگر اطلاعات نشان می دهد علاوه بر اینکه به منظور حمایت، تعرفه برای محصولات کشاورزی وضع شده اما در کنار آن از سایر ابزارهای حمایتی مانند یارانه، پرداختهای درآمدی جبرانی مستقیم برای حمایت از بخش کشاورزی نیز استفاده شده است . به بیان دیگر بسته حمایت از تولید بخش کشاورزی شامل انواع متنوع ابزارهای سیاستی است که همسو و هم جهت به منظور حمایت از تولیدات بخش کشاورزی اتخاذ می گردد که یکی از این ابزارها، تعرفه است . بنابراین نباید انتظار داشت تعرفه به تنهایی بتواند حمایت کامل از تولید بخش کشاورزی را ایفا نماید.
- ۶- اطلاعات نشان می دهد که در کشورهای مختلف به خاطر حمایت تعرفه ای بالا از کالاهای حساس و استراتژیک ، پراکندگی تعرفه ها در این کشورها بالا است. به طوری که نرخ تعرفه در مورد کالاهای حساس و پراهمیت از نظر تولیدی بالا و در مورد بقیه محصولات پایین است .
- ۷- نظام تصمیم گیری در خصوص نرخ و نوع تعرفه در کشورهای مختلف متفاوت است به طوری که به عنوان مثال در ترکیه از طریق کمیته ملی تعیین می شود و فقط شرکتهایی که دارای مجوز تجارت هستند می توانند درگیر این کار شوند. به نظر می رسد عموماً دینفعان در نظام تصمیم گیری حضور دارند .

۸- بررسی تغییرات نرخ و نوع تعرفه در طول زمان در کشورهای مورد بررسی حاکی از در نظر گرفتن الزامات سازمان تجارت جهانی است. به عبارتی کشورهایی که فرآیند عضویت را طی کرده و یا در حال گذر از آن می باشند در تعیین نرخ و نوع تعرفه علاوه بر جنبه حمایتی آن به این الزامات نیز توجه می نمایند.

جمع بندی فصل

اطلاعات جهانی نشان می دهد که در میان بیست کشور مهم جهان از دیدگاه جایگاه بخش کشاورزی در اقتصاد ملی طی دوره مورد بررسی روند نزولی سهم بخش کشاورزی در برخی کشورها نمایان است (مانند افغانستان و سودان) اما روند نزولی کاهنده ای مشاهده می شود. به طور کلی بخش کشاورزی از جایگاه مهمی در اقتصاد ملی کشورها برخوردار است. همچنین در میان بیست کشور مهم جهان از صادرات و واردات فرآورده های اولیه از جایگاه مهمی در تجارت ملی کشورها برخوردار است. به طور کلی اطلاعات نشان می دهد که جایگاه بخش کشاورزی در تولید ملی و تجارت خارجی با اهمیت است. از سوی دیگر ابزار تعرفه ای به عنوان ابزار حمایتی در کشورهای مهم جهان در طول سالهای مورد بررسی بکار گرفته شده است.

بررسی تعرفه در برخی از کشورهای منتخب نشان می دهد که روند کاهش تعرفه ها در طول زمان قابل مشاهده است و در مقابل برای حمایت از تولید به ابزارهای حمایتی دیگر که در مقررات این سازمان مورد قبول است روی آورده اند. از سوی دیگر تجربه کشورها نشان می دهد که کاهش تعرفه ها در طول زمان اتفاق افتاده و یکباره و بدون برنامه نبوده است. علاوه بر این اطلاعات نشان می دهد که روند کاهش تعرفه ها در بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعتی کندتر می باشد که این به دلیل ماهیت تولید بخش کشاورزی و لزوم حمایت از آن است. اطلاعات بر حسب گروه بندی محصولات نشان می دهد که حداکثر و حداقل نرخ تعرفه و معافیت از عوارض بر حسب کشور و ساختار اقتصادی آن متفاوت است و عموماً در کشورهای پیشرفته نرخ تعرفه کمتر از کشورهای در حال توسعه است.

در کشور ایران اطلاعات و آمار نشان می دهد که واردات بخش کشاورزی روند بی ثباتی داشته و عموماً افزایشی بوده است. به این ترتیب می توان گفت که افزایش واردات به معنی وابستگی بیشتر کشور در تامین امنیت غذایی به بازارهای بین المللی بوده است. همچنین کاهش صادرات در مقابل واردات نشان می دهد که کشور بیشتر از آنکه عرضه کننده محصولات کشاورزی باشد، تقاضا کننده این محصولات می باشد. بنابراین در صورتیکه در سالهای آتی سیاستهای بین المللی در جهت کاهش عرضه محصولات کشاورزی به بازارهای جهانی تغییر یابد، بیم تهدید امنیت غذایی خواهد رفت پس شایسته است دولت تدابیری را بباندیشد که با افزایش کمی و کیفی محصولات داخلی، میزان واردات (جز در مورد خاص) کاهش یافته و صادرات افزایش یابد و کشور به خودکفایی نسبی رسیده و بنابراین امنیت غذایی مردم جامعه تامین شود. یکی از ابزارهای سیاستی در این خصوص تعرفه می باشد.

با بررسی تجارب کشورها در خصوص نرخ تعرفه، نوع تعرفه و چرایی و چگونگی تغییر نرخ تعرفه محصولات کشاورزی می توان به مهمترین یافته های به شرح ذیل اشاره نمود:

۱- مهمترین نکته در بررسی نظام تعرفه کشورهای مختلف، استفاده از تعرفه به عنوان ابزار حمایتی (حمایت از تولید داخل) می باشد. با توجه به این نگرش، در طول زمان نرخ تعرفه به منظور حمایت از تولید داخلی تغییر یافته است که این تغییرات بر حسب نوع محصول و درجه اهمیت آن از نظر حمایتی متفاوت بوده است. هر کشوری به دلیل مدیریت واردات و حمایت از تولید داخلی از ابزار تعرفه ای مناسب (فارغ از الحاق به سازمان تجارت جهانی) بهره می گیرد.

۲- نکته دیگر اینکه تغییر و تحول در نرخ تعرفه و ابزارهای تعرفه ای بر اساس یک برنامه تدوین شده کوتاه مدت و بلند مدت بخش کشاورزی بوده است. به عبارتی نرخ تعرفه ابزار سیاستی برای دستیابی به اهداف برنامه های توسعه بخش کشاورزی بوده و هماهنگ با آن تغییر و تحول یافته است.

۳- ابزارهای متنوع تعرفه‌ای در رژیم تعرفه ای کشورهای مختلف به کار گرفته می شود. با توجه به ویژگی فصلی بودن تولیدات کشاورزی و احتمال عدم تکافوی تولید داخل برخی محصولات نسبت به تقاضا، به‌کارگیری ابزارهای متنوع تعرفه ای می تواند پاسخگوی آن باشد.

۴- درجه و اندازه حمایت تعرفه ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی متفاوت است به طوری که در کشورهای OECD حمایت تعرفه ای بالایی از لبنیات (۱۶ درصد)، غلات (۷۸ درصد)، تولیدات حیوانی (۸۲ درصد)، شکر و ریشه ها (۶۲ درصد) به عمل می آورند. به عبارتی دیگر میزان حمایت از محصولات کشاورزی از طریق ابزار تعرفه ای بر حسب اهمیت تولیدی کالاهای مختلف بخش کشاورزی متفاوت است.

۵- از سوی دیگر اطلاعات نشان می دهد علاوه بر اینکه میزان حمایت تعرفه ای بر حسب اهمیت تولیدی محصولات کشاورزی متفاوت بوده بر حسب کشورها نیز متفاوت است. به عبارتی هر کشوری بر حسب اهمیتی که هر محصول کشاورزی در تولید بخش داشته نرخ تعرفه و میزان حمایت تعرفه ای متفاوت اعمال می نماید.

۶- اطلاعات نشان می دهد که در کشورهای مختلف به خاطر حمایت تعرفه ای بالا از کالاهای حساس و استراتژیک، پراکندگی تعرفه ها در این کشورها بالا است. به طوری که نرخ تعرفه در مورد کالاهای حساس و پراهمیت از نظر تولیدی بالا و در مورد بقیه محصولات پایین است.

۷- شاخص تعداد طبقات تعرفه ای که افزایش آنها نشان دهنده عدم همسانی و درجه تفاوت در تعرفه‌های مورد استفاده در کالاهای مختلف است.

۸- سازمان جهانی تجارت تاکید زیادی بر استفاده از تعرفه ارزشی به عنوان یکی از معیارهای شفافیت رژیم تجاری کشورها دارد.

۹- استفاده از تعرفه های غیر ارزشی به طور عمده مخصوص مناطق توسعه یافته و عمدتاً برای محصولات کشاورزی است. از جمله دلایل استفاده از این ابزارهای پیشرفته توسط کشورهای پیشرفته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه می توان به قدرت حمایتی موثر تر تعرفه های غیر ارزشی نسبت به ارزشی در مقابل تولیدات کم ارزش کشورهای در حال توسعه و پیچیدگی و ظرافت این ابزارها در اشاره نمود. این ابزارها قادرند ضمن حمایت موثر از تولیدات امکان حمایت متوازن در طول سال، جهت دهی واردات به سمت کالاهای دارای کیفیت و ایجاد رفاه متعادل برای مصرف کننده و تولید کننده را به همراه داشته باشند.

۱۰- درجه و اندازه حمایت تعرفه ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی و کشورهای مختلف متفاوت است. به عبارتی دیگر میزان حمایت از محصولات کشاورزی از طریق ابزار تعرفه ای بر حسب اهمیت تولیدی کالاهای مختلف بخش کشاورزی و امنیت غذایی متفاوت است.

۱۱- از سوی دیگر اطلاعات نشان می دهد علاوه بر اینکه به منظور حمایت، تعرفه برای محصولات کشاورزی وضع شده اما در کنار آن از سایر ابزارهای حمایتی مانند یارانه، پرداختهای درآمدی جبرانی مستقیم برای حمایت از بخش کشاورزی نیز استفاده شده است. به بیان دیگر بسته حمایت از تولید بخش کشاورزی شامل انواع متنوع ابزارهای سیاستی است که همسو و هم جهت به منظور حمایت از تولیدات بخش کشاورزی اتخاذ می گردد که یکی از این ابزارها، تعرفه است. بنابراین نباید انتظار داشت تعرفه به تنهایی بتواند حمایت کامل از تولید بخش کشاورزی را ایفا نماید.

۱۲- نظام تصمیم گیری در خصوص نرخ و نوع تعرفه در کشورهای مختلف متفاوت است به طوری که به عنوان مثال در ترکیه از طریق کمیته ملی تعیین می شود و فقط شرکتهایی که دارای مجوز تجارت هستند می توانند درگیر این کار شوند. به نظر می رسد عموماً ذینفعان در نظام تصمیم گیری حضور دارند.

۱۳- بررسی تغییرات نرخ و نوع تعرفه در طول زمان در کشورهای مورد بررسی حاکی از در نظر گرفتن الزامات سازمان تجارت جهانی است. به عبارتی کشورهایی که فرآیند عضویت را طی کرده و یا در حال گذر از آن می باشند در تعیین نرخ و نوع تعرفه علاوه بر جنبه حمایتی آن به این الزامات نیز توجه می نمایند.

به طور کلی می توان ویژگیهای عمده نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای منتخب را به شرح جدول ۲-۱۸ خلاصه نمود:

جدول ۲-۱۸: ویژگیهای نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای مورد مطالعه

ویژگی	ویژگی	ویژگی	ویژگی
تعرفه به عنوان ابزار حمایتی	متفاوت بودن درجه و اندازه حمایت تعرفه ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی	حمایت تعرفه ای بالا از کالاهای حساس و استراتژیک	استفاده از تعرفه های غیر ارزشی در مناطق توسعه یافته و عمدتاً درخصوص محصولات کشاورزی به دلیل حمایت بیشتر از تولید کننده و مصرف کننده
تعرفه به عنوان ابزاری جهت دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلندمدت برنامه های توسعه کشاورزی	متفاوت بودن حمایت تعرفه ای بر حسب کشور و منطقه	استفاده از تعرفه ارزشی به جهت تاکید سازمان جهانی تجارت	بکارگیری سایر ابزارهای حمایتی در کنار ابزار حمایتی تعرفه
بکارگیری ابزارهای متنوع تعرفه ای در رژیم تعرفه ای	متفاوت بودن نظام تصمیم گیری در خصوص نرخ و نوع تعرفه در کشورهای مختلف	حضور ذینفعان در نظام تصمیم گیری	تغییرات نرخ و نوع تعرفه در طول زمان بواسطه در نظر گرفتن الزامات سازمان تجارت جهانی
اعمال کاهش تعرفه ها در طول زمان با برنامه مشخص			



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بخش سوم

شناخت و بررسی نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی ایران

مقدمه

همان طور که در بخش اول بیان گردید تجارت آزاد وضعیتی است که در آن جریان کالاها و خدمات در صحنه بین المللی بدون هیچ گونه محدودیت و دخالتی صورت می گیرد. در حال حاضر به دلایل گوناگون، دخالت های متفاوتی در زمینه نظارت و کنترل بر تجارت خارجی از سوی دولتها اعمال می شود که بدین ترتیب تجارت آزاد به معنای واقعی آن وجود ندارد. از جمله ابزارهای مختلف در کنترل و نظارت تجارت خارجی تعرفه، سهمیه، یارانه به صادرات و محدودیتهای غیر تعرفه ای می باشد. در باره اینکه تجارت آزاد واقعا مطلوب است یا اعمال سیاستهای تجاری؟ در میان علمای تجارت بین الملل نظری متقن وجود ندارد ولی آنچه مسلم است برای کشورهایی که در یک سطح توسعه ای قرار دارند برقراری تجارت آزاد برای تمامی آنان منافی به دنبال دارد که در چنین مبادلات و تقسیم کاری، هم تولید افزایش می یابد و هم رابطه مبادله بهبود می یابد. اما در شرایطی که کشورها از لحاظ درجه توسعه یافتگی با هم متفاوت هستند، حمایت موقتی از تولیدات داخلی در برابر تولیدات خارجی که معمولاً از درجه رقابت پذیری بالایی برخوردار هستند لازم به نظر می رسد. اما باید با آگاهی کامل سیاستهای حمایتی اعمال شود که نهایتاً تولیدات حمایت شده از درجه رقابت پذیری در صحنه بین المللی برخوردار شده و صرفه جوییهای اقتصادی (درون صنعت و بیرونی) را به دنبال داشته باشد. با همین دیدگاه، مهمترین و اساسی ترین شرایط برای نرخ منطقی تعرفه، تعریف نظام تعرفه مناسبی است که دارای قدرت تعامل موثر با نظام تعرفه ای بین المللی و همسویی با اهداف برنامه های توسعه ای کشور را داشته باشد. چنین نظامی باید شرایط تولید و بازار داخلی و جهانی را در درون خود داشته و درجه اهمیت و حساسیت کالاها را در نظر گرفته و با بهره گیری از ابزارهای تعرفه ای قادر باشد حمایت موثر و منطقی را از تولیدات داخلی به عمل آورد. در چنین نظام تعرفه ای، اعمال موانع تعرفه ای با توجه به شرایط داخلی، جهانی و سازمانهای بین المللی بوده و بین مانع تعرفه ای و معادل تعرفه ای تعارض و ناهماهنگی ایجاد نمی شود.

با توجه به این مهم، در این فصل سعی می گردد تا با بررسی نظام تعرفه ای بخش کشاورزی (نحوه فرآیند تعیین نرخ تعرفه و تغییر آن، قوانین و مقررات، دولت و نهادهای مردم مدار، فرآیند و مراجع تصمیم گیری و الزامات جهانی و سازمانهای بین المللی) تصویری از وضعیت موجود ارائه شده و چالش ها و موانع آن جهت ارائه راهکارهایی برای بهبود نظام موجود تعرفه بخش کشاورزی برجسته گردد.

۳-۱- تعریف تعرفه و مرجع تصمیم گیری آن در ایران

بخشی از تعرفه در ایران که توسط قوه مقننه تعیین می شود و طبقاً از ثبات بیشتری هم برخوردار است، حقوق پایه گمرکی نامیده می شود. تا سال ۱۳۸۴ حقوق پایه به صورت ستون جداگانه ای در کتاب مقررات صادرات و واردات کشور درج می شد ولی از این سال حقوق پایه با سود بازرگانی جمع شده و در یک ستون واحد تحت عنوان تعرفه آورده می شود. بخش دیگر تعرفه در ایران سود بازرگانی است که بر خلاف حقوق گمرکی نیاز به تصویب مجلس ندارد و فقط دولت برای تعیین آن اقدام می کند. سود بازرگانی نسبت به حقوق گمرکی منعطف تر است و با تغییر شرایط تغییر می کند. در سال ۱۳۷۲ به منظور تنظیم جداول جدید، تعرفه ای براساس نظام هماهنگ به طور موقت حقوق گمرکی کنار گذاشته شد و فقط سود بازرگانی از کالاهای وارداتی دریافت می شد. این وضع تا آغاز سال

۱۳۷۵ ادامه پیدا کرد و در این سال حقوق گمرکی جدید ملاک عمل قرار گرفت. هم اکنون نیز سود بازرگانی هر ساله با پیشنهاد وزارتخانه های مربوطه و بررسی در کمیسیون ماده یک برای بخش های مختلف تعیین و ابلاغ می شود.

کمیسیون ماده یک مقررات صادرات و واردات دارای نمایندگانی از وزارت بازرگانی، وزارت جهاد کشاورزی، وزارت صنایع و معادن، وزارت امور اقتصادی و دارایی، بانک مرکزی و سازمان مدیریت و برنامه ریزی است. هر یک از این اعضا دارای یک رای می باشند و تصمیمات به شیوه رای گیری و بر اساس حداکثر آراء اتخاذ می گردد. در قوانین موجود^۱ به نرخ تعرفه، نرخ حقوق ورودی اطلاق می شود و نوعی مالیات غیرمستقیم (مالیات بر واردات) است که بنا به مقتضیات خاص هر کشور بر حسب ارزش کالا یا واحدی مقطوع از واردات اخذ می شود. هر چند در قوانین مختلف از جمله قانون امور گمرکی^۲، قانون واگذاری انحصار تجارت خارجی مملکت به دولت^۳ و یا قانون موسوم به جمع عوارض^۴ به تعاریفی از حقوق ورودی (یا حقوق گمرکی) اشاره شده است، اما آخرین تعریف از این اصطلاح به ماده (۴۱) قانون مالیات بر ارزش افزوده^۵ برمی گردد. مطابق تعریف این ماده، حقوق گمرکی معادل ۴ درصد ارزش گمرکی کالاها تعیین و به مجموع این دریافتی و سود بازرگانی که طبق قوانین مربوطه توسط هیئت وزیران تعیین می شود، حقوق ورودی اطلاق شد.

بنابراین حقوق ورودی پس از تصویب این قانون تلفیقی از حقوق گمرکی مصوب مجلس و سود بازرگانی مصوب دولت است که بر اساس درصدی از ارزش کالا و مطابق تعرفه، طی مراحل مختلف بر اساس قانون تعیین و دریافت می شود. بنابراین حقوق ورودی اخذ شده از واردات ماحصل دو مقوله ارزش واردات و نرخ حقوق ورودی است، البته علاوه بر ۴ درصد فوق ۳ درصد مالیات بر ارزش افزوده (۱/۵ درصد مالیات به علاوه ۱/۵ درصد عوارض) نیز از واردات اخذ می شود.

بنابراین مشاهده می گردد که (۱) نرخ تعرفه در ایران به صورت ارزشی و درصدی از ارزش واردات برای همه محصولات می باشد (۲) در فرآیند تعریف و تصویب نرخ های حقوق گمرکی و سود بازرگانی، نهادهای مردم مدار مرتبط (ذینفعانی که این نرخها بر فعالیت آنان تاثیرگذار می باشد) حضور و تاثیر گذاری اندکی دارند که بیشتر تاثیر گذاری آنان از طریق چانه زنی با نمایندگان دولت و مجلس است. یکی از خلأهای نظام تعرفه ای بخش کشاورزی فعلی ایران، حضور کم رنگ، تعریف نشده و شفاف ذینفعان و تشکل های مرتبط با آنان می باشد

۱ - قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی و تصویب آزمایشی و پنج ساله آن توسط مجلس، تأیید ۱۳۸۷/۳/۲ شورای نگهبان.

۲ - قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۵۰/۳/۳۰ مجلس شورای ملی با آخرین اصلاحات تا پایان سال ۱۳۷۶.

۳ - قانون واگذاری انحصاری تجارت خارجی مملکت به دولت مصوب ۱۳۰۹/۱۲/۶ مجلس شورای ملی و اصلاحات بعدی آن.

۴ - قانون اصلاح مواد از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران و چگونگی برقراری وصول عوارض و سایر وجوه از تولیدکنندگان کالا، ارائه دهندگان خدمات و کالاهای وارداتی، مصوب ۱۳۸۱/۱۰/۲۲ مجلس شورای اسلامی.

۵ - قانون مالیات بر ارزش افزوده، مصوب جلسه ۱۳۸۷/۲/۱۷ کمیسیون اقتصادی مجلس شورای اسلامی طبق اصل هشتاد و پنجم (۸۵) قانون اساسی و تصویب آزمایشی و پنج ساله آن توسط مجلس، تأیید ۱۳۸۷/۳/۲ شورای نگهبان.

شناخت اندازه و میزان حضور مناسب نهادهای مردم مدار و ذینفعان در فرآیند تصمیم سازی، تصمیم گیری و سیاستگذاری نظام تعرفه ای بخش کشاورزی مبحثی است که در تحقیقات بعدی بایستی به آن پرداخته شود.

۳-۲-تاریخچه سیر تحول قوانین و مقررات و سیاست های بازرگانی خارجی ایران

بازنگری در قوانین به منظور دستیابی میزان موفقیت آن به اهداف قانونگذار در مقاطع مختلف زمانی از یک سو و از سوی دیگر انطباق آن با شرایط و مقتضیات زمانی لازم و ضروری است. در حال حاضر یکی از مهم ترین وظایف بخش قانونگذاری کشور با توجه به درخواست عضویت در سازمان تجارت جهانی، شفاف نمودن قوانین تجاری کشور و ارائه موضوعاتی است که بایستی تغییر و اصلاح یابند. برای دستیابی به این هدف لازمست در ابتدا تحولات قوانین صادرات و واردات کشور با اتکا به تاریخچه تحولات آنها از سال ۱۲۸۵ تاکنون مورد بررسی قرار گیرد. نکته جالب در بررسی تاریخی تحولات قوانین تجاری کشور آن است که علی رغم بسیاری از محدودیت های غیرتعرفه ای دسترسی به بازار که در کشور سابقه ای بس طولانی دارد، به دلیل ماهیت دولتی اقتصاد و به طبع آن تجارت خارجی، بیشتر این قوانین بدون توجه به اهمیت تجارت و نقش تجارت در اقتصاد به تصویب رسیده اند. تغییرات پیاپی و متناقض این قوانین بدون توجه به تاثیرگذاری آن بر اقتصاد کشور خود بهترین شاهد بر این مدعاست.

تاریخ قانونگذاری در ایران از سال ۱۲۸۵ تاکنون به دو دوره متمایز تفکیک می شود که در ادامه تغییرات مهمی که طی این دو دوره در قوانین صادرات و واردات رخ داده مورد بررسی قرار می گیرد (خلیل زاده، ۱۳۷۶).

دوره اول: از ابتدای قانونگذاری تا قبل از پیروزی انقلاب

سیر قهرقانی بازرگانی خارجی ایران که همزمان با آغاز جنگ جهانی دوم و اشغال ایران بوسیله متفقین شروع شد، در سال های بعد همچنان ادامه یافت. با استثنای سال های ۱۳۳۱ تا ۱۳۳۳ که بر اثر ملی شدن نفت ایران و استقرار حکومت مردمی به مدتی کوتاه تراز بازرگانی ایران مثبت بوده است، کسری تراز بازرگانی خارجی ایران همواره سیر صعودی پیموده است (خلیل زاده، ۱۳۷۶). آمار و اطلاعات نشان می دهد که موازنه بازرگانی کشور از سال ۱۳۰۹ با ۰/۳۵- میلیارد ریال شروع شده و تا سال ۱۳۵۷ به ۷۳۰/۹- میلیارد ریال بالغ گشته که طی این دوره به جز سال های ۱۳۲۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲ و ۱۳۳۳ همواره منفی بوده است (رزاقی، ۱۳۶۸). در این دوره، ورود نفت به ردیف اقلام صادراتی ایران نه تنها در ظاهر بعنوان عاملی تعادل بخش در موازنه بازرگانی خارجی ایران جلوه کرده است بلکه نقش عمده و اساسی در بازرگانی خارجی را به خود اختصاص داده است. ادامه سیر قهرقانی در بازرگانی خارجی ایران که ناشی از آزادی بی بندوبار تجارت خارجی در ایران بود و بیم آن می رفت که نابسامانی های مصیبت باری را در پی داشته باشد، مسئولان وقت را بر آن داشت که تدابیری برای رویارویی با نابسامانی ها اندیشیده و قوانین و مقرراتی را در جهت اصلاح و بهبود وضع بازرگانی خارجی ایران به تصویب برسانند که مهم ترین آنها موارد زیر بوده است:

الف) انحصار بازرگانی خارجی: از آنجا که آزادی بازرگانی نه تنها نتوانسته بود نیازهای کشور را برآورده سازد بلکه نابسامانی های بنیادی از خود برجای نهاده بود، دخالت دولت در بازرگانی خارجی را اجتناب ناپذیر می نمود. به همین دلیل قانون انحصار تجارت خارجی ایران در سال ۱۳۰۹ از تصویب قوه مقننه گذشت و سپس طی مراحل چندین بار مورد اصلاح و بازبینی قرار گرفت. با تصویب قانون مزبور بازرگانی خارجی ایران در انحصار دولت

درآمده و دگرگونی‌های ساختاری شایان توجهی را در تجارت خارجی کشور بوجود آورد. قانون انحصار تجارت خارجی ایران سه ویژگی عمده داشت:

۱- با اعمال انحصار دولتی، حق صادرات و واردات کلیه محصولات طبیعی و صنعتی، تدوین شرایط صدور و ورود کالا و تعیین میزان آنها در چهارچوب مقررات این قانون، به دولت واگذار گردیده و از آن پس حاکمیت شرایط بازار بر بازرگانی خارجی در اصول امکان ناپذیر شده بود.

۲- واردات هر نوع محصولات طبیعی یا صنعتی خارجی باستانی موارد خاص مشروط به صادرات حتمی محصولات طبیعی و یا مصنوع ایران به کشورهای خارجی بود. مراد از برقراری مکانیسم مزبور ضرورت ایجاد تعادل بین واردات و صادرات و جلوگیری از افزایش واردات بوده است.

۳- دولت (البته به تشخیص خود دولت و مشروط به شرایط معین و مقررات مخصوص) به اشخاص حقیقی یا حقوقی تجارتی تفویض اختیار نمود تا به نمایندگی از جانب دولت و براساس فهرستی که همه ساله وزارت بازرگانی درباره اجازه و تعیین سهمیه ورود هر یک از کالاها را منتشر می‌نمود، مواد و کالاهای مورد نظر را به کشور وارد کنند. مطابق یک چنین ویژگی بود که دولت توانست صادرات و واردات کالاهایی مانند شکر، چای، تریاک، دخانیات، ابریشم نوغان، کالاهای پنبه‌ای و نخی، واردات اتومبیل، غلات، خشکبار، قالی پشم و پوست را در انحصار خود درآورد. در سال ۱۳۲۱ قانون انحصار تجارت خارجی اصلاح شد و به موجب آن ورود انواع کالاها مجاز گردیده و صدور گواهینامه صادرات کالا بدون محدودیت اعلام شد و از دولت خواسته شد که حذف آن را مورد بررسی قرار دهد. در سال ۱۳۳۱ (دوران نهضت ملی شدن نفت) واردات کشور دوباره مشروط به انجام صادرات گردید و سیاست تعادل بازرگانی به موقع اجرا درآمد اما پس از اجرای کودتای ۲۸ مرداد و وابستگی شدید ایران به جهان غرب، الگوی جدید بازرگانی خارجی و به ویژه قانون انحصار تجارت خارجی بی‌اثر گردید و به طور روز افزون از محدودیت‌های بازرگانی خارجی کاسته شد.

ب) قانون معاملات ارزی: به موجب قانون معاملات ارزی که در اسفند ۱۳۱۴ به تصویب رسید، کمیسیون ویژه‌ای متشکل از نمایندگان وزارت مالیه، اداره کل تجارت و بانک ملی ایران ایجاد گردید که آیین‌نامه مربوط به مقررات ارزی و تأمین موازنه در معاملات خارجی را تهیه و تدوین کنند تا از این طریق تعادلی در موازنه پرداختهای کشور برقرار شود. در سال ۱۳۱۹ برای اخذ ارز حاصل از صادرات، مقررات پیمان نامه ارزی وضع گردید که به موجب آن ارز حاصل از صادرات باید به بانک فروخته می‌شد و در حساب ویژه‌ای نگهداری می‌گردید. در خرداد ۱۳۲۱، در جهت ایجاد هماهنگی لازم در مقررات انحصار تجارت خارجی مقرر شد که ارز لازم جهت واردات بدون محدودیت در اختیار متقاضیان (وارد کنندگان) قرار گیرد. در سال ۱۳۳۱، برای نخستین بار با برقراری اصل تعلیق واردات بر صادرات و سیاست تعادل تراز بازرگانی (همبستگی بین صادرات و واردات) موازنه ارزی ایران بهبود یافت. اما با روی کارآمدن دولت کودتا، کمیسیون ارز نیز منحل گردید. در سال ۱۳۳۶ قانون واگذاری معاملات ارزی به تصویب رسید که این قانون هنوز اعتبار خود را حفظ کرده است. بدین ترتیب کسری موازنه ارزی روندی صعودی پیمود تا آنجا که در سال ۱۳۳۹ به حدود ۴۴/۵ میلیارد ریال رسید و دولت وقت را به اخذ وام از صندوق بین المللی پول ناگزیر ساخت.

ج) قوانین و تعرفه‌های گمرکی: در ایران از دیر باز اخذ عوارض گمرکی بر کالاهای وارداتی و صادراتی معمول بوده و وصول ۱۰ درصد بر مبنای ارزش کالا بعنوان حقوق گمرکی رایج بوده است. در دوران حکومت صفویه و قاجاریه مبنای مشخصی برای دریافت حقوق گمرکی وجود نداشت و تقریباً تمامی گمرکات ایران تا سال ۱۲۲۷ شمسی به اجاره داده می‌شد. رسیدگی به وضع گمرک ایران سال‌ها ادامه داشت (به وسیله نوس بلژیکی) و در سال ۱۲۸۲ نخستین تعرفه گمرکی ایران به مآخذ ۵ درصد از کلیه کالاها تنظیم و به اجرا درآمد.

نخستین قانون گمرکی ایران، قانون صادرات و واردات، در سال ۱۳۰۷ با هدف ایجاد درآمد برای دولت به تصویب رسید. مآخذ دریافت حقوق گمرکی بر اساس تعرفه قانونی بر مبنای ارزش سیف (ارزش کالا + حق بیمه + کرایه حمل) تعیین گردیده بود. در اردیبهشت سال ۱۳۱۵، قانون جدید گمرکی ایران به تصویب رسید که بر مبنای تعرفه مورد قبول جامعه ملل تهیه شده بود. در سال ۱۳۳۱ قانون گمرکی جدیدتری که بر اساس تعرفه نمانکلاتور ژنو تهیه شده بود در ایران به تصویب رسید.

در سال ۱۳۵۰ تعرفه نوین گمرکی ایران (که بر اساس تعرفه نمانکلاتور بروکسل تهیه شده بود) به تصویب رسید. وضع تعرفه‌های یکسان بین‌المللی برای کلیه کشورهای جهان، از ویژگی‌های نمانکلاتور بروکسل است. ویژگی دیگر این سیستم، رجحان اخذ حقوق گمرکی بر مبنای ارزش کالا است. امور گمرکی ایران در حال حاضر نیز بر اساس همین قانون اداره می‌گردد. البته در حال حاضر در مورد بعضی از کالاها بر مبنای مقدار حقوق گمرکی دریافت می‌شود.

به منظور سهولت بررسی، سیر تحولات قوانین بازرگانی کشور در جدول ۳-۱ تنظیم گردیده است که در آن تغییرات مهم قوانین مذکور برحسب روال تاریخی بیان شده است. همان طور که ملاحظه می‌گردد قانون انحصار تجارت خارجی ایران، لایحه تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی، قانون کمک به توسعه صدور برخی از اقلام کالاهای صادراتی، قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران، قانون بودجه کشور، قوانین پولی و بانکی کشور، قانون صندوق ضمانت صادرات ایران، قانون تاسیس سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان از جمله قوانینی است که بر تجارت خارجی کشور تاثیرگذار بوده است. روند تغییرات قوانین بازرگانی کشور در خصوص حقوق گمرکی و سایر عوارض وارداتی، افزایشی و کاهشی بوده و بر حسب مقتضیات زمان متغیر بوده است (کمیحانی، ۱۳۸۰).

جدول ۳-۱: قوانین مربوط به صادرات و واردات در ایران ۱۳۵۷-۱۳۰۹

نوع محدودیت	قانون	تاریخ تصویب
انحصار تجارت خارجی	تجارت خارجی ایران در انحصار دولت قرار دارد و حق وارد کردن و صادر کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین موثقی و دائمی بودن میزان آن به دولت واگذار می‌گردد.	۱۳۰۹/۱۲/۶
واردات در مقابل صادرات بررسی قیمت، مجوز ورود	مواد ۲ و ۳ و ۱۰ متمم قانون انحصار تجارت خارجی: وارد کردن هر نوع محصول و... مشروط به شرط حتمی صادر کردن محصولات طبیعی یا صنعتی در حدود قیمت صادرات است. اعم از اینکه واردکننده خود کالا را صادر کرده باشد یا توسط دیگری صادر شده باشد. در مقابل صدور کالا گواهی‌نامه یا تصدیق صدور به صادرکننده داده می‌شود که این تصدیق در ظرف سه ماه حق تحصیل جواز ورود - معادل مبلغ صادرات - را به ارائه‌دهنده می‌دهد.	۱۳۰۹/۱۲/۲۰

ادامه جدول ۳-۱: قوانین مربوط به صادرات و واردات در ایران ۱۳۵۷-۱۳۰۹

نوع محدودیت	قانون	تاریخ تصویب
تجارت دولتی، محدودیت مقداری، مجوز وارداتی	ماده ۳ و ۵ متمم قانون انحصاری تجارت خارجی: به دولت اجازه داده می شود که حق وارد کردن محصولاتی را که خود نمی خواهد مستقیماً عهده دار شود به وسیله جوازهای مخصوص و تحت شرایط معین به اشخاص یا مؤسسات تجاری واگذار نماید. دولت مکلف است همه ساله قبل از اول تیرماه احتیاجات مملکت به اجناس ورودی را معین و برای اطلاع عامه در دو گروه اعلان نماید: الف: اجناسی که حق وارد کردن آن به میزان و مبلغ معینی به کس دیگر واگذار می شود. ب: اجناسی که حق وارد کردن آنها را برای خود محفوظ می دارد.	۱۳۰۹/۱۲/۲۰
پیمان ارزی، تبعیض	ماده ۱۳ متمم قانون انحصار تجارت خارجی: هر صادرکننده موظف است در ظرف مهلت مقرر در موقع صدور کالا تعهد دهد که اسناد خارجی خود را به میزان تقویمی که در صدور جنس به ریال طلا به عمل می آید به دولت بفروشد. ضمناً هیئت وزرا می تواند بعضی از صادرکنندگان را کلاً یا جزاً برای مدت معینی از این الزام معاف دارد.	۱۳۰۹/۱۲/۲۰
تعیین زمان ۶ ماهه برای پیمان ارزی و امکان انتقال آن به غیر	بند ج ماده ۶ قانون راجع به تعهدات مربوط به انحصار تجارت خارجی: تصدیق های صدور قابل انتقال به افراد بوده و مدت اعتبار آن از تاریخ ایفای تعهد اسنادی تا ۶ ماه می باشد.	۱۳۱۱/۱۰/۲۴
کاهش مجوز ورود در مقابل صدور	بند ج ماده ۸ قانون راجع به معاملات تصدیق صدور: اداره کل تجارت مکلف است به میزان صدی ۹۵ مبلغ تصدیق صدور که تعهد اسماری آن انجام شده باشد جواز ورود به درخواست کننده بدهد.	۱۳۱۱/۱۰/۲۴
تعیین حدود تبعیض حذف تبعیضی	بند ماده ۶ قانون راجع به معاملات تصدیق صدور: در این قانون موارد معافیت از تعهد فروش اسناد به طور مشخص تعیین گردید.	۱۳۱۱/۱۰/۲۴
شناورسازی ارزی	بند الف ماده ۷ قانون راجع به تعهدات مربوط به انحصار تجارت خارجی: بانک های عامل مکلف هستند اسعار خارجی حاصله از صادرات را به نرخ هر ارزی که اسناد تعهد شده را می فروشند خریداری نمایند.	۱۳۱۱/۱۰/۲۴
حذف پیمان ارزی	طبق مصوبات مورخ ۸ و ۱۳۱۲/۱۳/۱۲ هیأت دولت بر اساس قانون اصلاح قسمتی از مقررات قانون انحصار تجارت خارجی، خرید و فروش اسعار صادراتی آزاد است و تمهیدنامه اسعار خارجی از صادرکنندگان دریافت نمی گردد.	۱۳۱۲/۱۲/۱۹
الزام پیمان ارزی، دوره یکساله برای آن عدم امکان انتقال آن به غیر	قانون راجع به معاملات تصدیق صدور: دارندگان حق صدور که بخواهند آنها را بفروشند باید قبل از انقضای مهلت قانونی یکساله آن را به دولت بفروشند و دولت مکلف است به محض ارائه آن را خریداری نماید.	۱۳۱۳/۴/۱۹
کاهش مهلت پیمان ارزی به ۳ ماه	ماده ۵ قانون راجع به معاملات اسعار خارجی: صادرکنندگان مکلفند اسناد حاصله از صادرات را تا ۳ روز پس از دریافت و منتهی به سه ماه پس از صدور به بانکها بفروشند.	۱۳۱۳/۱۲/۱۰
تغییر زمان صورت کالاهای خارجی مورد نیاز کشور	بند ب اصلاحی ماده ۳ قانون انحصار بازرگانی خارجی: وزارت بازرگانی مکلف است در فروردین ماه هر سال صورت کالاهای خارجی را که برای آنها در ظرف سال پروانه ورود داده خواهد شد تنظیم و پس از تصویب هیئت وزیران انتشار دهد.	۱۳۲۰/۴/۸

ادامه جدول ۳-۱: قوانین مربوط به صادرات و واردات در ایران ۱۳۵۷-۱۳۰۹

نوع محدودیت	قانون	تاریخ تصویب
حذف گواهی نامه صدور	قانون اجازه الصاق تمبر به پروانه های ورود و صدور و حذف گواهی نامه صدور: گواهی نامه صدور برای ورود کالا لغو گردید.	۱۳۲۱/۳/۷
اعطای کارت بازرگانی معافیت مالیاتی برای صادرکنندگان، اخذ عوارض برای تشویق صادرات	لایحه تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی: - معافیت صادرکنندگان کالاهای ایرانی از پرداخت هر گونه عوارض داخلی، معافیت شرکت هایی که فعالیت خود را صرف صدور کالا می کنند که از پرداخت مالیات و حقوق گمرکی. - اتاق بازرگانی مکلف است برای افراد و شرکت های مشغول به امر تجارت کارت بازرگانی صادر نماید. - ماده ۹ دریافت یک در هزار از صورتحساب کالاهای وارداتی و تمرکز آنها به منظور مصرف در امر تشویق و توسعه صادرات	۱۳۳۳/۱۱/۲۳
میزان تعهد ارزی بر مبنای ارزیابی گمرک	ماده ۵ قانون راجع به واگذاری معاملات به بانک ملی ایران: صادرکنندگان مکلفند در موقع صدور کالا تعهد ارزی بر اساس ارزیابی گمرک به بانک ملی سپرده و ارز حاصل از صادرات خود را به ایران انتقال داده و به بانک های مجاز بفروشند.	۱۳۳۶/۱۲/۲۴
تشویق صادرات	قانون کمک به توسعه صدور بعضی از اقلام کالاهای صادراتی: به منظور تشویق صادرات در مورد... سبزه و سالامبور و صدف به میزان ده درصد قیمت فوق جایزه تخصیص داده می شود.	۱۳۳۳/۳/۲۰
—	قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران: مرکزی به منظور توسعه صادرات ایران و بازاریابی و تبلیغات درباره کالاهای صادراتی کشور از طرف وزارت اقتصاد تشکیل شود.	۱۳۴۵/۹/۲۹
افزایش عوارض گمرکی	قانون افزایش حق ثبت سفارش: حق ثبت سفارش از ۴ درصد به ۵/۵ درصد افزایش داده می شود.	۱۳۵۰/۳/۳۰
عوارض گمرکی	تبصره ۱۶ قانون متمم بودجه سال ۱۳۴۶: ضمن لغو ماده ۹ قانون تشویق صادرات مصوب ۱۳۳۳ مقررات ۲ درصد مبلغ مورد سفارش برای واردات کالا به نام حق ثبت سفارش بوسیله، بانک مرکزی دریافت و پس از کسر مبالغ مربوط به خدمات صحی جهت شیر و خورشید سرخ و بقیه به درآمد عمومی منظور گردد.	۱۳۴۶
حذف پیمان ارزی برخی کالاها	ماده ۲۹ قانون پولی و بانکی کشور: به بانک مرکزی اجازه داده می شود که در هر مورد که مصلحت اقتصادی و ارزی کشور ایجاب نماید با تصویب هیأت وزیران صادرکنندگان یک یا چند نوع کالا را از سپردن پیمان ارزی معاف نماید.	۱۳۵۱/۴/۱۸
—	قانون صندوق ضمانت صادرات ایران: به منظور افزایش صادرات کشور و حفظ حقوق صادرکنندگان در مقابل خطرات مالی که معمولاً شرکت های بیمه تجاری آنها را بیمه نمی کنند و همچنین به منظور تضمین اعتباراتی که به مصرف صدور اینگونه کالاها و خدمات می رسد صندوق ضمانت صادرات ایران تشکیل می شود.	۱۳۵۲/۵/۹
کاهش عوارض گمرکی	قانون تقلیل حق ثبت سفارش: حق ثبت سفارش ۱ درصد کاهش داده می شود. تبصره ۷ قانون تأسیس سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف کنندگان ضمن تأسیس سازمان حمایت تولیدکنندگان و مصرف کنندگان سازمان مزبور موظف است.	۱۳۵۳/۳/۲۱
عوارض گمرکی به نام سازمان حمایت کنندگان و مصرف کنندگان	مابه التفاوت قیمت تمام شده کالای وارداتی با بهای فروش کالاهای اساسی مورد نیاز عامه را با احتساب سود مناسب از تولیدکنندگان یا واردکنندگان حسب مورد دریافت و یا به آنها پرداخت نماید.	۱۳۵۶/۴/۲۲

ماخذ: مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، ص ۳۰.

(ب) پس از پیروزی انقلاب

بعد از پیروزی انقلاب انتظار می‌رفت که ساختار اقتصادی کشور دستخوش تغییرات اساسی گردد اما بروز بحران‌های پی در پی مانع هرگونه سیاست‌گذاری منسجم در این زمینه گردید. با این همه دولت با توجه به اهداف خود و مشکلاتی که با آن مواجه بود انحصارات خود بر تجارت خارجی را شدت بخشید به نحوی که دولتی بودن تجارت خارجی یکی از مواد قانون اساسی کشور گردید. علاوه بر این به دلیل مشروعیت بیش از پیش حضور دولت در عرصه‌های مختلف اقتصادی طی سال‌های مختلف قوانین صادرات واردات مختلفی به تصویب رسید که از آن جمله می‌توان از قوانین سال‌های ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۷۳ و ۷۵ نام برد. به جز این قوانین انبوهی از بخش‌نامه‌ها و دستورالعمل نیز در این خصوص صادر گردیده که ارائه همگی آنها غیرممکن خواهد بود لیکن بخشی از این قوانین در بررسی برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور بویژه در بخش تجارت محصولات کشاورزی معرفی خواهند شد. بخش دیگر مصوبات در سالهای اخیر که نشان دهنده وضعیت موجود قوانین و مقررات و تصمیمات مربوط به تجارت خارجی کشور است توسط مراجع تصمیم‌گیری مجلس شورای اسلامی، هیات وزیران، شورای اقتصاد و مجمع تشخیص مصلحت نظام اتخاذ گردیده است (سایت مجلس شورای اسلامی، سامانه قوانین و مقررات). موضوعات مورد تصمیم‌گیری در خصوص تجارت خارجی به وسیله نهادهای ذکر شده در خصوص میزان و نرخ تعرفه (افزایش و کاهش یا حذف)، نوع محصولات مشمول تعرفه، محدودیتهای تجاری (میزان و نحوه ورود) و معاهدات و موافقتنامه‌های تجاری (شیوه و روش صادرات و واردات) از جمله مهمترین موارد می باشد (ضمیمه ۱). همان طور که مشاهده می گردد بررسی قوانین مختلف بر حسب مرجع تصمیم‌گیری در خصوص تجارت خارجی کشور و بخش کشاورزی نشان از روند بیش از حد دولتی بودن بازار خارجی و کنترل آن از سوی دولت و تغییرات متناوب تصمیم‌گیریهای اتخاذ شده را می‌رساند.

۳-۳- مروری بر سیاست های تجاری و نظام تعرفه ای کلان در برنامه های توسعه اقتصادی

به منظور ترسیم وضع موجود تعرفه های بخش کشاورزی کشور در ابتدا ضرورت دارد خلاصه‌ای از تحولات سیاست های تجاری و نظام تعرفه کلان کشور در سه دهه اخیر مرور گردد، چرا که ساختار موجود نظام تعرفه‌ای محصولات بخش کشاورزی در همین بستر کلان سی ساله و تغییر و تحول آن شکل گرفته است. این بخش، تفکر و بینش چیدمان سیاستهای تجاری (که یکی از ابزارهای آن تعرفه است) را در طول زمان به تصویر می کشاند که در بحث ارائه راهکار از نتایج آن می توان سود جست.

۳-۳-۱- سیاستهای تجاری در برنامه های توسعه کشور

استراتژی تجاری برنامه اول توسعه اقتصادی (۶۸-۱۳۷۲)

برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، اهداف خود را در ده بند ارائه نمود. بند چهارم از اهداف مذکور بر «ایجاد رشد اقتصادی در جهت افزایش تولید سرانه، اشتغال مولد و کاهش وابستگی اقتصادی با تأکید بر خود کفایی محصولات استراتژیک کشاورزی و مهار تورم» توجه داشته است. این بخش از هدف‌های کلی در واقع بیشترین ارتباط را با بخش تجارت خارجی کشور دارد. از این رو مروری بر خط مشی های تجاری ارائه شده برای تحقق هدف فوق که در برنامه اول آمده است، می‌تواند جهت گیری اقتصاد کشور را در طی

برنامه اول روشن نماید. هدف های کیفی که در زمینه صادرات در این برنامه در نظر گرفته شده است را می توان به شرح زیر ارائه نمود (متوسلی، ۱۳۷۹):

- ✱ کمک به بنیه اقتصادی کشور
 - ✱ کمک به افزایش ارزش افزوده کالاهای صادراتی
 - ✱ کمک به نو سازی صنایع کشور
 - ✱ کمک به توسعه صادرات صنعتی
- درخصوص واردات نیز اهداف کیفی زیر مد نظر قرار گرفت:
- ✱ اصلاح ترکیب و ساختار واردات در راستای تحقق اهداف برنامه
 - ✱ تأمین به موقع نیاز های وارداتی کشور در راستای اهداف برنامه
 - ✱ بهبود رابطه مبادله تجارت خارجی کشور
 - ✱ تلاش در جهت ایجاد توازن مطلوب تر در تراز بازرگانی خارجی کشور
 - ✱ اصلاح مقررات عمومی صادرات و واردات و بهبود روش های کنترل و اجرا
- خط مشی های حصول به این اهداف در قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را می توان به دو بخش تقسیم نمود: بخش اول خط مشی های مربوط به اهداف صادراتی و بخش دوم خط مشی های مربوط به اهداف وارداتی. خط مشی های صادراتی مندرج در متن برنامه اول شامل موارد ذیل می باشد:
- ❖ حرکت در جهت به کارگیری عواید حاصل از صادرات نفت و دیگر کانی ها در سرمایه گذاری، انتقال تکنولوژی و ارتقای علمی و فنی کشور
 - ❖ افزایش صادرات بخش صنایع؛ معادن و کشاورزی از طریق استفاده حداکثر از ظرفیت های موجود و انجام سرمایه گذاری تکمیلی
 - ❖ رشد تولیدات سرمایه ای و واسطه ای اقتصاد و توسعه تحقیقات و تکنولوژی در جهت جایگزینی واردات با اولویت استفاده حداکثر از ظرفیت های موجود
 - ❖ برداشتن کلیه موانع و ایجاد همه گونه تسهیلات برای توسعه صادرات کالاهای صنعتی براساس مزیت های کشور، ازجمله ایجاد مناطق صنعتی آزاد جهت استقرار صنایع تولیدکننده محصولات صادراتی و جذب سرمایه در این صنایع
 - ❖ تجدید نظر در روش قیمت گذاری محصولات تولیدی، صادراتی و وارداتی به نحوی که از تولید و صادرات حمایت گردد.

همچنین در این برنامه تدابیر دیگری نیز برای تشویق صادرات پیش بینی شده بود که از جمله تدابیر مذکور می-توان موارد زیر را برشمرد:

- ❖ ایجاد امکانات و تسهیلات صادراتی، اعم از گمرکی، بانک، دفتر استاندارد و موارد دیگر در استانهای مرزی
- ❖ ایجاد صندوق ضمانتی که وابسته به مرکز توسعه صادرات باشد.
- ❖ ایجاد چهار پایانه جدید صادراتی در مبادی خروجی کالا (مهرآباد، جنوب تهران، بازرگان و بندرعباس)
- ❖ تسهیلات مالی ارزان با نرخ کارمزد پایین به تولیدکنندگان جهت تهیه، تولید و صدور کالاهای صادراتی

❖ درصد معینی از تولیدات کالاهای غیر ضروری صنعتی که ارز حاصل از صدور آن بیشتر از هزینه های ارزی مستقیم و غیر مستقیم برای تولید آنهاست با توجه به ضوابط برای صادرات اختصاص خواهد یافت ولو آن که تولیدات در داخل قابل مصرف باشد.

همچنین در تبصره ۱۸ قانون برنامه اول مقرر گردید که «به منظور توسعه و تشویق صادرات کالاهای ساخته شده داخلی، ورود مواد اولیه، قطعات و تجهیزات و اقلام لوکس مورد نیاز برای تولید کالاهای صادراتی، از مقررات مربوط به اخذ عدم ساخت و همچنین از بررسی قیمت توسط مراکز تهیه و توزیع ذی ربط معاف خواهند بود. در تبصره ۱۹ نیز به دولت اجازه داده شد که حداکثر در سه نقطه از نقاط مرزی کشور، مناطق آزاد تجاری- صنعتی تأسیس نماید. در تبصره ۲۹ بند «ب» نیز دولت مکلف گردید که به عنوان تنخواه گردان صادرات تسهیلات ارزی لازم برای تشویق و حمایت صادرات کالاهای غیر نفتی و منحصرأً برای واردات مواد اولیه و کمکی و قطعات و لوازم بسته بندی و سایر وسایل و لوازم جهت تولید و صدور کالاهای غیر نفتی و همچنین صدور ضمانت نامه های صادراتی و خدمات فنی خارج از کشور پس از دریافت تضمین مبنی بر برگشت ارز اعطایی متناسب با اهداف صادراتی برنامه، در اختیار صادرکنندگان قرار دهد.

اهداف و خط مشی های برنامه اول در خصوص تشویق صادرات عبارت بودند از:

- با توجه به نقش حیاتی توسعه صادرات غیر نفتی در ایجاد منابع جدید ارزی ضروری است جهت حفظ و ایجاد ثبات بیشتر در بهبود روند توسعه صادرات غیر نفتی سیاست ها و مقررات لازم در جهت تضمین سود متناسب صادرکنندگان اتخاذ گردد. تا از این طریق امکان ایجاد رقابت در بازارهای بین المللی برای کالاهای داخلی وجود داشته باشد. دولت برای صادرات کالاهای کشاورزی از قبیل اطلاعات مربوط به بازرگانی، اطلاعات فنی و ارائه اعتبار را برای کشاورزان فراهم خواهد ساخت.
- برای جلوگیری از قاچاق کالا در نقاط مرزی طبق ضوابط و مقررات به هموطنان مرزنشین اجازه صادرات و واردات کالاهای مجاز از طریق مناطق مرزی به خصوص مناطق جنوبی و شرقی کشور فراهم خواهد شد.
- شرکت های بیمه دولتی به منظور کمک به رشد صادرات غیر نفتی، کلبه کالاهای صادراتی را با شرایط آسان در مقابل خطرات احتمالی حمل و نقل، سرقت، مفقود شدن و غیره، بیمه خواهند کرد.

در خصوص واردات نیز خط مشی ها و سیاست هایی در برنامه اول لحاظ گردید که می توان فهرست وار به موارد زیر اشاره نمود:

- ✻ در بازرگانی خارجی جهت حمایت از تولیدات صنایع داخلی به خصوص صنایع ماشین سازی و واسطه ای و برای تسریع در ایجاد یک ساخت صنعتی غیر وابسته ضمن جلوگیری تدریجی از ورود کالاهای صنعتی مصرفی به کشور هم زمان با رشد صنایع مادر و بنیادی بخشودگی های حقوق گمرکی و سود بازرگانی کالاهای واسطه ای و سرمایه ای در طول برنامه به تدریج لغو می گردد. لغو بخشودگی ها شامل کالاهای واسطه ای مربوط به کشاورزی و تکنولوژی پیچیده که در افق برنامه اول قابل دسترسی نیستند، نخواهند بود. وضع سود بازرگانی در صورت لزوم اعمال محدودیت های وارداتی بر کالاهای واسطه ای و توسعه صنایع واسطه ای و ماشین سازی مورد حمایت قرار خواهد گرفت.

✱ واردات کالاهای دارای مصرف زیاد و استراتژیک توسط مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی به طور انحصاری انجام گیرد.

✱ شرایط و ضوابط مشارکت بخش غیر دولتی در امر واردات کالا با توجه به عدم واگذاری حق انحصار به فرد یا اشخاص حقیقی یا اشخاص حقیقی خاص، معین گردد.

✱ واحد های تولیدی خودشان این امکان را بیابند که رأساً اقدام به ورود کالا بنمایند.

✱ به منظور حذف واسطه‌های غیر ضروری، نیازهای وارداتی مستقیماً از کشورهای تولیدکننده تأمین شود.

✱ در جهت حمایت از محصولات کشاورزی و تولیدات صنعتی داخلی کالاهای وارداتی، به نحوی قیمت گذاری می شوند که ضمن حفظ استانداردهای مورد نظر در کیفیت کالاها، در مواردی که قیمت کالاهای وارداتی کمتر از قیمت تولیدات داخلی باشد مابه‌التفاوت قیمت های داخلی و قیمت های وارداتی دریافت گردد.

چنانچه ملاحظه می‌شود اهداف و خط مشی‌های تجاری برنامه اول حاکی از آن است که استراتژی تجاری ناظر بر این برنامه تلفیقی نامعین از جایگزینی واردات و توسعه صادرات است که در مورد جایگزینی واردات اساساً به حمایت متزلزل از تولیدات داخلی محدود می‌گردد. در مورد توسعه صادرات، برنامه هدف های غیر واقع بینانه ای را برای صادرات غیر نفتی پیش بینی کرد. (جهت ایجاد تنوع در منابع ارزی کشور حجم صادرات غیرنفتی در طی برنامه افزایش خواهد یافت. حجم صادرات غیرنفتی در طی پنج سال برنامه معادل ۱۷۸۳۶ میلیون دلار خواهد بود. (متوسلی، ۱۳۷۹)

بررسی سیاستهای تجاری برنامه اول نشان می دهد که در سال ۱۳۶۸، سیاست تجاری کشور با تغییرات عمده‌ای همراه بود. از اواسط این سال به منظور راه اندازی و استفاده از ظرفیت خالی واحدهای تولیدی، طرح جدید ارزی به صورت فروش ارز به نرخ ترجیحی (رقابتی جهت واردات مواد اولیه وقطعات یدکی واحدهای تولیدی) به اجرا درآمد. در ضمن مقرر گردید که استفاده‌کنندگان از ارز رقابتی بتوانند فقط با پرداخت معادل ریالی ۲۵ درصد ارز مورد نیاز با دریافت تسهیلات اعتباری به میزان ۷۵ درصد نسبت به واردات اقدام نمایند. به علاوه نرخ فروش ارز ترجیحی رقابتی که ابتدای شروع طرح هر دلار معادل ۱۰۰۰ ریال اعلام گردیده بود، بعد از چند روز به هر دلار ۹۷۵ ریال تقلیل یافت و سپس نرخ مذکور معادل ۸۰۰ ریال به ازای هر دلار تثبیت گردید (متوسلی، ۱۳۷۹).

در این سال در ادامه سیاست واردات کالا بدون انتقال ارز و حرکت در جهت آزادسازی تجارت خارجی، ورود اقلام دیگری از کالا، به صورت بدون انتقال ارز و انتقال ارز آزاد اعلام گردید. به علاوه مقرر شد که واردات کالاهای بدون انتقال ارز برای مبالغ بیشتر از ۱۰ هزار دلار از طریق سیستم بانکی کشور به صورت گشایش اعتبار اسنادی یا بروات وصولی انجام گیرد و بانک ها نیز به اعطای اعتبار به میزان ۳۵ درصد وجه امتیاز به واردکنندگان این گونه کالاها مجاز گردیدند.

همچنین در این سال جهت تشویق و توسعه صادرات غیر نفتی کشور، تسهیلات بیشتری برای صادرکنندگان کالاهای مذکور در نظر گرفته شد به طوری که به تعداد کالاهای مشمول فهرست واردات در مقابل صادرات افزوده شد. بعلاوه، با ایجاد صندوق پشتیبانی ارزی صادرات، امکان حمایت بیشتر از صادرکنندگان فراهم گردید. اقدام دیگر آن بود که با حذف و تخفیف پیمان ارزی در مورد بسیاری از اقلام صنایع دستی و مواد معدنی زمینه‌های

تشویق بیشتر در امر صادرات غیر نفتی فراهم شد ولی از آنجایی که غالب این سیاست‌ها در ماه‌های پایانی سال مورد گزارش به مورد اجرا گذارده شده بود، اثر چندانی در افزایش صادرات در این سال نداشت.

سال ۱۳۶۹ با ادامه سیاست گذاری‌هایی که از تسهیل شرایط واردات بدون انتقال ارز اتخاذ شده بود، از اواخر خرداد ماه طرح فروش ارز جهت واردات کالاهای مذکور از طریق سیستم بانکی به مورد اجرا گذارده شد. نرخ خرید و فروش مورد عمل در این زمینه نرخ نزدیک نرخ بازار آزاد ارز بود که همه روزه توسط بانک مرکزی اعلام می‌گردید. با این اقدام برای واردکنندگان کالاهای مشمول لیست بدون انتقال ارز این امکان فراهم شد که بتوانند ارز مورد نیاز خود را صرفاً به منظور گشایش اعتبار اسنادی از بانک‌های کشور خریداری نمایند. بدیهی است با اعلام و هدایت تقاضاهای موجود به سمت سیستم بانکی، موجبات تسهیل واردات این گونه کالاها نیز فراهم گردید. از ابتدای بهمن ماه همین سال، بانک مرکزی با معرفی ارز شناور، لیست کالاهای واردات بدون انتقال ارز را نیز مشمول نرخ ارز شناور نمود. همچنین در تاریخ مذکور به منظور کاهش هزینه‌های تولید واحدهای تولیدی که از ارز رقابتی استفاده می نمودند نرخ ارز رقابتی از هر دلار معادل ۸۰۰ ریال به ۶۰۰ ریال تنزیل داده شد.

در مورد تشویق صادرات از اوایل بهمن ماه سال مذکور حد مجاز اعتبار صادراتی لغو شد و مفهوم پیمان ارزی با هدف تسهیل شرایط پیمان‌سپاری تغییر یافت و عملاً پیمان ارزی به عنوان گواهی صدور، پایه اطلاعات و میزان ارزی باید به کشور برگردانده شود، مفهوم پیدا نمود. همچنین مدت زمان لازم برای بازگرداندن ارز حاصل از صادرات برای فروش، از ۱۴ ماه به ۱۲ ماه و برای بقیه کالاهای صادراتی از ۸ ماه به ۶ ماه تقلیل یافت. بانک مرکزی از این تاریخ با معرفی نرخ شناور ارز اعلام نمود که ارز حاصل از صادرات را به نرخ مذکور از صادرکنندگان خریداری خواهد نمود که این امر گام بسیار مهمی در جهت تشویق و توسعه صادرات غیر نفتی به شمار می آید. همچنین در شهریور ماه سال ۱۳۶۹، در جهت گسترش کالاهای قابل ورود با ارز صادراتی و تسهیل ضوابط انتقال واریزنامه و ارز های صادراتی به مورد اجرا گذارده شده، به موجب این تصمیمات به کلیه صادرکنندگان و تولیدکنندگان اعم از دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد که مواد اولیه، قطعات و اجزای لازم برای تولید کالاهای مورد نیاز کشور یا کالاهای صادراتی و نیز ماشین آلات و تجهیزات مربوط به تکمیل بازسازی و توسعه کارگاه تولیدی خود، برای صادرات را در قبال ارز حاصل از صادرات وارد نمایند.

در سال ۱۳۷۰ سیاست بازرگانی خارجی ایران بر پایه گسترش زمینه های تجارتی خارجی و با تأکید بیشتر بر بهره گیری از مزیت های نسبی کشور قرار داشت. از اوایل فروردین ماه سال ۱۳۷۰ فهرست مفصلی از اقلام وارداتی که ورود آنها نیازی به دریافت گواهی عدم ساخت از طرف وزارت صنایع را نداشت اعلام گردید و همچنین اعلام شد که ورود و ترخیص کلیه کالاهای تحت پوشش وزارت صنایع سنگین که با استفاده از ارز رقابتی یا ارز حاصل از صادرات یا از طریق واریزنامه به کشور وارد می گردد نیز تا پایان سال مذکور نیازی به دریافت مجوز نداشته باشد.

در این سال سیاست تسهیل شرایط واردات بدون انتقال ارز که با فروش ارز با نرخ شناور برای این گونه کالاها و باهدف محدود کردن بازار آزاد ارز و هدایت تقاضاهای موجود به سیستم بانکی، آغاز شده بود همچنان ادامه یافت و بانک مرکزی در شهریور ماه سال مذکور فروش ارز به نرخ شناور توسط شعب ارزی بانک های کشور برای کالاهایی که تحت عنوان بدون انتقال ارز و از تاریخ ۱۳۷۰/۶/۱۱ به گمرکات کشور وارد شده یا می شوند را تحت ضوابط خاصی بلامانع اعلام نمود. از اوایل آبان ماه ۱۳۷۰ در تعقیب سیاست‌های متخذه در مورد معاملات ارز با

نرخ شناور و قابل تبدیل نمودن ریال به ارزهای خارجی، بانک مرکزی دستورالعمل واردات کالا با نرخ شناور و همچنین با ریال را ابلاغ نمود. در این رابطه الزام دریافت ۶۵ درصد مبلغ ثبت سفارش به ارز، در هنگام ثبت سفارش حذف شد و بانک ها مجاز گردیدند که با رعایت مجوزهای مربوط و تمهیدات لازم و با مسئولیت خود، بین صفر تا ۱۰۰ درصد مبلغ ثبت سفارش را در ابتدای امر به صورت ریال دریافت نمایند.

سیاست‌های مبتنی بر خرید ارز حاصل از صادرات به نرخ شناور و سیاست‌های تکمیلی در مورد گسترش صادرات باعث گردید که صادرات غیر نفتی در سال ۱۳۷۰ به رقم ۲/۶ میلیارد دلار بالغ گردد. در این سال علی رغم رشد سریع واردات بر سهم صادرات غیر نفتی در کل مبادلات غیر نفتی کشور افزوده شد و سهم مذکور از ۷/۸ درصد در سال ۱۳۶۹ به ۹/۵ درصد در سال ۱۳۷۰ رسید.

از اوایل سال ۱۳۷۱، در راستای سیاست‌های تشویق و توسعه صادرات غیر نفتی و به منظور برقراری تعادل در بازرگانی خارجی، سیاست واردات کالا در مقابل صادرات کالا مورد توجه بیشتری قرار گرفت. در این رابطه وزارت بازرگانی طی بخشنامه‌ای مصوبه هیئت وزیران را مبنی بر ورود تعدادی از کالاها با ارز حاصل از صادرات اعلام نمود. در این سال ورود ۲۷ قلم کالای دیگر به صورت بدون انتقال ارز که شامل کالاهای وارداتی توسط برخی از مراکز تهیه و توزیع بازرگانی نخواهد داشت.

بر اساس بخش‌نامه دیگری ثبت سفارش و گشایش اعتبار برای واردات کالا با ارز شناور جهت کلیه واردکنندگان و همچنین تمدید سررسید آنها با پرداخت حداقل ۲۰ درصد معادل ریالی وجه توسط متقاضیان امکان پذیر گردید و ۸۰ درصد بقیه نیز با تشخیص و مسئولیت بانک و متناسب با اعتبار مشتری و وثیقه لازم قابل پرداخت اعلام شد. در این سال سهم صادرات کالاها غیر نفتی در کل مبادلات گمرکی غیرنفتی افزایش یافت و از حدود ۹/۴ درصد در سال ۱۳۷۰ به بیش از ۱۱ درصد در سال ۱۳۷۱ رسید.

در سال ۱۳۷۲ به دنبال یکسان‌سازی نرخ ارز و تأثیر آن در ایجاد محدودیت برای واردات، تسهیلات بیشتری در امر واردات کالا و خدمات و فراهم نمودن امکانات برای پرداخت‌های فوری و نقدی جهت موارد ضروری از سوی بانک مرکزی فراهم شد. حق ثبت سفارش کالاهای وارداتی، به ازای هر دلار برای کالاهای اساسی ۵ ریال و در مورد سایر کالا ۲۰ ریال، حق ثبت سفارش تعیین گردید. همچنین جهت کاهش هزینه واردات اعلام گردید که از گشایش اعتبارات اسنادی با قبول بروات اسنادی برای واردات کالاهای ساخت کشورهای عضو اتحادیه پایانه آسیایی از طریق سایر کشورها خودداری نمایند. سایر مقررات اعمال شده در سال ۱۳۷۲ در جهت محدودیت واردات به قرار زیر بوده است:

✻ اعلام گردید که واحد های تولیدی منحصراً جهت تأمین مواد اولیه و قطعات یدکی مورد نیاز خود و با رعایت شرایط و ضوابط لازم مجاز به واردات بدون انتقال ارز می باشند و برای این منظور تأیید وزارتخانه ذی ربط و انجام ثبت سفارش در وزارت بازرگانی ضروری است.

✻ مقرر گردید تا واردات کلیه کالاهای تجاری و خدماتی به داخل کشور از تاریخ ۱۳۷۲/۸/۸ به صورت بدون انتقال ارز یا از طریق گشایش اعتبار یا بروات وصولی مستلزم ثبت سفارش نزد وزارت بازرگانی باشد.

✱ بر اساس تصمیمات کمیته تنظیم بازار ارز میزان مجاز ورود کالا از مناطق آزاد تجاری کیش، قشم و چابهار که از تاریخ ۱۳۷۲/۵/۱۵ به ترتیب معادل ۷۰۰ و ۲۰۰ دلار تعیین شده بود، از تاریخ ۱۳۷۲/۹/۷ به ۲۰۰ و ۸۰ دلار محدود گردید.

در خصوص تشویق صادرات نیز در سال ۱۳۷۲ اقدامات زیر انجام شد:

✱ به کلیه صادرکنندگان، تولیدکنندگان و واردکنندگان، اعم از بخش دولتی، تعاونی یا خصوصی اجازه داده شد تا مواد اولیه، قطعات و اجزای لازم برای تولید کلیه کالاهای مورد نیاز کشور یا کالاهای صادراتی و همچنین ماشین آلات و تجهیزات مربوط به تکمیل، بازسازی و توسعه کارگاه خود برای امر صادرات را با تأیید وزارتخانه ذی ربط وارد کنند.

✱ از مرداد ۱۳۷۲ به بانک اجازه داده شد که در مقابل اسناد گمرکی حاکی از صدور کالا و گشایش اعتبار اسنادی یوزانس، متناسب با حسن اعتبار مشتری تسهیلات ریالی با نرخ ترجیحی در بخش صادراتی به صادرکنندگان اعطا گردد.

✱ اخذ مجوز وزارت کشاورزی، بازرگانی و جهاد سازندگی جهت صدور برخی کالاهای کشاورزی و محصولات فرعی، جنگل‌ها و مرتع حذف گردید و اعلام گردید جهت صدور کلیه محصولات فلزی نیاز به ارائه تأیید از سوی سازمان حمایت از مصرف کنندگان و تولیدکنندگان نیست.

در سال ۱۳۷۳ به منظور کنترل هرچه بیشتر واردات به ویژه واردات کالاهای غیر ضروری و مصرفی، پرداخت ودیعه ثبت سفارش توسط واردکنندگان به عنوان یکی از مراحل ثبت سفارش اعلام شد. همچنین به منظور کنترل تقاضای واردکنندگان کالا در این سال، واردات بدون انتقال ارز ممنوع اعلام شد و مقرر شد که هرگونه نقل و انتقالات مالی مربوط به واردات و صادرات کالا صرفاً از طریق شبکه بانکی صورت گیرد. به همین جهت علاوه بر نرخ ارز رسمی، نرخ دیگری برای واردات در مقابل صادرات با احتساب ۵۰ ریال کمتر از نرخ بازار آزاد، روزانه از سوی بانک مرکزی تعیین و اعلام شد و کلیه واردکنندگان مجاز به استفاده از آن برای واردات مواد اولیه و قطعات بدکی مورد نیاز واحدهای تولیدی شدند. در اوایل خرداد ماه همین سال عملیات ارزی خارج از سیستم بانکی قاچاق اعلام شد. به منظور تنظیم جریان معاملات خارجی کشور مقرر شد از تاریخ ۷ خرداد سال ۱۳۷۳، کلیه واردات کالا منحصراً از طریق نظام بانکی کشور انجام شود. براین اساس، انواع واردات در مقابل صادرات در صورتی مجاز اعلام شد که ابتدا ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی کشور معرفی و سپس در محل واردات انجام شود. همچنین واگذاری حق استفاده از مجوز واردات در مقابل صادرات نیز پس از معرفی ارز حاصل از صادرات به شبکه بانکی کشور میسر شد. به علاوه اعلام گردید که صادرکنندگان مجاز به واگذاری، ارز حاصل از صادرات خود را که دارای منشأ خارجی است باید به حساب خود نزد بانک واریز نمایند و چنانچه تمایل به استفاده از ارز صادراتی برای واردات کالا نداشته باشند می‌توانند در حساب ارزی خود نگه داری نمایند یا آن را به نرخ روز به بانک واگذار کنند و یا در بازار آزاد به فروش رسانند. در صورت سپرده‌گذاری بانک موظف شد برای حساب ارزی صادرکننده، سودی برابر یک درصد بیش از نرخ بهره بین بانکی لندن برای همان ارز در مدت مشابه بپردازد. در تصمیم دیگری بانک مرکزی اعلام کرد چنانچه صادرکنندگان با استفاده از ارز حاصل از صادرات خود اقدام به واردات نمایند ملزم به تکمیل تعهدنامه ارز صادراتی خواهند بود ولی اخذ تعهد ارائه پروانه سبز گمرکی ضرورتی

نداشته و از پرداخت ودیعه ثبت سفارش نیز معاف خواهد بود. در مورد تشویق صادرات در سال ۱۳۷۳، اخذ پیمان ارزی بابت صدور کالاهای غیر نفتی لغو شد و صندوق تضمین صادرات کشور فعال شد. به علاوه اعلام گردید که اخذ تمهیدنامه ارزی از صادرکنندگان کالا به کشورهای آسیا میانه ضرورتی نداشته و صادرکنندگان در صورت دریافت ارز با منشأ خارجی می توانند در ازای اظهارنامه صادراتی کالا به واردات کالا توسط خود یا انتقال به دیگران یا فروش به بانک مبادرات ورزند. صادرکنندگان کالا به کشورهای عضو اتحادیه پایاپای آسیایی نیز می توانند معادل صددرصد ارز حاصل از صدور کالا را برای واردات از کشورهای مزبور یا سایر کشورها استفاده نمایند یا به بانک بفروشند. در ماههای پایانی سال ۱۳۷۳، صادرات هر نوع مواد اولیه و کالاهای مشمول طرح تنظیم بازار مانند محصولات فولادی، مس، آلومینیم و محصولات پتروشیمی ممنوع گردید. مجوز صادرات جهت صدور تولیدات مازاد بر نیاز داخل نیز پس از اشیاع بازار، توسط وزارت بازرگانی صادر خواهد شد. به علاوه موافقت کلی وزارت بازرگانی با صدور مجدد کالاهای وارد شده به صورت بدون انتقال ارز لغو و صدور آنها با مجوز وزارتخانه مذکور امکان پذیر شد.

همان طور که ملاحظه می گردد تغییرات پیاپی سیاستهای تجاری که بیشتر ناشی از شرایط موجود بدون توجه به اهمیت و نقش تجارت در اقتصاد اخذ شده که یکی از موانع موجود نظام فعلی تعرفه کشور است. اقدامات فوق سبب گردید که در برنامه اول توسعه، واردات کالا به کشور به دنبال توقف جنگ تحمیلی و با توجه به لزوم بازسازی اقتصاد کشور و استفاده از ظرفیت های خالی کارخانجات و به منظور کاهش کمبودهای مختلف در عرصه های گوناگون کالاهای سرمایه ای، واسطه ای و مصرفی افزایش یافت. در این برنامه به دلیل اتخاذ سیاست هایی در جهت اجرای برنامه های تعدیل اقتصادی و اصلاحات ساختاری نظیر معرفی نرخ های ارز رقابتی، شناور و آزادسازی در مقررات ارزی و بازرگانی خارجی، ارزش سیف واردات کالا به کشور به ۹۶ میلیارد دلار رسید^۱ و مجموع واردات کالاهای اساسی بیش از ۱۱/۳ میلیارد دلار بود. در برنامه اول توسعه، صادرات غیرنفتی کشور ۱۷/۸۳۶ میلیارد دلار پیش بینی شده بود که عملاً از ۱۱/۷۴ میلیارد دلار تجاوز نکرد. در این دوره صادرات غیرنفتی با رشد متوسط سالانه معادل ۲۹/۳ درصد از ۱/۰۳۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۶۷ به ۳/۷۴۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲ رسید^۲ (حسینی، ۱۳۸۳). در این میان، صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی که بیش از ۷۰ درصد از کل صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داده است و از ۷۷۰ میلیون دلار در سال ۱۳۶۷ به ۲/۵۱۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۲ بالغ گردیده است، به طور متوسط سالانه حدود ۲۶/۷ درصد رشد داشته است. در برنامه اول توسعه میانگین

۱- عواملی مانند اجرای سیاست یکسان سازی نرخ ارز، کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی و اعمال فشار از جانب بازارهای مالی بر وضعیت اقتصادی کشور به خصوص در سال های پایانی برنامه، همچنین اتخاذ سیاست هایی که به منظور کاهش فشار تقاضا به بازار آزاد ارز صورت گرفت، از دلایل فاصله و عدم تحقق پیش بینی حجم واردات محسوب می شوند.

۲- طی برنامه اول توسعه، سیاست های صادراتی مختلف به منظور نیل به تعادل اقتصادی و تخصیص بهینه منابع ارزی و در جهت رشد و توسعه صادرات غیرنفتی به اجرا درآمد. از جمله تسهیل در شرایط پیمان سازی، معرفی نرخ شناور ارز برای خرید ارز حاصل از صادرات غیرنفتی، فروش ارز توسط سیستم بانکی به صادرکنندگان و خرید واریز پیمان آنها، ارائه تسهیلات ریالی و ارزی به صادرکنندگان و خرید اعتبارات اسنادی صادراتی توسط بانکها، نقش مهمی در تحرک بیشتر فعالیت های صادراتی داشته است. طی برنامه اول معادل ۶۶ درصد از اهداف کمی برنامه در مورد ارزش صادرات غیرنفتی تحقق یافت. این امر ناشی از عدم تحقق پیش بینی برنامه در مورد صادرات صنعتی و معدنی به خصوص در سالهای ۱۳۷۱ و ۱۳۷۲ بود.

صادرات کل، غیرنفتی و کشاورزی به ترتیب ۳۴/۶۳، ۲/۱۷ و ۰/۵۹ میلیارد دلار، در مقابل میانگین واردات کل و کشاورزی به ترتیب ۲۲/۲۲ و ۳/۰۱ میلیارد دلار بوده و در نتیجه میانگین کسری تجاری کل کشور به شدت افزایش یافته (۴/۵۹ میلیارد دلار)، حال آنکه میانگین کسری تجاری کشاورزی به طور معنی داری کاهش یافته است (۰/۶۶ میلیارد دلار).

۳-۲- استراتژی تجاری برنامه دوم توسعه اقتصادی (۷۴-۱۳۷۸)

در قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور (۱۳۷۴-۱۳۷۸) به عنوان یکی از اهداف کیفی برنامه تلاش در جهت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمد های حاصل از نفت و توسعه بیش از پیش صادرات غیر نفتی مطرح گردید که در راستای تحقق این هدف، خط مشی هایی ارائه شده است که نشان دهنده گرایش برنامه به سمت استراتژی توسعه پروم گرا است. تعدادی از خط مشی های مذکور عبارتند از:

- ✱ تعیین حدود و میزان فعالیت های هر یک از بخش های دولتی، تعاونی و خصوصی در صادرات
- ✱ اصلاح قانون صادرات و واردات و اتخاذ سیاست های ارزی و تعرفه ای مناسب برای ثبات سیاستها و تشویق صادرات

- ✱ حمایت از سرمایه گذاری در جهت افزایش ارزش افزوده صنایع تبدیلی کشاورزی و معدنی و صنعتی و حمایت از صادرکنندگان با فراهم نمودن تسهیلات و ارائه خدمات و اطلاعات مورد نیاز

- ✱ تقویت بانک توسعه صادرات در جهت کمک به صادرکنندگان

- ✱ اتخاذ سیاست های اعتباری و مالیاتی مناسب جهت صادرات

- ✱ نظارت و ارزیابی مستمر بر امور صادرات غیر نفتی

- ✱ اختصاص سهمی از تولیدات به صادرات

- ✱ استفاده از مواد اولیه مرغوب در کالاهای صادراتی

- ✱ استفاده از بسته بندی های مطلوب برای صادرات

- ✱ انطباق استانداردها با سلیقه کشورهای واردکننده

- ✱ مبارزه با صادرات قاچاق از طریق کنترل مبادی ورودی و خروجی و مرزها

- ✱ توسعه مبادلات تهارتی غیر نفتی

- ✱ تشکیل و تقویت اتحادیه ها و تعاونی های صادراتی

- ✱ استفاده مؤثر از مناطق آزاد تجاری برای توسعه صادرات و صادرات مجدد

- ✱ منسجم نمودن تشکیلات موجود در امور صادرات

- ✱ فعال کردن دفاتر نمایندگی های خارج از کشور و سفارتخانه های جمهوری اسلامی ایران برای صادرات

- ✱ استفاده از وسایل ارتباط جمعی کشورهای خارجی برای بازاریابی و تبلیغات

- ✱ بازبینی شرح وظایف سازمان های مرتبط با صادرات و حذف اقدامات موازی و کاهش بورکراسی دست و پاگیر

✱ فعال کردن اشخاص حقیقی و حقوقی در امر تجارت خارجی تحت نظارت دولت در محدوده قانون صادرات و واردات و جلوگیری از ایجاد انحصار در امر واردات

✱ ایجاد تسهیلات لازم برای صدور ضمانت نامه های ارزی جهت شرکت های داخلی که در مناقصه های داخلی برنده می گردند

✱ ایجاد تسهیلات لازم جهت خروج موقت ماشین آلات و سایر تجهیزات و لوازمی که برای انجام پروژه های عمرانی توسط پیمان کاران داخلی در کشورهای خارجی مورد نیاز است

✱ برقراری مشوق های صادراتی در صورت لزوم

✱ عودت حقوق و عوارض گمرکی صادراتی

✱ تقویت صندوق ضمانت صادرات و ایجاد سیستم بیمه صادراتی

✱ کمک به بازاریابی برای کالاهای تولید داخلی از طریق برگزاری نمایشگاه، بازار، بورس، کالاهای صادراتی

✱ اعمال پشتیبانی های سیاسی و دیپلماتیک

✱ تدوین مقرراتی که براساس آن صادرکنندگان بتوانند کالاهای صادراتی خود را با برچسب و عنوان خود یا برچسب و علائم درخواستی خریدار صادر نموده و از خدشه دار شدن اعتبار کالاهای صادراتی جلوگیری نمایند

✱ بازنگری در تشکیلات بازرگانی کشور و تشکیل شورای عالی صادرات به منظور ارائه پیشنهاد های لازم جهت هماهنگی، تشویق و توسعه صادرات و تمرکز امور بازرگانی در نمایندگی های سیاسی خارج از کشور

✱ شناسایی بازارهای جدید (کالایی - مکانی) برای توسعه صادرات کنونی و تبدیل پتانسیل های بالقوه به عملکرد بالفعل در این بازارها (متوسلی، ۱۳۷۹)

چنانچه در متن قانون آمده است، بیشتر خط مشی های مطرح شده مرتبط با صادرات است و درخصوص واردات تنها مقرر گردید که از تبلیغ گمراه کننده در مورد کالاهای وارداتی جلوگیری شود. بعلاوه، واردکنندگان کالا را به ارائه خدمات پس از فروش (در مورد کالاهای با دوام) و آموزش و انتقال تکنولوژی ملزم شوند. البته در بخش دیگری از قانون برنامه دوم که تحت عنوان سیاست های کلی بخش تجاری آورده شده است که خط مشی هایی به شرح زیر جهت اصلاح نظام تجارت خارجی کشور مطرح گردیده است:

✱ نظام ارزی کشور به صورت نظام شناور مدیریت شده خواهد بود و در آن به موارد زیر توجه خواهد شد:

○ یکسان بودن نرخ ارز

○ قابلیت تبدیل پول رایج کشور به اسعار خارجی بر اساس نرخ شناور

✱ روش های دست و پاگیر گمرکی و مراحل اداری غیر ضروری حذف و مراحل ترخیص کالا جهت صادرات و واردات حتی الامکان ساده خواهد شد. بر این اساس تنها محدودیت های گمرکی که جنبه کنترل کیفی و قرنطینه ای (نظیر کنترل کیفی داروهای درمانی و بهداشتی یا بذر و نهال کشاورزی یا قرنطینه دام در هنگام ورود کالا به کشور)

دارد، باقی خواهد ماند و کنترل‌های مربوط به نوع کالا محدود به کالاهای ممنوعه از جنبه های شرعی و قانونی خواهد گردید.

✱ به کارگیری روش‌های مرسوم تجارت جهت تنظیم روابط بازرگانی خارجی به منظور گرفتن امتیازات خاص و مقابله با محدودیت‌هایی که سایر کشورها اعمال می‌نمایند.

✱ تسهیل در شرایط ورود و خروج به حرفه تجارت برای افراد علاقه مند و جلوگیری از انحصار

✱ تعرفه‌های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی بروز مزیت‌های نسبی برای گروه‌های کالا تدوین شود به نحوی که درک آنها برای صادرکننده، واردکننده و مامور گمرک ساده باشد. این حمایت‌ها روندی منطقی و متناسب با شرایط جهانی خواهد داشت تا براساس روند تغییرات تعرفه در سطح بین المللی امکان ایجاد شرایط رقابت بین‌المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید. در مورد تعرفه‌ها و روش‌های گمرکی موارد زیر مدنظر خواهد بود:

○ دریافت دولت ناشی از ورود و صدور کالا از قبیل: عوارض گمرکی، سود بازرگانی، حق الثبت سفارش و غیره به صورت یکجا و متمرکز صورت خواهد گرفت.

○ اعمال مقررات ضد دامپینگ از طریق برخورداری تعرفه ای یا غیر تعرفه ای با اقدامات نامطلوب تجاری کشور طرف مبادلات تجاری

○ حرکت در جهت حذف معافیت‌های خاص تعرفه‌ای و جایگزین نمودن اعتبارات لازم برای آن دسته از دستگاه‌های اجرایی که امکان تأمین هزینه‌های فوق‌الذکر را از محل عرضه کالاها و خدمات خود ندارند.

○ ایجاد زمینه‌های لازم برای گسترش روزافزون تبادل الکترونیکی اطلاعات براساس پیشرفت‌های حاصل شده در جهان

○ عضویت در سازمان‌ها و اتحادیه‌های بین‌المللی و منطقه‌ای به منظور کسب منافع بیشتر در امور تجاری با دنیای خارج

○ تلاش در جهت ایجاد توازن و هماهنگی بین روابط اقتصادی و روابط سیاسی کشور با دیگر کشورها و استفاده مطلوب از اهرم روابط اقتصادی در روابط سیاسی با کشورها

در بخش‌های دیگری از برنامه و در ذیل برخی از اهداف کیفی ارائه شده؛ خط‌مشی‌هایی مشاهده می‌شود که در ارتباط مستقیم با بخش تجارت خارجی کشور است. ازجمله این موارد می‌توان به خط‌مشی‌های زیر اشاره نمود:

✱ تأکید بر ساخت و تولید داخلی در کلیه زمینه‌ها و مشروط بودن هر نوع قرارداد با خارج به عدم امکان ساخت در داخل و به صورت مشارکت

✱ حمایت جدی از فعالیت‌های بخش خصوصی جهت گسترش صادرات غیر نفتی و ایجاد زمینه‌های لازم برای رابطه و حضور در کشورهای دیگر

✱ تلاش در جهت ایجاد توازن تجاری با کشورهای دیگر

در سال ۱۳۷۴ همچون سال‌های گذشته، به منظور کنترل هرچه بیشتر واردات به ویژه واردات کالاهای غیر ضروری و مصرفی، پرداخت حق ثبت سفارش توسط واردکنندگان به عنوان یکی از مراحل ثبت اعلام شد. براین اساس میزان حق ثبت سفارش کالاهای وارداتی به ازای هر دلار یا معادل آن در مورد سایر ارزها برای کالاهای

اساسی (گندم، گوشت قرمز، قند و شکر، برنج و روغن نباتی) و کاغذ معاف و درمورد سایر کالاها مبلغ ۴۵ ریال تعیین شد. به منظور تنظیم جریان معاملات خارجی کشور مقرر شد از تاریخ ۳۱ اردیبهشت ۱۳۷۴ کلیه واردات کالا منحصرأ از طریق شبکه بانکی انجام شود. براین اساس ارز خریداری شده توسط سیستم بانکی براساس اولویت نیازها برای مصارف مربوط به واردات کالا و خدمات تخصیص می یابد. در این رابطه صادرکنندگانی که ارز حاصل از صادرات تولیدات خود را به بانک فروخته اند، نیازهای تولیدی خود را با تأیید کمیته مذکور در اولویت قرار دهند. در این سال همچنین با توجه به گسترش روابط تجاری با جمهوری های مستقل مشترک المنافع و تسهیل تجارت با این کشورها مقرر گردید که صادرکنندگان کالا (به جز فرش دستباف و پسته) به کشورهای مذکور، در صورتی که با واریز ارز تعهد خود را تسویه نمایند، می توانند در قبال تعهدنامه ارزی، خود راسأ پس از ثبت سفارش در وزارت بازرگانی نسبت به ورود کالاهای قابل ورود در مقابل صادرات از همان مبادی با ارائه پروانه سبز گمرکی اقدام نمایند. لیکن تعهدنامه های ارزی مربوط به صدور فرش و پسته همچنان فقط در قبال فروش ارز به سیستم بانکی قابل تصفیه است. در این سال مقرر گردید تا کمیته تنظیم تعهدات ارزی کشور کلیه تعهدات بالقوه ارزی را جهت تأیید یا رد، توافق مجدد و همچنین زمانبندی مجدد پرداخت و حمل و کاهش قیمت های خرید و تعدیل بخشی از خریدها به ساخت داخلی با توجه به توان داخلی به گونه ای تنظیم نماید که تراز پرداخت ها همواره مثبت باشد.

گسترش صادرات غیرنفتی در مرداد ماه ۱۳۷۴، به کلیه واحدهای تولیدی صادراتی تحت پوشش وزارت صنایع اجازه داده شد تا ۵۰ درصد ارز حاصل از صادرات محصول خود را که به سیستم بانکی فروخته اند به تشخیص وزارت صنایع صرفأ جهت تأمین اقلام مورد نیاز واحدهای تولیدی خود، با رعایت سایر مقررات مربوطه، استفاده نمایند. همچنین صادرکنندگان کالا (به جز فرش دستباف و پسته) به جمهوری های مستقل مشترک المنافع نیز می توانند صددرصد ارز حاصل از صدور کالا را برای واردات از کشورهای مزبور استفاده نمایند.

ملاحظه می گردد گرچه در برنامه دوم توسعه مقرر گردیده بود که تعرفه های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی بر اساس مزیت های نسبی برای گروه های کالا و متناسب با شرایط جهانی به منظور ایجاد شرایط رقابت بین المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید، اما باز هم روند تغییرات نرخ تعرفه نشان از حاکمیت شرایط موجود بوده تا مزیت نسبی و رقابت.

مجموع اقدامات فوق در دوره برنامه دوم توسعه^۱، اعمال سیاست های مختلف اقتصادی که به منظور کنترل هر چه بیشتر واردات اتخاذ شده بود موجب گردید تا رشد واردات کشور در سطح پایین تری نسبت به رشد پیش بینی شده در برنامه قرار گیرد. در این دوره واردات کشور (موازنه پرداخت ها) سالانه به طور متوسط حدود ۱/۳ درصد افزایش یافت و از ۱۲/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱۳/۴ میلیارد دلار در سال پایانی برنامه رسید و ارزش کل

۱- در اولین سال از برنامه دوم توسعه (۱۳۷۳) به علت نوسانات شدید نرخ ارز در بازار آزاد و همچنین فاصله قابل توجهی که میان نرخ شناور و ارزش ارز در بازار آزاد ایجاد شده بود، سیاست های محدودکننده ارزی به مرحله اجرا درآمد و نرخ دلار صادراتی در سطح هر دلار معادل ۳۰۰۰ ریال تثبیت شد و به این ترتیب اجرای برنامه های تعدیل اقتصادی و اصلاحات ساختاری که از ابتدای برنامه اول آغاز شده بود، متوقف گردید.

واردات طی برنامه عملاً از ۶۹/۶ میلیارد دلار تجاوز نمود.^۱ در برنامه دوم ارزش کل صادرات غیرنفتی کشور معادل ۲۷/۵۲۷ میلیارد دلار پیش‌بینی گردیده بود که عملاً از ۱۶/۴۱۳ میلیارد دلار تجاوز نکرد. در این دوره صادرات غیرنفتی با کاهش متوسط سالانه ۴ درصد از ۴/۸۱۳ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ به ۳/۹۴۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ رسید.^۲ طی برنامه دوم توسعه ۹۵/۶ درصد از اهداف کمی برنامه دوم در صادرات غیرنفتی تحقق یافت.^۳ در پنج ساله برنامه، صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی ۹۴/۳ درصد از کل صادرات غیرنفتی را تشکیل داده که نسبت به سهم این گروه در صادرات غیرنفتی برنامه اول (۷۰ درصد) کاهش چشمگیری را نشان می‌دهد (حسینی، ۱۳۸۳).^۴

در پنج‌ساله برنامه دوم توسعه حجم تجارت خارجی کشور به ۱۶۲/۹ میلیارد دلار بالغ گردید که ۵۷ درصد آن به صادرات و بقیه به واردات اختصاص داشت. متوسط سالانه کل صادرات، صادرات غیرنفتی و کشاورزی در برنامه دوم توسعه به ترتیب ۱۸/۶۵۶، ۳/۱۲۲ و ۰/۸۳۴ میلیارد دلار بوده، حال آنکه متوسط ارزش کل واردات و واردات کشاورزی در همان دوره به ترتیب ۱۳/۷۲۶ و ۳/۱۱۲ میلیارد دلار بوده است. به این ترتیب کسری تجاری ۴/۵۹ میلیارد دلاری برنامه اول توسعه به مازاد تجاری ۴/۹۳ میلیارد دلار رسید و اما همچنان کسری تراز تجاری کشاورزی رو به افزایش بود به طوری که کسری تجاری در برنامه دوم توسعه به ۲/۲۷۸ میلیارد دلار رسید.^۵

۱- عواملی از جمله کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی و اعمال فشار از جانب بازارهای مالی بر اقتصاد کشور به خصوص در سال‌های پایانی برنامه و همچنین اعمال سیاست‌هایی که به منظور کاهش فشار تقاضا به بازار آزاد صورت می‌گرفت نیز از دلایل عدم تحقق پیش‌بینی واردات محسوب می‌شوند.

۲- در ابتدای برنامه دوم به منظور کنترل درآمدهای ارزی حاصل از صادرات غیرنفتی، سیاست‌های محدودکننده‌ای از جمله پیمان‌سپاری و الزام واریز صد درصد ارز مندرج در تمهیدنامه به بانک اتخاذ گردید که در طول برنامه تخفیف یافت. در این مورد در مردادماه ۱۳۷۶ کلیه صادرکنندگان مجاز شدند تا سهم مشخصی از ارز صادراتی را به صورت معامله واریزنامه در بورس، به اشخاص ثالث منتقل کنند. در سال پایانی برنامه، کل ارز صادراتی مجاز به معامله در بورس شد و نرخ واریزنامه بر اساس عرضه و تقاضا تعیین گردید. همچنین در سال ۱۳۷۸ صادرکنندگان صنایع دستی (به استثنای فرش) از پیمان‌سپاری معاف شدند.

۳- این امر تا حد زیادی ناشی از تحریم خرید پسته ایران از سوی اتحادیه اروپا در سال ۱۳۷۶، اشباع بازارهای جهانی از فرش ایران، تشدید فعالیت رقبا و کاهش شدید قیمت جهانی محصولات پتروشیمی به دلیل کاهش قیمت جهانی نفت خام بوده است. علاوه بر آن، بحران پولی در کشورهای جنوب شرق آسیا که از خریداران عمده کالاهای پتروشیمی و برخی کالاهای صنعتی ایران بوده‌اند، سبب شد تا از یک سو صادرات ایران به این کشورها کاهش یابد و از سوی دیگر کاهش بهای اغلب محصولات صادراتی آنها تعدیلات بین‌المللی قیمت در سایر بازارها ایجاد نماید که طبعاً بر قیمت محصولات صادراتی ایران و قدرت رقابتی آنها نیز موثر بوده است.

۴- صادرات کالاهای این گروه به طور متوسط سالانه ۱۴/۶ درصد کاهش یافت و از ۳/۲۵۹ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۳ به ۱/۴۷۸ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۸ محدود گردید. در این گروه ارزش صادرات فرش به دلیل برخی مسائل داخلی (نظیر پیمان‌سپاری و تثبیت نرخ ارز صادراتی) و خارجی (نظیر اشباع بازارهای خریدار فرش ایرانی و فعالیت بیشتر رقبا ایران) به طور متوسط سالانه ۲۰/۲ درصد کاهش یافت. با توجه به سهم بالای فرش در صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی می‌توان تقلیل صادرات این کالا را از جمله علل عمده کاهش صادرات کالاهای سنتی و کشاورزی نسبت به پیش‌بینی برنامه دانست.

۵- طی برنامه دوم توسعه، ارزش صادرات غیرنفتی و کشاورزی رو به کاهش گذارد و حال آنکه ارزش واردات کل و به خصوص کشاورزی رو به افزایش گذاشت و به این ترتیب با وجود محدودیت‌های واردات، واردات کشاورزی به طور چشمگیری افزایش یافت. به علاوه، با وجود آنکه سهم صادرات کشاورزی از کل صادرات در برنامه دوم توسعه حدود ۴/۶ درصد بود، بخش قابل توجهی از درآمد ارزی به واردات مواد غذایی اختصاص می‌یافت. به این ترتیب به جای اینکه کشاورزی به کمک درآمد ارزی کشور دریابد، بخش مهمی از درآمد ارزی به واردات محصولات کشاورزی اختصاص یافت.

۳-۳-۳- استراتژی تجاری برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۷۹-۱۳۸۲)

برنامه توسعه سوم اقتصادی که برای دوره (۷۹-۱۳۸۲) تدوین گردیده است در بخش بازرگانی آن شامل مواد قانونی ذیل می باشد. همان طور که مشاهده می شود سیاست جهش صادراتی و تشویق صادرات حاکم بر روح قانون بوده است. به طوری که:

ماده ۱۱۳- به منظور تحقق جهش صادراتی در برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور:

الف- حقوق گمرکی و سود بازرگانی مواد اولیه و واسطه ای وارداتی مورد استفاده در تولید کالاهای صادراتی پس از صدور محصولات تولیدی براساس آیین نامه ای که به پیشنهاد وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب هیأت وزیران می رسد مسترد خواهد شد.

ب- کالاهای و خدماتی که صادر می شوند مشمول پرداخت عوارض و مالیات نخواهند بود.

ج- صادرات کالا و خدمات از اخذ هرگونه مجوز به استثنای استانداردهای اجباری و گواهیهای مرسوم در تجارت بین الملل (مورد درخواست خریداران) معاف می باشند.

د- کلیه تشویقها و امتیازاتی که برای صادرات کالا وجود دارد به صادرات خدمات نیز تسری می یابد.

ه- صندوقهای غیردولتی توسعه صادرات مورد حمایت دولت قرار می گیرند.

و- به منظور پشتیبانی از صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات فنی و مهندسی از سال ۱۳۷۹ به تناسب افزایش صادرات غیرنفتی و خدمات فنی و مهندسی منابع ارزی و ریالی از محل مازاد درآمد حاصل از صادرات نفت به عنوان سهم دولت در افزایش سرمایه بانک توسعه صادرات در اختیار بانک مزبور قرار می گیرد به صورتی که این افزایش سرمایه بانک در طول هر سال و سال پایان برنامه سوم متناسب با اهداف مندرج در این قانون بوده و به تحقق اهداف مذکور کمک نماید.

آیین نامه مربوط به نحوه اعطای اعتبار و شرایط آن مشترکاً توسط وزارت امور اقتصادی و دارائی و سازمان برنامه و بودجه و با همکاری بانک مرکزی تهیه و به تصویب هیأت دولت خواهد رسید.

ز- بانک توسعه صادرات مکلف است مانده وصول نشده ارز تنخواه صادراتی موضوع بند (ه) تبصره (۲۵) قانون برنامه پنجساله دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ را حداکثر تا پایان برنامه سوم توسعه وصول نماید. مبالغ وصول شده به عنوان سرمایه دولت نزد بانک منظور شده و از محل آن تسهیلات به صادر کنندگان پرداخت خواهد شد. نحوه تسویه تمامی تنخواه ارزی مذکور و نرخ سود متعلقه را هیأت وزیران ظرف سه ماه از تصویب این قانون تعیین و به بانک توسعه صادرات ایران ابلاغ خواهد نمود.

ج- کلیه وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و همچنین اشخاص حقیقی و حقوقی مقیم ایران مکلفند قبل از برپایی هرگونه نمایشگاه تجاری - صنعتی بین المللی در داخل و خارج از کشور و یا شرکت در نمایشگاههای بین المللی، برنامه های خود را با مرکز توسعه صادرات ایران هماهنگ و به تائید مرکز مزبور برسانند.

ماده ۱۱۴- تنظیم بازار داخلی موجب ممنوعیت صدور نمی گردد و صدور کلیه کالاها و خدمات، به جز موارد ذیل مجاز خواهد بود:

الف- اشیاء عتیقه و میراث فرهنگی.

- ب- اقلام دامی یا نباتی که جنبه حفظ ذخایر ژنتیک و یا حفاظت محیط زیست داشته باشند.
- ج- صادرات کالاهائی که دولت برای تأمین آنها مستقیماً یارانه پرداخت می کند با پیشنهاد دستگاه مربوطه و تصویب شورای اقتصاد مجاز می باشد.
- تبصره- به منظور تنظیم بازار داخلی و جبران کمبود احتمالی، وزارت بازرگانی مجاز است در مواردی که تشخیص می دهد از طریق واردات بدون انتقال ارز نسبت به جبران نیازهای داخلی اقدام نماید.
- ماده ۱۱۵- دولت موظف است برای رونق تجارت خارجی موانع غیرتعرفه ای و غیرفنی را با رعایت ممنوعیتهای شرعی حذف و نسبت به تهیه برنامه زمانبندی اصلاح نرخهای معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش آگهی و تعیین تعرفه های گمرکی اقدام کند.
- ماده ۱۱۶- به منظور تقویت توان رقابت محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین المللی:
- الف- کلیه وزارتخانه ها و سازمانهای تولیدی و خدماتی دولتی مرتبط با امر صادرات مکلفند تا پایان اولین سال برنامه سوم نسبت به راه اندازی مرکز اطلاع رسانی مربوط به خود، براساس طرح شبکه جامع اطلاع رسانی بازرگانی کشور اقدام کنند و خدمات اطلاع رسانی لازم را در اختیار متقاضیان داخلی و خارجی قرار دهند. وزارت پست و تلگراف و تلفن موظف است تسهیلات لازم جهت تقویت شبکه های مذکور را فراهم کند.
- ب- وزارت بازرگانی مکلف است نسبت به راه اندازی شبکه جامع اطلاع رسانی بازرگانی کشور (داخلی و بین المللی) تا پایان سال دوم برنامه سوم اقدام کند.
- ج- دولت موظف است برای حضور فعال شرکتها و مؤسسات فنی و مهندسی اعم از مشاور و پیمانکاری ایرانی در بازارهای جهانی و صادرات خدمات فنی و مهندسی تسهیلات زیر را فراهم نموده و بر اجرای مستمر و احسن آن نظارت نماید.
- ۱- فراهم نمودن زمینه صدور ضمانت نامه بانکی با حداقل سپرده گذاری.
 - ۲- امکان خروج ماشین آلات موردنیاز اجرای قرارداد، بدون وثیقه گذاری.
 - ۳- ارائه خدمات بیمه ای و بانکی با حداقل هزینه و کارمزد.
 - ۴- ایجاد نظام اعطای اعتبار صادراتی به طرحهای عمرانی، به صورت اعتبار خریدار و فروشنده.
 - ۵- پیش بینی و تعیین سهمیه خاص در سهمیه بندی اعتبارات اعطائی نظام بانکی.
 - ۶- پیش بینی اعتبار در بودجه سالیانه کشور جهت مشارکت دولت در تأمین مالی اینگونه اعتبارات صادراتی.
 - ۷- فراهم نمودن زمینه صدور و عرضه اوراق مشارکت توسط شرکتهای صادر کننده خدمات فنی و مهندسی، به عنوان یکی از منابع تأمین مالی طرحهای اخذ شده توسط آنها.
- شرکتهای متقاضی فوق الذکر باید توسط سازمان برنامه و بودجه تشخیص صلاحیت شده و دارای رتبه بندی مناسب باشند.
- ماده ۱۱۷- به منظور تنظیم خط مشی های صادرات کشور و تعیین کمکها و تسهیلات قابل ارائه به بخش صادرات و رفع مشکلات و موانع آن و اجرای سیاست های مصوب برنامه سوم، شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی به ریاست رئیس جمهور یا معاون اول وی و عضویت وزیران بازرگانی، صنایع، معادن و فلزات، تعاون، امور خارجه، نفت، امور اقتصادی و دارائی، کشاورزی، جهادسازندگی و رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و

مدیرعامل بانک توسعه صادرات و رؤسای مرکزی توسعه صادرات ایران، گمرک جمهوری اسلامی ایران، اتاق بازرگانی، صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون تشکیل می شود. دبیرخانه شورای مزبور در وزارت بازرگانی مستقر بوده و پیشنهادهای این شورا پس از تصویب هیأت وزیران در حدود قوانین مربوط در ارتباط با ایجاد تسهیلات صادراتی برای کلیه وزارتخانه ها، مؤسسات و شرکتهای دولتی و مؤسسات و نهادهای عمومی غیردولتی و همچنین اشخاص خصوصی اعم از حقوقی و حقیقی لازم الاجراء خواهد بود. سه نفر از نمایندگان مجلس شورای اسلامی از کمیسیونهای امور بازرگانی و توزیع، امور برنامه و بودجه و امور اقتصادی و دارایی و تعاون به عنوان ناظر در جلسات شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی شرکت می نمایند. دبیرخانه شورای مذکور موظف است گزارش عملکرد شورا را هر سه ماه یک بار به کمیسیونهای مذکور ارسال نماید.

کمیته توسط صادرات استان به ریاست استاندار و عضویت مدیران کل بازرگانی، گمرک، سازمان برنامه و بودجه و ادارات کل ذیربط حسب مورد و مدیرعامل بانک صادرات استان تشکیل می شود وظایف دبیرخانه کمیته توسعه صادرات استان برعهده اداره کل بازرگانی استان خواهد بود.

ماده ۱۱۸- وظایف و اختیارات وزارت بازرگانی موضوع قانون چگونگی اداره سازمان تعاون مصرف شهر و روستا مصوب ۱۳۷۵/۱۲/۱۲ درخصوص تشکیل شرکت سهامی عام بازرگانی شهر و روستا و اجرای سایر موضوعات پیش بینی شده در قانون مذکور برای دو سال اول برنامه سوم توسعه کشور تمدید می گردد.

در طی برنامه توسعه سوم اقتصادی به دلیل بهبود وضعیت در بازار جهانی نفت طی سالهای اول برنامه سوم توسعه و افزایش بهای هر بشکه نفت خام صادراتی، بهبود چشمگیر درآمدهای صادراتی و تراز تجارت خارجی را در پی داشت. به علاوه، مقررات زدایی و تسهیل جریان تجارت خارجی و مدیریت بازار ارز، رشد واردات و بهبود روند صادرات غیرنفتی را نیز به همراه داشت. به طوری که صادرات غیرنفتی طی برنامه سوم توسعه با متوسط رشدی معادل ۲۲/۲ درصد، از حدود ۶/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۹ به بیش از ۱۴/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ رسید که از رشد ۱۸/۱ درصدی پیش بینی شده در برنامه یادشده، بالاتر بوده است. در مجموع صادرات غیرنفتی طی برنامه سوم توسعه حدود ۵۱/۹ میلیارد دلار بوده که نشان دهنده تحقق حدود ۱۴۰ درصدی عملکرد نسبت به هدف برنامه است. صادرات غیرنفتی در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه با متوسط رشدی حدود ۱۹/۶ درصد، به ترتیب به ۱۸/۳، ۲۲/۶، ۲۶/۱ و ۲۹/۶ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با رشد پیش بینی شده در برنامه چهارم حدود ۷/۵ درصد بیشتر است. در مجموع در این چهار سال، بالغ بر ۹۶/۶ میلیارد دلار از محل صادرات غیرنفتی ارز وارد کشور شده که براساس آن حدود ۳۹/۲ درصد بیش از هدف برنامه محقق شده است (حسینی، ۱۳۸۳).

صادرات کالای غیرنفتی در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه با متوسط رشدی معادل ۲۵/۵ درصد، به ترتیب به بیش از ۱۰/۵، ۱۴، ۱۶/۱ و ۱۸/۷ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با رشد ۱۰/۷ درصدی پیش بینی شده در برنامه چهارم، افزایش چشمگیری داشته است. در مجموع، طی این چهار سال بالغ بر ۵۹ میلیارد دلار کالای غیرنفتی صادر شده که ۴۷/۸ درصد بیش از هدف برنامه بوده است. بررسی ها نشان می دهد که افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی به طور عمده از صادرات کالاهای صنعتی ناشی شده است به طوری که رشد صادرات کالاهای صنعتی در برنامه سوم و سه سال اول برنامه چهارم به ترتیب ۲۱/۷ و ۳۴/۸ درصد بوده است. همچنین کالاهای صنعتی در دوره های یادشده به ترتیب ۶۳/۵ و ۷۲/۱ درصد صادرات کالاهای غیرنفتی را تشکیل داده است. اجرای سیاست های

آزادسازی و شفاف سازی در امر صادرات غیرنفتی طی برنامه سوم و تداوم آن از دلایل این افزایش تلقی می شود. افزایش مستمر صادرات غیرنفتی به بازارهای کشورهای مستقل مشترک المنافع، کشورهای عربی هم جوار و افغانستان و سایر بازارهای خاورمیانه و نیز بازارهای جنوب و شرق آسیا از دیگر ویژگی های بخش صادرات کالای غیرنفتی است.

واردات کالا طی برنامه سوم توسعه با متوسط رشدی معادل ۲۳/۵ درصد، از حدود ۱۵/۱ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۹ به ۳۸/۲ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ رسید که بیش از ۲ برابر نرخ رشد ۱۱ درصدی پیش بینی شده در برنامه یادشده، بوده است. در مجموع، طی برنامه سوم توسعه حدود ۱۲۳ میلیارد دلار کالا وارد شده که حدود ۲۰ درصد بیش از هدف برنامه است. تبدیل موانع غیرتعرفه ای به تعرفه ای، آسان سازی واردات و یکپارچه سازی وصول عوارض از واردکنندگان کالاها و خدمات از سیاست های مهم تجارت خارجی بود که به تسهیل واردات منجر شد.

بررسی تراز صادرات و واردات کالا نشان می دهد که تراز بازرگانی طی برنامه سوم توسعه از مازاد برخوردار و درعین حال، روند آن کاهشی بوده است به طوری که این تراز از حدود ۱۳/۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۷۹ به ۵/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۳ رسید. یادآوری می شود، اهداف پیش بینی شده در برنامه یادشده همواره با کسری (به استثنای سال ۱۳۸۰) روبه رو بوده است.

۳-۳-۴- استراتژی تجاری برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۸۳-۱۳۸۸)

برنامه توسعه چهارم اقتصادی که برای دوره (۸۳-۱۳۸۸) تدوین گردیده است در بخش بازرگانی آن شامل مواد قانونی ذیل می باشد. همان طور که مشاهده می شود سیاست جهش صادراتی و تشویق صادرات حاکم بر روح قانون بوده است. به طوری که داریم:

ماده ۳۳: به منظور نوسازی و روان سازی تجارت، افزایش سهم کشور در تجارت بین الملل، توسعه صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات، تقویت توان رقابتی محصولات صادراتی کشور در بازارهای بین المللی و به منظور گسترش کاربرد فن آوری ارتباطات و اطلاعات در اقتصاد، بازرگانی و تجارت در قالب سند ملی بازرگانی کشور، دولت مکلف است:

الف) با تجهیز مبادی و مجاری ورودی کشور، نسبت به توسعه ترانزیت و عبور مطمئن، آزاد و سریع کلیه کالاها و خدمات با نرخ رقابتی اقدام نماید.

ب) نسبت به هدفمندسازی و ساماندهی یارانه و جوایز صادراتی در قالب حمایت های مستقیم و غیرمستقیم اقدام نماید.

ج) نسبت به افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات ایران و نیز تأمین مابه التفاوت نرخ های اعتباری و گسترش پوشش بیمه ای در کشورهای هدف برای صادرات کالا و خدمات بویژه خدمات فنی و مهندسی اقدام نماید.

د) برقراری هرگونه مالیات و عوارض برای صادرات کالاهای غیر نفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع می باشد. دولت مجاز است بمنظور صیانت از منابع و استفاده بهینه از آنها، عوارض ویژه ای را برای صادرات مواد اولیه فرآوری نشده وضع و دریافت نماید. تشخیص این قبیل مواد بر عهده شورای عالی صادرات خواهد بود. میزان

عوارض به پیشنهاد مشترک وزارتخانه‌های بازرگانی، امور اقتصادی و دارائی، صنایع و معادن و جهاد کشاورزی و تصویب هیأت وزیران تعیین و تصویب خواهد شد.

تبصره- صادرات کالا و خدمات از أخذ هرگونه مجوز به استثنای استانداردهای اجباری و گواهی‌های مرسوم در تجارت بین‌الملل (مورد درخواست خریداران) معاف می‌باشند.

ه) توازن تجاری با کشورهای طرف همکاری و بلوکهای اقتصادی ایجاد نماید. طوری که سهم صادرات غیر نفتی از کل صادرات کشور از بیست‌وسه‌ویک‌دهم درصد (۰/۲۳/۱) در سال ۱۳۸۲ به سی‌وسه‌وشش‌دهم درصد (۰/۳۳/۶) در سال ۱۳۸۸ افزایش یابد.

و) بازارچه‌ها و مبادلات مرزی را از طریق اصلاح نظام اجرایی، معیارهای تشکیل و رویه‌های اداری ساماندهی نماید.
 ز) نسبت به حذف کلیه موانع غیر تعرفه‌ای و غیر فنی با رعایت موازین شرعی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمان‌بندی معین و در قالب پیش آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید.

ح) تدابیر واقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط غیرمتعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می‌شود را اتخاذ و اعمال نماید.

ط) با تجهیز دستگاهها و واحدهای مربوطه و با رعایت استانداردها و چارچوب نظام بازرگانی و تجارت الکترونیکی، اقدامات لازم را توسط دستگاههای یاد شده به شرح زیر انجام دهد:

۱- به روز نمودن پایگاهها و مراکز اطلاع‌رسانی و ارائه خدمات دستگاه مربوطه در محیط رایانه‌ای و شبکه‌ای.
 ۲- انجام مناقصه‌ها، مزایده‌ها و مسابقه‌های خرید و فروش کالا و خدمات و عملیات مالی-اعتباری در محیط رایانه‌ای و شبکه‌های اطلاع‌رسانی.

۳- ایجاد بازارهای مجازی.

۴- انجام فعالیت‌های تدارکاتی و معاملاتی در قالب تجارت الکترونیکی از سال دوم برنامه.

تبصره- قوه قضائیه موظف است شعبه یا شعبی از دادگاهها را برای بررسی جرایم الکترونیکی و نیز جرائم مربوط به تجارت الکترونیکی و تجارت سیار، اختصاص دهد.

ی) از طریق وزارت بازرگانی نسبت به راه‌اندازی دفاتر، شعب و یا نمایندگی‌های سازمان توسعه تجارت در کشورهای هدف با أخذ مصوبه از هیأت وزیران اقدام نماید.

تبصره- کلیه بنگاههای تجاری و شبکه‌های توزیع موظفند استانداردهای ابلاغی از سوی وزارت بازرگانی را در جهت نوین‌سازی شبکه‌های توزیع کشور و پیوستن به سازمان تجارت جهانی رعایت نمایند.

ک) برقراری هماهنگی میان سیاستهای مالی و پولی با سیاستهای استراتژیک تجاری.

ل) دولت مکلف است به منظور هم‌پوندی فعال با اقتصاد جهانی و رونق بخشیدن به تجارت خارجی قانون مقررات صادرات و واردات، قانون امور گمرکی و قانون مناطق آزاد تجاری و صنعتی را بازنگری و اصلاح و مقررات ضد دامپینگ را تدوین نموده و به تصویب مرجع ذیربط برساند.

ماده ۳۴: دولت موظف است به منظور تسهیل تجارت و حمل و نقل، استقرار صنایع دریایی، گسترش گردشگری، کمک به بهره‌برداری پایدار منابع شیلاتی و استفاده بهینه از این مناطق، برای توسعه فعالیتهای تولیدی و خدمات دریایی، با حفظ امور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و نظارت برای خود، ضمن واگذاری رقابتی امور تصدی به

بخشهای غیردولتی در مناطق ساحلی و دریاها، با انجام مطالعات تطبیقی در قوانین، مقررات، آیین نامه ها، اساسنامه ها و شرح وظایف دستگاههای اجرایی مرتبط با فعالیتهای دریایی، لوائح مورد نیاز برای توسعه فعالیتهای دریایی را با اصلاح قوانین مرتبط و حذف وظایف موازی، مشابه و متضاد و تجمیع وظایف همگن و متجانس هر یک از دستگاهها، تفکیک کامل وظایف دستگاهها، برای اعمال حاکمیت و بر اساس محورهای زیر تهیه و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه نماید:

الف) یکسان سازی تعاریف و اصطلاحات قانونی (با ملاحظه تعاریف و اصطلاحات بین المللی) کنوانسیونهای بین المللی که ایران عضو آنها است.

ب) برقراری امنیت و تأمین نظم، تعیین مقررات حقوقی و رویه های قضائی.

ج) انجام کلیه امور تجاری، از طریق بنادر و اسکله های تجاری و گمرکات رسمی.

د) ایمنی در دریا، بیمه های دریایی و امداد و نجات در دریا.

هـ) حفاظت از محیط زیست و تعیین حریمها و پهنه بندی نواحی ساحلی و آبهای داخلی و بین المللی.

و) بهره برداری پایدار از نواحی ساحلی، دریایی حمایت از ناوگانهای جمهوری اسلامی ایران براساس قواعد بین المللی و حمایت از سرمایه گذارها در فعالیتهای اقتصادی، نظیر: حمل و نقل دریایی منابع تجدید ناپذیر دریایی (نفت و گاز، معادن و...)، منابع تجدیدپذیر دریایی (آبزیان و...)، گردشگری دریایی، خدمات پشتیبانی و صنعتی دریایی.

ز) آموزشهای علمی، مهندسی، مدیریت، حقوقی و مهارتهای تخصصی دریایی و دریانوردی.

ح) تحقیقات دریایی، ثبت پایش اطلاعات اقیانوس شناسی و فن آوری اطلاعات و ارتباطات دریایی.

ط) حمایت از ناوگان ملی بر اساس قواعد بین المللی.

ی) فراهم کردن امکانات و زیرساخت های لازم برای گسترش فعالیتهای ماهیگیری، از جمله: توسعه، تجهیز، نگهداری و بهسازی بنادر صیادی.

ک) سازماندهی و تجهیز مراکز تخلیه صید کوچک و ارتقاء بهره وری بنادر ماهیگیری با رویکرد بهبود کیفیت، افزایش ارزش افزوده صید و گسترش مشارکت بخش غیردولتی.

ماده ۳۵: دولت مکلف است به منظور اعمال مدیریت واحد و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در مناطق آزاد اقدامات زیر را انجام دهد:

الف) مدیریت سازمانهای مناطق آزاد به نمایندگی از طرف دولت، بالاترین مقام اجرایی منطقه محسوب شده و کلیه دستگاههای اجرایی مستقر در مناطق آزاد به استثنای دستگاههای نهادهای دفاعی و امنیتی مکلف هستند ضمن رعایت ماده (۲۷) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری صنعتی مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ نسبت به اصلاح و رفع مغایرتهای مقرراتی خود با مقررات مناطق آزاد اقدام نمایند.

ب) وزارتخانه ها، سازمانها، موسسه ها و شرکتهای دولتی و وابسته به دولت در حیطه وظایف قانونی ضمن هماهنگی با سازمانهای مناطق آزاد، خدمات از قبیل برق، آب، مخابرات، سوخت و سایر خدمات را با نرخ های مصوب جاری در همان منطقه جغرافیایی از کشور به مناطق آزاد ارائه خواهند نمود.

ج) کالاهای تولید یا پردازش شده در مناطق آزاد هنگام ورود به سایر نقاط کشور به میزان مجموع ارزش افزوده و ارزش مواد اولیه داخلی و قطعات داخلی به کار رفته در آن مجاز و تولید داخلی محسوب و از پرداخت حقوق ورودی معاف خواهد بود.

تبصره- مواد اولیه و کالاهای واسطه‌ای خارجی بکار رفته در تولید مشروط به پرداخت حقوق ورودی در حکم مواد اولیه و کالای داخلی محسوب می‌شود.

د) حقوق، عوارض و هزینه‌های بندری که طبق قوانین جاری از کشتی‌ها و شناورها بابت خدمات بندری دریافت می‌شود در صورتیکه این بنادر و لنگرگاهها توسط بخش خصوصی و تعاونی و یا مناطق آزاد ایجاد شده باشند توسط سازمان مناطق آزاد مربوطه اخذ می‌گردد.

مناطق آزاد مجازند نسبت به ثبت و ترخیص کشتی‌های بین‌المللی اقدام نمایند.

ه) محدوده آبی مناطق آزاد که قلمرو آن با رعایت مسائل امنیتی و دفاعی به پیشنهاد هیأت وزیران و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید از امتیازات قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷ و اصلاحات بعدی آن برخوردار خواهد بود.

و) مبادلات کالا بین مناطق آزاد و خارج از کشور و نیز سایر مناطق آزاد از کلیه حقوق ورودی، عوارض (به استثنای عوارض موضوع ماده (۱۰) قانون چگونگی اداره مناطق آزاد تجاری-صنعتی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۲/۶/۷) و مالیات معاف می‌باشند.

ز) در زمینه گسترش ارتباطات علمی با مراکز و نهادهای آموزش و تحقیقاتی معتبر بین‌المللی وزارتخانه علوم، تحقیقات و فن‌آوری و بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در چارچوب ضوابط و مقررات قانونی و مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی نسبت به صدور مجوز جهت ایجاد دانشگاههای خصوصی در مناطق آزاد تجاری-صنعتی اقدام نمایند.

ماده ۳۶: مواد (۱۱۴)، (۱۱۷) و تبصره (۲) ماده (۸۶) قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ و اصلاحیه‌های آن برای دوره برنامه چهارم (۱۳۸۸-۱۳۸۴) تنفیذ می‌گردد.

عملکرد صادرات کالای غیرنفتی در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه با متوسط رشدی معادل ۲۵/۵ درصد، به ترتیب به بیش از ۱۰/۵، ۱۴، ۱۶/۱ و ۱۸/۷ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با رشد ۱۰/۷ درصدی پیش‌بینی شده در برنامه چهارم، افزایش چشمگیری داشته است. در مجموع، طی این چهار سال بالغ بر ۵۹ میلیارد دلار کالای غیرنفتی صادر شده که ۴۷/۸ درصد بیش از هدف برنامه بوده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که افزایش صادرات کالاهای غیرنفتی به‌طور عمده از صادرات کالاهای صنعتی ناشی شده است به‌طوری که رشد صادرات کالاهای صنعتی در سه سال اول ۲۵ بوده است. اجرای سیاست‌های آزادسازی و شفاف‌سازی در امر صادرات غیرنفتی طی برنامه چهارم از دلایل این افزایش تلقی می‌شود. افزایش مستمر صادرات غیرنفتی به بازارهای کشورهای مستقل مشترک المنافع، کشورهای عربی هم‌جوار و افغانستان و سایر بازارهای خاورمیانه و نیز بازارهای جنوب و شرق آسیا از دیگر ویژگی‌های بخش صادرات کالای غیرنفتی است. از مهم‌ترین اقدام‌های انجام شده به‌منظور توسعه صادرات غیرنفتی طی برنامه چهارم می‌توان به: حذف پیمان‌سپاری ارزی، اتخاذ سیاست یکسان‌سازی نرخ ارز و تداوم آن،

اعطای اختیارات بیشتر به صادرکنندگان در مدیریت درآمدهای ارزی حاصل از صادرات کالا، پرداخت جایزه صادراتی، معافیت صادرات غیرنفتی از پرداخت هرگونه عوارض و مالیات، الزام سیستم بانکی کشور به حمایت از طرح های تولیدی و صادراتی از طریق اعطای تسهیلات، زمینه سازی برای تأسیس صندوق های غیردولتی توسعه صادرات غیرنفتی، اعطای وام کم بهره به صادرکنندگان، افزایش سرمایه صندوق ضمانت صادرات، کاهش هزینه های عملیاتی تجارت خارجی از طریق کاهش پیش پرداخت اعتبارات اسنادی و کاهش هزینه های بیمه ای صادرات، تفویض اختیارات هیأت وزیران به شورای عالی صادرات، گسترش خدمات بیمه صادراتی از طریق ایجاد پوشش های بیمه ای و ضمانتنامه های لازم در زمینه بازاریابی، تبلیغات، حمل و نقل و یافتن بازارهای جدید، توجه بیشتر به صادرات محصولات با فناوری پیشرفته و خدمات فنی و مهندسی، اشاره کرد.

واردات کالا در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه با متوسط رشدی معادل ۱۴ درصد، به ترتیب به بیش از ۴۳، ۵۰، ۵۸/۲ و ۶۸/۵ میلیارد دلار افزایش یافت که در مقایسه با رشد ۶/۷ درصدی پیش بینی شده در برنامه چهارم، بیشتر است. آمار بانک مرکزی نشان می دهد طی برنامه سوم توسعه، کالاهای واسطه ای، سرمایه ای و مصرفی به ترتیب ۶۶/۱، ۲۳/۶ و ۱۰/۴ درصد واردات کالا را تشکیل داده اما در سه سال اول برنامه چهارم توسعه ارقام یادشده به ترتیب ۶۶/۱، ۲۰/۵ و ۱۳/۴ درصد بوده است. به عبارت دیگر، ترکیب واردات کالا به سمت کاهش واردات کالاهای واسطه ای و افزایش واردات مصرفی تغییر یافته است. با افزایش صادرات نفت و گاز در چهار سال اول برنامه چهارم توسعه، تراز بازرگانی از مزاد چشمگیری برخوردار شد و به ترتیب به بیش از ۲۱، ۲۶، ۳۹/۴ و ۳۲ میلیارد دلار افزایش یافت. بررسی تراز بازرگانی بدون احتساب صادرات نفت و گاز بیان کننده آن است که این حساب همواره با کسری همراه بوده به طوری که با افزایش صادرات نفت و گاز طی چند سال اخیر، این کسری تشدید شده و به حدود ۵۰ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ رسیده است. (از سال ۱۳۸۴ به بعد با افزایش قیمت نفت در بازار جهانی، صادرات نفت و گاز از یک روند صعودی برخوردار بوده به طوری که از حدود ۵۵/۷ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۴ به حدود ۸۶/۶ میلیارد دلار در سال ۱۳۸۷ افزایش یافته است.

صادرات نفت و گاز در سال ۱۳۸۸ حدود ۶۹/۸ میلیارد دلار بوده که نسبت سال ۱۳۸۷، ۱۹/۴ درصد کاهش داشته است. عمده ترین دلیل این امر، کاهش قیمت نفت به دنبال عواملی نظیر بحران مالی جهانی از نیمه دوم سال ۱۳۸۷ و ادامه آن در سال ۱۳۸۸ بوده است. میزان صادرات نفتی در شش ماه نخست سال جاری حدود ۴۲/۵ میلیارد دلار بوده است.)

۳-۳-۵- استراتژی تجاری برنامه پنجم توسعه اقتصادی (۹۵-۱۳۹۰)

در قانون برنامه پنجم مهمترین مواد قانونی مرتبط با بازرگانی به شرح ذیل می باشد :

ماده ۹۳) به منظور تنظیم مناسب بازار، افزایش سطح رقابت، ارتقای بهره وری شبکه توزیع و شفاف سازی فرآیند توزیع کالا و خدمات به دولت اجازه داده می شود: الف- نسبت به ساماندهی واحدهای پخش کالا در سراسر کشور اقدام کرده و عرضه کالاهایی که فهرست آنها سالانه توسط وزارت بازرگانی مشخص می شود به واحدهای خرده فروشی تنها از طریق سازوکاری که توسط وزارت بازرگانی تعریف می شود محدود کند. واحدهای موضوع این

بند مکلف به رعایت قانون نظام صنفی و سازوکارهای ابلاغی دولت بوده و متخلفان مشمول ماده ۶۱ قانون نظام صنفی خواهند بود.

ب- نسبت به ساماندهی واحدهای صنفی بدون پروانه اقدام و نرخ مالیات و خدمات عمومی (آب، برق، گاز تلفن و خدمات شهری) ارائه شده به اینگونه واحدها تا زمان اخذ پروانه کسب بر اساس آیین نامه ای که به تصویب هیات وزیران می رسد، حداقل دو برابر نرخ مالیات و تعرفه مصوب تعیین و دریافت نماید. این حکم مانع از اجرای سایر ضمانت های اجرایی مقرر در قوانین مربوط نخواهد بود.

ج- نسبت به توسعه نظام ملی طبقه بندی و خدمات شناسه کالا و خدمات ایران (ایران کد) به منظور ایجاد نظام منسجم و یکپارچه برای تبادل اطلاعات مربوط به کالاها و خدمات اقدام نموده و تمامی عرضه کنندگان کالا و خدمات را مکلف به اخذ و روزآمد کردن این کد و دستگاه های اجرای ذریبط را موظف به استفاده از آن نماید.

د- قیمت گذاری را با رعایت قانون اجرای سیاست های کلی اصل چهل و چهارم قانون اساسی به کالاها و خدمات عمومی انحصاری و کالاهای اساسی یا ضروری محدود نماید. فهرست و ضوابط تعیین قیمت این کالاها و خدمات ظرف مدت سه ماه پس از تصویب این قانون، با پیشنهاد کارگروهی متشکل از وزارت بازرگانی، معاونت و وزارتخانه های ذریبط به تصویب شورای اقتصاد خواهد رسید. چنانچه فروش کالا یا خدمات به قیمت کمتر از قیمت تعیین شده تکلیف شود، مابه التفاوت قیمت های از محل منابع دولت در سال اجرا یا منابع صندوق توسعه ملی پرداخت می شود و یا از محل بدهی دستگاه ذریبط به دولت تهاتر می گردد.

ماده ۹۴) وزارت بازرگانی مجاز است در راستای اجرای سیاست های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی، امور اجرایی تنظیم بازار اعم از تامین، ذخیره سازی، توزیع بازرسی و قیمت گذاری کالاها و خدمات را به تشکلهای صنفی تولیدی، توزیعی و خدماتی اتحادیه ها و تعاونی ها و همچنین تشکلهای مردمی واگذار نماید.

تبصره ۱- تشکلهای، اتحادیه ها، تعاونی ها و تشکلهای مردمی موضوع این ماده، در مقابل اختیارات واگذار شده در چارچوب دستورالعمل ابلاغی وزارت بازرگانی و معاونت پاسخگو و مسوول جبران خسارت خواهند بود.

تبصره ۲- وزارت بازرگانی مجاز است حسب ضرورت از طریق اعطای مجوز واردات بدون انتقال ارز، نسبت به جبران نیازهای داخلی اقدام نماید.

ماده ۹۵) به منظور حمایت از تولید و مصرف داخلی پشتیبانی از صادرات و حذف جریان های غیررسمی تجاری با اعمال حمایت های متناسب تعرفه ای در دوره زمانی محدود و منطبق بر اهداف میان مدت و در راستای ارتقای کیفیت، کاهش قیمت تمام شده و افزایش بهره وری میانگین تعرفه ها در پایان برنامه پنجم کاهش می یابد.

ماده ۹۶) ایجاد موانع غیرتعرفه ای و غیرفنی برای واردات در طول سال های برنامه ممنوع است و در صورت وجود چنین موانعی، دولت مجاز است با رعایت موازین شرع و وضع نرخ های معادل تعرفه ای نسبت به رفع آن اقدام نماید.

ماده ۹۷) الف- به منظور ارتقای مشارکت بنگاه ها و افزایش سهم تشکلهای، شبکه ها، خوشه ها، کنسرسیوم ها، شرکت های مدیریت صادرات و شرکت های بزرگ صادراتی و دارای تنوع محصول، دولت مجاز است کمک ها، تسهیلات، مشوق ها و حمایت های مستقیم و غیرمستقیم خود در حوزه صادرات غیرنفتی را از طریق این تشکلهای و براساس دستورالعملی که ظرف شش ماه توسط وزارت بازرگانی تهیه و پس از تایید معاونت ابلاغ خواهد شد، اعطا نماید.

تبصره- تشکیل های موضوع این ماده، در مقابل اختیارات واگذار شده در چارچوب دستورالعمل ابلاغی وزارت بازرگانی و معاونت پاسخگو و مسوول جبران خسارت خواهند بود.

ب- برقراری هرگونه مالیات بر صادرات کالاهای غیرنفتی و خدمات در طول برنامه ممنوع می باشد. به منظور صیانت از منابع کشور، عوارض ویژه برای صادرات مواد خام یا با ارزش افزوده پایین با تصویب هیات وزیران وضع و دریافت می گردد.

ج- صادرات کالاها و خدمات از اخذ هرگونه مجوز به استثنای استانداردهای اجباری و گواهی های مرسوم در تجارت بین الملل (مورد درخواست خریداران) معاف می باشد.

د- تدابیر و اقدام های موثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط غیرمتعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می شود را اتخاذ و اعمال نماید.

ه- تنظیم بازار داخلی موجب ممنوعیت صدور نمی گردد و صدور تمامی کالاها و خدمات، به جز موارد زیر مجاز خواهد بود:

۱- اشیای عتیقه و میراث فرهنگی

۲- اقلام خاص دامی، نباتی و گونه هایی که جنبه حفظ ذخیره ژنتیکی یا حفاظت محیط زیست را داشته باشند.

تبصره- صادرات کالاهایی که دولت برای تامین آنها یارانه پرداخت می کند یا صدور آنها موجب ضرر عموم مردم می شود تنها با پیشنهاد دستگاه مربوطه و تصویب شورای اقتصاد مجاز است.

ماده ۹۸) به دولت اجازه داده می شود جهت اعطای کمک های توسعه ای خارجی در قالب اعطای تسهیلات کمک بلاعوض یارانه سود و کارمزد و اجرای پروژه ها نسبت به تشکیل صندوق کمک های توسعه ای ج.ا. اقدام کند، اساسنامه صندوق به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

ماده ۹۹) ادغام شرکت- شرکت های تجاری موضوع باب سوم قانون تجارت مادامی که موجب ایجاد تمرکز و بروز قدرت انحصاری نشود به شکل یکجانبه (باقی یکی از شرکت ها- شرکت پذیرنده) و ادغام دو یا چندجانبه (محو شخصیت حقوقی شرکت های ادغام شونده و ایجاد شخصیت حقوقی جدید شرکت جدید) با تصویب چهارپنجم صاحبان سهام در مجمع عمومی فوق العاده شرکت های سهامی یا چهارپنجم صاحبان سرمایه در سایر شرکت های تجاری موضوع ادغام، مجاز می باشد.

تمامی حقوق و تعهدات دارایی، دیون و مطالبات شرکت یا شرکت های موضوع ادغام، شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت و پس از ادغام، شرکت جدید با توجه به نوع آن مطابق مقررات قانون تجارت اداره خواهد شد.

کارکنان شرکت های موضوع ادغام به شرکت پذیرنده یا شرکت جدید انتقال خواهند یافت. در صورت عدم تمایل برخی کارکنان با انتقال به شرکت پذیرنده ادغام یا شرکت جدید، مزایای پایان کار مطابق مقررات قانون کار توسط شرکت مزبور به کارکنان یادشده پرداخت می شود. در مورد نیروی کار مازاد مطابق قانون تنظیم بخشی از مقررات تسهیل نوسازی صنایع کشور و اصلاح ماده ۱۱۳ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۲/۵/۲۶ عمل خواهد شد.

سرمایه شرکتی که از ادغام شرکت‌های موضوع این بند حاصل می‌گردد تا سقف مجموع سرمایه شرکت‌های ادغام‌شده در آن از پرداخت مالیات موضوع ماده ۴۸ قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۶۶/۱۲/۳ و اصلاحیه‌های آن معاف است.

دولت موظف است شرایط پیشگیری از ایجاد تمرکز اعمال بروز قدرت انحصار دامنه مفید و مجاز ادغام‌ها را مطابق فصل ۹ قانون اصلاح موادی از قانون برنامه چهارم و اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی پیش‌بینی نماید. ماده ۱۰۰) به منظور تسهیل تجارت همزمان با کنترل دقیق محوله‌های خارجی، حداقل ۲۰ درصد از مبادی ورودی و خروجی تا پایان برنامه پنجم کاهش می‌یابد.

ماده ۱۰۱) تشکیل گروه اقتصاد با منافع مشترک با مشارکت دو یا چند شخص (حقیقی و حقوقی) به منظور تسهیل و گسترش فعالیت اقتصادی و تجاری برای یک دوره محدود و بر اساس قراردادی کتبی پس از ثبت در مرجع ثبت شرکت‌ها مجاز است.

تبصره ۱- تغییر در حیطه اختیارات مدیران در قرارداد در قبال اشخاص ثالث قابل استناد نبوده و اعضای گروه متضامنا مسئول پرداخت دیون گروه از اموال شخصی خود می‌باشند مگر اینکه با اشخاص ثالث طرف قرارداد به ترتیب دیگری توافق شده باشد.

تبصره ۲- عملیات مربوط به دفاتر تجاری بازرسی و تصفیه مطابق ماده ۶ و احکام باب یازدهم قانون تجارت و مواد ۱۵۱ و ۱۵۲ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب سال ۱۳۴۷ خواهد بود.

تبصره ۳- فوت یا حجر یا ممنوعیت قانونی یکی از اشخاص حقیقی یا انحلال یا ورشکستگی یکی از اشخاص حقوقی موجب انحلال گروه می‌شود مگر اینکه در قرارداد تشکیل گروه اقتصادی طور دیگری مقرر شده باشد به شرط اینکه اشخاص حقیقی یا حقوقی مذکور صاحب کمتر از ۵۰ درصد سرمایه مشارکت باشند.

ماده ۱۰۲) خرید کالا یا خدمات از طریق بورس یا سامانه‌های مورد تایید معاونت بدون رعایت احکام و تشریفات قانون برگزاری مناقصات توسط دستگاه‌های اجرایی بلامانع است.

۳-۳-۶- بررسی احکام قانونی نرخ تعرفه در برنامه های توسعه کشور

یکی از اصلی ترین ابزارهای سیاستگذاری در حوزه‌های بخشی از جمله بخش بازرگانی استناد به احکام قانونی است که در برنامه‌های توسعه مورد نظر قانونگذار قرار گرفته است. با توجه به ۵۲ تبصره مندرج در قانون برنامه اول توسعه^۱، ۱۰۱ تبصره مندرج در قانون برنامه دوم توسعه^۲، ۱۹۹ ماده مندرج در قانون برنامه سوم توسعه^۳ و ۱۶۱ ماده

۱- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱ شورای نگهبان.

۲- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۷۳/۹/۲۰ شورای نگهبان.

۳- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۷۹/۱/۱۷ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۷۳/۱/۱۷ شورای نگهبان.

مندرج در قانون برنامه چهارم توسعه^۱ مورد بررسی و تدقیق قرار گرفته و تلاش شده است تا از میان احکام متعدد مندرج در این قوانین تمامی احکام حوزه بازرگانی به منظور بررسی روند حاکم بر سیاستگذاری تجاری در احکام برنامه‌های توسعه احصا شود. نتایج آن در جدول ۳-۲ آمده است.

جدول ۳-۲: مقایسه احکام قانونی بخش بازرگانی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در حوزه نظام تعرفه ای

موضوع	ماده مشابه برنامه اول	ماده مشابه برنامه دوم	ماده مشابه برنامه سوم	حکم قانونی برنامه چهارم
الف) تعرفه واردات و رفع موانع غیر تعرفه ای	تبصره ۱۴۱- افزایش یا کاهش سود بازرگانی به منظور حمایت از تولیدات داخلی و بالا بردن کیفیت آن،	جزء ۲ بند و تبصره «۱۹۱» تعیین اعمال تعرفه‌های سود بازرگانی (برای واردات) و عوارض (برای تولیدات داخلی) به نحوی که در صورت عدم رعایت مشخصات فنی و معیارهای تعیین شده از طرف دولت، تولیدکنندگان و واردکنندگان این تجهیزات مشمول پرداخت و تعرفه‌ها گردند. جزء ب بند «۳» تبصره «۲۱» تعیین نرخ‌های تعرفه‌ای حقوق گمرکی توسط مجلس شورای اسلامی و سود بازرگانی توسط دولت جزء ب بند «۳» تبصره «۲۱» نرخ‌های تعرفه و سود بازرگانی به نحوی تعیین می‌شود که قیمت تمام شده محصولات وارداتی از قیمت تضمینی محصولات مشابه داخلی کمتر نباشد. جزء ج بند «۳» تبصره «۲۱» ایقاع قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راهسازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آنها	ماده «۱۱۵» حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت ممنوعیت‌های شرعی و تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی	بند «ب» ماده ۴۱ تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه) مبتنی بر حمایت منطقی و مطابق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیت‌های تولیدی صادرات‌گرا بند «ز» ماده ۳۳ حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت موازین شرعی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمان‌بندی معین و در قالب پیش‌آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه
ب) معافیت حقوق ورودی	تبصره «۳۲» لغو کلیه معافیت‌های مالیاتی و گمرکی شرکت‌های دولتی و تفکیک عملیات انتفاعی آنها از عملیات اجتماعی و حمایتی دولت به منظور بهبود مدیریت، تعیین میزان قطعی اموال و دارایی‌ها و سهام دولت در شرکت‌های دولتی	بند «۱» تبصره «۲۱» شفاف کردن سوبسیدهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی جزء الف بند «۳» تبصره «۲۱» کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات، معافیت‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی وزارتخانه‌ها سازمان‌ها و... لغو می‌گردد. جزء الف بند «۳» تبصره «۲۱» تأمین اعتبارات لازم برای هزینه‌های ناشی از لغو معافیت	ماده «۵۸» از سال ۱۳۷۹ کلیه تخفیفها، ترجیحات و معافیت‌های مالیاتی و حقوق گمرکی کلیه دستگاه‌ها غیر از معافیت‌های برقرار شده بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی تجاری و... لغو می‌گردد.	ماده (۴) برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع می‌باشد.

مأخذ: قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، لوح حق (حافظه قوانین)، مجموعه قوانین و مقررات کشور، دفتر فناوری‌های نوین، معاونت پژوهشی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

با ملاحظه جدول فوق، ملاحظه می‌گردد در برنامه اول و دوم بیشتر سیاست جایگزینی واردات حاکم بر روح تصمیم‌گیری در خصوص سیاستهای تجاری و من جمله تعرفه بوده است. روند تبدیل سیاست جایگزینی واردات به

۱- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی، تأیید مصوب ۱۳۸۳/۶/۱۱ شورای نگهبان.

سیاست توسعه صادرات و انجام اصلاحات اقتصادی در کاهش سطوح تعرفه‌ای و آزاد سازی اقتصادی در سال‌های بعد از برنامه سوم کاملاً محسوس است. این روند در برنامه چهارم تکمیل شده به نحوی که دیگر به جای حمایت قطعی به حمایت منطقی و ضرورت ایجاد رقابت و تمرکز بر فعالیت‌های صادرات گرا تأکید می‌شود. در بررسی این مواد می‌توان به روند رو به اصلاح نرخ‌های تعرفه در طول سال‌های برنامه اشاره کرد به نحوی که به خصوص بعد از سال ۱۳۸۱ با تصویب قانون موسوم به تجمیع عوارض اصلاحاتی مطلوب در زمینه بهبود شرایط تعرفه‌ای کشور ایجاد شد.

یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های تجاری که در کشور در خصوص تعرفه در سال‌های مختلف به چشم می‌خورد سیاست‌های تجاری مربوط به معافیت از پرداخت حقوق ورودی است. در عین حال یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می‌آورد، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار و ایجاد مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره‌ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده‌ترین موارد ایجاد استثنا و مزیت در این امور مربوط به معافیت‌های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است.

همان‌طور که در جدول ۳-۲ مشاهده می‌شود، در تمامی برنامه‌های توسعه گذشته به موضوع معافیت‌ها توجه ویژه شده و تکرار این احکام در ماده (۴) قانون برنامه چهارم با این مضمون که برقراری هر گونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم و یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع است، مؤید این موضوع است که حذف و لغو معافیت‌های مندرج در قوانین مختلف یکی از اصلی‌ترین سیاست‌های برنامه‌ای بخش بازرگانی محسوب می‌شود.

با این حال بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که علیرغم تأکید به این حکم در قوانین مختلف، اراده‌ای جدی در عمل برای اجرای آن وجود ندارد، زیرا هر بار قوانین جدیدی در ابقای این گونه معافیت‌ها ارائه شده و گروه‌های ذینفع این گونه معافیت‌ها چه به صورت منطقه‌ای و یا کالایی به دنبال حفظ منافع خود در بهره‌گیری از این معافیت‌ها هستند. یکی از معضلات این حمایت‌ها آن است که همواره عده‌ای در صف اخذ مجوز دریافت این مزایا قرار دارند و خود را محق دریافت این حمایت‌ها دانسته و وجود تبعیض و حمایت در کنار خود عاملی برای ایجاد فضای عدم رقابت سالم دانسته و تقاضا دارند به گروهی بپیوندند که در حال استفاده از این مزایاست. بنابراین درخواست‌ها برای بهره‌مندی از این مزایا ادامه داشته و گروهی که با حمایت به فعالیت خود ادامه می‌دهند و به دلیل برخورداری از این حمایت‌ها به رفع ساختاری و اساسی مشکلات خود نمی‌پردازند. از این رو حمایت از بخش‌های دارای معضل یا صنایع نوپا تنها در کوتاه مدت توصیه می‌شود و همواره باید از حمایت‌های بلندمدت پرهیز شود.

به طور کلی در یک جمع‌بندی از سیاست‌های تجاری و نظام تعرفه کلان کشور می‌توان به مهمترین ویژگی‌های آن به شرح ذیل اشاره نمود:

۱- استراتژی تجاری در برنامه اول و دوم بیشتر سیاست جایگزینی واردات حاکم بر روح تصمیم گیری در خصوص سیاستهای تجاری و من جمله تعرفه بوده است. روند تبدیل سیاست جایگزینی واردات به سیاست توسعه صادرات و انجام اصلاحات اقتصادی در کاهش سطوح تعرفه ای و آزاد سازی اقتصادی در سالهای بعد از برنامه سوم کاملاً محسوس است. این روند در برنامه چهارم تکمیل شده است. اما آنچه در فرآیند تاریخی ملاحظه می گردد استراتژی تجاری ناظر بر بازرگانی کشور تلفیقی نامعین و نامشخص از سیاست جایگزینی واردات و توسعه صادرات است که در مورد جایگزینی واردات اساساً به حمایت متزلزل از تولیدات داخلی محدود می گردد. بالاخره معلوم نیست در مورد محصولات و کالاها در طول زمان استراتژی تجاری لحاظ شده جایگزینی واردات یا توسعه صادرات و یا تلفیق آن به چه صورت و در چه دوره زمانی است. بر اساس استراتژی تجاری مشخص، می توان از ابزارهای بازرگانی مناسب (از جمله تعرفه) برای حصول به اهداف برنامه های توسعه سود جست.

۲- در عین حال یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می آورد، وجود اصلاحیه های متعدد، تبصره های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار و ایجاد مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده ترین موارد ایجاد استثنا و مزیت در این امور مربوط به معافیت های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است. این موارد اثرگذاری ابزار سیاستی تعرفه را دچار اختلال کرده و از مسیر خود خارج می سازد.

۳- از آنجایی که اقتصاد کشور به نفت وابسته است، بیشتر جهت گیریهای سیاست تجاری بر اساس قیمت نفت و درآمد نفتی کشور است. زمانی که درآمد نفتی افزایش می یابد، نرخ تعرفه ها کاهش و واردت افزایش می یابد و برعکس در موقع کاهش درآمدهای نفتی به منظور جلوگیری از خروج ارز، تعرفه ها افزایش و واردات کنترل می شود. جالبتر اینکه در زمان بهبود درآمد نفتی ترکیب واردات کالا به سمت کاهش واردات کالاهای واسطه ای و افزایش واردات مصرفی تغییر می یابد. از این رو می توان درآمد نفتی را یکی از عوامل مهم در تعیین سیاست تجاری و نرخ تعرفه در ایران دانست که هیچ ربطی به هدف اصلی ابزار سیاستی (حمایت از تولید داخلی) نداشته و ناشی از شرایط کلان اقتصاد کشور است.

۴- بررسی سیاستهای تجاری برنامه های توسعه نشان دهنده آن است که بایستی تعرفه های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی بر اساس مزیت های نسبی برای گروه های کالا و متناسب با شرایط جهانی به منظور ایجاد شرایط رقابت بین المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید، اما باز هم روند تغییرات نرخ تعرفه نشان از حاکمیت شرایط موجود بوده تا مزیت نسبی و رقابت محصولات.

۵- همان طور که بررسی تاریخی سیاست تجاری و نظام تعرفه کلان کشور نشان می دهد تغییرات پیاپی سیاستهای تجاری (مانند نرخ ارز، پیمان ارزی، واردات بدون انتقال ارز، عوارض گمرکی، سود بازرگانی، موانع غیرتعرفه ای و غیره) بیشتر ناشی از شرایط موجود بدون توجه به اهمیت و نقش تجارت در اقتصاد اخذ شده که یکی از موانع موجود نظام فعلی تعرفه کشور است.

۶- همان طور که مشاهده می گردد بررسی قوانین مختلف بر حسب مرجع تصمیم گیری در خصوص تجارت خارجی کشور نشان از روند بیش از حد دولتی بودن بازار خارجی و کنترل آن از سوی دولت و تغییرات متناوب تصمیم گیریهای اتخاذ شده را می رساند. بیشتر این قوانین بدون توجه به اهمیت تجارت و نقش تجارت در اقتصاد به تصویب رسیده اند. تغییرات پیاپی و متناقض این قوانین بدون توجه به تاثیرگذاری آن بر اقتصاد کشور خود بهترین شاهد بر این مدعاست.

۷- بررسی روند تاریخی قوانین و مقررات نشان می دهد که قانون انحصار تجارت خارجی ایران، لایحه تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی، قانون کمک به توسعه صدور برخی از اقلام کالاهای صادراتی، قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران، قانون بودجه کشور، قوانین پولی و بانکی کشور، قانون صندوق ضمانت صادرات ایران، قانون تاسیس سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان از جمله قوانینی است که بر تجارت خارجی کشور تاثیرگذار بوده است. بنابراین لازمه توسعه تجارت خارجی معقول و مناسب هماهنگی و همسو بودن سایر قوانین مرتبط و تاثیرگذار با اهداف تجارت خارجی است که در غیر همسو نبودن ممکن است نتایج متناقضی حاصل شود.

۳-۴- سیاستهای تجاری و نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در برنامه های توسعه کشور
با توجه به بخش قبلی مطالعه و شناخت کلی فضایی که سیاستهای تجاری و تعرفه بخش کشاورزی در آن تعیین می گردد، در این بخش به موضوع تحقیق یعنی سیاست تجاری و ابزار تعرفه بخش کشاورزی پرداخته می شود.
سیاستهای تجاری

سابقه حمایت از تولید محصولات کشاورزی در ایران به سال ۱۳۴۳ و پس از شروع اصلاحات ارضی برمی گردد. به طور کلی اهم سیاستهای حمایتی به کار رفته در بخش کشاورزی طی سالهای گذشته به شکل های زیر بوده است:

- ☼ توزیع نهاده های مورد نیاز کشاورزان نظیر کود، سم و ماشین آلات با اعطای یارانه
- ☼ اعطای اعتبارات و تسهیلات با نرخ پایین و بازپرداخت در مدت زمان طولانی
- ☼ تقبل بخشی از حق بیمه محصولات کشاورزی و پرداخت غرامت و خسارت به کشاورزان
- ☼ قیمتگذاری و خرید تضمینی محصولات کشاورزی
- ☼ معافیت های مالیاتی تولیدکنندگان کشاورزی
- ☼ برقراری تعرفه و مابه التفاوت برای واردات بعضی از محصولات کشاورزی.

همان طور که ملاحظه می گردد یکی از سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی تعرفه هاست. بررسی تاریخی موضوع نشان می دهد که تصویب ماده یک قانون تجارت خارجی ایران (سال ۱۳۰۹) بیان می دارد که این تجارت در انحصار دولت است و دولت حق صادر کردن و وارد کردن کلیه محصولات طبیعی و صنعتی و تعیین میزان و شرایط ورود آنها را دارد. با توجه به ساختار دولتی رژیم تجاری در ایران (به خصوص در مورد محصولات کشاورزی) و محدود بودن ابزارهای تجاری، که به طور کلی شامل تعرفه، سود و حقوق بازرگانی و مجوزهای وارداتی می شود، بحث اصلی سیاست های تجاری ایران تقریباً محدود به استفاده از ابزار تعرفه خواهد بود. البته طی چند دهه گذشته از

ابزارهای حمایت دیگری نیز استفاده شده است، هر چند در تمامی سال‌ها به دلیل دولتی بودن ساختار تجارت خارجی و با توجه به درآمدهای حاصل از فروش نفت، ابزار تعرفه به طور مؤثر و کارآمد تعیین نشده و اصولاً اهمیت چندانی نداشته است.

در برنامه اول توسعه دولت موظف گردید سیاستهای بازرگانی مناسب را برای توسعه صادرات محصولات کشاورزی کشور اتخاذ کرده به بازاریابی خارجی و ایجاد صنایع تبدیلی و بسته بندی محصولات صادراتی کشاورزی اولویت دهد. در این برنامه اعلام شد که حمایت از محصولات کشاورزی داخلی در مقابل محصولات کشاورزی خارجی به تدریج کاهش یافته و سپس لغو شود تا کیفیت داخلی افزایش یافته و به حد محصولات خارجی برسد و تولید کالاهای کشاورزی بر اساس مزیت نسبی و تخصیص در تولید بهینه گرایش پیدا کند.

در برنامه دوم توسعه به منظور ارتقاء توان رقابت تولیدات داخلی در مقابل واردات و حمایت منطقی از تولیدات داخلی کشاورزی و دامی نرخهای تعرفه و سود بازرگانی به نحوی تعیین می شود که قیمت تمام شده محصولات وارداتی از قیمت تضمینی محصولات مشابه داخلی کمتر نباشد و در مورد محصولات کشاورزی که دولت برای آنها قیمت تضمینی اعلام ننماید نیز به نحوی عمل شود که تولید کنندگان داخلی محصولات از واردات آسیب نبینند.

در برنامه سوم به عنوان یک سیاست مشخص و به منظور باز کردن فضای تجاری کشور در اصل ۱۱۵ قانون برنامه سوم تصریح شده است که تمامی موانع غیر تعرفه‌ای حذف و با موانع تعرفه‌ای جایگزین شوند. جهت گیریهایی برنامه سوم و در کل جهت گیری ساختار رژیم تجاری کشور حرکت در جهت باز نمودن فضای تجاری کشور و مناسب نمودن رژیم تجاری کشور است و سعی می شود تا ساختار تجاری کشور هر چه بیشتر با معیارهای جهانی همسان و مطابق شود.

در برنامه چهارم به عنوان یک سیاست مشخص و به منظور باز توسعه تجاری کشور در ماده ۳۳ قانون برنامه چهارم تصریح شده است که سند ملی بازرگانی در جهت حرکت به سوی باز نمودن فضای تجاری کشور و مناسب نمودن رژیم تجاری کشور است و سعی می شود تا ساختار تجاری کشور هر چه بیشتر با معیارهای جهانی همسان و مطابق شود.

به طور کلی ملاحظه می گردد که سیاستهای تجاری بخش کشاورزی نیز الهام گرفته از سیاستهای تجاری کل اقتصاد بوده و همان ویژگیها و خصوصیات برشمرده را داراست .

نظام تعرفه (نرخ و نوع تعرفه)

بخش کشاورزی بر اساس نظام هماهنگ تعرفه‌ای شامل ۲۴ فصل بوده که با توجه به این طبقه‌بندی، مهمترین سیاستهای تعرفه‌ای در نظر گرفته شده برای بخش کشاورزی ایران طی برنامه‌های توسعه کشور به شرح زیر می باشد: برنامه اول توسعه : اولین برنامه توسعه بعد از انقلاب در شرایطی به مورد اجرا گذارده شد که کشور با تنگناهای زیربنایی و خسارت‌های شدید از جنگ روبرو بود.^۱ در سال ۱۳۷۲ متعاقب تضعیف ارزش خارجی پول ملی از ۷۰

۱ - در برنامه اول توسعه سیاست هایی از جمله: لغو پیمان ارزی، یکسان سازی نرخ ارز، خرید ارز حاصل از صادرات غیرنفتی به نرخ شناور و تسهیل در واردات کالاهایی که به طور مستقیم و غیرمستقیم در تولید کالاهای صادراتی استفاده می شوند، در دستور کار گذاشته شد.

ریال به ۱۷۵۰ ریال به ازای هر دلار، دولت با تغییر مأخذ محاسبه حقوق گمرکی متناسب با تغییر نرخ ارز، نسبت به تجدیدنظر در نرخ آن و کاهش اغلب آن نرخ‌ها اقدام نمود.

بررسی موانع تعرفه‌ای کشاورزی طی سال‌های قبل و بعد برنامه اول (۱۳۶۷ و ۱۳۷۴) گویای آن است که: در سال ۱۳۶۷، نرخ‌های تعرفه (اعم از حقوق گمرکی و سود بازرگانی) محصولات کشاورزی حداقل ۵ درصد مربوط به غلات، دانه‌ها و میوه‌های روغندار و حداکثر ۴۰ درصد مربوط به نوشابه‌ها، آبگوشت‌ها، قند و شیرینی، کاکائو و فرآورده‌های آن و متوسط نرخ تعرفه گمرکی محصولات کشاورزی فوق ۱۲۱/۲۵ درصد بوده است. بخش مهمی از تعرفه گمرکی را سود بازرگانی تشکیل می‌داد؛ چرا که از کل ۱۲۱/۲۵ درصد تعرفه گمرکی، ۹۶/۵۲ درصد مربوط به سود بازرگانی و بقیه مربوط به حقوق گمرکی بوده و میانگین سود بازرگانی ۳/۶۳ برابر حقوق گمرکی بوده است. از بررسی وضعیت تعرفه گمرکی سال‌های ۱۳۶۷ و ۱۳۷۱ و مقایسه آن دو با یکدیگر مشاهده می‌شود که تغییر محسوسی در آن صورت نگرفته و همچنان حداقل تعرفه گمرکی ۱۰ درصد، حداکثر ۴۰ درصد و میانگین آن ۱۱۹/۸ درصد بوده است و به علاوه دامنه پراکنش تعرفه این محصولات بالا بوده است؛ به طوری که حداکثر تعرفه گمرکی بیش از ۴۰ برابر حداقل حقوق گمرکی آن محصولات است و در واقع از برخی محصولات کشاورزی بیش از ۴ برابر قیمت سیف وارداتی حمایت اسمی صورت می‌گرفت. بطور کلی تعرفه گمرکی اسمی بسیاری از محصولات کشاورزی طی سال‌های ۷۱-۱۳۶۷ بالا بوده و در این میان، میانگین تعرفه گمرکی فصول ۱۸ (کاکائو و فرآورده‌های آن)، ۲۲ (نوشابه و آبگوشت‌ها) و ۲۴ (توتون و تنباکو) بیش از ۲۰۰ درصد بوده و از تولید این فصول بیش از دو برابر ارزش آن، حمایت اسمی صورت می‌گرفت (مقررات صادرات و واردات، ۷۳-۱۳۶۷).

برنامه دوم توسعه: در پی تنگناهای ارزی، بحران بدهی‌های خارجی و عدم تحقق برخی پیش‌بینی‌ها برای متغیرهای کلان و بخش خارجی اقتصاد در برنامه اول، در برنامه دوم توسعه نیز بر گسترش صادرات غیرنفتی تأکید شد که نشان از گرایش برنامه به استراتژی توسعه برون‌گرا داشت. به منظور اصلاح نظام تجارت خارجی، اعمال و پیگیری خط‌مشی‌هایی در برنامه مورد تصریح قرار گرفت که مهمترین آنها اصلاح نظام ارزی بود. در قانون برنامه دوم، نظام ارزی کشور منطبق بر نظام شناور مدیریت شده، تعریف شد و به علاوه حذف رویه‌های دست و پاگیر گمرکی و تسهیل مراحل ترخیص کالا، بکارگیری روش‌های مناسب به منظور بهره‌گیری از امتیازات خاص در روابط تجاری و بالاخره تدوین نظام تعرفه‌ای مناسب، به منظور حمایت معقول از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان و زمینه‌سازی برای بروز مزیت‌های نسبی کشور تأکید شد. گفتنی است بسیاری از موارد فوق در طول برنامه عملاً به اجرا نیامد.^۱

طی سال‌های ۷۴-۱۳۷۲، متعاقب تغییر مبنای نرخ ارز، نرخ حقوق گمرکی و سود بازرگانی محصولات کشاورزی نیز تغییر یافت. در سال ۱۳۷۴، حقوق گمرکی در سود بازرگانی ادغام گردید. حداقل تعرفه گمرکی ۵ درصد مربوط

۱ - چرا که شناور نمودن نرخ ارز - از سال ۱۳۷۴ مبتنی بر نرخ‌های تثبیتی بود - در طول برنامه عملاً به اجرا درنیامد و اقدامات مهمی در راستای اصلاح نظام تجاری صورت نگرفت. در این صورت دوره اعمال سیاست‌های اقتصادی مختلف که به منظور کنترل هر چه بیشتر واردات بویژه واردات کالاهای غیرضروری و مصرفی اتخاذ شد، موجب گردید تا رشد واردات کشور در سطح پایین‌تری نسبت به رشد پیش‌بینی شده در برنامه قرار گیرد. عوامل کاهش شدید قیمت نفت در بازارهای جهانی و در نتیجه کاهش درآمدهای ارزی و اعمال فشار از بازارهای مالی بر اقتصاد کشور، بویژه در سال‌های پایانی برنامه و همچنین اتخاذ سیاست‌هایی که به منظور کاهش فشار تقاضا به بازار آزاد ارز صورت می‌گرفت نیز از دلایل عدم تحقق پیش‌بینی واردات محسوب می‌شوند.

به فصول (۵۳، ۲۴، ۱۵، ۱۳، ۱۰، ۹، ۶، ۵، ۴ و ۱) و حداکثر ۱۰۰ درصد به فصول (۱، ۲، ۱۵، ۱۷، ۱۸، ۲۲ و ۲۳) تعلق داشت و با وجود کاهش میانگین تعرفه از ۱۲۱/۲۵ درصد در سال ۱۳۶۷ به ۳۳/۰۳ درصد در سال ۱۳۷۲، همچنان دامنه پراکنش آن بالا بود.

بررسی موانع تعرفه‌ای محصولات کشاورزی^۱ برای سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۷۸ گویای آن است که، در حقوق گمرکی این محصولات، تغییرات چندانی ملاحظه نمی‌شود؛ چرا که میانگین حقوق گمرکی این محصولات از ۱۰/۵۲ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۱۰/۴۸ در سال ۱۳۷۸، تغییر چندانی نیافت، اما میانگین سود بازرگانی (اسمی) از ۲۷/۳۴ درصد در سال ۱۳۷۵ به ۷۱/۳۹ درصد در سال ۱۳۷۸ افزایش چشمگیری یافت. میانگین کل تعرفه از ۳۷/۵۱ درصد ۱۳۷۵ به ۸۰/۲۹ درصد در سال ۱۳۷۸، به بیش از دو برابر رسید.^۲ به علاوه، در سال ۱۳۷۵، حداقل میانگین تعرفه گمرکی به رقم ۵ درصد به فصل ۵۱ (پشم و کرک) و حداکثر میانگین تعرفه گمرکی به رقم ۱۰۵ درصد به فصل ۱۸ (کاکائو و فرآورده‌های آن) تعلق داشت، حال آنکه در سال ۱۳۷۸، حداقل و حداکثر میانگین تعرفه گمرکی به دو فصل غلات (فصل ۱۰) و دانه‌ها و میوه‌های روغنی (فصل ۱۲) تعلق داشت (مقررات صادرات و واردات، ۷۸-۱۳۷۴).

برنامه سوم توسعه: بررسی موانع تعرفه‌ای کشاورزی برای سه سال اول برنامه سوم توسعه نشان می‌دهد که در سال اول برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹) تحولی در موانع تعرفه‌ای محصولات فوق ملاحظه نمی‌شود، این در حالی است که موادی از برنامه سوم توسعه صراحتاً به اصلاح سیاست تجاری تأکید داشت و در سال دوم برنامه سوم توسعه (۱۳۸۰) برخی اقدامات در راستای افزایش سود بازرگانی برخی از آن محصولات صورت گرفت به نحوی که میانگین سود بازرگانی از ۷۴/۲۷ درصد در سال ۱۳۷۹ به ۷۹/۴۶ درصد در سال ۱۳۸۰ افزایش یافت اما از فروردین ۱۳۸۱ تحولات اساسی در سیاست تجاری مشخصاً موانع تعرفه‌ای محصولات کشاورزی صورت گرفت که در ذیل به آن موارد اشاره می‌شود (مقررات صادرات و واردات، ۸۱-۱۳۷۹):

۱ - مبنای نرخ ارز موانع تعرفه‌ای از ۱۷۵۰ ریال به ازای هر دلار به ۷۷۰۰ ریال به ازای هر یک دلار، حدود ۴/۴ برابر (به نسبت ۵ به ۲۲) افزایش یافت. این تغییر مبنای افزون بر شفافیت مقررات و تسهیل محاسبات، از تبعیضات، رانت‌ها و امتیازات حاکم بر واردات نیز به طور چشمگیری کاست. متعاقب این تغییر مبنای، نرخ حقوق گمرکی و سود بازرگانی واقعی‌تر شد. از مقایسه سطح کلی موانع تعرفه‌ای اعمال شده بر واردات محصولات کشاورزی طی دو سال ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱، نتیجه می‌شود که میانگین سطح اسمی کل موانع تعرفه‌ای از ۸۸/۸۸ درصد در سال ۱۳۸۰ به ۲۷/۸۴ درصد در سال ۱۳۸۱ رسید. این کاهش در مورد حقوق گمرکی به مراتب بیشتر از سود بازرگانی موضوعیت دارد. در واقع میانگین حقوق از ۸/۶۲ درصد به یک درصد، و نیز میانگین سود از ۸۰/۳۶ درصد به ۲۶/۸۴ درصد رسید. این تحولات در جهت منطقی شدن و اصلاح سیاست تجاری صورت پذیرفت.

۱ - مشتمل بر ۵ قسمت، ۲۷ فصل، ۲۰۸ شماره تعرفه و ۷۱۴ کد HS

۲ - البته در طول سال‌های برنامه دوم توسعه ارزش خارجی پول ملی در بازار آزاد کاهش یافت و مبنای حقوق گمرکی و سود بازرگانی در طول برنامه دوم توسعه ثابت و برابر ۱۷۵۰ ریال بود. پس میانگین تعرفه‌های گمرکی واقعی محصولات کشاورزی تغییر محسوسی نیافت.

۲- حقوق گمرکی محصولات فوق طی سال‌های ۱۳۸۰ و ۱۳۸۱ به یک درصد تقلیل یافت و به طور یکنواخت برای تمامی کالاها به میزان یک درصد اعمال شد و به سبب یکنواختی حقوق گمرکی بر آن کالاها، حداقل، حداکثر و میانگین آن برابر یک بود. با توجه به یک درصد بودن نرخ حقوق گمرکی، گویای نقش کم و نازل آن به عنوان یک مانع تعرفه‌ای است.

سود بازرگانی در سیاست تجاری کشاورزی ایران نقش پررنگی را ایفا می‌نماید. به دلیل کاهش حقوق گمرکی به یک درصد، سود بازرگانی مهمترین متغیر مانع تعرفه‌ای محسوب می‌شود. از بررسی سود بازرگانی، حداقل سود بازرگانی به رقم ۲ درصد به فصل ۱۵ (چربی‌ها و روغن‌های حیوانی) و حداکثر سود بازرگانی به رقم ۱۲۵ درصد به فصل ۲۳ (آمال و تفاله صنایع خوراک‌سازی) تعلق دارد. با توجه به حد پایین و بالای سود بازرگانی (۲ در مقایسه با ۱۲۵ درصد) گویای دامنه پراکنش بالای سود بازرگانی این محصولات است. از بررسی میانگین سود بازرگانی ۲۷ فصل کشاورزی، حداقل میانگین سود بازرگانی به فصل ۱۰ (غلات) به میزان ۳/۱۳ درصد و حداکثر میانگین سود بازرگانی به فصل ۲۲ (نوشابه‌ها، آبگون‌های الکلی و سرکه) برابر ۶۹/۹ درصد تعلق دارد.

۳- در یک دسته‌بندی کلی موانع تعرفه‌ای دو فصل ۲۲ و ۲۰ بیش از ۵۰ درصد بوده، در حالی که موانع تعرفه‌ای فصول ۱۰، ۱۳، ۲۳، ۲۵ کمتر از ۱۰ درصد بوده است و میانگین موانع تعرفه‌ای کلیه ۲۷ فصل نیز ۲۷/۱۴ درصد برآورد می‌شود و نیز فراوانی نسبی فصولی که دارای تعرفه بیش از ۱۵ درصد و کمتر از ۵۰ درصد بوده، بالاست و در نتیجه با وجود تغییر مبنای حقوق و کاهش قابل ملاحظه سود بازرگانی طی آن سالها، موانع تعرفه‌ای همچنان بالاست.

۴- اگر تغییرات صورت گرفته در موانع تعرفه‌ای را با تغییرات تغییر مبنای نرخ ارز استفاده شده در آن تعدیل نمایم، آنگاه نتیجه می‌شود که سطح واقعی موانع تعرفه‌ای در سال ۱۳۸۱ در مقایسه با سال قبل افزایش نیز یافته است؛ به عبارتی در میانگین سطح اسمی موانع تعرفه‌ای محصولات از ۸۸/۹۸ درصد به ۲۷/۸۴ درصد کاهش یافته، اما مبنای ارز موانع گمرکی از ۱۷۵۰ ریال به ازای یک دلار به ۷۷۰۰ ریال افزایش یافته؛ در واقع اگر کل سطح واقعی موانع گمرکی در سال ۱۳۸۰ برابر با ۱۰۰ باشد، آنگاه در سال ۱۳۸۱، میانگین سطح واقعی موانع گمرکی به ۱۳۷/۷ رسیده که گویای آن است با وجود شفافیت و واقعی تر شدن مبنای موانع تعرفه‌ای واقعی واردات محصولات کشاورزی رو به افزایش گذاشته است.

برنامه چهارم توسعه: بررسی موانع تعرفه‌ای کشاورزی برای دو سال اول برنامه چهارم توسعه نشان می‌دهد که در جهت کاهش ردیف‌های تعرفه‌ای اقدام شده است. در سال ۱۳۸۴ میانگین اسمی تعرفه برای کلیه ردیف‌های تعرفه ۲۹/۸ درصد است. بالاترین میانگین اسمی در این سال به فصل ۲۲ به مقدار ۷۴/۳۵ درصد تعلق دارد. حال آنکه فصل بیست و چهار با میانگین اسمی ۶ درصد کمترین مقدار میانگین تعرفه را دارد. حداقل مقدار تعرفه در سال ۱۳۸۴، ۴ و حداکثر آن ۱۵۰ درصد می‌باشد. حداقل تعرفه به محصولات نظیر گندم، جو، ذرت، صدف، ماهی و تخم چغندر و تعرفه حداکثر به بخش سایر برنج و سایر قندو شکر از چغندر قند و نیشکر تعلق دارد.

در سال ۱۳۸۴، در مجموع ۱۸ طبقه تعرفه‌ای وجود دارد. در این سال از محصولات کشاورزی حقوق گمرکی دریافت شده است. بالاترین سطح حمایت تعرفه‌ای به ترتیب به فصل ۸ (میوه‌ها) با سطح تعرفه ۶۰/۸۲ درصد، فصل

۲۰ (فرآورده های میوه و سبزی ها) با سطح تعرفه ۵۰/۴۵ درصد و فصل ۲ (گوشت و احشاء حیوانی) با سطح تعرفه ۵۰ درصد تعلق دارد.

در سال ۱۳۸۵ میانگین اسمی تعرفه برای کلیه ردیف های تعرفه ۳۵/۶۵ درصد است. بالاترین میانگین اسمی در این سال به فصل ۲۲ به مقدار ۱۴۸/۱۸ درصد تعلق دارد. حال آنکه فصل بیست و چهار با میانگین اسمی ۶ درصد کمترین مقدار میانگین تعرفه را دارد. حداقل مقدار تعرفه در سال ۱۳۸۵، ۴ و حداکثر آن ۲۰۰ درصد می باشد. حداقل تعرفه به محصولات نظیر گندم، جو، ذرت، صدف و ماهی و تعرفه حداکثر به موی خوک، آرد دانه خشخاش، ترپاک، گوشت خوک و روغن خوک تعلق دارد.

بررسی اطلاعات نشان می دهد که میانگین وزنی تعرفه های مشمول موافقتنامه کشاورزی در سالهای پایانی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ کاهش یافته است. در طی این ۱۲ سال، ۵ سال میانگین وزنی تعرفه ها بالاتر از ۲۰ درصد و تنها در یک سال میانگین وزنی تعرفه ها از ۵۰ درصد بیشتر است (در سال ۷۹ میانگین وزنی تعرفه ها ۵۴/۰۷ درصد است) و در مابقی سالها نیز میانگین وزنی تعرفه ها بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است. اطلاعات نشان می دهد که طی دوره مورد بررسی میانگین وزنی تعرفه های بخش کشاورزی در حدود ۲ درصد رشد داشته اما در فصول ۲۱، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۳۸، ۲۰ و ۲۴ روند کاهشی میانگین وزنی تعرفه ها مشاهده می گردد. شکاف عمیقی بین میانگین های ساده و وزنی تعرفه ها مشاهده می شود این مسئله چند نکته را نشان می دهد اولاً: سیستم تعرفه ای کشور در بخش کشاورزی در تحدید واردات غیر موثر بوده است. ثانیاً: بیشتر واردات مربوط به کالاهای دارای تعرفه های پایین بوده است. ثالثاً: کالاهای دارای تعرفه بالا کمترین واردات را داشته اند. در نگاه نخست شاید اینگونه استنباط شود که تعرفه ها به گونه ای اعمال شده اند که جلوی واردات کالاهای حساس را بگیرند و واردات کالاهای مورد نیاز به قیمت ارزان میسر شود. اما دقت در وضع تعرفه ها بر کالاهای مختلف در سالهای مختلف نشان می دهد که تعرفه های بالا عمدتاً بر کالاهای دارای ممنوعیت شرعی و کالاهای مزیت دار کشور همچون پسته و زعفران وضع شده است و عدم امکان واردات برای این قبیل کالاها به دلایل قانونی و اقتصادی باعث ایجاد شکاف بین تعرفه های ساده و اسمی شده است.

با توجه به میانگین تعرفه ها طی دوره مورد بررسی، فصلهای (۲۳، ۱۳، ۱۲، ۱۰) مشمول کمترین حمایت تعرفه ای (۱۵/۳، ۲۵/۹، ۲۰/۴ و ۱۰/۶) در مقایسه با سایر فصلها بوده اند. فصل دهم (غلات) دربردارنده محصولات ضروری است که یا با بحث امنیت غذای جامعه در ارتباط هستند و یا جزو مواد اولیه صنعت دامپروری محسوب می شوند و برخی از آنها مانند گندم فقط از طریق دولت وارد می شود. از این رو در مورد برخی از آنها از سالهای دور سیاست واردات ارزان قیمت تعقیب شده است. ولی در بعضی موارد مانند برنج نرخ تعرفه آن از ۱۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تبدیل شده است. کاهش نرخ تعرفه در سایر غلات نیز مشاهده می شود تعرفه جو از اول اردیبهشت ماه تا پایان تیرماه هر سال ۲۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد و تعرفه ذرت دانه ای از ۱۵ شهریور ماه لغایت ۱۵ بهمن ماه هر سال ۱۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد مصوب شده است.

محصولات فصل دوازدهم (نباتات صنعتی و دانه های روغنی و بذور محصولات) در راستای نیاز کشور به تامین بذر مورد نیاز برای کشت و عدم توانایی کشور در تولید دانه های روغنی در طول سالهای مورد بررسی معمولاً سطح تعرفه های پایین داشته است.

فصل ۱۳ که به صمغ‌ها و رزین‌ها تعلق دارد از حمایت تعرفه‌ای پائینی در سالهای گذشته برخوردار بوده است. از آنجا که کالاهای این فصل جزو کالاهای حساس و راهبردی برای کشور محسوب نمی‌شده (در تعیین کالاهای استراتژیک و مهم بخش کشاورزی) تامین ارزان قیمت آنها از خارج، سیاست مناسبی به نظر می‌رسد و از این رو نرخ تعرفه پائینی را دارا بوده است.

فصل ۲۳ به کنجاله‌ها و محصولات فرعی صنایع روغن کشی اختصاص دارد. محصولات این فصل از یک سو جز تولیدات صنایع تبدیلی و روغن کشی محسوب می‌شوند و از سوی دیگر به عنوان نهاده در تغذیه دام و طیور مورد استفاده قرار می‌گیرند. همچنین بر محصولات این فصل تعرفه پائینی (۱۰/۶) در مقایسه با سایر فصول اعمال شده است که این سیاست با سیاست توسعه صنایع روغن کشی در تعارض قرار دارد.

اما محصولات فصلهای (۲۲، ۲۱، ۲۰، ۱۸، ۱۶، ۸، ۶) مشمول بیشترین حمایت تعرفه‌ای در طول دوره بوده‌اند. محصولات فصل ۲۲ در سالهای گذشته از بالاترین حمایت تعرفه‌ای برخوردار بوده‌اند. این در حالی است که محصولات این فصل دارای سطح ممنوعیت بسیار بالایی (۱۰۵/۷، ۵۹/۱، ۸۴/۱، ۵۵/۶، ۷۸/۱، ۸۵/۳ و ۴۶/۱) در مقایسه با سایر فصول نیز هستند. با توجه به ممنوعیت ورود اغلب محصولات این فصل نیازی به در نظر گرفتن سطح تعرفه‌های بالا برای این فصل نیست.

فصلهای ۲۱، ۲۰، ۱۸ و ۱۶ دربردارنده محصولات فرآیندی هستند و اعمال تعرفه‌های بالا بر محصولات این فصلها با توجه به قدرت اشتغال زایی ایجاد ارزش افزوده و ارز آوری این فصلها منطقی به نظر می‌رسد. به طور کلی همه کشورهای دنیا با بهره‌گیری از اصل «تعرفه پلکانی» محصولات فرآیندی خود را مشمول حمایت تعرفه‌ای بالا قرار می‌دهند به خصوص محصولات فصل ۲۰ (فرآورده‌های میوه و سبزی‌ها) با توجه به اینکه ماده اولیه تولیدات این فصل از تولیدات عمده کشور محسوب می‌شوند حمایت تعرفه‌ای بالا از محصولات این فصل ضروری است.

محصولات فصل هشتم نیز از حمایت تعرفه‌ای بالایی در مقایسه با سایر فصول برخوردار هستند. چرا که در اغلب تولیدات این فصل کشور دارای مزیت نسبی بالایی در تولید می‌باشد. محصولات این فصل با توجه به عواملی همچون سطح زیر کشت بالا، توان اشتغال زایی و ارزآوری تولیدات با اهمیتی برای کشور محسوب می‌شوند و از این نظر حمایت از آنها ضروری است. متأسفانه تعرفه‌ها در برخی از محصولات این فصل به طور غیر منطقی کاهش یافته است به عنوان مثال تعرفه اغلب میوه‌ها در چهار سال اخیر از میانگین ۲۶ درصد به ۴ درصد کاهش یافته است که بهتر است تعرفه آنها در سطح منطقی‌تر با توجه به وضعیت قیمتهای داخلی و جهانی تعیین شود. در برخی دیگر از محصولات حساس و استراتژیک با کاهش نرخ تعرفه روبرو شده‌اند. مانند تغییر نرخ تعرفه گوشت که از ۴۶ درصد به ۴ درصد و یا شکر خام از ۱۲۰ درصد به ۴ درصد و شکر سفید از ۱۵ درصد به ۱۰ درصد و شیرخشک از ۳۰ درصد به ۴ درصد کاهش یافته‌اند (در سال ۱۳۸۵ و سال ۱۳۸۷). همچنین در وضع تعرفه پنبه، در سال ۱۳۸۵ تعرفه واردات پنبه دو نرخ (۴ درصد برای پنبه‌های با طول تار بلند و ۲۰ درصد برای پنبه‌های مشابه تولید داخلی) که در سال ۱۳۸۶ به تک نرخ ۱۵ درصد تبدیل و در سال ۱۳۸۷ تعرفه واردات پنبه صفر شد.

در میان محصولات کشاورزی شکر به دلایل مختلف بعد از برنج از بیشترین مقدار حمایت برخوردار است و بخش عمده حمایتها از طریق مکانیسم بازار یا به عبارتی سیاست قیمتگذاری صورت می‌گیرد. اتحادیه اروپا، کره،

ژاپن و ترکیه از جمله طرفداران پرو پا قرص حمایت از طریق مکانیسم بازار (سیاست قیمتی) هستند که با تلفیق آن با اقدامات مرزی مانند: تعرفه‌های بالا و سهمیه‌ها و مجوزهای وارداتی و غیره به حمایت از تولید داخل می‌پردازند علاوه بر این پرداخت یارانه‌های سنگین صادراتی به برخی از آنها اجازه می‌دهد که کالاها را با قیمتی کمتر از بازار داخلی صادر کنند که این امر موجب انحراف الگوی تجارت جهانی می‌شود. به این علت که قیمتهای جهانی را کمتر از حد واقعی نشان می‌دهد. به طور کلی همه کشورهای دنیا با بهره‌گیری از اصل تعرفه پلکانی محصولات فرآیندی خود را مشمول حمایت تعرفه‌ای بالا قرار می‌دهند لذا حمایت تعرفه‌ای بالا از این محصول ضروری است. تعرفه‌های سنگین ۷۵ درصد در اتحادیه اروپا و تعرفه تثبیتی ۳۵۴ درصد در ژاپن و تعرفه ۱۲۵ درصد در آمریکا به همراه سهمیه بندی واردات برای حمایت از تولید داخلی در این کشورها به منظور حمایت از این کالا اعمال می‌شود.

مرور وضعیت فعلی نظام تعرفه‌ای کشور در بخش کشاورزی نشان می‌دهد که نظام فعلی تعرفه‌های کشاورزی بر پایه نظام تک ایزاری (تعرفه ارزشی) بنا شده است و نرخ تعرفه‌ها ارتباط معناداری با درآمدهای کشور و به ویژه شوک‌های نفتی دارد و همواره با افزایش درآمدهای نفتی افزایش واردات در دستور کار قرار گرفته و برای حصول به این هدف نرخ تعرفه‌ها کاهش می‌یابد.

نحوه عمل دولتها در ایران در هنگام بروز شوک نفتی سالهای مختلف (قبل و بعد از انقلاب) با موارد گذشته هیچ گونه تفاوتی نداشته و با افزایش درآمدهای نفتی و بهبود وضعیت منابع ارزی کشور، حمایت تعرفه‌ای از بخش تولید کشاورزی به کنار گذاشته شده و با بی‌توجهی نسبت به کاهش تعرفه‌ها (سیاست افزایش نرخ تعرفه کالاهای ممنوع الوارد و کاهش تعرفه کالاهای اساسی و مهمترین تولیدات کشاورزی کشور) اقدام و باعث افزایش واردات و گاه کاهش تولید داخلی شده است. به عنوان نمونه تولید شکر از ۱/۲۵۸ میلیون تن در سال ۱۳۸۵ به ۱/۰۴۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۶ و یک سال پس از آن (۱۳۸۷) به نصف یعنی حداکثر ۵۲۰ هزار تن کاهش یافته است.

موضوع مهم دیگر تغییر و نوسان زیاد نرخ تعرفه در طول زمان است. به طوری که به عنوان نمونه نرخ تعرفه برنج از ۱۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به تعرفه ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تبدیل شده است. کاهش نرخ تعرفه در سایر غلات نیز مشاهده می‌شود تعرفه جو از اول اردیبهشت ماه تا پایان تیرماه هر سال ۲۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد و تعرفه ذرت دانه‌ای از ۱۵ شهریور ماه لغایت ۱۵ بهمن ماه هر سال ۱۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد مصوب شده است. تعرفه اغلب میوه‌ها در چهار سال اخیر از میانگین ۲۶ درصد به ۴ درصد کاهش یافته است و از ابتدای سال ۱۳۸۴ تا ۱۸ تیر ماه این سال حقوق ورودی محصولات باغی مانند سیب، پرتقال و نارنگی هر کدام ۴۵ درصد ارزش کالا بوده ولی از آن تاریخ به منظور حمایت از مصرف کننده از ۱۸ تیر تا ۲۸ آذر ماه سال ۱۳۸۴ تعرفه واردات آن به صفر کاهش یافت و از ۲۸ آذر تا ابتدای اسفند ماه ۲۶ درصد افزایش یافت و همچنین تعرفه واردات این محصولات از اردیبهشت تا اسفند سال ۱۳۸۷ افزایش داشته و از ۱۵ اسفند تا پایان اردیبهشت سال ۱۳۸۸ سود بازرگانی اقلام صفر شده است. همچنین در وضع تعرفه پنبه، در سال ۱۳۸۵ تعرفه واردات پنبه دو نرخ (۴ درصد برای پنبه‌های با طول تار بلند و ۲۰ درصد برای پنبه‌های مشابه تولید داخلی) که در سال ۱۳۸۶ به تک نرخ ۱۵ درصد تبدیل و در سال ۱۳۸۷ تعرفه واردات پنبه صفر شد. به عنوان نمونه دلایل صفر شدن تعرفه واردات پنبه در سال ۱۳۸۷ موارد ذیل اعلام شده است:

۱- با توجه به سطح کشت و پیش بینی های تولید این اقدام در جهت تامین کسری محلول مورد نیاز صنایع نساجی و به دلیل در خواسته های مکرر صنایع نساجی صورت گرفته است .

۲- علاوه بر کاهش سطح زیر کشت و تولید پنبه از آنجایی که عمده واردات محلول، از کشورهای آسیای میانه و به ویژه از کشور ازبکستان صورت می گیرد (بیش از ۹۰ درصد واردات) و این کشور به استناد قراردادهای فی مابین از ۵/۵ درصد ترجیحات تعرفه برخوردار است لذا در عمل میزان تعرفه اعمال شده بدون لحاظ ۴ درصد سود بازرگانی ۵/۵ درصد بوده است . ضمناً از دلایل دیگر آن افزایش قیمت پنبه در بازار جهانی توام با افزایش هزینه حمل و در نتیجه وضع این تعرفه در جهت متعادل کردن قیمت نخ و پارچه و پنبه داخلی بوده است.

کاهش میزان تعرفه ها شاید، ساده و کم اثر به نظر بیاید ولی هر گاه دولت تعرفه کالاهای کشاورزی را کاهش داده است کشاورزان با مشکلات اساسی اقتصادی روبرو شده اند. از مصادیق این وضعیت می توان به واردات بی رویه شکر که در اثر کاهش تعرفه واردات (از ۱۲۰ درصد سال ۱۳۸۳ به ۴ درصد سال ۱۳۸۶) آن به وجود آمد اشاره کرد. طی آن فرآیند کارخانه های قند و شکر به حالت تعطیل درآمده و دیگر خریداری برای چغندر وجود نداشت لذا کشاورزان از کشت آن منصرف شده و با توجه به نیازهای مشابه اکولوژیکی چغندر با سبب زمینی، اکثر چغندرکاران به کشت سبب زمینی روی آورده و قیمت سبب زمینی در سال ۱۳۸۷ آن قدر پایین آمد که کشاورزان را دچار مشکلات عدیده ای کرد تا جایی که دولت مجبور به خرید سبب زمینی از کشاورزان و توزیع آن به صورت رایگان بین مردم شد.

دولت برای کاهش نرخ تورمی که ناشی از اعمال سیاستهایی از قبیل افزایش نقدینگی بوده است با کاهش تعرفه واردات محصولات کشاورزی به میلیونها تولید کننده زیان وارد کرده است هر چند برخی از مسئولین کشاورزی و بازرگانی کشور برای توجیه میزان بالای واردات به ویژه محصولات کشاورزی به بسته بودن دست دولت در موضوع واردات با توجه به برخی مستندات برنامه چهارم و همچنین قانون تجارت استناد می کنند و مدعی هستند که دولت حق جلوگیری از واردات را ندارد و تنها با استفاده از بحث تعرفه می تواند واردات را محدود کرده و در این خصوص نیز فقط اجازه دارد تا ۲۰ درصد از واردات برای حمایت از تولید داخل، مالیات اخذ کند.

اطلاعات نشان می دهد که با کاهش نرخ تعرفه در نبود نظام حمایتی غیر تعرفه ای، محصولاتی مانند برنج، قند و شکر و دیگر محصولات کشاورزی، افزایش بی رویه واردات رخ داده است و در خصوص محصولاتی مانند مرکبات ایران از یک کشور صادر کننده خالص این محصول به کشوری واردکننده خالص تبدیل شده است . تاثیر این تغییرات تعرفه ای بر واردات محصولات کشاورزی نشان می دهد که دلیل اصلی وضع نرخ تعرفه پایین می تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان باشد. به نظر می رسد گاه سیاستگذاران عرصه تجاری سعی دارند با وضع تعرفه سبک واردات ارزاتر این کالاها را عملی کند و جنبه حمایتی تعرفه ها در عمل مغفول مانده است.

به طور کلی نظام تعرفه بخش کشاورزی علاوه بر دارا بودن خصوصیت نظام تعرفه کلان کشور، دارای ویژگیها و پیامدهایی به شرح ذیل می باشد :

۱- دولت با تغییر مأخذ محاسبه حقوق گمرکی متناسب با تغییر نرخ ارز، نسبت به تجدیدنظر در نرخ آن اقدام می نماید .

۲- دامنه پراکنش تعرفه این محصولات بالا بوده است؛ به طوری که حداکثر تعرفه گمرکی بیش از ۴۰ برابر حداقل حقوق گمرکی آن محصولات است و در واقع از برخی محصولات کشاورزی بیش از ۴ برابر قیمت سیف وارداتی حمایت اسمی صورت می گرفت.

۳- شکاف عمیقی بین میانگین های ساده و وزنی تعرفه ها مشاهده می شود این مسئله چند نکته را نشان می دهد اولاً: سیستم تعرفه ای کشور در بخش کشاورزی در تحدید واردات غیر موثر بوده است. ثانیاً: بیشتر واردات مربوط به کالاهای دارای تعرفه های پایین بوده است. ثالثاً: کالاهای دارای تعرفه بالا کمترین واردات را داشته اند.

۴- تعرفه های بالا عمدتاً بر کالاهای دارای ممنوعیت شرعی و کالاهای مزیت دار کشور همچون پسته و زعفران وضع شده است و عدم امکان واردات برای این قبیل کالاها به دلایل قانونی و اقتصادی باعث ایجاد شکاف بین تعرفه های ساده و اسمی شده است.

۵- در مورد محصولاتی که دربردارنده محصولات ضروری است که یا با بحث امنیت غذای جامعه در ارتباط هستند و یا جزو مواد اولیه صنعت دامپروری محسوب می شوند و برخی از آنها مانند گندم فقط از طریق دولت وارد می شود، تعرفه های پایین وضع می گردد.

۶- نظام فعلی تعرفه های کشاورزی بر پایه نظام تک ابرزی (تعرفه ارزشی) بنا شده است و نرخ تعرفه ها ارتباط معناداری با درآمدهای کشور و به ویژه شوک های نفتی دارد و همواره با افزایش درآمدهای نفتی افزایش واردات در دستور کار قرار گرفته و برای حصول به این هدف نرخ تعرفه ها کاهش می یابد. نحوه عمل دولتها در ایران در هنگام بروز شوک نفتی سالهای مختلف (قبل و بعد از انقلاب) با موارد گذشته هیچ گونه تفاوتی نداشته و با افزایش درآمدهای نفتی و بهبود وضعیت منابع ارزی کشور، حمایت تعرفه ای از بخش تولید کشاورزی به کنار گذاشته شده و با بی توجهی نسبت به کاهش تعرفه ها (سیاست افزایش نرخ تعرفه کالاهای ممنوع ورود و کاهش تعرفه کالاهای اساسی و مهمترین تولیدات کشاورزی کشور) اقدام و باعث افزایش واردات و گاه کاهش تولید داخلی شده است.

۷- موضوع مهم دیگر تغییر و نوسان زیاد نرخ تعرفه در طول زمان است. به طوری که به عنوان نمونه نرخ تعرفه برنج از ۱۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به تعرفه ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تبدیل شده است.

۸- کاهش میزان تعرفه ها شاید، ساده و کم اثر به نظر بیاید ولی هر گاه دولت تعرفه کالاهای کشاورزی را کاهش داده است کشاورزان با مشکلات اساسی اقتصادی روبرو شده اند. از مصادیق این وضعیت می توان به واردات بی رویه شکر که در اثر کاهش تعرفه واردات (از ۱۲۰ درصد سال ۱۳۸۳ به ۴ درصد سال ۱۳۸۶) آن به وجود آمد اشاره کرد. طی آن فرآیند کارخانه های قند و شکر به حالت تعطیل درآمده و دیگر خریداری برای چغندر وجود نداشت لذا کشاورزان از کشت آن منصرف شده و با توجه به نیازهای مشابه اکولوژیکی چغندر با سبب زمینی، اکثر چغندرکاران به کشت سیب زمینی روی آورده و قیمت سیب زمینی در سال ۱۳۸۷ آن قدر پایین آمد که کشاورزان را دچار مشکلات عدیده ای کرد تا جایی که دولت مجبور به خرید سیب زمینی از کشاورزان و توزیع آن به صورت رایگان بین مردم شد.

۹- دولت برای کاهش نرخ تورمی که ناشی از اعمال سیاستهایی از قبیل افزایش نقدینگی بوده است با کاهش تعرفه واردات محصولات کشاورزی به میلیونها تولید کننده زیان وارد کرده است. به عبارتی کاهش نرخ تعرفه نه به دلیل حمایت از تولید کشاورزی و امنیت غذایی بوده بلکه به دلیل جبران هزینه های سیاستهای نادرست دیگر دولت بوده است.

۱۰- اطلاعات نشان می‌دهد که با کاهش نرخ تعرفه در نبود نظام حمایتی غیر تعرفه‌ای، محصولاتی مانند برنج، قند و شکر و دیگر محصولات کشاورزی، افزایش بی‌رویه واردات رخ داده است و در خصوص محصولات ماندنی مانند مرکبات ایران از یک کشور صادر کننده خالص این محصول به کشوری واردکننده خالص تبدیل شده است. تاثیر این تغییرات تعرفه‌ای بر واردات محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که دلیل اصلی وضع نرخ تعرفه پایین می‌تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان باشد. به نظر می‌رسد گاه سیاستگذاران عرصه تجاری سعی دارند با وضع تعرفه سبک واردات ارزانتر این کالاها را عملی کند و جنبه حمایتی تعرفه‌ها در عمل مغفول مانده است.

۱۱- نبود یک بسته سیاستی حمایت از بخش کشاورزی که در آن از ابزارهای متنوع سیاستی و من جمله تعرفه استفاده شده باشد که همسو و هم جهت در راستای اهداف توسعه بخش به کار گرفته شوند. در یک جمع بندی می‌توان گفت نظام تعرفه محصولات بخش کشاورزی از دیدگاه سیاستی به اهداف خود که همانا حمایت از تولید از طریق کنترل واردات موفق عمل نکرده است به طوری که نمودار ۳-۱ نشان می‌دهد میزان واردات تحت تاثیر نرخهای تعرفه نبوده است و عدم کارایی این ابزار سیاستی را در بخش کشاورزی نشان می‌دهد. ملاحظه می‌گردد حتی در سالهایی که درصد تغییرات میانگین تعرفه افزایشی و فزاینده بوده باز هم میزان واردات بخش کشاورزی روند افزایشی داشته است و برعکس. این شرایط نشان دهنده آن است که در بخش کشاورزی ایران سیاست تعرفه‌ای به دلیل روش نبودن سیاستهای تولیدی بخش، شفاف نبودن سیاستهای مرزی و مشخص نبودن جایگاه تعرفه در بسته حمایتی بخش کشاورزی به خوبی نتوانسته است به هدف خود که همانا حمایت از تولید داخلی و مدیریت واردات است نائل گردد.

جدول ۳-۳: روند دوازده ساله تعرفه به تفکیک فصول مختلف

[illegible]

ادامه جدول ۳-۳: روند دوازده ساله تعرفه به تفکیک فصول مختلف

میانگین	حداقل	حداکثر	نرخ رشد	۱۳۸۷	۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	رشد / سال
۸۴.۱	۵۰.۰	۱۵۶.۸	۰.۷	۵۴.۱۹	۵۵.۸	۵۵.۸۲	۵۲.۸۶	۵۵.۴۵	۵۸.۴	۵۰.۱۱	۱۵۶.۸۲	۱۵۶.۸۲	۱۵۶.۸۲	۹۵	۹۵	۵۰	فصل پیستم (فرآورده های میوه و سبزی)
۵۹.۱	۲۱.۴	۱۵۱.۹	-۳.۹	۳۴.۸۲	۲۲.۱۹	۲۲.۱۹	۲۱.۴۲	۲۳.۲۵	۲۹.۰۶	۲۶.۰۶	۱۵۱.۸۸	۱۳۹.۰۶	۱۲۹.۰۶	۷۵.۳۱	۷۴	۴۰	فصل پیست و یکم (فرآورده های غبرائی گیاهان)
۱۰۵.۷	۲۲.۶	۳۱۱.۳	۷.۶	۲۱۱.۳	۲۲.۶۱	۱۵۰.۴۳	۷۴.۳۵	۸۲.۱۷	۹۶.۵۹	۹۷.۹۱	۱۲۰	۱۲۰	۱۲۰	۹۵	۹۵	۸۸.۱	فصل پیست و دوم (نوشابه)
۱۰.۶	۴.۶	۱۵.۶	۹.۹	۱۵.۵۷	۱۴.۴۸	۱۳.۷	۹.۲۲	۸.۹۶	۱۰.۵۶	۹.۲۴	۱۴	۱۳.۸	۱۴	۴.۶	۴.۷۹	۵	فصل پیست و سوم (آمال و قندها و ...)
۱۶.۲	۵.۰	۳۲.۲	-۱۰.۷	۶	۶	۶	۶	۶	۸.۳۳	۵	۳۲.۲۲	۳۲.۲۲	۳۲.۲۲	۲۳.۲۳	۲۳.۲۳	۲۳.۲۳	فصل پیست و چهارم (دخانیت)
۴۵.۶	۲۵.۸	۸۷.۳	۲.۰	۳۸.۳	۲۹.۰	۳۵.۷	۲۹.۹	۳۰.۴	۳۲.۳	۲۵.۸	۸۷.۳	۸۲.۴	۷۸.۹	۴۷.۱	۴۵.۱	۳۰.۳	میانگین
۱۳۷.۰	۵۵.۸	۲۱۱.۷	۷.۶	۲۱۱.۳	۵۵.۸	۱۵۰.۴	۷۴.۴	۸۲.۲	۹۶.۶	۹۷.۹	۲۱۱.۷	۲۱۱.۷	۱۸۰.۷	۹۵.۰	۹۵.۰	۸۸.۱	حداکثر
۶.۵	۳.۴	۹.۷	۴.۷	۶.۰	۶.۰	۶.۰	۶.۰	۶.۰	۸.۳	۳.۹	۹.۷	۹.۷	۹.۷	۴.۸	۴.۸	۳.۴	حداقل

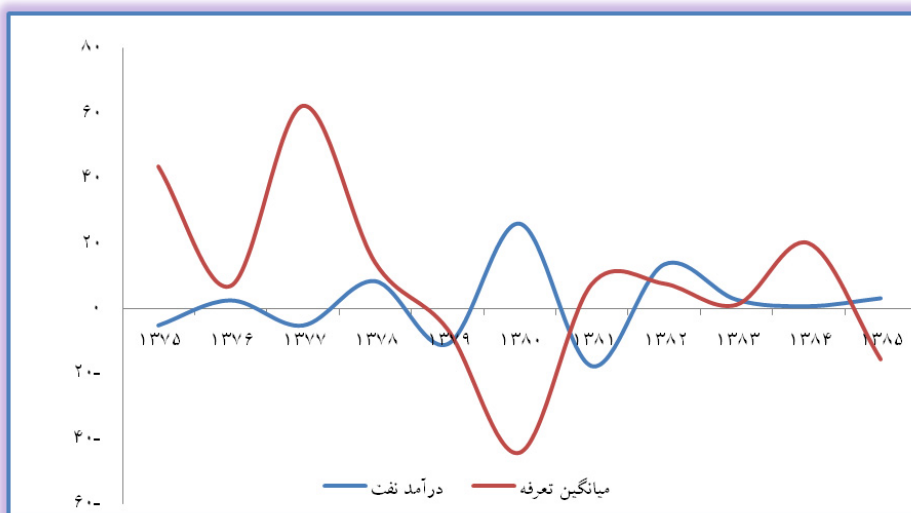
ماخذ : ارزیابی سیاستهای تعرفه محصولات کشاورزی در ایران، ص ۵.

جدول ۳-۴: درآمدهای گروه نفت در یک دوره دوازده ساله به قیمت پایه سال ۱۳۷۶ (میلیارد ریال)

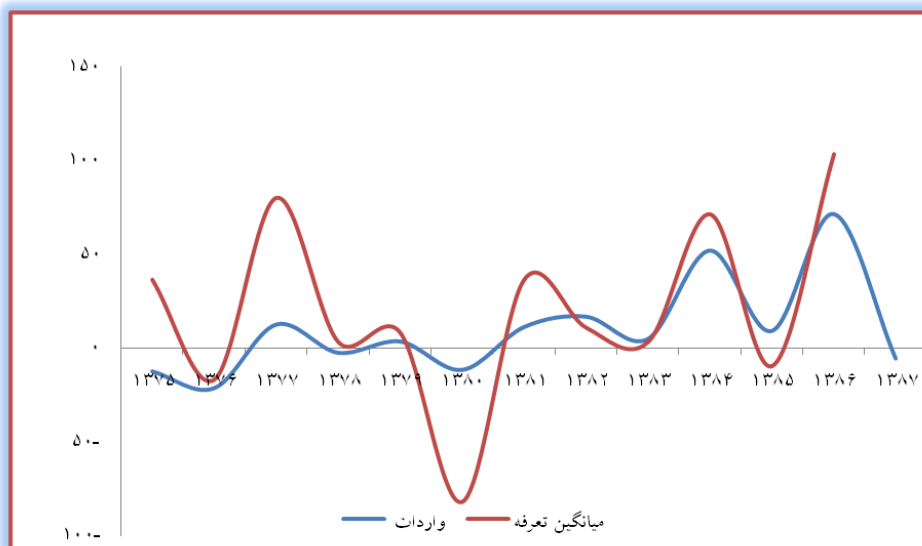
۱۳۸۶	۱۳۸۵	۱۳۸۴	۱۳۸۳	۱۳۸۲	۱۳۸۱	۱۳۸۰	۱۳۷۹	۱۳۷۸	۱۳۷۷	۱۳۷۶	۱۳۷۵	سال
۴۷۵۴.۶	۴۶۱۴.۴	۴۵۸۷.۱	۴۴۶۹.۴	۳۹۴۰.۵	۴۷۹۴.۷	۳۸۰.۵۳	۴۲۷۹.۵	۳۹۵۱.۵	۴۱۷۳.۶	۴۰۷۳.۳	۴۳۰.۴۵	درآمد گروه نفت
۰/۸۳												نرخ رشد طی دوره

ماخذ : ارزیابی سیاستهای تعرفه محصولات کشاورزی در ایران، ص ۷.

نمودار ۱-۳: روند تغییرات میانگین تعرفه در بخش کشاورزی و تغییرات درآمد نفت کشور (درصد)



نمودار ۲-۳: روند تغییرات میانگین تعرفه در بخش کشاورزی و تغییرات واردات کشاورزی کشور (درصد)



۳-۵- ساختار تجارت خارجی بخش کشاورزی کشور با نگاهی به سازمان تجارت جهانی

درجه تاثیر پذیری مثبت یا منفی از اجرای مقررات و الزامات سازمان تجارت جهانی (WTO) تا حدود زیادی به ساختار اقتصادی، ترکیب کالاهای تجارت خارجی، صادرات و واردات و شرکای تجاری کشور و اینکه آنها عضو سازمان تجارت جهانی (WTO) بوده یا خیر وابسته است.

ترکیب تولید ناخالص داخلی کشور در سالهای اخیر حاکی از آن است که بخش خدمات نقش و سهم عمده را داراست. از سوی دیگر از آنجا که اقتصاد کشور هنوز به دلیل سهم قابل ملاحظه نفت در تولید ناخالص داخلی و سهم غالب آن در صادرات کشور یک اقتصاد تک محصولی محسوب می شود نسبت به شوکهای بین المللی آسیب پذیر است و تغییرات در سطوح نسبی قیمتهای بین المللی نفت اثرات وسیعی را بر کل اقتصاد کشور می گذارد. چنانکه مطالعه سری زمانی شاخصهای کلان اقتصادی کشور نشان می دهد زمانی که قیمت نفت افزایش می یابد اقتصاد کشور وارد یک دوران رونق و شکوفایی نسبی می شود و از تمام منافع مترتب بر این افزایش قیمت بهره مند می گردد ولی بالعکس زمانی که قیمت نفت کاهش می یابد. اقتصاد کشور یک دوران کساد و رکود نسبی را تجربه می کند و تقریباً کل اقتصاد از آثار سوء آن متاثر شده تاثیرات نامساعدی را تحمل می کند^۱.

البته این پدیده برای سیاستگذاران کشور نیز ناشناخته نبوده و از مدتها قبل نسبت به آن وقوف حاصل شده است و به همین علت باید تمام مساعی لازم برای تجدید ساختار اقتصادی کشور بر اساس و پایه تنوع بخشی به تولیدات و صادرات و توسعه مزیت های نسبی و رقابتی به کار گرفته شود. ضمن اینکه عصر نوینی که پس از مذاکرات دور اروگوئه و تشکیل سازمان تجارت جهانی (WTO) شاهد آن بوده و نیز تحولاتی که برای آینده اقتصاد و تجارت جهانی در نتیجه شدت گرفتن فرآیند جهانی شدن اقتصاد انتظار می رود فضای مناسبی را برای کشور ما نظیر سایر کشورهای در حال توسعه دارای پتانسیلهای اقتصادی- تجاری فراهم سازد تا بتوان مساعی خود را در این جهت متمرکز و آن را تسریع نمود. با این همه باید از فرصت موجود تا زمان پذیرش در خواست ایران برای عضویت و آغاز گروه های کاری مذاکرات چند جانبه تجاری، در جهت انجام تغییرات ساختاری لازم برای ایجاد ساختار اقتصادی بهتر و کسب آمادگی های لازم برای ایفای نقش آگاهانه و موثر در تقسیم بین المللی کار حداکثر استفاده را برد.

کشور ما به دلیل بهره مندی از درآمد نفت، پتانسیل ها و ذخایر ارزشمند منابع طبیعی، نیروی انسانی تحصیل کرده و کارآفرین، نیروی کار ارزان و فراوان، موقعیت ژئوپولیتیک و ژئواکونومیک ممتاز، تنوع اقلیمی و تنوع محصولات کشاورزی ذخیره ارزشمندی از آثار باستانی و جاذبه های گردشگری، توانمندی های قابل ملاحظه هنری و غیره امکان بهره مندی از فرآیند جهانی شدن اقتصاد را داراست. هر چند داخل شدن در این فرآیند بویژه اگر با آمادگی قبلی و برخوردی هوشمندانه نباشد چندان سهل و آسان نیست.

۱ - به گزارش رویترز، کارشناسان بانک جهانی پیش بینی کردند : کاهش قیمت نفت در سال جاری باعث می شود تا رشد اقتصادی کشورهای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا به ۳ درصد کاهش یابد. "دانیلا گرسانی" نائب رییس بانک جهانی اعلام کرد با توجه به رشد ۶ درصدی اقتصادی کشورهای خاورمیانه در سال ۲۰۰۸ پیش بینی می شود با کاهش درآمدهای نفتی این میزان به نصف و یا کمتر از نصف برسد.

با مقایسه تطبیقی ترکیب صادرات و واردات کشور (به ویژه با لحاظ نمودن نفت خام به عنوان عمده ترین منبع درآمدهای ارزی کشور) ^۱ می توان به مشکل اساسی و شناخته شده کشور یعنی صادر کننده مواد خام و اولیه و کالاهای صنعتی اولیه و واردکننده کالاهای ساخته شده سرمایه ای و واسطه ای و حتی کالاهای اساسی نظیر غلات پی برد. هر چند سهم بالای کالاهای سرمایه ای و واسطه ای در ترکیب واردات کشور فی نفسه معضل و مشکلی را ایجاد نمی کند ولی در مورد کشورهای در حال توسعه نظیر ایران که واردات این کالاها به توسعه تولید داخلی و مزیت های نسبی صادراتی نینجامیده است سهم بالای کالاهای مذکور در ترکیب واردات کشور بازتابی از عدم تعادلی ساختاری در این کشورهاست.

یکی از مهمترین مباحث در مذاکرات دور اروگونه بحث تجارت کشاورزی است. محصولات کشاورزی در مذاکرات قبلی و گات جایی نداشتند. این امر یک دلیل ساده داشت و آن اینکه بخش کشاورزی در کشورهای صنعتی، از جمله آمریکا، اتحادیه اروپا و ژاپن از حمایت های بالایی برخوردار بود و این کشورها موافق درج این موضوع در موافقتنامه عمومی سال ۱۹۴۷ نبودند و قید و شرط هایی برای مطرح شدن آن داشتند. بنابراین، هدف عمده و اساسی مذاکرات مربوط به تجارت در بخش کشاورزی کاهش دادن اثرات محدود کننده سیاست های حمایتی در این بخش، بویژه از سوی کشورهای توسعه یافته بود. سیاست های حمایتی کشورهای صنعتی سبب شده است که قیمت محصولات غذایی و کشاورزی در بازارهای داخلی و بین المللی دچار اختلال شود. به علاوه، در شرایطی که مردم آفریقا یا سایر نقاط جهان به علت کمبود مواد غذایی از گرسنگی رنج می برند کشورهای صنعتی سیاست انباشت و ذخیره رو به رشد و حتی اتلاف و سوء استفاده از این محصولات را پیش گرفته اند. همین تضاد منافع موجود در بین کشورها سبب گردید که نهایی شدن موافقتنامه کشاورزی در آخرین دور مذاکرات هشت سال طول بکشد.

موافقتنامه کشاورزی مستقیماً بر قیمت محصولات کشاورزی سمت و سوی تجارت و ارزش حجم تجارت جهان و همچنین کشورهای مختلف تاثیر خواهد گذارد. علاوه بر تاثیری که موافقتنامه مزبور بر تجارت خارجی کشورها خواهد داشت این موافقتنامه از طریق اثرات معروف به اثر قیمتی و اثر درآمدی، محققاً تأثیرات غیر مستقیمی را نیز بر ساختار کلی اقتصاد کشورها بر جای خواهد گذاشت و در نتیجه عملکرد این اثرات بر اقتصاد تمام متغیرهای اقتصادی نظیر تولید، اشتغال، درآمد، توزیع درآمد، رفاه و غیره نیز موثر واقع خواهند شد. در چنین فضایی، حتی کشورهایی که امضاء کننده موافقتنامه نباشند نیز به شدت متأثر خواهند شد و این اثر خصوصاً در مورد کشورهای که سهم آنها از تولید و تجارت جهانی ناچیز باشد، بیشتر محسوس خواهد بود.

۱ - بر اساس گزارش گمرک در سال ۸۸، در سال ۱۳۸۸ سایر گازهای نفتی و هیدروکربورهای گازی عمده ترین کالای صادراتی کشورمان بود. سهم این کالا از صادرات غیرنفتی کشورمان در مدت یاد شده یک میلیارد و ۱۷ میلیون دلار بود و ۴/۷۷ درصد از کل صادرات غیرنفتی به این کالا اختصاص داشت. پروپان مایع شده در جایگاه دوم قرار گرفت و با ۹۶۱ میلیون دلار به میزان ۵۱/۵ درصد از کل صادرات غیرنفتی را به خود اختصاص داد. پلی اتیلن گرید فیلم با ۹۳۴ میلیون و ۳۰۰ هزار دلار سومین کالای عمده صادراتی کشورمان بود که صادرات این کالا نسبت به مدت مشابه سال قبل با افزایش ۷۶۹ درصدی همراه بود. جایگاه بعدی نیز به پسته اختصاص دارد که سهم این کالا از صادرات غیرنفتی در سال گذشته به ۹۲۸ میلیون دلار رسید. متانول در جایگاه پنجم قرار گرفت و حجم صادرات این کالا به ۶۵۳ میلیون دلار رسید.

به طور کلی در این فضا کاهش دادن درجه حمایت و ترتیبات حمایتی داخلی و نیز کاستن از یارانه‌های صادراتی مربوط به محصولات کشاورزی، در واقع موجب می‌گردد که تولید کشاورزی در برخی از کشورهای در حال توسعه تشویق شود و این فرآیند می‌تواند از طریق ایجاد افزایش صادرات کشاورزی، درآمدها و عواید ارزی بیشتری را نصیب این کشورها کند و صادر کنندگان خالص کشاورزی را منتفع سازد. ولی تمام کشورهای در حال توسعه، صادر کننده خالص محصولات کشاورزی نیستند، به علاوه بعضی از کشورهای در حال توسعه وارد کننده خالص محصولات غذایی (خاصه محصولات غذایی اساسی) می‌باشند. بدین ترتیب می‌توان استنباط کرد که در شرایط فعلی، اقتصاد کشورما در زمینه محصولات کشاورزی، بویژه کالاهای اساسی نظیر غلات (برنج، گندم و جو) و شکر به شدت وابسته به واردات است و بخش قابل توجهی از مصرف داخلی این اقلام از طریق واردات تامین می‌شود.

اثر موافقتنامه کشاورزی در چارچوب الزامات WTO (نتایج مذاکرات دور اروگوئه) بر کشورهایی نظیر ایران که وارد کننده خالص محصولات کشاورزی هستند کاملاً متفاوت از اثر آن بر کشورهای صادر کننده خالص خواهد بود. در مورد کشورهای وارد کننده خالص محصولات کشاورزی، شایان ذکر است که قیمتهای بالاتر مواد غذایی سبب خواهد شد که هزینه واردات مواد غذایی آنها افزایش یابد، که این امر به نوبه خود مشکلات شدید تراز پرداختی، نتایج عمیق و جدی منفی در مورد بدهیهای خارجی و بازپرداخت این بدهیها و نیز تامین منابع توسعه اقتصادی را در پی خواهد داشت. ضمن اینکه به هر حال، صادرات اقلام غذایی و فرآورده‌های غذایی صنایع تکمیلی که از مزیت نسبی برخوردار می‌باشند با افزایش قابل ملاحظه‌ای روبه رو خواهد شد بویژه اگر این صنایع در شرایط عدم وجود حمایت‌های دولتی قادر باشند. محصولات خود را به قیمتهای قابل رقابت در بازارهای جهانی عرضه کنند.

لیکن در شرایط فعلی کشورهایی که بیشترین نفع را در قبال آزاد سازی تجارت جهانی محصولات کشاورزی نصیب خود خواهند ساخت محققاً و بدون تردید و در حد وسیع، کشورهای صنعتی خواهند بود. از سوی دیگر اگر کشورهای در حال توسعه نظیر ایران که وارد کننده خالص محصولات کشاورزی، بویژه محصولات اساسی هستند با توجه به رشد جمعیت خود تدابیر لازم را طی دوره قبل از آزاد سازی وسیع و الحاق کامل به WTO برای توسعه و گسترش تولید محصولات که وابستگی وارداتی شدیدتری در آن وجود دارد اتخاذ نمایند، مسلماً از شرایط به وجود آمده نفعی نبرده، بلکه متضرر نیز خواهند شد.

از طرفی با توجه به اینکه بخش عمده‌ای از تجارت خارجی کشور با کشورهای توسعه یافته جهان است. تجارت خارجی کشور تحت تأثیر شدید سیاستهای تجاری کشورهای صنعتی قرار دارد. لذا حذف و لغو سهمیه‌ها بر اثر اجرای فرآیند تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای، کاهش پیش بینی شده در نرخهای تعرفه، محدود کردن اقدامات حمایتی داخلی و غیره که متعاقب پیوستن به WTO از طرف کشورهای صنعتی قابل انتظار است، می‌تواند به صورت بالقوه فرصتهای مثبت و مناسبی را برای صادرات و اقتصاد کشور به وجود آورد، مشروط به اینکه قادر باشد به نوبه خود ساختار اقتصاد کشور را بر اساس اصل رقابت آزاد و بهره‌مندی هر چه بیشتر از مزیت‌های نسبی و رقابتی خود تجدید ساختار نمود.

با وجود تمام تمهیداتی که برای کاهش تعرفه‌ها اندیشیده شده است به نظر می‌رسد که در اغلب کشورهای در حال توسعه، تفاوت بین نرخهای تعرفه تثبیت شده و نرخهایی که در عمل اجرا می‌شود، حتی پس از اجرای نتایج مذاکرات دور اروگوئه و الزامات WTO بسیار زیاد باشد. از آنجا که سطح تعرفه‌های تثبیت شده کشورهای در حال توسعه، حتی در صورت اجرای نتایج مذاکرات دور اروگوئه و الزامات WTO کاهش قابل ملاحظه‌ای نخواهد یافت می‌توان امیدوار بود که کشور ایران نیز بتواند تعرفه‌های وارداتی موثری را بعد از الحاق در راستای حمایت از بخشهای داخلی اقتصاد به اجرا گذارد لذا نگرانیها در خصوص پیامدهای منفی الحاق به WTO تا حدودی تخفیف می‌یابد.

بنابراین ساختار تجارت خارجی بخش کشاورزی ایران در همسویی با الزامات سازمان تجارت جهانی ناگزیر به تجدید ساختار بخش بر اساس و پایه تنوع بخشی به تولیدات و صادرات و توسعه مزیت‌های نسبی و رقابتی، حذف و لغو سهمیه‌ها بر اثر اجرای فرآیند تعرفه‌ای کردن موانع غیر تعرفه‌ای، کاهش منطقی تعرفه‌ها بر اساس معیارهای علمی، بهره‌وری و افزایش کارایی به منظور افزایش تولید و کاهش درجه وابستگی به واردات خصوصا مواد غذایی است.

۳-۶- چالش‌ها و تنگناهای سیاستهای تجاری و تعرفه ای کشور با تاکید بر بخش کشاورزی^۱

بخش بازرگانی یکی از عوامل تسریع‌کننده رشد و تحول در سایر بخش‌های اقتصادی است. نرخ تعرفه یکی از عوامل مختلف مؤثر بر کارایی این بخش است که می‌تواند به عنوان ابزار کنترل و سیاستگذاری در نظام بازرگانی محسوب شود و از سوی دیگر با عدم دقت در استفاده از آنها، نظام بازرگانی و سیاست‌های کلان اقتصادی دچار بحران شده و هر نوع برنامه‌ریزی در این امر اثرگذاری خود را از دست می‌دهد. وضع سیاست‌های حمایتی اهدافی را دنبال می‌کند که در رأس آن حمایت از تولید داخلی، حفظ سطح اشتغال و کسب درآمدهای بودجه‌ای قرار دارند. با این حال در تبیین این سیاست‌ها توجه به عمل متقابل کشورهای طرف تجاری جهت جلوگیری از آسیب‌های احتمالی و انزوا در محیط بین‌الملل ضروری است.

بررسی سیاستهای تجاری و تعرفه ای کشور طی برنامه‌های توسعه نشان دهنده چالش‌ها و نقایصی برای تاثیرگذاری مثبت جهت دستیابی به اهداف مورد نظر دارد. مهمترین مواردی که می‌توان اشاره نمود به شرح ذیل می‌باشد:

(۱) سیاست‌های تعرفه‌ای کشور فاقد برنامه ریزی بلند مدت (برنامه دارای هدف و استراتژی مشخص) و دچار تصمیم‌های کوتاه مدت سالیانه بوده است. تصمیم‌هایی در خصوص سطح و پراکنش تعرفه‌های کشور هر ساله بر مبنای دغدغه‌های کوتاه مدت سیاستگذار (مقابله با گرانی مقطعی روزهای سال مانند شب عید و امثالهم) با طی فرآیند در نهایت در کمیسیون ماده (۱) مقررات صادرات و واردات مصوب و اعلام می‌شود و هیچگونه برنامه بلند مدتی تغییرات نظام تعرفه ای را پیشبینی نمی‌کند.

۱- این بخش برگرفته از نتایج مطالعات صورت گرفته در خصوص موضوع مورد بررسی است که از آن در فصل بعدی که جمع بندی تحقیق حاضر است، استفاده خواهد شد.

۲) نداشتن برنامه‌ای بلند مدت در جهت حمایت از تولیدات داخلی محصولات فصلی یا کالایی خاص باشد که سیاستگذاران را وادار کرده است تنها به فکر حفظ وضع موجود باشند و با وضع تعرفه‌های سنگین بر محصولات دارای مزیت و صادراتی کشور توان تولیدی و صادراتی این بخش‌ها را حفظ و در مقابل در بخش‌هایی که تولید داخل مزیت چندانی نداشته به خاطر نبود برنامه‌ای خاص برای توسعه تولیدات و حمایت از آنها کشور در این عرصه‌ها دچار نوعی روزمرگی شده و هر ساله سعی کرده است با وضع تعرفه‌های کمتر واردات ارزان‌تری را تأمین کند.

۳) ابزارهای تعرفه‌ای و غیر تعرفه‌ای ابزارهای کنترلی هستند که برای تهدید واردات در راستای حمایت از تولید داخل به کار گرفته می‌شوند. با توجه به کارکرد مشابه این دو ابزار لازم است در استفاده همزمان آنها دقت لازم صورت پذیرد. در ساختار تعرفه‌ای بخش کشاورزی ابزارهای غیر تعرفه‌ای در کنار ابزار تعرفه به طور همزمان به طور نامناسبی مورد استفاده قرار می‌گیرند.

۴) تفاوت شدید تعرفه‌های اسمی و موثر در بخش کشاورزی است. در تمامی سال‌های مورد بررسی تعرفه موثر بخش که به صورت میانگین وزنی - براساس مقدار واردات - محاسبه شده به نحو محسوسی کمتر از تعرفه اسمی بوده است (در بخش قبل آمار ارائه گردیده است). مهمترین عواملی که موجب بروز چنین پدیده ای می‌گردند عبارتند از:

الف - اعمال تعرفه بالا بر ورود کالاهایی همچون مشروبات الکلی که ورود آنها ممنوع بوده و حتی در مقررات سازمان جهانی تجارت چنین ممنوعیت‌هایی به رسمیت شناخته شده است.

ب - درج تعرفه بسیار بالا برای کالاهایی که کشور از مزیت نسبی بالایی در مورد آنها برخوردار است و در مقابل اعمال تعرفه پایین برای کالاهای حساس چرایی چنین رویکردی در تعیین تعرفه محصولات کشاورزی را می‌توان در رسوب نگاه کنترل مقدار واردات در نزد کارشناسان و مسئولان بخش جستجو نمود.

۵) به اصل مزیت نسبی و توان رقابت پذیری کالاها در وضع تعرفه‌ها برای محصولات و فصول مختلف کم توجهی می‌شود به عنوان نمونه بر محصولات فصل هشتم نسبت به بیشترین فصول دیگر تعرفه‌های سنگین‌تری وضع شده است حال آنکه کشور ما در تولید بسیاری از محصولات این فصل دارای مزیت نسبی و در عرصه تجارت جهانی دارای مزیت بالایی است و در تولید برخی از محصولات این فصل بی‌رقیب یا کم‌رقیب است.

۶) به نظر می‌رسد سیاستگذاران عرصه تجاری سعی کرده‌اند با وضع تعرفه سبک بر کالاهایی که کشور مزیت نسبی و توان تولیدی بالایی در آنها ندارد، واردات ارزانتر این کالاها را عملی کند و جنبه حمایتی تعرفه‌ها تا حدودی مغفول مانده است. از جمله دلایل این رویکرد می‌تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان را ذکر کرد.

۷) افزایش یا کاهش هر ساله تعرفه‌ها اغلب بدون در نظر گرفتن توان رقابتی و حساسیت آنها سرایت داده شده است. در حالی که به نظر می‌رسد روند تغییرات تعرفه کل بخش و فصول مختلف می‌باید منبعث از یک برنامه بلند مدت باشد و تحت تأثیر تغییرات به طور عمده بیرونی و سالیانه قرار نگیرد (تغییر جهت‌های اساسی ساختار تعرفه به طور عمده متأثر از تغییر نرخ ارز و وضعیت درآمدهای نفتی کشور است)

۸) متأسفانه در تعیین نرخ تعرفه توجه کمی به پاره‌ای شاخص‌ها مانند میزان ارز آوری اشتغالزایی و ارتباط محصولات مختلف با بحث امنیت غذایی و به ویژه با توجه به برنامه‌های بلند مدت کشور نظیر چشم انداز بیست ساله برنامه‌های توسعه می‌شود. چون برای تعیین نرخ تعرفه معیارهای تعریف شده علمی وجود ندارد و بیشتر مقطعی و بر اساس تغییرات بازار است.

۹) مقایسه وضعیت تعرفه کشور با کشورهای دیگر نشان می‌دهد که حمایت تعرفه‌ای در کشور ما به سمت زیربخش یا کالاهایی خاص هدفمند نیست. در حالیکه اتحادیه اروپا سهم بالایی از تعرفه‌های فراتر از ۲۰ درصد در ساختار تعرفه‌ای خود را به بخش‌های حساس و اولویت‌دار خود مانند تولیدات دامی، لبنی شکر و غلات اختصاص داده است. در کشور ما سطح تعرفه‌های بالای ۲۰ درصد در کلیه فصول بوده و اولویت بندی خاصی مشاهده نمی‌شود.

۱۰) کشور ما از ابزارهای متنوع تعرفه‌ای در نظام تعرفه‌ای خود بهره نمی‌گیرد حال آنکه با توجه به ویژگی فصلی بودن تولیدات کشاورزی عدم تکافوی تولید داخلی برخی محصولات در شرایط فعلی یکی از مشکلات موجود نظام فعلی تعرفه‌ها تک ابزاری بودن این رژیم است که وضع تعرفه برای این قبیل محصولات را با مشکل روبرو کرده است البته به واسطه دقت کم در طراحی و اعمال نظارت مورد نیاز در حال حاضر استفاده از ابزاری مانند چند نرخ بودن تعرفه در دوره‌های زمانی مختلف سال برای واردات برخی محصولات کشاورزی نتایج چندان مناسبی به همراه نداشته است و اغلب به افزایش واردات در زمان اعمال نرخ پایین تر تعرفه منجر شده است.

۱۱) کشورهای پیشرفته از انواع ابزارهای تعرفه‌ای در حمایت از تولید داخلی خود سود می‌برند و موفقیت یک نظام تعرفه‌ای هر چند منطقی و هدفمند تا حد زیادی به نحوه اجرای آن و برخورداری از ابزارهای متنوع بستگی دارد. البته این نکته رانیز نباید از نظر دور داشت که جهت گیری‌ها در سازمان جهانی تجارت به سمت استفاده از ابزارها تعرفه ارزشی به منظور افزایش شفافیت است از این رو مناسب است بخش کشاورزی تعادلی منطقی بین استفاده از دیگر ابزارهای تعرفه‌ای و رویکرد سازمان جهانی تجارت در استفاده از ابزار تعرفه ارزشی ایجاد کند. در همین راستا این در حالی است که سایر کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته سیاستگذاری‌های خود را به سمت بهره‌گیری هر چه بیشتر از سایر ابزارها و موانع غیرتعرفه‌ای مجاز شناخته شده توسط سازمان جهانی تجارت تغییر داده‌اند به گونه‌ای که این کشورها هم اکنون در سطح بالایی از استانداردهای فنی و بهداشتی (SPS, TBT) استفاده می‌کنند همچنین این کشورها از سایر ابزارها نیز استفاده بسیار موثری در حمایت از تولیدات داخلی خود دارند. به گونه‌ای که به عنوان نمونه درصد بالایی از عوارض ضد قیمت شکنی توسط این کشورها اعمال و از آن بر علیه کشورهای در حال توسعه و اقتصادی‌های در حال گذار استفاده شده است. ضروری است کشور در تعقیب اصلاح سیاستهای تجاری خود سازوکارهای قانونی و اجرایی لازم به منظور بهره‌گیری از ابزارهایی مانند موانع فنی و بهداشتی و عوارض جبرانی و ضد قیمت شکنی را فراهم آورد که البته در خصوص ایجاد قوانین لازم برای اعمال عوارض جبرانی و ضد قیمت شکنی اقدام‌هایی صورت گرفته است. اما تقویت این اقدام‌ها و اصلاح قوانین مربوط به استانداردهای بهداشتی لازم است چرا که قوانین مربوطه در این زمینه مربوط به سالهای بسیار دور هستند و تغییر و به‌هنگام سازی آنها ضروری است (به عنوان نمونه قوانین بهداشتی و قرنطینه‌ای نباتی و دامی کشور ما مربوط به سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۵۰ است)

۱۲) عدم رعایت سیاستهای برنامه های توسعه در وضع تعرفه ها یکی از مشکلات نظام تعرفه ای است. در طول برنامه اول توسعه در یک نگاه بلند مدت مزیت نسبی محصولات مورد توجه قرار می گیرد و از میزان حمایتها به منظور رقابتی شدت تولید کشاورزی به تدریج کاسته شود. در طول برنامه دوم توسعه چرخشی در سیاستگذاری کشور در عرصه تجارت کشاورزی ایجاد گردید و بر حمایت از تولیدات داخلی و بهره گیری از ابزارهای تعرفه ای به منظور نیل به این هدف تاکید شد در هیچ یک از برنامه های گفته شده سیاستهای اعلام شده به خوبی مورد توجه قرار نگرفته و به نحو مناسبی عملی نشدند. در طول برنامه اول اگر چه تاکید بر کاهش حمایتها و حرکت به سمت رقابتی نمودن تولید مدنظر بود. اما عملاً سطح تعرفه های کشاورزی در ۴ سال اول برنامه در حد بسیار بالای ۹۴/۴۴ درصد باقی مانده و هیچ تغییری نکرده است. تنها در سال پایانی برنامه تعرفه های بخش کشاورزی بطور اسمی کاهش یافته که با توجه به تغییر مبنای نرخ ارز از دلاری ۷۰ ریال به ۱۷۵۰ ریال عملاً سطح اثر گذاری تعرفه ها افزایش یافت. در برنامه دوم توسعه نیز تاکید بر حمایت از تولیدات داخلی و بهره گیری از ابزار تعرفه ای به منظور عملی نمودن حمایتها بوده است. اما عملاً در سه سال ابتدای برنامه میانگین تعرفه ها افزایش بسیار اندکی یافته است و در حالی که در سال ۷۲ میانگین تعرفه ها ۲۵/۰۴ درصد بوده است در سالهای ۷۵ و ۷۶ به ترتیب به ۲۵/۱۴ و ۲۵/۲۱ درصد افزایش یافته است. این روند افزایش تعرفه ها با توجه به روند کاهش قیمتهای جهانی و روند افزایش قیمتهای داخلی محصولات کشاورزی طی این دوره به تنهایی قادر نبوده است کمکی به اهداف برنامه نماید و ناکارآمدی آن در پناه انواع موانع غیر تعرفه ای مغفول مانده است. اما در سالهای پایانی برنامه حرکت مناسبی در جهت تحقق برنامه اعلام شده صورت گرفته است و میانگین تعرفه ها در سالهای ۷۷ و ۷۸ به ترتیب به ۴۶/۹۶ و ۸۰/۷۴ درصد افزایش یافته است. در برنامه سوم توسعه تاکید بر تبدیل موانع غیر تعرفه ای و معادل سازی تعرفه آنها بوده است. در راستای این سیاست اعلام شده برنامه سوم توسعه سیاست تبدیل ممنوعیت ورود کالاها به شرط اخذ مجوز از وزارتخانه ها که در سال ۷۸ شروع شده بود در سال ۷۹ نیز ادامه یافت. در سال ۸۱ اعطای مجوز ورود از وزارتخانه های مختلف گرفته شد و در اختیار وزارت بازرگانی قرار گرفت و در نهایت در سالهای ۸۲ و ۸۳ نیز شرط ممنوعیت ورود (به جز در مورد کالاهای خاص مثلاً با ممنوعیت شرعی) برداشته شد و مجوزهای ورود نیز حذف گردید. در این راستا سهم ردیفهای ممنوع ورود که در سال ۷۷، ۴/۸ درصد بود و در سال ۷۸ به ۵۷/۱۵ درصد کاهش یافت و در طول یک روند کاهش در سال ۸۳ به ۷۷/۵۰ درصد تنزل کرد و در حال حاضر تنها محصولات دارای ممنوعیت شرعی ممنوع ورود هستند. در کل می توان گفت از موفق ترین برنامه ها از لحاظ عمل به سیاستهای اعلام شده در زمینه تجارت کشاورزی برنامه سوم توسعه می باشد.

۱۳) یکی از مشکلات نظام تعرفه ای وجود فشارها از طرف گروه ها، اتحادیه ها و یا سازمان های بخشی بر تغییرات تعرفه ای است به نحوی که در برخی موارد توجیه، دلیل، گزارش مکتوب و بررسی علمی برای نحوه تعیین تعرفه ها وجود ندارد و برخی از بخش های اقتصادی خاص مدت های طولانی از مزیت تعرفه های بالا برای ادامه فعالیت استفاده می کنند، در حالی که مصرف کنندگان دائماً بهای عدم کارایی آن را در استفاده از تولیدات نامرغوب می پردازند که گویای حمایت بی قید و شرط، بی برنامه و فاقد زمان بندی از یک بخش خاص است. اصلاح این رویه گامی مهم برای جلوگیری از نگاه بخشی به مباحث کلان کشور و توجه به توجیهات و دلایل کارشناسی در نظام تعرفه هاست.

۱۴) یکی از مشکلات اساسی نظام تعرفه‌ای استفاده از روش‌های غیر شفاف و غیرمنصفانه در روش تعیین و محاسبه تعرفه است به این ترتیب که از میان چهار روش ارزشی، خاص، جایگزین و ترکیبی در برخی موارد از روش ارزشی که شفاف، قابل اندازه‌گیری، عادلانه، منصفانه، قابل برآورد، دارای قابلیت تثبیت و چانه زنی بوده و محاسبه آن نیز ساده و آسان است استفاده نشده و به جای آن روش تعرفه خاص مورد نظر قرار گرفته که روشی غیرشفاف و غیرمنصفانه بوده و در برابر افزایش قیمت نیز بسیار آسیب پذیر است. بنابراین با توجه به نتایج تغییرات متعدد تعرفه‌ای بر بی ثباتی بازار و ایجاد رانت اقتصادی اصلاح روش‌های مورد عمل از اهمیت بسیاری برخوردار است. استفاده از روش شفاف و دقیق ارزشی برای عموم کالاها اصلی است که موجب ارتقای کارایی نظام تعرفه‌ای شده و استفاده از روش‌ها از جمله روش تعیین تعرفه به صورت خاص باید به برخی کالاها در زمانی که روند قیمت‌ها کاهشی است محدود شود.

۱۵) فشارهای تورمی (به دلیل افزایش تقاضا و شکاف میان تقاضا و عرضه) و تاثیر آنها بر قوانین واردات و صادرات به جهت تنظیم بازار و کاهش نرخهای تعرفه.

در این میان مهمترین چالشهای نظام تعرفه ای بخش کشاورزی را می توان در محورهای ذیل خلاصه نمود :

۱- اختلال در قوانین و مقررات و سیاستهای مصوب

یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می‌آورد، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار و ایجاد مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره‌ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده ترین موارد ایجاد استثنا و مزیت در این امور مربوط به معافیت‌های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است به طوری که در تمامی برنامه‌های توسعه گذشته به موضوع معافیت‌ها توجه ویژه شده و تکرار این احکام در ماده (۴) قانون برنامه چهارم با این مضمون که برقراری هر گونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم و یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع است، مؤید این موضوع است که حذف و لغو معافیت‌های مندرج در قوانین مختلف یکی از اصلی ترین سیاست‌های برنامه‌ای بخش بازرگانی محسوب می‌شود. با این حال بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که علیرغم تأکید به این حکم در قوانین مختلف، اراده‌ای جدی در عمل برای اجرای آن وجود ندارد، زیرا هر بار قوانین جدیدی در ابقای این گونه معافیت‌ها ارائه شده و گروه‌های ذینفع این گونه معافیت‌ها چه به صورت منطقه‌ای و یا کالایی به دنبال حفظ منافع خود در بهره‌گیری از این معافیت‌ها هستند. یکی از معضلات این حمایت‌ها آن است که همواره عده‌ای در صف اخذ مجوز دریافت این مزایا قرار دارند و خود را محق دریافت این حمایت‌ها دانسته و وجود تبعیض و حمایت در کنار خود عاملی برای ایجاد فضای عدم رقابت سالم می‌شود.

۲- ناهماهنگی در استفاده از موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای

ابزارهای تعرفه ای و غیر تعرفه ای ابزارهای کنترلی هستند که برای تحدید واردات در جهت حمایت از تولید داخل به کار گرفته می شوند. با توجه به کارکرد مشابه این دو ابزار لازم است در استفاده همزمان آنها دقت لازم صورت پذیرد. در ساختار تعرفه ای بخش کشاورزی ابزارهای غیرتعرفه ای در کنار ابزار تعرفه به طور همزمان به طور نامناسبی مورد استفاده قرار گرفته اند. در مورد کل بخش و کلیه فصلها علاوه بر وجود شرط ممنوعیت ورود بر روی کالاها تعرفه بالا نیز بر کالاها وضع می شود که گویای عدم توجه کافی به کارکرد این ابزارها است. وضع تعرفه های سنگین بر کالاها در حالی که واردات آنها به کلی ممنوع بوده است عملاً تنها باعث بالا رفتن غیرضرور میانگین تعرفه شده است. چنین سیاستی بیشتر در مورد فصولی که دارای کالاهای شرعاً ممنوع الورد اعمال شده است. استفاده از این سیاست در مورد کالاهای شرعاً ممنوع الورد عمدتاً به خاطر تعقیب سیاستهای سخت گیران در مورد واردات این اقلام بوده است و به نظر می رسد سیاستگذار قصد داشته است هرگونه مفری را بر روی ورود این کالاها ببندد.

۳- عدم وجود برنامه بلند مدت برای نظام تعرفه

بررسی وضعیت نظام تعرفه در گذشته نشان می دهد که سیاستهای تعرفه ای کشور فاقد برنامه ریزی بلند مدت و دچار تصمیمات کوتاه مدت سالانه بوده است. تصمیمات در خصوص سطح و پراکنش تعرفه های کشور هر ساله بر مبنای دغدغه های کوتاه مدت سیاستگذار با طی فرآیندی نهایتاً در کمیسیون ماده یک مقررات صادرات و واردات مصوب و اعلام می گردد و هیچگونه برنامه بلند مدتی در خصوص نظام تعرفه ای بخش تغییرات نظام تعرفه ای را پشتیبانی نمی کند. در حالی که به نظر می رسد روند تغییرات تعرفه کل بخش و فصول مختلف می بایست منبث از یک برنامه بلند مدت باشد و تحت تاثیر تغییرات عمدتاً بیرونی (مطالعه نشان می دهد که تغییر جهت های اساسی ساختار تعرفه عمدتاً تنها به واسطه تغییر نرخ ارز صورت گرفته است) قرار نگیرد. در این میان مشکلاتی همانند تورم بالا و نظام ارزی غیرشناور در کنار فقدان برنامه بلندمدت تعرفه ای، کارایی پایین سیاست تعرفه ای (حمایت از تولید و مدیریت واردات) را به همراه می آورد.

۴- هدفمند نبودن و پراکنش نامناسب تعرفه ها

مقایسه وضعیت تعرفه کشور با کشورهای دیگر نشان می دهد که حمایت تعرفه ای در کشور ما به سمت زیر بخش یا کالایی خاص هدفمند نیست. همانطور که جدول (۱۰) نشان می دهد اتحادیه اروپا سهم بالایی از تعرفه های فراتر از ۲۰ درصد در ساختار تعرفه ای خود را به بخشهای حساس و اولویت دار خود مانند تولیدات دامی، لبنی، شکر و غلات اختصاص داده است حال آنکه در کشور ما سطح تعرفه های بالای ۲۰ درصد در کلیه فصول بالاست و اولویت بندی خاصی مشاهده نمی شود. این سیستم تعرفه ای در کشورهای در حال توسعه بیشتر شایع است و دلیل عمده آن وابستگی بیشتر این کشورها به بخش کشاورزی و حساسیات آنها بر روی این بخش است. این امر باعث گردیده تا این کشورها در مورد اغلب کالاها و زیر بخشهای کشاورزی تعرفه های بالا اعمال نمایند. اما لزوم آمادگی برای عضویت در سازمان جهانی تجارت در پیش گرفتن جهت گیری جایگزین به منظور حمایت مناسب و مکفی از محصولات محدود تری را ضروری می سازد.

۵- عدم تجهیز نظام تعرفه ای به ابزارهای متنوع

نکته اساسی دیگر عدم بهره گیری کشور از ابزارهای متنوع تعرفه ای در رژیم تعرفه ای کشور است حال آنکه با توجه به ویژگی فصلی بودن تولیدات کشاورزی و عدم تکافوی تولید داخل برخی محصولات در شرایط فعلی یکی از مشکلات سیستم فعلی تعرفه ها تک ابزاری بودن این رژیم است که وضع تعرفه برای این قبیل محصولات را با مشکل روبه رو کرده است. همانگونه که قبلا بیان شد کشورهای پیشرفته از انواع ابزارهای تعرفه ای در حمایت از تولید داخلی خود سود می برند و موفقیت یک رژیم تعرفه ای هرچند منطقی و هدفمند تا حد زیادی به نحوه اجرای آن و برخورداری از ابزارهای متنوع بستگی دارد. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که جهت گیریها در سازمان جهانی تجارت به سمت استفاده از ابزار تعرفه ارزشی به منظور افزایش شفافیت است. از این رو مناسب است بخش کشاورزی تعادلی منطقی بین استفاده از دیگر ابزار های تعرفه ای و رویکرد سازمان جهانی تجارت در استفاده از ابزار تعرفه ارزشی ایجاد نماید.

جدول ۳-۵: پراکنش تعرفه ها در گروه های مختلف کالایی در ایران و اتحادیه اروپا

گروه تولیدی	ایران					اتحادیه اروپا				
	تعداد ردیف تعرفه					تعداد ردیف تعرفه				
	کل	-۲۰	-۳۰	>	>٪۲۰	کل	-۲۰	-۳۰	>	>٪۲۰
حیوانات زنده و محصولات	۱۱۹	۱۷	۷۶	۰	۹۳	۳۵۱	۶۸	۷۹	۱۴	۴۵
ماهیها و قشرداران (۳)	۱۰۶	۷	۵۳	۰	۶۰	۳۷۳	۴۵	۰	۰	۱۰۷
محصولات لبنی (۴)	۳۹	۴	۱۸	۰	۲۲	۱۹۷	۲۱	۷۷	۹	۱۶
میوه و سبزی (۷-۸)	۱۳۲	۴۸	۶۸	۱۱	۱۲۷	۴۰۷	۱۰	۵	۱	۱۰۴
غلات و آرد غلات (۱۱-۱۰)	۶۶	۰	۲۵	۴	۲۹	۱۷۴	۲۹	۷۵	۰	۱۰
دانه های روغنی و چربیها و	۱۱۰	۵	۳۰	۱	۳۶	۲۱۱	۰	۸	۲	۲۵
فرآورده هایی گوشتی (۱۶)	۲۷	۲	۲۴	۰	۲۶	۱۰۵	۱۷	۸	۰	۴۰
شکر و کاکائو (۱۷-۱۸)	۳۶	۱	۱۷	۲	۲۰	۷۵	۳۴	۶	۰	۱۱۰
فرآورده هایی میوه و سبزی (۲۰)	۵۵	۰	۵۱	۰	۵۱	۳۱۰	۷۰	۳۹	۱	۳۵
دیگر غذاهای فرایندی (۲۱-۱۹)	۴۴	۴	۲۷	۰	۳۱	۹۰	۲۷	۸	۰	۲۶
نوشیدنها و دخانیات (۲۴-۲۲)	۳۲	۱	۶	۱۶	۲۳	۷۱/۸۸	۹	۱۵	۲	۲۲
دیگر تولیدات کشاورزی (۲۳-)	۱۶۴	۳۲	۵۵	۶	۹۳	۲۳۱	۴	۱۴	۴	۷۰۱
کل محصولات کشاورزی (۲۴-۱)	۹۳۰	۱۳۱	۴۵۰	۴۰	۶۱۱	۲۷۲۹	۳۴۳	۳۳۴	۳۳	

۶- دولتی بودن و حضر کمرنگ نهادهای مردم مدار در تصمیم سازی

بعد از پیروزی انقلاب انتظار می رفت که ساختار اقتصادی کشور دستخوش تغییرات اساسی گردد اما بروز بحران های پی در پی مانع هرگونه سیاست گذاری منسجم در این زمینه گردید. با این همه دولت با توجه به اهداف خود و مشکلاتی که با آن مواجه بود انحصارات خود بر تجارت خارجی را شدت بخشید به نحوی که دولتی بودن تجارت خارجی یکی از مواد قانون اساسی کشور گردید. علاوه بر این به دلیل مشروعیت بیش از پیش حضور دولت در عرصه های مختلف اقتصادی طی سال های مختلف قوانین صادرات واردات مختلفی به تصویب رسید که از آن

جمله می توان از قوانین سال های ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۷۳ و ۷۵ نام برد. به جز این قوانین انبوهی از بخش نامه ها و دستورالعمل نیز در این خصوص صادر گردیده که ارائه همگی آنها غیرممکن خواهد بود لیکن بخشی از این قوانین در بررسی برنامه های توسعه اقتصادی کشور بویژه در بخش تجارت محصولات کشاورزی معرفی خواهند شد. بخش دیگر قوانین در سالهای اخیر که نشان دهنده وضعیت موجود قوانین مربوط به تجارت خارجی کشور است که توسط مراجع تصمیم گیری مجلس شورای اسلامی، هیات وزیران، شورای اقتصاد و مجمع تشخیص مصلحت نظام اتخاذ گردیده است (سایت مجلس شورای اسلامی، سامانه قوانین و مقررات). زمینه های تصمیم گیری در خصوص میزان تعرفه (افزایش و کاهش یا حذف)، نوع محصولات مورد تجارت، قراردادهای چند جانبه می باشد. بررسی قوانین مختلف تجارت خارجی کشور و از جمله بخش کشاورزی بر حسب مرجع تصمیم گیری نشان دهنده روند بیش از حد دولتی بودن بازار خارجی و کنترل آن از سوی دولت و تغییرات متناوب تصمیم گیریهای اتخاذ شده می باشد. بنابراین مشاهده می گردد که در فرآیند تعریف و تصویب نرخ های حقوق گمرکی و سودبازگانی، نهادهای مردم مدار مرتبط (ذینفعانی که این نرخها بر فعالیت آنان تاثیرگذار می باشد) حضور و تاثیر گذاری اندکی دارند.

۷- عدم توجه کافی به اصول و مبانی اقتصادی در تعیین تعرفه

به اصل مزیت نسبی و توان رقابت پذیری کالاها در وضع تعرفه ها برای محصولات و فصول مختلف کم توجهی می شود به عنوان نمونه بر محصولات فصل هشتم نسبت به بیشترین فصول دیگر تعرفه های سنگین تری وضع شده است حال آنکه کشور ما در تولید بسیاری از محصولات این فصل دارای مزیت نسبی و در عرصه تجارت جهانی دارای مزیت بالایی است و در تولید برخی از محصولات این فصل بی رقیب یا کم رقیب است. به نظر می رسد سیاستگذاران عرصه تجاری سعی کرده اند با وضع تعرفه سبک بر کالاهایی که کشور مزیت نسبی و توان تولیدی بالایی در آنها ندارد، واردات ارزانتر این کالاها را عملی کند و جنبه حمایتی تعرفه ها تا حدودی مغفول مانده است. از جمله دلایل این رویکرد می تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان را ذکر کرد. علاوه بر این افزایش یا کاهش هر ساله تعرفه ها اغلب بدون در نظر گرفتن توان رقابتی و حساسیت آنها سرایت شده است. در حالی که به نظر می رسد روند تغییرات تعرفه کل بخش و فصول مختلف می باید تحت تاثیر تغییرات به طور عمده بیرونی و سالیانه قرار نگیرد (تغییر جهت های اساسی ساختار تعرفه به طور عمده متأثر از تغییر نرخ ارز و وضعیت درآمدهای نفتی کشور است). این وضعیت به دلیل آن است که برای تعیین نرخ تعرفه معیارهای تعریف شده علمی وجود ندارد و بیشتر مقطعی و بر اساس تغییرات بازار است.

۷-۳- بررسی نتایج هم اندیشی با خبرگان در خصوص ارزیابی نظام تعرفه بخش کشاورزی

بر اساس روش تحقیق طرح، به منظور ارزیابی نظام تعرفه در ابعاد مختلف از جمله تفاوت و پراکندگی نرخ تعرفه های محصولات کشاورزی، سالانه و فصلی بودن نرخ تعرفه های محصولات کشاورزی، حمایت از تولیدات داخلی بخش کشاورزی، تنظیم بازار و مصرف کننده داخلی، امنیت غذایی، قوانین و مقررات تجاری و بازرگانی، الحاق به سازمان تجارت جهانی، ساختار تصمیم سازی و تصمیم گیری نظام تعرفه ای بخش کشاورزی، چگونگی تعیین نرخ تعرفه گمرکی محصولات بخش کشاورزی، رقابت بازار محصولات کشاورزی و قیمت آن و ساختار نظارت و ارزیابی نظام تعرفه موجود و اصلاح آن سوالاتی با کمک کارشناسان خبره و مطالعات و تجربیات جهانی و

داخلی طراحی شد. پرسشنامه مزبور جهت تکمیل برای ۶۰ خبره و کارشناس در موضوع تحقیق ارسال گردید که از میان این تعداد ۲۲ نفر پرسشنامه را تکمیل نمودند که نتایج آن به تفصیل ارائه شده است. خبرگان و کارشناسان حوزه تجارت و کشاورزی از اساتید دانشگاه، محققان وزارت جهاد کشاورزی، محققان وزارت بازرگانی و انجمن خبرگان کشاورزی می باشند.

۳-۷-۱- مولفه های کمک کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه

جدول ۳-۶ مولفه هایی که می تواند جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه محصولات کشاورزی کمک کننده باشد، آمده است. اطلاعات نشان می دهد که اولاً تأثیرگذاری هر عامل از دیدگاه متخصصان متفاوت است و ثانیاً مجموعه عوامل به صورت سیستمی در این فرآیند تأثیر گذار می باشند. اطلاعات جدول ۳-۶ میزان تأثیرگذاری هر عامل به صورت درصد بر اساس میانگین نظرات متخصصان آورده شده است. جدول ۳-۷ نظرات امتیازدهی و اولویت بندی شده است. همان طور که مشاهده می گردد بر حسب امتیازدهی متخصصان سه عامل مهم کمک کننده عبارتند از:

- ۱- سیاستگذاری و برنامه ریزی متناسب و هماهنگ با محصول در بخش تولید
- ۲- متناسب بودن و طبقه بندی بودن نرخهای تعرفه بر حسب مبادله و غیرمبادله بودن کالاهای کشاورزی (منظور از مبادله ای و غیر مبادله ای کالاهای وارداتی و صادراتی است)
- ۳- متناسب بودن و هم جهت بودن سیاستهای کلان اقتصادی و حمایتی بخش کشاورزی با تعرفه با هدف حمایت موثر و منطقی تر از محصولات کشاورزی

از سوی دیگر بر حسب اولویت بندی کل، مهمترین عوامل عبارتند از:

- ۱- سیاستگذاری و برنامه ریزی متناسب و هماهنگ با محصول در بخش تولید
- ۲- همکاری و هماهنگی بین نهادهای متولی بازرگانی محصولات کشاورزی با هدف حضور ذی نفعان و ارائه استدلالهای علمی-تجربی متقن و منطقی و به دور از تعصب در خصوص نرخ تعرفه محصولات کشاورزی
- ۳- شفافیت سیاستهای دولت در زمینه نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در بلند مدت

جدول ۳-۶: مولفه های کمک کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه

ردیف	مولفه های کمک کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه	درصد پاسخگویان به لحاظ تاثیرگذاری برای هر مولفه				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱	فصلی بودن نرخ تعرفه محصولات کشاورزی (برای گروهی از کالاهای بخش کشاورزی دارای توجیه پذیری علمی داشتن نرخ تعرفه فصلی)	۲۲.۷	۲۲.۷	۳۱.۸	۱۸.۲	۴.۵
۲	ثبات نسبی در نرخهای تعرفه تعیین شده سالانه محصولات کشاورزی (گروه کالاهای دارای نرخ تعرفه سالانه)	۲۷.۳	۲۷.۳	۹.۱	۲۷.۳	۹.۱
۳	سیاستگذاری و برنامه ریزی متناسب و هماهنگ با محصول در بخش تولید	۵۹.۱	۹.۱	۴.۵	۱۸.۲	۹.۱
۴	همکاری و هماهنگی بین نهادهای متولی بازرگانی محصولات کشاورزی با هدف حضور ذی‌نفعان و ارائه استدلالهای علمی-تجربی متن و منطقی و به دور از تعصب در خصوص نرخ تعرفه محصولات کشاورزی	۲۷.۳	۴۵.۵	۴.۵	۰.۰	۲۲.۷
۵	متناسب بودن و هم جهت بودن سیاستهای کلان اقتصادی و حمایتی بخش کشاورزی با تعرفه با هدف حمایت موثر و منطقی تر از محصولات کشاورزی	۵۰.۰	۱۸.۲	۴.۵	۴.۵	۲۲.۷
۶	متناسب بودن و طبقه بندی نرخهای تعرفه بر حسب مزیت های نسبی تولید کالاهای کشاورزی	۳۱.۸	۳۶.۴	۹.۱	۹.۱	۱۳.۶
۷	متناسب بودن و طبقه بندی بودن نرخهای تعرفه بر حسب مبادله و غیرمبادله بودن کالاهای کشاورزی (منظور از مبادله ای و غیر مبادله ای کالاهای وارداتی و صادراتی است)	۲۰.۰	۳۰.۰	۳۰.۰	۱۵.۰	۵.۰
۸	پیش بینی میزان عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی بر اساس مدل‌های علمی متناسب و تعیین شکاف وجود جهت تعیین میزان صادرات و واردات (محصولات اساسی با شرایط جایگزینی واردات)	۲۲.۷	۱۳.۶	۵۰.۰	۴.۵	۹.۱
۹	حذف مغایرتها و تناقض‌های نظام /سیاسات تجاری با مقررات و اصول سازمان جهانی تجارت	۲۳.۸	۲۳.۸	۲۳.۸	۹.۵	۱۹.۰
۱۰	شفافیت سیاستهای دولت در زمینه نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در بلند مدت	۳۳.۳	۲۳.۸	۱۴.۳	۹.۵	۱۹.۰
۱۱	دسترسی مناسب به زیر ساختهای مرتبط با تنظیم بازار محصولات کشاورزی (سردخانه ، انبار ، شبکه های توزیع و ...)	۳۸.۱	۱۹.۰	۴.۸	۲۳.۸	۱۴.۳
۱۲	مشکل بودن اتحادیه های تولیدی در جهت دستیابی به میزان تولید پیش بینی شده بر حسب مزینتهای تولیدی منطقه ای و الگوی کشت	۳۰.۰	۱۵.۰	۲۵.۰	۲۵.۰	۵.۰
۱۳	مشکل بودن اصناف مرتبط با بخش کشاورزی (صادرکننده ، وارد کننده ، شرکتهای حمل و نقل و ...)	۲۲.۷	۱۸.۲	۳۶.۴	۹.۱	۱۳.۶
۱۴	در جهت توسعه شبکه های توزیع مناسب محصولات کشاورزی	۱۴.۳	۲۸.۶	۳۳.۳	۹.۵	۱۴.۳
۱۵	سطح درآمدی تولید کنندگان بخش کشاورزی با هدف دستیابی به تولید پیش بینی شده بخش	۱۰.۰	۲۵.۰	۴۵.۰	۱۰.۰	۱۰.۰
۱۶	بیمه درآمدی محصولات بخش کشاورزی با هدف دستیابی به تولید پیش بینی شده بخش	۹.۵	۲۸.۶	۴۲.۹	۱۹.۰	۰.۰
۱۷	قیمت تضمینی محصولات کشاورزی با هدف دستیابی به تولید پیش بینی شده کالاهای اساسی	۱۸.۲	۴۰.۹	۱۳.۶	۱۸.۲	۹.۱
۱۸	امنیت و شرایط سیاسی جهانی (تحریم ها ، محدودیتها و ...)	۱۳.۶	۴۵.۵	۹.۱	۲۲.۷	۹.۱
۱۹	تحقیق و توسعه در خصوص راهکارهای مناسب دستیابی به اهداف سیاست تعرفه در بخش	۲۲.۷	۲۲.۷	۳۱.۸	۱۳.۶	۹.۱
۲۰	زمان و نحوه اعلام نرخ تعرفه محصولات کشاورزی	۰.۰	۲۳.۸	۳۳.۳	۲۳.۸	۱۹.۰
۲۱	تجارت غیررسمی محصولات کشاورزی (قاچاق کالا)	۱۴.۳	۱۹.۰	۳۳.۳	۱۴.۳	۱۹.۰
۲۲	سازوکار (گردش کار) تعیین و اعلام نرخ تعرفه	۲۲.۷	۱۸.۲	۲۲.۷	۲۲.۷	۴.۵
۲۳	سرعت عمل در تعیین و اعلام نرخ تعرفه	۲۲.۷	۱۸.۲	۲۲.۷	۲۲.۷	۴.۵

*** شماره (۱) خیلی زیاد ، (۲) زیاد ، (۳) متوسط ، (۴) کم و (۵) خیلی کم می باشد

جدول ۳-۷: امتیازدهی و اولویت بندی مولفه های کمک کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه

ردیف	مؤلفه های کمک کننده جهت دستیابی به اهداف سیاست تعرفه				امتیاز دهی هر مؤلفه		اولویت بندی مولفه ها با توجه به هر مؤلفه
					ارزش هر مؤلفه از ۲۵	ارزش هر مؤلفه از ۱۰۰	
۱	فصلی بودن نرخ تعرفه محصولات کشاورزی (برای گروهی از کالاهای بخش کشاورزی دارای توجیه پذیری علمی داشتن نرخ تعرفه فصلی)				۱۳.۰	۵۲	۱۰
۲	ثبات نسبی در نرخهای تعرفه تعیین شده سالانه محصولات کشاورزی (گروه کالاهای دارای نرخ تعرفه سالانه)				۱۳.۲	۵۳	۶
۳	سیاستگذاری و برنامه ریزی متناسب و هماهنگ با محصول در بخش تولید				۱۰.۵	۴۲	۲۲
۴	همکاری و هماهنگی بین نهادهای متولی بازرگانی محصولات کشاورزی با هدف حضور ذی‌نفعان و ارائه استدلالهای علمی-تجربی متقن و منطقی و به دور از تعصب در خصوص نرخ تعرفه محصولات کشاورزی				۱۲.۳	۴۹	۱۵
۵	متناسب بودن و هم جهت بودن سیاستهای کلان اقتصادی و حمایتی بخش کشاورزی با تعرفه با هدف حمایت موثر و منطقی تر از محصولات کشاورزی				۱۱.۶	۴۶	۲۰
۶	متناسب بودن و طبقه بندی نرخهای تعرفه بر حسب مزیت های نسبی تولید کالاهای کشاورزی				۱۱.۸	۴۷	۱۸
۷	متناسب بودن و طبقه بندی بودن نرخهای تعرفه بر حسب مبادله و غیرمبادله بودن کالاهای کشاورزی (منظور از مبادله ای و غیر مبادله ای کالاهای وارداتی و صادراتی است)				۱۱.۶	۴۶	۲۱
۸	پیش بینی میزان عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی بر اساس مدل‌های علمی متناسب و تعیین شفاف وجود جهت تعیین میزان صادرات و واردات (محصولات اساسی با شرایط جایگزینی واردات)				۱۳.۲	۵۳	۷
۹	حذف مغایرتها و تناقض‌های نظام /سیاست تجاری با مقررات و اصول سازمان جهانی تجارت				۱۳.۲	۵۳	۸
۱۰	شفافیت سیاستهای دولت در زمینه نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در بلند مدت				۱۲.۳	۴۹	۱۶
۱۱	دسترسی مناسب به زیر ساختهای مرتبط با تنظیم بازار محصولات کشاورزی (سردخانه ، انبار ، شبکه های توزیع و ...)				۱۲.۳	۴۹	۱۷
۱۲	مشکل بودن اتحادیه های تولیدی در جهت دستیابی به میزان تولید پیش بینی شده بر حسب مزیت‌های تولیدی منطقه ای و الگوی کشت				۱۱.۸	۴۷	۱۹
۱۳	مشکل بودن اصناف مرتبط با بخش کشاورزی (صادرکننده ، وارد کننده ، شرکتهای حمل و نقل و ...) در جهت توسعه شبکه های توزیع مناسب محصولات کشاورزی				۱۳.۶	۵۵	۳
۱۴	سطح درآمدی تولید کنندگان بخش کشاورزی با هدف دستیابی به تولید پیش بینی شده بخش				۱۳.۴	۵۴	۴
۱۵	بیمه درآمدی محصولات بخش کشاورزی با هدف دستیابی به تولید پیش بینی شده بخش				۱۳.۰	۵۲	۱۲
۱۶	قیمت تضمینی محصولات کشاورزی با هدف دستیابی به تولید پیش بینی شده کالاهای اساسی				۱۳.۰	۵۲	۱۳
۱۷	امنیت و شرایط سیاسی جهانی (تحریم ها ، محدودیتها و ...)				۱۳.۰	۵۲	۱۴
۱۸	تحقیق و توسعه در خصوص راهکارهای مناسب دستیابی به اهداف سیاست تعرفه در بخش				۱۳.۴	۵۴	۵
۱۹	زمان و نحوه اعلام نرخ تعرفه محصولات کشاورزی				۱۳.۲	۵۳	۹
۲۰	تجارت غیررسمی محصولات کشاورزی (قاچاق کالا)				۱۶.۱	۶۵	۱
۲۱	سازوکار (گردش کار) تعیین و اعلام نرخ تعرفه				۱۴.۵	۵۸	۲
۲۲	سرعت عمل در تعیین و اعلام نرخ تعرفه				۱۳.۲	۵۳	۱۰

۳-۷-۲- مولفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی

جدول ۳-۸ مولفه هایی که در تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی تاثیرگذار باشد، آمده است. اطلاعات نشان می‌دهد که اولاً تاثیرگذاری هر عامل از دیدگاه متخصصان متفاوت است و ثانیاً مجموعه عوامل به صورت سیستمی در این فرآیند تاثیر گذار می باشند. اطلاعات جدول ۳-۸ میزان تاثیرگذاری هر عامل به صورت درصد بر اساس میانگین نظرات متخصصان آورده شده است. جدول ۳-۹ نظرات امتیازدهی و اولویت بندی شده است. همان طور که مشاهده می گردد بر حسب امتیازدهی متخصصان سه عامل مهم کمک کننده عبارتند از:

- ۱ - حمایت تجاری منطقی و مناسب به منظور حفظ پایداری تولید محصول داخلی
- ۲ - میزان حاشیه سود متناسب برای اصناف بخش کشاورزی مرتبط با سیاست تعرفه با حفظ رقابت پذیری و عدم تحریف بازار (صادرکننده، وارد کننده، فروشنده و ...)
- ۳ - نرخ ارز و تغییرات آن

از سوی دیگر بر حسب اولویت بندی کل، مهمترین عوامل عبارتند از:

- ۱ - حمایت تجاری منطقی و مناسب به منظور حفظ پایداری تولید محصول داخل
- ۲ - حفظ رقابت پذیری محصول داخلی در مقابل محصول خارجی
- ۳ - سیاستهای دولت در خصوص محصولات استراتژیک و اساسی

جدول ۳-۸: مولفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی

ردیف	مولفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی					درصد پاسخگویان به لحاظ تاثیرگذاری برای هر مولفه***
	۱	۲	۳	۴	۵	
۱	۲۲/۷	۳۶/۴	۱۸/۲	۲۲/۷	-	زمان عرضه محصول به بازار (همانگی با زمان عرضه محصول به بازار در مورد محصولات با نرخ تعرفه فصلی)
۲	۲۸/۶	۲۳/۸	۱۹	۲۳/۸	۴/۸	شکاف میان عرضه و تقاضای محصول در بازار (در مورد محصولات با نرخ تعرفه فصلی)
۳	۳۱/۸	۳۱/۸	۴/۵	۹/۱	۲۲/۷	حفظ رقابت پذیری محصول داخلی در مقابل محصول خارجی
۴	۵۰	۱۳/۶	۱۸/۲	۱۸/۲	-	حمایت تجاری منطقی و مناسب به منظور حفظ پایداری تولید محصول داخلی
۵	۴/۵	۱۳/۶	۴۵/۵	۳۱/۸	۴/۵	توجه به رفاه مصرف کننده از دیدگاه قیمت محصول
۶	۲۳/۷	۳۶/۴	۱۸/۲	۲۲/۷	-	حفظ حاشیه سود مناسب برای فروشندگان و عرضه کنندگان محصول
۷	۲۷/۳	۳۱/۸	۱۸/۲	۱۸/۲	۴/۵	سیاستهای دولت در خصوص محصولات استراتژیک و اساسی
۸	۱۹	۳۳/۳	۲۸/۶	۹/۵	۹/۵	نرخ تعرفه دوره قبل (با این شرط که منطقی و علمی تعیین شده باشد)
۹	۱۰	۳۰	۳۰	۲۰	۱۰	مبادله ای بودن و غیرمبادله ای بودن محصولات کشاورزی (صادراتی و وارداتی بودن محصول)
۱۰	۲۵	۳۰	۳۵	۵	۵	نرخ حمایت موثر محصول کشاورزی (با فرض منطقی بودن نرخ حمایت)
۱۱	۳۳/۳	۲۸/۶	۲۳/۸	۱۴/۳	-	نرخ ارز و تغییرات آن
۱۲	۳۱/۸	۳۱/۸	۹/۱	۴/۵	۲۲/۷	قیمت جهانی محصولات کشاورزی
۱۳	۲۲/۷	۲۲/۷	۳۶/۴	۴/۵	۱۳/۶	وجود محصولات با کیفیت و استانداردهای متفاوت
۱۴	۴/۵	۳۶/۴	۲۷/۳	۱۸/۲	۱۳/۶	رویه ها و دستورالعمل های اداری ابلاغ شده
۱۵	۲۲/۷	۳۶/۴	۲۷/۳	۹/۱	۴/۵	میزان حاشیه سود متناسب برای اصناف بخش کشاورزی مرتبط با سیاست تعرفه با حفظ رقابت پذیری و عدم تحریف بازار (صادرکننده، وارد کننده، فروشنده و ...)

ردیف	مؤلفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی	درصد پاسخگویان به لحاظ تاثیرگذاری برای هر مؤلفه***				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱۶	قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی	۱۹	۲۳/۸	۲۸/۶	۱۹	۹/۵
۱۷	اجرایی نمودن ضوابط و استانداردهای بهداشتی و سلامتی	۳۸/۱	۱۹	۹/۵	۱۴/۳	۱۹

*** شماره (۱) خیلی زیاد، (۲) زیاد، (۳) متوسط، (۴) کم و (۵) خیلی کم می باشد

جدول ۳-۹: امتیاز دهی و اولویت بندی مؤلفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی

ردیف	مؤلفه های مربوط به تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی	امتیاز دهی هر مؤلفه			
		ارزش هر مؤلفه از ۲۵	ارزش هر مؤلفه از ۱۰۰	حساب امتیاز نهایی بر حسب اولویت بندی مؤلفه ها بر پایه اولویت بندی مؤلفه ها با توجه به هر مؤلفه	اولویت بندی مؤلفه ها با توجه به هر مؤلفه
۱	زمان عرضه محصول به بازار (هماهنگی با زمان عرضه محصول به بازار در مورد محصولات با نرخ تعرفه فصلی)	۱۲	۴۸	۱۱	۹
۲	شکاف میان عرضه و تقاضای محصول در بازار (در مورد محصولات با نرخ تعرفه فصلی)	۱۳	۵۰	۱۰	۵
۳	حفظ رقابت پذیری محصول داخلی در مقابل محصول خارجی	۱۳	۵۲	۶	۲
۴	حمایت تجاری منطقی و مناسب به منظور حفظ پایداری تولید محصول داخلی	۱۰	۴۱	۱۷	۱
۵	توجه به رفاه مصرف کننده از دیدگاه قیمت محصول	۱۶	۶۴	۱	۱۶
۶	حفظ حاشیه سود مناسب برای فروشندگان و عرضه کنندگان محصول	۱۲	۴۸	۱۲	۷
۷	سیاستهای دولت در خصوص محصولات استراتژیک و اساسی	۱۲	۴۸	۱۳	۳
۸	نرخ تعرفه دوره قبل (با این شرط که منطقی و علمی تعیین شده باشد)	۱۳	۵۱	۷	۱۳
۹	مبادله ای بودن و غیرمبادله ای بودن محصولات کشاورزی (صادراتی و وارداتی بودن محصول)	۱۵	۵۸	۳	۱۵
۱۰	نرخ حمایت موثر محصول کشاورزی (با فرض منطقی بودن نرخ حمایت)	۱۲	۴۷	۱۴	۴
۱۱	نرخ ارز و تغییرات آن	۱۲	۴۷	۱۵	۸
۱۲	قیمت جهانی محصولات کشاورزی	۱۳	۵۱	۸	۶
۱۳	وجود محصولات با کیفیت و استانداردهای متفاوت	۱۳	۵۳	۵	۱۴
۱۴	رویه ها و دستورالعمل های اداری ابلاغ شده	۱۵	۶۰	۲	۱۷
۱۵	میزان حاشیه سود متناسب برای اصناف بخش کشاورزی مرتبط با سیاست تعرفه با حفظ رقابت پذیری و عدم تحریف بازار (صادرکننده، وارد کننده، فروشنده و ...)	۱۲	۴۷	۱۶	۱۲
۱۶	قوانین و مقررات سازمان تجارت جهانی	۱۴	۵۵	۴	۱۰
۱۷	اجرایی نمودن ضوابط و استانداردهای بهداشتی و سلامتی	۱۳	۵۱	۹	۱۱

۳-۷-۳- مولفه های مربوط به شکل گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی

جدول ۳-۱۰ مولفه هایی که در شکل گیری نظام ساختاری تعرفه محصولات کشاورزی تاثیرگذار باشد، آمده است. اطلاعات نشان می دهد که اولاً تاثیرگذاری هر عامل از دیدگاه متخصصان متفاوت است و ثانیاً مجموعه عوامل به صورت سیستمی در این فرآیند تاثیر گذار می باشند. اطلاعات جدول ۳-۱۰ میزان تاثیرگذاری هر عامل به صورت درصد بر اساس میانگین نظرات متخصصان آورده شده است. جدول ۳-۱۱ نظرات امتیازدهی و اولویت بندی شده است. همان طور که مشاهده می گردد بر حسب امتیازدهی متخصصان سه عامل مهم کمک کننده عبارتند از:

- ۱- ایجاد بانک اطلاعاتی جامع آماری در خصوص معیارها و ضوابط تعیین نرخ تعرفه و روزآمدن نمودن آن
- ۲- تدوین قوانین و مقررات متناسب با توسعه منطقی و پایدار بخش کشاورزی و روستایی در خصوص تعرفه
- ۳- تعدد ذینفعان مستقیم و غیرمستقیم دولتی و غیردولتی در جلسات تصمیم سازی نرخ تعرفه (به منظور دخیل نمودن منافع گروه های مختلف و حضور ذینفعان و ارائه استدلالهای علمی-تجربی متقن و منطقی و به دور از تعصب)

از سوی دیگر بر حسب اولویت بندی کل، مهمترین عوامل عبارتند از:

- ۱- هماهنگی سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی و نرخ تعرفه در ساختار تصمیم گیری کشور
- ۲- تعدد ذینفعان مستقیم و غیرمستقیم دولتی و غیردولتی در جلسات تصمیم سازی نرخ تعرفه (به منظور دخیل نمودن منافع گروه های مختلف و حضور ذینفعان و ارائه استدلالهای علمی-تجربی متقن و منطقی و به دور از تعصب)
- ۳- طراحی ساختار تشکیلاتی مناسب در سطح ملی، استانی و قطب های منطقه ای تولیدی در خصوص نظام تعرفه بخش کشاورزی

جدول ۳-۱۰: مولفه های مربوط به شکل گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی

ردیف	مولفه های مربوط به شکل گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی	درصد پاسخگویان به لحاظ تاثیرگذاری برای هر مولفه ^{***}				
		۱	۲	۳	۴	۵
۱	تعدد ذینفعان مستقیم و غیرمستقیم دولتی و غیردولتی در جلسات تصمیم سازی نرخ تعرفه (به منظور دخیل نمودن منافع گروه های مختلف و حضور ذینفعان و ارائه استدلالهای علمی-تجربی متن و منطقی و به دور از تعصب)	۴۰.۹	۲۲.۷	۹.۱	۱۳.۶	۱۳.۶
۲	هماهنگی سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی و نرخ تعرفه در ساختار تصمیم گیری کشور	۴۰.۹	۱۳.۶	۹.۱	۳۱.۸	۴.۵
۳	طراحی ساختار تشکیلاتی متناسب در سطح ملی، استانی و قطب های منطقه ای تولیدی در خصوص نظام تعرفه بخش کشاورزی	۲۲.۷	۲۷.۳	۳۱.۸	۱۳.۶	۴.۵
۴	تعیین جایگاه بخش غیردولتی در خصوص تعیین نرخ تعرفه و ضوابط آن بر اساس استدلالهای علمی-تجربی متن و منطقی و به دور از تعصب	۴۷.۶	۱۴.۳	۹.۵	۱۹.۰	۹.۵
۵	توانمند سازی و ارتقای آگاهی و دانش بخش غیردولتی در خصوص نقش تعرفه و تاثیر آن بر فعالیتهای مستقیم و غیرمستقیم بخش کشاورزی	۲۲.۷	۳۱.۸	۲۷.۳	۹.۱	۹.۱
۶	تدوین قوانین و مقررات متناسب با توسعه منطقی و پایدار بخش کشاورزی و روستایی در خصوص تعرفه	۴۰.۹	۲۲.۷	۴.۵	۲۷.۳	۴.۵
۷	طراحی مدل متناسب با بخش در خصوص پیش بینی عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی (بامحوریت محصولات اساسی و استراتژیک کشاورزی و جایگزینی واردات)	۰.۰	۵۰.۰	۲۷.۳	۲۲.۷	۰.۰
۸	ایجاد بانک اطلاعاتی جامع آماری در خصوص معیارها و ضوابط تعیین نرخ تعرفه و روزآمدن نمودن آن	۴۵.۵	۲۲.۷	۹.۱	۱۳.۶	۹.۱
۹	انجام مطالعات دقیق علمی قبل از تصمیم گیری در خصوص تعیین و تغییر نرخ تعرفه (بامحوریت محصولات اساسی و استراتژیک کشاورزی و جایگزینی واردات)	۲۷.۳	۳۱.۸	۹.۱	۱۸.۲	۱۳.۶
۱۰	ترویج و آموزش یافته های تحقیقاتی و تصمیم سازی به مجریان دولتی و غیردولتی (در تمامی حوزه ها و فرآیندها فنی و اقتصادی تولید، مصرف و بازار رسانی)	۹.۱	۴۵.۵	۲۲.۷	۴.۵	۱۸.۲
۱۱	ارزیابی و سنجش منافع و هزینه های نرخ های تعرفه محصولات کشاورزی قبل و پس از اعمال آن در هر مرحله	۳۱.۸	۱۸.۲	۱۸.۲	۲۲.۷	۹.۱
۱۲	اعمال نتایج ارزیابی مرحله ای نرخ های تعرفه کشاورزی در طراحی ضوابط و معیارهای تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی	۲۲.۷	۱۸.۲	۳۱.۸	۱۳.۶	۱۳.۶

*** شماره (۱) خیلی زیاد، (۲) زیاد، (۳) متوسط، (۴) کم و (۵) خیلی کم می باشد

جدول ۳-۱۱: امتیاز دهی و اولویت بندی مولفه های مربوط به شکل گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی

اولویت بندی مولفه ها با توجه به هر مولفه	امتیاز دهی هر مولفه			مولفه های مربوط به شکل گیری نظام ساختاری تعرفه بخش کشاورزی	ردیف
	اولویت بندی مولفه ها بر حسب امتیاز دهی هر مولفه	ارزش هر مولفه از ۱۰۰	ارزش هر مولفه از ۲۵		
۲	۱۰	۴۷	۱۲	تعدد ذینفعان مستقیم و غیرمستقیم دولتی و غیردولتی در جلسات تصمیم سازی نرخ تعرفه (به منظور دخیل نمودن منافع گروه های مختلف و حضور ذینفعان و ارائه استدلالهای علمی-تجربی متقن و منطقی و به دور از تعصب)	۱
۱	۸	۴۹	۱۲	هماهنگی سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی و نرخ تعرفه در ساختار تصمیم گیری کشور	۲
۳	۶	۵۰	۱۳	طراحی ساختار تشکیلاتی متناسب در سطح ملی، استانی و قطب های منطقه ای تولیدی در خصوص نظام نظام تعرفه بخش کشاورزی	۳
۵	۹	۴۸	۱۲	تعیین جایگاه بخش غیردولتی در خصوص تعیین نرخ تعرفه و ضوابط آن بر اساس استدلالهای علمی-تجربی متقن و منطقی و به دور از تعصب	۴
۷	۷	۵۰	۱۳	توانمند سازی و ارتقای آگاهی و دانش بخش غیردولتی در خصوص نقش تعرفه و تاثیر آن بر فعالیتهای مستقیم و غیرمستقیم بخش کشاورزی	۵
۶	۱۱	۴۶	۱۲	تدوین قوانین و مقررات متناسب با توسعه منطقی و پایدار بخش کشاورزی و روستایی در خصوص تعرفه	۶
۹	۳	۵۵	۱۴	طراحی مدل متناسب با بخش در خصوص پیش بینی عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی (بامحوریت محصولات اساسی و استراتژیک کشاورزی و جایگزینی واردات)	۷
۸	۱۲	۴۴	۱۱	ایجاد بانک اطلاعاتی جامع آماری در خصوص معیارها و ضوابط تعیین نرخ تعرفه و روزآمدن نمودن آن	۸
۴	۴	۵۲	۱۳	انجام مطالعات دقیق علمی قبل از تصمیم گیری در خصوص تعیین و تغییر نرخ تعرفه (بامحوریت محصولات اساسی و استراتژیک کشاورزی و جایگزینی واردات)	۹
۱۲	۱	۵۵	۱۴	ترویج و آموزش یافته های تحقیقاتی و تصمیم سازی به مجریان دولتی و غیردولتی (در تمامی حوزه ها و فرآیندها فنی و اقتصادی تولید، مصرف و بازار رسانی)	۱۰
۱۰	۵	۵۲	۱۳	ارزیابی و سنجش منافع و هزینه های نرخ های تعرفه محصولات کشاورزی قبل و پس از اعمال آن در هر مرحله	۱۱
۱۱	۲	۵۵	۱۴	اعمال نتایج ارزیابی مرحله ای نرخ های تعرفه کشاورزی در طراحی ضوابط و معیارهای تعیین نرخ تعرفه محصولات کشاورزی	۱۲

اگر بخواهیم از دیدگاه جزئی و مولفه ای به مشکلات و موانع نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی نظری اجمالی داشته باشیم می توان عناصر مهم مشکل را از حوزه اهداف ، معیارها و ضوابط تعیین نرخ تعرفه، ساختار نظام تعرفه و ساختار نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری به شرح شکل ۳-۱ بر شمرد . ملاحظه می گردد که عناصر گوناگونی مانند هم جهت نبودن سیاستهای حمایتی و تعرفه ، عدم توجه به مزیت نسبی و رقابتی در تعیین نرخ تعرفه ، ضعف حضور تشکل های کشاورزی در تصمیم سازی نرخ تعرفه و کالاهای مشمول آن و غیره خود باعث ایجاد مشکل و نارسایی نظام فعلی و عدم کارایی آن با توجه به هدف سیاستی این ابزار یعنی حمایت از تولید داخلی و کاهش واردات شده است .

شکل ۳-۱: مشکلات و نارسایی های نظام فعلی تعرفه بخش کشاورزی

تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور

نارسایی در ساختار اقتصادی و

- عدم مشارکت بخش غیر دولتی
- عدم یات در تصمیم گیریهای مربوط به تعرفه و حمایت
- ساختار بیش از حد دولتی در نظام تصمیم گیری و تصمیم سازی
- سیاستهای آزمون و خطا و عدم توجه به تجربیات گذشته و جهان
- عدم یات اقتصادی در کشور با توجه به نوسان در درآمدهای نفتی
- نظارت کم بر اجرای سیاست و ارزیابی آن
- کم توجهی به نظرات کارشناسی
- سازوکار غیر کارا و گمراه کار طولانی
- عدم هماهنگی تمامی دستگاههای زیربط در مورد سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی
- نظم بازار بر اساس رویکرد وارداتی به جای رویکرد تولیدی
- عدم وجود دانش تئوریک در بدنه کارشناسی مرتبط در وزارت بازرگانی
- غیر تخصصی بودن بدنه کارشناسی مرتبط با موضوع در وزارت جهاد کشاورزی

تعرفه

نارسایی در ساختار نظام

- نامناسبی سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی و نرخ تعرفه در ساختار تصمیم گیری کشور
- فقدان توانمند سازی و ارتقای آگاهی و دانش بخش غیردولتی در خصوص نقش تعرفه و تاثیر آن بر فعالیتها و مستقیم و غیرمستقیم بخش کشاورزی
- تدوین نامناسب قوانین و مقررات متناسب با توسعه منطقه و پایدار بخش کشاورزی و روستایی در خصوص تعرفه
- عدم ارزیابی و سنجش منابع و هزینه های نرخ های تعرفه محصولات کشاورزی قبل و پس از اتصال آن در هر مرحله
- اولویت قرار دادن منابع کوتاه مدت مصرف کنندگان شهری و ارجح دانستن مصرف کنندگان نسبت به تولید کنندگان در ارتباط با تعیین نرخ تعرفه
- عدم ارقام خرید بهیچ محصولات تصمیمی و انبارداری آن و عرضه در زمانهای نامناسب
- واردات بی رویه در افزایش تفکر متقابل با گران منطقه در بازار محصولات کشاورزی
- حضور کمرنگ تشکل های غیر دولتی حمایت کننده از بخش کشاورزی

ضوابط تعیین نرخ تعرفه

نارسایی در معیارها و

- حمایت نامناسب تجاری منطقه و مناسب به منظور حفظ پایداری تولید محصول داخلی
- عدم اتصال نرخ حمایت موثر از محصول کشاورزی (منطقه)
- نبودن نرخ حمایت تعرفه ای
- عدم توجه به زمان عرضه محصول به بازار (هماهنگی با زمان عرضه محصول به بازار در مورد محصولات با نرخ تعرفه فصلی)
- توجه ناکافی به اجرایی نمودن ضوابط و استانداردهای بهداشتی و سلامتی
- شناخت ناکافی از مزایای نسبی و رقابتی
- غیر واقعی بودن نرخ های تعرفه بر حسب شرایط بازار داخلی
- عدم رقابت در حوزه تجارت خارجی محصولات کشاورزی
- عدم تناسب تعرفه ها با کجیبت کالاهای تولیدی قابل رقابت با بازار جهانی
- نقص و حضور کمرنگ سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی در تدوین معیارها و ضوابط تعیین تعرفه ها
- عدم توجه به اصل مزیت نسبی و توان رقابت پذیری محصولات

نارسایی در تنظیم اهداف

- نامناسب بودن و هم جهت نبودن سیاستهای کلان اقتصادی و حمایتی بخش کشاورزی با تعرفه با هدف حمایت موثر و منطقی
- عدم محصولات کشاورزی
- عدم طبقه بندی نرخهای تعرفه بر حسب مزیت های نسبی تولید کالاهای کشاورزی
- عدم شفافیت سیاستهای دولت در زمینه نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در بلند مدت
- عدم تمرکز نامناسب به زیر ساختهای مرتبط با تنظیم بازار محصولات کشاورزی (سروخانه، انبار، شبکه های توزیع و ...)
- فقدان تشکل فعال غیردولتی در بخش کشاورزی
- فقدان سامانه اطلاعات جامع در زمینه تدوین تعرفه ها
- غلبه تصمیمات سیاسی بر اقتصادی در تعیین اهداف تعرفه
- عدم هماهنگی با سیاست تولید محصولات کشاورزی و عرضه آن
- عدم توجه به تعیین اهداف کالا
- عدم توجه به تعیین تعرفه

جمع بندی فصل

از دیدگاه استراتژی، طی سالهای بعد از انقلاب، بکار گیری استراتژی جایگزینی واردات در ایران، به پشتوانه درآمدهای ارزی سرشار نفتی، موجبات استفاده وسیع از سیاستهای حمایتی اعم از تجاری، ارزی، اعتباری و قیمتی برای تولید و مصرف در ابعاد، اشکال و انواع مختلف فراهم کرد. قبل از انقلاب - علی رغم وجود قانون انحصار تجاری خارجی - بخش خصوصی در واردات و صادرات کالا آزادی عمل داشت. در فاصله سالهای ۱۳۵۷-۱۳۳۹ متوسط نرخ تعرفه وصولی از واردات ۱۵/۹ درصد بود، در حالی که این رقم در سالهای ۱۳۶۹-۱۳۵۸، به ۳۰ درصد افزایش یافت. این افزایش نشان می دهد که بازرگانی خارجی در سالهای بعد از انقلاب بیش از پیش تحت انواع محدودیتها قرار گرفت.

مطالعه اهداف کلی برنامه اول توسعه و اهداف کیفی و کمی بخش تجارت خارجی آن نشان می دهد که استراتژی تجاری حاکم بر برنامه اول حمایت و تشویق صادرات و محدود کردن واردات بوده است. در برنامه دوم نیز توسعه بیش از پیش صادرات غیر نفتی و کاهش وابستگی به درآمدهای نفتی به عنوان یک هدف کیفی مطرح بوده و سیاست ها و خط مشی هایی نیز جهت حصول این هدف در نظر گرفته است. اگرچه در برنامه اول گرایش به ترکیبی از تشویق صادرات و جایگزینی واردات و در برنامه دوم بیشتر برون گرایی مطرح بوده است اما در عمل هیچ کدام از برنامه ها استراتژی تجاری روشن و شفافی رسماً اعلام نگردید. حتی می توان اظهار داشت با وجود گرایش تشویق صادرات و برون گرایی در برنامه ها عملاً سیاست ها و خط مشی های به کار گرفته شده در جهت این اهداف نبوده و بیشتر نگاه به درون داشته اند به طوری که هنوز هم دستگاه های متولی صدور برای مجوز برای ایجاد صنایع جدید حجم مصرف داخلی را به عنوان مهم ترین شاخص و معیار تصمیم گیری قرار می دهند حتی می توان گفت اگر در برنامه ها استراتژی برون گرایی نیز به طور شفاف مطرح و پیگیری و عملکرد سازمان ها و موسسات مختلف فعال در آن اعم از نظام بانکی، بیمه، اداری، مالیاتی، تجاری و غیره که بیشتر در راستای تسهیل واردات شکل گرفته اند، در عمل با مشکل مواجه می شد. به عنوان مثال با وجود اینکه گمرک در اکثر کشور ها وابسته به وزارت بازرگانی است و مهم ترین هدفی که دنبال می کند تسهیل فرآیند تجارت می باشد اما در ایران گمرک هنوز وابسته به امور اقتصادی و دارایی است و هدف کسب درآمد را پیگیری می کند.

مسئله «امنیت»^۱ و «تامین مالی» دو عامل اساسی و محوری در موفقیت تجارت خارجی است که در کشورهای دیگر از طریق نظام بانکی، موسسات مالی غیر بانکی، شرکت های بیمه بازرگانی و بیمه های صادراتی این مهم صورت می گیرد. قابل توجه است که عملکرد نظام بانکی در زمینه تجارت خارجی و به ویژه صادرات کاملاً مبهم و غیر شفاف و ضعیف است. متولی بیمه های صادراتی نیز که صندوق ضمانت صادرات ایران وابسته به وزارت بازرگانی می باشد، از عملکرد قابل توجهی در زمینه پوشش ریسک های اقتصادی و سیاسی برخوردار نمی باشد. هنوز به صادرات در مدل اقتصادی ایران به عنوان یک متغیر وابسته پرداخته می شود. قوانین و مقررات فعلی در زمینه های مختلف عمده تاً بازدارنده بوده و با تغییرات مکرر خود در طول زمان مشکلات تجارت خارجی و به

۱ - منظور از امنیت موضوعاتی از قبیل ریسک سیاسی و اقتصادی، بیمه و تضمین خطر و درآمد و سایر موارد مرتبط با آن می باشد.

ویژه صادرات را چند صد برابر می نماید. در یک جمع بندی کلی می توان گفت با وجود تدوین اجرای برنامه اول و دوم توسعه، کشور همچنان در نگرش تجاری و اتخاذ استراتژی تجاری هدفمند و برنامه ریزی شده مشکل دارد. با شروع برنامه سوم توسعه، اصلاح (وضع موجود) سیاست های حمایتی تجاری در ایران، به دلایل مختلف داخلی و جهانی اجتناب ناپذیر شده است. ایران در این زمینه گام های مهمی برداشته که برای نمونه می توان به تصمیمات دولت در خصوص تک نرخ شدن ارز، بر چیده شدن موانع غیر تعرفه ای و تبدیل آن به معادلهای تعرفه ای (مطابق ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه)، انجام اقداماتی در راستای عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی (WTO)، تنظیم انحصارات و رقابتی کردن فعالیتهای اقتصادی در برنامه سوم و چهارم توسعه اشاره کرد که همسو با استراتژی توسعه صادرات (اقتصاد باز و رقابتی) بوده است.

نکته جالب در بررسی تاریخی تحولات قوانین تجاری کشور آن است که علی رغم بسیاری از محدودیت های غیرتعرفه ای دسترسی به بازار که در کشور که سابقه ای بس طولانی دارد، به دلیل ماهیت دولتی اقتصاد و به طبع آن تجارت خارجی، بیشتر این قوانین بدون توجه به اهمیت تجارت و نقش تجارت در اقتصاد به تصویب رسیده اند. تغییرات پیاپی و متناقض این قوانین بدون توجه به تاثیرگذاری آن بر اقتصاد کشور خود بهترین شاهد بر این مدعاست. به عنوان مثال گرچه در برنامه دوم توسعه مقرر گردیده بود که تعرفه های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی بر اساس مزیت های نسبی برای گروه های کالا و متناسب با شرایط جهانی به منظور ایجاد شرایط رقابت بین المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید، اما باز هم روند تغییرات نرخ تعرفه نشان از حاکمیت شرایط موجود بوده تا مزیت نسبی و رقابت.

اطلاعات نشان می دهد که در فرآیند تعریف و تصویب نرخ های حقوق گمرکی و سودبازرگانی، نهادهای مردم مدار مرتبط (ذینفعانی که این نرخها بر فعالیت آنان تاثیرگذار می باشد) حضور و تاثیر گذاری اندکی دارند. یکی از خلاءهای نظام تعرفه ای بخش کشاورزی فعلی ایران، حضور کم رنگ، تعریف نشده و شفاف ذینفعان و شکل های مرتبط با آنان می باشد. شناخت اندازه و میزان حضور مناسب نهادهای مردم مدار و ذینفعان در فرآیند تصمیم سازی، تصمیم گیری و سیاستگذاری نظام تعرفه ای بخش کشاورزی مبحثی است که در تحقیقات بعدی بایستی به آن پرداخته شود.

بررسی قوانین مختلف بر حسب مرجع تصمیم گیری در خصوص تجارت خارجی کشور و بخش کشاورزی نشان از روند بیش از حد دولتی بودن بازار خارجی و کنترل آن از سوی دولت و تغییرات متناوب تصمیم گیریهای اتخاذ شده را می رساند. در خصوص تعرفه در سال های مختلف به چشم می خورد سیاست های تجاری مربوط به معافیت از پرداخت حقوق ورودی است. در عین حال یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می آورد، وجود اصلاحیه های متعدد، تبصره های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار دارد.

مطابق با سیاستها و راهبردهای تجاری برنامه های توسعه به منظور دستیابی به اهداف آن ابزارهای سیاستی آن نیز متغیر بوده که در طول زمان تغییرات اساسی نموده است. به طور کلی می توان راهبردها، سیاستها و خط مشی های تجاری در برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در قالب پنج راهبرد جانشینی واردات، سیاست درهای باز، تشویق صادرات همراه با محدودیت وارداتی، راهبرد برون گرا و توسعه صادرات خلاصه کرد. برنامه های اول و دوم توسعه قبل از انقلاب فاقد راهبرد تجاری خاصی بودند. راهبردهای برنامه های سوم و چهارم توسعه به نگرش جانشینی واردات شباهت دارند و برنامه پنجم توسعه که مصادف با افزایش درآمدهای نفتی بود، اولین برنامه در راستای گشایش دروازه های اقتصادی کشور تلقی می شود. پس از پیروزی انقلاب سه برنامه توسعه تدوین و به اجرا گذاشته شد، که بر اساس متن برنامه ها، راهبرد تجاری حاکم بر صادرات و واردات، تشویق صادرات و محدودیت واردات بوده است و در برنامه چهارم توسعه نیز راهبرد توسعه صادرات و تسهیل تجارت خارجی کشور پیش بینی شده است. بر اساس هر نوع راهبرد و نگرش در برنامه های توسعه، نگاه به تعرفه، نرخ تعرفه و میزان سطح حمایتی آن متفاوت بوده است.

جدول ۳-۱۲: راهبردهای تجاری و بازرگانی کشور در برنامه های توسعه

برنامه	دوره زمانی	راهبردهای تجاری
برنامه های قبل از انقلاب	۱۳۵۶-۱۳۳۸	
برنامه اول	۱۳۳۴-۱۳۳۸	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه دوم	۱۳۴۱-۱۳۳۵	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه سوم	۱۳۴۶-۱۳۴۲	جانشینی واردات
برنامه چهارم	۱۳۵۱-۱۳۴۷	جانشینی واردات
برنامه پنجم	۱۳۵۶-۱۳۵۲	سیاست درهای باز
برنامه های بعد از انقلاب	۱۳۸۸-۱۳۵۷	
دوره پیروزی انقلاب و جنگ	۱۳۶۷-۱۳۵۷	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه اول	۱۳۷۲-۱۳۶۸	تشویق صادرات همراه با محدودیت وارداتی
برنامه دوم	۱۳۷۸-۱۳۷۴	گرایش به راهبرد برون گرا*
برنامه سوم	۱۳۸۳-۱۳۷۹	گرایش به راهبرد برون گرا (جهش صادراتی)
برنامه چهارم	۱۳۸۸-۱۳۸۴	راهبرد توسعه صادرات و برون گرا (تعامل فعال با اقتصاد جهانی)

ماخذ: برگرفته از متن برنامه های توسعه و مهورا، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵
* برگرفته از متن برنامه های توسعه به نقل از متوسلی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷

یکی از اصلی ترین سیاست های تجاری که در کشور در خصوص تعرفه در سال های مختلف به چشم می خورد سیاست های تجاری مربوط به معافیت از پرداخت حقوق ورودی، وجود اصلاحیه های متعدد، تبصره های متنوع و استثنائات گوناگون است که همه این موارد باعث اخلال در نظام اجرایی قوانین تعرفه ای را فراهم نموده است. به عنوان نمونه حذف و لغو معافیت های مندرج در قوانین مختلف یکی از اصلی ترین سیاست های برنامه ای بخش بازرگانی محسوب می شود. به طور کلی مهمترین ویژگی های نظام تعرفه ای ایران در چهار برنامه توسعه کشور به شرح جدول ۳-۱۳ می باشد:

جدول ۳-۱۳: مقایسه احکام قانونی بخش بازرگانی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در حوزه نظام تعرفه ای

موضوع	ماده مشابه برنامه اول	ماده مشابه برنامه دوم	ماده مشابه برنامه سوم	حکم قانونی برنامه چهارم
الف) تعرفه واردات و دفع موانع غیر تعرفه ای	تبصره «۱۴۱»- افزایش یا کاهش سود بازرگانی به منظور حمایت از تولیدات داخلی و بالا بردن کیفیت آن،	جزء ۲ بند و تبصره «۱۹۱» تعیین اعمال تعرفه‌های سود بازرگانی (برای واردات) و عوارض (برای تولیدات داخلی) به نحوی که در صورت عدم رعایت مشخصات فنی و معیارهای تعیین شده از طرف دولت، تولیدکنندگان و واردکنندگان این تجهیزات مشمول پرداخت و تعرفه‌ها گردند. جزء ب بند «۳» تبصره «۲۱» تعیین نرخ‌های تعرفه‌ای حقوق گمرکی توسط مجلس شورای اسلامی و سود بازرگانی توسط دولت جزء ب بند «۳» تبصره «۲۱» نرخ‌های تعرفه و سود بازرگانی به نحوی تعیین می‌شود که قیمت تمام شده محصولات وارداتی از قیمت تضمینی محصولات مشابه داخلی کمتر نباشد. جزء ج بند «۳» تبصره «۲۱» ابطای قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راهسازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آنها	ماده «۱۱۵» حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت ممنوعیت‌های شرعی و تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی	بند «ب» ماده «۴۱» تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه) مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیت های تولیدی صادرات‌گرا بند «ز» ماده «۳۳» حذف کلیه موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت موازن شرعی و وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای با زمان‌بندی معین و در قالب پیش‌آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه
ب) معافیت حقوق ورودی	تبصره «۳۲» لغو کلیه معافیت‌های مالیاتی و گمرکی شرکت‌های دولتی و تفکیک عملیات انتفاعی آنها از عملیات اجتماعی و حمایتی دولت به منظور بهبود مدیریت، تعیین میزان قطعی اموال و دارایی‌ها و سهام دولت در شرکت‌های دولتی	بند «۱» تبصره «۲۱» شفاف کردن سوسیدهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی جزء الف بند «۳» تبصره «۲۱» کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات، معافیت‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی وزارتخانه‌ها سازمان‌ها و... لغو می‌گردد. جزء الف بند «۳» تبصره «۲۱» تأمین اعتبارات لازم برای هزینه‌های ناشی از لغو معافیت	ماده «۵۸» از سال ۱۳۷۹ کلیه تخفیفها، ترجیحات و معافیت‌های مالیاتی و حقوق گمرکی کلیه دستگاه‌ها غیر از معافیت‌های برقرار شده بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی تجاری و... لغو می‌گردد.	ماده «۴» برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع می‌باشد.

مأخذ: قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، لوح حق (حافظه قوانین)، مجموعه قوانین و مقررات کشور، دفتر

فناوری‌های نوین، معاونت پژوهشی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

به طور کلی در یک جمع بندی از سیاستهای تجاری و نظام تعرفه کلان کشور می توان به مهمترین ویژگیهای آن به شرح ذیل اشاره نمود :

۱- استراتژی تجاری در برنامه اول و دوم بیشتر سیاست جایگزینی واردات حاکم بر روح تصمیم‌گیری در خصوص سیاستهای تجاری و من جمله تعرفه بوده است . روند تبدیل سیاست جایگزینی واردات به سیاست توسعه صادرات و انجام اصلاحات اقتصادی در کاهش سطوح تعرفه‌ای و آزاد سازی اقتصادی در سال‌های بعد از برنامه سوم کاملاً محسوس است. این روند در برنامه چهارم تکمیل شده است. اما آنچه در فرآیند تاریخی ملاحظه می گردد استراتژی تجاری ناظر بر بازرگانی کشور تلفیقی نامعین و نامشخص از سیاست جایگزینی واردات و توسعه صادرات است که

در مورد جایگزینی واردات اساساً به حمایت متزلزل از تولیدات داخلی محدود می‌گردد. بالاخره معلوم نیست در مورد محصولات و کالاها در طول زمان استراتژی تجاری لحاظ شده جایگزینی واردات یا توسعه صادرات و یا تلفیق آن به چه صورت و در چه دوره زمانی است. بر اساس استراتژی تجاری مشخص، می‌توان از ابزارهای بازرگانی مناسب (از جمله تعرفه) برای حصول به اهداف برنامه‌های توسعه سود جست.

۲- در عین حال یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می‌آورد، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار و ایجاد مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره‌ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده ترین موارد ایجاد استثنا و مزیت در این امور مربوط به معافیت‌های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است. این موارد اثرگذاری ابزار سیاستی تعرفه را دچار اختلال کرده و از مسیر خود خارج می‌سازد.

۳- از آنجایی که اقتصاد کشور به نفت وابسته است، بیشتر جهت‌گیریهای سیاست تجاری بر اساس قیمت نفت و درآمد نفتی کشور است. زمانی که درآمد نفتی افزایش می‌یابد، نرخ تعرفه‌ها کاهش و واردت افزایش می‌یابد و برعکس در موقع کاهش درآمدهای نفتی به منظور جلوگیری از خروج ارز، تعرفه‌ها افزایش و واردات کنترل می‌شود. جالبتر اینکه در زمان بهبود درآمد نفتی ترکیب واردات کالا به سمت کاهش واردات کالاهای واسطه‌ای و افزایش واردات مصرفی تغییر می‌یابد. از این رو می‌توان درآمد نفتی را یکی از عوامل مهم در تعیین سیاست تجاری و نرخ تعرفه در ایران دانست که هیچ ربطی به هدف اصلی ابزار سیاستی (حمایت از تولید داخلی) نداشته و ناشی از شرایط کلان اقتصاد کشور است.

۴- بررسی سیاستهای تجاری برنامه‌های توسعه نشان دهنده آن است که بایستی تعرفه‌های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی بر اساس مزیت‌های نسبی برای گروه‌های کالا و متناسب با شرایط جهانی به منظور ایجاد شرایط رقابت بین‌المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید، اما باز هم روند تغییرات نرخ تعرفه نشان از حاکمیت شرایط موجود بوده تا مزیت نسبی و رقابت محصولات.

۵- همان طور که بررسی تاریخی سیاست تجاری و نظام تعرفه کلان کشور نشان می‌دهد تغییرات پیاپی سیاستهای تجاری (مانند نرخ ارز، پیمان ارزی، واردات بدون انتقال ارز، عوارض گمرکی، سود بازرگانی، موانع غیرتعرفه‌ای و غیره) بیشتر ناشی از شرایط موجود بدون توجه به اهمیت و نقش تجارت در اقتصاد اخذ شده که یکی از موانع موجود نظام فعلی تعرفه کشور است.

۶- همان طور که مشاهده می‌گردد بررسی قوانین مختلف بر حسب مرجع تصمیم‌گیری در خصوص تجارت خارجی کشور نشان از روند بیش از حد دولتی بودن بازار خارجی و کنترل آن از سوی دولت و تغییرات متناوب تصمیم‌گیریهای اتخاذ شده را می‌رساند. بیشتر این قوانین بدون توجه به اهمیت تجارت و نقش تجارت در اقتصاد به تصویب رسیده‌اند. تغییرات پیاپی و متناقض این قوانین بدون توجه به تاثیرگذاری آن بر اقتصاد کشور خود بهترین شاهد بر این مدعاست.

۷- بررسی روند تاریخی قوانین و مقررات نشان می دهد که قانون انحصار تجارت خارجی ایران، لایحه تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی، قانون کمک به توسعه صدور برخی از اقلام کالاهای صادراتی، قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران، قانون بودجه کشور، قوانین پولی و بانکی کشور، قانون صندوق ضمانت صادرات ایران، قانون تأسیس سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان از جمله قوانینی است که بر تجارت خارجی کشور تأثیرگذار بوده است. بنابراین لازمه توسعه تجارت خارجی معقول و مناسب هماهنگی و همسو بودن سایر قوانین مرتبط و تأثیرگذار با اهداف تجارت خارجی است که در غیر همسو نبودن ممکن است نتایج متناقضی حاصل شود.

در بستر سیاستهای تجاری و نظام تعرفه کلان کشور، نظام تعرفه بخش کشاورزی علاوه بر دارا بودن خصوصیت نظام تعرفه کلان کشور، دارای ویژگیها و پیامدهایی به شرح ذیل می باشد:

۱- دولت با تغییر مأخذ محاسبه حقوق گمرکی متناسب با تغییر نرخ ارز، نسبت به تجدیدنظر در نرخ آن اقدام می نماید.

۲- دامنه پراکنش تعرفه این محصولات بالا بوده است؛ به طوری که حداکثر تعرفه گمرکی بیش از ۴۰ برابر حداقل حقوق گمرکی آن محصولات است و در واقع از برخی محصولات کشاورزی بیش از ۴ برابر قیمت سیف وارداتی حمایت اسمی صورت می گرفت.

۳- شکاف عمیقی بین میانگینهای ساده و وزنی تعرفهها مشاهده می شود این مسئله چند نکته را نشان می دهد اولاً: سیستم تعرفه ای کشور در بخش کشاورزی در تحدید واردات غیر موثر بوده است. ثانیاً: بیشتر واردات مربوط به کالاهای دارای تعرفه های پایین بوده است. ثالثاً: کالاهای دارای تعرفه بالا کمترین واردات را داشته اند.

۴- تعرفه های بالا عمدتاً بر کالاهای دارای ممنوعیت شرعی و کالاهای مزیت دار کشور همچون پسته و زعفران وضع شده است و عدم امکان واردات برای این قبیل کالاها به دلایل قانونی و اقتصادی باعث ایجاد شکاف بین تعرفه های ساده و اسمی شده است.

۵- در مورد محصولاتی که دربردارنده محصولات ضروری است که یا با بحث امنیت غذای جامعه در ارتباط هستند و یا جزو مواد اولیه صنعت دامپروری محسوب می شوند و برخی از آنها مانند گندم فقط از طریق دولت وارد می شود، تعرفه های پایین وضع می گردد.

۶- نظام فعلی تعرفه های کشاورزی بر پایه نظام تک ایزاری (تعرفه ارزشی) بنا شده است و نرخ تعرفه ها ارتباط معناداری با درآمدهای کشور و به ویژه شوک های نفتی دارد و همواره با افزایش درآمدهای نفتی افزایش واردات در دستور کار قرار گرفته و برای حصول به این هدف نرخ تعرفه ها کاهش می یابد. نحوه عمل دولتها در ایران در هنگام بروز شوک نفتی سالهای مختلف (قبل و بعد از انقلاب) با موارد گذشته هیچ گونه تفاوتی نداشته و با افزایش درآمدهای نفتی و بهبود وضعیت منابع ارزی کشور، حمایت تعرفه ای از بخش تولید کشاورزی به کنار گذاشته شده و با بی توجهی نسبت به کاهش تعرفه ها (سیاست افزایش نرخ تعرفه کالاهای ممنوع ورود و کاهش تعرفه کالاهای اساسی و مهمترین تولیدات کشاورزی کشور) اقدام و باعث افزایش واردات و گاه کاهش تولید داخلی شده است.

۷- موضوع مهم دیگر تغییر و نوسان زیاد نرخ تعرفه در طول زمان است. به طوری که به عنوان نمونه نرخ تعرفه برنج از ۱۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به تعرفه ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تبدیل شده است.

۸- کاهش میزان تعرفه‌ها شاید، ساده و کم اثر به نظر بیاید ولی هر گاه دولت تعرفه کالاهای کشاورزی را کاهش داده است کشاورزان با مشکلات اساسی اقتصادی روبرو شده‌اند. از مصادیق این وضعیت می‌توان به واردات بی رویه شکر که در اثر کاهش تعرفه واردات (از ۱۲۰ درصد سال ۱۳۸۳ به ۴ درصد سال ۱۳۸۶) آن به وجود آمد اشاره کرد. طی آن فرآیند کارخانه‌های قند و شکر به حالت تعطیل درآمد و دیگر خریداری برای چغندر وجود نداشت لذا کشاورزان از کشت آن منصرف شده و با توجه به نیازهای مشابه اکولوژیکی چغندر با سیب زمینی، اکثر چغندرکاران به کشت سیب‌زمینی روی آورده و قیمت سیب‌زمینی در سال ۱۳۸۷ آن قدر پایین آمد که کشاورزان را دچار مشکلات عدیده‌ای کرد تا جایی که دولت مجبور به خرید سیب‌زمینی از کشاورزان و توزیع آن به صورت رایگان بین مردم شد.

۹- دولت برای کاهش نرخ تورمی که ناشی از اعمال سیاستهایی از قبیل افزایش نقدینگی بوده است با کاهش تعرفه واردات محصولات کشاورزی به میلیونها تولید کننده زیان وارد کرده است . به عبارتی کاهش نرخ تعرفه نه به دلیل حمایت از تولید کشاورزی و امنیت غذایی بوده بلکه به دلیل جبران هزینه های سیاستهای نادرست دیگر دولت بوده است .

۱۰- اطلاعات نشان می‌دهد که با کاهش نرخ تعرفه در نبود نظام حمایتی غیر تعرفه‌ای، محصولاتی مانند برنج، قند و شکر و دیگر محصولات کشاورزی، افزایش بی‌رویه واردات رخ داده است و در خصوص محصولاتی مانند مرکبات ایران از یک کشور صادر کننده خالص این محصول به کشوری واردکننده خالص تبدیل شده است . تاثیر این تغییرات تعرفه‌ای بر واردات محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که دلیل اصلی وضع نرخ تعرفه پایین می‌تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان باشد. به نظر می‌رسد گاه سیاستگذاران عرصه تجاری سعی دارند با وضع تعرفه سبک واردات ارزاتر این کالاها را عملی کند و جنبه حمایتی تعرفه‌ها در عمل مغفول مانده است.

۱۱- نبود یک بسته سیاستی حمایت از بخش کشاورزی که در آن از ابزارهای متنوع سیاستی و من جمله تعرفه استفاده شده باشد که همسو و هم جهت در راستای اهداف توسعه بخش به کار گرفته شوند .

در یک جمع بندی می‌توان گفت نظام تعرفه محصولات بخش کشاورزی از دیدگاه سیاستی به اهداف خود که همانا حمایت از تولید از طریق کنترل واردات موفق عمل نکرده است به طوری که میزان واردات تحت تاثیر نرخهای تعرفه نبوده است و عدم کارایی این ابزار سیاستی را در بخش کشاورزی نشان می‌دهد . ملاحظه می‌گردد حتی در سالهایی که درصد تغییرات میانگین تعرفه افزایشی و فزاینده بوده باز هم میزان واردات بخش کشاورزی روند افزایشی داشته است و برعکس. این شرایط نشان دهنده آن است که در بخش کشاورزی ایران سیاست تعرفه- ای به دلیل روش نبودن سیاستهای تولیدی بخش ، شفاف نبودن سیاستهای مرزی و مشخص نبودن جایگاه تعرفه در بسته حمایتی بخش کشاورزی به خوبی نتوانسته است به هدف خود که همانا حمایت از تولید داخلی و مدیریت واردات است نائل گردد.

با توجه به بررسی اسنادی و نظرات خبرگان می توان مهمترین مشکلات نظام تعرفه ای بخش کشاورزی را می توان به شرح زیر برشمرد:

از بعد نوع تعرفه

- ۱- تعرفه ارزشی است و از انواع تعرفه غیرارزشی استفاده نمی گردد
- ۲- عدم بهره گیری از ابزارهای متنوع تعرفه ای در نظام تعرفه ای
- ۳- نظام فعلی تعرفه ها تک ابزار است
- ۴- معیارهای علمی برای تعیین نرخ تعرفه و تغییرات آن وجود ندارد.

از بعد استراتژی و سیاست

- ۱- سیاست های تعرفه ای کشور فاقد برنامه ریزی بلند مدت (برنامه دارای هدف و استراتژی مشخص) و دچار تصمیم های کوتاه مدت سالیانه/روزمرگی بوده است.
- ۲- عدم وجود برنامه ای بلند مدت در جهت حمایت از تولیدات داخلی
- ۳- در ساختار تعرفه ای بخش کشاورزی ابزارهای غیر تعرفه ای در کنار ابزار تعرفه به طور همزمان به طور نامناسبی مورد استفاده قرار نمی گیرند.
- ۴- نگاه وارداتی بیشتر معطوف به مصرف کنندگان
- ۵- عدم رعایت سیاستهای برنامه های توسعه در وضع تعرفه ها
- ۶- وجود فشارها از طرف گروه ها، اتحادیه ها و یا سازمان های بخشی بر تغییرات تعرفه ای

از بعد تعیین نرخ تعرفه کالا

- ۱- وضع تعرفه های سنگین بر محصولات دارای مزیت و صادراتی کشور
- ۲- تفاوت شدید تعرفه های اسمی و موثر در بخش کشاورزی
- ۳- به اصل مزیت نسبی و توان رقابت پذیری کالاها در وضع تعرفه ها برای محصولات و فصول مختلف کم توجهی می شود.
- ۴- تغییر جهت های اساسی نرخ تعرفه به طور عمده متأثر از تغییر نرخ ارز و وضعیت درآمدهای نفتی کشور است.
- ۵- عدم توجه به شاخص هایی مانند میزان ارز آوری اشتغالزایی و ارتباط محصولات مختلف با بحث امنیت غذایی و به ویژه با توجه به برنامه های بلند مدت کشور نظیر چشم انداز بیست ساله و برنامه های در تعیین نرخ تعرفه
- ۶- سطح تعرفه های در کلیه فصول یکسان بوده و اولویت بندی خاصی وجود ندارد
- ۷- روش های غیر شفاف و غیرمنصفانه در روش تعیین و محاسبه تعرفه
- ۸- فشار های تورمی و تاثیر بر نرخ تعرفه
- ۹- حضور کمرنگ نهادهای غیر دولتی در تعیین نرخ تعرفه



اتاق بازرگانی، صنایع، معادن و کشاورزی تهران

بخش چهارم

ارایه راهکارهای اصلاح نظام
تعارف ای موجود بخش کشاورزی

مقدمه

اهمیتی که بخش کشاورزی در تامین مواد اولیه بسیاری از صنایع داخلی، ایجاد اشتغال و کسب درآمدهای ارزی از طریق افزایش صادرات غیر نفتی و کاهش اتکا به درآمدهای نفتی دارد، منجر به توجه خاص به این بخش و تلاش جهت ارائه راهکارهایی مناسب به منظور شکوفایی هر چه بیشتر این بخش شده است. در این میان سیاستهای مختلفی جهت توسعه و ارتقای بخش در نظر گرفته می شود که از آن جمله می توان به تعرفه اشاره نمود. سیاستگذاری و برنامه ریزی مناسب جهت دستیابی به اهداف تعرفه نیازمند کسب دیدگاه مناسب در مورد وضعیت نظام تعرفه ای بخش کشاورزی کشور است. از این رو در این فصل با توجه به مطالعه اسناد و مدارک و دیدگاه صاحب نظران نظام تعرفه بخش کشاورزی به سوالات تحقیق پاسخ داده می شود. سوالات تحقیق عبارتست از:

۱- روند تاریخی نظام تعرفه ای واردات (کلان و بخش کشاورزی) در کشور چگونه بوده است؟

۲- موانع و چالش های نظام تعرفه ای موجود کدامند؟

۳- نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته چگونه است؟ (نرخ تعرفه)

۴- راهکارهای مناسب برای اصلاح نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی چیست؟

لازم به ذکر است که برای پاسخگویی به این سوالات در بخشهای قبلی تحقیق مفصل با ارائه اسناد و آمار به موضوع پرداخته شده است و در اینجا تنها به نتایج کلی برای دستیابی به ارائه راهکارهای مناسب جهت بهبود نظام فعلی تعرفه بخش کشاورزی اشاره می گردد.

۴-۱- روند تاریخی نظام تعرفه ای کلان و بخش کشاورزی در ایران

مطابق با سیاستها و راهبردهای تجاری برنامه های توسعه به منظور دستیابی به اهداف آن ابزارهای سیاستی آن نیز متغیر بوده که در طول زمان تغییرات اساسی نموده است. به طور کلی می توان راهبردها، سیاستها و خط مشی های تجاری در برنامه های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور را در قالب پنج راهبرد جانشینی واردات، سیاست درهای باز، تشویق صادرات همراه با محدودیت وارداتی، راهبرد برون گرا و توسعه صادرات خلاصه کرد. برنامه های اول و دوم توسعه قبل از انقلاب فاقد راهبرد تجاری خاصی بودند. راهبردهای برنامه های سوم و چهارم توسعه به نگرش جانشینی واردات شباهت دارند و برنامه پنجم توسعه که مصادف با افزایش درآمدهای نفتی بود، اولین برنامه در راستای گشایش دروازه های اقتصادی کشور تلقی می شود. پس از پیروزی انقلاب سه برنامه توسعه تدوین و به اجرا گذاشته شد ند، که بر اساس متن برنامه ها، راهبرد تجاری حاکم بر صادرات و واردات، تشویق صادرات و محدودیت واردات بوده است و در برنامه چهارم توسعه نیز راهبرد توسعه صادرات و تسهیل تجارت خارجی کشور پیش بینی شده است. بر اساس هر نوع راهبرد و نگرش در برنامه های توسعه، نگاه به تعرفه، نرخ تعرفه و میزان سطح حمایتی آن متفاوت بوده است.

جدول ۴-۱: راهبردهای تجاری و بازرگانی کشور در برنامه‌های توسعه

برنامه	دوره زمانی	راهبردهای تجاری
برنامه‌های قبل از انقلاب	۱۳۳۱-۱۳۵۶	
برنامه اول	۱۳۲۸-۱۳۳۴	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه دوم	۱۳۳۵-۱۳۴۱	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه سوم	۱۳۴۲-۱۳۴۶	جانشینی واردات
برنامه چهارم	۱۳۴۷-۱۳۵۱	جانشینی واردات
برنامه پنجم	۱۳۵۲-۱۳۵۶	سیاست درهای باز
برنامه‌های بعد از انقلاب	۱۳۵۷-۱۳۸۸	
دوره پیروزی انقلاب و جنگ	۱۳۵۷-۱۳۶۷	فاقد راهبردهای تجاری
برنامه اول	۱۳۶۸-۱۳۷۲	تشویق صادرات همراه با محدودیت وارداتی
برنامه دوم	۱۳۷۳-۱۳۷۴	گرایش به راهبرد برون‌گرا*
برنامه سوم	۱۳۷۵-۱۳۸۳	گرایش به راهبرد برون‌گرا (جهش صادراتی)
برنامه چهارم	۱۳۸۴-۱۳۸۸	راهبرد توسعه صادرات و برون‌گرا (تعامل فعال با اقتصاد جهانی)

ماخذ: برگرفته از متن برنامه‌های توسعه و مهورا، ۱۳۸۶، ص ۱۷۵
* برگرفته از متن برنامه‌های توسعه به نقل از متوسلی، ۱۳۸۰، ص ۲۴۷

از دیدگاه استراتژی، طی سالهای بعد از انقلاب، بکارگیری استراتژی جایگزینی واردات در ایران، به پشتوانه درآمدهای ارزی سرشار نفتی، موجبات استفاده وسیع از سیاست‌های حمایتی اعم از تجاری، ارزی، اعتباری و قیمتی برای تولید و مصرف در ابعاد، اشکال و انواع مختلف فراهم کرد. قبل از انقلاب- علی رغم وجود قانون انحصار تجاری خارجی- بخش خصوصی در واردات و صادرات کالا آزادی عمل داشت. در فاصله سالهای ۱۳۵۷-۱۳۳۹ متوسط نرخ تعرفه وصولی از واردات ۱۵/۹ درصد بود، در حالی که این رقم در سالهای ۱۳۶۹-۱۳۵۸، به ۳۰ درصد افزایش یافت. این افزایش نشان می دهد که بازرگانی خارجی در سالهای بعد از انقلاب بیش از پیش تحت انواع محدودیتها قرار گرفت.

یکی از اصلی ترین سیاست‌های تجاری که در کشور در خصوص تعرفه در سال‌های مختلف به چشم می‌خورد سیاست‌های تجاری مربوط به معافیت از پرداخت حقوق ورودی، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و استثنائات گوناگون است که همه این موارد باعث اختلال در نظام اجرایی قوانین تعرفه ای را فراهم نموده است. به عنوان نمونه حذف و لغو معافیت‌های مندرج در قوانین مختلف یکی از اصلی ترین سیاست‌های برنامه‌ای بخش بازرگانی محسوب می‌شود. به طور کلی مهمترین ویژگی های نظام تعرفه ای ایران در چهار برنامه توسعه کشور به شرح جدول ۴-۲ می باشد.

جدول ۴-۲: مقایسه احکام قانونی بخش بازرگانی برنامه‌های اول تا چهارم توسعه در حوزه نظام تعرفه ای

موضوع	ماده مشابه برنامه اول	ماده مشابه برنامه دوم	ماده مشابه برنامه سوم	حکم قانونی برنامه چهارم
(الف) تعرفه واردات و رفع موانع غیر تعرفه ای	تبصره ۱۴۱- افزایش یا کاهش سود بازرگانی به منظور حمایت از تولیدات داخلی و بالا بردن کیفیت آن.	<p>جزء ۲ بند و تبصره ۱۹۱) تعیین اعمال تعرفه‌های سود بازرگانی (برای واردات) و عوارض (برای تولیدات داخلی) به نحوی که در صورت عدم رعایت مشخصات فنی و معیارهای تعیین شده از طرف دولت، تولیدکنندگان و واردکنندگان این تجهیزات مشمول پرداخت و تعرفه‌ها گردند.</p> <p>جزء ب بند ۳۴ تبصره ۴۱) تعیین نرخ‌های تعرفه‌ای حقوق گمرکی توسط مجلس شورای اسلامی و سود بازرگانی توسط دولت</p> <p>جزء ب بند ۳۴ تبصره ۴۱) نرخ‌های تعرفه و سود بازرگانی به نحوی تعیین می‌شود که قیمت تمام شده محصولات وارداتی از قیمت تضمینی محصولات مشابه داخلی کمتر نباشد.</p> <p>جزء ج بند ۳۴ تبصره ۴۱) ابقای قانون چگونگی محاسبه و وصول حقوق گمرکی، سود بازرگانی و مالیات انواع خودرو و ماشین‌آلات راهسازی وارداتی و ساخت داخل و قطعات آنها</p>	ماده ۱۱۵) حذف موانع غیرتعرفه‌ای و غیرفنی با رعایت ممنوعیت‌های شرعی و تهیه برنامه زمان‌بندی اصلاح نرخ‌های معادل تعرفه و اعلام آن به صورت پیش‌آگهی و تعیین تعرفه‌های گمرکی	بند «ب» ماده ۴۱ تنظیم تعرفه‌های واردات نهاده‌های کالایی تولید (ماشین‌آلات و مواد اولیه) مبتنی بر حمایت منطقی و منطبق با مزیت‌های رقابتی از تولید داخلی آنها و در جهت تسهیل فعالیت‌های تولیدی صادرگرا
(ب) معافیت حقوق ورودی	تبصره ۳۲) لغو کلیه معافیت‌های مالیاتی و گمرکی شرکت‌های دولتی و تفکیک عملیات انتفاعی آنها از عملیات اجتماعی و حمایتی دولت به منظور بهبود مدیریت، تعیین میزان قطعی اموال و دارایی‌ها و سهام دولت در شرکت‌های دولتی	<p>بند ۴۱ تبصره ۲۱) شفاف کردن سوبسیدهای حقوق گمرکی و سود بازرگانی</p> <p>جزء الف بند ۳۴ تبصره ۲۱) کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات، معافیت‌های حقوق گمرکی و سود بازرگانی وزارتخانه‌ها سازمان‌ها و... لغو می‌گردد.</p> <p>جزء الف بند ۳۴ تبصره ۲۱) تأمین اعتبارات لازم برای هزینه‌های ناشی از لغو معافیت</p>	ماده ۵۸) از سال ۱۳۷۹ کلیه تخفیف‌ها، ترجیحات و معافیت‌های مالیاتی و حقوق گمرکی کلیه دستگاه‌ها غیر از معافیت‌های برقرار شده بر اساس کنوانسیون‌های بین‌المللی تجاری و... لغو می‌گردد.	ماده (۴) برقراری هرگونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع می‌باشد.

مأخذ: قوانین برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ایران، لوح حق (حافظه قوانین)، مجموعه قوانین و مقررات کشور، دفتر فناوری‌های نوین، معاونت پژوهشی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۸.

به طور کلی در یک جمع بندی از سیاستهای تجاری و نظام تعرفه کلان کشور می توان به مهمترین ویژگیهای آن به شرح ذیل اشاره نمود :

۱- استراتژی تجاری در برنامه اول و دوم بیشتر سیاست جایگزینی واردات حاکم بر روح تصمیم‌گیری در خصوص سیاستهای تجاری و من جمله تعرفه بوده است . روند تبدیل سیاست جایگزینی واردات به سیاست توسعه صادرات و انجام اصلاحات اقتصادی در کاهش سطوح تعرفه‌ای و آزاد سازی اقتصادی در سال‌های بعد از برنامه سوم کاملاً محسوس است. این روند در برنامه چهارم تکمیل شده است .اما آنچه در فرآیند تاریخی ملاحظه می گردد استراتژی تجاری ناظر بر بازرگانی کشور تلفیقی نامعین و نامشخص از سیاست جایگزینی واردات و توسعه صادرات است که در مورد جایگزینی واردات اساساً به حمایت متزلزل از تولیدات داخلی محدود می‌گردد. بالاخره معلوم نیست در مورد محصولات و کالاها در

طول زمان استراتژی تجاری لحاظ شده جایگزینی واردات یا توسعه صادرات و یا تلفیق آن به چه صورت و در چه دوره زمانی است. بر اساس استراتژی تجاری مشخص، می توان از ابزارهای بازرگانی مناسب (از جمله تعرفه) برای حصول به اهداف برنامه های توسعه سود جست.

۲- در عین حال یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می آورد، وجود اصلاحیه های متعدد، تبصره های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار و ایجاد مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده ترین موارد ایجاد استثنا و مزیت در این امور مربوط به معافیت های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است. این موارد اثرگذاری ابزار سیاستی تعرفه را دچار اختلال کرده و از مسیر خود خارج می سازد.

۳- از آنجایی که اقتصاد کشور به نفت وابسته است، بیشتر جهت گیریهای سیاست تجاری بر اساس قیمت نفت و درآمد نفتی کشور است. زمانی که درآمد نفتی افزایش می یابد، نرخ تعرفه ها کاهش و واردت افزایش می یابد و برعکس در موقع کاهش درآمدهای نفتی به منظور جلوگیری از خروج ارز، تعرفه ها افزایش و واردات کنترل می شود. جالبتر اینکه در زمان بهبود درآمد نفتی ترکیب واردات کالا به سمت کاهش واردات کالاهای واسطه ای و افزایش واردات مصرفی تغییر می یابد. از این رو می توان درآمد نفتی را یکی از عوامل مهم در تعیین سیاست تجاری و نرخ تعرفه در ایران دانست که هیچ ربطی به هدف اصلی ابزار سیاستی (حمایت از تولید داخلی) نداشته و ناشی از شرایط کلان اقتصاد کشور است.

۴- بررسی سیاستهای تجاری برنامه های توسعه نشان دهنده آن است که بایستی تعرفه های گمرکی با توجه به درجه معقول حمایت از تولیدکنندگان و مصرف کنندگان داخلی بر اساس مزیت های نسبی برای گروه های کالا و متناسب با شرایط جهانی به منظور ایجاد شرایط رقابت بین المللی و به کارگیری استانداردهای جهانی در تولیدات کشور فراهم آید، اما باز هم روند تغییرات نرخ تعرفه نشان از حاکمیت شرایط موجود بوده تا مزیت نسبی و رقابت محصولات.

۵- همان طور که بررسی تاریخی سیاست تجاری و نظام تعرفه کلان کشور نشان می دهد تغییرات پیاپی سیاستهای تجاری (مانند نرخ ارز، پیمان ارزی، واردات بدون انتقال ارز، عوارض گمرکی، سود بازرگانی، موانع غیرتعرفه ای و غیره) بیشتر ناشی از شرایط موجود بدون توجه به اهمیت و نقش تجارت در اقتصاد اخذ شده که یکی از موانع موجود نظام فعلی تعرفه کشور است.

۶- همان طور که مشاهده می گردد بررسی قوانین مختلف بر حسب مرجع تصمیم گیری در خصوص تجارت خارجی کشور نشان از روند بیش از حد دولتی بودن بازار خارجی و کنترل آن از سوی دولت و تغییرات متناوب تصمیم گیریهای اتخاذ شده را می رساند. بیشتر این قوانین بدون توجه به اهمیت تجارت و نقش تجارت در اقتصاد به تصویب رسیده اند. تغییرات پیاپی و متناقض این قوانین بدون توجه به تاثیرگذاری آن بر اقتصاد کشور خود بهترین شاهد بر این مدعاست.

۷- بررسی روند تاریخی قوانین و مقررات نشان می دهد که قانون انحصار تجارت خارجی ایران، لایحه تشویق صادرات و صدور پروانه بازرگانی، قانون کمک به توسعه صدور برخی از اقلام کالاهای صادراتی، قانون تشکیل مرکز توسعه صادرات ایران، قانون بودجه کشور، قوانین پولی و بانکی کشور، قانون صندوق ضمانت صادرات ایران، قانون تاسیس سازمان حمایت از تولید کنندگان و مصرف کنندگان از جمله قوانینی است که بر تجارت خارجی کشور تاثیرگذار بوده است. بنابراین لازمه توسعه تجارت خارجی معقول و مناسب هماهنگی و همسو بودن سایر قوانین مرتبط و تاثیرگذار با اهداف تجارت خارجی است که در غیر همسو نبودن ممکن است نتایج متناقضی حاصل شود.

در بستر سیاست تجاری و نظام تعرفه کلان کشور، روند نرخ تعرفه محصولات کشاورزی نیز متأثر از آن می باشد. بررسی اطلاعات نشان می دهد که میانگین وزنی تعرفه های مشمول موافقتنامه کشاورزی در سالهای پایانی دوره ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۷ کاهش یافته است. در طی این ۱۲ سال، ۵ سال میانگین وزنی تعرفه ها بالاتر از ۲۰ درصد و تنها در یک سال میانگین وزنی تعرفه ها از ۵۰ درصد بیشتر است (در سال ۷۹ میانگین وزنی تعرفه ها ۵۴/۰۷ درصد است) و در مابقی سالها نیز میانگین وزنی تعرفه ها بین ۱۰ تا ۲۰ درصد است. اطلاعات نشان می دهد که طی دوره مورد بررسی میانگین وزنی تعرفه های بخش کشاورزی در حدود ۲ درصد رشد داشته اما در فصول ۱۲، ۲۱، ۱۸، ۱۶، ۱۴، ۳۸ و ۲۴ روند کاهشی میانگین وزنی تعرفه ها مشاهده می گردد. شکاف عمیقی بین میانگین های ساده و وزنی تعرفه ها مشاهده می شود این مسئله چند نکته را نشان می دهد اولاً: سیستم تعرفه ای کشور در بخش کشاورزی در تحدید واردات غیر موثر بوده است. ثانیاً: بیشتر واردات مربوط به کالاهای دارای تعرفه های پایین بوده است. ثالثاً: کالاهای دارای تعرفه بالا کمترین واردات را داشته اند. در نگاه نخست شاید اینگونه استنباط شود که تعرفه ها به گونه ای اعمال شده اند که جلوی واردات کالاهای حساس را بگیرند و واردات کالاهای مورد نیاز به قیمت ارزان میسر شود. اما دقت در وضع تعرفه ها بر کالاهای مختلف در سالهای مختلف نشان می دهد که تعرفه های بالا عمدتاً بر کالاهای دارای ممنوعیت شرعی و کالاهای مزیت دار کشور همچون پسته و زعفران وضع شده است و عدم امکان واردات برای این قبیل کالاها به دلایل قانونی و اقتصادی باعث ایجاد شکاف بین تعرفه های ساده و اسمی شده است.

با توجه به میانگین تعرفه ها طی دوره مورد بررسی، فصلهای (۲۳، ۱۳، ۱۲، ۱۰) مشمول کمترین حمایت تعرفه ای (۱۵/۳، ۲۵/۹، ۲۰/۴ و ۱۰/۶) در مقایسه با سایر فصلها بوده اند. فصل دهم (غلات) دربردارنده محصولات ضروری است که یا با بحث امنیت غذایی جامعه در ارتباط هستند و یا جزو مواد اولیه صنعت دامپروری محسوب می شوند و برخی از آنها مانند گندم فقط از طریق دولت وارد می شود. از این رو در مورد برخی از آنها از سالهای دور سیاست واردات ارزان قیمت تعقیب شده است. ولی در بعضی موارد مانند برنج نرخ تعرفه آن از ۱۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تبدیل شده است. کاهش نرخ تعرفه در سایر غلات نیز مشاهده می شود تعرفه جو از اول اردیبهشت ماه تا پایان تیرماه هر سال ۲۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد و تعرفه ذرت دانه ای از ۱۵ شهریور ماه لغایت ۱۵ بهمن ماه هر سال ۱۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد مصوب شده است.

محصولات فصل دوازدهم (نباتات صنعتی و دانه های روغنی و بذور محصولات) در راستای نیاز کشور به تامین بذور مورد نیاز برای کشت و عدم توانایی کشور در تولید دانه های روغنی در طول سالهای مورد بررسی معمولاً سطح تعرفه های پایین داشته است.

فصل ۱۳ که به صمغ ها و رزین ها تعلق دارد از حمایت تعرفه ای پایینی در سالهای گذشته برخوردار بوده است. از آنجا که کالاهای این فصل جزو کالاهای حساس و راهبردی برای کشور محسوب نمی شده (در تعیین کالاهای استراتژیک و مهم بخش کشاورزی) تامین ارزان قیمت آنها از خارج، سیاست مناسبی به نظر می رسد و از این رو نرخ تعرفه پایینی را دارا بوده است.

فصل ۲۳ که کنجاله ها و محصولات فرعی صنایع روغن کشی اختصاص دارد. محصولات این فصل از یک سو جز تولیدات صنایع تبدیلی و روغن کشی محسوب می شوند و از سوی دیگر به عنوان نهاده در تغذیه دام و طیور مورد استفاده قرار می گیرند. همچنین بر محصولات این فصل تعرفه پایینی (۱۰/۶) در مقایسه با سایر فصول اعمال شده است که این سیاست با سیاست توسعه صنایع روغن کشی در تعارض قرار دارد.

اما محصولات فصلهای (۲۲ ، ۲۱ ، ۲۰ ، ۱۸ ، ۱۶ ، ۸ ، ۶) مشمول بیشترین حمایت تعرفه‌ای در طول دوره بوده‌اند. محصولات فصل ۲۲ در سالهای گذشته از بالاترین حمایت تعرفه‌ای برخوردار بوده‌اند. این در حالی است که محصولات این فصل دارای سطح ممنوعیت بسیار بالایی (۱۰۵/۷ ، ۵۹/۱ ، ۸۴/۱ ، ۵۵/۶ ، ۷۸/۱ ، ۸۵/۳ و ۴۶/۱) در مقایسه با سایر فصول نیز هستند. با توجه به ممنوعیت ورود اغلب محصولات این فصل نیازی به در نظر گرفتن سطح تعرفه‌های بالا برای این فصل نیست.

فصلهای ۲۱ ، ۲۰ ، ۱۸ و ۱۶ دربردارنده محصولات فرآیندی هستند و اعمال تعرفه‌های بالا بر محصولات این فصلها با توجه به قدرت اشتغال زایی ایجاد ارزش افزوده و ارز آوری این فصلها منطقی به نظر می‌رسد. به طور کلی همه کشورهای دنیا با بهره‌گیری از اصل «تعرفه پلکانی» محصولات فرآیندی خود را مشمول حمایت تعرفه‌ای بالا قرار می‌دهند به خصوص محصولات فصل ۲۰ (فرآورده‌های میوه و سبزی‌ها) با توجه به اینکه ماده اولیه تولیدات این فصل از تولیدات عمده کشور محسوب می‌شوند حمایت تعرفه‌ای بالا از محصولات این فصل ضروری است.

محصولات فصل هشتم نیز از حمایت تعرفه‌ای بالایی در مقایسه با سایر فصول برخوردار هستند. چرا که در اغلب تولیدات این فصل کشور دارای مزیت نسبی بالایی در تولید می‌باشد. محصولات این فصل با توجه به عواملی همچون سطح زیر کشت بالا، توان اشتغال زایی و ارزآوری تولیدات با اهمیتی برای کشور محسوب می‌شوند و از این نظر حمایت از آنها ضروری است. متأسفانه تعرفه‌ها در برخی از محصولات این فصل به طور غیر منطقی کاهش یافته است به عنوان مثال تعرفه اغلب میوه‌ها در چهار سال اخیر از میانگین ۲۶ درصد به ۴ درصد کاهش یافته است که بهتر است تعرفه آنها در سطح منطقی‌تر با توجه به وضعیت قیمتهای داخلی و جهانی تعیین شود. در برخی دیگر از محصولات حساس و استراتژیک با کاهش نرخ تعرفه روبرو شده‌اند. مانند تغییر نرخ تعرفه گوشت که از ۴۶ درصد به ۴ درصد و یا شکر خام از ۱۲۰ درصد به ۴ درصد و شکر سفید از ۱۵ درصد به ۱۰ درصد و شیرخشک از ۳۰ درصد به ۴ درصد کاهش یافته‌اند (در سال ۱۳۸۵ و سال ۱۳۸۷). همچنین در وضع تعرفه پنبه، در سال ۱۳۸۵ تعرفه واردات پنبه دو نرخی (۴ درصد برای پنبه‌های با طول تار بلند و ۲۰ درصد برای پنبه‌های مشابه تولید داخلی) که در سال ۱۳۸۶ به تک نرخی ۱۵ درصد تبدیل و در سال ۱۳۸۷ تعرفه واردات پنبه صفر شد .

در میان محصولات کشاورزی شکر به دلایل مختلف بعد از برنج از بیشترین مقدار حمایت برخوردار است و بخش عمده حمایتها از طریق مکانیسم بازار یا به عبارتی سیاست قیمنگذاری صورت می‌گیرد. اتحادیه اروپا، کره، ژاپن و ترکیه از جمله طرفداران پرو پا قرص حمایت از طریق مکانیسم بازار (سیاست قیمتی) هستند که با تلفیق آن با اقدامات مرزی مانند: تعرفه‌های بالا و سهمیه‌ها و مجوزهای وارداتی و غیره به حمایت از تولید داخل می‌پردازند علاوه بر این پرداخت بارانه‌های سنگین صادراتی به برخی از آنها اجازه می‌دهد که کالاها را با قیمتی کمتر از بازار داخلی صادر کنند که این امر موجب انحراف الگوی تجارت جهانی می‌شود. به این علت که قیمتهای جهانی را کمتر از حد واقعی نشان می‌دهد. به طور کلی همه کشورهای دنیا با بهره‌گیری از اصل تعرفه پلکانی محصولات فرآیندی خود را مشمول حمایت تعرفه‌ای بالا قرار می‌دهند لذا حمایت تعرفه‌ای بالا از این محصول ضروری است. تعرفه‌های سنگین ۷۵ درصد در اتحادیه اروپا و تعرفه تثبیتی ۳۵۴ درصد در ژاپن و تعرفه ۱۲۵ درصد در آمریکا به همراه سهمیه بندی واردات برای حمایت از تولید داخلی در این کشورها به منظور حمایت از این کالا اعمال می‌شود.

مرور وضعیت فعلی نظام تعرفه‌ای کشور در بخش کشاورزی نشان می‌دهد که نظام فعلی تعرفه‌های کشاورزی بر پایه نظام تک اברاری (تعرفه ارزشی) بنا شده است و نرخ تعرفه‌ها ارتباط معناداری با درآمدهای کشور و به ویژه شوک‌های

نفتی دارد و همواره با افزایش درآمدهای نفتی افزایش واردات در دستور کار قرار گرفته و برای حصول به این هدف نرخ تعرفه‌ها کاهش می‌یابد.

نحوه عمل دولتها در ایران در هنگام بروز شوک نفتی سالهای مختلف (قبل و بعد از انقلاب) با موارد گذشته هیچ گونه تفاوتی نداشته و با افزایش درآمدهای نفتی و بهبود وضعیت منابع ارزی کشور، حمایت تعرفه‌ای از بخش تولید کشاورزی به کنار گذاشته شده و با بی‌توجهی نسبت به کاهش تعرفه‌ها (سیاست افزایش نرخ تعرفه کالاهای ممنوع ورود و کاهش تعرفه کالاهای اساسی و مهمترین تولیدات کشاورزی کشور) اقدام و باعث افزایش واردات و گاه کاهش تولید داخلی شده است. به عنوان نمونه تولید شکر از ۱/۲۵۸ میلیون تن در سال ۱۳۸۵ به ۱/۰۴۴ میلیون تن در سال ۱۳۸۶ و یک سال پس از آن (۱۳۸۷) به نصف یعنی حداکثر ۵۲۰ هزار تن کاهش یافته است.

موضوع مهم دیگر تغییر و نوسان زیاد نرخ تعرفه در طول زمان است. به طوری که به عنوان نمونه نرخ تعرفه برنج از ۱۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به تعرفه ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تبدیل شده است. کاهش نرخ تعرفه در سایر غلات نیز مشاهده می‌شود تعرفه جو از اول اردیبهشت ماه تا پایان تیرماه هر سال ۲۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد و تعرفه ذرت دانه‌ای از ۱۵ شهریور ماه لغایت ۱۵ بهمن ماه هر سال ۱۰ درصد و برای سایر ایام سال ۴ درصد مصوب شده است. تعرفه اغلب میوه‌ها در چهار سال اخیر از میانگین ۲۶ درصد به ۴ درصد کاهش یافته است و از ابتدای سال ۱۳۸۴ تا ۱۸ تیر ماه این سال حقوق ورودی محصولات باغی مانند سیب، پرتقال و نارنگی هر کدام ۴۵ درصد ارزش کالا بوده ولی از آن تاریخ به منظور حمایت از مصرف کننده از ۱۸ تیر تا ۲۸ آذر ماه سال ۱۳۸۴ تعرفه واردات آن به صفر کاهش یافت و از ۲۸ آذر تا ابتدای اسفند ماه ۲۶ درصد افزایش یافت و همچنین تعرفه واردات این محصولات از اردیبهشت تا اسفند سال ۱۳۸۷ افزایش داشته و از ۱۵ اسفند تا پایان اردیبهشت سال ۱۳۸۸ سود بازرگانی اقلام صفر شده است. همچنین در وضع تعرفه پنبه، در سال ۱۳۸۵ تعرفه واردات پنبه دو نرخ (۴ درصد برای پنبه‌های با طول تار بلند و ۲۰ درصد برای پنبه‌های مشابه تولید داخلی) که در سال ۱۳۸۶ به تک نرخ ۱۵ درصد تبدیل و در سال ۱۳۸۷ تعرفه واردات پنبه صفر شد. به عنوان نمونه دلایل صفر شدن تعرفه واردات پنبه در سال ۱۳۸۷ موارد ذیل اعلام شده است:

۱- با توجه به سطح کشت و پیش بینی‌های تولید این اقدام در جهت تامین کسری محلول مورد نیاز صنایع نساجی و به دلیل درخواستهای مکرر صنایع نساجی صورت گرفته است.

۲- علاوه بر کاهش سطح زیر کشت و تولید پنبه از آنجایی که عمده واردات محلول، از کشورهای آسیای میانه و به ویژه از کشور ازبکستان صورت می‌گیرد (بیش از ۹۰ درصد واردات) و این کشور به استناد قراردادهای فی‌مابین از ۵/۵ درصد ترجیحات تعرفه برخوردار است لذا در عمل میزان تعرفه اعمال شده بدون لحاظ ۴ درصد سود بازرگانی ۵/۵ درصد بوده است. ضمناً از دلایل دیگر آن افزایش قیمت پنبه در بازار جهانی توأم با افزایش هزینه حمل و در نتیجه وضع این تعرفه در جهت متعادل کردن قیمت نخ و پارچه و پنبه داخلی بوده است.

کاهش میزان تعرفه‌ها شاید، ساده و کم اثر به نظر بیاید ولی هر گاه دولت تعرفه کالاهای کشاورزی را کاهش داده است کشاورزان با مشکلات اساسی اقتصادی روبرو شده‌اند. از مصادیق این وضعیت می‌توان به واردات بی رویه شکر که در اثر کاهش تعرفه واردات (از ۱۲۰ درصد سال ۱۳۸۳ به ۴ درصد سال ۱۳۸۶) آن به وجود آمد اشاره کرد. طی آن فرآیند کارخانه‌های قند و شکر به حالت تعطیل درآمده و دیگر خریداری برای چغندر وجود نداشت لذا کشاورزان از کشت آن منصرف شده و با توجه به نیازهای مشابه اکولوژیکی چغندر با سیب زمینی، اکثر چغندرکاران به کشت سیب‌زمینی روی آورده و قیمت سیب‌زمینی در سال ۱۳۸۷ آن قدر پایین آمد که کشاورزان را دچار مشکلات عدیده‌ای کرد تا جایی که دولت مجبور به خرید سیب‌زمینی از کشاورزان و توزیع آن به صورت رایگان بین مردم شد.

دولت برای کاهش نرخ تورمی که ناشی از اعمال سیاستهایی از قبیل افزایش نقدینگی بوده است با کاهش تعرفه واردات محصولات کشاورزی به میلیونها تولید کننده زیان وارد کرده است هر چند برخی از مسئولین کشاورزی و بازرگانی کشور برای توجیه میزان بالای واردات به ویژه محصولات کشاورزی به بسته بودن دست دولت در موضوع واردات با توجه به برخی مستندات برنامه چهارم و همچنین قانون تجارت استناد می کنند و مدعی هستند که دولت حق جلوگیری از واردات را ندارد و تنها با استفاده از بحث تعرفه می تواند واردات را محدود کرده و در این خصوص نیز فقط اجازه دارد تا ۲۰ درصد از واردات برای حمایت از تولید داخل، مالیات اخذ کند.

اطلاعات نشان می دهد که با کاهش نرخ تعرفه در نبود نظام حمایتی غیر تعرفه ای، محصولاتی مانند برنج، قند و شکر و دیگر محصولات کشاورزی، افزایش بی رویه واردات رخ داده است و در خصوص محصولاتی مانند مرکبات ایران از یک کشور صادر کننده خالص این محصول به کشوری واردکننده خالص تبدیل شده است. تاثیر این تغییرات تعرفه ای بر واردات محصولات کشاورزی نشان می دهد که دلیل اصلی وضع نرخ تعرفه پایین می تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان باشد. به نظر می رسد گاه سیاستگذاران عرصه تجاری سعی دارند با وضع تعرفه سبک واردات ارزانتر این کالاها را عملی ساخته و جنبه حمایتی تعرفه ها در عمل مغفول مانده است.

به طور کلی نظام تعرفه بخش کشاورزی علاوه بر دارا بودن خصوصیت نظام تعرفه کلان کشور، دارای ویژگیها و پیامدهایی به شرح ذیل می باشد:

۱- دولت با تغییر مآخذ محاسبه حقوق گمرکی متناسب با تغییر نرخ ارز، نسبت به تجدیدنظر در نرخ آن اقدام می نماید.

۲- دامنه پراکنش تعرفه این محصولات بالا بوده است؛ به طوری که حداکثر تعرفه گمرکی بیش از ۴۰ برابر حداقل حقوق گمرکی آن محصولات است و در واقع از برخی محصولات کشاورزی بیش از ۴ برابر قیمت سیف وارداتی حمایت اسمی صورت می گرفت.

۳- شکاف عمیقی بین میانگین های ساده و وزنی تعرفه ها مشاهده می شود این مسئله چند نکته را نشان می دهد اولاً؛ سیستم تعرفه ای کشور در بخش کشاورزی در تحدید واردات غیر موثر بوده است. ثانیاً؛ بیشتر واردات مربوط به کالاهای دارای تعرفه های پایین بوده است. ثالثاً؛ کالاهای دارای تعرفه بالا کمترین واردات را داشته اند.

۴- تعرفه های بالا عمدتاً بر کالاهای دارای ممنوعیت شرعی و کالاهای مزیت دار کشور همچون پسته و زعفران وضع شده است و عدم امکان واردات برای این قبیل کالاها به دلایل قانونی و اقتصادی باعث ایجاد شکاف بین تعرفه های ساده و اسمی شده است.

۵- در مورد محصولاتی که دربردارنده محصولات ضروری است که یا با بحث امنیت غذای جامعه در ارتباط هستند و یا جزو مواد اولیه صنعت دامپروری محسوب می شوند و برخی از آنها مانند گندم فقط از طریق دولت وارد می شود، تعرفه های پایین وضع می گردد.

۶- نظام فعلی تعرفه های کشاورزی بر پایه نظام تک ابزاری (تعرفه ارزشی) بنا شده است و نرخ تعرفه ها ارتباط معناداری با درآمدهای کشور و به ویژه شوک های نفتی دارد و همواره با افزایش درآمدهای نفتی افزایش واردات در دستور کار قرار گرفته و برای حصول به این هدف نرخ تعرفه ها کاهش می یابد. نحوه عمل دولتها در ایران در هنگام بروز شوک نفتی سالهای مختلف (قبل و بعد از انقلاب) با موارد گذشته هیچ گونه تفاوتی نداشته و با افزایش درآمدهای نفتی و بهبود وضعیت منابع ارزی کشور، حمایت تعرفه ای از بخش تولید کشاورزی به کنار گذاشته شده و با بی توجهی نسبت به کاهش تعرفه ها (سیاست افزایش نرخ تعرفه کالاهای ممنوع الورد و کاهش تعرفه کالاهای اساسی و مهمترین تولیدات کشاورزی کشور) اقدام و باعث افزایش واردات و گاه کاهش تولید داخلی شده است.

۷- موضوع مهم دیگر تغییر و نوسان زیاد نرخ تعرفه در طول زمان است. به طوری که به عنوان نمونه نرخ تعرفه برنج از ۱۵۰ درصد در سال ۱۳۸۵ به تعرفه ۲۱ درصد در سال ۱۳۸۷ تبدیل شده است.

۸- کاهش میزان تعرفه‌ها شاید، ساده و کم اثر به نظر بیاید ولی هر گاه دولت تعرفه کالاهای کشاورزی را کاهش داده است کشاورزان با مشکلات اساسی اقتصادی روبرو شده‌اند. از مصادیق این وضعیت می‌توان به واردات بی رویه شکر که در اثر کاهش تعرفه واردات (از ۱۲۰ درصد سال ۱۳۸۳ به ۴ درصد سال ۱۳۸۶) آن به وجود آمد اشاره کرد. طی آن فرآیند کارخانه‌های قند و شکر به حالت تعطیل درآمده و دیگر خریداری برای چغندر وجود نداشت لذا کشاورزان از کشت آن منصرف شده و با توجه به نیازهای مشابه اکولوژیکی چغندر با سیب زمینی، اکثر چغندرکاران به کشت سیب‌زمینی روی آورده و قیمت سیب‌زمینی در سال ۱۳۸۷ آن قدر پایین آمد که کشاورزان را دچار مشکلات عدیده‌ای کرد تا جایی که دولت مجبور به خرید سیب‌زمینی از کشاورزان و توزیع آن به صورت رایگان بین مردم شد.

۹- دولت برای کاهش نرخ تورمی که ناشی از اعمال سیاستهایی از قبیل افزایش نقدینگی بوده است با کاهش تعرفه واردات محصولات کشاورزی به میلیونها تولید کننده زیان وارد کرده است. به عبارتی کاهش نرخ تعرفه نه به دلیل حمایت از تولید کشاورزی و امنیت غذایی بوده بلکه به دلیل جبران هزینه‌های سیاستهای نادرست دیگر دولت بوده است

۱۰- اطلاعات نشان می‌دهد که با کاهش نرخ تعرفه در نبود نظام حمایتی غیر تعرفه‌ای، محصولاتی مانند برنج، قند و شکر و دیگر محصولات کشاورزی، افزایش بی‌رویه واردات رخ داده است و در خصوص محصولاتی مانند مرکبات ایران از یک کشور صادر کننده خالص این محصول به کشوری واردکننده خالص تبدیل شده است. تاثیر این تغییرات تعرفه‌ای بر واردات محصولات کشاورزی نشان می‌دهد که دلیل اصلی وضع نرخ تعرفه پایین می‌تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان باشد.

۱۱- نبود یک بسته سیاستی حمایت از بخش کشاورزی که در آن از ابزارهای متنوع سیاستی و من جمله تعرفه استفاده شده باشد که همسو و هم جهت در راستای اهداف توسعه بخش به کار گرفته شوند.

در یک جمع بندی می‌توان گفت نظام تعرفه محصولات بخش کشاورزی از دیدگاه سیاستی به اهداف خود که همانا حمایت از تولید از طریق کنترل واردات موفق عمل نکرده است به طوری که میزان واردات تحت تاثیر نرخهای تعرفه نبوده است و عدم کارایی این ابزار سیاستی را در بخش کشاورزی نشان می‌دهد. ملاحظه می‌گردد حتی در سالهایی که درصد تغییرات میانگین تعرفه افزایشی و فزاینده بوده باز هم میزان واردات بخش کشاورزی روند افزایشی داشته است و برعکس این شرایط نشان دهنده آن است که در بخش کشاورزی ایران سیاست تعرفه‌ای به دلیل روش نبودن سیاستهای تولیدی بخش، شفاف نبودن سیاستهای مرزی و مشخص نبودن جایگاه تعرفه در بسته حمایتی بخش کشاورزی به خوبی نتوانسته است به هدف خود که همانا حمایت از تولید داخلی و مدیریت واردات است نائل گردد.

۴-۲- مشکلات و موانع نظام تعرفه فعلی بخش کشاورزی

بخش بازرگانی یکی از عوامل تسریع کننده رشد و تحول در سایر بخش های اقتصادی است. نرخ تعرفه یکی از عوامل مختلف مؤثر بر کارایی این بخش است که می تواند به عنوان ابزار کنترل و سیاستگذاری در نظام بازرگانی محسوب شود و از سوی دیگر با عدم دقت در استفاده از آنها، نظام بازرگانی و سیاست های کلان اقتصادی دچار بحران شده و هر نوع برنامه ریزی در این امر اثرگذاری خود را از دست می دهد. وضع سیاست های حمایتی اهدافی را دنبال می کند که در رأس آن حمایت از تولید داخلی، حفظ سطح اشتغال و کسب درآمدهای بودجه ای قرار دارند. با این حال در تبیین این سیاست ها توجه به عمل متقابل کشورهای طرف تجاری جهت جلوگیری از آسیب های احتمالی و انزوا در محیط بین الملل ضروری است.

بررسی سیاست های تجاری و تعرفه ای کشور طی برنامه های توسعه نشان دهنده چالش ها و نقاط ضعفی برای تاثیرگذاری مثبت جهت دستیابی به اهداف مورد نظر دارد. مهمترین مواردی که می توان اشاره نمود به شرح ذیل می باشد:

(۱) سیاست های تعرفه ای کشور فاقد برنامه ریزی بلند مدت (برنامه دارای هدف و استراتژی مشخص) و دچار تصمیم های کوتاه مدت سالیانه بوده است. تصمیم هایی در خصوص سطح و پراکنش تعرفه های کشور هرساله بر مبنای دغدغه های کوتاه مدت سیاستگذار (مقابله با گرانی مقطعی روزهای سال مانند شب عید و امثالهم) با طی فرآیند در نهایت در کمیسیون ماده (۱) مقررات صادرات و واردات مصوب و اعلام می شود و هیچگونه برنامه بلند مدتی تغییرات نظام تعرفه ای را پشتیبانی نمی کند.

(۲) نداشتن برنامه ای بلند مدت جهت حمایت از تولیدات داخلی محصولات فصلی یا کالایی خاص که سیاستگذاران را وادار کرده است تنها به فکر حفظ وضع موجود باشند و با وضع تعرفه های سنگین بر محصولات دارای مزیت و صادراتی کشور توان تولیدی و صادراتی این بخش ها را حفظ و در مقابل در بخش هایی که تولید داخل مزیت چندانی نداشت است به خاطر نبود برنامه ای خاص برای توسعه تولیدات و حمایت از آنها کشور در این عرصه ها دچار نوعی روزمرگی شده و هر ساله سعی کرده است با وضع تعرفه های کمتر واردات ارزان تری را تامین کند.

(۳) ابزارهای تعرفه ای و غیر تعرفه ای ابزارهای کنترلی هستند که برای تهدید واردات در راستای حمایت از تولید داخل به کار گرفته می شوند. با توجه به کارکرد مشابه این دو ابزار لازم است در استفاده همزمان آنها دقت لازم صورت پذیرد. در ساختار تعرفه ای بخش کشاورزی ابزارهای غیر تعرفه ای در کنار ابزار تعرفه به طور همزمان به طور نامناسبی مورد استفاده قرار می گیرند.

(۴) تفاوت شدید تعرفه های اسمی و مؤثر در بخش کشاورزی است. در تمامی سال های مورد بررسی تعرفه مؤثر بخش که به صورت میانگین وزنی - براساس مقدار واردات - محاسبه شده به نحو محسوسی کمتر از تعرفه اسمی بوده است (در بخش قبل آمار ارائه گردیده است). مهمترین عواملی که موجب بروز چنین پدیده ای می گردند عبارتند از:

الف- اعمال تعرفه بالا بر ورود کالاهایی همچون مشروبات الکلی که ورود آنها ممنوع بوده و حتی در مقررات سازمان جهانی تجارت چنین ممنوعیت هایی به رسمیت شناخته شده است.

ب- درج تعرفه بسیار بالا برای کالاهایی که کشور از مزیت نسبی بالایی در مورد آنها برخوردار است و در مقابل اعمال تعرفه پایین برای کالاهای حساس چرایی چنین رویکردی در تعیین تعرفه محصولات کشاورزی را می توان در رسوب نگاه کنترل مقدار واردات در نزد کارشناسان و مسئولان بخش جستجو نمود.

۵) به اصل مزیت نسبی و توان رقابت پذیری کالاها در وضع تعرفه‌ها برای محصولات و فصول مختلف کم توجهی می‌شود به عنوان نمونه بر محصولات فصل هشتم نسبت به بیشترین فصول دیگر تعرفه های سنگین تری وضع شده است حال آنکه کشور ما در تولید بسیاری از محصولات این فصل دارای مزیت نسبی و در عرصه تجارت جهانی دارای مزیت بالایی است و در تولید برخی از محصولات این فصل بی رقیب یا کم رقیب است.

۶) به نظر می‌رسد سیاستگذاران عرصه تجاری سعی کرده‌اند با وضع تعرفه سبک بر کالاهایی که کشور مزیت نسبی و توان تولیدی بالایی در آنها ندارد، واردات ارزانتر این کالاها را عملی کند و جنبه حمایتی تعرفه‌ها تا حدودی مغفول مانده است. از جمله دلایل این رویکرد می‌تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان را ذکر کرد.

۷) افزایش یا کاهش هر ساله تعرفه‌ها اغلب بدون در نظر گرفتن توان رقابتی و حساسیت آنها سرایت داده شده است. در حالی که به نظر می‌رسد روند تغییرات تعرفه کل بخش و فصول مختلف می‌باید منبعث از یک برنامه بلند مدت باشد و تحت تاثیر تغییرات به طور عمده بیرونی و سالیانه قرار نگیرد (تغییر جهت های اساسی ساختار تعرفه به طور عمده متأثر از تغییر نرخ ارز و وضعیت درآمدهای نفتی کشور است)

۸) متأسفانه در تعیین نرخ تعرفه توجه کمی به پاره‌ای شاخص‌ها مانند میزان ارز آوری اشتغالزایی و ارتباط محصولات مختلف با بحث امنیت غذایی و به ویژه با توجه به برنامه‌های بلند مدت کشور نظیر چشم انداز بیست ساله برنامه‌های توسعه می‌شود. چون برای تعیین نرخ تعرفه معیارهای تعریف شده علمی وجود ندارد و بیشتر مقطعی و بر اساس تغییرات بازار است.

۹) مقایسه وضعیت تعرفه کشور با کشورهای دیگر نشان می‌دهد که حمایت تعرفه‌ای در کشور ما به سمت زیربخش یا کالاهایی خاص هدفمند نیست. در حالیکه اتحادیه اروپا سهم بالایی از تعرفه‌های فراتر از ۲۰ درصد در ساختار تعرفه‌ای خود را به بخش‌های حساس و اولویت دار خود مانند تولیدات دامی، لبنی شکر و غلات اختصاص داده است. در کشور ما سطح تعرفه‌های بالای ۲۰ درصد در کلیه فصول بوده و اولویت بندی خاصی مشاهده نمی‌شود.

۱۰) کشور ما از ابزارهای متنوع تعرفه‌ای در نظام تعرفه‌ای خود بهره نمی‌گیرد حال آنکه با توجه به ویژگی فصلی بودن تولیدات کشاورزی عدم تکافوی تولید داخلی برخی محصولات در شرایط فعلی یکی از مشکلات موجود نظام فعلی تعرفه‌ها تک ابزاری بودن این رژیم است که وضع تعرفه برای این قبیل محصولات را با مشکل روبرو کرده است البته به واسطه دقت کم در طراحی و اعمال نظارت مورد نیاز در حال حاضر استفاده از ابزاری مانند چند نرخ بودن تعرفه در دوره‌های زمانی مختلف سال برای واردات برخی محصولات کشاورزی نتایج چندان مناسبی به همراه نداشته است و اغلب به افزایش واردات در زمان اعمال نرخ پایین تر تعرفه منجر شده است.

۱۱) کشورهای پیشرفته از انواع ابزارهای تعرفه‌ای در حمایت از تولید داخلی خود سود می‌برند و موفقیت یک نظام تعرفه‌ای هر چند منطقی و هدفمند تا حد زیادی به نحوه اجرای آن و برخورداری از ابزارهای متنوع بستگی دارد. البته این نکته رانیز نباید از نظر دور داشت که جهت گیری‌ها در سازمان جهانی تجارت به سمت استفاده از ابزارها تعرفه ارزشی به منظور افزایش شفافیت است. از این رو مناسب است بخش کشاورزی تعادلی منطقی بین استفاده از ابزارهای تعرفه‌ای و رویکرد سازمان جهانی تجارت در استفاده از ابزار تعرفه ارزشی ایجاد کند. در همین راستا این در حالی است که سایر کشورها به ویژه کشورهای پیشرفته سیاستگذاری‌های خود را به سمت بهره گیری هر چه بیشتر از سایر ابزارها و موانع غیرتعرفه‌ای مجاز شناخته شده توسط سازمان جهانی تجارت تغییر داده‌اند به گونه‌ای که این کشورها هم اکنون در سطح بالایی از استانداردهای فنی و بهداشتی (SPS, TBT) استفاده می‌کنند همچنین این کشورها از سایر ابزارها نیز استفاده بسیار موثری در حمایت از تولیدات داخلی خود دارند. به گونه‌ای که به عنوان نمونه درصد بالایی از عوارض ضد

قیمت شکنی توسط این کشورها اعمال و از آن بر علیه کشورهای در حال توسعه و اقتصادی‌های در حال گذار استفاده شده است. ضروری است کشور در تعقیب اصلاح سیاستهای تجاری خود سازوکارهای قانونی و اجرایی لازم به منظور بهره‌گیری از ابزارهایی مانند موانع فنی و بهداشتی و عوارض جبرانی و ضد قیمت شکنی را فراهم آورد که البته در خصوص ایجاد قوانین لازم برای اعمال عوارض جبرانی و ضد قیمت شکنی اقدامهایی صورت گرفته است. اما تقویت این اقدامها و اصلاح قوانین مربوط به استانداردهای بهداشتی لازم است چرا که قوانین مربوطه در این زمینه مربوط به سالهای بسیار دور هستند و تغییر و به‌هنگام سازی آنها ضروری است (به عنوان نمونه قوانین بهداشتی و قرنطینه‌ای نباتی و دامی کشور ما مربوط به سالهای ۱۳۴۶ و ۱۳۵۰ است)

۱۲) عدم رعایت سیاستهای برنامه‌های توسعه در وضع تعرفه‌ها یکی از مشکلات نظام تعرفه ای است. در طول برنامه اول توسعه در یک نگاه بلند مدت مزیت نسبی محصولات مورد توجه قرار می‌گیرد و از میزان حمایتها به منظور رقابتی شدت تولید کشاورزی به تدریج کاسته شود. در طول برنامه دوم توسعه چرخشی در سیاستگذاری کشور در عرصه تجارت کشاورزی ایجاد گردید و بر حمایت از تولیدات داخلی و بهره‌گیری از ابزارهای تعرفه‌ای به منظور نیل به این هدف تاکید شد در هیچ یک از برنامه‌های گفته شده سیاستهای اعلام شده به خوبی مورد توجه قرار نگرفته و به نحو مناسبی عملی نشدند. در طول برنامه اول اگر چه تاکید بر کاهش حمایتها و حرکت به سمت رقابتی نمودن تولید مدنظر بود. اما عملاً سطح تعرفه‌های کشاورزی در ۴ سال اول برنامه در حد بسیار بالای ۹۴/۴۴ درصد باقی مانده و هیچ تغییری نکرده است. تنها در سال پایانی برنامه تعرفه‌های بخش کشاورزی بطور اسمی کاهش یافته که با توجه به تغییر مبنای نرخ ارز از دلاری ۷۰ ریال به ۱۷۵۰ ریال عملاً سطح اثر گذاری تعرفه‌ها افزایش یافت. در برنامه دوم توسعه نیز تاکید بر حمایت از تولیدات داخلی و بهره‌گیری از ابزار تعرفه‌ای به منظور عملی نمودن حمایتها بوده است. اما عملاً در سه سال ابتدای برنامه میانگین تعرفه‌ها افزایش بسیار اندکی یافته است و در حالی که در سال ۷۲ میانگین تعرفه‌ها ۲۵/۰۴ درصد بوده است در سالهای ۷۵ و ۷۶ به ترتیب به ۲۵/۰۱۴ و ۲۵/۲۱ درصد افزایش یافته است. این روند افزایش تعرفه‌ها با توجه به روند کاهش قیمتهای جهانی و روند افزایش قیمتهای داخلی محصولات کشاورزی طی این دوره به تنهایی قادر نبوده است کمکی به اهداف برنامه نماید و ناکارآمدی آن در پناه انواع موانع غیر تعرفه‌ای مغفول مانده است. اما در سالهای پایانی برنامه حرکت مناسبی در جهت تحقق برنامه اعلام شده صورت گرفته است و میانگین تعرفه‌ها در سالهای ۷۷ و ۷۸ به ترتیب به ۴۶/۹۶ و ۸۰/۷۴ درصد افزایش یافته است. در برنامه سوم توسعه تاکید بر تبدیل موانع غیر تعرفه‌ای و معادل سازی تعرفه آنها بوده است. در راستای این سیاست اعلام شده برنامه سوم توسعه سیاست تبدیل ممنوعیت ورود کالاها به شرط اخذ مجوز از وزارتخانه‌ها که در سال ۷۸ شروع شده بود در سال ۷۹ نیز ادامه یافت. در سال ۸۱ اعطای مجوز ورود از وزارتخانه‌های مختلف گرفته شد و در اختیار وزارت بازرگانی قرار گرفت و در نهایت در سالهای ۸۲ و ۸۳ نیز شرط ممنوعیت ورود (به جز در مورد کالاهای خاص مثلاً با ممنوعیت شرعی) برداشته شد و مجوزهای ورود نیز حذف گردید. در این راستا سهم ردیفهای ممنوع ورود که در سال ۷۷، ۴/۸ درصد بود و در سال ۷۸ به ۵/۷ درصد کاهش یافت و در طول یک روند کاهش در سال ۸۳ به ۷۷/۵۰ درصد تنزل کرد و در حال حاضر تنها محصولات دارای ممنوعیت شرعی ممنوع ورود هستند. در کل می‌توان گفت از موفق‌ترین برنامه‌ها از لحاظ عمل به سیاستهای اعلام شده در زمینه تجارت کشاورزی برنامه سوم توسعه می‌باشد.

۱۳) یکی از مشکلات نظام تعرفه‌ای وجود فشارها از طرف گروه‌ها، اتحادیه‌ها و یا سازمان‌های بخشی بر تغییرات تعرفه‌ای است به نحوی که در برخی موارد توجیه، دلیل، گزارش مکتوب و بررسی علمی برای نحوه تعیین تعرفه‌ها وجود ندارد و برخی از بخش‌های اقتصادی خاص مدت‌های طولانی از مزیت تعرفه‌های بالا برای ادامه فعالیت استفاده می‌کنند،

در حالی که مصرف کنندگان دائماً بهای عدم کارایی آن را در استفاده از تولیدات نامرغوب می‌پردازند که گویای حمایت بی قید و شرط، بی برنامه و فاقد زمان بندی از یک بخش خاص است. اصلاح این رویه گامی مهم برای جلوگیری از نگاه بخشی به مباحث کلان کشور و توجه به توجیهات و دلایل کارشناسی در نظام تعرفه هاست.

۱۴) یکی از مشکلات اساسی نظام تعرفه‌ای استفاده از روش‌های غیر شفاف و غیرمنصفانه در روش تعیین و محاسبه تعرفه است به این ترتیب که از میان چهار روش ارزشی، خاص، جایگزین و ترکیبی در برخی موارد از روش ارزشی که شفاف، قابل اندازه گیری، عادلانه، منصفانه، قابل برآورد، دارای قابلیت تثبیت و چانه زنی بوده و محاسبه آن نیز ساده و آسان است استفاده نشده و به جای آن روش تعرفه خاص مورد نظر قرار گرفته که روشی غیرشفاف و غیرمنصفانه بوده و در برابر افزایش قیمت نیز بسیار آسیب پذیر است. بنابراین با توجه به نتایج تغییرات متعدد تعرفه‌ای بر بی ثباتی بازار و ایجاد رانت اقتصادی اصلاح روش‌های مورد عمل از اهمیت بسیاری برخوردار است. استفاده از روش شفاف و دقیق ارزشی برای عموم کالاها اصلی است که موجب ارتقای کارایی نظام تعرفه‌ای شده و استفاده از روش‌ها از جمله روش تعیین تعرفه به صورت خاص باید به برخی کالاها در زمانی که روند قیمت‌ها کاهشی است محدود شود.

۱۵) فشار های تورمی (به دلیل افزایش تقاضا و شکاف میان تقاضا و عرضه) و تاثیر آنها بر قوانین واردات و صادرات به جهت تنظیم بازار و کاهش نرخهای تعرفه.

در این میان مهمترین چالشهای نظام تعرفه ای بخش کشاورزی را می توان در محورهای ذیل خلاصه نمود :

۱- اختلال در قوانین و مقررات و سیاستهای مصوب

یکی از مشکلات عمده و اساسی نظام قانونگذاری که در اغلب اوقات، موجبات اختلال در نظام اجرایی قوانین را نیز فراهم می‌آورد، وجود اصلاحیه‌های متعدد، تبصره‌های متنوع و استثنائات گوناگون است. قوانین مربوط به بخش تجارت (قانون امور گمرکی، قانون تجارت و قانون و مقررات صادرات و واردات) نیز با توجه به ارتباط مستقیم آنها با امور مالی و در نتیجه رابطه و اثر فوری بر فرآیند انجام کار و ایجاد مزیت برای بخش یا گروهی خاص همواره با اصلاحات، تبصره‌ها و استثنائات گوناگون مواجه بوده است. عمده ترین موارد ایجاد استثنا و مزیت در این امور مربوط به معافیت‌های مختلف از پرداخت حقوق گمرکی است به طوری که در تمامی برنامه‌های توسعه گذشته به موضوع معافیت‌ها توجه ویژه شده و تکرار این احکام در ماده (۴) قانون برنامه چهارم با این مضمون که برقراری هر گونه تخفیف، ترجیح و یا معافیت از پرداخت مالیات (اعم از مستقیم و یا غیرمستقیم) و حقوق ورودی علاوه بر آنچه که در قوانین مربوطه تصویب شده ممنوع است، مؤید این موضوع است که حذف و لغو معافیت‌های مندرج در قوانین مختلف یکی از اصلی ترین سیاست‌های برنامه‌ای بخش بازرگانی محسوب می‌شود. با این حال بررسی‌های صورت گرفته حاکی از آن است که علیرغم تأکید به این حکم در قوانین مختلف، اراده‌ای جدی در عمل برای اجرای آن وجود ندارد، زیرا هر بار قوانین جدیدی در ابقای این گونه معافیت‌ها ارائه شده و گروه‌های ذینفع این گونه معافیت‌ها چه به صورت منطقه‌ای و یا کالایی به دنبال حفظ منافع خود در بهره گیری از این معافیت‌ها هستند. یکی از معضلات این حمایت‌ها آن است که همواره عده‌ای در صف اخذ مجوز دریافت این مزایا قرار دارند و خود را محق دریافت این حمایت‌ها دانسته و وجود تبعیض و حمایت در کنار خود عاملی برای ایجاد فضای عدم رقابت سالم می شود.

۲- ناهماهنگی در استفاده از موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای

ابزارهای تعرفه ای و غیر تعرفه ای ابزارهای کنترلی هستند که برای تحدید واردات در جهت حمایت از تولید داخل به کار گرفته می شوند. با توجه به کارکرد مشابه این دو ابزار لازم است در استفاده همزمان آنها دقت لازم صورت پذیرد. در

ساختار تعرفه ای بخش کشاورزی ابزارهای غیرتعرفه ای در کنار ابزار تعرفه به طور همزمان به طور نامناسبی مورد استفاده قرار گرفته اند. در مورد کل بخش و کلیه فصلها علاوه بر وجود شرط ممنوعیت ورود بر روی کالاها تعرفه بالا نیز بر کالاها وضع می شود که گویای عدم توجه کافی به کارکرد این ابزارها است. وضع تعرفه های سنگین بر کالاها در حالی که واردات آنها به کلی ممنوع بوده است عملاً تنها باعث بالا رفتن غیرضرور میانگین تعرفه شده است. چنین سیاستی بیشتر در مورد فصولی که دارای کالاهای شرعاً ممنوع ورود اعمال شده است. استفاده از این سیاست در مورد کالاهای شرعاً ممنوع ورود عمدتاً به خاطر تعقیب سیاستهای سخت گیران در مورد واردات این اقلام بوده است و به نظر می رسد سیاستگذار قصد داشته است هرگونه مفری را بر روی ورود این کالاها ببندد.

۳- عدم وجود برنامه بلند مدت برای نظام تعرفه

بررسی وضعیت نظام تعرفه در گذشته نشان می دهد که سیاستهای تعرفه ای کشور فاقد برنامه ریزی بلند مدت و دچار تصمیمات کوتاه مدت سالانه بوده است. تصمیمات در خصوص سطح و پراکنش تعرفه های کشور هر ساله بر مبنای دغدغه های کوتاه مدت سیاستگذار با طی فرآیندی نهایتاً در کمیسیون ماده یک مقررات صادرات و واردات مصوب و اعلام می گردد و هیچگونه برنامه بلند مدتی در خصوص نظام تعرفه ای بخش تغییرات نظام تعرفه ای را پشتیبانی نمی کند. در حالی که به نظر می رسد روند تغییرات تعرفه کل بخش و فصول مختلف می بایست منبث از یک برنامه بلند مدت باشد و تحت تاثیر تغییرات عمدتاً بیرونی (مطالعه نشان می دهد که تغییر جهت های اساسی ساختار تعرفه عمدتاً تنها به واسطه تغییر نرخ ارز صورت گرفته است) قرار نگیرد. در این میان مشکلاتی همانند تورم بالا و نظام ارزی غیرشناور در کنار فقدان برنامه بلندمدت تعرفه ای، کارایی پایین سیاست تعرفه ای (حمایت از تولید و مدیریت واردات) را به همراه می آورد.

۴- هدفمند نبودن و پراکنش نامناسب تعرفه ها

مقایسه وضعیت تعرفه کشور با کشورهای دیگر نشان می دهد که حمایت تعرفه ای در کشور ما به سمت زیر بخش یا کالایی خاص هدفمند نیست. همانطور که جدول (۱۰) نشان می دهد اتحادیه اروپا سهم بالایی از تعرفه های فراتر از ۲۰ درصد در ساختار تعرفه ای خود را به بخشهای حساس و اولویت دار خود مانند تولیدات دامی، لبنی، شکر و غلات اختصاص داده است حال آنکه در کشور ما سطح تعرفه های بالای ۲۰ درصد در کلیه فصول بالاست و اولویت بندی خاصی مشاهده نمی شود. این سیستم تعرفه ای در کشورهای در حال توسعه بیشتر شایع است و دلیل عمده آن وابستگی بیشتر این کشورها به بخش کشاورزی و حساسیات آنها بر روی این بخش است. این امر باعث گردیده تا این کشورها در مورد اغلب کالاها و زیر بخشهای کشاورزی تعرفه های بالا اعمال نمایند. اما لزوم آمادگی برای عضویت در سازمان جهانی تجارت در پیش گرفتن جهت گیری جایگزین به منظور حمایت مناسب و مکفی از محصولات محدود تری را ضروری می سازد.

۵- عدم تجهیز نظام تعرفه ای به ابزارهای متنوع

نکته اساسی دیگر عدم بهره گیری کشور از ابزارهای متنوع تعرفه ای در رژیم تعرفه ای کشور است حال آنکه با توجه به ویژگی فصلی بودن تولیدات کشاورزی و عدم تکافوی تولید داخل برخی محصولات در شرایط فعلی یکی از مشکلات سیستم فعلی تعرفه ها تک ابزاری بودن این رژیم است که وضع تعرفه برای این قبیل محصولات را با مشکل روبه رو کرده است. همانگونه که قبلاً بیان شد کشورهای پیشرفته از انواع ابزارهای تعرفه ای در حمایت از تولید داخلی خود سود می برند و موفقیت یک رژیم تعرفه ای هرچند منطقی و هدفمند تا حد زیادی به نحوه اجرای آن و برخورداری از

ابزارهای متنوع بستگی دارد. البته این نکته را نیز نباید از نظر دور داشت که جهت گیریها در سازمان جهانی تجارت به سمت استفاده از ابزار تعرفه ارزشی به منظور افزایش شفافیت است. از این رو مناسب است بخش کشاورزی تعادلی منطقی بین استفاده از دیگر ابزار های تعرفه ای و رویکرد سازمان جهانی تجارت در استفاده از ابزار تعرفه ارزشی ایجاد نماید.

۶- دولتی بودن و حضور کمرنگ نهادهای مردم مدار در تصمیم سازی

بعد از پیروزی انقلاب انتظار می رفت که ساختار اقتصادی کشور دستخوش تغییرات اساسی گردد اما بروز بحران های پی در پی مانع هرگونه سیاست گذاری منسجم در این زمینه گردید. با این همه دولت با توجه به اهداف خود و مشکلاتی که با آن مواجه بود انحصارات خود بر تجارت خارجی را شدت بخشید به نحوی که دولتی بودن تجارت خارجی یکی از مواد قانون اساسی کشور گردید. علاوه بر این به دلیل مشروعیت بیش از پیش حضور دولت در عرصه های مختلف اقتصادی طی سال های مختلف قوانین صادرات واردات مختلفی به تصویب رسید که از آن جمله می توان از قوانین سال های ۶۵، ۶۷، ۷۲، ۷۳ و ۷۵ نام برد. به جز این قوانین انبوهی از بخش نامه ها و دستورالعمل نیز در این خصوص صادر گردیده که ارائه همگی آنها غیرممکن خواهد بود لیکن بخشی از این قوانین در بررسی برنامه های توسعه اقتصادی کشور بویژه در بخش تجارت محصولات کشاورزی معرفی خواهند شد. بخش دیگر قوانین در سالهای اخیر که نشان دهنده وضعیت موجود قوانین مربوط به تجارت خارجی کشور است که توسط مراجع تصمیم گیری مجلس شورای اسلامی، هیات وزیران، شورای اقتصاد و مجمع تشخیص مصلحت نظام اتخاذ گردیده است (سایت مجلس شورای اسلامی، سامانه قوانین و مقررات). زمینه های تصمیم گیری در خصوص میزان تعرفه (افزایش یا حذف)، نوع محصولات مورد تجارت، قراردادهای چند جانبه می باشد. بررسی قوانین مختلف تجارت خارجی کشور و از جمله بخش کشاورزی بر حسب مرجع تصمیم گیری نشان دهنده روند بیش از حد دولتی بودن بازار خارجی و کنترل آن از سوی دولت و تغییرات متناوب تصمیم گیریهای اتخاذ شده می باشد. بنابراین مشاهده می گردد که در فرآیند تعریف و تصویب نرخ های حقوق گمرکی و سودبازرگانی، نهادهای مردم مدار مرتبط (ذینفعانی که این نرخها بر فعالیت آنان تاثیر گذار می باشد) حضور و تاثیر گذاری اندکی دارند.

۷- عدم توجه کافی به اصول و مبانی اقتصادی در تعیین تعرفه

به اصل مزیت نسبی و توان رقابت پذیری کالاها در وضع تعرفه ها برای محصولات و فصول مختلف کم توجهی می شود به عنوان نمونه بر محصولات فصل هشتم نسبت به بیشترین فصول دیگر تعرفه های سنگین تری وضع شده است حال آنکه کشور ما در تولید بسیاری از محصولات این فصل دارای مزیت نسبی و در عرصه تجارت جهانی دارای مزیت بالایی است و در تولید برخی از محصولات این فصل بی رقیب یا کم رقیب است. به نظر می رسد سیاستگذاران عرصه تجاری سعی کرده اند با وضع تعرفه سبک بر کالاهایی که کشور مزیت نسبی و توان تولیدی بالایی در آنها ندارد، واردات ارزانتر این کالاها را عملی کند و جنبه حمایتی تعرفه ها تا حدودی مغفول مانده است. از جمله دلایل این رویکرد می تواند نگاه تنها وارداتی و بیشتر معطوف به مصرف کنندگان را ذکر کرد. علاوه بر این افزایش یا کاهش هر ساله تعرفه ها اغلب بدون در نظر گرفتن توان رقابتی و حساسیت آنها سرایت داده شده است. در حالی که به نظر می رسد روند تغییرات تعرفه کل بخش و فصول مختلف می باید تحت تاثیر تغییرات به طور عمده بیرونی و سالیانه قرار نگیرد (تغییر جهت های اساسی ساختار تعرفه به طور عمده متأثر از تغییر نرخ ارز و وضعیت درآمدهای نفتی کشور است). این وضعیت به دلیل آن است که برای تعیین نرخ تعرفه معیارهای تعریف شده علمی وجود ندارد و بیشتر مقطعی و بر اساس تغییرات بازار است.

اگر بخواهیم از دیدگاه جزئی و مولفه ای به مشکلات و موانع نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی نظری اجمالی داشته باشیم می توان عناصر مهم مشکل را از حوزه اهداف ، معیارها و ضوابط تعیین نرخ تعرفه، ساختار نظام تعرفه و ساختار نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری به شرح شکل ۴-۱ بر شمرد . ملاحظه می گردد که عناصر گوناگونی مانند هم جهت نبودن سیاستهای حمایتی و تعرفه ، عدم توجه به مزیت نسبی و رقابتی در تعیین نرخ تعرفه ، ضعف حضور تشکل های کشاورزی در تصمیم سازی نرخ تعرفه و کالاهای مشمول آن و غیره خود باعث ایجاد مشکل و نارسایی نظام فعلی و عدم کارایی آن با توجه به هدف سیاستی این ابزار یعنی حمایت از تولید داخلی و کاهش واردات شده است .

شکل ۴-۱: مشکلات و نارسایی های نظام فعلی تعرفه بخش کشاورزی

نارسایی در تنظیم اهداف

- ۱) ناتناسب بودن و هم جهت نبودن سیاستهای کلان اقتصادی و حمایتی بخش کشاورزی با تعرفه یا هدف حمایت موثر و منطقی
- ۲) عدم حصول انرژهای تعرفه بر حسب مرزهای نسی تولید
- ۳) کالاهای کشاورزی
- ۴) عدم تنافس سیاستهای دولت در زمینه نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در بلند مدت
- ۵) دسترسی ناتناسب به زیر ساختهای مرتبط با تنظیم بازار محصولات کشاورزی (سروخانه، انبار، شبکه های توزیع و ...)
- ۶) فقدان تشکیل نهاد غیردولتی در بخش کشاورزی
- ۷) غلبه تصمیمات سیاسی بر اقتصادی در تعیین اهداف تعرفه
- ۸) عدم هماهنگی با سیاست تولید محصولات کشاورزی و عرضه آن
- ۹) هدایت نبودن حمایت تعرفه ای بر اساس کالا
- ۱۰) عدم اهداف در تعیین تعرفه

نارسایی در معیارها و ضوابط تعیین نرخ تعرفه

- ۱) حمایت ناتناسب تجاری منطقی و مناسب به منظور حفظ پایداری تولید محصول داخلی
- ۲) عدم اعمال نرخ حمایت موثر از محصول کشاورزی (منطقی نبودن نرخ حمایت تعرفه ای)
- ۳) عدم توجه به زمان عرضه محصول به بازار (هماهنگی با زمان عرضه محصول به بازار در مورد محصولات با نرخ تعرفه فصلی)
- ۴) توجه ناکافی به اجرایی نمودن ضوابط و استانداردهای بهداشتی و سلامتی
- ۵) شناخت ناکافی از مزینهای نسی و رقابتی
- ۶) غیر واقعی بودن نرخ های تعرفه بر حسب شرایط بازار داخلی
- ۷) عدم رقابت در حوزه تجارت خارجی محصولات کشاورزی
- ۸) عدم تناسب تعرفه ها با کیفیت کالاهای تولیدی قابل رقابت با بازار جهانی
- ۹) نقش و حضور کمرنگ سازمان نظام مهندسی کشاورزی و منابع طبیعی در تدوین معیارها و ضوابط تعیین تعرفه ها
- ۱۰) عدم توجه به اصل مرزبندی نسی و توان رقابت پذیری محصولات

نارسایی در ساختار نظام تعرفه

- ۱) نامناسبی سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی و نرخ تعرفه در ساختار تصمیم گیری کشور
- ۲) فقدان توانمند سازی و ارتقای آگاهی و دانش بخش غیردولتی در خصوص نقش تعرفه و تاثیر آن بر فعالیتها و مستقیم و غیرمستقیم
- ۳) بخش کشاورزی
- ۴) تدوین ناتناسب قوانین و مقررات ناتناسب با توسعه منطقی و پایداری بخش کشاورزی و رومانی در خصوص تعرفه
- ۵) عدم ارزیابی و سنجش منابع و هزینه های نرخ های تعرفه محصولات کشاورزی قبل و پس از اعمال آن در هر مرحله
- ۶) اولویت قرار دادن منابع کوتاه مدت مصرف کنندگان شهری و ارجح دانستن مصرف کنندگان نسبت به تولید کنندگان در ارتباط با تعیین نرخ تعرفه
- ۷) عدم الزام خرید و فروش محصولات فصلی و انبارداری آن و عرضه در زمانهای مناسب
- ۸) واردات هم رویه در ایجاد تنگنای مشابه با گران منطقی در بازار محصولات کشاورزی
- ۹) حضور کمرنگ تشکیل های غیر دولتی حمایت کننده از بخش کشاورزی

نارسایی در ساختار اقتصادی و تصمیم سازی و تصمیم گیری کشور

- ۱) عدم مشارکت بخش غیر دولتی
- ۲) عدم یات در تصمیم گیریهای مربوط به تعرفه و حمایت
- ۳) ساختار بیش از حد دولتی در نظام تصمیم گیری و تصمیم سازی
- ۴) سیاستهای آزمون و خطا و عدم توجه به تجربیات گذشته و جهان
- ۵) عدم یات اقتصادی در کشور با توجه به درآمدهای نفتی
- ۶) نظارت کم بر اجرای سیاست و ارزیابی آن
- ۷) کم توجهی به نظرات کارشناسی
- ۸) سازو کار غیر کارا و گردش کار طولانی
- ۹) عدم هماهنگی تمامی دستگاههای زیربط در مورد سیاستهای حمایتی بخش کشاورزی
- ۱۰) تنظیم بازار بر اساس رویکرد وارداتی به جای رویکرد تولیدی
- ۱۱) عدم وجود دانش نیروی کار به بنده کارشناسی مرتبط در وزارت بازرگانی
- ۱۲) غیر تخصصی بودن بنده کارشناسی مرتبط با موضوع در وزارت جهاد کشاورزی

۴-۳- نظام تعرفه‌ای محصولات کشاورزی کشورهای در حال توسعه و توسعه یافته

بررسی تعرفه در برخی از کشورهای منتخب نشان می‌دهد که روند کاهش تعرفه‌ها در طول زمان قابل مشاهده است و در مقابل برای حمایت از تولید به ابزارهای حمایتی دیگر روی آورده‌اند. همچنین مشاهده می‌شود که کاهش تعرفه‌ها در طول زمان اتفاق افتاده و یکباره و بدون برنامه نبوده است. علاوه بر این اطلاعات نشان می‌دهد که روند کاهش تعرفه‌ها در بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعتی کندتر می‌باشد که این به دلیل ماهیت تولید بخش کشاورزی و لزوم حمایت از آن است. اطلاعات بر حسب گروه‌بندی محصولات نشان می‌دهد که حداکثر و حداقل نرخ تعرفه و معافیت از عوارض بر حسب کشور و ساختار اقتصادی آن متفاوت است و عموماً در کشورهای پیشرفته نرخ تعرفه کمتر از کشورهای در حال توسعه است.

با بررسی تجارب کشورها در خصوص نرخ تعرفه، نوع تعرفه و چرایی و چگونگی تغییر نرخ تعرفه محصولات کشاورزی می‌توان به مهمترین یافته‌های به شرح ذیل اشاره نمود:

۱- مهمترین نکته در بررسی نظام تعرفه کشورهای مختلف، استفاده از تعرفه به عنوان ابزار حمایتی (حمایت از تولید داخلی) می‌باشد. با توجه به این نگرش، در طول زمان نرخ تعرفه به منظور حمایت از تولید داخلی تغییر یافته است که این تغییرات بر حسب نوع محصول و درجه اهمیت آن از نظر حمایتی متفاوت بوده است. هر کشوری به دلیل مدیریت واردات و حمایت از تولید داخلی از ابزار تعرفه‌ای مناسب (فارغ از الحاق به سازمان تجارت جهانی) بهره می‌گیرد.

۲- نکته دیگر اینکه تغییر و تحول در نرخ تعرفه و ابزارهای تعرفه‌ای بر اساس یک برنامه تدوین شده کوتاه مدت و بلند مدت بخش کشاورزی بوده است. به عبارتی نرخ تعرفه ابزار سیاستی برای دستیابی به اهداف برنامه‌های توسعه بخش کشاورزی بوده و هماهنگ با آن تغییر و تحول یافته است.

۳- ابزارهای متنوع تعرفه‌ای در رژیم تعرفه‌ای کشورهای مختلف به کار گرفته می‌شود. با توجه به ویژگی فصلی بودن تولیدات کشاورزی و احتمال عدم تکافوی تولید داخل برخی محصولات نسبت به تقاضا، به‌کارگیری ابزارهای متنوع تعرفه‌ای می‌تواند پاسخگوی آن باشد.

۴- درجه و اندازه حمایت تعرفه‌ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی متفاوت است به طوری که در کشورهای OECD حمایت تعرفه‌ای بالایی از لبنیات (۱۱۶ درصد)، غلات (۷۸ درصد)، تولیدات حیوانی (۸۲ درصد)، شکر و ریشه‌ها (۶۲ درصد) به عمل می‌آورند. به عبارتی دیگر میزان حمایت از محصولات کشاورزی از طریق ابزار تعرفه‌ای بر حسب اهمیت تولیدی کالاهای مختلف بخش کشاورزی متفاوت است.

۵- از سوی دیگر اطلاعات نشان می‌دهد علاوه بر اینکه میزان حمایت تعرفه‌ای بر حسب اهمیت تولیدی محصولات کشاورزی متفاوت بوده بر حسب کشورها نیز متفاوت است. به عبارتی هر کشوری بر حسب اهمیتی که هر محصول کشاورزی در تولید بخش داشته نرخ تعرفه و میزان حمایت تعرفه‌ای متفاوت اعمال می‌نماید.

۶- اطلاعات نشان می‌دهد که در کشورهای مختلف به خاطر حمایت تعرفه‌ای بالا از کالاهای حساس و استراتژیک، پراکندگی تعرفه‌ها در این کشورها بالا است. به طوری که نرخ تعرفه در مورد کالاهای حساس و پراهمیت از نظر تولیدی بالا و در مورد بقیه محصولات پایین است.

۷- شاخص تعداد طبقات تعرفه‌ای که افزایش آنها نشان‌دهنده عدم همسانی و درجه تفاوت در تعرفه‌های مورد استفاده در کالاهای مختلف است.

۸- سازمان جهانی تجارت تأکید زیادی بر استفاده از تعرفه ارزشی به عنوان یکی از معیارهای شفافیت رژیم تجاری کشورها دارد.

۹- استفاده از تعرفه های غیر ارزشی به طور عمده مخصوص مناطق توسعه یافته و عمدتاً برای محصولات کشاورزی است. از جمله دلایل استفاده از این ابزارهای پیشرفته توسط کشورهای پیشرفته در مقایسه با کشورهای در حال توسعه می توان به قدرت حمایتی موثر تر تعرفه های غیر ارزشی نسبت به ارزشی در مقابل تولیدات کم ارزش کشورهای در حال توسعه و پیچیدگی و ظرافت این ابزارها اشاره نمود. این ابزارها قادرند ضمن حمایت موثر از تولیدات امکان حمایت متوازن در طول سال، جهت دهی واردات به سمت کالاهای دارای کیفیت و ایجاد رفاه متعادل برای مصرف کننده و تولید کننده را به همراه داشته باشند.

۱۰- درجه و اندازه حمایت تعرفه ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی و کشورهای مختلف متفاوت است. به عبارتی دیگر میزان حمایت از محصولات کشاورزی از طریق ابزار تعرفه ای بر حسب اهمیت تولیدی کالاهای مختلف بخش کشاورزی و امنیت غذایی متفاوت است.

۱۱- از سوی دیگر اطلاعات نشان می دهد علاوه بر اینکه به منظور حمایت، تعرفه برای محصولات کشاورزی وضع شده اما در کنار آن از سایر ابزارهای حمایتی مانند یارانه، پرداختهای درآمدی جبرانی مستقیم برای حمایت از بخش کشاورزی نیز استفاده شده است. به بیان دیگر بسته حمایت از تولید بخش کشاورزی شامل انواع متنوع ابزارهای سیاستی است که همسو و هم جهت به منظور حمایت از تولیدات بخش کشاورزی اتخاذ می گردد که یکی از این ابزارها، تعرفه است. بنابراین نباید انتظار داشت تعرفه به تنهایی بتواند حمایت کامل از تولید بخش کشاورزی را ایفا نماید.

۱۲- نظام تصمیم گیری در خصوص نرخ و نوع تعرفه در کشورهای مختلف متفاوت است به طوری که به عنوان مثال در ترکیه از طریق کمیته ملی تعیین می شود و فقط شرکت هایی که دارای مجوز تجارت هستند می توانند درگیر این کار شوند. به نظر می رسد عموماً دینفعان در نظام تصمیم گیری حضور دارند.

۱۳- بررسی تغییرات نرخ و نوع تعرفه در طول زمان در کشورهای مورد بررسی حاکی از در نظر گرفتن الزامات سازمان تجارت جهانی است. به عبارتی کشورهایی که فرآیند عضویت را طی کرده و یا در حال گذر از آن می باشند در تعیین نرخ و نوع تعرفه علاوه بر جنبه حمایتی آن به این الزامات نیز توجه می نمایند.

به طور کلی مهمترین ویژگیهای نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای مورد مطالعه به شرح جدول ۴-۳

می باشد.

جدول ۴-۳: ویژگیهای نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی کشورهای مورد مطالعه

ویژگی	ویژگی	ویژگی	ویژگی
تعرفه به عنوان ابزار حمایتی	متفاوت بودن درجه و اندازه حمایت تعرفه ای بر حسب نوع محصولات کشاورزی	حمایت تعرفه ای بالا از کالاهای حساس و استراتژیک	استفاده از تعرفه های غیر ارزشی در مناطق توسعه یافته و عمدتاً درخصوص محصولات کشاورزی به دلیل حمایت بیشتر از تولید کننده و مصرف کننده
تعرفه به عنوان ابزاری جهت دستیابی به اهداف کوتاه مدت و بلندمدت برنامه های توسعه کشاورزی	متفاوت بودن حمایت تعرفه ای بر حسب کشور و منطقه	استفاده از تعرفه ارزشی به جهت تاکید سازمان جهانی تجارت	بکارگیری سایر ابزارهای حمایتی در کنار ابزار حمایتی تعرفه
بکارگیری ابزارهای متنوع تعرفه ای در رژیم تعرفه ای	متفاوت بودن نظام تصمیم گیری در خصوص نرخ و نوع تعرفه در کشورهای مختلف	حضور ذینفعان در نظام تصمیم گیری	تغییرات نرخ و نوع تعرفه در طول زمان بواسطه در نظر گرفتن الزامات سازمان تجارت جهانی
اعمال کاهش تعرفه ها در طول زمان با برنامه مشخص			

۴-۴-۱- راهکارهایی در خصوص کاهش مشکلات و موانع نظام تعرفه محصولات کشاورزی

با توجه به نتایج بررسی های مطالعه حاضر، نظام تعرفه ای محصولات کشاورزی در کشورهای مورد مطالعه بر حسب معیارها و شاخص هایی با هم متفاوت می باشد. مهمترین معیارها عبارتند از:

- (۱) نوع محصول و اهمیت نسبی آن در تولید و صادرات بخش کشاورزی
- (۲) مزیت نسبی و رقابتی محصول
- (۳) اهداف و استراتژی میان مدت و بلند مدت تولید محصولات بخش کشاورزی
- (۴) میزان و درجه خودکفایی محصول
- (۵) امنیت غذایی مردم

بر اساس تفاوت معیارهای فوق بر حسب محصول مشاهده می گردد که به عنوان نمونه در کشورهای اروپایی نرخ تعرفه و ابزارهای تعرفه ای در مورد محصولات دامی متفاوت از سایر محصولات زراعی و باغی است. از این رو اصلاح نظام تعرفه ای بخش کشاورزی در ایران با توجه به معیارهای فوق و مشکلات و تنگناهای موجود امکان پذیر می باشد. بر همین اساس راهکارهای اصلاحی به شرح ذیل پیشنهاد می گردد:

۴-۴-۱-۱- رعایت ملاحظات، برنامه های بلند مدت و قوانین و مقررات در طراحی نظام تعرفه

لزوم گسترش تعامل با اقتصاد جهانی و پیگیری عضویت در سازمان جهانی تجارت به همراه پذیرش این منطق که کشور نمی تواند بر تولید کلیه کالاها در داخل اصرار ورزد این امکان را که کشور بتواند از تمامی کالاهای حمایت تعرفه ای بالایی به عمل آورد سلب می نماید. از این رو ضروری است تا با توجه به پاره ای شاخصها مانند میزان ارزآوری، اشتغال زایی و ارتباط محصولات مختلف با بحث امنیت غذایی و به ویژه با توجه به برنامه های بلند مدت کشور نظیر چشم انداز بیست ساله برنامه های توسعه و برنامه های وزارت جهاد کشاورزی، محصولات کشور را از نظر نیاز حمایتی دسته بندی نموده و حمایت تعرفه ای را به صورت هدفمند به محصولات مهم و حساس معطوف نمود. در این چارچوب، سند ملی توسعه بخش کشاورزی در برنامه پنج ساله چهارم توسعه کشور و نتایج مطالعه رحیمی بدر و همکاران (۱۳۸۸)، (به منظور تعیین

فهرست کالاهای خاص بخش کشاورزی در چارچوب مذاکرات دوره دوحه) محصولات: چغندر و نیشکر، برنج، گندم، سیب زمینی، پیاز، محصولات علوفه ای، ذرت دانه ای، جو، سبزی و صیفی، پنبه، حبوبات، دانه های روغنی، انواع محصولات دامی (گوشت قرمز، مرغ، ماهی، تخم مرغ و شیر) احصاء نموده اند. ضمن اینکه محصولات فرآیندی و فرآوری شده را نیز باید به این فهرست اضافه نمود. در این چارچوب می توان از شاخص میزان پایداری و هدفمندی کل نظام و محصولات خاص استفاده نمود.

۴-۲- مطابقت با معیارهای جهانی

پاره ای از شاخصهای مهم از دیدگاه جهانی در زمینه تعرفه ها به عنوان شاخصهای دسترسی به بازار شامل: میانگین ساده تعرفه ها، میانگین وزنی تعرفه ها، حداقل و حداکثر تعرفه ها و پراکنش آنها، فرازهای تعرفه ای، درصد استفاده از موانع غیر تعرفه ای غیر مجاز، درصد استفاده از تعرفه های ارزشی و میزان پیچیدگی رویه های وارداتی می باشند. همچنین پایداری و حداقل نوسانات نظام تعرفه نیز به عنوان یکی دیگر از شاخصهای کارآمدی و پیش بینی پذیر بودن نظام تعرفه است. در این راستا نظام تعرفه ای از دیدگاه جهانی یک نظام کارآمد و شفاف شناخته می شود که ضمن استفاده حداقلی از تعرفه های غیر ارزشی و موانع غیر تعرفه ای غیر مجاز دارای حداقل پراکندگی در سطح تعرفه ها باشد. لذا در این زمینه ضرورت دارد با توجه به معیار بند نخست و شناخت محصولات حساس حمایت تعرفه ای به سمت این محصولات هدایت شود و از پراکندگی حمایتها در مورد همه محصولات اجتناب گردد. ضمن اینکه ضرورت دارد از موانع غیر تعرفه ای مجاز در حمایت از محصولات استفاده موثری نمود.

۴-۳- بهره گیری از ابزارهای متنوع تعرفه ای و سایر موانع مجاز

از دیدگاه جهانی نظام تعرفه ای که حداقل استفاده را از سایر ابزارهای غیر تعرفه ای داشته باشد به عنوان یک نظام تعرفه ای شفاف شناخته می شود. اما نباید از نظر دور داشت که استفاده از سایر ابزارهای تعرفه (غیر ارزشی) و موانع غیر تعرفه ای مجاز از دیدگاه جهانی محدودیتی ندارد و استفاده از آنها از نگاه سازمان جهانی تجارت تخطف محسوب نمی گردد. لذا در شرایطی که فشار زیادی در سطح جهانی برای کاهش سطح اسمی تعرفه ها وجود دارد، این امکان که با بهره گیری از سایر ابزارهای تعرفه ای و غیر تعرفه ای مجاز بتوان حمایت مناسبی از محصولات کشاورزی نمود وجود دارد.

۴-۴- نگاه به سیاست تعرفه ای به عنوان جزئی از بسته سیاستهای کشاورزی و کلان کشور

با توجه به اینکه سایر سیاستهای بخش کشاورزی و کلان کشور تأثیرات متقابلی بر سطح تعرفه و حمایت از محصولات داخل دارند لذا ضروری است سیاستهای تعرفه ای کشور در تعامل و سازگاری با این سیاستها وضع گردد. چرا که در صورت هم راستا نبودن سیاستها عملاً اثرات سیاستها خنثی شده و کارکردهای آنها بی اثر می گردد. البته در سالهای اخیر در زمینه اقدامات مرزی و حمایت از تولیدات کشاورزی قوانین مختلفی در زمینه واردات وضع شده است. در برنامه چهارم توسعه در زمینه سیاستهای مرزی در بند (ز) و (ح) ماده ۳۳ تصریح شده است:

(ز) نسبت به حذف کلیه موانع غیر تعرفه ای و غیر فنی با رعایت موازین شرعی و وضع نرخهای معادل تعرفه ای با زمانبندی معین و در قالب پیش آگهی حداکثر تا پایان سال اول برنامه اقدام نماید.

(ح) تدابیر و اقدامات مؤثر حفاظتی، جبرانی و ضد دامپینگ در مواردی که کالایی با شرایط غیرمتعارف و با امتیاز قابل توجه به کشور وارد می شود را اتخاذ و اعمال نماید.

بند (ز) این ماده در واقع تنفیذ ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه بود. در راستای اجرایی نمودن ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم توسعه در سال ۱۳۸۱ مجوز ورود کالا به وزارت بازرگانی محدود گردید. در سال ۱۳۸۲ کلیه موانع غیر تعرفه ای و

مجوزهای ورود به طور کلی حذف شد. لذا بخش نخست ماده ۱۱۵ قانون برنامه سوم (و بند (ز) ماده ۳۳ برنامه چهارم) به طور کامل اجرایی گردید. اما متأسفانه بخش دوم این ماده قانونی (وضع نرخ‌های معادل تعرفه‌ای) مغفول ماند. وضعیت میانگین ساده تعرفه‌ها در سالهای حذف این موانع نشان می‌دهد (اطلاعات جدول ۴ همین گزارش) که در سال ۱۳۸۲ که موانع غیر تعرفه ای به طور کامل حذف شد میانگین ساده تعرفه های بخش کشاورزی نسبت به سال قبل از آن تنها ۶ درصد افزایش یافت. لذا این وضعیت باعث شد تا در سالهای بعد (برنامه چهارم توسعه) واردات بخش کشاورزی افزایش شدید داشته باشد.

در خصوص تدابیر اتخاذ شده در بند (ح) ماده ۳۳ نیز اگرچه اقدامات قانونی نظیر تصویب قانون ضد قیمت شکنی صورت گرفت. اما در زمینه اجرایی نمودن این قانون تاکنون اقدامی صورت نگرفته است و موردی که با توسل به این قانون بر واردات کالایی تعرفه ضد قیمت شکنی وضع گردد تاکنون مشاهده نشده است. از دیگر اقدامات می‌توان به قوانینی که مجلس در سالهای اخیر در قانون بودجه سالهای ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ به منظور حمایت از محصولات کشاورزی و کنترل واردات گنجانده است اشاره نمود.

در بند ۴۰ ماده واحده قانون بودجه سال ۱۳۸۸ مجلس تصویب نمود که به منظور تحقق درآمد مالیات بر واردات موضوع ردیف شماره ۱۱۰۴۰۰ و حمایت از تولیدات داخلی دولت مکلف است متوسط نرخ مؤثر تعرفه کالاهای وارداتی را در حد سیزده درصد (۱۳٪) تعیین و از محصول نهایی مصرفی کشاورزی در حد تعرفه خودروهای سواری و از ماشین سنگین راهسازی و کشاورزی مانند تراکتور و بلدوزر با وضع تعرفه سی درصد (۳۰٪) حمایت کند. در راستای این قانون در آبان ماه سال ۸۸ فهرست ۲۶ قلم کالای کشاورزی که تعرفه آنها به ۹۰ درصد افزایش یافته بود اعلام گردید که البته اکثر آنها محصولات غیر مهم بخش کشاورزی بودند.

در سال ۱۳۸۹ نیز در راستای حمایت از تولید کنندگان کشاورزی در جز ۱۵ قانون بودجه تصریح شد:

الف- واردات انواع محصولات کشاورزی که نقش جانشینی در تولیدات داخلی داشته باشد با حداقل ۳ برابر نرخ تعرفه مؤثر سال ۱۳۸۸ بلامانع است؛ در مورد استثناء با توافق وزارتخانه‌های جهاد کشاورزی و بازرگانی تغییرات مأخذ بلامانع است.

ب- به منظور حمایت از محصولات کشاورزی که در کشور تولید می‌گردد ولی دارای کمبود می‌باشد، واردات با حداقل ۲ برابر نرخ مؤثر تعرفه سال ۱۳۸۸ بلامانع است مشروط بر آنکه اینگونه محصولات در بازار بورس تخصصی کالا عرضه و به‌گونه‌ای تعیین تعرفه گردد که قیمت این محصولات حداکثر بیست درصد (۲۰٪) نسبت به محصولات مشابه داخلی بیشتر باشد و خارج از فصل برداشت به بازار عرضه شود.

ج- واردات کلیه محصولات کشاورزی که تولیدات داخلی آنها در حد نیاز مصرف کشور باشد، با حداقل چهار برابر تعرفه مؤثر سال ۱۳۸۸ مجاز می‌باشد.

د- واردات انواع محصولات کشاورزی فرآوری شده از قبیل کنسرو، کمپوت، آبمیوه و نظایر آن با حداقل چهار برابر نرخ تعرفه مؤثر در سال ۱۳۸۸ مجاز می‌باشد.

علی‌رغم پیگیریهای وزارت جهاد کشاورزی، مفاد این قانون نیز تاکنون اجرایی نشده است.

اما آخرین قانونی که در حمایت از محصولات کشاورزی و به منظور کنترل واردات وضع شده است، ماده ۱۶ قانون بهره‌وری است. در این ماده تصریح شده است، وزارت بازرگانی و سایر اشخاص حقیقی و حقوقی اعم از دولتی و غیردولتی قبل از واردات کالاها و یا محصولات بخش کشاورزی (اعم از خام و یا فرآوری شده) و یا مواد اولیه غذایی مورد نیاز صنایع غذایی و تبدیلی موظفند از وزارت جهاد کشاورزی مجوز لازم را اخذ نمایند. همچنین دولت مکلف است به‌منظور

حمایت از تولیدات داخلی، برای واردات کلیه کالاها و محصولات بخش کشاورزی تعرفه مؤثر وضع نماید به گونه‌ای که نرخ مبادله همواره به نفع تولیدکننده داخلی باشد.

تبصره ۱- واردات نهاده‌های تولید بخش کشاورزی (از قبیل بذر، نهال، کود و سم) با هماهنگی و اخذ مجوز وزارت جهاد کشاورزی از اعمال تعرفه مؤثر مستثنی می‌باشد.

تبصره ۲- مسؤلیت انتخاب ابزار تعرفه‌ای، تعیین سهمیه مقداری، زمان ورود و مقدار تعرفه برای کالاهای کشاورزی و فرآورده‌های غذایی با وزارت جهاد کشاورزی خواهد بود.

در راستای اجرایی نمودن این قانون وزارت جهاد کشاورزی تاکنون اقدام به وضع محدودیتهای بر واردات برخی اقلام کشاورزی نموده است. اما هنوز زود است که در زمینه میزان موفقیت اجرای این قانون قضاوت نمود.

۴-۵- تهیه بسته سیاستهای تکمیلی حمایتی

در تکمیل سیاست تعرفه ای برای حمایت از محصولات کشاورزی ضروری است، سایر سیاستها و اقدامات حمایتی نیز در نظر گرفته شوند. یکی از سیاستهای تکمیلی در این زمینه سیاست قیمت تضمینی و خرید تضمینی است. اگرچه سالهای زیادی از وضع قوانین مربوطه در این زمینه ها گذشته است، اما همچنان اجرای هماهنگ این قوانین دچار اشکال بوده و در مورد بسیاری از محصولات هیچگاه اجرایی نشده اند. لذا ضروری است به این سیاستها به عنوان سیاست مکمل سیاست تعرفه ای نگریسته شود و تلاش گردد تعرفه ها در سطحی تنظیم شوند که قیمت کالای خارجی کمتر از قیمتهای تضمینی در بازار داخلی نباشد و اگر به هر علتی امکان وضع تعرفه بالا در مورد محصولات مشمول این قوانین وجود ندارد، با سیاست خرید تضمینی زیان تولید کنندگان را به حداقل رساند.

سیاست دیگری که می تواند به عنوان مکملی برای سیاست تعرفه ای اعمال گردد، مدیریت ریسک است. به ویژه سیاست مدیریت ریسک قیمت، سیاستی است که در سالهای اخیر مورد توجه جدی قرار گرفته است و یکی از اهداف مهم راه اندازی بورس محصولات کشاورزی نیز تقویت همین سیاست است. نظر به بازار ناپایدار محصولات کشاورزی ضرورت دارد که نوسانات قیمت محصولات کشاورزی در بازار داخلی با ابزارهای مختلف موجود در بورس محصولات کشاورزی به نحوی مدیریت شود که تعادل بازار داخلی این محصولات در سطح قابل قبول فراهم گردد. صندوق تثبیت درآمد کشاورزان که در قوانین برنامه چهارم توسعه نیز گنجانده شده است یکی دیگر از ابزارهای سیاستی مکمل است که می تواند تولید کنندگان بخش کشاورزی را در مقابل نوسانات درآمدی (که بخشی از آن می تواند ناشی از نوسانات قیمت و بازار باشد) حمایت نماید.

سیاست پرداخت مستقیم از دیگر ابزارهای حمایت از تولید و تولید کنندگان است که به ویژه در اتحادیه اروپا اجرا می گردد. این سیاست که به دو صورت وابسته به سطح زیر کشت و تعداد دام و مستقل از این دو اجرا می گردد، امکان حمایت از تولید کنندگان کشاورزی را در جهت برخورداری از حداقل استانداردهای زندگی فراهم می آورد. نظر به اینکه سیاست پرداخت مستقیم مستقل (منفک شده) اثرات انحرافی بر بازارهای محصولات کشاورزی ندارد، کاربرد بسیار بیشتری داشته و در واقع جایگزین سیستم پرداخت مستقیم وابسته (به محصول و تعداد دام) شده است.

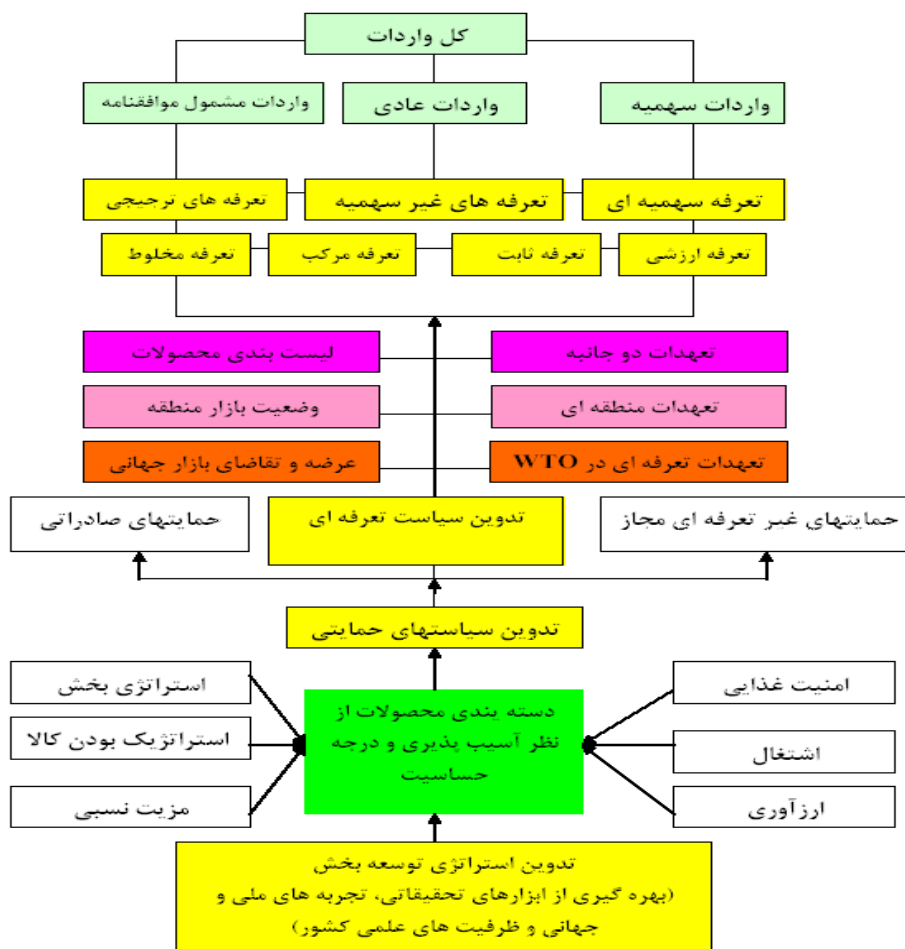
ابزار سیاستی دیگر استفاده از بیمه محصولات کشاورزی است. در بین اقسام مختلف بیمه محصولات، بیمه های درآمدی و قیمتی قادرند به عنوان مکمل سیاست تعرفه ای در جلوگیری از نوسانات قیمت و درآمد تولید و تولید کنندگان کشاورزی عمل نمایند.

نکته ای را که نباید از نظر دور داشت این است که تمامی این سیاستها در واقع جزئی از یک بسته حمایتی مدون بخش کشاورزی محسوب می گردند و ضرورت دارد از نگاه مستقل و اجرای منفرد آنها پرهیز گردد. چنانچه در طراحی و

به گارگیری این ابزارها، رویکرد بسته ای مدنظر باشد ضمن کاهش بار هزینه ای اجرای آنها، اثرات حمایتی آنها نیز افزایش خواهد یافت.

۴-۶- توجه به سیاست تولیدی بخش و کالاهای اساسی و استراتژیک در تعیین نرخ تعرفه

علاوه بر اینکه به منظور حمایت از تولید بخش کشاورزی و مدیریت واردات لازم است از ابزارهای متنوع تعرفه ای استفاده گردد بلکه لازمست به اصل مزیت نسبی و توان رقابت پذیری محصولات در وضع تعرفه توجه شده و به قاعده پلکانی و وضع تعرفه های بالاتر بر محصولات فرایندی نیز رعایت گردد. روند میانگین ساده کل محصولات و میانگین تعرفه ها در فصلهای مختلف تقریباً شبیه یکدیگر است که نشان می دهد در هر سال تعرفه ها یا کاهش یافته اند یا افزایش و این کاهش و افزایش به تمام فصل ها بدون در نظر گرفتن توان رقابتی و حساسیت آنها سرایت داده شده است. از این رو پیشنهاد می گردد نرخ تعرفه محصولات کشاورزی بر اساس سیاستهای تولیدی بخش در مورد کالاهای اساسی و استراتژیک و ماهیت ذاتی محصولات تعیین گردد. به طوری که برای محصولات اساسی و استراتژیک تضمین کننده امنیت غذایی، محصولات با فساد پذیری و قابلیت انبارداری پایین، محصولات با زنجیره ارزش و ارزش افزوده بالا (مانند محصولات فرآوری شده) نرخ تعرفه بالا و برای محصولات دیگر نرخهای تعرفه پایین تر اعمال گردد. اندازه و میزان نرخهای تعرفه به منظور حمایت از تولید و تامین امنیت غذایی کشور نیازمند تحقیق و مطالعه جداگانه ای برای هر محصول می باشد. به طور کلی می توان شمای کلی تدوین سیاست تعرفه ای بخش کشاورزی را در چارچوب استراتژی توسعه بخش در شکل ۴-۱ ملاحظه نمود.



شکل ۴-۲: شمای کلی از سازو کارهای تدوین سیاست تعرفه ای در چارچوب استراتژی توسعه بخش کشاورزی

۴-۷- توجه به تجربیات و اقدامات جهانی

بررسی تعرفه در برخی از کشورهای منتخب نشان می‌دهد که روند کاهش تعرفه ها در طول زمان قابل مشاهده است و در مقابل برای حمایت از تولید به ابزارهای حمایتی دیگر که در مقررات این سازمان مورد قبول است روی آورده اند. از سوی دیگر تجربه کشورها نشان می‌دهد که کاهش تعرفه ها در طول زمان اتفاق افتاده و یکباره و بدون برنامه نبوده است. علاوه بر این اطلاعات نشان می‌دهد که روند کاهش تعرفه ها در بخش کشاورزی نسبت به بخش صنعتی کندتر می‌باشد که این به دلیل ماهیت تولید بخش کشاورزی و لزوم حمایت از آن است. اطلاعات بر حسب گروه‌بندی محصولات نشان می‌دهد که حداکثر و حداقل نرخ تعرفه و معافیت از عوارض بر حسب کشور و ساختار اقتصادی آن متفاوت است و عموماً در کشورهای پیشرفته نرخ تعرفه کمتر از کشورهای در حال توسعه است.

برای دستیابی به معیاری برای ارزیابی سطح تعرفه‌های کشور در مقایسه با درخواستهای احتمالی سازمان جهانی تجارت از ایران یکی از موارد مورد اتکا وضعیت تعرفه‌ای کشورهای تازه ملحق شده به این سازمان است. مرور تجربه اغلب کشورهای در حال توسعه نشان می‌دهد که این کشورها تعرفه خود را در چند مرحله تثبیت کرده‌اند لذا ایران می‌تواند سطح تعرفه خود را در سطح کنونی تثبیت کند و به صورت مرحله به مرحله، سطوح تثبیت تعرفه‌های خود را کاهش دهد اگر چه سازمان جهانی تجارت تثبیت تعرفه را در سطحی بالاتر از سطوح جاری تعرفه برای کشورهای در حال توسعه مجاز دانسته اما تجربه‌های کشورهای تازه ملحق شده (در حال توسعه) نشان می‌دهد که امکان تثبیت تعرفه در سطوحی بالاتر از تعرفه جاری برای این کشورها فراهم نشده است. از این رو مناسب به نظر می‌رسد که تا زمان شروع مذاکره‌های تعرفه‌ای کشور میانگین تعرفه‌های فعلی بدون تغییر باقی مانده و تنها تغییراتی در راستای استفاده از ابزارهای تعرفه غیر ارزشی و متناسب‌تر کردن پراکنش و هدفمند کردن تعرفه‌ها صورت پذیرد. هر چند در ظاهر نرخ تعرفه محصولات کشاورزی در چند سال اخیر افزایش داشته ولی در عمل از هدفمندی مناسبی برخوردار نیست و تعرفه بسیاری از محصولات استراتژیک بدون توجه به حمایت‌هایی که از این محصولات در خارج از کشور صورت می‌گیرد کاهش یافته است ولی تعرفه محصولات ممنوع الورد سیر افزایشی داشته است. با افزایش تعرفه موارد ممنوع الورد و کاهش بسیاری از محصولات مهم و استراتژیک کشاورزی در جهت تضعیف حمایتها از بخش کشاورزی گام برداشته شده است.

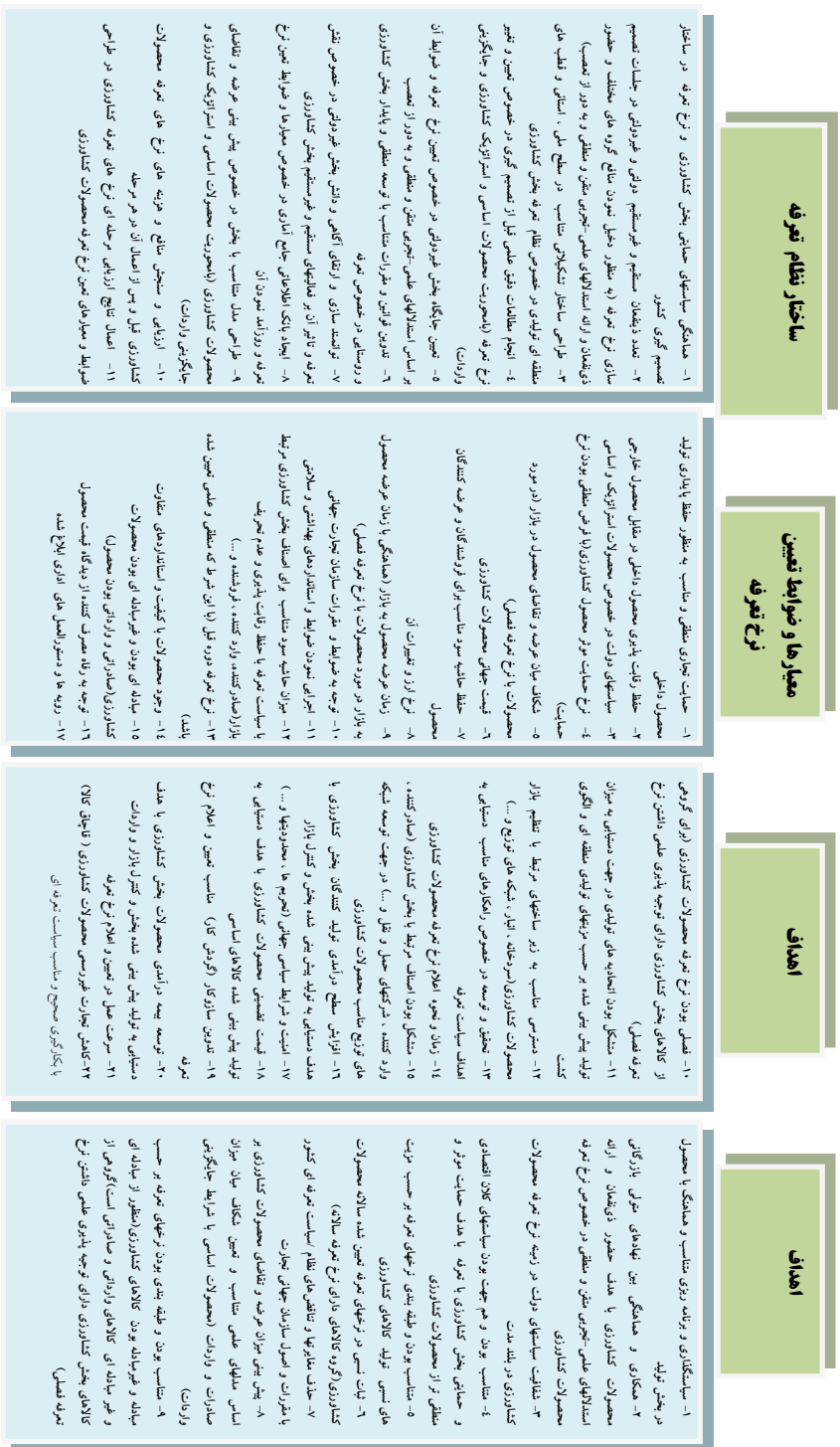
۴-۸- مشارکت ذینفعان و نهادهای مردم مدار در امر تصمیم سازی و تصمیم گیری

نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری تعرفه محصولات بخش کشاورزی در وضعیت کنونی فاقد تعامل سازنده و مناسب با بخش غیر دولتی مرتبط و نهادهای مردم مدار و ذینفعان اصلی است. در فرآیند تصمیم سازی در مورد چگونگی تعیین نرخ تعرفه بر حسب محصول، نوع ابزار تعرفه ای، زمان و مدت اجرا، نحوه و چگونگی تغییر ابزارهای تعرفه ای و سایر مطالب مرتبط لازمست محققان و اندیشمندان و ذینفعان (نمایندگان کشاورزان، نماینده اتحادیه و تعاونی های مرتبط، نماینده تشکلهای اصناف مرتبط و ...) و نمایندگان دولت حضور داشته و با تعامل سازنده در خصوص موضوعات مرتبط با تعرفه محصولات کشاورزی تصمیم سازی شود. در مرحله تصمیم گیری نیز لزوم حضور نماینده ذینفعان ضروری و الزامی است. در این خصوص می‌توان اتاق بازرگانی را به عنوان نماینده ذینفعان پیشنهاد نمود. در این صورت نقش اتاق بازرگانی به عنوان نماینده بخش غیردولتی را می‌توان در ارائه نظر مشورتی در مورد چگونگی نرخ تعرفه و تغییرات آن به قوای سه گانه، ارائه گزارشات کارشناسی در خصوص ارزیابی سیاست تعرفه ای اعمال شده و نقاط قوت و ضعف به منظور اصلاح قوانین، همکاری با دستگاههای اجرایی و سایر مراجع ذیربط به منظور اجرای قوانین و مقررات مربوط به سیاست تعرفه ای و ارزیابی وضعیت موجود و پیشنهاد ساختار مطلوب، تهیه بانکی اطلاعاتی روزآمد در خصوص نرخ تعرفه محصولات کشاورزی ایران و کشورهای منتخب برای اعمال سیاست حمایتی مطلوب، پیشنهاد سیاستهای حمایتی تکمیلی در کنار سیاست حمایتی تعرفه ای به قوای سه گانه و اطلاع رسانی و شفاف سازی اطلاعات و اخبار به ذینفعان فردی اشاره نمود. البته قبل از آن لازمست با مطالعه و تحقیق و هم اندیشی با خبرگان سازو کار مناسب حضور بخش غیردولتی و ذینفعان را شناسایی و الگوی مناسبی ارائه نمود.

از دیدگاه جزئی و مولفه ای، راهکارهای اصلاح نظام تعرفه ای موجود بخش کشاورزی شامل عناصر مهم از دیدگاه حوزه اهداف، معیارها و ضوابط تعیین نرخ تعرفه، ساختار نظام تعرفه و ساختار نظام تصمیم سازی و تصمیم گیری به شرح شکل ۴-۲ می باشد. ملاحظه می گردد که عناصر گوناگونی مانند هم جهت بودن سیاستهای حمایتی و تعرفه، توجه به مزیت نسبی و رقابتی در تعیین نرخ تعرفه حضور تشکلهای کشاورزی در تصمیم سازی نرخ تعرفه و کالاهای

مشمول آن و غیره خود باعث کاهش مشکل و نارسایی نظام فعلی موجود و افزایش کارایی آن با توجه به هدف سیاستی این ابزار یعنی حمایت از تولید داخلی و کاهش واردات خواهد شد.

شکل ۴-۳: راهکارهای کاهش مشکلات نظام فملی تعرفه بخش کشاورزی



منابع و مآخذ

- ۱- احمدی، حسین، (۱۳۷۷)، برنامه‌ریزی استراتژیک و کاربرد آن، تهران، انتشارات سایه نما.
- ۲- احمدی آهنگرکلایی، سبحان (۱۳۷۶)، طراحی مدل اندازه‌گیری و ارزیابی سطح بهره‌وری در صنعت فرش دستباف ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده مهندسی صنایع دانشگاه صنعتی امیرکبیر، تهران.
- ۳- اداره کل مقررات صادرات و واردات وزارت بازرگانی (۸۱-۱۳۶۸)، مقررات صادرات و واردات و جداول ضمیمه آن (بر اساس سیستم هماهنگ شده توصیف و کدگذاری های کالا)، موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
- ۴- آذری، مصطفی (۱۳۸۶)؛ ایران و سازمان تجارت جهانی: فرصت‌ها و چالش‌ها؛ تهران: مؤسسه تحقیقاتی تدبیر اقتصاد.
- ۵- ابراهیمی یزدی، حسن (۱۳۷۷). بررسی تاثیر عضویت ایران در سازمان تجارت جهانی بر صادرات فرش ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی.
- ۶- ابریشمی، حمید؛ محسن مهرآرا و رضا محسنی (۱۳۸۵)؛ "تأثیر آزادسازی تجاری بر رشد صادرات و واردات؛ پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، ۹۵-۱۲۶.
- ۷- اکبریان، رضا؛ علی قاضی و رضا وهام (۱۳۸۶)؛ "بررسی رابطه آزادسازی تجاری و درآمد مالیاتی در ایران"، فصلنامه بررسی‌های اقتصادی، دوره ۴، شماره ۳، صص ۲۲-۱.
- ۸- بخشوده، محمد (۱۳۸۰)؛ "پیش‌بینی تأثیرات حذف دخالت دولت از بازار گندم؛" فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، شماره ۳۵، صص ۱۷۶-۱۶۱.
- ۹- بخشوده محمد، زیبایی منصور (۱۳۸۶)، "آزادسازی تجاری کشاورزی و کاهش فقر: تجزیه و تحلیل بین‌کشوری"، اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)، ۱(۱)، صص ۳۵-۴۷.
- ۱۰- برایسون، جان. ام. برنامه‌ریزی استراتژیک برای سازمان‌های دولتی و غیرانتفاعی، ترجمه منوریان، عباس، تهران، انتشارات مرکز آموزش مدیریت دولتی.
- ۱۱- پیرایی، خسرو و بیت‌الله اکبری (۱۳۸۴). "اثر کاهش یارانه بخش کشاورزی (زراعت) و تغییر در نرخ مالیات بر کار، تولید بخشی و رفاه خانوار شهری و روستایی در ایران (بر اساس روش شبیه‌سازی تعادل عمومی محاسباتی و ماتریس حسابداری سال ۱۳۷۵)". فصلنامه پژوهشهای اقتصادی ایران، شماره ۲۲.
- ۱۲- پریزن، وحیده (۱۳۸۵)؛ اثرات کاهش تعرفه بر واردات محصولات کشاورزی منتخب در ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شیراز.
- ۱۳- پورمقیم، سیدجواد (۱۳۷۰)؛ تجارت بین‌الملل، نظریه‌ها و سیاست‌های بازرگانی، نشر نی، چاپ دوم، تهران.
- ۱۴- پیرس و رابینسون، (۱۳۷۶)، برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژیک، ترجمه خلیلی شورینی، تهران، انتشارات یادواره.
- ۱۵- جالوند، رجب (۱۳۷۸)؛ ارزیابی اثرات الحاق ایران به سازمان جهانی تجارت بر زیربخش غلات در بخش کشاورزی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهیدبهشتی، دانشکده علوم اداری.
- ۱۶- حسینی، میرعبدال...؛ زوار پرمه (۱۳۸۱)؛ "مزیت‌های نسبی، سیاست تجاری و چالش‌های فراروی کشاورزی ایران"، فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی، سال اول، شماره پنجم و ششم، صص ۸۵-۶۱.

- ۱۷- حسینی، میر عبدالله (۱۳۸۳)، سیاست تجاری کشاورزی ایران، تعیین معادل تعرفه ای واردات محصولات آن، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۳۲، پاییز ۱۳۸۳، صص ۴۰-۱.
- ۱۸- حسینی، میرعبدالله (۱۳۸۷)؛ مطالعه ای در باب تعرفه های فصلی واردات محصولات کشاورزی ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۱۹- خلیل زاده، قاسم، ساختار بازرگانی خارجی ایران و سیاستهای تعدیل و راهبردی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، معاونت امور اقتصادی، دفتر اقتصاد بین الملل، صص ۱۵ تا ۱۶.
- ۲۰- دژپسند، فرهاد. عبدیان، مسعود (۱۳۷۶)؛ "منابع و مضار پیوستن به سازمان تجارت جهانی"، مجله برنامه و بودجه، سازمان برنامه و بودجه. شماره ۱۳ و ۱۴.
- ۲۱- دهقانی، علی؛ محمد عبدی؛ کامران خردمند (۱۳۸۷)؛ "تأثیر عضویت در سازمان تجارت جهانی بر بخش صنعت ایران"، مجله علمی پژوهشی نامه مفید، سال چهارم، شماره ۶۹، جلد ۴، شماره ۲، صص ۱۲۶-۱۰۷.
- ۲۲- ذوالجناحی اسکویی، رامین (۱۳۸۲)، آثار و تبعات اقتصادی - اجتماعی الحاق ایران به سازمان تجارت جهانی با تاکید بر کاهش تعرفه ها: الگوی تعادل عمومی قابل محاسبه، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد.
- ۲۳- ذوالجناحی اسکویی، ر. (۱۳۸۲)؛ " اثرات کاهش تعرفه های وارداتی بر اقتصاد ایران"، مجموعه مقالات همایش سیاست ها و مدیریت برنامه های رشد و توسعه در ایران، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه ریزی.
- ۲۴- رازینی رحمانی، ابراهیم علی (۱۳۸۱)، سیاستهای حمایتی و پیامدهای آن در ایران، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۲۵- رحمتی، داریوش (۱۳۸۵)؛ بررسی اثرات کاهش تعرفه های وارداتی بر فقر: چهارچوب تعادل عمومی قابل محاسبه؛ پایان نامه کارشناسی ارشد اقتصاد کشاورزی دانشگاه شیراز.
- ۲۶- رحیمی بروجردی، علیرضا (۱۳۸۳)؛ "مطالعه ای کاربردی و نظری پیرامون اثرات تعرفه بر رشد اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران"؛ مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۶۶، صص ۵۶-۲۵.
- ۲۷- رحیمی، عباس (۱۳۷۹)، سیاستهای حمایتی از کشاورزی: مطالعات موردی بخشهای دام و شیلات کشور، تهران: وزارت جهاد سازندگی، مرکز تحقیقات و بررسی مسایل روستایی.
- ۲۸- رحیمی، عباس و دیگران (۱۳۷۴)، سیاستهای حمایتی با تاکید بر سیاستهای بازرگانی، تهران: موسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۲۹- سلامی، حبیب اله (۱۳۷۹)؛ "سیاست آزادسازی تجارت محصولات کشاورزی در ایران: تحلیلی در چهارچوب تعادل عمومی"؛ مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، مشهد، ج ۱، صص ۸۶-۸۲.
- ۳۰- شکیبایی، علیرضا (۱۳۷۲)؛ پروانه کمالی دهکردی؛ بررسی تطبیقی آزادسازی تجاری و تبعات و پیامدهای آن در چند کشور منتخب، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی.
- ۳۱- صادقی یا رندی، سیف الله و مسعود طارم سری (۱۳۸۵)، فرهنگ توصیفی اصطلاحات تجارت بین الملل و سازمان جهانی تجارت، شرکت چاپ و نشر بازرگانی، تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های بازرگانی، وزارت بازرگانی.

- ۳۲- طبیبی سیدکمیل، مصری نژاد شیرین (۱۳۸۶)، "آزادسازی تجاری بخش کشاورزی و کاربرد مدل های تعادل عمومی قابل محاسبه: (CGE) مطالعه خانوارهای ایرانی"، فصلنامه اقتصاد مقداری (فصلنامه بررسیهای اقتصادی)، ۴(۱)، صص ۵-۲۴.
- ۳۳- غوجی، رضا (۱۳۸۲)؛ بررسی آزادسازی تجاری بر بهره‌وری بخش صنعت کارخانه‌ای کشور با تأکید بر نرخ تعرفه گمرکی؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه تربیت مدرس، استاد راهنما: دکتر ابراهیم حسینی نسب، استاد مشاور: دکتر حسین صادقی.
- ۳۴- فتحی، ی. و همکاران (۱۳۸۱)، موانع تعرفه ای و غیر تعرفه ای صادرات ایران در بازارهای هدف، چاپ اول، مؤسسه مطالعات و پژوهشهای بازرگانی، تهران.
- ۳۵- فتحی و اجاره گاه، کورش (۱۳۸۱)، نیازسنجی آموزشی، الگوها و فنون، آبیژ، تهران.
- ۳۶- فردآر. دیوید، (۱۳۷۹)، مدیریت استراتژیک، ترجمه علی پارسایان، سید محمد اعرابی، تهران، انتشارات دفتر پژوهش های فرهنگی.
- ۳۷- فریادرس، ولی‌الله...؛ رضا مقدسی؛ (۱۳۸۳) "بررسی نظام تعرفه بخش کشاورزی ایران طی دوره ۱۳۶۱-۱۳۸۲"؛ اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۸، صص ۳۶-۱.
- ۳۸- کرباسی، علیرضا و مهدی پیری (۱۳۸۷)، "بررسی تاثیر آزاد سازی تجاری بر کشاورزی ایران"، اقتصاد کشاورزی (اقتصاد و کشاورزی)، ۲(۲)، صص ۱۹-۳۴.
- ۳۹- کمیجانی، اکبر و دیگران (۱۳۸۰)، مقررات دسترسی به بازار محصولات کشاورزی در موافقتنامه عمومی تعرفه و تجارت و اثرات آن بر اقتصاد کشاورزی ایران، وزارت کشاورزی، مؤسسه پژوهش های برنامه ریزی و اقتصاد کشاورزی، صص ۲۹-۳۳.
- ۴۰- گرچی، ابراهیم؛ معصومه علیپوریان (۱۳۸۵)؛ "تحلیل اثر آزادسازی تجاری بر رشد اقتصادی کشورهای عضو اوپک"؛ پژوهشنامه بازرگانی، شماره ۴۰، صص ۲۰۳-۱۸۷.
- ۴۱- کروگمن، پل، (۱۳۸۴)، اقتصاد بین الملل (تئوری و سیاست)، ترجمه حسین صمصامی، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۴۲- گیلانپور، اوس، یزدانی، (۱۳۷۹)؛ "بازنگری سیاست های اقتصاد کشاورزی: مطالعه موردی برنج" مجموعه مقالات سومین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۴۳- مالک، محمدرضا (۱۳۸۲)؛ جهانی شدن اقتصاد (از رویا تا واقعیت)، تهران: مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.
- ۴۴- متوسلی، محمود، (۱۳۸۰)، سیاست‌های تجاری و توسعه اقتصادی، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، تهران
- ۴۵- محبی، منیره (۱۳۷۴)؛ ارزیابی اثرات عضویت ایران در سازمان جهانی تجارت (با تأکید بر کالاهای کشاورزی)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبائی، دانشکده اقتصاد.
- ۴۶- محمدی، حمید؛ محمد نقشینه‌فرد (۱۳۸۵)؛ "اثرات آزادسازی تجاری بر عرضه، تقاضا، واردات و صادرات گندم و پسته در ایران"؛ مجله علمی پژوهشی علوم کشاورزی؛ سال دوازدهم، شماره ۱، صص ۳۲-۲۷.
- ۴۷- منتظری، شهریار (۱۳۸۵)؛ تأثیر الحاق به سازمان تجارت جهانی (WTO) بر واردات ایران با تأکید بر نرخ تعرفه‌ها؛ پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی.

- ۴۸- مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی (۱۳۸۴)؛ کشاورزی و سازمان جهانی تجارت، تهران: وزارت جهاد کشاورزی.
- ۴۹- مهرآرا، محسن؛ سجاد برخورداری (۱۳۸۶)؛ "بررسی آثار کاهش تعرفه از طریق الحاق ایران به WTO و بر بخش‌های اقتصادی در قالب مدل تعادل عمومی قابل محاسبه (CGE/AGE)"، مجله تحقیقات اقتصادی، شماره ۸۰، صص ۱۷۱-۱۹۴
- ۵۰- ولی بیگی، حسن (۱۳۸۵). اولویت بندی بازارهای هدف صادراتی و موانع حضور در آنها، مطالعه موردی: منتخبی از محصولات صادراتی مواد غذایی، فصلنامه پژوهش بازرگانی، شماره ۴۱، زمستان ۱۳۸۵، صفحات ۵۳-۸۹.
- ۵۱- هریسون، جفری، جان، کارون، (۱۳۸۲)، مدیریت استراتژیک، ترجمه بهروز قاسمی، تهران، انتشارات هیأت.
- ۵۲- هیلی، استیون، پیامدهای موافقتنامه کشاورزی دور اروگوئه برای کشورهای در حال توسعه، وزارت جهاد سازندگی، سلسله انتشارات روستا و توسعه: شماره ۳۸.
- 53- Abreu, M.(1996). Trade in manufactures; the outcome of the Uruguay Round and developing country .in Martin, W and Winters, L.A. eds .The UR and the Developing Economics, Cambridge University press.
- 54- Agbeyegbe, T. D., J. Stotsky & A. WoldeMariam. (2006). "Trade Liberalization, Exchange Rate Changes, and Tax Revenue in Sub-Saharan Africa". Journal of Asian Economics, 17: 261-284.
- 55- Anderson, J.(1996). "Tariff index theory", Review of International Economics 3:156-73.
- 56- Blake. Adam, Andrew McKay and Oliver Morrissey(2001)." The Impact on Uganda of Agricultural Trade ". CREDIT Research Paper ,No. 01/07
- 57- Ballingal , John.(2001). The pacific five free trade area: Impacts on agriculture in New Zealand.Institute of Economic Research.
- 58- Bandara, J. S. and I. Coxhead (1999)"Can trade liberalization have environmental benefits in developing country agriculture? a Sri Lanka case study"; Journal of Policy Modeling, 21(3): 349-374.
- 59- Bautista, R., Lofgren, H. and M. Thomas (1998); "Does trade liberalization enhance income growth and equity in Zimbabwe? The role of complementary policies", TMD Discussion Paper, 32: 1-30.
- 60- Bautista, Romeo, (2000). Trade and agricultural policy Reforms in Zimbabwe: A CGE analysis.International Food Policy Research Inistitue.
- 61- Carter, C.A. and Zhang, (1994); "Agricultural Efficiency Gains in Centerally Planed Economies"; Journals of Comparative Economies, 18(3); PP. 28-314
- 62- Clarret, R.L. (1989); "Economic Effects of Trade Liberalization on Philipins"; Agriculture College, Laguna, P. 23
- 63- C.Fisher, (1989), Current and Recurrent Challenges in HRM, Journal of Management, 15. no. 2, pp 157-180 .
- 64- Chu H, Hwang GJ.(2008),"A Delphi-based approach to developing expert systems with the cooperation of multiple experts". Expert Systems with Applications, 34(4): 2826-40
- 65- Deardorff, A., (2000); "International Provision of Trade services, Trade and Fragmentation"; Policy Research Working Paper 2448, World Bank, Washington DC.

- 66- Donald B. Kessing(1979), Trade Policy for Developing Countries, World Bank Staff Paper, World N.353, (Washington D.C. :Bank Pub., 1979), P138.
- 67- Dreher, A. (2006). " The Influence of Globalization on Taxes and Social Policy: An Empirical Analysis for OECD Countries". *European Journal of Political Economy*, 22: 179-201.
- 68- Edwards, Sebastian; "Openness, outward Orientation, Trade Liberalization and Economic Performance in Developing Countries", NBER Working Paper, 1989, No.2908
- 69- FAO, Commodities and Trade Division (1995); "Impact of The Uruguay Round on Agriculture"
- 70- . FAO(2006). Trade Reforms and Food Security, Country Case Studies and Synthesis, edited by: Harmon Thomas, Food and Agriculture Organization of the United Nations, Rome, 2006.
- 71- Fernandes A. M. (2007). Trade policy, trade volumes and plant-level productivity in Colombian manufacturing industries, *Journal of International Economics* 71 (2007) 52–71
- 72- Fry M, Burr G.(2001), Using the Delphi technique to design a self-reporting triage survey tool. *Accid Emerg Nurs*; 9(4): 235-41.
- 73- Gelan A. (2002). Trade liberalisation and urban–rural linkages: a CGE analysis for Ethiopia, *Journal of Policy Modeling*, 24 (2002) 707–738
- 74- Gerald Weber, G. (2003). Russia's and Kazakhstan's agro-food sectors under liberalized agricultural trade: a case for national product differentiation, *Journal of Economic Systems* 27 (2003) 391–413.
- 75- Gibson, Paul; John Wainio; Daniel Whitley and Mary Bohman, (2001); "Profiles of Tariffs in Global Agricultural Markets"; *Agriculture Economic Report No. 796*, USDA Economic Research Service, Washington D.C.
- 76- Graff, V. J.,(1949) "On Optimum Tariff Structures"; *Review of Economic Studies*, No.1
- 77- Greenway, David(1983), Trade Policy and the New Protectionism, N. Y. , St., Martin's Press.
- 78- Haberler, G.(1955), A Survey of International Trade Theory; Princeton.
- 79- Hadar, Michael and Hader, Sabine(1995), "Delphi und Kognitions Psychologie: Ein Zugang zur theoretischen Fundierung der Delphi-Methode", in: ZUMA-Nachrichten, vol. 37, No. 19, pp.12.
- 80- Harrison, Ann and Gordon Hanson (1999), "Who gains from trade reform? Some remaining puzzles", *Journal of Development Economics*, vol. 59, pp. 125-154.
- 81- Harrison, Ann(1991), "Openness and Growth: A Time-Series, Cross-Country Analysis for Developing Countries", World bank, (Mimeographed).
- 82- Havylyshyn, Oil; "Trade Policy and Productivity Gains in Developing Countries: A Survey of Literature", *The World Bank Research Observer*, Vol.5, 1990, PP. 1-24
- 83- Holmes, T., Schmitz, J., 2001. A gain from trade: from unproductive to productive activities. *Journal of Monetary Economics* 47, 417–446.
- 84- Humphrey, Thomas(1987), "Classical and Neoclassical Roots of the Theory of Optimum Tariffs", *Economic Review*, Federal Reserve Bank of Richmond, Volume 73-4, July-August.
- 85- Imani Jajarami H.(2000), Ashnaie ba ravesh Delphi va karborde an dar tasmimgiri, *Faslnameh odiriati Shahri*; 1(1): 35-9. Persian
- 86- Ingco, M.D. (1995); "Agricultural trade Liberalization in The Uruguay Round, One step forward, One step Back?"; Policy Research Working Paper, International Trade Division, International Economics Department, The World Bank

- 87- Jales, M., M.S. Jank, S. Yao and C. A. Carter (2006). Agriculture in Brazil and China: Challenges and opportunities, Institute for the integration of Latin America and the Caribbean. 1st ed.-Buenos Aires: ADB-INTAL.
- 88- Jin, J.C. (2006). "Openness, Growth, and Inflation: Evidence from South Korea before the Economic Crisis", Journal of Asian Economics, 17: 738-757.
- 89- Jong-wha-Lee(1992), "International Trade, Distortions, and Long-Run Economic Growth", IMF Working Paper, IMF, November.
- 90- Kaldor, N(1940), "A note on Tariffs and the Terms of Trade"; Economica, No. 7, November.
- 91- Khattry, B. & J.M. Rao. (2003). "Fiscal Faux Pas?: An Analysis of the Revenue Implication of Trade Liberalization". World Development, 70(8): 1431-1444.
- 92- Keesing, D(1979), "Trade Policy for Developing Countries", World Bank Staff Paper, No. 353, PP. 1-30
- 93- Keena, M. & J.E. Ligtharta. (2002). Coordinating Tariff Reduction and Domestic Tax Reform, Journal of International Economics, 489: 56-507.
- 94- Kennedy HP(2004). Enhancing Delphi research: methods and results. J Adv Nurs Mar; 45(5): 504-11.Dunham R. The Delphi technique. 1996. [Cited 2002 Mar 24]. Available from:<http://www.medsch.wisc.edu/adminmed/2002/orgbehav/delphi.pdf>
- 95- Kerstin Cuhls, "Delphi method"(2001), Fraunhofer Institute for Systems and Innovation Research,Germany,pp.96.
- 96- Koning, N., P. Pinstrup-Andersen (2007). Agricultural trade liberalization and the least developed countries, in web:
<http://www.books.google.com/books?isbn=1402060858...>
- 97- Krueger, A.O.(1980). "Trade policy an input to development" .American Economic Review 70(2).22-24
- 98- Lahiri, S., A. Nasim , J. Ghani (2000). Optimal second-best tariffs on an intermediate input with particular reference to Pakistan, Journal of Development Economics, Vol. 61 2000 393–416
- 99- Landeta J. (2006), "Current validity of the Delphi method in social sciences". Technological Forecasting and Social Change, 73(5); 467-82.
- 100-Landstra, J.A.; Dawra S.S. (1990) و "Liberalization of Agricultural Trade: The way to Strong and Profitable Agriculture"; Extention Bulletin-ASPAC-Food and Fertilizer Technology, No.324, P16
- 101-Lucas, Robert(1988), "On The Mechanics of Economic Development", Journal of Monetary Economics, Vol. 22, July 1988
- 102-Lucke, B. (2001). "Fiscal Impact of Trade Liberalization: The Case of Syria". University of Hamburgvon-Melle-Park, Working Paper No. 5, D- 20146.
- 103-Macdonald, S. L. Meyer and A. Somwaru (2003)," Perspectives on cotton global trade reforms; U.S. Department of Agriculture", Paper Prepared for Presentation at the American Agricultural economics Association Annual Meeting.
- 104- Manole V. and M. Spatareanu (2010). Trade openness and income — A re-examination, Economics Letters 106 (2010) 1–3.
- 105-Martin,W.(2001).Trade Policies, Developing Countries and Globalization. Development Research Group World Bank.
- 106- Melitz, M., 2003. The impact of trade on intra-industry reallocations and aggregate industry productivity. Econometrica 71, 1695–1725.
- 107- Milanovic, B. and L. Squire (2005). Does tariff liberalization increase wage inequality? Some empirical evidence, World Bank Policy Research Working Paper 3571, April 2005, In web: <http://www.ideas.repec.org/p/wbk/wbrwps/3571.html>

- 108-Mill, J. S.(1948) , Essay on Some Unsettled Questions in Political Economy, London School of Economics and Political Science, London.
- 109- Monjurul Hoque, M. and Z. Yusop (2010). Impacts of trade liberalisation on aggregate import in Bangladesh: An ARDL Bounds test approach, *Journal of Asian Economics* 21 (2010) 37–52
- 110-Movchan, V. and I. Eremenko (2003), "Measurement of non- tariff barriers: The case of Ukraine", prepared for the Fifth Annual Conference of the European Trade Study Group(ETSG), September 11-13, 2003, Madrid, Spain.
- 111-Mujumdar, S. (2004). Revenue Implications of Trade Liberalization under Imperfect Competition. *Economics Letters*, 82: 83-89.
- 112-Ng, Francis and Yeats, A.(1999), "Production Sharing in East Asia: Who Does What for Whom, and Why?" Policy Research Working Paper 2197, World Bank, Washington DC
- 113- OECD (2005). Agricultural Policy Reform in Brazil, Policy brief, October 2005, in web: <http://www.oecd.org/dataoecd/53/10/34506582.pdf>
- 114- Oschinski, M. (2005). A tale of two trade regimes: India's development Experience, in web:<http://www.tiger.edu.pl/publikacje/TWPN074.pdf>
- 115-Powell C. (2003),"The Delphi technique: myths and realities". *J Adv Nurs* , 41(4): 376-82.
- 116-Rebelo, Sergio(1991), "Long-Run Policy Analysis and Long-Run Growth"; *Journal of Political Economy*, June.
- 117-Santos-Paulino, A. U. (2002). The effect of trade liberalization on imports in selected developing countries, *Journal of world development*, Vol. 30, No. 6, pp. 959-974.
- 118-Schiff, M. and A. Valdes (1992); "A synthesis of Economics in Developing Countries"; *The Political Economy of Agricultural Pricing Policy*, Vol.4; Baltimore, The John Hopkins University Press.
- 119-UNCTAD (2004), *Development and Globalization, Facts and Figures*.
- 120-USDA (2001). Profiles on tariffs in global agricultural markets, edited by P. Gibson, J. Wainio, D. Whitley and M. Bohman, Us. Department of Agriculture, agricultural economic report, No. 796
- 121- World Bank.(2001).*Global Economic Prospects and the Developing Countries*, World Bank. Washington DC.
- 122- World Bank (2007). *Reforming agricultural trade for developing countries*, Volume Two: quantifying the Impact of multilateral trade reform, (Editors: Alex F. McCalla and John Nash), The World Bank, Washington, DC.
- 123- World Bank (2010).*GLOBAL AGRICULTURAL TRADE AND DEVELOPING COUNTRIES*, edited by M. Ataman Aksoy and John C. Beghin, THE WORLD BANK, Washington, D.C.
- 124- World Trade Indicators (2009). *World Trade Indicators, China trade brief*, in web: http://www.info.worldbank.org/etools/wti/docs/China_brief.pdf

